

## تفسیر کتاب الله و نسخه های آن

محمد کاظم رحمتی

### مقدمه

دانش و آگاهی ما از مسائل فرهنگی جامعه زیدیان ایران در قرون هفتم تا دهم هجری بسیار اندک است، هر چند آثار تاریخ نگاری از برخی ادوار قرون اخیر در دست است اما توجه اصلی متون اخیر بر تاریخ سیاسی است. یکی از مهمترین متون متداول تألیف شده در قرن هفتم هجری توسط عالمی زیدی به نام ابوالفضل بن شهردویر (دبیر) بن یوسف بن ابی الحسن گیلانی، اثری تفسیری مشهور به تفسیر کتاب الله است. نوشتار حاضر ضمن بررسی درباره فرد اخیر و دیگر وابستگان خاندان او، به شناسایی نسخه های مختلف تفسیر اخیر که عموماً به عنوان قرآن یا تفسیر کشف در فهرس معرفی شده، می پردازد.

### بسم

مرحوم آقابزرگ طهرانی در بحث بلند خود از آثار تفسیری در کتاب *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، از اثری به نام تفسیر ابی الفضل الدیلمی نام برده و در اشاره به نام کامل نویسنده، وی را ابوالفضل بن شهردویر بن بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن بن ابی القاسم دیلمی گیلانی مرقانی (مرکالی) معرفی کرده است. اطلاعات آقابزرگ در معرفی بیشتر تفسیر اخیر بر اساس دو

منبع بوده است؛ نخست کتاب **مطلع البدور** احمد بن صالح بن ابی الرجال یمنی (متوفی ۱۰۹۲) که در ذیل حرف فاء کتاب اخیر از ابوالفضل گیلانی نام برده و دیگری نسخه‌هایی از تفسیر اوست. در ابتدا آقابزرگ گزیده‌ای از مطالب ابن ابی الرجال را نقل کرده است. مطالب ابن ابی الرجال به نقل از مطالبی بوده که عالمی گیلانی به نام یوسف الحاجی الدیلمی ذکر کرده که ظاهراً باید اثری در معرفی عالمان زیدی طبرستان و دیلمان بوده باشد. بر طبق نوشته یوسف حاجی، ابوالفضل اثری در تفسیر قرآن، و کتابی کلامی به نام **دلایل التوحید** داشته است. حاجی همچنین اشاره کرده که پدر ابوالفضل، شهردویر، نیز از عالمان زیدی بوده و کتابی به نام **لوايح الاختيار** فی بحث النور و الروح و عذاب القبر داشته است. جد ابوالفضل، یعنی بهاء الدین یوسف مرقانی مدفون در گیل نیز اثری تفسیری داشته که آقابزرگ مدخلی نیز به وی بر اساس همین گفته اختصاص داده و در ذیل عنوان تفسیر المرقانی از آن سخن گفته است. درباره زمان زندگی بهاء الدین یوسف، آقابزرگ نوشته که برخی از مشایخ بهاء الدین در ۷۲۷ درگذشته‌اند و بر همین اساس زمان زندگی ابوالفضل را اواخر قرن هشتم هجری معرفی کرده و از معاصر بودن وی با علامه حلی (متوفی ۷۲۶) سخن گفته است. از آنجایی که مطالب بیشتری در کتاب **مطلع البدور** نیامده، توضیحات آقابزرگ درباره هویت ابوالفضل بن شهردویر و جدش بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن دیلمی به دلیل در دسترس نبودن منابع بیشتری که اطلاعات دیگری درباره افراد اخیر در برداشته باشند، به همین مطالب محدود است. پس از این مطالبی که آقابزرگ درباره شرح حال افراد اخیر یافته، توضیحات تکمیلی بر اساس نسخه‌ای از تفسیر ابوالفضل دیلمی که آقا بزرگ آن را اثری در دو مجلد ذکر کرده، آورده و نوشته است:

«... و تفسیره کبیر فی مجلدین ضخمین علی کیفیت خاصه. وهی أنه یکتب مقداراً من آی القرآن الشریف فی وسط الصفحة، ثم یکتب التفسیر علی نحو التعليق علی ألفاظ الآيات فی حواشیها؛ ولم یبتین محل التعليق بما هو المتعارف من کتابة علامة علی التعلیق و مثلها علی الموضع المعلق علیه، بل یعینه بایصال خط طویل أو قصیر بین أول التعلیق و الموضع المعلق علیه من الآية الشریفة...».

پس از این مطالب، درباره کاتب نسخه و زمان کتابت هر یک از دو مجلد چنین نوشته‌اند:

«... و المجلدان کلاهما بخط واحد کتبهما محمد بن حامد اللنگرودی لنفسه فی مدة



مدیده لأنه فرغ من أولها في ذى الحجة ٨٧١ ومن ثانيهما في ٩ شوال ٨٧٦ ثم باع النسخة بعد سنين طويلة فكتب بخطه أيضاً على ظهر المجلد الأول أنه اشترى المجلدين جناب سيادت مآب، فضائل وكمالات شعار، سيد ناصر كيا بن سيد رضى كيا التيمجاني في ٨٩٢ بشهادة شرف الموالى والفضلاء مولانا حسين ابن فقيه على حامد و فقيه حسن كماجال و مولانا أحمد المقرئ، و فقيه محمد بن فقيه على حامد و ظاهر هذه الالقباب أن المشتري والكاآب والشهود كلهم علماء فضلاء في عصرهم لم نعلم من آثارهم الا ما دلنا عليه تلك النسخة الموجودة في النجف الأشرف النفيسة القديمة من بقايا مكتبة السيد العلامة العاملى مؤلف مفتاح الكرامة...»<sup>١</sup>

درباره اینکه اثر اخير چه عنوانى داشته و نويسنده خود بر آن چه نامى نهاده، آقابزرگ

نوشته است:

«... ولم يسم هذا التفسير باسم وانما كتب المؤلف فى آخره أنه تفسير كتاب الله المتضمن لحقاآقه ودقايقه تولى جمعه الفقير المحتاج الى رحمة مولاه ابوالفضل بن شهردوير بن يوسف...»

آخرين مطالبى كه آقابزرگ در اشاره به تفسير اخير آورده، توضيحاتى درباره برخى مطالب

مندرج در تفسير است و به نحوى بسيار گذرا است:

«... وقد صرح فى تفسير آية انما وليكم الله بشبوت الولاية الالهية لخصوص مؤتى الزكاة فى الركوع، وروى حديث تفسير الصادقين بعلى عليه السلام وشيعته، و حكم بايمان أبطالب وأنه مات عليه السلام بدلالة أشعاره وكلامه فى مقاماته، ويكثر فيه الرواية عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام وكثيراً ما يوصف على بن أبطالب بأمر المؤمنين عليه السلام وفى أول سورة مريم صرح بأن حديث «نحن معاشر الانبياء لا نورث» اقتراء لاغتصاب فدك و أن المراد من «يرثنى و يرث من آل يعقوب» ارث المال لا ارث العلم و ذكر اخراج عايشة قيص رسول الله صلى الله عليه وآله ونعله عند كلامها على عثمان و عدم تعرض أحد لها و

١. بنگريد به: آقابزرگ الطهرانى، الذريعة الى تصانيف الشيعة (بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٣/١٩٨٣)، ج ٤، ص ٢٥٦-٢٥٨. درباره تفسير كتاب الله و خاندان نويسنده همچنين بنگريد به: حسن انصارى و زابنه اشمتيكة، «زيديان ايران در قرن هفتم هجرى / سيزدهم ميلادى: ابوالفضل بن شهردوير ديلمى گيلانى و تفسيرش بر قرآن»، ترجمه محمد كاظم رحمتى، پیام بهارستان، دوره دوم، سال چهارم، شماره ١٤ (زمستان ١٣٩٠ش)، ص ٦٩٥-٧٠٠.



عدم أخذهما عنها بدعوى أنهما صدقة، ثم أورد خطبة الزهراء عليها السلام واحتجاجها عليهم بعين ما ذكر في احتجاج الطبرسي...».

آقابزرگ اشاره ای بسیار مجمل درباره منابع تفسیر ابوالفضل آورده و نوشته است:

«... ویکثر عن تفسیر الشیخ الطبرسی (المتوفی ۵۴۸) و تفسیر الزمخشری (المتوفی ۵۳۸) و تفسیر الإمام الناصر للحق و عن غریب القرآن و درة الغواص للحریری (المتوفی ۵۱۶) و عن كشف المشكلات و غیر ذلك»<sup>۱</sup>.

از تفسیر ابوالفضل بن شهردویر که آقابزرگ سخن گفته، نسخه هایی دیگری نیز موجود است و براساس برخی نسخه های که در اختیارم هست، می توانی مطالب بیشتری درباره آن بیان کرد. تفسیر اخیر همانگونه که آقابزرگ نیز اشاره کرده در دو مجلد است؛ جلد اول از آغاز قرآن تا پایان سوره کهف و جلد دوم از آغاز سوره مریم تا آخر قرآن را دربردارد. شیوه کتابت آن نیز ویژگی های خاص دارد. در وسط صفحه، آیات قرآن به خطی درشت کتابت شده و در حواشی بالا، وسط و پایین آن مطالبی تفسیری آمده است. از منابع مهم تفسیری که نویسنده تفسیر به کرات از آن نقل کرده تفسیر کشاف زمخشری است. ظاهراً تفسیر **مجمع البیان** که آقابزرگ به عنوان منبع دیگر نویسنده معرفی کرده و در متن تفسیر با عنوان ابوعلی آمده، ابوعلی جبائی باشد (مثلاً بنگرید به: ج ۱، برگ ۳۴). در اطراف هر برگ، مطالب و تعلیقاتی که عموماً با خطی به محلی در نسخه متصل شده، آمده است که مطالب اخیر نشان دهنده درسی بودن تفسیر اخیر است و تعلیقات مذکور در حقیقت مطالب بیان شده در هنگام تدریس تفسیر است. شکل نگارش خاص تفسیر اخیر یعنی نگارش قرآن در وسط صفحه که تقریباً بخش اعظمی از هر صفحه را به خود اختصاص داده، باعث شده تا برخی از نسخه های موجود تفسیر اخیر توسط فهرست نگاران به عنوان قرآن معرفی شود؛ همچنین کثرت مطالب نقل شده از کشاف که می توان تفسیر اخیر را گزیده ای زیدی از آن دانست، دیگر خصلت **تفسیر کتاب الله** است که باعث شده تا برخی نسخه های آن به عنوان تحریری البته تا حدی

۱. آقابزرگ (همان، ج ۴، ص ۲۶۱) در ذیل سخن از تفسیر الأطروش، به نقل قولهایی که از تفسیر ناصر در تفسیر ابوالفضل بن شهردویر آمده اشاره کرده است. آقابزرگ (همان، ج ۴، ص ۳۱۴) در ذیل عنوان تفسیر المرقانی بسیار کوتاه مؤلف را یوسف بن (ابی) الحسن بن ابی القاسم الدیلمی المرقانی المدفون بگیل معرفی کرده و او را جد ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف که در ذیل تفسیر ابی الفضل از او سخن گفته، یاد کرده است.

متفاوت از تفسیر کشف معرفی شود. با این توضیحات به سراغ نسخه های شناخته شده از تفسیر ابوالفضل بن شهردویرمی رویم. پیش از آن باید اشاره کنم که متن تفسیر کتاب الله به صورت عکسی براساس نسخه هایی موجود از آن در کتابخانه مجلس با مقدمه دوست گرامی آقای سید محمد عمادی حائری (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش) منتشر شده است.

### نسخه های شناخته شده از تفسیر کتاب الله

سوای دوره کاملی که آقازرگ در نجف دیده و اکنون از محل دقیق آنها اطلاعی در دست نیست، از تفسیر کتاب الله نسخه های زیر شناخته شده است:

۱- نسخه شماره ۴۰۲۸ کتابخانه مجلس که مشتمل بر جلد دوم کتاب است (یعنی از سوره مریم آغاز شده و از انتها اندکی افتادگی دارد و با تفسیر آیه نخست سوره فلق پایان یافته است).<sup>۱</sup>

۲- نسخه شماره ۱۲۲۷۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مشتمل بر جلد اول تفسیر است و از انتهای آن (تفسیر سوره کف) افتادگی دارد و اساس چاپ عکسی که کتابخانه مجلس منتشر کرده، بوده است.

۳- نسخه ۱۷۹۸۲ کتابخانه مجلس که مشتمل بر جلد دوم تفسیر کتاب الله است (یعنی از سوره مریم تا آخر قرآن). در دو برگ اول نسخه، اطلاعات و یادداشت های مختلف آمده که بسیار با اهمیت است؛ از جمله در برگ اب در انتهای سمت چپ صفحه، دو یادداشتی آمده که کاتب آن محمد صالح غروی است و مطلبی درباره دو ناصر مشهور در سنت زیدیه است که اولی آنها درباره ناصر اطروش (متوفی ۳۰۴) و دیگری درباره حسن بن زید که از تاریخ گزیده و ظاهراً منبعی دیگر است. مطلب مربوط به ناصر اطروش احتمالاً از اثری زیدی مانند *الافاده* ابوطالب هارونی اخذ شده است. نام محمد صالح غروی انسان را به یاد محمد بن صالح غروی عالم نامور

۱. برای معرفی نسخه بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۴۵ش)، ج ۱۱، ص ۳۲-۳۳. در معرفی نسخه گفته شده: تفسیر قرآن؛ در متن و میان صفحه قرآن است، از سوره مریم تا پایان قرآن، و در هاشم تفسیر آیات عبری، و ترجمه برخی از واژه ها بفارسی طبرستانی است. تصویری از برگ ۲۷۷ نسخه نیز در بخش تصاویر، صفحه ۴۱۵ آمده است.



امامی و شاگردان نامور ابن ابی الجمهور احسایی، می اندازد که برخی از آثار ابن ابی جمهور به خط وی موجود است از جمله نسخه ای از کتاب *کاشفة الحال* موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ با این حال مقایسه دودست خط نشان از تفاوت جدی میان آنها دارد و محمد بن صالح غروی که نامش در برگ ۱ ب تفسیر کتاب الله آمده، نمی تواند محمد بن صالح غروی شاگرد ابن ابی جمهور باشد. در برگ ۲ ب نیز یادداشت دیگری آمده که نشان می دهد نسخه تا قرن یازدهم در ایران بوده است. یادداشت اخیر چنین است:

« در تاریخ ثمان و ستین و تسعمائة در ماه ربیع الاول، سید السادات معدن الجود و الکرامات سید هادی کیا میانهی وفات کرد. و اندی اوراق و اجزاء گذاشته؛ بدین موجب یکی جلد تفسیر ابوالفضل و یکی جلد ابانه مشبع (؟) و بعضی تفسیر اجزاء، وصیه ابن مسعود و اجزاء دیگر و رساله الشریفة عضدیة و اجزاء دیگر و دیگر چند اجزاء کنز اللغات و یکی جلد کتاب زادة المریدین (سیاسة المریدین؟) و کتاب دیگر بیکجا مجلد و شرح ملا.. و کلام منهاج بیکجا مجلد و یکی جلد متوسط»<sup>۱</sup>.

عبارت تملکی در سمت راست برگ ۲ ب آمده که نام فرد پاک شده است. مجلد اخیر کامل

است و انجامة نسخه نیز نقل شده که چنین است:

«صادف الفراغ من اتمام اتساخت المجلدة الاخری من تفسیر کلام رب الآخرة و الاولى من یوم الخمس قبل الزوال الوقت منتصف شهر المبارک رمضان ختم بالیمن والبرکة و الاحسان الواقع فی سنة تاریخها تسعین و ثمانائة من هجرة المصطفی خیر البریة لاجل المولی الموالی مولانا حاجی بن فقیه محمد (بن غماری) میانهی - اطال ایده تعالی عمرهما و زاد الله تعالی توفیقهما و نال الله تعالی مرادهما و شرف الله تعالی عزهما آمین و یارب العالمین - تحت انامل العبد الفقیر الحقیر الضعیف النحیف (دراصل: النهیف؟) المحتاج الی رحمة الله تعالی الغنی احمد بن نائب سلار بن محمد کینارودی

۱. برای تصاویر برگ اول و آخر کتاب *کاشفة الحال* ابن ابی جمهور که محمد بن صالح غروی کتابت کرده و ابن ابی الجمهور اجازه روایت آن را به وی داده است به بنگرید به: محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احسایی، *کاشفة الحال عن احوال الاستدال، تحقیق احمد کنانی (قم: مؤسسه ام القرى، ۱۴۱۶)*، بخش تصاویر اساس تصحیح.

غفر الله ذنوبهم و ستر عيوبهم بحق من لا نبى بعده و انا احمد الله على جسيم نعمائه و وسيم الآيه من توفيقى فى اختتامه و عونى وله الحمد السرمد و المدح لنبيه محمد صلى الله عليه و على آله و سلم انه خير موفق و معين بحق الحق اله العالمين». (برگ ۳۸۸ الف).

در چند برگ بعدی نیز مطالب پراکنده ای آمده و گاه منبع آن نیز معرفی شده مثل برگ ۳۸۹ ب که بندی بلند از کتاب **المقنع** ابو عمر دانی آمده و در زیر آن دو عبارت یکی از احمد بن ابی الحواری که ظاهراً از **رسالة قشیریه** باشد و پس از آن نیز عبارتی از **عیون المعارف** آمده که در آن گفته شده باری تعالی هر روز هنگام غروب خورشید به فارسی در می گوید: «چه کنم من این ستم کاران را جز آنک بیامرم جز آنک بیامرم». مطالب آمده در اوراق آخر از برگ ۳۸۸ ب تا ۳۸۹ ب به قلم کاتب نسخه یعنی احمد بن نائب (تائب) سلار بن محمد کینارودی است. در برگ ۳۸۹ ب و ۳۹۰ مطلبی از کمال الدین به دست خطی متفاوت آمده است.

۱- نسخه شماره ۲۷۷ کتابخانه ملک که متشکل بر جلد اول تفسیر است و از آغاز و انجام افتادگی دارد.<sup>۱</sup>

۲- نسخه موجود در کتابخانه مغنيسا گنل که جلد دوم تفسیر است. نسخه اخیر در حواشی مختلف تاریخی درباره مالکان نسخه و برخی حوادث تاریخی است که بسیار با اهمیت است. نسخه بعدها در تملک محمد مکی بن محمد شمس الدین من سلالة الشریف ابو عبد الله الشهید محمد بن مکی المطلبی الحارثی الهمدانی الخزرجی العاملی سنة ۱۱۶۹ بوده که تملک او بر نسخه های خطی دیگری هم در دست است. مطالب تاریخی که در این نسخه آمده را دانش پژوه به طور کامل نقل کرده است. در انجامه نسخه، کاتب چنین نوشته است:

«وارتفع عن الكاتب العقاب بعد التعب و الملل ماساة الكد و الكلال و الحمد لله المهيم المتعال بلغنى لخير الاعمال و انالنى بجميع الآمال على یدی العبد الضعیف المحتاج الى رحمة ربه اللطیف بيله فقيه بن محمد کنجه کلائی - غفر الله لهما و ستر



۱. ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک (تهران، ۱۳۵۲ ش)، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵. درباره هویت نویسنده تفسیر مطلبی ذکر نشده و عنوان اثر التفسیر ذکر شده و گفته شده که بروش دانشمندان زیدی با ترجمه بزبان طبری.

عیوبها و اسکنها بمبوحظ [مبوحوة] الجنان و رزقهما الجنة و الحورو و النعمان (شاید الغلمان) بحق محمد المبعوث الى الانس و الجنان يوم الاثنين بعد العصر السابع عشر من شهر القديم نوروز ماه (القديم) تاريخها تسع و تسعون و ثمانماية من هجرة مقصود ايجاد البرية.

اللهم و قننى و بلغنى مدارسته و مذاكرته و مطالعته و تكراره مع الطلاب بحق محمد و الآل و لمن قرأه و عمن قال أمين يا رب العالمين و السلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين فى مدرسة زين العلماء و زبدة الصلحاء و تاج الادباء و ملجأ الغرباء محمد بن نايب ملك تلجانى - سلمه الله تعالى مع اولاده فى الدراين بحق محمد و حسنين - و قرأت هذه الكتاب من سورة المدثر الى آخره عند العالم النحرير الفقيه الفاضل الفقيه يوسف كشكاجانى - طول عمره - فى مقام الموسوم به دا و الباقي مع المجلدة الاولى عند الكامل المحقق و الكاشف المدقق افضل العلماء الكاملين الفقيه محمد تلجانى - مد الله ظلّه فى الدراين بحق محمد و على و الحسنين - وقع الاختتام فى سنة تاريخها اربع و تسعمائة فى ماه القديم سياماه فى يوم الجمعة قد مضى فيه اثنا عشر يوماً و السلام على من التبع الهدى»<sup>۱</sup>.

همان گونه که اشاره کردم، شکل خاص کتابت تفسیر کتاب الله بسیار به کتابت نسخه ای از قرآن است که حواشی در اطراف دارد یا به علت کثرت نقل قولها از تفسیر کشف احتمال دارد که فهرست نگاران، نسخه هایی از آن را به عنوان کشف معرفی کرده باشند. با توجه به این دو مطلب به سراغ نسخه های دیگر شناسایی شده تفسیر کتاب الله می رویم.

### نسخه های خطی کتابت شده در سنت زیدیان ایران

خصلت خاصی که در کتابت نسخه خطی تفسیر کتاب الله دیده می شود، در حقیقت خصلتی خاص در کتابت میان زیدیان ایران است که بررسی نسخه های خطی دیگر باقی مانده از جوامع زیدی ایران به وضوح آن را تأیید می کند. اشاره شد که آقا بزرگ خصلت خاص تعلیقه نویسی بر تفسیر ابوالفضل را مورد توجه قرار داده بود و به آن اشاره کرده بود. همین مطلب را با تکیه بر تفسیر کتاب الله توسط مرحوم دانش پژوه در معرفی نسخه مغنیسا و

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش)، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶.



دیگر نسخه های از تفسیر کتاب الله، مورد اشاره قرار گرفته و نوشته است:

«نسخه ها هر صفحه در سه یا چهار ستون است؛ یک ستون آیات است با ترجمه طبری کلمات یا عبارات زیر سطور؛ یک ستون تفسیر است و هر بندی با خطی به بکلمه مربوط بآن از قرآن می پیوندد؛ ستون سوم و چهارم حواشی توضیحی این تفسیر است و آنها با خط مربوط می شود...»<sup>۱</sup>.

در حالی که مسلم است عالمان زیدی ایرانی در فاصله قرون هفتم تا دهم هجری در نواحی شمالی ایران فعالیت داشته اند و اکنون به فضل رساله ای به عنوان «رسالة فی علماء الزیدية» که توسط عالمی ناشناس زیدی ایران قرن هشتم تألیف شده، نام برخی از آنها به دست آمده است. توجه به شکل خاص تعلیقه نویسی در میان زیدیان ایران می تواند به عنوان معیاری برای شناسای دیگر نسخه های باقی مانده از زیدیان ایران به کار آید و در این میان می توان با توجه به تداول فراوان نسخه های تفسیر کتاب الله حدس زد که بتوان نسخه های دیگر از آن را شناسایی کرد.<sup>۲</sup>

در فهرست نسخه های خطی کتابخانه صدوقی یزدی (یزد - ایران)، نسخه ای به شماره ۹۵ به عنوان قرآن کریم معرفی شده که مشتمل بر سوره فاتحه تا سوره کهف است. البته حجم

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش)، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲. برخی نسخه های خطی زیدی از میراث علویان طبرستان در کتابخانه های ایران موجود است که در سه های اخیر و توسط عالمان غیر زیدی کتابت شده و خصوصیت های خاص تعلیقه نویسی در آنها مشاهده نمی شود. از این نسخه ها، می توان به نسخه های از کتاب النبوات / اعجاز نبوة النبی تألیف المؤید بالله احمد بن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱) اشاره کرد که دو نسخه از آن (مجلس، رساله اول مجموعه ۴۲۴۷ برگ های ۱-۱۵۱ پ) کتابت شده در شوال ۹۹۳ و نسخه ۹۲۷ مجموعه مشکات که نسخه دانشگاه تهران کتابتی از روی نسخه مجلس است. درباره نسخه های اخیر بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۴۵ش)، ج ۱۱، ص ۲۶۲-۲۶۳؛ علینقی منزوی، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ش)، ج ۱، ص ۷-۸. در فهرستواره دستنوشته های ایران (دنا) به کوشش مصطفی درایتی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش)، ج ۲، ص ۳۵ دو نسخه اخیر به شماره های ۲۹۸۵۷ و ۲۹۸۶۱ در ذیل عنوان اعجاز القرآن و مجهول المؤلف معرفی شده اند که لازم است در چاپ های بعدی هم عنوان و نام نویسنده اصلاح شود. اواماریا تسلیس / لیکا (Zeis /Eva -Maria Lika) تصحیح انتقادی از کتاب النبوات بر اساس نسخه های شناخته شده آن را به عنوان رساله دکتری در دست انجام دارد.



نسخه کمی غیر عادی است، یعنی ۳۵۲ برگ آنهم برای بخش اندکی از قرآن کریم. خوشبختانه تصویری از انجامة نسخه اخیر در فهرست آورده شده (ص ۷۶) که در آن خصلت خاص تعلیقه نویسی زیدیان ایرانی و شکل خاص کتابت نسخه تفسیر کتاب الله به وضوح نمایان است. تفسیر کتاب الله، تحریری زیدی عمدتاً از تفسیر کشف جار الله زمخشری (متوفی ۵۳۸) است که تفسیرش شهرت مهمی در روزگار خود داشته و سنت تفسیرنگاری پس از خود را کاملاً متأثر از خود کرده است. ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف بن ابی الحسن دیلمی که بر اساس اطلاعاتی که در خصوص نیای او یوسف بن ابی الحسن دیلمی (متوفی پیش از ۶۱۴) در اختیار داریم از عالمان زیدی نیمه نخست قرن هفتم هجری است، سوای تفسیر کتاب الله، آثار دیگری نیز نگاشته که تا کنون اثری از آنها به دست نیامده است. تفسیر کتاب الله که در دو جلد تنظیم شده است، مشتمل بر تفسیر قرآن کریم از آغاز تا پایان سوره کهف (مجلد اول) و سوره مریم تا آخر قرآن (جلد دوم) است و بر اساس نسخه هایی مختلف شناسایی شده از آن، مهمترین متن تفسیری متداول در میان عالمان زیدی ایرانی در فاصله قرن هفتم تا دهم هجری بوده است.

در انجامة نسخه های تفسیر کتاب الله اطلاعات مهمی در خصوص عالمان زیدی ایرانی می توان یافت. نسخه معرفی شده به عنوان قرآن در کتابخانه صدوقی یزد که مجلد نخست تفسیر کتاب الله ابوالفضل بن شهردویر است که کتابخانه مجلس تصویر نسخه برگردان آن را چندی پیش با مقدمه دوست فاضل آقای سید محمد عمادی حائری منتشر کرده از چند جهت حائز اهمیت است. نخست آنکه مجلد اول نسخه مجلس از انتها اندکی افتادگی دارد و بخشی از تفسیر سوره کهف که بخش پایانی جلد اول است، در آن ناقص است. اهمیت دیگر نسخه اخیر، در انجامة نسخه آن است. ابتدا بهتر است تا متن آن را به طور کامل نقل کنیم:

«الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب فلم يجعل له عوجاً واعان باتمام تنمیق بعضه عبداً محوجاً / والصلوة علی رسوله الذی // دخل الناس فی دینه افواجاً / وآله الذین کانوا // سماه الهدی نجومماً وفی بحر العلوم // امواجاً العبد الحقیر // المحتاج الی رحمة (در اصل رحمت؟) خالق الامم یوسف بن رستم // الموطن ببلاللم لاجل الفقیه العالم العامل // الاجل فقیه سلیمان بن فقیه حسن جما // ستانی اسعده الله تعالی فی الداء // رین وابلغه الامانی بحق // القرآن والسبع المثانی //



والسلام علی من // قراء و عمل به».

در زیر انجام مذکور تاریخ فراغت از استتساخ نسخه نیز چنین ذکر شده است:

«قد وقع الفراغ من کتبه صیحة يوم الاحد سابعة عشر من شهر الله المبارک صفر فی

تاریخ اربع وثمانین وثمانائة من هجرة خیر البرية والسلام و به نسعتین»<sup>۱</sup>.

درباره فقیه احتمالاً زیدی که نامش در اینجا آمده یعنی سلیمان بن حسن جماستانی

اجمالاً مطلبی نیافتم اما درباره برادر وی یعنی یوسف بن حسن جماستانی نامش در نسخه

۶۶۲۳ دانشگاه تهران آمده است که آن نسخه نیز ارتباطی با تفسیر کتاب الله دارد و توصیف

دقیقی از آن را مرحوم دانش پژوه آورده است.<sup>۲</sup>

تفسیر کتاب الله متن بسیار با اهمیت و مهمی بوده و عجیب نیست که با بررسی دقیقتر

فهرست های نسخه های خطی بتوان همچنان نسخه ای تازه از آن یافت. نسخه خطی شماره

۲۱۳۹۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی که نخستین بار توسط آقای براتعلی غلامی مقدم در

مجلد ۲۲ فهرست آن کتابخانه با عنوان تفسیر القرآن الکریم معرفی شده است. خصلت خاص

کتابت نسخه البته مورد توجه ایشان قرار گرفته و در اشاره به آن نوشته اند:

مؤلف شناخته نشد (از مفسران شیعه است). در این نسخه آیه یا آیاتی در جدول

کوچک مربع یا مستطیل نگاشته شده و در جدول بزرگ و خارج آن به توضیح و

۱. برای توصیف نسخه در فهرست مذکور بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه صدوقی یزدی (یزد-

ایران)، نگارش سید احمد حسینی اشکوری (قم؛ مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ ش/ ۱۴۲۵)، ص ۷۵-۷۶.

۲. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

(تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش)، ج ۱۶، ص ۳۱۴-۳۱۹. درباره نویسنده تفسیر کتاب الله مطالب چندانی

دانسته نیست جز آنکه جد اعلی او یوسف بن ابی الحسن بن ابی القاسم دیلمی به احتمال قوی پیش از ۶۱۴

درگذشته است و آنچه که در کتابهای تراجم نگاری نیز در خصوص او آمده بسیار اندک است. آقا بزرگ طهرانی در

طبقات اعلام الشیعة: الأنوار الساطعة فی المائة السابعة، تحقیق علینقی منزوی (بیروت: دارالکتاب العربی،

۱۹۷۲)، ص ۱۳۱-۱۳۲ به نحو بسیار موجزی در ذیل نام او (ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف بن ابی الحسن

بن ابی القاسم دیلمی مرقانی) نوشته است: «ترجم والده و جدده فی مطلع البدور فی عداد علماء الزیدیه لکن

تفسیر الکبیر لصاحب الترجمة یشهد بأنه إمامی یرفض الخلافة الظاهرية فی کثیر من المواضع و منها فی أول سورة

مریم حیث ذکر أن حدیث «نحن الأنبياء لا نورث»، إفتراء منها لاغتصاب فدک إلى غیر ذلك و یکتفیه النقل

عن الزمخشری (م ۵۳۸) و عن الطبرسی (م ۵۴۸)». مطالب بیشتری که در خصوص او اکنون به دست آمده در

مقاله و در پیوست مورد بحث قرار گرفته است.



تفسیر آیات پرداخته شده و تفسیر آیات توسط پاره خط مشخص گردیده است...»  
 در ادامه مطالب مفیدی هم در معرفی نسخه آمده است. کتابت نسخه در روز پنجشنبه هفتم رمضان ۸۸۹ توسط احمد بن سلار کینارودی (نسبت ایشان را فهرست نگار کینا دوزی خوانده اند) (ج ۲۲، ص ۱۶۷-۱۶۸). نسخه به جهت یکی از عالمان زیدی یعنی نورالله بن علی اشکوری کتابت شده است. در هر حال بررسی بیشتر نسخه لازم و ضروری است. در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فخا) ج ۸، ص ۸۳۷ باز نسخه اخیر معرفی شده و مطالب آمده مشتمل بر نکاتی است که نشان می دهد برای معرفی نسخه به آن مراجعه مجدد شده و گفته شده که نسخه ارتباط بسیاری نزدیکی با کشف زمخشری دارد به گونه ای که تفسیر حاضر را خلاصه کشف معرفی کرده اند. نسخه منتشر شده عکسی تفسیر کتاب الله مجلس (جلد اول آن) از آخر افتادگی دارد و امتیاز نسخه حاضر آن است که کامل است و دیگر آنکه چند برگ اول نسخه مجلس به سختی قابل خواندن است و ظاهراً نسخه حاضر وضع بهتری داشته باشد.<sup>۱</sup>

در فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی - طاب ثراه - در مجلد ۳۱، ص ۶۵۱ نسخه ای از کشف زمخشری معرفی شده که مشتمل بر تفسیر آیه ۶۲ سوره مبارکه مریم است تا اواخر سوره نصر. توجه من به این نسخه (شماره ۱۱۲۵۶۶) نخست بر اساس تصویری بوده که از برگگی از نسخه در انتها آمده بود که خصلت کتابت و تعلیقه نویسی نسخه های زیدیان طبرستان را نشان می داد. تذکر فهرست نگار که نسخه حاضر با متن چاپ

۱. در خصوص تفسیر کتاب الله آستان قدس رضوی که به تازگی یافته بودم، نکته ای دیگر نیز باید متذکر شوم. از آنجا که فهرستواره نسخه های خطی (دنا) مجلد دوازدهم به نام کاتبان اختصاص دارد، کنجکاوانه به آن مجلد رجوع کردم و در ذیل نام احمد بن سلار کینارودی یا احمد بن تائب سلار کینارودی نگاهی انداختم. یک مورد جالب آن بود که در نگارش دنا برای معرفی نسخه های تفسیر کتاب الله به مجلد بیست و دوم آن مراجعه شده بود. همچنین به فهرست هزار و پانصد نسخه ای که توسط رهبری از وراث مرحوم آیت الله سید احمد صفائی خریداری شده بوده و توسط ایشان به کتابخانه آستان قدس رضوی اهداء شده بود، نیز مراجعه شده است. تفاوت دو متن این است که در فهرست بیست و دوم نسخه های خطی آستان قدس، نسخه تفسیر کتاب الله با شماره مسلسل ثبت کتابخانه آستان قدس معرفی شده اما در فهرست هزار و پانصد نسخه آقای استادی شماره هایی دیگر را ذکر کرده و در معرفی تفسیر کتاب الله آن را نسخه ای از قرآن کریم معرفی کرده اند و توضیحاتی در خصوص نسخه ارائه کرده اند. در دنا و در جلد ۸، ص ۷۰، شماره ۲۱۱۵۹۹ نیز در ذیل معرفی قرآنها بار دیگر جلد اول تفسیر کتاب الله به عنوان قرآن معرفی شده است.

شده کشف تفاوت دارد باعث شد تا کمی بیشتر در نسخه توجه کنم. ذهنم به سرعت به سراغ تفسیر کتاب الله رفت و با مقایسه نسخه حاضر با جلد دوم تفسیر کتاب الله متوجه شدم که نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۲۵۶۶ در حقیقت جلد دوم تفسیر دو جلدی کتاب الله است که از آغاز و انجام افتادگی دارد. آغاز نسخه مرعشی برابر با برگ ۱۱ ب متن عکسی منتشر شده از تفسیر کتاب الله توسط کتابخانه مجلس است. اهمیت نسخه اخیر که به عنوان کشف معرفی شده، نشانگر لزوم بررسی نسخه های معرفی شده از کشف است که احتمال دارد در میان آنها بتوان مجلد یا مجلداتی از تفسیر کتاب الله را یافت.

کجکاوای برای یافتن نسخه های دیگر از تفسیر کتاب الله باعث شد تا به *دنا* و *فنخا* مراجعه کنم، دنا به دلیل کامل بودن و داشتن نمایه ای از نام کاتبان نسخه می تواند بر اساس دانستن نام کاتبان نسخه های شناخته شده تفسیر کتاب الله به یافتن مجلدات دیگر آن کمک کند. با مراجعه به دو اثر یاد شده، امکان شناسایی مجلداتی دیگر از تفسیر کتاب الله فراهم شد. در جلد ۸ فنخا، ص ۵۴۲ نسخه ای معرفی شده که در کتابخانه عبدالوهاب فرید تنکابنی بوده است ولی نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد و متأسفانه حتی آغاز و انجام افتاده آن نیز ذکر نشده است. آقای سمای حائری در معرفی تفسیر اخیر نوشته اند:

«تفسیر قرآن کریم، این تفسیر به طرز بسیار جالبی تألیف گشته گویا به خط مؤلف است زیرا اولاً عدد سطور کتابت مختلف است، در بعضی صفحات ۱۱ سطر و برخی تا پنج سطر است. دیگر آنکه در بعضی از تفاسیر قلم زدگی و تجدید نظر شده است. دوم تفسیر بطور جالب است زیرا خط بسیار نازکی از کلمه بجاشیه کشیده شده است و آنرا تفسیر نموده است در هیچ یک از تفاسیر چنین دیده نشده است. سوم در بعضی از جاها دیده شده است که معنی بعضی از کلمات بفارسی هم نوشته است و از تفاسیر دیگر نقل می کند و بسیاری از روایات او از کتب اصلی تسنی است. از کتابت ششم و هفتم است، آغاز و انجام افتاده»<sup>۱</sup>.

با توصیف ارائه شده می توان تا حدی اطمینان یافت که ما با نسخه ای دیگر از تفسیر کتاب الله روبرو هستیم در دنا (ج ۳، ص ۸۳) شماره ۶۳۰۱۹ نسخه حاضر معرفی شده و گفته شده که تفسیری سنی است. نسخه ۱۷۹۸۲ تفسیر کتاب الله نیز در دنا (ج ۳، ص ۹۱۹ شماره

۱. بنگرید به: محمد سمای حائری، «فهرست کتابهای خطی عبدالوهاب فرید تنکابنی در امس»، نشریه نسخه های خطی، ج ۷، ص ۷۹۱.

۶۳۱۹۰ با عنوان التفسیر / عربی - فارسی معرفی شده و نام نویسنده نیز محمد الدین مازندرانی از علمای زیدیه متوفی حدود ۷۰۰ ذکر شده است که نادرست است. در حقیقت تاریخ ۷۰۰ زمانی بوده که گمان می شده محمد بن صالح بن یحیی گیلانی، عالم زیدی است که تاریخ درگذشت او نیز ۶۷۵ است. در هر حال باید عنوان جدیدی برای تفسیر کتاب الله ایجاد شود و نویسنده آن هم درست معرفی شود و نسخه ها نیز ذیل آن فهرست شود. مثلاً شماره ۶۳۰۴۸، ۶۳۰۵۰، ۶۳۰۴۹ و ۶۳۰۵۱ در دنا (ج ۳، ص ۸۴-۸۵) هم نسخه های تفسیر کتاب الله است. برای این اساس نسخه هایی یافته شده از تفسیر کتاب الله فهرست وار چنین است:

۱- رامسر، کتابخانه فرید بن عبدالوهاب تنکابنی، شماره ۶۲ (فنخا، ج ۸، ص ۵۴۲).  
به دلیل آغاز و انجام افتاده و عدم امکان رویت نسخه نمی توان گفت که نسخه اخیر جلد اول یا دوم تفسیر است.

۲- رامسر، کتابخانه فرید بن عبدالوهاب تنکابنی، شماره ۶۳ (فنخا، ج ۸، ص ۵۵۱) که جلد دوم تفسیر است.

۳- کتابخانه آیت الله مرعشی ۱۲۵۶۶ که جلد دوم تفسیر کتاب الله است (فهرست، ج ۳۱، ص ۶۵).

۴- آستان قدس رضوی شماره ۲۱۳۹۳ که جلد اول تفسیر است.<sup>۱</sup> کاتب نسخه اخیر همان کاتب جلد دوم موجود در مجلس به شماره ۱۷۹۸۲ است که نسخه خود را در ۸۹۰ کتابت کرده است. با توجه به اینکه نسخه اخیر در ۸۹۹ کتابت شده، می توان دریافت که احمد بن نایب سلار بیش از یک دوره از تفسیر کتاب الله کتابت کرده است.<sup>۲</sup>

۱. این نسخه را آیت الله رضا استادی در کتاب فهرست هزار و پانصد نسخه خطی اهدائی رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای به کتابخانه آستان قدس رضوی (قم: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش)، ص ۳۹-۴۰ نیز با عنوان قرآن معرفی کرده و اشاره نموده اند که در حاشیه تفسیر آیات قرآن به عربی نوشته و اشاره نموده اند که این تفسیر انتخابی است از تفاسیر دیگر مانند کشاف زحشری. کاتب نسخه را احمد بن سلار کینارودی (کینادوزی) برای زبده الزاهدین الفقیه العفیف مولانا نور الله بن علی اشکوری در سال ۸۸۹ ذکر کرده اند.

۲. در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۲۹۷ نسخه های از تفسیر قرآن موجود است که گفته شده تفسیری زیدی است گمان من نسخه باید تهذیب حاکم چشمی (متوفی ۴۹۴) باشد که در ایران از قضا نسخه های کهن خوبی دارد و

۵- کتابخانه صدوقی یزد، شماره ۹۵ مشتمل بر جلد اول تفسیر است.<sup>۱</sup>  
 ۶- کتابخانه مرحوم آیت الله نجومی کرمانشاهی که مشتمل بر جلد اول تفسیر است و کاتب آن برهان بن حسین بن حسن ذکر شده و تاریخ فراغت از کتابت چهارشنبه ۱۰ محرم ۸۹۶ ذکر شده است. نسخه اخیر دارای تملکات مختلفی است و لازم است تا اطلاعات مذکور از آن استخراج شود که تاکنون دسترسی به نسخه برای بنده میسر نشده است.<sup>۲</sup>

### تکمله:

همانگونه که گفته شد سنت تعلیقه نویسی در میان زیدیان طبرستانی ایرانی شکل و شمایل خاصی داشته و به کمک آن می‌توانیم برخی نسخه‌های خطی دیگر کتابت شده در میان زیدیان ایران را شناسایی کنیم. به عنوان مثال نسخه ای از **نهج البلاغه** در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۲۴۵۲ که در قرن ششم کتابت شده موجود است که از چند جنبه اهمیت دارد. نسخه از حیث تعلق به سنت نسخه‌های نهج البلاغه، از جمله نسخه‌های نیشابوری نهج البلاغه است که در قرن ششم میان عالمان زیدی ین به ین عالمانی زیدی ینی که به خراسان سفر کرده اند و مرتضی بن سراهنگ مرعشی، عالم زیدی مهاجر به ین پس از ۶۱۴ روایت آن در میان زیدیان ینی تداول یافت و بر اساس برخی خصلت‌ها در میان نسخه‌های مختلف نهج البلاغه که توسط شاگردان سید رضی روایت شده، ویژگی‌های خاصی دارند که می‌توان آنها را نسخه‌های نیشابوری نهج البلاغه دانست.<sup>۳</sup> اما نکته دیگر جالب در

ستاد عزیز وارجمند آقای صداری خوبی معرفی خوبی از نسخه مجلس در فهرست نسخه‌های مجلس، ج ۳۸، ص ۴۲۳-۴۲۴ ارائه کرده‌اند اما هویت مؤلف احتمالی آن را شناخته‌اند. در دنا ج ۳، ص ۸۴، شماره ۶۳۰۳۷ نیز معرفی شده است.

۱. بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه صدوقی یزد (قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ش/۱۴۲۵)، ص ۷۵-۷۷.

۲. نخستین گزارش از نسخه را استاد گرامی آقای سید احمد اشکوری در معرفی نسخه‌های کتابخانه مرحوم آیت الله نجومی و در کتاب **دلیل المخطوطات**، ج ۱، ص ۲۲۲ آورده‌اند. در نسخه اخیر نام نویسنده تفسیر ابوالفضل بن شهردویر دیلمی ذکر شده است. بنگرید به: مصطفی درایتی، **فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران** (دنا)، ج ۳، ص ۱۷۹؛ همو، **فهرستگان نسخه‌های خطی ایران** (فتخا)، ج ۸، ص ۸۲۴.

۳. ابوطالب مرتضی بن سراهنگ بن محمد بن یحیی بن علی بن سراهنگ بن حمزه بن حسن بن علی مرعشی



این نسخه دست کم در تصویری که از آن در اختیارم هست، شباهت تعلیقه نویسی آن با سنت تعلیقه نویسی زیدیان ایرانی است. در فهرست کتابخانه (ج ۳۱، ص ۴۴۹-۴۵۱) توصیفی از نسخه آمده و به برخی جنبه های با اهمیت نسخه اخیر اشاره شده است. در صورتی که در برگ های دیگر نسخه همین خصلت تعلیقه نویسی زیدیان طبرستانی وجود داشته باشد، نسخه اخیر شاهدهی جالب توجه از تداول نسخه نهج البلاغه در میان زیدیان قرن ششم به بعد است که لازم است تا از این جنبه بررسی دقیقتری در خصوص آن انجام شود. ویژگی خاص تعلیقه نویسی در نسخه خطی شماره ۱۵۴ از نهج البلاغه در همان کتابخانه نیز دیده می شود.<sup>۱</sup>

بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین الاصغر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن ابی طالب الحسینی العلوی المرعشی است که مطلب چندانی در خصوص او دانسته نیست. وی در نیشابور سکونت داشته و در آنجا نهج البلاغه را از معین الدین احمد بن زید حاجی به روایت از عالم نامور زیدی نیشابوری بن اسماعیل حسینی به طریق او از عمویش حسن بن علی بن احمد جوینی (درباره او بنگرید به: شهابی، طبقات الزیدیه الکبری، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰) و دیگران سماع کرده است (درباره یحیی بن اسماعیل حسینی بنگرید به: شهابی، طبقات الزیدیه الکبری، ج ۳، ص ۱۲۰۹-۱۲۱۰). همچنین او کتاب *اعلام الروایة علی نهج البلاغه* تألیف علی بن ناصر حسینی سرخسی را به روایت رکن الدین فیروز شاه جیلی و حسن بن مهدی بیهمی و احمد بن زید حاجی که جملگی کتاب را به سماع از سرخسی در روایت خود داشته اند، سماع و بعدها درین روایت کرده است. درین حمید بن احمد محلی در کحلان تاج الدین (ذی القعدة ۶۱۸) کتاب اعلام الروایة را نزد او خوانده است. وی درین باب یکی از دختران عبدالله بن حمزه ازدواج کرده و پس از مرگ در جامع مقدس حسن ظفار به خاک سپرده شده است. بنگرید به: ابراهیم بن قاسم الشهابی، طبقات الزیدیه الکبری: القسم الثالث و یسمى بلوغ المراد الی معرفة الاسناد، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صنعاء: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، ۲۰۰۱/۱۴۲۱)، ج ۲، ص ۱۱۱۶-۱۱۱۷. برای نسخه های نیشابوری نهج البلاغه همچنین بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «نسخه های نیشابوری نهج البلاغه»، *متون و پژوهش های تاریخی* (مقالاتی درباره تاریخ اسلام و تشیع) (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس، ۱۳۹۰ش)، ص ۳۰۱-۳۰۷.

۱. برای تصاویری از نسخه اخیر بنگرید به: سید محمود مرعشی نجفی، نسخه های خطی کهن و نفیس نهج البلاغه و شروح، گزیده ها و ترجمه های آن در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قم، ۱۳۸۱ش)، ص ۱۳۱-۱۳۲. نسخه ۱۵۴ نهج البلاغه در مجلد اول فهرست کتابخانه مرعشی معرفی شده و در بخش تصاویر نیز چند برگ از آن آمده است جز آنکه تصویر چندان واضح نیست و خطوطی که عبارت هایی نوشته شده در حاشیه را به کلماتی در نسخه متصل کرده، در تصویر مشخص نیست. بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی (قم: ۱۳۹۵/۱۳۵۴ش)، ج ۱، ص ۱۷۴. برگ آخر نسخه نونویس است و خصلت مذکور در آن دیده نمی شود. نسخه زمانی در تملک سید حسین





### بندی‌هایی از کتاب بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن گیلانی

همانگونه که در متن مقاله اشاره شد، برخی از آثار یا شاید مکاتبات یوسف بن ابی الحسن گیلانی در اختیار عالمان زیدی بوده و از آن مطالبی نقل کرده اند، از جمله المنصور بالله عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴) که در یکی از رساله‌های خود در نقد مطرفیه، بندهایی از اثری تألیف یوسف بن ابی الحسن مطالبی نقل کرده است. از آثار مختلفی که یوسف بن ابی الحسن گیلانی تألیف کرده، نام برخی در منابع تراجم نگاری زیدیه ذکر شده، اما از خود تألیفات او ظاهراً تنها کتاب *سیر الائمة* که همان نامه مفصل او در پاسخ به عمران بن حسن شتوی است، در دست است و منتشر نیز شده است (بنگرید به: یوسف بن ابی الحسن الجیلانی، «نسخة کتاب وصل إلى الفقيه العلامة عمران بن الحسن بن ناصر بن يعقوب العذري الهمداني، عليه السلام»، *أخبار أئمة الزيدية في طبرستان ودیلمان و جیلان*: نصوص تاریخیه جمعها و حقیها و یلفرد مادلونگ (بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقية، ۱۹۸۷)، ص ۱۳۷-۱۶۱).

عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴) در آثار مختلف خود به توجیه رفتار تند خویش با مطرفیه و اباحه خون آنها پرداخته و البته نظراً با مخالفت و انتقاد جدی عالمان زیدی مواجهه بوده و وی همواره در آثار متعددی سعی کرده با استناد به سیره ائمه پیشین در برخورد با مخالفان اعتقادی، رفتار خود را توجیه کند. او در *رسالة العالمة بالأدلة الحاکمة* که آخرین اثر اوست، چند بند از اثری را نقل کرده که تألیف یوسف بن ابی الحسن است و تاکنون در جایی دیگری آن برخورد نکرده ام. مادلونگ نخستین محقق بود که متن مذکور را در ضمن کتاب *أخبار أئمة الزيدية* (ص ۱۶۵-۱۷۰) به چاپ رسانده و متن کامل *الرسالة العالمة* نیز در مجلد دوم مجموع رسائل الإمام المنصور بالله عبدالله بن حمزه، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صنعاء، مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۳/۲۰۰۲)، ص ۵۰۱-۵۴۰ منتشر شده که بندهای اخیر در صفحات ۵۱۶-۵۲۰ آمده است. متن بندهای اخیر چنین است:



بن حیدر حسینی کرکی شاگرد مشهور شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰) بوده است. تصاویری که از نسخه اخیر در کتاب نسخه‌های خطی کهن و نفیس نهج البلاغه، آمده به وضوح خصلت تعلیق نویسی زیدی را نشان می‌دهد. تصاویر مذکور در انتهای مقاله حاضر نیز آمده است. برای معرفی نسخه ۱۲۴۵۲ و تصویری از آن بنگرید به: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) (قم)، ۱۳۸۲/ش ۱۴۲۴، ج ۳۱، ص ۴۴۹-۴۵۱، ۸۷۳-۸۷۴.

«ولما ظهرت مسألة القاضي عماد الدين أبى مضر المؤيدى نفعنا الله بصالح عمله فى أنه يجوز مهادة الباطنية ولقاهم صلحاً والسكون معهم بحيث لهم أمر نافذ، فذكر يوسف بن أبى الحسن الجيلانى رحمه الله وكان علامة العصابة الزيدية فى جميع الأقطار الخراسانية والديلمية والجيلانية، والحافظ لعلوم آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم أجمعين، فقال ما مثاله:

اعلم أن الذى ذكره هذا القاضى من ذكر جواز الصلح مع الملاحدة هو غلط عظيم، وتوهين لأمر الدين؛ لأنهم دَمَرهم الله تعالى يحرصون على ذلك لما فيه من الظفر بغيغتهم من المسلمين، ولما هينوا من الإلزامات والشبهات والإشكالات والإيهامات التى إذا أوردوها على المسلمين لم يكذب يفكها إلا المتبحر فى أصول الدين، فقد حسم داءهم علماء أهل الشرع المبين، وأوهنوا أمرهم بتحريم المصالحة لهم، فذبل عود حيلهم فى صدورهم وخابت آمالهم، وكذبت ظنونهم أتعسهم الله تعالى وشدد فى ذلك علماء أهل البيت عليهم السلام السابقون منهم، والمقتصدون أفتوا بتحريم مصالحتهم، والرؤية لهم مواجهة على طريق الهدنة، والدخول فى ديارهم، وغلظوا القول فى ذلك وشددوا، شدد الله وطأتهم، وأثار برهانهم .

فمن السابقين: السيد الإمام أبو الرضى المدفون بأسفجيين من ناحية ديلمان، وكان قيامه قبل المؤيد بالله عليه السلام وقرأ السيد أبو طالب عليه السلام كتاب الأحكام للهادى عليه السلام وكان محبى علوم القاسمية قدس الله أرواحهم وذلك الفتوى كان مشهوراً بناحية ديلمان على عهد خروج المؤيد بالله قدس الله روحه.

ومنهم: الحسين بن محمد بن أحمد بن الناصر للحق عليه السلام الخارج بهوسم، محبى دين أبيه الناصر للحق، وناعش دين الإسلام فى أيامه.

ومنهم: السيد الشهيد: الهادى إلى الحق ابن أبى الحسن الحقيقى عليه السلام وبلغ تشدده فى ذلك إلى أن قال: لما أخبرنا القاضى مروان الديلمى كاتب الملاحدة وراسلهم برقعة اتهموه بها، فغضب قدس الله روحه غضباً حمله على أن قال: اللهم، إنك تعلم أن يدي لا تبلغ إلى القاضى مروان، فإن كان هذا الذى رووه صدقاً فأحضره مجلسى هذا لأصلبه فيك ولك. فلم تمض أيام إلا قدر المسافة التى كانت بينه وبين القاضى مروان حتى حضر القاضى فى مجلسه، فأعجل فى صلبه وأعدمه الدنيا من ساعته، وكان عليه السلام محبياً لمذاهب القاسمية رضى الله عنهم.

ومنهم: السيد الإمام أبو الرضى عليه السلام كان بناحية جيلان فى بلدة كيسم، وكان محبياً لعلوم الناصرية عمّر الله آثارهم مجاهداً للبغيّة والظلمة فى إحياء دين الله، وكان فقيهاً بارعاً، مصتيفاً



فى فقه أهل البيت عليهم السلام وسيره وطريقه مستحسنة مشهورة، فجمع عليها فى عصره كل أهل المعرفة.

ومنهم: السيد أبو طالب الأخير عليه السلام الذى كان المحسن بن حسن رحمه الله داعياً له، وهو من أولاد المؤيد بالله عليه السلام وأطبق العلماء كافة على إمامته بعد أن اجتمع إليه خلق منهم وناظروه شهراً فبهرهم علمه وغطاهم فهمه، وكان قدس الله روحه محيياً لدين أبائه قدس الله أرواحهم وبلغ تشدده فى هذا الشأن إلى أن أمر بقتل سبعة نفر كان أحدهم رأى ملحداً صلحاً، فلم يكن تميزه فى ما بين السبعة لا يشتهبه وردّ عليهم، فسئل عن ذلك، فقال القائل: والستة المقتولون فى الجنة والواحد فى النار.

ومنهم: السيد الإمام أشرف بن زيد الحسنى، القائم بجيلان، المدفون بتجن من ناحية جيلان نور الله ضريحه أمر بقتل من رضى ملحداً اختياراً وهدنة وتنهب أمواله وإحراق دوره.

فهؤلاء الذين سميناهم الأئمة السابقون الذين لم يختلف أحد من الزيدية فى أيامهم فى صحة إمامتهم عليهم السلام فهذه فتواهم وهم قاسمية، وناصرية، وبيحوية على ما قدمنا من إجراء حكم الكفار على من هادن الكفار وأنس بهم حتى يراهم هدنة وسلاماً، والمساكل لهم والنازل فى دارهم أشد تمكناً من هذا، وهؤلاء عيون مرضيون، ولم يطالب أحد من أهل العلم القاسم بن إبراهيم بأن يخبره من قال بمثل قوله فى الفساق، وكذلك واصل بن عطاء فى المنزلة بين المترئين، ولا قيل لهم: هاتوا نصّاً يحتمل التأويل من الكتاب أو السنة المعلومة، وإنما يقال فى المسائل: ما الوجه فى هذا؟ ما الدليل عليه؟ ولم تتمكن من الاستقصاء، وإن كان السائل قد عوّل فى التوسيع، ولكن الجواب ما قال الهادى عليه السلام: ويح الشجى من الخلى. علم الله وكفى به عليمًا، لقد تركنا فى حال الاشتغال شطر هذه المسألة من الإجابة شيئاً نخشى الله فى تركها.

فأما الأئمة المقتصدون والعلماء المحصلون فهم الأتباع جملة، وإنما نذكر منهم عيونهم، ومن ذكره يوسف بن أبى الحسن الجيلانى عليه السلام فى جوابه للقاضى أبى مضر، تأكيداً فى مقابله، هل بهذا القول قائل؟ وإن كان به قائل فليذكر.

فمنهم: السيد الإمام الداعى الأعرج الجيلانى رحمه الله وكان قد بلغ فى العلم والاستقامة فى الدين مبلغاً فائقاً لا ينضبط حصه.

ومنهم: السيد الإمام الناصر الرضى، وكان من أولاد الناصر عليه السلام وله تصانيف فى إحياء مذاهب أهل البيت عليهم السلام وكان زاهداً خشناً، بلغ مبلغاً فى الورع والكمال ما لا يقادر قدره، وكان مستوطنًا فى جيلان، وأمره هناك مشهور.



ومنهـم: السید الإمام أبو هاشم الدیلمی التـنـهـجانی رحمـه الله استشهد بأیدی الملاحـدة لعنهم الله وقاتلهم.

ومنهـم: أبو حرب الجیلانی، والسید الهادی الناصر رحمهم الله الهادی اسمه والناصر لقبه، قال یوسف الجیلانی رحمـه الله: ولو حصرت أسماء جمیعهم لبلغت عدداً جمّاً.

فأما العلماء الرشائقة - قدّس الله أرواحهم - فی جیلان، ودیلمان، فمنهم: الفقیه الإمام أحمد بن داعی الدیلمی التـنـهـجانی رحمـه الله وهو المعروف بدانشی وله تصنیف فی ذلك سماه [کتاب] (الحجج و البرهان)، والفقیه الإمام شهردار التـنـهـجی، والفقیه الإمام أبو الرضی الجیلانی رحمـه الله والفقیه أبو منصور العالم الشیخ الفاضل، والفقیه زعیم الناصریة أبو یوسف بن علی جمال الدین الجیلانی، ووالد الفقیه أبی منصور علی بن أصفهان الدیلمی الجیلانی، المهاجر لسبب العمل بهذه المسألة من الدیلم إلى جیلان». (اصفهان ظاهراً به معنی انتساب به کوجصفهان، مکانی در شمال کوم باشد که در قرن ششم برادر والی کوم، ساسان بن همام در آنجا امارت داشته است. بنگرید به: لاهیجانی، جغرافیای گیلان، ص ۲۲۸، ۳۰۱-۳۰۶).

در انتهای کتاب المذهب فی فتاوی الإمام المنصور بالله عبدالله بن حمزه تألیف محمد بن اسعد مرادی (تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه، صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، ۲۰۰۱/۱۴۲۱)، ص ۵۰۰-۵۰۱، بحثی توسط مرادی در خصوص حکم مجبره واحکام فقهی آن آمده که نام بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن در ضمن آن آمده و تا حدی می تواند مشرب فقهی او در خصوص مسئله تکفیر مجبره را نشان دهد. در بحث از اقوال مختلف در خصوص مجبره، مرادی از قول گروهی از عالمان زیدی بحث کرده که قائل به آن بوده اند که حکم مجبره و محل اقامت آنها، حکم اهل حرب است و این قول را مرادی به حسین بن ناصر للحق - فرزند بزرگ ناصر اطروش - نسبت داده و در ادامه عبارت حسین را با سلسله سند که نام بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن دیلمی در ضمن آن آمده چنین نقل کرده است: «و منهـم من قال حکمهم حکم أهل الحرب، ومن قال بذلك الحسین بن الناصر للحق من أولاد الناصر الكبير، وروی الفقیه الأوحـد بهاء الدین یوسف بن أبی الحسن الدیلمی والشیخ الجلیل الحسین بن ابی خلف الجیلی، کل واحد منهما عن مشائخه إلى القاضی زید (الکلاری) رحمـه الله قال: سمعت مولانا الناصر للحق الحسین یقول: حکم المجبرة عندی حکم أهل الحرب، وكان یقول إن هذا مذهب الناصر للحق الحسن بن علی وثامة...».

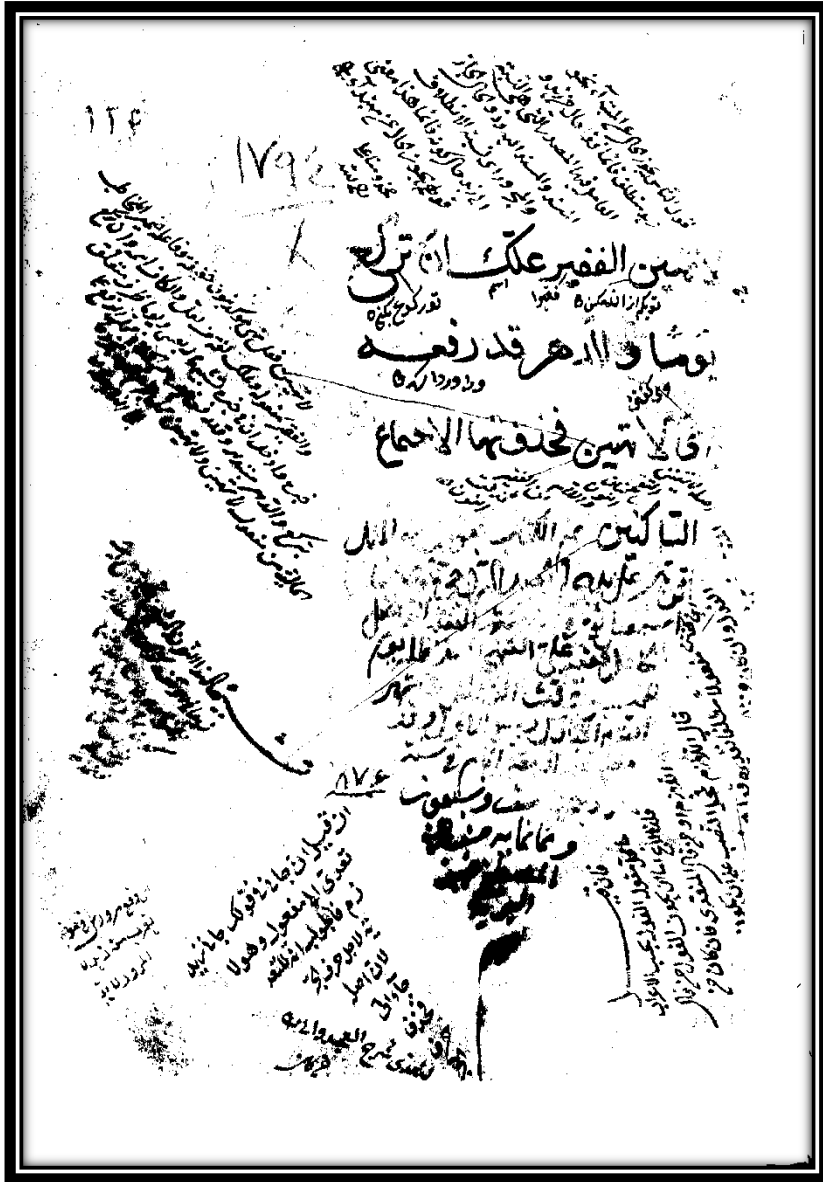


صفحه ای از تفسیر کتاب الله نسخه شماره ۱۲۵۶۶ کتابخانه

آیت الله العظمی مرعشی نجفی که در فهرست به عنوان تفسیر کاشف معرفی شده است.







انجام صمیم العربیه زمخشری نسخه شماره ۱۷۹۴

کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله منتشر کرده است:

## میراث مشترک ایران و هند

کتابهای چاپی کهن فارسی و عربی شبه قاره

در

کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

جلد ششم

(۲۵۰۱-۳۰۰۰)

زیر نظر

نگارش

سید محمود مرعشی نجفی

علی صدراپور خویبر





## حکیم ری

فهرست آثار دستنویس فیلسوف و پزشک نامی، ابوبکر محمد بن زکریای رازی

در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله

حسین موقی\*



### مقدمه

ابوبکر محمد بن زکریای رازی، مشهور به <جالینوس عرب> و <طیب مسلمین> پزشک، فیلسوف، شیمی دان و فیزیک دان سترگ ایرانی که افزون بر کشف الكل و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک)، آثار فراوانی، به خصوص در زمینه دانش پزشکی، از خود برجای نهاده است. بنا به گفته جرج سارتن (پدر تاریخ علم)، <رازی بزرگترین پزشک ایران در زمان قرون وسطی بود>.

\* پژوهشگر متون کهن و دانشجوی دکتری مطالعات شیعی در دانشگاه ادیان و مذاهب hosseinmotaqi@gmail.com

بر پایه نظر دانشمند شهیر، ابوریحان بیرونی، رازی در ماه شعبان سال ۲۵۱ (۸۶۵م) در ری زاده شد؛ دوران کودکی، نوجوانی و جوانی اش در این شهر به تحصیل ریاضیات، فلسفه، نجوم و ادب گذشت؛ گفته شده وی در جوانی عود هم می نواخت و گاهی شعر هم می سروده است. رازی بعدها به زرگری و سپس به کیمیاگری و صنعت اکسیر روی آورد. او در سنین میان سالگی (گویا در حدود چهل سالگی) در اثر کار زیاد با بخارات و دخانات عقاقیر و ادویه و همچنین مواد تند و تیزیو، چشم هایش آسیب دید و متورم شد، پس از درمان چشم، به توصیه همان پزشک یا دلائل دیگری، او به تدریج به مطالعات پزشکی روی آورد؛ رازی برای آموختن علم طب و علوم دیگر، به راهی بغداد، مرکز علمی جهان اسلام در نیمه دوم قرن سوم هجری، گردید و مدت نسبتاً طولانی در آن جا اقامت گزید و سال ها در دارالحکمه و دیگر مراکز علمی، به تحصیل علم طب و دیگر علوم رایج روزگار، پرداخت و پس از اینکه بزودی نبوغ علمی وی بر همگان، آشکار گردید؛ در زمان خلیفه عباسی معتضد، ریاست بیمارستان معتضدی را عهده دار گردیده و در بغداد رسماً به طبابت پرداخت. پس از مرگ معتضد خلیفه عباسی، به دلائلی ناگفته (شاید اوضاع سیاسی نامطلوب یا دعوت از وی در ایران)، به موطن اصلی خویش، ری بازگشت و تحت رایت، عنایت و حمایت حاکم دانش پروری، <ابوصالح منصور بن اسحاق>، ریاست بیمارستان ری را بر عهده گرفت و تا پایان عمر در این شهر، به درمان بیماران مشغول بود. رازی در آخر عمر خود، نابینا گردید؛ بیرونی، سبب کوری رازی را کار مداوم با مواد شیمیایی، همچون بخارات جیوه می داند. در مورد تاریخ درگذشت رازی، اختلافات نظرهایی وجود دارد، تا جایی که تاریخ مذکور را از سال ۲۹۰ تا ۳۲۰ هـ باسی سال اختلاف ثبت نموده اند، دانسته اند، اما بنا بر نظر مشهور و اقرب به صحت، رازی در ۵ شعبان سال ۳۱۱ یا ۳۱۳ هـ در ری وفات یافته است، اما مکان دفن و آرامگاه وی امروزه نامعلوم است.

در میان شرح حال نگاران، درباره استادان رازی نیز اختلافاتی وجود دارد؛ با این حال در فهرست اساتید وی، اسامی کسانی همچون علی بن ربن طبری (در طب)، ابوزید بلخی (در فلسفه)، ابوالعباس محمد نیشابوری (در حکمت مادی) و فردی به نام ایرانشهری (بدون ذکر مشخصات دیگر)، دیده می شود؛ همچنین از جمله شاگردان وی نیز می توان به یحیی بن عدی، ابوالقاسم مقنعی، ابن قارن (یا ابن قارون) رازی، ابوغانم طیب، یوسف بن یعقوب، محمد بن یونس و ابوالحسن طبری اشاره نمود.



در مورد آثار و تألیفاتِ رازی، مرحوم مدرّس تبریزی<sup>۱</sup> می‌نویسد که برخی از کتاب‌شناسان، تعدادِ آنها را تا ۲۵۰ اثر، تخمین زده‌اند؛ ابن‌ندیم در کتاب الفهرستِ خود، آن‌ها را ۱۶۷ اثر، ابوریحان بیرونی در فهرستی که خود برای آثارِ رازی نگاشته، ۱۸۴ اثر، و ابن ابی اصیبعه در عیون الأنباء ۲۳۸ کتاب از برای رازی برمی‌شمارد؛ اما در این میان مرحوم دکتر محمود نجم‌آبادی، استاد اسبق دانشگاه تهران، در کتاب مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی (تهران، ۱۳۳۹)، پس از تطبیق و تلفیق فهرست‌های کسانی همچون ابن‌ندیم، بیرونی، قفطی و ابن ابی اصیبعه و دیگران، در مجموع ۲۷۱ کتاب، رساله و مقاله، برای آثارِ رازی، فهرست و ترتیب داده است.

در گونه‌شناسی موضوعی آثارِ جدّی و مهمّ رازی، باید گفت که از وی ۵۶ کتاب در پزشکی، ۳۲ کتاب در طبیعیات از جمله مباحث مربوط به فیزیک، ۷ کتاب در منطق، ۱۰ کتاب در نجوم و ریاضیات، ۷ کتاب در تفسیر و تحلیل کتبِ فلسفی و پزشکی دیگران، ۱۷ کتاب در علوم فلسفی، ۱۴ کتاب در الهیات، ۳۲ کتاب در شیمی و کیمیا، ۶ کتاب در ماوراء الطبیعه و ۱۲ کتاب در فنون مختلف و نیز ۲ کتاب (به تعبیر ابوریحان بیرونی) در کفریات! از رازی، به یادگار مانده است؛ هر چند متأسفانه از میان این آثار، کتبِ چندانی از وی به دست ما نرسیده است، اما همین مقدار داده‌ها نشان می‌دهد وی افزون بر علوم معقول و منقول روز، در علوم فیزیولوژی، کالبدشکافی، جانورشناسی، گیاه‌شناسی، کانی‌شناسی، زمین‌شناسی، هواشناسی و نورشناسی نیز به چه میزان دست داشته است. این کتب از جمله آثار مهمّ رازی به شمار می‌روند: ۱. الحاوی، بزرگ‌ترین دانشنامه پزشکی، ۲. الکناش منصور، در تشریح استخوان‌ها و عضلات، مغز، قلب، چشم، کلیه و مثانه، دستگاه گوارش، ستون فقرات و زوائد و سوراخ‌های آن، نخاع و غیره، ۳. الجدری والحصبه، در بیان آبله و سرخک و شرح تفاوت‌های میان آن دو، ۴. تقاسیم العلیل، در دسته‌بندی و طبقه‌بندی بیماری‌ها با ذکر چکیده‌ای از روش‌های درمانی آنها، ۵. الفصول (المرشد)، چکیده‌ای از تجاربِ دانش پزشکی، ۶. براه الساعه، در فوریت‌های پزشکی، ۷. کتاب من لا یحضره الطیب، روش‌های خود درمانی برای اشخاصی که به پزشک دسترسی ندارند. البته درباره برخی از این آثار که دستنویسی از آن در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در قم، نگهداری می‌گردد، در ادامه همین نوشتار، به تفصیل

سخن به میان می آید.

درباره رازی و جایگاه علمی وی، باید افزود که به شهادت بسیاری از دانشمندان معاصر یا متأخر، وی به راستی طیبی حاذق و پزشکی عالی قدر بود و در زمان خود شهرت به سزایی داشت، تا جایی که بعضی از نظریات علمی وی، حتی پیش از گذشت بیش از هزار سال و اندی از درگذشت وی، در طب امروز هم هنوز کاربردهایی، به خصوص در درمان بیماری‌ها با مایعات و غذا، دارد. رازی اسراف در دارو را بسیار مضر می داند، وی معتقد بوده است، تا آنجا که ممکن است مداوای بیماران، بایستی با غذا و مایعات طبیعی صورت گیرد و در غیر این صورت، بارعایت الایم فالا هم، ابتدا با داروی منفرد و ساده، سپس در صورت تشدید بیماری، با داروی مرکب، معالجه صورت پذیرد. وی بر این باور است که: <هرگاه طیب موفق شود بیماری‌ها را با غذا (و مایعات طبیعی) درمان کند، به سعادت رسیده است.>

رازی از اولین افرادی است که بر نقش خوراک در تندرستی و درمان بیماری‌ها پافشاری بسیار داشت. وی در کتاب **منافع الاغذیه و مضارها** که یک دوره کامل بهداشت خوراکی هاست، از خواص گندم و سایر حبوبات، خواص و ضررهای انواع آب‌ها و شراب‌ها و گوشت‌های تازه و خشک و ماهی‌ها و... سخن گفته است و فصلی را نیز به علل و جهات اشتها و هضم غذا و ورزش و غذاهای گوارا و پرهیزهای غذایی و مسمومیت‌ها اختصاص داده است.

بنا به نوشته اصحاب تراجم، محمد زکریای رازی، دانشمندی دارای محاسن اخلاقی فراوان بود، وی به بیماران خود توجه ویژه‌ای داشت و نسبت به مستمندان بسیار رئوف و مهربان بود و آنان را به صورت رایگان معالجه می نمود. ابن ندیم در کتاب **الفهرست** می گوید که تفقد و مهربانی به همه کس، به ویژه فقرا و بیماران داشت، تا جایی که پس از معالجه، از حالشان جو یا و به عیادت بیماران خود می رفت و حتی مقرری‌های خوبی نیز برای آن‌ها کنار می نهاد! رازی در کتابی به نام **صفات بیمارستان**، بر این باور است که هرکسی لیاقت طبابت را ندارد و طیب باید دارای صفات و مشخصات ویژه‌ای باشد و او تنها با داشتن آنها و تزکیه نفس و روحیات مخصوصی می تواند نام <طیب> بر خود نهد؛ هر طیبی نمی تواند حاذق باشد، بلکه باید مراحل راطی کند تا شایستگی لازم برای نامیده شدن او به عنوان طیب حاذق را داشته باشد. وی همواره با افراد کم سواد می که خود را طیب می نامیدند و در امر سترگ و حساس طبابت دخالت ناجما می کردند، به شدت مخالفت می کرد و به همین سبب مخالفانی نیز داشت.



البته باید توجه داشت که در آن زمان کسانی که طبّ می آموختند، دست کم باید علوم دیگری را نیز می دانستند که در رأس همه آن ها علم فقه، علم حدیث، و علم اخلاق بوده است. ناگفته نماند برخی کتب تراجم، همچون نویسنده کتاب *خزینة الأصفیاء*، رازی را از اکابر صوفیه شمرده اند که شبها، پیوسته از خوفِ خدا می گریسته است.

در منابع شرح حال نگاری، درباره عقاید دینی و کلامی رازی، مطالبی گوناگون گفته اند، اما آنچه مسلم و قطعی است وی به خداوند، مبدأ و ماوراء الطبیعه، اعتقادی راسخ داشته است، با این وجود، برخی بر این باورند که وی نبوّت و وحی رانفی می کرده و <ضرورت> آن را نمی پذیرفته است؛ در تبیین چرایی این <نفی ضرورت>، آورده اند که بر پایه اندیشه رازی همه انسان ها قدرت و توانایی رسیدن به معرفت و دانایی را دارند و لذا از لحاظ توان کسب معرفت با هم برابرند و بر یکدیگر هیچ برتری ندارند؛ از دیدگاه رازی، مقتضای حکمت و رحمت الهی این است که انسان ها همگی به منافع و مضار خود صاحب علم باشند و اگر خدا قومی را به نبوّت اختصاص دهد، به این معناست که آن ها را بر دیگرانسان ها برتری داده و این برتری باعث جنگ و دشمنی و در نهایت هلاکت انسان ها می شود و این با حکمت و رحمانیت خداوند متعال سازگاری ندارد. برخی آثار وی نیز، بر این اعتقادات اشاراتی دارد. مرحوم احمد بیرشک نیز در این باره می نویسد که، از تعلیمات او این بود که همه آدمیان سهمی از خرد دارند که بتوانند نظرهای صحیح درباره مطالب عملی و نظری به دست آورند، آدمیان برای هدایت شدن، به رهبران دینی نیاز ندارند، در حقیقت دین زیان آور است و مسبب کینه و جنگ! گفته شده که نظریات وی در این زمینه ها، در دو کتاب *رسالة فی النبوات*، *رسالة فی حیل المتنبین*. که برخی به طعن و استهزاء آنها را به ترتیب: نقض الادیان و مخارق الانبیاء نامیده اند. مضبوط است، اما آن دو اثر اکنون مفقود شده است؛ اما گویا فردی به نام <جنیفر مایکل> در کتابش، نقل قول هایی (ظاهراً مع الواسطه) از این دو کتاب آورده است! گروهی بر این باورند، همین تفکرات رازی موجب خشم برخی عالمان دینی و زمینه گیری های تند علیه او را فراهم کرده تا جایی که در منابع متعدد، وی را <ملحد> خوانده و آثار او را ردّ و نقد کرده و حتی در برخی موارد، امر به نابودی آن آثار کرده اند! گویا این جمله از سخنان رازی است: <ادیان و مذاهب، علّت اساسی جنگ ها و مخالفت با اندیشه های فلسفی و تحقیقات علمی هستند. کتاب هایی که به نام کتاب مقدس آسمانی معروف اند، کتب خالی از ارزش و اعتبارند و آثار کسانی از قدما

مانند افلاطون و ارسطو و سقراط، خدمات مهم‌تر و مفیدتری به بشریت کرده‌اند!

در مقابل گروهی نیز معتقدند چگونه ممکن است کسی که همه اصول مبدأ و معاد و روح و نفس را پذیرفته باشد، منکر نبوت و شرایع دینی بوده باشد؟ آنان با اشاره به وجود تألیفاتی از رازی در مسأله امامت (همچون النقض علی الکیال فی الامامة، کتاب الامام و المأموم، آثار الامام الفاضل المعصوم) و یا در مسأله معاد (همچون رسالة الی علی بن شهید البلخی فی تثبیت المعاد) و نظایر آن، آورده‌اند: > آیا چنین فردی اصولاً عقلاً می‌تواند درباره معاد یا امامت (ادامه نبوت)، اثری تألیف نماید؟ منوچهر پزیشک نویسنده مدخل <اعلام النبوة> (تألیف ابوحاتم رازی) در جلد نهم *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، از منظری دیگر، در این باره می‌نویسد: > مدارک و اسنادی امروزه درست است، [حاکمی از آنکه] نمی‌توان با قاطعیت، همه عقایدی را که از سوی متکلمان به مخالفان نسبت داده شده است، مخالفیت واقعی آنان با تعالیم اسلام و پیامبر اسلام ﷺ دانست، چرا که در نقل قولهای باقی مانده، "انگیزه‌های سیاسی" نادیده گرفته شده‌اند و در اصل گروه‌های مشخصی، مانند معتزله و اسماعیلیه عهده‌دار رد کردن نظر مخالفان گردیده‌اند. مشهورترین و قوی‌ترین انتقادهای مخالفان، به ابن راوندی (= ابن ریوندی) و محمد بن زکریای رازی نسبت داده شده است. ابوحاتم رازی متکلم مشهور اسماعیلی معاصر محمد بن زکریای رازی، بخشی از کتاب اعلام النبوة خود را به شرح مناظره‌ای که میان او و یک ملحد جریان یافته اختصاص داده و در بخشی دیگر به شرح مفصل پاسخ‌های خود بر نوشته‌های آن ملحد پرداخته است. به تصریح حمیدالدین کرمانی (د. ۴۱۱ هـ) متکلم دیگر اسماعیلی، ملحد یاد شده "محمد بن زکریای رازی" است. پاول کراوس مناظره یاد شده را عیناً با عنوان <المناظرات بین ابي حاتم الرازي و ابي بكر الرازي> منتشر ساخته است...؛ اگر انتساب اعتراضاتی که ابوحاتم رازی در کتاب اعلام النبوة خود به آنها پاسخ داده، به محمد بن زکریای رازی درست باشد<sup>۱</sup>، ظاهراً تأییدی بر تقویت این گمان که محمد بن زکریا با وجود تبخّر در علوم طبیعی و کوشش بسیار در فلسفه، چندان در علم الهی صاحب نظر نبوده است، به دست می‌آید. با اینهمه، اینکه او خود را فیلسوف می‌دانسته، و برای ادیان فایده عملی زیادی قائل نبوده، و به اندیشه‌های ایرانی توجّه داشته است، بیشتر

۱. ابن ابی اصیبعه، این عقاید را از مقام شامخ علمی محمد بن زکریا دور می‌داند و احتمال ساختگی بودن آنها را طرح می‌کند.

نشان دهنده تعلق او به همان بینش کلی ضد تسلط عرب است که در آن کوشش‌های پراکنده‌ای درمقابله با اصول پذیرفته شده در تفکر منسجم و رسمی اسلامی به عمل می‌آمده است؛ مثلاً عقلی که محمد بن زکریا در کتاب طب روحانی خود از آن صحبت می‌کند و در واقع، آن را در برابر عقل ارسطویی - افلوپینی - پذیرفته شده در تفکر اسلامی قرار می‌دهد، عقلی است که در آموزش‌های گوسی - هرمتی پیش از سقراط یافت می‌شود که با تطهیر هرمتی، خود به عالم روحانی وصل می‌گردد و نیازی به واسطگی پیامبر و به کاربردن دستوره‌ای او ندارد و از اینجاست که انکار نبوت در تفکر محمد بن زکریا پدیدار می‌شود.

ناگفته نماند، از درج مجموعه آثار رازی در کتابشناسی سترگ شیعه، *الدریعة الی تصانیف الشیعة*، چنین مستفاد می‌شود که دیدگاه مرحوم آقا بزرگ تهرانی، بر همین نظر استوار است، اینکه بحث طرح الحاد دانشمندی و الامقام همچون رازی، بیشتر با هدف کوییدن و تخریب شخصیت وی از سوی مخالفان او و صرفاً به جهت انگیزه‌ها و اغراض سیاسی و مذهبی بوده است.

در زمینه نگاه فلسفی رازی هم باید گفت که، وی از تفکرات فلسفی رایج عصر خود، یعنی فلسفه ارسطویی (مشایی)، افلوپینی، حتی نوافلاطونی مطلوب اسماعیلیان، پیروی نمی‌کرد و عقاید خاص خود را داشت، هر چند که وی در فلسفه، به طور کلی، متمایل به سقراط و افلاطون بوده است و البته در این میانه، رد پا و تأثیراتی نیز از افکار هندی و مانوی و تا حدودی فلسفه ایرانی (خسروانی) در نگاه فلسفی وی به چشم می‌خورد. به جهت عدم دسترسی جامع به متن آثار فلسفی رازی، چندان از آرای فلسفی وی، اطلاع دقیقی در دست نیست، جز معدود مطالب و مواردی که در نوشته‌های مخالفان وی، همچون *اعلام النبوة* ابوحاتم رازی آمده است. از مجموع آنها چنین استفاده می‌شود که در نظرگاه رازی، جهان جایگاه شر و رنج است و تنها راه نجات و سعادت انسان، عقل و فلسفه است و روان‌ها از تیرگی این عالم پاک نمی‌شود و نفس‌ها از این رنج رها نمی‌شوند، مگر از طریق فلسفه. در فلسفه اخلاق رازی مسأله لذت و رنج، اهمیت زیادی دارد. از دید وی لذت، امری وجودی نیست، بلکه <راحتی از رنج> است و رنج یعنی خروج از حالت طبیعی به وسیله امری اثرگذار، و اگر امری ضد آن تأثیر کند و سبب خلاص شدن از رنج و بازگشت به حالت طبیعی شود، ایجاد لذت می‌کند. رازی فلسفه را چنین تعریف می‌کند که چون <فلسفه تشبه به خداوند عز و جل است به قدر طاقت

انسانی > و چون آفریدگار بزرگ در نهایت علم و عدل و رحمت است، پس نزدیک ترین کسان به خالق، داناترین و عادلترین و رحیمترین ایشان است.

به عنوان حسن ختام، چند جمله‌ای از سخنان حکیمانه رازی زینت بخش این نوشتار خواهد بود: <پزشک در درمان بیماران، خود را به خدای بزرگ می سپارد و از او شفا و بهبود چشم دارد؛ او روی توان و کارش حساب نمی کند، بلکه در همگی کارهایش به خدا اعتماد می ورزد؛ اما اگر پزشک وارونه این انجام دهد و به خود و به توانش در این پیشه و کاردانی اش بنگرد، خداوند بهبودی و شفا را از او باز خواهد داشت. اگر همه می توانستند از استعداد های خود درست بهره گیرند، دنیا همان بهشت موعود می شد که همه می خواهند.>

در باره این نوشتار باید گفت، شاکله اصلی این نوشتار به سال های پیشین و به مناسبت ارائه مقاله ای به کنگره حکیم رازی، شکل گرفت، لیکن به دلائی، نگارش آن، ناقص و ناتمام مانده بود و اینک پس از بازبینی کلی در مقدمه و متن آن، تغییرات اساسی در ساختار و برخی اصلاحات و افزوده های جدید، بر پایه آخرین داده های ترائی این کتابخانه (خرداد ۱۳۹۳)، در این نشریه وزین منتشر می گردد. ناگفته نماند که در این مقاله، در مجموع، ۱۵ اثر در ۲۹ نسخه از آثار محمد بن زکریای رازی، موجود در این کتابخانه عامره، در شکل توصیفی، محضر خوانندگان و پژوهشگران گرامی، معرفی می گردد.



شماره ردیف: <۱>

شماره نسخه: <۳۳۸۶/۹>

نام اثر: الأسرار = کتاب الأسرار

موضوع: کیمیا

زبان: عربی

گزارش متن: کتابی در علم کیمیا است که رازی آن را در سه باب به خواهش شاگرد جوانش محمد بن یونس (اهل بخارا) تألیف نموده است. مؤلف در مقدمه کتاب خویش می نویسد: <آنچه مرا به نوشتن این کتاب واداشت خواهش یکی از شاگردان من بود به نام محمد بن یونس که مرد شایسته ایست و از دانشمندان ریاضیات و علوم طبیعی و منطق است





که به من خدمت‌های زیادی کرده و برگردن من حقی دارد. پس از اینکه از نوشتن کتاب‌های دوازده گانه در صنعت کیمیا<sup>۱</sup> و کتاب ردّ برالکندی و کتاب ردّ بر محمد بن لیث رسائی، فراغت یافتم؛ از من خواهش کرد که برای او در یک کتاب اسرار صنعت کیمیا را گرد آورم، تا اینکه راهنمایی در این صنعت داشته باشد و بتواند به آن مراجعه کند. از این رو این کتاب را برای او نوشتم و این پیشکشی است که حتی به یکی از پادشاهان و امیران هم نداده‌ام. در این کتاب علم کیمیا را برای او شرح داده‌ام به طوری که از مراجعه به سایر کتاب‌های من بی‌نیاز می‌شود و نام این کتاب خلاصه و سودمند را، کتاب سرّ الأسرار گذاشتم...؛ در این کتاب گفتارهاییست که دانشمندان و حکماء به آن توجه نکرده‌اند، اگر غنی دانستم که روزهای زندگی من به پایان رسیده و مرگم نزدیک است و اگر نگران نبودم که مرگ دست مرا از خدمتی که برای دوست خود می‌خواستم انجام دهم، کوتاه خواهد کرد، این همه مطلب را در این کتاب گردهم نمی‌آوردم و زحمت آن را به خود هموار نمی‌کردم که آن را به این تکامل پایان دهم.

بنابر تحقیق دانشمندانی چون یولیوس روسکا، بروکلیمان، سزگین، نجم‌آبادی و دیگران، کتاب الأسرار و سرّ الأسرار، دو اثر جداگانه از رازی است و آنچه که از این دو اثر اکنون در دسترس است، بیشتر نسخه‌هایی از همین اثر (متن مفصل) می‌باشد و از تألیف دیگر رازی (متن خلاصه)، نسبتاً نسخه‌های کمتری باقی است. از جمله نسخ متن خلاصه (سرّ الأسرار) در ایران و برخی کشورهای جهان می‌توان به نسخه کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد به شماره <۹۵۳>، نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات تهران به شماره <۹۸د>، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره <۱۰۸۷>، نسخه فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، در تاشکند به شماره <۳۷۵۸/۱> و جز اینها و نیز نسخه شماره <۱۲۴۵۲/۲> همین کتابخانه عامه اشاره نمود که در ادامه همین فهرست گزارش تفصیلی از آن ارائه خواهیم داد.

بحث دیگری اینجا مطرح است اینکه عنوان‌های کتاب الأسرار و سرّ الأسرار در گذر زمان (بیش از هزار سال) از سوی کاتبان به تناوب برای همین اثر (متن مفصل) نامگذاری شده است و بر اساس تتبع و تحقیقی که امثال روسکا انجام داده‌اند از طریق مقایسه و مقابله متن

۱. کتاب‌های دوازده گانه رازی در صنعت کیمیا عبارتست از: ۱. المدخل التعليمی، ۲. المدخل البرهانی، ۳. اثبات الصنعة، ۴. کتاب الحجر، ۵. کتاب التدبیر، ۶. کتاب الاکسیر، ۷. کتاب شرف الصنعة، ۸. کتاب الترتیب، ۹. کتاب التدابیر، ۱۰. کتاب المحن، ۱۱. کتاب الشواهد، ۱۲. کتاب سرّ الحکماء.

عربی این نسخ با یکدیگر، به این نتیجه رسیده‌اند که از روی نسخه‌های فعلی تشخیص اینکه حقیقتاً کدام نام صحت دارد (برای متن مورد گفتگو) ممکن نیست، اما در عین حال آنان اذعان داشته‌اند، از آنجا که در نسخه نسبتاً قدیمی کتابخانه گوتینگن - آلمان (کتابت سال ۹۶۸هـ) نام سرّ الأسرار ثبت شده است، به نظر صحیح‌تر می‌آید که آن نام، دقیق‌تر می‌نماید و از طرفی چون نسخه خطی کتابخانه شهر لایپزیک در آلمان (شماره ۲۱۵) - همچنین است نسخه ۱۲۴۲۵/۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله علیه - مختصراً از سایر نسخه‌هاست و نام کتاب الأسرار را دارد، در نتیجه حدس زده شده که کتاب الأسرار باید خلاصه‌ای از سرّ الأسرار بوده باشد و البته بنا به نوشته دکتر شیبانی در کتاب مقدمه رازهای صنعت کیمیا، سایر خاورشناسان و زبان شناسان نیز از این نظرسوسکا و دیگران تبعیت کرده‌اند و این نظر در بسیاری از کتاب‌ها، نقل گردیده است. باید توجه داشت که در نسخه‌هایی مانند نسخه سرّ الأسرار کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد (شماره ۹۵۳)<sup>۱</sup> رازی خود به مناسبت در آن توضیح داده که قبل از کتاب مذکور، یعنی سرّ الأسرار (متن خلاصه)، کتاب دیگری به نام کتاب الأسرار (متن مفصل) نوشته و مطالب آن را فهرستوار همانجا برشمرده است، که با نسخه مورد گفتگو (همچنین متن ترجمه فارسی) کاملاً منطبق است و حتی جالبتر اینکه در نسخه سرّ الأسرار کتابخانه جامع گوهرشاد (متن خلاصه) در انجام تصریح شده که: >... باب حلّ لطیف لم‌نذکره فی کتاب الأسرار< و در نسخه مورد گفتگو (برگ ۲۳ ب): >... فی ماء القلی الذی ذکرناه فی کتاب الأسرار...<؛ به نظر می‌رسد بهترین شاهد بر اینکه متن خلاصه و کم حجم در واقع سرّ الأسرار و متن تفصیلی که نسخه مورد گفتگو نیز نسخه‌ای از آن می‌باشد، کتاب الأسرار خواهد بود و اینکه متن تفصیلی، در نسخه‌ها گاهی با عنوان کتاب الأسرار و زمانی هم سرّ الأسرار نامگذاری شده است، در واقع از اشتباهات کاتبان و مستنسخان نشأت گرفته که در برخی موارد با کم و زیاد کردن، تصحیف و تحریف متن، همراه بوده است<sup>۲</sup>. باید افزود که نوعاً

۱. یادآور می‌شویم نسخه شماره ۱۲۴۲۵/۲ کتابخانه عامره مرعشیه نیز نسخه دیگری همانند نسخه جامع گوهر شاد مشهد می‌باشد، اما به جهت ناتمام بودن آن، در توضیح فقره مذکور، به نسخه کتابخانه جامع گوهرشاد، استناد جستیم.

۲. این دگرگونی در مقدمه گاهی بسیار عمیق می‌باشد، چنانچه به عنوان نمونه در نسخه شماره <۱۲۴۲۵/۲> همین کتابخانه عامره، به مانند متن تفصیلی (کتاب الاسرار)، کتاب درسه باب تنظیم شده، لیکن در ادامه صحبتی از این بابها نشده است! درحالی که متن خلاصه (سرّالاسرار) دارای ۳۶ باب به نحو مختصر، اما متن

نسخه‌هایی که آغاز آنها به صورت: < الحمد لله ربّ الأرباب و مسبّب الأسباب... > است، متن خلاصه (سرّ الأسرار) و نسخه‌هایی که آغاز آنها به شکل: < الحمد لله حمداً يوافي نعماه و يضاها إفضاله... > است، در واقع متن مفصل می‌باشد که به نام کتاب الأسرار نامیده شده‌اند.

این اثر، همانگونه که اشاره گردید، در سه باب تنظیم گردیده است (نسخه مورد گفتگو فاقد دو باب نخستین): الباب الأوّل فی معرفة العقاقیر؛ الباب الثانی فی معرفة الآلات و الباب الثالث فی معرفة التدابیر. البته گفتنی است که محمّد زکریای رازی این باب اخیر (باب سوم) را بسط داده و در هفت قسم به روش‌های تدابیر، پرداخته است:

- القسم الأوّل فی تنظیف الأرواح و تکلیس الأحجار و الأجساد و الأملاح و القشور و الاصداف و الأبقال؛

القسم الثانی فی تشمیع الأرواح و الأكلاص و الأملاح و غیرها؛

القسم الثالث فی تحلیل الأرواح المشمّعة و البوارق و الأكلاص و الأملاح و غیر ذلك؛

القسم الرابع فی تمزیج المحلولات؛

القسم الخامس فی العقد الذی به یكون تمام العمل؛

القسم السادس فی تصعید الأحجار و الأجساد لتقویم الرصاص و غیره؛

القسم السابع فی المیاء الحمّرة.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است که در گنجینه کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجلی، تاکنون چهار نسخه، شماره‌های < ۳۳۸۶/۹، ۴۲۵۴، ۹۸۱۲، ۱/۱۴۶۴۵ >، مورد شناسایی واقع شده است؛ از این میان دو نسخه مهم آن در فهرست نگاری، با عناوین کلی و عام الکیماء، أوراق فی الکیماء یا سرّ الأسرار یا مؤلّفی ناشناخته معرفی شده است که در حقیقت نسخه‌هایی از کتاب الأسرار محمّد زکریای رازی می‌باشد، و نسخه پنجم نیز به شماره < ۱۲۴۲۵/۲ >، در حقیقت متن خلاصه

مفصل (کتاب الاسرار) دارای سه باب می‌باشد

۱. در برخی نسخ کتاب الاسرار (مانند نسخه ۳۳۸۶/۹ همین کتابخانه عامره) به جای «قسم» به صورت «باب» آمده است و در برخی موارد اندک نیز برخی عناوین متفاوت است؛ برای نمونه: أبواب التکلیس (۶۹ب)، أبواب تصعیدات (۷۵ب)، أبواب التشمیع (۷۷ب)، أبواب التحلیل (۸۹ الف)، أبواب تدابیر المیاء (۹۴ب)، أبواب تدابیر الأحجار (۹۶ الف)، أبواب تدابیر الذّهب و الفضة (۱۰۴ب)، أبواب الخمایر المركّبة (۱۰۷ الف) و... لیکن متن اصلی مطابق می‌باشد.

با عنوان سرّ الأسرار (شامل ۳۶ باب) است که در صفحات بعدی همین نوشتار معرفی خواهد گردید. باید دقت شود که نسخه مورد گفتگو (۳۳۸۶/۹)، در فهرست کتابخانه<sup>۱</sup> با عنوان أوراق فی الکیمیاء معرفی شده است و نسبت به نسخه <۹۸۱۲> همین کتابخانه، در حدود شانزده برگ، ناقصی دارد.

ناگفته نماند این اثر، با تصحیح محمدتقی دانش پژوه، در سال ۱۳۴۳ش به چاپ رسیده است و همچنانکه پیش‌تر نیز اشاره گردید، از سوی دکتر مهندس حسنعلی شیانی، به نیکویی، از عربی به فارسی برگردانده شده است که با عنوان کتاب الأسرار یا رازهای صنعت کیمیا در سال ۱۳۴۹ش (تجدید چاپ سال ۱۳۷۱ش) از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. این اثر همچنین از طرف یولیوس روسکا به زبان آلمانی و نیز لاتینی<sup>۲</sup> ترجمه و منتشر شده است. در ضمن یک ترجمه (تحت اللفظی) از این اثر (کتاب الأسرار)، با نام ترجمه سرّ الأسرار، به شماره <۸۳۰۲> (ب ۹۱. ب ۱۶۱) در این کتابخانه عامه نگهداری می‌گردد (رک. فهرست کتابخانه، ج ۲۱، ص ۲۶۲) که آغاز آن چنین است: <سپاس و ستایش مرخدای راعزّو جلّ که با نعمت او برابری کند و مانند افضال او بود...>.

آغاز: <بسملة، هذه أوراق من محمد بن زکریا مما انتخبه بعض الإخوان فأحببت أن أكتبها لما فيها من الفوائد الحسان و على الله التكلان؛ باب فی قمری البرانی خذ من الکبریت و الزرنیخ أهما شئت مما شوی و أخرج و خانه و استحقّه بماء ملح أو ماء...>.

انجام: <.... و ینعقد نقره حمراء یاقوتیة یقیم مثقاله عشرة آلاف من ... شئت ذهباً إبریزاً و هذا قولهم عملنا من أربعة و من ستة عشر فأعرفه؛ تمت الرسالة بعون الله تعالی و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً>.

گزارش نسخه: نوع خط: شکسته نستعلیق، نام کاتب: علی اکبر [کرمانشاهی]، تاریخ کتابت: سال ۱۲۶۷هـ. محل کتابت: دارالخلافه طهران، عناوین و نشانی‌ها: قرمز و مشکی، نوع کاغذ: فرنگی ضخیم آهار مهره، تعداد برگ: ۴۰گ (۶۸ ب ۱۰۷)، تعداد سطرها: ۱۶س، اندازه متن کتاب: ۱۲×۱۶/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۷/۵×۲۱/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای

۱. حسینی اشکوری، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، ج ۹، صص ۱۶۷-۱۶۸.

روشن، مجدول ضربی باترنج و سرترنج؛ عطف: تیماج قهوه‌ای تیره، رقم کاتب: < حرّره العبد الأحرّ أقّل العباد علی أكبر، قبل الظهريوم الثلاثا رابع عشر ذی الحجة الحرام سنة ۱۲۶۷ هـ فی دارالخلافة طهران و أنا محبوس حیران و أسئل الله سبحانه الفرج و المخرج من هذا الحبس الظاهري و القيودات الباطنية بحق محمّد و أهل بيته الطيبين الطاهرين صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين أبدأ الآبدین >.

ویژگی‌های نسخه: برخی عناوین اثر در هامش به رنگ قرمز مایل به صورتی نگارش یافته است، برخی قلم خوردگی‌های مختصر در متن دیده می‌شود. این نسخه در برخی صفحات (همچون برگ ۷۴ الف) تصحیح گردیده است. پیش از آغاز این رساله (بین برگ‌های ۶۷ ب - ۶۸ الف)، یک رساله مختصر و کوچک طبّی و طبیعی از دیده و قلم فهرست‌نگار در ورمانده که بدین وسیله استدراک می‌گردد؛ آغاز این رساله طبّی چنین است: < بسمه تعالی، بدایع صنع الله و عجایب خلقه فی تشریح بدن الإنسان أكثر من أن یحصی و من عجایب خلقه تشابه المختلف و اختلاف المتشابه... > و انجام آن نیز چنین است: <... تشعل قنادیها من غیر اشعال؛ تمّ فتبارک الله أحسن الخالقین و الحمد لله ربّ العالمین >. توضیح این نکته ضروری است که در فهرست‌نگاری پیشین، قبل از اینکه این مجموعه را شماره‌گذاری نمایند، تنها با اتکا به شماره‌گذاری مغلوپ قدیمی، اقدام به درج همان شماره برگ‌ها در فهرست شده است که به جهت احتراز از اشتباه، این مجموعه از نو شماره‌گذاری گردیده و در دوره اصلی فهرست کتابخانه، نیز اصلاح گردید.

منابع پژوهش: نجم‌آبادی، محمود، مؤلفات و مصتفات ابوبکر محمّد بن زکریای رازی، صص ۲۲۸-۲۲۹ و ۲۶۰-۲۶۱؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریسه، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۴، صص ۳۳۲-۳۳۳؛ صالحیه، محمّد عیسی، المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع، ج ۳، ص ۱۳؛ بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، القسم الثانی، ۳-۴، صص ۶۸۹-۶۹۰؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. IV, pp. 279-280; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, p. 270.

شماره ردیف: <۲>

شماره نسخه: <۴۲۵۴>

نام اثر: نسخه دیگر از کتاب الأسرار (۲)

آغاز: <بسملة، کتابی هذا وأتحفته بما لم أتحف به أحداً من الملوك والأمرأ وثبت له علم الصنعة بما يستغنى به عن جميع كتبي في هذا المعنى وسأتحفته بكتاب وخبر لطيف... بما أودعت من التدابير درجةً درجةً على رأس الكور... فحرام على كل من وقع إليه كتاباً أن يعيره... وأدخلته في جملتنا لما شرحت ما سرية القدماء من الحكماء مثله أغاد تيمون وهرمس و أنطوس و... وأستاذنا جابر بن حيان، بيض الله وجهه... أجمع هذا كله في كتاب واحد... و كتابنا هذا يشتمل على معانٍ ثلثة، القول الأول في العقاقير...؛ القول الثاني في الآلات...؛ القول الثالث في التدابير وهو سبعة أقسام، الأول في تنظيف الأرواح و...؛ معرفة العقاقير و أكاسير، هذه الصنعة ثلثة أشياء: ترابية و نباتية و حيوانية...>

انجام: <... (۱۰۲ الف) باب تصعيد الأجساد والأحجار، اعلم أنّ تصعيداً هذه الجواهر...؛ الثاني: أن تمازج الأرواح كيف شئت... الأسفل بالسحق و تصعده أبداً حتى يصعد كله وأما...> افتاده.

گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: سده ۱۰هـ عنوان ها و نشانی ها: مشکى، نوع کاغذ: شرقى نخودى، تعداد برگ: ۱۰۲گ، تعداد سطر: ۱۲س، اندازه متن: ۸/۵×۱۱/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۹×۱۳/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج حنائى، مجلد.

ویژگی های نسخه: مقدمه نسخه مورد گفتگو با سایر نسخ متفاوت است و از پایان هم فاقد ابواب بعد از <باب تصعید> می باشد و ساقط گردیده است. این نسخه در فهرست نگاری نخستین با عنوان سرّ الأسرار از مؤلفی ناشناخته معرفی گردیده بود که بدین وسیله تصحیح و استدراک می گردد. برخی عناوین مانند <باب>ها در این نسخه به <القول> تبدیل شده است. این نسخه نفیس در حاشیه تصحیح گردیده و در برخی برگ ها هم حاشیه نویسی دارد. در آغاز نسخه از این اثر با عنوان سرّ الأسرار یاد شده و بر اساس توضیحاتی که ذیل نسخه نخست این اثر پیش تر از نظر گذشت، این نام صحیح به نظر نمی رسد. آثار رطوبت دیدگی نسبتاً زیادی بر لبه برگ های نسخه قابل مشاهده است، ولی متن خواناست و آسیب چندانی ندیده است. در برخی برگ های میانی نسخه تملک <آقا حسین پسر جناب...> همراه



مهریضی شکل <یاحسین بن علی> دیده می شود که البته در چند جامتن آن محو شده است. مهر و امضای مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله در آغاز و انجام نسخه مشاهده می شود. لبه برخی از برگ های آغازین و انجامین نسخه اندکی آفت دیده است.

•••

شماره ردیف: <۳>

شماره نسخه: <۹۸۱۲>

نام اثر: نسخه دیگر از کتاب الأسرار (۳)

آغاز: <بسملة، الحمد لله رب العالمين والصلوة... قال محمد بن زكريا حرام على من دفع إليه هذا الكتاب أن يعبره من ليس منا أو المنكر أو يطلع العامة على ما فيه أو فاسقاً... وأدخله في عملنا لما شرحنا فيه ما سرب به القدماء من الفلاسفة مثل أعاذيون وهرمس و... وكتابي هذا مشتمل على معرفة معان ثلاث: معرفة العقاقير، معرفة الآلات، معرفة التدابير؛ الباب الأول في معرفة العقاقير وهي ثلاثة ترابية ونباتية وحيوانية...>

انجام: <... ينعقد نقرة حمراء ياقوتية يقيم مثقاله عشرة آلاف مثقال من أي جسد ذهباً ابريزاً وهو قوهم عملنا من أربعة ومن ستة عشر و يقيم مثقاله تأتي مثقال بلور ياقوتاً أحمر إذا دبرته على التدبير المقدم ذكره والله العالم والله تعالى أعلم.>

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، تاریخ کتابت: سال ۱۰۹۲ هـ عنوان ها و نشانی ها: مشکی، نوع کاغذ: فرنگی نخودی، تعداد برگ: ۶۵ گ، تعداد سطر: ۱۸ س، اندازه متن: ۱۵×۱۰ سانتیمتر، اندازه جلد: ۲۱/۵×۱۶ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه ای باترنج ضربی زمینه گل و بوته؛ رقم کاتب: <قد تم الكتاب بعنوان الملك الوهاب في شهر صفر المظفر سنة ۱۰۹۲ هـ.>

ویژگی های نسخه: این نسخه فاقد بخشی از مقدمه و باقی نانوشته است. باید افزود این نسخه در فهرست نگاری نخستین با عنوان عام **الکیمیاء** معرفی شده بود. این نسخه در حاشیه تصحیح شده و حاشیه نویسی به خط شکسته نستعلیق و با نشان های <۹۲> و <منه> به نقل از خود مؤلف دارد. ضمناً برخی مطالب هم بعدها با مداد در هامش برخی اوراق افزوده شده است. عناوین اصلی و فرعی این اثر به خط نیکوی نسخ در هامش آمده است. در آغاز نسخه این کتاب با خودکار آبی به نام **فجر الطب** از محمد بن زکریای رازی دانسته شده است!

۱. مانند نسخه نخستین است، لیکن اندکی اختلاف در برخی واژه ها مشاهده می شود.

گویا براساس یادداشت کم رنگی که در برگ آغازین نسخه بوده و در آن آمده <کتاب فی الطب> که سرکش کاف <زکریا> و <فی> مجموعاً توهم واژه <فجر> را برای نگارنده آن نام به وجود آورده است! در برگ آغازین، مطالبی پراکنده در کیمیا با مداد نوشته شده و از <ابراهیم بن اسما> و <فاطم بن زهر> در آن یاد شده است. بر فراز برگ های نخستین، دو مهر بیضی شکل بسیار کم رنگ (محو شده) گویا: <المکئی بن سید نصرالله> نیز دیده می شود.

•••

شماره ردیف: <۴>

شماره نسخه: <۱/۱۴۶۴۵>

نام اثر: نسخه دیگر کتاب الأسرار (۴)

آغاز: <بسملة، قال أبو بکر محمد بن زکریا الرازی، الحمد لله حمداً یوافی نعماه و یضاهی إفضاله و صلی الله علی خیرته من خلقه و أفضل بریته محمد عبده و رسوله و علی آله الطیبین الطاهرین... إنّ الذی دعانی إلی تألیف هذا الكتاب مسئله شاب من تلامیذی من أهل بخاری یقال له محمد بن یونس عالم بالریاضیات...، باب معرفة العقاقیر، العقاقیر ثلثة أنواع: ترابی و نباتی و حیوانی...>

انجام: <... (۱۰ب) باب صفة العقاقیر و هی نوعان أجساد و غیر أجساد...، ذکر العقاقیر حیوانیة...، و الدم و اللبن و الصوف و القرن و البیض و البول و أصلها کلها الشعر، ثم الدماغ ثم البیض ثم القحف ثم الدم و...> ناقم.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: [علی]، تاریخ کتابت: سال ۱۰۶۲هـ عناوین و نشانی ها: قرمز، نوع کاغذ: شرقی ضخیم نخودی، تعداد برگ: ۶گ (۵ب ۱۰ب)، تعداد سطر: ۱۷س، اندازه متن کتاب: ۹/۵×۱۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۵/۵×۲۱ سانتیمتر، نوع جلد: مقوایی باروکش کاغذی بنفش فرسوده.

ویژگی های نسخه: این نسخه فقط مشتمل بر چند برگ آغازین کتاب الأسرار می باشد و باقی برگ های آن افتاده است! در هامش این نسخه، مطالبی در علم کیمیا آمده است که گویا رساله ای مستقل باشد. پیش از آغاز نسخه پنج برگ حاوی فوایدی پراکنده در کیمیا مشاهده می گردد. در آغاز تملک <شیخ عبدالحسین> با مهر بیضی <... ذکر الله علی کل حال>، همچنین مهر بیضی <عبده الراجی حاجی محمد> بر برگ <۳ الف> دیده می شود. آثار رطوبت دیدگی مختصری بر لبه برگ های نسخه دیده می شود.

•••





شماره ردیف: <۵>

شماره نسخه: <۷۸۳۶>

نام اثر: الاکلیل = کتاب الاکلیل

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: دستوراتی طبی و بهداشتی برای سلامتی و حفظ الصحّة بدن انسان درپانزده باب است. بنابر مصادر موجود و در دسترس، در سرچشمه ها نسخه دیگری از این اثر گزارش نشده است، چنانکه نه بروکلیمان در تاریخ ادبیات عرب و نه سزگین در تاریخ نگارشهای عربی و نه حتی مرحوم دکتر محمود نجم آبادی در مؤلفات و مصتفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی نسخه ای معرفی نشده است و به نظر می رسد این اثر و نسخه منحصر بفرد بوده که از این نظر بسیار حائز اهمیت می باشد. عناوین ابواب پانزده گانه این اثر عبارتند از:

الباب الأوّل فی السواک والسفوفات فی کلّ فصل (۳ب)؛

الباب الثانی فی الحمام و منفعتہ و وقت الحاجة إليه و ما یدبر به فی کلّ وقت (۷ الف)؛

الباب الثالث فی الصولجان و الطبطاب و منفعتهما و المضرّة فی الإکتار منهما (۱۰ب)؛

الباب الرابع فی البخور و أنواعه و انتفاع البدن به و بأنواع الطّب من کلّ فنّ (۱۱ب)؛

الباب الخامس فی الأکل و مقداره و ما یمجب أن یعقب و یضادّ فی کلّ طعام (۱۲ب)؛

الباب السادس فی القیلولة و النوم و حاجة البدن إليهما و منفعتہ بهما و المضرّة بترکه

(۱۴ب)؛

الباب السابع فی الشراب و کمیتہ و ما یشرب من کلّ صنف منه و ما یثقل به صاحب کلّ

مزاج علیه (۱۶ الف)؛

الباب الثامن فی الفواکه و ما یتناول بعقب أکل کلّ صنف منها لدفع عوارضها (۱۷ الف)؛

الباب التاسع فی الجماع و المنفعة منه و المضرّة من الولوع به سبب العضو الرئیس (۲۳ب)؛

الباب العاشر فی الموسیقار و سبب ترکیبه (۲۶ الف)؛

الباب الحادی عشر فی ذکر اللباس و أنواعه فی کلّ حین ... (۲۸ب)؛

الباب الثانی عشر فی الفصد و الحجامة و العلق (۳۰ الف)؛

الباب الثالث عشر فی الجوارشونات و المعجونات و السفوفات النافعة لأنواع العلل



(۳۳ ب)؛

الباب الرابع عشر فى الأدوية والمعجونات والسفوفات المسهلة النافعة لكل فصل وحين

(۳۶ ب)؛

الباب الخامس عشر فى الأدوية النافعة القامة للسموم القائلة مما يؤخذ قبلها وبعدها

(۳۸ ب).

آغاز: >بسملة، قال أبو بكر بن محمد بن زكريا الرازى إن الأرواح البسيطة هى مألوفة غير متنافرة عن إشكالها إلا بالقوالب الجسمانية... فأول ما نبدأ به مما يأتى شرحه وبيانه من ذلك، السواك، دخول الحمام... والحجامة وذاك إتنى أشرح الجميع... وقد سميت هذا الكتاب كتاب الأكليل، أعان الله على مقصدى، فيه عوناً يبلغ المحبة والسلامة والعافية بتمه وحسن توفيقه...، الباب الأول نذكر فيه السواك ومنفعته والأشجار التى تتخذ منه المساويك فى كل فضل...<

انجام: >... وحب الغار من كل واحد جزء ويدق ناعماً ويعجن بالعسل الشربة منه مثقال بماء فاتر على الريق، تم كتاب الأكليل والحمد لله حق حمده وصلوته على خير خلقه محمد وآله الأكرمين وسلامه.<

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ مُعرب (عناوين ثلث)، نام کاتب: ابوالبركات حكيم، تاريخ کتابت: سال ۹۵۶ هـ محل کتابت: [رى] آستانه حضرت عبدالعظيم الحسنی عليه السلام، عناوين و نشانی ها: قرمز و مشکی، نوع کاغذ: شرقی ضخیم نخودی، تعداد برگ: ۴۱ س، تعداد سطر: میانگین ۱۱ س، اندازه متن کتاب: ۱۴/۵ × ۱۶/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۸/۵ × ۲۴ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج مشکی با ترنج ضربی زمينه گل و بوته و نگاره های اسليمی؛ رقم کاتب: >کتابه الفقير إليه سبحانه وتعالى أبو البركات الحكيم، غفر له، ووافق الفراغ من نسخه فى ظهر الاثنتين رابع شهر رجب المرجب سنة ۹۵۶ در آستانه متبرکه حضرت عبدالعظيم عليه التحية والسلام، اين نسخه تمام شد.<

ویژگی های نسخه: نسخه ای است بسیار نفیس و ارزنده که به نظر می رسد منحصر بفرد بوده باشد. این نسخه با نسخه ای که در زمان کتابت (۹۵۶ هـ) موجود بوده، مقابله گردیده است و همچنانکه در پایان کتاب چنین آمده است: >قوبل بحسب الجهد والطاقة<. این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده و حاشیه نویسی مختصری با نشان <۱۲> دارد. آثار طوبیت



دیدگی بر لبه برخی اوراق مشاهده می شود که البته آسیبی به متن وارد نشده است. روی آغازین برگ نسخه، تَمَلَّک > مُحَمَّد زَمان بن عطاء الله حسینی طیب > در سال ۱۰۴۴ هـ در دارالسلطنه قزوین، همراه مُهر هشت گوش > عبده مُحَمَّد زَمان الحسینی > و نیز هدیه (هبه) این نسخه به فرزند خویش > مُحَمَّد مومن > آمده است؛ همچنین مُهر هشت گوش کاتب نسخه با عبارت > العبد ابوالبرکات >، که در انجام نسخه نیز تکرار شده همراه مُهری گرد با متن > الفقیر الی الله الغنی ... شهاب الدین علی الحسینی > دیده می شود. در برگ آغاز همچنین ابیاتی در مدح امیر المؤمنین علی علیه السلام از میرقانعی کاشی با این مطلع:

یا حیدر صفدر توشه آگاهی مثل تو کسی نیست تو سَرّ الهی

آمده است. در انجام نسخه نیز، تسیحاتی مختصّ انبیاء علیهم السلام با تاریخ دهم محرم الحرام سال ۹۵۹، نیز تعویذی برای فتح اللسان به انضمام یک رباعی با مطلع:

سال وفال و حال و مال و اصل و نسل و تخت و بخت  
بادت اندر پادشاهی برقرار و بردوام

آمده که در ماه رجب ۹۵۷ نگارش یافته است.

منابع پژوهش: سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریسه، تاریخ نگارش های عربی، ج ۳، ص ۴۰۶؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، ص ۲۷۳؛  
Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, p. 292.

•••

شماره ردیف: <۶>

شماره نسخه: <۶۶۷/۴>

نام اثر: بره الساعه = کتاب بره الساعه

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: کتاب طَبّی موجز متداول و مشهوری در ۲۳ باب (در برخی نسخ ۲۴ باب) در درمان سریع بیماری ها است که به نام ابوالقاسم عبدالله بن ابوعلی محمد بن یحیی عبیدالله بن یحیی بن خاقان وزیر منصور، تألیف گردیده و سال نگارش آن هم بنا بر گفته نجم آبادی، بین

سال‌های ۳۱۲-۳۱۳ هـ. بوده است و چنانکه تاریخ مذکور صحیح بوده باشد با توجه به تاریخ وفات قطعی رازی در سال ۳۱۱ هـ. برای وی صحت نخواهد داشت. برخی براین عقیده‌اند که براء الساعه آخرین کتابی است که رازی از خامه خود بیرون داده و براین مبنا، چنانکه اسم اثر نیز گواه است، براء الساعه نخب تجاربِ طبّی تمامی عمر رازی خواهد بود.

رازی در مقدمه اثر (نسخه مورد گفتگو فاقد مقدمه) می‌گوید: < در محضر وزیر (فخرالدین) بوم و عده زیادی از اطباء و متطببین که آمد و شد می‌نمودند از طبّ و طبابت سخن می‌راندند و هر کدام به میزان علم و دانش خود در معالجه مریض گفتگو می‌کردند؛ وزیر دریافت که علل بیماری مدتها جمع می‌شود و ممکن است آنرا برطرف گردد، اطبایی که در آنجا حضور داشته تعجب کردند برای آنکه منظور آنها از آمد و شد به نزد بیمار را برای اخذ چیزی می‌دانستند؛ لذا وزیر از من سؤال نمود که آیا ممکن است کتابی تألیف کنی که جمیع بیماری‌ها را در آن واحد مهبودی دهد؟ من هم به منزل مراجعت نموده و این کتاب را تألیف و نام آن را براء الساعه نهادم و آن مثل کتاب السردر صنعت طبّ است، چرا که در این کتاب جمیع دستوراتِ طبّی و بیماری‌هایی را که در آن واحد فوری معالجه می‌شوند از فرق تا قدم ذکر نمودم >.

ابواب ۲۳ گانه اثر (برخی نسخ دارای ۲۴ باب و نسخه مورد گفتگو نیز فاقد دو باب اخیر) عبارتند از:

-الباب الأول فی الصداع (دردسر)، الباب الثانی فی الشقشقیه (درد شقشقیه)، باب الثالث فی الصرع (غش)، الباب الرابع فی الزکام (زکام و نزله)، الباب الخامس فی هیجان العین (درد چشم)، الباب السادس فی وجع الأسنان (درد دندان)، الباب السابع فی قطع الأسنان (تدبیر کردن آسان دندان بدون استفاده از کلبتین)، الباب الثامن فی البحر (بدبوئی دهان)، الباب التاسع فی الخوانیق (خناق)، الباب العاشر فی العلق (چسباندن زالو به حلق)، الباب الحادی عشر فی الطنین فی الأذن و الذوی (امراض گوش)، الباب الثانی عشر فی الرعاف (خون آمدن بینی)، الباب الثالث عشر فی القولنج، الباب الرابع عشر فی البواسیر، الباب الخامس عشر فی النواصیر، الباب السادس عشر فی الجراحات العتیقه، الباب السابع عشر فی الجراحات الطریه، الباب الثامن عشر فی وجع الأعضاء، الباب التاسع عشر فی خروج المقعد،

الباب العشرون فی الخلفة (بدبوشدن دهان روزه دار)، الباب الحادی والعشرون فی عرق التساء، الباب الثانی والعشرون فی الجرب، الباب الثالث والعشرون فی حرق النار، والباب الرابع والعشرون فی الاعتناء والتعب (خستگی).

باید توجه داشت که نظریه اهمیت اثر نزد اطباء و نیز موجز بودن، فراوان تکثیر گردیده است لذا امروزه نسخه های متعددی از آن در کتابخانه های داخلی و خارجی برجای مانده است. این اثر نخستین بار در مجله مشرق (بیروت)، ش ۶ (۱۹۰۲م)، صص ۳۹۵-۴۰۲، سپس در سال ۱۲۸۸هـ به اهتمام میرزا سید محمد رضی طباطبایی سمنانی (جدّ اعلاّی دکتر صحت طباطبایی) در تهران و همچنین سال ۱۹۳۶ در قاهره و نیز در سال ۱۳۳۳ش با عنوان کتاب البرء الساعة یا معالجات فوری در اصفهان (با ترجمه فارسی) و سرانجام در سال ۱۳۳۴ش به همراه کتاب من لا یحضره الطیب رازی در تهران به چاپ رسیده است. این اثر همچنین به زبان های دیگر ترجمه شده که از آن جمله ترجمه های فارسی آن است، رساله تحفه شاهی ترجمه میرزا سید احمد بن محمد حسین شریف تنکابنی، حکیم باشی فتحعلی شاه قاجار که با افزودن ۷ باب دیگر آن را به ۳۰ باب رسانده است؛ باید افزود که ترجمه تنکابنی در سال های ۱۲۹۷هـ (تجدید چاپ سال های ۱۳۰۴ و ۱۳۱۷هـ) در تهران به چاپ رسیده است؛ از این اثر همچنین نسخه ای خطی در این کتابخانه بزرگ به شماره <۹۵۳۷> نگهداری می شود. ترجمه اثر به زبان اردو از سوی قطب شاه در سال ۱۳۰۸هـ / ۱۸۸۹م در لکنهو، ترجمه فرانسوی آن همراه متن عربی توسط پطرس گیگ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۰۳م با عنوان معالجه در یک ساعت<sup>۲</sup> در مجله Janus (پاریس)، ش ۸، صص ۳۶۳-۳۷۰، ۴۱۱ و ۴۱۸ به چاپ رسیده است. یادآور می شویم چند ترجمه فارسی از براء الساعة در همین کتابخانه عامه به شماره های <۷۴۰۹/۴>، <۸۴۳۵/۶> و <۱۰۰۱۷/۴> موجود است که مترجمان آن ها شناخته نشده است.

گفتنی است که متن کامل این اثر، از سوی سید رضی الدین علی بن موسی، حسنی حلّی مشهور به <ابن طاووس> (د. ۶۶۴هـ) در کتاب امان الأخطار گنجانده شده است.

آغاز: <بسملة، قال محمد الزکریا الرازی، علیه الرحمة والغفران: ولما یکن براء فی الساعة ذکرک عضواً أو ترکک عضواً ما یکن براءه فی ساعة واحدة فن ذلک الصداع من مقدم الرأس و

<sup>۱</sup>. P. Guigues.

<sup>۲</sup>. La guérison a une heure.

ما یلی الجبهة فإن ذلك من فصل الدم، علاجه ...>.

انجام: >... عرق النساء، النساء هذه علّة عظيمة كثير الخطر يتلف بينهم الخلق لقلّة معرفتهم بها ...، علاجه أن يؤخذ صبر سقوطری وإهلیج أصفر و السورنجان ...، الجرب يحرق اللفت إلى أن صار ماداً ...> اقتاده.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: [سیف الدین محمود بن محمد مقیم طیب گیلانی الاصل تبریزی المسکن (۷۶ب)]، تاریخ کتابت: [سال ۱۱۱۹هـ.]، محل کتابت: [دار الارشاد اردبیل]، عناوین و نشانی‌ها: قزم، نوع کاغذ: فرنگی نخودی، تعداد برگ: ۴گ (۷۶ب - ۷۹ب)، تعداد سطرها: ۱۷س، اندازه متن کتاب: ۱۲×۵/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۷/۵×۱۱ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای روشن (یک لایه) مجدول با ترنج و سرتنج ضربی زمینه گل و بوته و نگاره‌های اسلیمی.

ویژگی‌های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح شده است؛ در هامش برخی برگ‌ها، ایبائی به زبان فارسی با مطلع:

نمی گردد مگر در صیدگاه دل شکار من  
نمی دانم بهر جانب چو می تازد سوار من  
آمده است که قاعدتاً به همراه سایر اشعار نگاشته شده در لابلای برگ‌ها و هامش این نسخه، طبیعتاً بایستی در فهرست نگاری کتابخانه مورد توجه قرار می گرفت. رطوبت دیدگی اندکی بر فراز و لبه‌های زیرین برگ‌ها قابل مشاهده است. در انجام نسخه چند مهربیضی شکل با سجع <رضا قلی>، <محمود بن محمد بن هادی> که ممکن است کاتب نسخه باشد، و یک مهر ناخوان دیگر دیده می شود. در هامش برگ انجام نیز بخشی از دعای توسل با آغاز: <اللهم اِنّی اَسْئَلُکَ وَاَتُوْجَّهْ اِلیکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ...> آمده است که البته باقی دعا به جهت افتادگی انجام نسخه، افتاده است. پس از اتمام رساله، بین برگ‌های <۸۰ الف> - ۸۸ب > تاریخ تولدهای زیاد، فوائد تاریخی و نیز ایبائی نغز به زبان‌های فارسی و ترکی آمده که قابل توجه و بررسی است.

منابع پژوهش: طهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۳، ص ۸۴؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۱۵۲-۱۵۸ و ۳۱۶-۳۱۷؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، صص ۳۸۸-۳۸۹؛ مشار، خانابایا، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۱،

صص ۱۲۷۷-۱۲۷۸؛ صالحیه، محمد عیسی، المعجم الشامل التراث العربی المطبوع، ج ۳، ص ۱۰؛ بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، القسم الثانی ۳-۴، صص ۶۸۸-۶۸۹؛ Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, pp. 284-285; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, pp. 269-270 & Vol. I, Supp., pp. 419-420.

•••

شماره ردیف: <۷>

شماره نسخه: <۷۰۳۶/۴۸>

نام اثر: نسخه دیگری از براء الساعة (۲)

آغاز: >بسملة، الحمد لله رب العالمين وصلواته على خير خلقه محمد وآله أجمعين، هذا كتاب... قال أبو بكر كنت عند الوزير أبي القسم ابن عبد الله، فجرى بحضرتة ذكر شىء من الطبّ و يحضربه جماعة ممن يدّعيه فيكلم كل واحد منهم في ذلك بمقدار ما بلغ علمه حتى يتم براء العليل فسمع جماعة كلامه من حضر من المتطببين كل ذلك يريدون به كثرة الذهاب و الجى إلى العليل واحد المشى منه فعرفت الوزير أن من العلل ما يجتمع في أيام و يبرأ في ساعة واحدة فتعجبوا من ذلك فسألنى الوزير أن أوّلف فيه كتاباً يشتمل على جميع التى يبرأ في ساعة فبادرت إلى منزلى و عملت هذا الكتاب و اجتهدت فيه و سميتة كتاب براء الساعة و هو مثل كتاب السرفى الصنعة لأنّ هذا الكتاب هو دستور الطبّ...<

انجام: >... فى الإعتاء و التعب قد يكون الرجل...، علاجه أن يأخذ ماءً حارّاً شديد الحرارة فيطرح فيه كّف ملح و يضع أطرافه فيه ساعة فإنّه يسكن فى الوقت و إذ قد بينا على قصدنا إليه فنقول لا حول و لا قوة إلاّ بالله العلى العظيم.<

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۱هـ عناوین و نشانی ها: مشکى، نوع کاغذ: فرنكى نخودى، تعداد برگ: ۲گ (۳۲۳ الف ۳۲۴ ب)، تعداد سطر: ۲۴س، اندازه متن کتاب: ۱۰/۵×۲۲ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۸/۵×۳۱ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای روشن، ضربى، مجدول، دارای تزنج و سرتزنج زمينه گل و بوتّه و نگاره‌هاى اسليمى.

ویژگی‌های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح شده است. مختصری از آثار طوبیت دیدگی بر فراز برگ‌ها قابل مشاهده است.

•••

شماره ردیف: <۸>

شماره نسخه: <۸۷۲۰/۵>

نام اثر: نسخه دیگری از برء الساعة (۳)

آغاز: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

انجام: <... فی الماء الحار الشديدة الحرارة ویتربک فیہ اطرافه ساعة فانه یسکن الحال دواء؛ ألفه أندروماخس حبّ الفار حنطباناً مرقسط من کلّ واحد ستّة ...، السوداوی نصف مثقال و الاختلاط الدهن مثقال ولاسترخاء الأعصاب أربعة مثاقیل؛ تمت وباليمن والبرکت عمّت >.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: [سال ۹۴۲ هـ (۱۳ الف)]، عناوین و نشانی‌ها: مشکى، نوع کاغذ: شرقی نخودی نازک، تعداد برگ: ۵ گ (۸۰ ب) - ۸۴ الف)، تعداد سطر: ۱۹ س، اندازه متن کتاب: ۵/۵ × ۱۱/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۷ × ۱۰/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج دور و بدون لایی؛ زرشکی روشن، مجدول با عطف تیماج قهوه‌ای روشن.

ویژگی‌های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده و نسخه بدل‌ها بانشان <خ> درج شده است. حاشیه نویسی اندکی نیز دارد. در انجام نسخه نقل قول‌هایی از برخی اطباء حکمای یونان باستان از جمله جالینوس آمده است، از جمله عبارات: <قال جالینویس، الحركة المعتدلة قبل الاغتذاء من أعظم الخیرات فی حفظ الصحة و ترک الحركة والدعة بعده من أعظم الآفات > و <قال جالینوس، علیک من الطعام ما حدث و من الشراب ما عتق >.

•••

شماره ردیف: <۹>

شماره نسخه: <۱۱۸۶۷/۵>

نام اثر: نسخه دیگری از برء الساعة (۴)

آغاز: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

انجام: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>

گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سال ۱۰۳۸ هـ  
عناوین و نشانی‌ها: قرمز و مشکى، نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم، تعداد برگ: ۴ گ (۱۰۸ ب - ۱۱۱ الف)، تعداد سطر: متعدد، اندازه متن کتاب: ۸ × ۱۶/۵ سانتیمتر، اندازه جلد:





۱۳/۵×۲۳/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای، مجدول باترنج، سرترنج و لچک ترنج گل و برگ زمینه زرین با طرح اسلیمی؛ عطف تیماج آجری. ویژگی‌های نسخه: بخش فرودین برگ‌ها آثار رطوبت دیدگی مشهود است. این رساله در ضمن نسخه‌ای (= مجموعه نفیسی) درج شده که مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، همچون تعدادی نسخه‌های دیگر، در مقابل انجام نماز و روزه استیجاری، خریداری نموده‌اند و این عشق شدید در حالی بوده که به جهت تهیه آن حتی از غذای حداقلی نیز چشم‌پوشی نموده و چنانکه در عبارات ذیل هویداست برای رسیدن به این نسخه‌ها حتی گرسنگی را نیز بر جان می‌خریده‌اند تا این نسخه‌ها از سوی اجانب، بخصوص انگلیسی‌ها، غارت نشود! رحمت و رضوان الهی بر او باد که با ایثار وجود خویش، این موارث عظیم اسلامی، شیعی را با مشقت تمام و بذل جاننش، گردآوردی کرد و به نسل‌های آینده اهدا نمود؛ دستخط آن مرحوم روی برگ آغازین این مجموعه چنین ثبت شده است: > بسمه تعالی، مجموعه طيبة فيها براء الساعة لمحمد بن زكريا المتطبب الرازي و رسائل أخرى اشتريتها في كربلاء المشرفة بثلاث رويات ولم أملك يومئذ درهماً فأجرت نفسي الصلوة لأخي المرحوم الحاج مهدي الطهراني سنة أشهر، حرره شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي في حالة الجوع لم أتعش البارحة ولم أتعذ بعد، سنة ۱۳۴۱هـ.<

•••

شماره ردیف: <۱۰>

شماره نسخه: <۱۲۶۵۷/۱>

نام اثر: نسخه دیگری از براء الساعة (۵)

آغاز: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸.>

انجام: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸.>

گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق و شکسته نستعلیق، نام کاتب: محمد قاسم بن غلامعلی طیب، تاریخ کتابت: نیمه سده ۱۱هـ عناوین و نشانی‌ها: مشکی، نوع کاغذ: شرقی نخودی نازک، تعداد برگ: ۳گ (۱۰ ب ۱۲ الف)، تعداد سطر: مورّب و چلیپا (حدوداً ۳۰ سطری)، اندازه متن کتاب: ۸/۵×۱۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۱×۱۹ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج زرشکی، مجدول به ترنج و سرترنج ضربی زمینه گل و بوتنه؛ رقم کاتب: > تمّ بالخیر علی أفقر عباده الله إلی

معبوده، محمد قاسم ابن غلام علی الطیب، حامداً لله تعالى مصلياً على رسوله وآله مسلماً  
مستغفراً، اللهم اجعله خالصاً لوجهك الكريم.

ویژگی های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده است. لبه های برگ ها اندکی  
رطوبت دیده است، البته متن آسیب چندانی ندیده است.

•••

شماره ردیف: <۱۱>

شماره نسخه: <۱۴۳۶۲/۱۱>

نام اثر: نسخه دیگری از براء الساعة (۶)

آغاز: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

انجام: <... علاجه آن بیل الأعضاء بماء الملح الحارّ فيراً والله الموفق>.

گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۱هف عناوین و  
نشانی ها: قرمز، نوع کاغذ: شرقی، تعداد برگ: ۳گ (۵۱ ب. ۵۳ الف)، تعداد سطر: ۱۷س،  
اندازه متن کتاب: ۵×۸ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۳×۱۹/۵ سانتیمتر، نوع جلد: مشع (گالینگور)  
مشکی، عطف و گوشه چرم زرشکی.

ویژگی های نسخه: عبارات نسخه در متن و حاشیه نگارش یافته است. در پایان رساله،  
فایده ای در موضوع <قدر> از میرسید شریف جرجانی نقل شده است.

•••

شماره ردیف: <۱۲>

شماره نسخه: <۱۵۰۱۴/۶>

نام اثر: نسخه دیگری از براء الساعة (۷)

آغاز: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

انجام: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ خفی، نام کاتب: خضر غریب [برگ ۲۳۳]، تاریخ کتابت:  
سده ۱۳هف عناوین و نشانی ها: مشکی، نوع کاغذ: فرنکی، تعداد برگ: ۲گ (۲۴۰ ب. -  
۲۴۱ ب)، تعداد سطر: ۲۹س، اندازه متن کتاب: ۱۰×۱۶ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۴×۲۱ سانتیمتر،  
نوع جلد: تیماج زرشکی فرسوده.



ویژگی های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده است و اندکی حاشیه نویسی نیز دارد. روی دو برگ نسخه آثار رطوبت دیدگی مشاهده می گردد. پس از رساله دو مهر بیضی ناخوانا آمده است.

•••

شماره ردیف: <۱۳>

شماره نسخه: <۱۵۴۳۶/۳>

نام اثر: نسخه دیگری از براء الساعة (۸)

آغاز: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

انجام: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ عناوین و نشانی ها: قرمز، نوع کاغذ: فرنگی، تعداد برگ: ۳گ (۲۱۱ ب - ۲۱۳ ب)، تعداد سطر: ۲۲س، اندازه متن کتاب: ۹×۱۴ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۵×۲۲ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج مشکی. ویژگی های نسخه: در حاشیه تصحیح گردیده و دارای اندکی حاشیه نویسی است. در پایان رساله، چند دستورالعمل پزشکی آمده است.

•••

شماره ردیف: <۱۴>

شماره نسخه: <۱۵۵۶۴/۷>

نام اثر: نسخه دیگری از براء الساعة (۹)

آغاز: <... مانند نسخه شماره ۷۰۳۶/۴۸>.

انجام: <... فی طرح فيه كَفّ ملبیح و یضع أطرافه فی ساعة فإنه یسكن فی الوقت و إذا آتینا علی ما قصدناه إلیه فیقول لاحول و لا قوّة إلا بالله العلی العظیم، محبب>.

گزارش نسخه: نوع خط: شکسته نستعلیق، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ عناوین و نشانی ها: قرمز، نوع کاغذ: شرقی، تعداد برگ: ۶گ (۱۴۶ ب - ۱۵۱ الف)، تعداد سطر: ۱۲س، اندازه متن کتاب: ۶×۱۱/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۱×۱۶/۵ سانتیمتر، نوع جلد: دورو تیماج (برون قهوه ای ضربی مجدول و درون قرمز).

ویژگی های نسخه: حاشیه نویسی اندکی با نشان <۱۲> دارد.

•••

شماره ردیف: <۱۵>

شماره نسخه: <۸۷۵۹/۳>

نام اثر: **التجارب = کتاب التجارب**

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: کتابی با عناوین <شکت امراة، شکی رجل ...، امرها، امره، قال و...> در باب تجارب علم پزشکی است که در ۳۱ <فصل> یا <باب> و تمامی آن فصول هم در درمان بیماری هاست. بر پایه مقدمه نسخه کتابخانه ملی ملک در تهران (شماره ۴۵۷۳) شاگرد رازی، هنگامی که از رازی سؤال هایی پزشکی می شده است، می شنیده و به همراه جواب رازی یادداشت می نموده است، گو اینکه همو آن را جمع آوری نموده است! کتاب التجارب اثری است بسیار نفیس و کم نسخه که بر اساس یافته های دکتر فؤاد سزگین، تاکنون تنها ۴ نسخه از این اثر در فهرست های کتابخانه های جهان گزارش شده است. باید افزود که نسخه مورد گفتگو، به لحاظ قدمت در ایران دومین نسخه بعد از نسخه کتابخانه ملی ملک (با کتابت ۱۰۰۴ هـ و تنها با دو سال تأخیر در تاریخ استنساخ) و سومین نسخه مهم در سطح کتابخانه های جهان است. باید دانست که این اثر مهم، در فهرست نگاری نخستین از قلم افتاده و اینک برای نخستین بار، در این کتاب شناسی، معرفی می گردد!

عناوین ابواب این اثر ارزشمند (نسخه مورد گفتگو فاقد باب بیستم به بعد) چنین است:

۱. باب فی الصداع و الشقیقة (۱۱۳ الف)؛ ۲. [باب فی علل الدماغ]؛ ۳. باب فی السرسام و الشوصة (۱۲۱ ب)؛ ۴. باب فی المالیخولیا (۱۲۱ ب)؛ ۵. [باب فی الدور] (۱۲۳ ب)؛ ۶. باب فی أنواع الرمد (۱۲۳ ب)؛ ۷. باب فی الزکام و مایعرض فی الانف (۱۲۸ الف)؛ ۸. باب فی أوجاع الأذن و مایعرض فیها ضیق الحلق (۱۲۹ الف)؛ ۹. باب فی أوجاع الفم و الحلق و الشفه و الأسنان و مایعرض فیها (۱۲۹ ب)؛ ۱۰. باب فی أوجاع الصدر و مایعرض فیها (۱۳۱ ب)؛ ۱۱. باب فی أوجاع المعدة و مایعرض فیها ضعف المعدة (۱۳۷ الف)، ۱۲. باب فی أوجاع الکبد و

۱. بازشناسی این اثر، مرهون تلاش های تحسین برانگیز دکتر حسین رضوی برقی است.

۲. نسخه مورد گفتگو فاقد این باب است، گویا به جهت افتادگی یکی - دو برگی باشد که بعد از برگ <۱۱۶ ب>

مايعرض فيها ورم (١٤٢ب)؛ ١٣. [باب فى الخفقان المفرد والمركب]، ١٤<sup>١</sup>. باب [فى] أوجاع الطحال ومايعرض فيها ورم الجنب الأيسر (١٤٤ الف)؛ ١٥. باب فى الاستسقاء [و] ورم فى البطن (١٤٤ب)؛ ١٦. باب فى أوجاع الجنب والخاصرة والمنكبين (١٤٦ الف)؛ ١٧. باب فى الخلفة والزحير والمغص وإسهال ذريع (١٤٨ب)؛ ١٨. باب فى القولنج وما يشبهه يبس الطبيعة (١٥٤ الف)؛ ١٩. باب فى أوجاع الأرحام وما يعرض فيها حرقة القُبل (١٦٠ الف)؛ ٢٠. باب فى أوجاع الكلى والمثانة والقضيب عسر البول مع الدم والحرقة (١٦٣ب)؛ ٢١<sup>٢</sup>. باب فى البواسير والنواصير؛ ٢٢. باب فى أوجاع المفاصل والقرس والحام فى الأعضاء؛ ٢٣. باب فى الرياح؛ ٢٤. باب فى الخنازير والأورام والثبور؛ ٢٥. باب فى الشرى والبترت؛ ٢٦. باب فى الجرب والحكة؛ ٢٧. باب فى البرص والبهق والقوابى والسعة والتآليل؛ ٢٨. باب فى السقطة والضرية على الرأس وسائر البدن؛ ٢٩. باب فى شيب البهايم والإنسان؛ ٣٠. باب فى الحميات والجدرى والحصبة؛ ٣١. باب فى إخراج الدم وبعده أقاويل مختلفة<sup>٣</sup>.

بايد افزود دكتور فؤاد سزگين، براين باوراست كه شايد كتاب لاتينى *Liber Experiment Rasis* از همين كتاب التجارب الكو گرفته و به لاتينى ترجمه شده باشد. از اين اثر، يك ترجمه تركى با لهجه عثمانى با عنوان ترجمه معالجات ومجربات لذكريا الرازى، به امر سلطان عثمانى محمود دوم (حك. ١٢٢٣-١٢٥٥هـ) از عربى به تركى برگردانده شده است؛ نسخه هاى از اين ترجمه در كتابخانه ولى الدين<sup>٤</sup> در استانبول -تركيه، به شماره <٢٤٨٧> و كتابخانه عمومى چوروم -تركيه، به شماره <٢٩٠٩> موجود است.

آغاز: افتاده <... ١٦. فى أوجاع الجنب والخاصرة والمنكبين؛ ١٧. فى الخلفة والزحير والمغص... [ال]باب [الأول] فى الصداع والشقيقة، شقيقة مع التهاب ودوى الأذن؛ شكت إليه

١. نسخه ما فاقد چنين بابى است، گواينكه اين عنوان، از قلم كاتب افتاده يادر <نسخه مستنسخ عنه> به اين شكل نبوده است.

٢. جز مقدارى از فرازهاى نخستين اين باب، باقى مطالب آن افتاده است.

٣. ابواب داخل قلاب جملگى در نسخه مورد گفتگو افتاده اند.

٤. دفتر كتبخانه ولى الدين: ص ١٤٢.

٥. آغاز اصل كتاب بر اساس نسخه كتابخانه ملى ملك در تهران چنين است: <بسملة، هذا كتاب نظمنا فيه ما كان علقه تلميذ الحكيم الفاضل محمد بن زكريا الرازى عند السماع من لفظه مما أشار به على السائلين عن عوارض عللهم...؛ باب فى الصداع والشقيقة مع التهاب و...>.

امراة شفتشقیة من الجانب الأیسر و إذا تهوعت یكون فیه مرار و تشریح إلى القی ...>  
انجام: ... (۱۶۳ ب) ۲۰. باب فی أوجاع الکلی و المثانة و القضیب عسر البول مع الدم و  
الحرقة ...>.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: [سال ۱۰۰۶ هـ (۸۲ ب)]،  
عناوین و نشانی‌ها: قرمز، نوع کاغذ: شرقی نخودی نازک آهار مهره، تعداد برگ: ۵۱ گ (۱۱۳  
الف (۱۶۳ ب))، تعداد سطر: ۲۳ س، اندازه متن کتاب: ۷/۵ × ۱۳ سانتیمتر، اندازه جلد:  
۱۳/۵ × ۱۹ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای با ترنج زمینه گل و بوتہ.

ویژگی‌های نسخه: نسخه‌ای بسیار نفیس و کمیاب است. این نسخه در حاشیه تصحیح  
گردیده و در برخی برگ‌ها حاشیه نویسی‌هایی دارد. بر لبه‌های برگ‌های آغازین نسخه،  
اندکی از آثار رطوبت دیدگی مشاهده می‌گردد. لبه برگ‌ها، آسیب دیده بوده که به همراه جلد  
آن در واحد مرمت کتابخانه، ترمیم گردیده است. تاریخ کتابت، به قرینه رساله نخست (برگ  
۸۲ ب) این مجموعه ارزشمند، نگاشته شده است. همانگونه که در متن فوق اشارت رفت،  
نسخه مورد گفتگو، فاقد برگ نخست و از باب بیستم به بعد هم افتاده است و البته یک یا دو  
برگی هم پس از برگ < ۱۱۶ ب > از میان برگ‌های نسخه، افتاده است.

منابع پژوهش: نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصتفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی،  
صص ۱۴۰-۱۴۴؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریسه، تاریخ  
نگارش‌های عربی، ج ۳، صص ۳۹۷-۳۹۸؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, p. 289.

•••

شماره ردیف: < ۱۶ >

شماره نسخه: < ۶۸۷۶/۱ >

نام اثر: تفسیر فصول بقراط = المرشد = الفصول فی الطب = فصول ابقرط

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: فصول ابقرط اثری مشهور و متداول است در علم طب، تألیف پزشک نامدار

یونان باستان و پدر علم پزشکی، بقراط حکیم < هیپوکراتسی > (د. حدود سال ۳۷۰ ق م)



است. این اثر در زمان مأمون از سوی حنین بن اسحاق به عربی ترجمه گردیده است و از آن (فصول ابقرط) نسخه‌ای نیز به شماره <۱۲۶۵۷/۴> در همین کتابخانه عامره موجود است.

باید افزود بنا به گفته محمدزکریای رازی، چون کتاب *فصول ابقرط* [گویا همین ترجمه حنین بن اسحاق] را از حیث عدم نظم و تفصیل برای طالبین دانش و معلمین مشکل دیدم، از این جهت بر آن شدم که این کتاب را تنظیم [و تفسیری] کنم تا مدخلی در صناعت طب شود. بنا به نوشته استاد فؤاد سزگین، رازی در این کتاب عمدتاً به موضوع و مضمون *فصول ابقرط*، بیشتر به جنبه طب نظری توجه دارد و تا حدودی خواسته نقایص کتاب بقرط را برطرف سازد و ابهامات آن را روشن کند. رازی کتاب خود را در ۲۹ فصل نگاشته و در آن از سرچشمه‌های بسیاری، از جمله آثار خویش یاد نموده است؛ برخی از آن منابع و مصادر عبارتند از: <الشکوک علی جالینوس (۳ب)، دفع مضار الأغذية (۱۶ الف)، رسالة فی الشراب (۲۲ب)، جوامع العلل والأعراض (۲۵ب)، تقاسیم کتاب العلل والأعراض (۲۵ب)، کتاب الباه (۲۳ الف)، الجامع الكبير (۲۹ الف و ۲۴ب)، رسالة فی النبض (۳۰ب)، استعمال الإسهال فی ابتداء الحمیات (۳۷ الف)، رسالة فی سمع الکیان (۴۲ الف) و...؛ رازی همچنین در این اثر، از برخی آثار جالینوس و دیگران نیز یاد کرده که تعدادی از آن آثار عبارتند از: کتاب الأدوية المفردة (۱۱ الف)، کتاب مغنس (۲۹ الف)، کتاب اصطفز (۲۹ الف)، کتاب آرسیاوس (۲۹ الف)، کتاب البحران و آیامه (۲۹ الف و ۳۷ الف)، کتاب البحران فی علاج الحمیات (۳۷ الف)، رسالة فی النبض در ۱۶ مقاله (۳۰ب)، رسالة فی صور التنفس (۳۱ب)، کتاب أدوار الحمیات (۳۷ الف)، کتاب حلیة البرء (۳۷ الف)، مقدمة المعرفة لبقرط (۳۷ الف)، أزمان الأمراض (۳۷ الف)، کتاب فی تدبیر الغذاء لبقرط (۳۷ الف)، کتاب ماء الشعیر لجالینوس (۳۷ الف)، کتاب تدبیر الغذاء فی الأمراض الحادة لجالینوس (۳۷ الف)، کتاب أدوار الحمیات (۳۷ الف) و....

عناوین این اثر ارزشمند عبارت است از: فصول فی الأسطقسات (۱ب)، فصول فی ترکیب الأنسان (۲ب)، فصول فی المزاج (۴ الف)، فصول فی الأهویة (۶ الف)، فصول فی المیاه و الثلج و الحمد (۸ب)، فصول فی استخراج قوی الأدوية والأغذية (۱۰ الف)، فصول فی الرياضة (۱۱ب)، فصول فی الحمام (۱۲ب)، فصول فی النوم و الیقظة (۱۳ب)، فصول فی الحاجة إلى الغذاء و استعماله علی طریق الصواب (۱۴ الف)، فصول فی الامتلاء (۱۷ الف)، فصول فی زیادة الأخلاط (۱۷ب)، فصول فی الأدوية المسهلة (۱۹ الف)، فصول فی استعمال

القى والأدوية المقيئة (۱۹ب)، فصول فى إدرار البول (۲۰ب)، فصول فى الأدوية المدرة (۲۰ب)، فصول فى إدرار الفضول (۲۰ب)، فصول فى الشراب (۲۱ب)، فصول فى الجماع (۲۲ب)، فصول فى تركيب الأدوية (۲۳ الف)، فصول فى المرض والسبب والعرض المطلق الأول (۲۴ب)، فصول مجملة فى الاستدلال على علل الأحشاء (۲۵ب) فصول فى البول (۲۷ الف)، فصول فى النبض (۲۹ الف)، فصول فى التنفس (۳۰ب)، فصول فى البحران (۳۱ب)، فصول فى أيام البحران (۳۲ب)، فصول فى زمان المرض (۳۳ الف)، فصول فى النضج (۳۳ب) وفصول فى الحميات (۳۴ الف)، البته رازى فصل نهايى كتاب خود رابسيار مفضل ترييان نموده است.

بنابر نوشته دکتر محمود نجم آبادى كتاب المرشد رازى، نخستين بار در سال ۱۵۰۰ در شهر ونيز ايتاليا با نام آفوريسم<sup>۱</sup> به زبان لاتينى ترجمه و منتشر گرديده است و نيز بخشى از اين اثر (المرشد يا فصول بقراط رازى) نخستين بار به عنايت موريس كولنجت در مجله المشرق (بيروت)، س ۴، ش ۱۲ (۱۹۰۱م) و سپس متن كامل آن با تحقيق دكتور البيزكى اسكندر در مجله معهد المخطوطات العربية (قاوه)، مج ۷، ج ۱ (۱۹۶۱م/۱۳۸۰هـ) به چاپ رسيده است.

بر اصل اين اثر، يعنى رساله فصول بقراط (نوعاً ترجمه حنين بن اسحاق)، شروح متعددى نگاشته شده است و استاد سزگين در تاريخ نگارش هاى عربى و حاجى خليفه در كشف الظنون به برخى از آنها اشاره نموده اند و در همين كتابخانه عامره نيز نسخه از برخى شروح مذکور موجود است، از آن جمله اند: شرح ابن نفيس (نسخه شماره ۴۶۸۵)، شرح عبداللطيف بغدادى (نسخه شماره ۶۶۱۷) و شرح مسعود گنابادى (نسخه شماره ۱۱۷۵۳) كه البته شرح اخيرى از نفاست خاصى برخوردار است و در مصادر موجود، يادى از آن شرح نشده است و به نظر مى رسد منحصر بفرد بوده باشد.

پايان سخن اينكه نبايد فصول بقراط (ترجمه حنين بن اسحاق) و فصول بقراط (المرشد) محمد بن زكرياى رازى كه وى آن را به صورت كلى و به نحو دقيق و با اصلاحات و درج اضافات متعدد، از نو بازنگارى و اصلاح نموده، اشتباه نمود. كما اينكه برخى از فهرست نگاران اين اشتباه را مرتكب شده اند. هر چند اصل هر دو يكي و تأليف بقراط حكيم مى باشد.

آغاز: >بسملة، قال محمد ...؛ دعانى ما وجدت عليه فصول بقراط من الاختلاط وعدم

<sup>1</sup>. Aphorismi.



النظام والغموض والتقصير عن ذكر جوامع الصناعة كلها أو جلها ثم ما علمت من سهولة... ليكون مدخلاً إلى الصناعة...؛ فصول في الأسطقسات، الأسطقسات هي الأشياء المركبات...>.

انجام: >... قد ذكرنا الكثير مما حضرنا في جمل الصناعة الطب و جوامعه و بقى الأكثر وفيما ذكرنا و أرشدنا إليه كفاية و ملامع و لواهب العمل<sup>۱</sup> مستغنياً به الحمد والشكر بلانهاية كما هو أهله و مستحقه، تم>.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: محمد بن میر محمد حسین، حسینی [پشت مشهدی کاشانی (۱۳۸۱ ب)]، تاریخ کتابت: سال ۱۲۸۴ هـ عناوین و نشانی ها: قرمز، نوع کاغذ: فرنگی نخودی آهار مهرو با مارک تجارتي <عقاب>، تعداد برگ: ۵۱ گ (۱ ب. ۵۱ الف)، تعداد سطر: ۱۵ س، اندازه متن کتاب: ۶×۱۱/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۱×۱۸/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه ای مجدول، با عطف تیماج قهوه ای تیره؛ رقم کاتب: <تم الرسالة في ظهريوم الخميس من خامس شهر رمضان المبارك، على يد محمد بن میر محمد حسین الحسيني من شهور سنة ۱۲۸۴>.

ویژگی های نسخه: حاشیه نویسی ناچیزی با نشان <ق> دارد. بر فراز برگ های نخستین، اندکی آثار چربی مشاهده می شود. برخی لبه های برگ های نخستین نسخه، آسیب دیده است که البته از سوی بخش مرمت کتابخانه ترمیم شده است. روی برگ آغاز نسخه مهر و امضای مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، بنیادگذار این کتابخانه عامره، دیده می شود.

منابع پژوهش: طهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲۰، ص ۳۰۵؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۵۸-۶۴ و ۳۰۷؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش های عربی، ج ۳، ص ۳۸۸؛ بجنوردی، کاظم (زیر نظر)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، صص ۳۸۳-۳۸۵؛ حداد عادل، غلامعلی (زیر نظر)، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، صص ۶۱۵-۶۱۷؛ صالحیه، محمد عیسی، المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع، ج ۳، صص ۱۴ و ۶۱۵-۶۱۷؛ بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، القسم الثاني ۳-۴، ص ۶۸۸؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، صص ۱۲۶۷-۱۲۶۹؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, pp. 30-32.

•••

۱. در نسخه چنین است و قاعدتاً بر پایه ارتکاز ذهنی معهود، این عبارت بایستی به صورت <لواهب العقل> بوده باشد.

شماره ردیف: <۱۷>

شماره نسخه: <۱۲۶۵۷/۳>

نام اثر: نسخه دیگری از المرشد = تفسیر فصول بقراط (۲)  
آغاز: افتاده >... و فسادها بها، فصول فی الأهویة من أجل دوامنا فی إبقاء الصّحة ونفی  
الأمراض إلى موافقة الهواء المحيط بنا... (۲۹ ب)، فصول فی المیاء والتلج والحمد...<  
انجام: >... فیما ذکرنا وأرشدنا إليه کفایة وبلاغ ولواهب العقل، مستغنیاً به الحمد والشکر  
بلاهیة كما هو أهله ومستحقّه.<

گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق و شکسته نستعلیق، نام کاتب: [محمد قاسم بن  
غلامعلی طیب (۱۲ ب) ]، تاریخ کتابت: سال ۱۰۵۳ هـ محل کتابت: دارالسلطنه اصفهان،  
عناوین و نشانی ها: مشکى، نوع کاغذ: شرقی نخودی نازک، تعداد برگ: ۱۴ گ (۲۹ الف -  
۴۲ ب)، تعداد سطر: چلیپا و موزب (حدوداً ۳۸ س)، اندازه متن کتاب: ۸×۱۴ سانتیمتر، اندازه  
جلد: ۱۱×۱۸/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج زرشکی، مجدول، ضربی باترنج و سرترنج زمینه گل  
و بوته؛ رقم کاتب: <قد فرغ من تحریر هذه النسخة الشریفة فی دارالسلطنة اصفهان فی ستة و  
عشرين من شهر رمضان المبارك سنة ثلثة و خمسين و ألف؛ الحمد لله رب العالمین.>  
ویژگی های نسخه: چند برگ آغازین نسخه مشتمل بر <فصول فی الأسطقسات>،  
<فصول فی ترکیب الإنسان> و <فصول فی المزاج> از نسخه مورد گفتگو افتاده است. این  
نسخه در حاشیه تصحیح گردیده و عناوین فصول، در هامش برگ ها نگارش یافته است. آثار  
رطوبت دیدگی روی برگ های نسخه، بخصوص بخش های فرودین برگ ها، قابل مشاهده  
است، اما متن آسیب ندیده و خواناست.

•••

شماره ردیف: <۱۸>

شماره نسخه: <۸۷۵۹/۱>

نام اثر: تقاسیم العلل و علاماتها = کتاب التقسیم و التشجیر = تقسیم العلل = تقسیم الأمراض و أسبابها و  
علاجاتها = الکتاش الحاوی = الکتب الجامع لتقاسیم العلل و تشریحها و علاماتها = کتاب التشجیر

موضوع: پزشکی

زبان: عربی



گزارش متن: کتابی در تقسیم بندی بیماری‌ها، شامل بررسی و بیان علل بیماری‌های تمامی اعضای انسانی از سرتا پا و نیز بیان علاج آنها به صورت طبقه بندی است که در ۱۵۰ باب تنظیم و نگارش یافته است. رازی در مقدمه خویش می‌نویسد: <در محضر مرد دانشمندی صحبت از تقسیمات بیماری‌ها و علامات و نشانه‌های آنها شد، لذا بر آن شدم که کتابی در این معنا تألیف نمایم>. شایان ذکر است که عناوین ابواب یکصد و پنجاه گانه این اثر به شرح ذیل است:<sup>۱</sup>

[الباب الأول فی داء الثعلب و هو قترط الشعر؛ الباب الثانی فی انتشار الشعر و سقوطه؛ الباب الثالث فی الصداع؛ الباب الرابع فی الشقشقیه؛ الباب الخامس فی الدوار؛ الباب السادس فی السرسام؛ الباب السابع فی الصرع؛ الباب الثامن فی الکابوس؛ الباب التاسع فی المالیخولیا؛ الباب العاشر فی العشق؛ الباب الحادی عشر فی السکته؛ الباب الثانی عشر فی الفالج؛ الباب الثالث عشر فی اللقوة؛ الباب الرابع عشر فی الخدر؛ الباب الخامس عشر فی الرعشة؛ الباب السادس عشر فی التشنج؛ الباب السابع عشر فی الزکام؛ الباب الثامن عشر فی النزلة؛ الباب التاسع عشر فی الرمذ؛ الباب العشرون فی القروح فی العین...]؛ [الباب الحادی والعشرون] فی البیاض [فی العین] (۱ الف)؛ [الباب الثانی والعشرون] فی الجرب (۱ الف)؛ [الباب الثالث والعشرون] فی السبل (۱ ب)؛ [الباب الرابع والعشرون] فی السلاق (۱ ب)؛ [الباب الخامس والعشرون] فی الظفرة (۱ ب)؛ [الباب السادس والعشرون] فی الرشح (۲ الف)؛ [الباب السابع والعشرون] فی انتشار الأشفار (۲ الف)؛ [الباب الثامن والعشرون] فی الطرفة (۲ الف)؛ [الباب التاسع والعشرون] فی ضعف البصر (۲ ب)؛ [الباب الثلاثون] فی الشعر الزائد (۲ ب)؛ [الباب الحادی والثلاثون] فی الماء النازل فی العین (۲ ب)؛ [الباب الثانی والثلاثون] فی العشا (۳ الف)؛ [الباب الثالث والثلاثون] فی الانتشار (۳ ب)؛ [الباب الرابع والثلاثون] فی الغرب (۳ ب)؛ [الباب الخامس والثلاثون] فی القمل فی الأجنان (۳ ب)؛ [الباب السادس والثلاثون] فی الشعيرة (۳ ب)؛ [الباب السابع والثلاثون] فی وجع الأذن (۳ ب)؛ [الباب الثامن والثلاثون] فی الدوی و الطنین فی الأذن (۵ ب)؛ [الباب التاسع والثلاثون] فی الطرش



۱. ناگفته نماند عنوان و شماره باب‌ها در نسخه مورد گفتگو نیامده و به جهت اقتادگی از آغاز نسخه نیز فاقد ۲۳ باب نخست کتاب است؛ همچنین برخی باب‌ها نسبت به نسخه چاپی جایگاهی‌هایی دارد که با دقت در شماره برگ‌ها می‌توان به این مسأله واقف گردید.

(ب٥)؛ [الباب الأربعون] فى الرعاف (٦ الف)؛ [الباب الحادى والأربعون] فى القروح فى الأنف (٧ الف)؛ [الثانى والأربعون] فى نواصير الأنف (٧ الف)؛ [الباب الثالث والأربعون] فى الخشم (٧ الف)؛ [الباب الرابع والأربعون] فى النتن فى الأنف (٧ ب)؛ [الباب الخامس والأربعون] فى وجع الأسنان (٨ الف)؛ [الباب السادس والأربعون] فى البخر (٩ الف)؛ [الباب السابع والأربعون] فى القلاع (٩ ب)؛ [الباب الثامن والأربعون] فى سقوط اللهاة (٩ ب)؛ [الباب التاسع والأربعون] فى علل اللسان (٩ ب)؛ [الباب الخمسون] فى الخوانيق (١٠ ب)؛ [الباب الحادى والخمسون] فى السعال (١١ الف)؛ [الباب الثانى والخمسون] فى نفث الدم (١٤ الف)؛ [الباب الثالث والخمسون] فى ذات الجنب (١٥ الف)؛ [الباب الرابع والخمسون] فى السّل (١٦ الف)؛ [الباب الخامس والخمسون] فى ذات الرية (١٦ الف)؛ [الباب السادس والخمسون] فى الربو (١٦ الف)؛ [الباب السابع والخمسون] فى أمراض القلب (١٦ الف)؛ [الباب الثامن والخمسون] فى علل المعدة (١٧ ب)؛ [الباب التاسع والخمسون] فى الهیضة (٢١ ب)؛ [الباب الستون] فى الجشا (٢٢ الف)؛ [الباب الحادى والستون] فى الفواق (٢٢ الف)؛ [الباب الثانى والستون] فى أوجاع الكبد (٢٣ الف)؛ [الباب الثالث والستون] فى اليرقان (٢٥ الف)؛ [الباب الرابع والستون] فى الاستسقاء (٢٦ ب)؛ [الباب الخامس والستون] فى الرقى (٢٧ الف)؛ [الباب السادس والستون] فى الطبلى (٢٧ الف)؛ [الباب السابع والستون] فى الطحال (٢٧ ب)؛ [الباب الثامن والستون] فى الإسهال (٢٨ الف)؛ [الباب التاسع والستون] فى السحج والزحیر (٣٠ الف)؛ [الباب السبعون] فى القولنج (٣١ ب)؛ [الباب الحادى والسبعون] فى علل الكلى (٣٤ ب)؛ [الباب الثانى والسبعون] فى احتباس البول (٣٦ ب)؛ [الباب الثالث والسبعون] فى تقطیر البول (٣٨ الف)؛ [الباب الرابع والسبعون] فى حرقة البول (٣٨ الف)؛ [الباب الخامس والسبعون] فى الحصاة فى المثانة (٣٨ ب)؛ [الباب السادس والسبعون] فى الجرب فى المثانة (٣٩ الف)؛ [الباب السابع والسبعون] فى الورم فى المثانة (٣٩ الف)؛ [الباب الثامن والسبعون] فى قروح المثانة والكلى و داخل القضيب (٣٩ ب)؛ [الباب التاسع والسبعون] فى نقصان الباه (٤٠ الف)؛ [الباب الثمانون] فى التأذى بكثرة المنى والشهوة (٤١ الف)؛ [الباب الحادى والثمانون] فى انتشار الدائم (٤١ ب)؛ [الباب الثانى والثمانون] فى علل الأرحام (٤١ ب)؛ [الباب الثالث والثمانون] فى نزف الطمث (٤٢ الف)؛ [الباب الرابع والثمانون] فى القروح فى الرحم (٤٣ الف)؛ [الباب



الخامس والثمانون] فى السرطان فى الرحم (٤٤ الف)؛ [الباب السادس والثمانون] فى العلة المسماة الرحا (٤٤ ب)؛ [الباب السابع والثمانون] فى اختناق الرحم (٤٥ الف)؛ [الباب الثامن والثمانون] فى ما يمنع الحمل (٤٥ ب)؛ [الباب التاسع والثمانون] فى ما يعين على الحمل (٤٧ الف)؛ [الباب التسعون] فى العقيم (٤٧ ب)؛ [الباب الحادى والتسعون] فى ما يسهل الولادة (٤٧ ب)؛ [الباب الثانى والتسعون] فى تنوء الرحم والشرة المقعدة (٤٨ الف)؛ [الباب الثالث والتسعون] فى دليل الحمل (٤٨ ب)؛ [الباب الرابع والتسعون] فى دلائل الذكور والإناث [فى الجنين] (٤٨ ب)؛ [الباب الخامس والتسعون] فى علل المقعدة (٤٨ ب)؛ [الباب السادس والتسعون] فى الديدان (٥١ ب)؛ [الباب السابع والتسعون] فى الفتوق (٥٢ الف)؛ [الباب الثامن والتسعون] فى قيلة الصبيان (٥٣ ب)؛ [الباب التاسع والتسعون] فى عرق النساء ووجع المناصل (٥٦ الف)؛ [الباب المائة] فى وجع الظهر (٥٧ ب)؛ [الباب الحادى والمائة] فى الحذبة ورياح الأقرسة (٥٧ ب)؛ [الباب الثانى والمائة] فى النقرس وأوجاع المفاصل (٥٣ ب)؛ [الباب الثالث والمائة] فى عروق الدوالي (٥٨ الف)؛ [الباب الرابع والمائة] فى داء الفيل (٥٨ ب)؛ [الباب الخامس والمائة] فى الزينة والعلل الظاهرة (٦٣ الف)؛ [الباب السادس والمائة] فى الحزاز (٦٤ الف)؛ [الباب السابع والمائة] فى السعفة (٦٤ الف)؛ [الباب الثامن والمائة] فى ما يصلح فساد اللون (٦٤ ب)؛ [الباب التاسع والمائة] فى الكلف (٦٥ الف)؛ [الباب العاشر والمائة] فى البرش والشمش (٦٥ ب)؛ [الباب الحادى عشر والمائة] فى آثار الجدرى والقروح (٦٥ ب)؛ [الباب الثانى عشر والمائة] فى آثار الضربة (٥٩ الف)؛ [الباب الثالث عشر والمائة] فى الوشم (٥٩ الف)؛ [الباب الرابع عشر والمائة] فى القوباء (٥٩ الف)؛ [الباب الخامس عشر والمائة] فى البهق (٥٩ الف)؛ [الباب السادس عشر والمائة] فى البرص (٥٩ ب)؛ [الباب السابع عشر والمائة] فى الجدام (٥٩ ب)؛ [الباب الثامن عشر والمائة] فى الحكة والجرب (٦٠ ب)؛ [الباب التاسع عشر والمائة] فى الشرى (٦١ الف)؛ [الباب العشرون والمائة] فى الحصف (٦١ الف)؛ [الباب الحادى والعشرون والمائة] فى التواليل (٦١ الف)؛ [الباب الثانى والعشرون والمائة] فى شقاق الكف والرجل (٦١ ب)؛ [الباب الثالث والعشرون والمائة] فى الورم الحارّ (٦٢ الف)؛ [الباب الرابع والعشرون والمائة] فى الورم البارد (٦٢ ب)؛ [الباب الخامس والعشرون والمائة] فى السرطان (٦٦ الف)؛ [الباب السادس والعشرون والمائة] فى الخنازير (٦٦ الف)؛ [الباب السابع والعشرون والمائة] فى السلع (٦٦ ب)؛ [الباب الثامن والعشرون والمائة] فى الدمايل

[٦٧ الف)؛ [الباب التاسع والعشرون والمائة] فى الخراج (٦٧ الف)؛ [الباب الثلاثون والمائة] فى التنفط والنملة والجاورسية (٦٧ ب)؛ [الباب الحادى والثلاثون والمائة] فى النار الفارسية (٦٧ ب)؛ [الباب الثانى والثلاثون والمائة] فى الأكلة (٦٨ ب)؛ [الباب الثالث والثلاثون والمائة] فى الطواعين (٦٨ ب)؛ [الباب الرابع والثلاثون والمائة] فى حرق النار (٦٩ الف)؛ [الباب الخامس والثلاثون والمائة] فى الداخس (٦٩ ب)؛ [الباب السادس والثلاثون والمائة] فى علاج القروح والجراحات (٦٩ ب)؛ [الباب السابع والثلاثون والمائة] فى جمل والخلع والكسر من علاج الجبر (٧٠ ب)؛ [الباب الثامن والثلاثون والمائة] فى نرف الدم من الجراحات (٧١ الف)؛ [الباب التاسع والثلاثون والمائة] فى الهوام والسموم (٧١ ب)؛ [الباب الأربعون والمائة] فى مايعرض عن الأدوية (٧٣ ب)؛ [الباب الحادى والأربعون والمائة] فى الجنس الأول من الحميات (٧٥ الف)؛ [الباب الثانى والأربعون والمائة] فى الجنس الثانى من الحميات (٧٦ الف)؛ [الباب الثالث والأربعون والمائة] فى الحمى المطبقة الدموية (٧٧ ب)؛ [الباب الرابع والأربعون والمائة] فى الحمى البلغمية غير اللازمة (٧٨ ب)؛ [الباب الخامس والأربعون والمائة] فى البلغمية اللازمة (٧٩ الف)؛ [الباب السادس والأربعون والمائة] فى الحمى الربع (٧٩ ب)؛ [الباب السابع والأربعون والمائة] فى الحميات المركبة (٨٠ ب)؛ [الباب الثامن والأربعون والمائة] فى النافض بلا حرارة (٨١ الف)؛ [الباب التاسع والأربعون والمائة] فى الحمى البلغمية الحادثة فى الوباء (٨١ الف) و [الباب الخمسون والمائة] فى الجدرى والحصبة (٨١ ب).

آغاز: افتاده >... العين أو فى سوادها نقطة بيضاء وعلاجه الفصد وإسهال البطن بماء الفواكه والسكر...؛ (١ الف) [الباب الحادى والعشرون] فى البياض يكون منه رقيق فى أبدان ناعمة اللحم وعلاجه...؛ [الباب الثانى والعشرون] فى الجرب فى العين يكون منه رقيق مبتدى...<

بايد افزود اين اثر از سوى دكتور صبى محمود حمادى، درسال ١٩٩٢م/١٤١٢هـ براساس چند نسخه، تحقيق وتصحيح گرديده وتوسط معهد التراث العلمى العربى در حلب، به چاپ

١. آغاز اصل كتاب براساس نسخه چاپى ونسخه كتابخانه ملى ملك چنين است: >بسم الله الرحمن الرحيم، الكناش الحاوى للرازى المعروف بالتقسيم والتشجير... قال محمد بن زكريا الرازى جرى مجزرة رجل فاضل ذكر تقاسيم العلل وعلاماتها فرأيت أن أؤلف كتاباً فى هذا المعنى...؛ [الباب الأول فى داء الثعلب وهو تخرط الشعر، يكون هذا من بلغم محترق وعلامته...<

رسیده است. همچنین کتاب *تقاسیم العلل* با عنوان *Liber Divisionum* از سوی ژرار کرمونایی (۱۱۸۶-۱۱۱۴م)، از عربی به زبان لاتینی ترجمه و سال‌های بعد، به چاپ رسیده است؛ چند نسخه چاپی کهن از این ترجمه در برخی از کتابخانه‌های اروپایی موجود است که گزارشی از آن نیز در برخی مصادر اروپایی منتشر شده است.<sup>۱</sup>

انجام: ... فإن إدمان الحمام والتدبير المسمن للبدن يملأ حفرة والأدوية التي تعلق الكلف يذهب بآثاره إن شاء الله تعالى؛ تم کتاب تقاسیم العلل للرازی >.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سال ۱۰۰۶ هـ عناوین و نشانی‌ها: قرمز، نوع کاغذ: شرقی نخودی نازک آهار مهره، تعداد برگ: ۸۲ گ (۱ الف ۸۲ ب)، تعداد سطر: ۲۳ س، اندازه متن کتاب: ۷/۵ × ۱۳ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۳/۵ × ۱۹ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای باترنج ضریبی زمینه گل و بوته؛ رقم کاتب: >تم ... فی يوم الجمعة متصف شهر رجب المرجب سنة ۱۰۰۶ <.

ویژگی‌های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده است. عناوین ابواب و فصول در هاشم نسخه کتابت شده است. جلد کتاب و برگ‌های نسخه آسیب دیده است، اما از سوی متخصصان بخش مرمت کتابخانه ترمیم شده است. شایان ذکر است این نسخه شامل مجموعه‌ای از سه نسخه نفیس تألیف رازی است که پیش‌تر در فهرست‌نگاری نخست، تنها یک اثر از آن مجموعه ارزشمند معرفی شده بود.<sup>۲</sup> این مجموعه نفیس حاوی *تقاسیم العلل* و *علاماتها* (نسخه مورد گفتگو)، *القریادین والتجارب* (چهارمین نسخه شناخته شده جهان) می‌باشد که در محل خود در این کتاب‌شناسی، گزارشی از آن‌ها ارائه گردیده است.

منابع پژوهش: نجم‌آبادی، محمود، *مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی*، صص ۸۰-۸۲، ۱۳۴ و ۳۰۹؛ بروکلمان، کارل، *تاریخ الأدب العربی*، القسم الثانی ۳-۴، صص ۶۸۸؛ سرزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۳، صص ۳۸۷-۳۸۸؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. IV, p. 284; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, p. 269.

•••

<sup>۱</sup> *Catalogue of incipits of mediaeval scientific writing in Latin-Lynn thorondik* (Cambridge 1963), p. 1684.

<sup>۲</sup> بازشناسی این اثر، مرهون تلاش‌های تحسین برانگیز دکتر حسین رضوی برقی است.

شماره ردیف: <۱۹>

شماره نسخه: <۶۸۷۶/۳>.

نام اثر: الحصة المتولدة فى الكلى = مقالة فى الحصى المتولدة فى الكلى والمثانى = كتاب الحصى فى الكلى والمثانة = كتاب فى تولد الحصى

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: رساله‌ی طبّی موجزی درباره سنگ کلیه و مثانه است که رازی در آن به بررسی عوامل تولید سنگ، راه‌های پیشگیری از تولید آن و درمان و علاج سنگ‌های به وجود آمده در بدن آدمی، پرداخته است. وی در این رساله علایم تشکیل سنگ را که عبارت است از تیرگی ادرار، ته نشین شدن مواد سنگی ادراری، حس سنگینی در شکم و کشش وارده در این ناحیه، به خصوص موقعی که بیمار خوابیده است، بیان می‌دارد. مرحوم دکتر محمود نجم آبادی در این باره می‌نویسد: <رازی در این اثر، مرض رادادوار مختلفه اش به طرق متنوع، مورد بحث قرار داده و تداوی مخصوص را عمل می‌نموده [است]؛ بدین معنی که اگر موقعی بوده که سنگ تشکیل یافته، برای شکستن آن و یا موقعی که سنگ می‌خواسته تشکیل گردد، برای عدم تشکیل سنگ، تداوی [خاصی] برای مریض قایل می‌شده [است]؛ به طور کلی اگر با طرق طبّی معالجه ممکن بوده، فبها و الاّ به عمل جراحی می‌پرداخته است.>

باید افزود این اثر ارزنده، نخستین بار با عنایت، تصحیح و ترجمه فرانسوی دکتر دی کونینگ<sup>۱</sup> با عنوان رساله درباره سنگ کلیه و مثانه ...<sup>۲</sup>؛ در سال ۱۸۹۰ در پاریس منتشر گردیده و سپس بار دوم در سال ۱۸۹۶ از سوی مؤسسه انتشاراتی بریل در لیدن و بار سوم نیز از سوی انستیتو تاریخ علوم عربی - اسلامی، زیر نظر دکتر فؤاد سزگین در سال ۱۹۸۶ در فرانکفورت - آلمان در ۵۵ ص، به صورت افست، تجدید چاپ شده است. ناگفته نماند ترجمه لاتینی این اثر برای نخستین بار در سال ۱۴۸۱ در مدیول (?) با عنوان *Tractatus de praeservatione ad aegritudine lapidis* منتشر گردیده، سپس به ترتیب در سال‌های ۱۴۹۴، ۱۴۹۷، ۱۵۰۰ م در

<sup>۱</sup>. P. De Koning.

<sup>۲</sup>. *Traite sur le calcul dans les reins et dans la vessie traduction accompagnee du texte.*



جمهوری ونیز و همچنین بین سال‌های ۱۵۱۰-۱۵۱۱ در لیدن. هلند تجدید چاپ شده است.  
 آغاز: >بسملة، الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطيبين الطاهرين؛ قال  
 أبوبكر...، أريد أن أقول في الحصة التي تتولد في الكلي قولاً وجيزاً واضحاً غير مشوب بذكر  
 سبب...، فأقول إن الكلام في غرضنا هذا...<.

انجام: >... وقد ذكرناه ذلك ذكراً تاماً في الكتاب الذي جمعنا فيه العمل بالحديد ولا ناقد  
 قلنا في الأقسام الأول من غرضنا هذا وأقسام أقسامه إلى أن بلغنا الأمور الجزئية المفردة في من  
 قاطعون كلامنا في هذا الموضوع والحمد لوهاب العقل بلا نهاية كما هو أهله ومستحقه ووليه و  
 صلى الله على محمد وآله أجمعين.<.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: [محمد بن میر محمد، حسینی پشت مشهدی  
 کاشانی (۱۳۸ب)]، تاریخ کتابت: سال ۱۲۸۴ هـ عناوین و نشانی‌ها: قرمز، نوع کاغذ: فرنگی  
 نخودی آهار مهره، با مارک تجارتي >عقاب<، تعداد برگ: ۱۲ گ (۱۳۹ب. ۱۵۰ب)، تعداد سطر:  
 ۱۵س، اندازه متن کتاب: ۶×۱۱/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۱/۵×۱۸ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج  
 قهوه‌ای، مجدول با عطف تیماج قهوه‌ای تیره؛ رقم کاتب: >تمت هذه الرسالة المغلوطة في رمضان  
 المبارك سنة ۱۲۸۴هـ!<

ویژگی‌های نسخه: در پشت برگ آغازین نسخه یادداشتی از >سید شریف نظام الدین  
 سراجی جوشقانی< در ماه صفر ۱۳۶۷ هـ به همراه یک تعویذ و یک رباعی با مطلع ذیل از  
 همو (با تخلص نظام):

تا بندد، تا گشاید، تا ستاند، تا دهد، تا جهان برپای باشد ای نظام این یادگار

آمده که متأسفانه رنگ جوهر آن یادداشت‌ها، دو صفحه از برگ‌های نسخه را تحت تأثیر  
 قرار داده و آسیب زده است، اما در عین حال در صورت دقت بیشتر، تا حدودی متن  
 خواناست!

منابع پژوهش: سرکیس، الیان، معجم المطبوعات العربية والمعربة، ج ۱، ص ۹۱۴؛ صالحیه،  
 محمد عیسی، المعجم الشامل للتراث العربي المطبوع، ج ۳، صص ۱۴-۱۵؛ بروکلیمان، کارل،  
 تاریخ الأدب العربي، القسم الثاني ۳-۴، ص ۶۹۲؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به

۱. شهر آبی ونیز در سال‌های دوره به عنوان کشوری مستقل در قالب جمهوری اداره می‌گردید، اما اکنون یکی از  
 شهرهای کشور ایتالیا محسوب می‌گردد.

سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش های عربی، ج ۳، صص ۳۹۵-۳۹۶؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۸۷-۸۸؛ Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. IV, p. 288; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, p. 270.



شماره ردیف: <۲۰>

شماره نسخه: <۱۲۴۲۵/۲>

نام اثر: **سَرّ الأَسرار**

موضوع: **کیمیا**

زبان: **عربی**

گزارش متن: رساله ای در علم کیمیاست که در آن برخی افزارها و روش های کیمیاگری تبیین شده است. همچنانکه پیش تر ذیل یکی از تألیفات رازی، با نام کتاب الأَسرار اشاره گردید، این دو اثر، طی قرون متمادی از سوی کاتبان و برخی تراجم نویسان بدون در نظر گرفتن محتوا و موضوع آن، به نحوی آشفته، خلط شده و در نتیجه مقدمه و متن هر دو اثر، دستخوش تحولات، تغییرات، تصحیفات و حتی تحریفات متعدّد گردیده است، که به نحو تفصیل، به برخی از آنها ذیل کتاب الأَسرار پرداختیم، به آنجا رجوع گردد. همینقدر دانستیم که کتاب الأَسرار (متن مفصل) و سَرّ الأَسرار (متن خلاصه) در برخی مطالب آغازین، از جمله باب بندی، مقدمه، تا حدودی اتحادی در آن دو دیده می شود که بیشتر ناشی از اضافات و تحریفات کاتبان طی قرون متمادی بوده است، ولی با اندکی تطبیق و دقت در نسخه های آن دو، به وضوح دانسته می شود که نسخه های کتاب الأَسرار (متن مفصل) چند صفحه بعد، با سَرّ الأَسرار (متن خلاصه) متمایز می گردد؛ چنانکه باب بندی سه گانه این اثر (باب اول معرفة العقاقیر، باب دوم معرفة الآلات، باب سوم معرفة التداوی) مربوط به کتاب الأَسرار (متن مفصل) می باشد، در حالی که در برخی نسخه های سَرّ الأَسرار (متن خلاصه) - همانند نسخه مورد گفتگو - نیز چنین باب بندی قابل مشاهده است؛ بسیاری از نسخ دیگر سَرّ الأَسرار، همچون نسخه شماره <۹۵۳> کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد (رک. فهرست، ج ۳، صص ۱۳۰۸-۱۳۰۹) فاقد این باب بندی محرف می باشد. براین اساس، نسخه جامع گوهرشاد - که نسبت به نسخه ما کامل تر است - کتاب دارای ۳۶ باب می باشد که به نظر می رسد بایستی خلاصه ای از همان



کتاب الأسرار رازی بوده باشد که از سوی خود وی ترتیب یافته است؛ چنانکه نظر دکتر سزگین نیز در تاریخ نگارش های عربی بر همین فرضیه استوار است.

برخی ابواب این اثر (بر اساس نسخه مورد گفتگو) عبارتند از: باب عمل الفضة نحاساً أحمر (۱۲ الف)، باب تحلیل الزیبق و عقده (۱۴ ب)، أبواب لطاف (۱۷ ب)، [باب فی] صبغ علی رأس الکور (۱۸ الف)، باب تکلیس الذهب علی رأس الکور (۲۱ الف)، باب تکلیس القمر علی رأس الکور (۲۱ ب)، باب تکلیس الآبار و آلائک (۲۲ الف)، باب التصعید (۲۲ ب)، باب الحلّ (۲۳ الف)، باب التشمیع (۲۳ ب) و ...

ناگفته نماند رازی در چند جای این اثر، از تالیف مفصل دیگر خود در علم کیمیا، یعنی کتاب الأسراریاد نموده که بر اساس نسخه مورد گفتگو (برگ ۲۳ ب) چنین آمده است: <... فی ماء القلی الذی ذکرناه فی کتاب الأسرار حتی یصیر مثل التراب اِفعال به مراراً...> و نیز بر اساس نسخه جامع گوهرشاد ذیل <باب حلّ لطیف> آمده است که: <... باب حلّ لطیف لم نذکره فی کتاب الأسرار...>، چنانکه ذیل کتاب الأسرار هم به تفصیل درباره آن توضیح کافی و وافی داده شد، عنوان سّر الأسرار، اختصاص به همین متن خلاصه دارد و اینکه در برخی نسخ متنی مفصل (کتاب الأسرار) عنوان سّر الأسرار درج شده، بنابر نظریه محققان و کتاب شناسان، از اشتباهاتِ نسّاخ نشأت گرفته و در طی قرون متمادی این اشتباه قطعی، به تدریج نضج یافته و به منابع و نسخ متعدد راه یافته است.

باید افزود سّر الأسرار رازی، نخستین بار همراه ترجمه روسی آن با عنوان یک اثر ناشناخته از رازی: کتاب سّر الأسرار، از سوی عیدالله کریموف در سال ۱۹۵۷ در تاشکند - جمهوری ازبکستان، در ۱۹۱ ص و همچنین به صورت نسخه برگردان (فاکسیملیه) از روی نسخه ای نسبتاً کهن، از سوی مرحوم محمد تقی دانش پژوه در سال ۱۳۴۳ ش در ۱۳۸ ص در تهران به چاپ رسیده است. دکتر فؤاد سزگین در تاریخ نگارش های عربی ترجمه ای لاتینی از آن اثر را نیز، با عنوان *Secretum secretorum* گزارش نموده است.

ناگفته نماند که نسخه مورد گفتگو ناتمام است و نسبت به نسخه جامع گوهرشاد در مشهد (شماره ۹۵۳) چند برگی نقص دارد.

آغاز: <بسملة، هذه مقدّمة سّر الأسرار للرازی المتطبّب وقد التزم فیها أنه یستغنی بها عن جمیع کتبه فی هذا العلم وأنه یرفع بها التداویر...> قال الرازی: الحمد لله ربّ الأرباب و مسبّب الأسباب

و اهاب کلّ حکمة... دعائی إلى تألیف هذا الكتاب مسألة شاب من تلاميذی الأخیار من أهل بخارا، یقال له محمد ابن یونس، عالم بالریاضة والعلوم والفلسفة والمنطق، فن كثرة خدمته لی لحقته عنایتی بعد فراغی عن الكتب الاثنی عشر... فأنهضت له کتابی هذا من عیون أسرار الحكماء لیكون للقاری فیہ إماماً یقتدی به... وجعلته کتاباً وجیزاً لطیفاً... عمل الفضة نحاساً أحمر داخلها وخارجها...؛ (۱۴ب) باب تحلیل الزریق وعقده؛ تأخذ عشرة دراهم فضة...<

انجام: <... باب تشمیع وکَلِّما كان من التشمیع فأسحقه وشمعه فی أسفل... فی ماء القلی الذي ذكرنا فی کتاب الأسرار ثمّ أجعله فی ماوردیة وأجعله فی الشمس حتّی ینحلّ ثمّ سقی به الزریق؛ فی کتاب التداویر من الاثنی عشر وأجعل منه ما شربت فی لبد رطب انعقد فیہ نوشادراً جیداً؛ إن شاء الله تعالی...> ناقم.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سده ۱۳هـ عناوین و نشانیها: قرمز و مشکی، نوع کاغذ: فرنگی آبی و نخودی، تعداد برگ: ۱۵گ (۱۰ب ۲۴ الف)، تعداد سطر: ۱۴س، اندازه متن کتاب: ۶×۱۲ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۱/۵×۱۸/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج مشکی، با ترنج ضربی زمینه گل و بوتہ.

ویژگی های نسخه: عناوین ابواب با خط ریزی (خفی) در هامش برگ ها نگاشته شده است، که البته برخی از آنها، در اثر برش نابجا در صحافی در سال های گذشته، افتاده است! برگ های این رساله از دو نوع به رنگ های آبی و نخودی (زرد) تشکیل یافته است.

منابع پژوهش: طهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۶۵؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش های عربی، ج ۴، ص ۳۳۲؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۲۲۸-۲۲۹ و ۲۶۱؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. IV, pp. 279-280.

•••

شماره ردیف: <۲۱>

شماره نسخه: <۷۴۲۴/۲>

نام اثر: صفة المومیاء و منافعه (رسالة فی ...) = رسالة فی المومیایی

موضوع: پزشکی و طبیعی

زبان: عربی



گزارش متن: مقاله‌ای مختصر در بیان کیفیات، خواص، منافع و ترکیب استعمال مومیایی که در سه فصل تنظیم گردیده است. این ماده در بیماری‌هایی مانند زخم‌ها (قروح)، سردرد و دردهایی به مانند درد طحال، گوش و بیماری‌های خفقان، بواسیر، دردهای مقعد، داء الفیل، جذام، برص، گزش عقرب و امثال آنها کاربرد طبی دارد. در آغاز رساله، درباره علت توجه و چگونگی صرافت اطباء به این ماده، داستانی آورده شده مبنی بر اینکه یک قوچ کوهی (کبش) مورد شکار پادشاهی (فریدون) قرار گرفت، اما دانسته نشد که تیره او اصابات نموده یا نه؟ بعد از چند روز یافتند که قوچ مذکور زنده است! بعد از بررسی دانسته شد که محل زخم تیره مومی آغشته شده و او به فوریت بهبودی یافته است و بدین ترتیب بحث مومی در السنه اطباء جاری گردید. باید دانست که <مومیا> در حقیقت، یک نوع <قیر> طبیعی است که بهترین آن سیاه، براق و بی بومی باشد؛ به این ماده <زفت> هم می‌گویند که سابقاً از حل کردن آن در روغن، خمیری می‌ساختند و به صورت ضماد روی نقاط ضرب دیده بدن می‌مالیدند و اکنون نیز گویا مواد اصلی <مشمع> های طبی، همین ماده مومیایی باشد.

شایان ذکر است که نسخه‌هایی مکرر از این اثر در تاریخ نگارش‌های عربی گزارش گردیده است و اضافه شده که این اثر بر اساس نسخه مرحوم فخرالدین نصیری به صورت تصویری (فاکسیمیلیه) در تهران (بدون تاریخ) به چاپ رسیده است. همچنین این اثر از سوی <ابوالحسن بن هادی طیب شیرازی علوی> به فارسی ترجمه گردیده و دستنویسی از آن امروزه، به شماره <۵۹۴۲/۳> در کتابخانه ملی ملک در تهران، نگهداری می‌گردد.

آغاز: <بسملة، هذه رسالة لمحمد بن الرازي في صفة الموميائي و منافع و معرفة السبب في الوقوف عليه و كيفية استعماله؛ قال: إنه كان في أفريدون الملك خرج بعض الأساورة متصيداً بدار الجرد بقرية يقال لها امان فرمى...>

انجام: <... و إن كان محروراً بالترنجبين المطين باللبن الحليب و هذا الموميائي مجرب لجميع الأمراض العارضة من البرودة في أي عضو كان؛ والله أعلم بحقائق الأشياء.>

گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: اواخر سده ۱۰هـ  
عناوین و نشانی‌ها: قرمز، نوع کاغذ: شرقی نخودی، تعداد برگ: ۲گ (۳۶۴ الف. ۳۶۵ الف)،  
تعداد سطر: ۲۳ س، اندازه متن کتاب: ۱۱×۱۷ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۸×۲۵ سانتیمتر، نوع جلد: دورو تیماج زرشکی، جدول به زر، عطف تیماج مشکی.

ویژگی‌های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده است و ندرتاً نسخه بدل‌ها با نشانه <بدل> آمده است. گفتنی است از آنجا که رساله پیشین و پسین این مجموعه ارزنده، با یک واسطه از روی خط شاه بهاء الدوله بن قاسم نوربخشی طرشتی تهرانی (د. سال ۹۲۶هـ)، صاحب خلاصه التجارب، نقل گردیده، دور نیست که این رساله (صفة المومیایی) هم از روی مجموعه‌ای به خط وی کتابت و نگارش یافته باشد. شایان ذکر است بین برگ‌های <۳۶۹ب - ۳۷۱ب> یک رساله مختصر درباره <مرض صرع>، تألیف <صدرالشریعه گیلانی> در فهرست‌نگاری پیشین کتابخانه، از قلم افتاده که بدین وسیله استدراک می‌گردد.

منابع پژوهش: طهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۳، صص ۲۷۹-۲۸۰؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، ص ۲۷۸؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، ص ۴۰۱؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, p. 290.



شماره ردیف: <۲۲>

شماره نسخه: <۸۴۳۲>

نام اثر: الطب المنصوری = الکناش المنصوری = المنصوری فی الطب = کتاب المنصوری =

کفایة المنصوری = کتاب المنصوری علی سبیل الکناش

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: کتابی مفصل، مهم و مشهور در علم پزشکی مشتمل بر ۱۰ مقاله است، که بنا بر تحقیق دانشمندانی همچون بروکلیمان، سزگین و نجم آبادی، به نام <منصور بن اسحاق بن احمد بن اسد><sup>۱</sup> امیر و حاکم ری نگاشته شده است. مرحوم نجم آبادی درباره این اثر می‌نویسد:

۱. از سوی کتابشناسان و تاریخ‌نگاران، در اینکه <منصور> کیست؟ نظریات دیگری نیز مطرح شده که مرحوم علامه قزوینی در حواشی چهارمقاله عروضی سمرقندی و نیز مرحوم نجم آبادی به مواردی از آن دیدگاه‌ها اشاره نموده‌اند که نقل مختصر مضمون عبارات وی در این نوشتار خالی از لطف نیست:

الف) منصور بن اسحق بن احمد بن اسد، در سال ۲۹۰هـ از جانب پسر عم خود، اسماعیل بن احمد بن اسد، دومین پادشاه سامانی، به حکومت ری منصوب گردید و تا شش سال در آن سمت حضور داشته است و گویا در



> کتاب منصورى با کوچكى حجم از کتب ممتازيست که قريب پانصدسال پس از رازى برای تربيت طيب به کار برده شده و با کتاب حاوى مى توان گفت تا اوایل دوران تجدد (نسانس) یکی از بهترین و بزرگترین کتب تحصيلی و مطالعه‌ای در علم پزشکی در اروپا بوده است. قسمتی از کتاب منصورى را که اروپائیان بسیار قابل توجه می دانند، کتاب هفتم آن می باشد که در باب جراحی عمومى و کتاب نهم آن که مربوط به امراض عمومى است و بی اندازه بدان اهميت می دهند. اين کتاب مدت ها در دانشگاه های ایتالیا تدریس [می] شده است و بر آن شروح زیادى نوشته اند...<

کتاب المنصورى عمدتاً با اتکای بر نظریات و دیدگاه های پزشکی اطباء یونان، همچون ابقرط، جالینوس، اوریباسیوس، آنتیوس و پاولوس تألیف گردیده و ۶ مقاله آن مربوط به پزشکی نظری است و در آن از تشریح، فیزیولوژی، آسیب شناسی، داروشناسی، نظریه صحت مزاج، پرهیز غذایی، آرایش و زیبایی، بحث شده است. در مقاله نهم از نوعی آسیب شناسی خاص و درمان سخن گفته می شود؛ این قسمت از کتاب، نزد مغرب زمینیان با عنوان Liber

همین مدت حکومت او دررى (بین سال های ۲۹۰-۲۹۶ هـ) محمد بن زکریای رازى دررى اقامت داشته و این اثر را به نام یا درخواست وی تألیف نموده است و این نظر > یاقوت هموی < است.

ب) منصور بن نوح بن نصر، ششمین پادشاه سامانی؛ علامه قزوینی گوید که این، نظر > نظامی عروضی < است و به کلی فاسد است، چه، وفات رازى با اختلاف اقوال بین سال های ۳۱۰-۳۲۰ هـ بوده و حال آنکه سلطنت > منصور بن نوح < بین سال های ۳۵۰-۳۶۶ هـ بوده است و عذر این خلکان که تألیف المنصورى در حال طفولیت > منصور بن نوح < بوده، غیر مسموع می باشد!

ج) ابوصالح منصور بن اسحاق بن احمد بن نوح؛ قول دیگر > ابن خلکان < است، این نظر در صورتی صحیح است که > نوح < را در سلسله نسب وی به > اسد < مبدل نمائیم.

د) منصور بن اسماعیل، قول > ابن ابی اصیبعه < در عیون الأنباء است، اما چنین شخصی در تاریخ معروف نیست، همو در جای دیگری از > منصور بن اسماعیل بن خاقان < یاد کرده که صاحب خراسان و ماوراء النهر بوده است، چنین شخصی هم معرفیتی در تاریخ نداشته است و همچنین همواز > منصور بن اسحاق بن اسماعیل بن احمد < نیز یاد کرده که اگر نام اسماعیل را از سلسله نسب او بپندارند، همان شخصی خواهد بود که > یاقوت < گفته است!

ه) منصور بن اسد، والی خراسان، این، نظر > ابوریحان بیرونی < است. این قول نیز اگر پدر و جد > منصور < را مد نظر قرار ندهیم و به جد اعلی یعنی > اسد < بسنده نمائیم، همان نظر > یاقوت < خواهد شد که پیش تر (الف) از نظر گذشت. مرحوم نجم آبادی می افزاید: > بنا بر این معلوم می شود که کتاب المنصورى به نام منصور بن اسحق بن احمد بن اسد < حاکم ری، تألیف گردیده است.



Nonus (کتاب نهم) شناخته شده و به صورت مکرر به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر گردیده است. برای نمونه این اثر در حدود سال‌های پس از ۱۱۷۵ م، از سوی ژراژ کرمونایی (۱۱۸۶-۱۱۱۴ م)، به زبان لاتینی ترجمه گردیده است و نیز یک ترجمه لاتینی از آن، از مترجمی ناشناخته، در سال‌های ۱۴۸۱، ۱۴۹۴، ۱۴۹۷، ۱۵۰۰، ۱۵۱۰ در اروپا از جمله در میلان، ایتالیا، به چاپ رسیده است. همچنین ترجمه‌ای لاتینی به همراه متن عربی آن، نخستین بار به کوشش رایسکه در سال ۱۷۷۶ در هاله، آلمان و همچنین ترجمه مقاله نخست این اثر به کوشش دی کونینگ<sup>۱</sup> با عنوان سه رساله تشریح از عرب‌ها<sup>۲</sup> در سال ۱۹۰۳ در لیدن، هلند به چاپ رسیده است و همان چاپ از سوی انستیتو تاریخ علوم عربی، اسلامی، زیر نظر دکتر فؤاد سزگین در سال ۱۹۸۶، در فرانکفورت، آلمان به صورت افست، تجدید چاپ گردیده است. ناگفته نماند اصل متن عربی این اثر در سال ۱۴۰۸ هـ/ ۱۹۸۷، از سوی حازم البکری الصدیقی تحقیق گردیده و توسط معهد المخطوطات العربیة به نحو مستقل، در کویت انتشار یافته است.

عناوین و مقالات دهگانه این اثر چنین است (نسخه مورد گفتگو فاقد بخشی از مقاله نخست):

- [المقالة الأولى فی المدخل إلى الطبّ وفی شکل الأعضاء وخلقها (در ورود به علم

پزشکی و تشریح ...)] در ۲۶ فصل؛

- المقالة الثانية فی تعرّف مزاج الأبدان و هیئتها و الأخلاط الغالبة علیها و استدلالات وجیزة

جامعة من الفراسة (در شناسایی امزجه مختلفه بدنهای آدمی و اخلاط غالبه بر آنها و دلایل

مختلف جامع از علم و فراست) در ۵۸ فصل؛

- المقالة الثالثة فی قوی الأغذية و الأدوية (در نیروهای خوراکی‌ها و داروها) در ۲۵ فصل؛

- المقالة الرابعة فی حفظ الصحة (حفظ بهداشت و سلامتی) در ۳۱ فصل؛

- المقالة الخامسة فی الزينة (در زینت اعضاء) در ۷۷ فصل؛

- المقالة السادسة فی تدبیر المسافرين (در تدبیر مربوط به بهداشت مسافرين) در ۱۷

فصل؛

- المقالة السابعة: جمل و جوامع فی صناعة الجبر و الجراحات و القروح (در شکسته بندی و

1. P. De Koning.

2. Trois traite d'anatomie arabe.





زخمها) در ۱۸ فصل؛

المقالة الثامنة في السموم والهوامّ (در سموم حشرات وگزشها) در ۵۴ فصل؛

المقالة التاسعة في الأمراض الحادثة من القَرَن إلى القَدَم (در بیماری‌های از سرتاپا)، در

۹۴ فصل؛

المقالة العاشرة في الحميات وما يتبع ذلك ممّا يحتاج إلى معرفته في تحديد علاجها (در

تبها)، در ۳۳ فصل.

آغاز: افتاده >... العروق التي في البدن على ما ذكرنا في تشريح العروق وأضل هذا العرق

... في هيئة الطحال، الطحال متطاول ... (۷ الف)، المقالة الثانية جمل و جوامع في تعرّف

الأمزجة ...<.

انجام: >... صفة السكجيين المتخذ بماء السفرجل ... وإذا قد أتينا أعنى جميع المقالات و

الفصول التي قد قدّمنا ذكرها في صدر هذا الكتاب فلنستكمل كتابنا في هذا الموضوع والله الموقِّع

والمعين والحمد لله رب العالمين والصلوة على سيدنا محمد والمصطفى وآله أجمعين، حسبنا الله

ونعم الوكيل ونعم النصير والسلام.<

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ قدیم، نام کاتب: محمود بن مسعود عسکری ناسخ، تاریخ

کتابت: سال ۶۱۰هـ، عناوین و نشانی‌ها: شنکرف، نوع کاغذ: شرقی (خانبالغ) نخودی ضخیم،

تعداد برگ: ۲۷۷گ، تعداد سطر: ۱۵س، اندازه متن کتاب: ۱۹×۱۱/۵ سانتیمتر، اندازه جلد:

۲۶×۱۷/۵ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای؛ رقم کاتب: >فرغ من تحريره، العبد الضعيف

الفقير المحتاج إلى رحمة الله تعالى، محمود بن مسعود العسکری الناسخ، يوم الخميس من شهر الله

الاصم، رجب من سنة عشرة و ستمائة.<

ویژگی‌های نسخه: نسخه ایست بسیار نفیس، گرانقدر و عزیزالوجود، در حاشیه تصحیح

گردیده و حاشیه نویسی اندکی نیز دارد. در سال‌های دور در برش صحافی غیرفنی و ناجبا،

بخش‌های اندکی از حواشی برگ‌ها افتاده است. آسیب دیدگی‌های جانوری و طبیعی و نیز

اندکی آثار رطوبت قابل مشاهده است، اما خوشبختانه به متن آسیب چندانی وارد نشده و متن

خواناست. تولیت و ریاست محترم کتابخانه، طی یادداشتی بر روی برگ نخست نسخه

نگاشته‌اند: >این نسخه نفیس را اینجانب در شهریور ۱۳۷۱، وقف کتابخانه بزرگ آیت الله

العظمی مرعشی نجفی رحمته الله نمودم تا در آن گنجینه عظیم بماند و محققان و پژوهشگران از آن بهره

گیرند.

منابع پژوهش: طهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱۸، صص ۱۴۱-۱۴۲؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۸۶۲؛ صالحیه، محمد عیسی، المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع، ج ۳، صص ۱۵-۱۶؛ بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، القسم الثاني ۳-۴، صص ۶۸۴-۶۸۷؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش های عربی، ج ۳، صص ۳۸۳-۳۸۴؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۴۳-۵۷؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, pp. 281-283; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, p. 269 & Vol. I (supp.), p. 419.

•••

شماره ردیف: <۲۳>

شماره نسخه: <۱۳۹۶۲>

نام اثر: الطب المنصوری = الکتاب المنصوری (۲)

آغاز: >بسملة، قال أبو بكر محمد بن زكريا المتطبب الرازي رحمه الله: [الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله ومستحقه و صلى الله على محمد النبي وآله وسلم تسليماً، أما بعد] إني جامع للأمرأبي صالح منصور بن اسحق [بن أحمد] أطال الله بقاءه، في كتابي هذا جملاً و جوامع و نكتاً و عيوناً في صناعة الطب...<

انجام: >... في الحمى التي يعرض فيها الحرّ والبرد في حالة واحدة إذا كان في الحميات المحرقة وليكمل كتابنا في هذا الموضوع والله الموفق والمعين والحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً.<

گزارش نسخه: نوع خط: نستعلیق، نام کاتب: قطب الدین محمد بن غیاث الدین محمد، طبیب اصفهانی، تاریخ کتابت: سال ۱۰۰۸ هـ عناوین و نشانی ها: قرمز، نوع کاغذ: شرقی، تعداد برگ: ۱۹۷ گ، تعداد سطر: ۱۹ س، اندازه متن کتاب: ۷×۱۳ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۴×۲۰ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه ای با ترنج؛ رقم کاتب: > ختم بالخیر والظفر سنة ثمان و

۱. عبارات داخل قلاب، در نسخه کتابخانه ملی ملک - تهران، آمده است، لیکن نسخه مورد گفتگو، فاقد اضافات مذکور است.

ألف من الهجرة النبوية في مدينة أصفهان بمسجد جامع، على يد أحقر عباد الله وأحوجهم إلى غفرانه قطب الدين بن غياث الدين محمد بن نورالله بن محمد [الباطني] الأصفهاني، عفى عنهما وستر عيوبهما بمنه وجوده.

ویژگی های نسخه: این نسخه که تنها شامل مقاله نخست کتاب است، در حاشیه تصحیح گردیده و حاشیه نویسی با نشان <مح>، <ه> و <۱۲> نیز دارد. برگ های نسخه آسیب دیدگی های شدید جانوری یا طبیعی داشت که بعدها ترمیم گردیده است. چند نسخه دارویی پزشکی در آغاز و پایان نسخه آمده است. تملک <اسدالله موسوی> در برگ های آغازین و انجامین نسخه دیده می شود که عبارات آن چنین است: <هو الملك قد انتقل إلى من مالکه [بأهبة]... وأنا العبد أسد الله بن...> و <هبه کرد این کتاب مستطاب را عبد الله جدید الاسلام صراف بفقیر حقیر اسدالله بن مرتضی الموسوی سنة ۱۱۸۶.>

•••

شماره ردیف: <۲۴>

شماره نسخه: <۱۴۵۶۵>

نام اثر: الطب المنصوری = الكناش المنصوری (۳)

آغاز: <بسملة، المقالة الثانية، الأول جملة جامعة في تعريف الأمزجة، مزاج البدن، يعرف من اللون و السنخية والهيئة واللمس والأفعال والأشياء... أما اللون فالأبيض...>

انجام: <... ينبغي أن لايسرع الحكم من دليل واحد، لكن يجمع منها ما أمكن ثم يكون بحسب ذلك... وأعلم أن دلائل الوجه والعين خاصة أقوى الدلائل وأصحها؛ تمت المقالة الثانية.>

گزارش نسخه: نوع خط: شکسته نستعلیق، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: سال ۱۳۰۴ هـ عناوین و نشانی ها: مشکی، نوع کاغذ: فرنگی نخودی، تعداد برگ: ۲۱ گ، تعداد سطر: ۲۱ س، اندازه متن کتاب: ۶×۱۳ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۱/۵×۱۶ سانتیمتر، نوع جلد: مشمع (گالینگور) مشکی، عطف تیماج مشکی.

ویژگی های نسخه: این نسخه تنها شامل مقاله دوم کتاب است، روی برخی برگ ها آثار رطوبت مشاهده می گردد. برخی برگ های آغازین نسخه، به جهت آسیب دیدگی و صالی و ترمیم گردیده است.

•••

شماره ردیف: <۲۵>

شماره نسخه: <۸۷۵۹/۲>

نام اثر: قرابادین = کتاب الأقریاذین الکبیر = اقریادین = الأدوية المركبة

موضوع: پزشکی - داروشناسی

زبان: عربی

گزارش متن: کتابی است مهم در اصول تداوی و درمان بیماری‌های انسان، مشتمل بر ۶۲ باب<sup>۱</sup> در بیان انواع بیماری‌ها و علاج آنها به واسطه داروهای خاص آنها. رازی در مقدمه خویش بر این کتاب می‌نویسد: <این کتاب را برای ادویه مرکبه تهیه نمودم که برای حاجت طبیب در مواقع ضروری به کار آید و آن را به طریق اختصار نگاشته‌ام>.

گفتنی است کلمه <قرابادین> از ریشه یونانی <تراپوتیک><sup>۲</sup> اخذ گردیده و به معنی <اصول تداوی> می‌باشد و البته حاجی خلیفه در کشف الظنون (ج ۱، ص ۱۳۶) آورده که: <اقریاذین، کلمه‌ای یونانی به معنی ترکیب، یعنی [اصول] تراکیب ادویه مفرده و قوانین آن است>. باید دانست که این کلمه در متون پزشکی کهن، به صورت‌های <قرابادین، قراباذین، اقریادین، اقریادین و اقریاذین> مورد استفاده قرار گرفته است.

باید افزود که عموم پزشکان چه در دوران اسلامی و چه پیش از آن، هریک لااقل یک تألیف در <قراباذین> داشته‌اند؛ بنا به نوشته مرحوم نجم‌آبادی، آن، یک امر بسیار طبیعی بوده است، چرا که خلاصه و نتیجه علم طب، جلوگیری از بیماری‌ها و تداوی آنهاست. باید دانست که این اثر مهم، در فهرست‌نگاری نخستین از قلم فهرست‌نگار اقتاده است و اینک برای نخستین بار، در این کتاب‌شناسی، معرفی می‌گردد.<sup>۳</sup>

عناوین ابواب (= فصول) این اثر به شرح ذیل می‌باشد (نسخه ما فاقد باب‌های ۶۱ و

۶۲):

۱. فصل فی علل الشعر (۸۴ الف)، [۲. فصل فی مایسود الشعر] (۸۴ الف)، [فصل فی

۱. در برخی نسخ ۶۱ باب آمده است و نیز گاهی (از جمله نسخه ما)، به جای عنوان <باب>، <فصل> ثبت شده است.

2. Therapeutique.

۳. بازشناسی این اثر، مرهون تلاش‌های تحسین برانگیز دکتر حسین رضوی برقی است.



مايبيض الشعر] (٨٤ الف)، ٤. فصل فى أدوية الصلغ (٨٤ب)، ٥. فصل فى أدوية داء  
 الثعلب (٨٤ب)، ٦<sup>١</sup>. فصل فى أدوية الجراز (٨٥ الف)، ٧. فصل فى أدوية الصداع و  
 الشقشقية (٨٥ الف)، ٨. فصل فى أدوية العرشة (٨٦ الف)، ٩. فصل فى أدوية الفالج و  
 اللقوة (٨٦ الف)، ١٠. فصل فى أدوية الصرع (٨٧ الف)، ١١. فصل فى أدوية الزكام (٨٧ الف)،  
 ١٢. فصل فى أدوية المالميلخوليا (٨٧ الف)، ١٣. فصل فى أدوية العين (٨٨ الف)، ١٤. فصل  
 فى أدوية الأذن (٩٠ب)، ١٥. فصل فى أدوية الأنف (٩١ الف)، ١٦. فصل فى أدوية الرعاف  
 (٩١ الف)، ١٧. فصل فى أدوية الأسنان (٩١ب)، ١٨. فصل فى أدوية القلاع (٩٣ الف)، ١٩.  
 فصل فى أدوية اللسان (٩٣ الف)، ٢٠. فصل فى أدوية اللهاة (٩٣ب)، ٢١. فصل فى أدوية  
 الخوانيق (٩٣ب)، ٢٢. فصل فى أدوية السعال (٩٣ب)، ٢٣. فصل فى أدوية ذات الجنب و  
 الشوصة (٩٥ الف)، ٢٤. فصل فى أدوية الخفقان (٩٦ الف)، ٢٥. فصل فى أدوية المعدة  
 (٩٦ب)، ٢٦. فصل فى أدوية أورام الكبد و المعدة (٩٨ب)، ٢٧. فصل فى أدوية الغيتان و  
 الهیضة (٩٩ الف)، ٢٨. فصل فى الأدوية المقيئة (٩٩ب)، ٢٩. فصل فى الأدوية التى یسمن  
 (١٠٠ الف)، ٣٠. فصل فى الأدوية التى تهزل (١٠٠ الف)، ٣١. فصل فى أدوية الفواق (١٠٠ الف)،  
 ٣٢. فصل فى أدوية الكبد و سوء المزاج (١٠٠ب)، ٣٣. فصل فى أدوية الاستسقاء (١٠١ الف)،  
 ٣٤. فصل فى أدوية اليرقان (١٠٢ب)، ٣٥. فصل فى أدوية الطحال (١٠٣ الف)، ٣٦. فصل فى  
 أدوية القولنج (١٠٣ الف)، ٣٧. فصل فى أدوية الخلفة و الزحیر (١٠٦ الف)، ٣٨. فصل فى  
 أدوية الكلى و المثانة (١٠٧ الف)، ٣٩. فصل فى احتباس البول (١٠٧ب)، ٤٠. فصل فى أدوية  
 سلس البول (١٠٨ الف)، ٤١. فصل فى أدوية بول الدم (١٠٨ب)، ٤٢. فصل فى أدوية البواسیر  
 (١٠٨ب)، ٤٣. فصل فى أدوية یقطع الطمث (١٠٨ب)، ٤٤. فصل فى مايسهل الولادة و ییدرّ  
 الطمث (١٠٨ب)، ٤٥. فصل فى الأدوية المدرة اللبن (١٠٩ الف)، ٤٦. فصل فى الأدوية  
 القابضة للبن (١٠٩ب)، ٤٧. فصل فى أدوية تكثر الباه و المنى [أوتقلله] (١٠٩ب)، ٤٨. فصل  
 فى أدوية الثقرس و عرق النسا (١١٠ الف)، ٤٩. فصل فى أدوية الجبر (١١١ الف)، ٥٠. فصل فى  
 أدوية یقطع البواسیر (١١١ الف)، ٥١. فصل فى أدوية الحیات و الديدان (١١١ب)، ٥٢. فصل فى  
 أدوية السرطان (١١١ب)، ٥٣. فصل فى أدوية السعفة (١١١ب)، ٥٤. فصل فى أدوية الجرب

١. باب های (= فصل های) ٤ و ٥ نسخه ما، گویا یکی دانسته شده است، به همین جهت در نهایت امر، ظاهراً  
 یک باب اثر کم است!

(۱۱۱ب)، ۵۵. فصل فی أدویة البرص (۱۱۲ الف)، ۵۶. فصل فی أدویة البهق (۱۱۲ الف)، ۵۷. فصل فی أدویة النمش والکلف (۱۱۲ب)، ۵۸. فصل فی أدویة الجذام (۱۱۲ب)، ۵۹. فصل فی أدویة آثار القروح والجدری (۱۱۲ب)، ۶۰. فصل فی أدویة مبيضة مبرقة، ۶۱. فصل فی أدویة یحمر اللون].

آغاز: <بسملة، قال أبو بكر...؛ أتى أذكر فی كتابی هذا من الأدویة المركبة التي الحاجة إليها دون غيرها مختاراتها وطراح ما كان منها فضلاً وتوسعاً وأقتصر على ما يضطر إليه حاجة الطبيب فقط والحری...؛ [۱]. فصل فی علل الشعر، خضاب يسود الشعر، يؤخذ رطل ... >.

انجام: <... [۵۹. أو ۶۰]. فصل فی أدویة آثار القروح والجدری، صفة دواء يذهب بآثار القروح...، يغسل بالنها في الحمام، نافع مجرب؛ طلى الدم الميت تحت الجلد... > افتاده.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: تاریخ کتابت: [سال ۱۰۰۶هـ (۸۲ب)]، نوع کاغذ: شرقی نخودی نازک آهار مهره، عناوین و نشانی ها: قرمز، تعداد برگ: ۳۰ گ (۸۳ب) - (۱۱۲ب)، تعداد سطر: ۲۳ س، اندازه متن کتاب: ۷/۵×۱۳ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۳/۵×۱۹ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه ای با ترنج ضربی زمينه گل و بوته.

ویژگی های نسخه: نسخه ای است نفیس که در حاشیه تصحیح گردیده است و ندرتاً چند حاشیه نویسی مختصر نیز (همچون برگ ۱۰۸ب) دارد. جلد اثر و لبه برگ ها آسیب دیده بود که البته از سوی متخصصان بخش مرمت این کتابخانه ترمیم گردیده است. شماره ارقام فصول با خط دیگری در هامش نوشته شده است. تاریخ کتابت نسخه به قرینه رساله پیشین این مجموعه نگارش یافت.

منابع پژوهش: نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۸۲-۸۷؛ بروکلمان، کارل، تاریخ الأدب العربی، القسم الثاني ۳-۴، ص ۶۸۸؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش های عربی، ج ۳، ص ۳۸۷؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, pp. 283-284; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, p. 269.

شماره ردیف: <۲۶>

شماره نسخه: <۶۸۷۶/۲>

نام اثر: کتاب من لایحضره الطیب = طبّ الفقراء و المساکین<sup>۱</sup> = من لایحضره الطیب =

کتاب إلى من لایحضره الطیب

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: کتابی مشهور و متداول در علم پزشکی است که در آن در خصوص درمان بیماری‌ها با غذاها و آشامیدنی‌های موجود، در هر جا و مکانی که دسترسی به طیب وجود ندارد، بحث شده است؛ این اثر در ۳۷ باب (در برخی نسخ ۳۶ باب) و هر باب در چند فصل و بنا به نوشته رازی در مقدمه کتاب خود، به درخواست <مردی دانشمند و جلیل القدر> نگارش یافته است.

مرحوم شیخ صدوق (د. سال ۳۸۱ هـ) در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه آورده است که نام کتاب خویش را از همین اثر رازی اقتباس نموده است. عناوین ابواب و فصول سی و هفت گانه کتاب من لایحضره الطیب، عبارت است از:

الباب الأول فی الصداع و علل الدماغ و الدوار و الشقیقة (۵۴ الف)،

الباب الثانی فی الفالج و اللقوة و الرعشة و الخدر (۶۱ ب)،

الباب الثالث فی الصرع و السدر و الدوار (۶۳ ب)،

الباب الرابع فی المالیخولیا (۶۶ الف)،

الباب الخامس فی السرسام (۶۸ ب)،

الباب السادس فی النسیان و فساد الذکر (۷۰ الف)،

الباب السابع فی علل العین (۷۰ الف)،



۱. استاد فؤاد سزگین در اصل آلمانی کتاب تاریخ نگارش‌های عربی (ج ۳، ص ۲۸۷) و پروکلمان در اصل آلمانی ذیل تاریخ ادبیات عرب (ج ۱، ص ۴۲۰) آورده‌اند که نسخه‌ای از طبّ الفقراء و المساکین در کتابخانه مونیخ - آلمان، به شماره <۸۰۷> موجود است که تقریباً همانند کتاب من لایحضره الطیب رازی است؛ اما سزگین افزوده که متن آن با اثر مذکور متفاوت است و گویا گزیده‌ای از کتاب الحاوی رازی بوده باشد؛ با این احوال، مرحوم نجم‌آبادی بر این باور بوده که نام دیگر کتاب من لایحضره الطیب، طبّ الفقراء و المساکین می‌باشد و ما نیز در ثبت نام دیگر اثر مذکور به این دانشمند فرهیخته، اقتدا کردیم!

- الباب الثامن فى علل الأذن (٧٧ب)،  
الباب التاسع فى علل الأنف (٨٠ الف)،  
الباب العاشر فى علاج الشفتين والفم (٨٢ الف)،  
الباب الحادى عشر فى علاج اللوزتين والحلق والخوانيق ومجوحة الصوت (٨٥ الف)،  
الباب الثانى عشر فى الزكام (٨٦ب)،  
الباب الثالث عشر فى علاج الصدر ومجوحة الصوت والنزلات والسل والشوصة  
(٨٧ب)،  
الباب الرابع عشر فى التسل مع السعال (٩٢ب)،  
الباب الخامس عشر فى علاج أذاء النساء وتكثير اللبن وتقليله (٩٣ الف)،  
الباب السادس عشر فى علل المعدة (٩٣ب)،  
الباب السابع عشر فى الهیضة (٩٧ب)،  
الباب الثامن عشر فى أوجاع القلب والحققان (٩٩ الف)،  
الباب التاسع عشر فى السمن والهزل (١٠٠ الف)،  
الباب العشرون فى أوجاع الكبد (١٠٠ب)،  
الباب الحادى والعشرون فى علل الطحال (١٠٢ الف)،  
الباب الثانى والعشرون فى الاستسقاء (١٠٢ب)،  
الباب الثالث والعشرون فى علاج انطلاق البطن والخلفة وفساد الهضم والسحج والزحير  
(١٠٤ب)،  
الباب الخامس والعشرون فى القولنج (١١٠ الف)،  
الباب السادس والعشرون فى علاج الحصة فى الكلى والمثانة (١١٥ب)،  
الباب السابع والعشرون فى علاج حرقة البول وبول الدم وكثرة البول وعسر البول  
(١١٦ب)،  
الباب الثامن والعشرون فى علاج الباه وكثرة الاحتلام (١١٨ب)،  
الباب التاسع والعشرون فى الطمث وعلاج الأرحام والحبل (١٢٠ الف)،  
الباب الثلاثون فى علاج الورم فى الخصية والتضيب والفتق (١٢١ب)،  
الباب حادى والثلاثون فى وجع المفاصل والنقرس وعرق النسا (١٢٢ب)،



[الباب الثانی والثلاثون] فی الدوالی و داء الفیل (۱۲۷ الف)،  
 الباب الثالث والثلاثون فی وجع الظهر العتیق (۱۲۷ ب)،  
 الباب الرابع والثلاثون فی الزینة وما يتعلق بالعوارض فی ظاهر البدن (۱۲۸ الف)،  
 الباب الخامس والثلاثون فی لذع العقارب والرتیلاء ونهش الحیات وعضة الكلب ولذع  
 الزنابير (۱۳۴ ب)،  
 الباب السادس والثلاثون فی مداواة من سقى شيئاً من السمومات المعدنية والنباتية فی  
 سقى الذراریح (۱۳۶ ب)،  
 الباب السابع والثلاثون فی الحیات (۱۳۷ الف).

باید افزود که این کتاب نخستین بار به اهتمام میرزا محمد علی در کلکته (بدون تاریخ)،  
 سپس در سال ۱۸۸۶ در لکهنو، به صورت چاپ سنگی و سپس در سال ۱۳۳۴ ش به ضمیمه  
 براء الساعة، توسط حاج میرزا علی آقا شیرازی و اهتمام جمال الدین معارف پرورد تهران، به  
 صورت چاپ سربی منتشر گردیده است. همچنین این اثر به زبان فارسی هم برگردانده شده و  
 دستنویسی از آن ترجمه فارسی، با مترجمی علاء الدین محمد طیب، به شماره <۴۵۱۸> در  
 کتابخانه ملی ملک در تهران نگهداری می گردد.

آغاز: >بسملة، الحمد لله رب العالمین و صلوته علی محمد وآله الطیبین الطاهرین أجمعین؛  
 قال أبو بکر... ان رجلاً جلیلاً فاضلاً یرید الخیر للناس و یتحرى صلاح أحوالهم، أحب أن  
 نعمل له مقالة وجیزة فی علاج الأمراض بالأغذية والأشربة... وأنا مبتدی الآن بها و...؛  
 الباب الأول فی الصداع و علل الدماغ و الدوار و الشقشقیة فمن الأمراض الرأس الصداع...<  
 انجام: >... و أما إذا کان مع الحمیات علل أخر كالسعال و الأورام فی الكبد و غیرها من  
 الأعضاء، فلیؤخذ علاجها مما ذکر أولاً و یزج و السلام؛ تمت الرسالة.<

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: محمد بن میر محمد حسین حسینی پشت  
 مشهدی کاشانی، تاریخ کتابت: سال ۱۲۸۴ هـ عناوین و نشانی ها: قرمز، نوع کاغذ: فرنگی  
 نخودی آهار مهره، با مارک تجارتي <عقاب>، تعداد برگ: ۸۷ گ (۵۲ ب. ۱۳۸ ب)، تعداد  
 سطر: ۱۵ س، اندازه متن کتاب: ۶×۱۱/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۱/۵×۱۸ سانتیمتر، نوع جلد:  
 تیماج قهوه ای، مجدول با عطف تیماج قهوه ای تیره؛ رقم کاتب: >تمت الرسالة الموسومة بمن  
 لا یحضره الطیب فی یوم الأربعاء فی أربعة و عشرين من شهر رمضان المبارك، علی ید أحقر

عباد الله محمد بن میر محمد حسین ....، سنة ۱۲۸۴ هـ.

ویژگی های نسخه: این نسخه در حاشیه تصحیح گردیده است و حاشیه نویسی مختصری نیز با نشان <ق> دارد. روی برگ <۱۱۲ الف> تملک [سید شریف نظام الدین] سراجی [جوشقانی] در سال ۱۳۳۳ ش که جوهر آن، لبه برگ را آغشته نموده، دیده می شود. ناگفته نماند نسخه ای دیگر (ناقص) از این اثر رازی (کتاب من لا یحضره الطیب) تنها، شامل سه برگ نخستین آن، در فهرست همین کتابخانه ذیل نسخه شماره <۱۱۷۶۸> (رک. فهرست کتابخانه، ج ۲۹، ص ۵۶۴)، کتابت قرن ۱۳ هجری، اشاره گردیده است.

منابع پژوهش: صالحیه، محمد عیسی، المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع، ج ۳، ص ۱۵؛ مشار، خانابا، فهرست کتاب های چاپی عربی، ص ۹۰۵؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۶۶-۷۲، ۱۵۶، ۳۰۸ و ۳۱۷، بروکلان، کارل، تاریخ الادب العربی، القسم الثانی ۳-۴، صص ۶۹۲-۶۹۳؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان

به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش های عربی، ج ۳، ص ۳۹۴؛ Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, p. 287; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, p. 270 & Vol. I (Supp.), p. 420.

•••

شماره ردیف: <۲۷>

شماره نسخه: <۸۱۵۹>

نام اثر: الفاخرفی الطب = الکناش الفاخر

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: کتابی معروف در علم طب در درمان بیماری ها با بهره گیری از گفته های فیلسوفان در آنچه برای انسان نافع یا مضر است، به انضمام نظریات پزشکی اطبای قدیم و متأخر همراه بیان درمان و علاج بیماری های انسان از سرتا قدم است. این اثر در ۲۶ باب نگارش یافته است و در کتب طبّی قدیمی، همچون برخی شروح قانون ابن سینا، فراوان از آن یاد شده است. در قطعیت یا تشکیک انتساب اثر به رازی، ابوریحان بیرونی آن را منسوب به رازی می داند و در آن از تقسیم و تشجیر رازی و الکناش ابن سربایون نقل مطلب شده است.



باید افزود این اثر گرانسنگ شامل دو مقاله به شرح ذیل می باشد (نسخه مورد گفتگو تنها شامل مقاله دوم است):

مقاله نخست شامل: درمان بیماری های سر، پوست، صورت، چشم، گوش، بینی، گلو، دندان، زبان، حنجره، ریه، جنب، معده، بیماری های صرع، حمله، سل، بیماری های قلب، سوء هضم، داء الثعلب، ریزش مو، بیماری های مو، بیماری های رنگ مو، بهق، بیداری، درد مراق (داء المراق)، مالیخولیا، کابوس، وسواس، عشق، سکت، فالج، لقوه، رعشه، اختلاج، چشم دردها، ضعف بصر، آب چشم (مروراید)، شب کوری، سرطان چشم، درد پلک ها و بیماری های آن، حفظ شنوایی و دردهای گوش، طنین، کری، خون آمدن از بینی، درد بینی، نواسیر بینی، بیماری های لته و فساد آنها، نزله، زکام، تهوع، سکسکه و...<

مقاله دوم شامل: درمان بیماری های کبد، یرقان، استسقاء، اسهال ها، ذوسطاریا، بواسیر، قولنج ها، دردهای کلیه، بیماری های آلت تناسلی مرد و زن، نقرس، دردهای مفاصل، بیماری های مربوط به مثانه، عرق نسا، جرب، کلیه، دُمَل ها، سلعه ها (گزش ها)، خنازیر، بیماری های غده ها، باه، زیادی و کمی میل جنسی، حفاظت جنسی، تسهیل ولادت، بهداشت کودک، بریدن شیر، ترضیع، دفع سموم مار و عقرب و عنکبوت و رطیل و افعی، درمان شراب افیون، درمان ضد شوکران، ماهی گندیده، گوشت غدید شده، شیر فاسد، بیرون آوردن حشرات از گوشت، درمان سوختگی با نوره و زرنیخ، درمان سموم، دردهای مضره، سرسام، تب ها، محرقه، مطبقه، آبله، سرخک، تب های بلغمی، تب ربع و...<

شایان ذکر است بخشی از این اثر که مربوط به سنگ کلیه و مثانه است، از سوی دی کونینگ<sup>۱</sup> ضمن کتاب رساله درباره سنگ کلیه و مثانه...<sup>۲</sup> (صص ۵۶-۱۲۴) درج گردیده است؛ این اثر در سال ۱۸۹۶ در لیدن. هلند به چاپ رسیده و در سال ۱۹۸۶ نیز، از سوی انستیتو تاریخ علوم عربی. اسلامی (زیر نظر دکتر فؤاد سرگین) در فرانکفورت. آلمان، افست گردیده است.

آغاز: >بسملة، المقالة الثانية في أوجاع الكبد، قال محمد: يكون أوجاع الكبد من أورام حارة و علامته الحمى اللازمة و شدة العطش و قىء المرّة الصفراء و ربما كان معه فواق و یرقان و سعلة

1. P. De Koning.

2. Traite sur le calcul dans les reins et dans la vessie traduction accompagnée du texte.

یابسته لانفث معها وسقوط الشهوة...>.

انجام: >... فإن كان سبب الغشى كثرة الاستفراغ بالعرق فيجب أن يقطع ذلك بما هو موصوف في باب إدرار العرق وقطعه، فهذا آخر الكلام فيها وهو آخر كتاب الفاخر.<

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ (دو نوع)، نام کاتب (بخش نونویس): موسی [بن محمد بن سلیمان شریف] طیب تنکابنی، تاریخ کتابت (بخش اصلی): سده ۱۱ هجری و تاریخ بخش نونویس: سال ۱۲۹۶ هجری محل کتابت (بخش نونویس): دارالخلافه طهران، عناوین و نشانی‌ها: قرمز، نوع کاغذ (بخش اصلی): فرنگی ضخیم سفید و جنس کاغذ بخش نونویس: فرنگی سفید با مارک تجارתי لاتینی<sup>۱</sup>، تعداد برگ: ۲۳۱ گ، تعداد سطر: ۲۱ س، اندازه متن کتاب: ۱۸/۵ × ۱۰/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۲۰ × ۳۰ سانتیمتر، نوع جلد: تیماج قهوه‌ای، رقم کاتب (بخش نونویس): >تمت الأوراق الأولى والأوسط والأخيرة في يد موسى الطيب التنكابي، في دارالخلافة طهران في سنة ۱۲۹۶ هـ.<

ویژگی‌های نسخه: این نسخه نفیس در حاشیه تصحیح گردیده است و حواشی و تعلیقات سودمندی نیز از کاتب بخش نونویس >موسی طیب تنکابنی< دیده می‌شود. این تعلیقات که برخی عربی و برخی فارسی است، نوعاً با امضای >لحرّه الشريف بن الشريف العلامة بن العلامة موسی الطیب التنکابنی< آمده است؛ برخی از حواشی‌ها مانند حاشیه برگ >۲۳۱ ب< تاریخ سال ۱۳۳۲ هجری بر ضمن خود دارد. بنا به نوشته وی در انجام، این اثر دارای >۶۰< تعلیقه و حاشیه از وی می‌باشد که به نظر می‌رسد معرفی و انتشار مستقل تعلیقات پزشکی تنکابنی بر کتاب الفاخر رازی، فی نفسه امری پسندیده است. گفتنی است پیش‌تر، بخش‌هایی از آغاز، اواسط و انجام نسخه اقتاده بود که از سوی کاتب (تنکابنی)، که خود پزشک حاذقی نیز بوده، بازنویسی و تکمیل نموده است؛ بین برگ‌های ۱-۳ فهرستی از ابواب و فصول مقاله دوم این اثر درج شده است که بایستی به خط همین تنکابنی بوده باشد. روی آغازین برگ نسخه، کاتب بخش نونویس آورده است: >این کتاب مستطاب، جلد ثانی از کتاب فاخر از کتب مرحوم مغفور میرزا سلیمان حکیم طیب تنکابنی است که جدّ این حقیر است و ناقص بوده و مشهور بین الاطباء بود که ناتمام و هنوز با تمام نرسیده، محمد بن زکریای رازی وفات کرد و خیلی تفحص از این کتاب در دارالخلافه طهران نمودم، [البته] بعضی از اطباء

[نسخه‌ای] از این کتاب داشتند و [لی] ناقص بود، نسخه [کامل و] تمام [شامل هر دو مقاله] در هیچ کتابخانه از اطباء نیافتیم، بعد از تجسس [و تفحص] زیاد در کتابخانه سلطان الأطباء، مرحوم میرزا ابوالقاسم نائینی از این [اثر] نسخه [ای] یافتیم که تمام بود، لذا از اول و وسط و آخر آنرا از روی آن نسخه استنساخ نمودم و تمام کردم، ولیکن آن نسخه بسیار مغلوط بود، چنانکه این نسخه [ما] هم بسیار غلط دارد، اگر فرصتی شود می‌توانم اغلاط آنرا بصحت تبدیل نمایم، اللهم وفقنی بتاریخ سنة ۱۲۹۶ هـ در دارالخلافه طهران در مدرسه مرحوم آقا شیخ عبدالحسین، تمام شد؛ حرره موسى الطیب التتکابنی. در آغاز نسخه، همچنین تملک تنکابنی باظهر > قد أوتیت سؤلک یا موسی ۱۲۶۰ < همراه یادداشت: > چند روزی در عاریه حقیر است؛ أنا الجانی [موسی] ابن العلامة [ابن العلامة المیرزا محمد بن المیرزا سلیمان] التتکابنی >، دیده می‌شود. برخی برگ‌ها آسیب جانوری دیده که بعضی از آنها وصالی غیرفنی و ترمیم غیراصولی شده است.

منابع پژوهش: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۲۱۵؛ صالحیه، محمد عیسی، المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع، ج ۳، ص ۱۳؛ بروکلیمان، کارل، تاریخ الأدب العربی، القسم الثانی ۳-۴، ص ۶۹۰؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریس، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، صص ۳۹۱-۳۹۲؛ نجم آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۱۴۸-۱۵۲ و ۳۱۶؛

Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, p. 286; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, p. 270 & Vol. I (Supp.), p. 420.

•••

شماره ردیف: <۲۸>

شماره نسخه: <۴۲۸۲>

نام اثر: الحاوی فی الطب = الجامع الحاضر لصناعة الطب = الجامع = الجامع الکبیر = حاضرة

صناعة الطب

موضوع: پزشکی

زبان: عربی

گزارش متن: کتابی ارزشمند، گرانسنگ، نفیس و نسبتاً حجیم و بزرگ در عالم پزشکی،

یعنی حدود ۳۰ جلد است که برخی بر این باورند پس از وفات رازی، به امر >ابوالفضل محمد بن حسین مشهور به ابن العمید< (د. سال ۳۵۹ هـ)، استاد صاحب بن عبّاد (وزیر شهیر رکن الدوله دیلمی از پادشاهان آل بویه)، یادداشت‌های باقیمانده از وی، از خواهر رازی اخذ گردیده و به اهتمام شاگردانش جمع‌آوری و نام/الحاوی بر آن نهاده شده است که البته برخی از صاحب‌نظران منتقد این نظر هستند.<sup>۱</sup>

بنا به نوشته مرحوم دکتر محمود نجم آبادی، این اثر را باید آخرین تألیف رازی دانست؛ وی همچنین اضافه کرده است که این اثر معتبرترین، بزرگترین و مهمترین کتاب رازی است که وی، تمامی تجارب شخصی و مشاهدات بالینی خود را که محصول سال‌ها طبابت رازی در بغداد بوده، در این اثر گردآوری کرده است. این اثر مدت‌ها مرجع دانشجویان علوم پزشکی در دنیا بوده است و در واقع یک دوره کامل پزشکی مشتمل بر جمیع اطلاعات پزشکی در تشخیص امراض و چگونگی درمان آنها تا دوران رازی است؛ رازی در این اثر عقاید خود و نظریات پزشکان پیش از خود را نگاهشته و در هر بخش خود، اظهار نظر نموده است.

کتاب/الحاوی، نه نوشتاری ساده، برای ثبت تجربیات پزشکی، بلکه حقیقتاً دایرة المعارف بزرگ علم پزشکی است که در آن با موشکافی علمی به مباحث طبی پرداخته شده است. روش به کار برده شده در تدوین کتاب/الحاوی، هم اکنون نیز در تمامی آثار علمی پزشکی دنیا، به کار گرفته می‌شود و از این روست که می‌بینیم این کتاب بیش از پنجاه سال به عنوان یکی از مهمترین کتب درسی فرانسه، مهد تمدن و فرهنگ اروپا و نه در مدارس معمولی، بلکه در دانشگاه سوربن در پاریس، تدریس می‌گردیده است و تنها در سال ۱۵۴۲، پنج بار با ترجمه فرانسوی، تجدید چاپ شده است؛/الحاوی افزون بر ترجمه فرانسوی، به زبان‌های انگلیسی و لاتینی نیز ترجمه و چاپ شده است. به هر تقدیر این اثر مشتمل بر مباحثی در مداوای بیماری‌ها، جراحی، ادویه و غذاها، داروهای ترکیبی، فن پزشکی، داروشناسی، وزن و مقیاس، تشریح، اسباب طبیعی در علم پزشکی، راهنمای پزشکی نام و اصطلاحات پزشکی، مقدمات پزشکی و ده‌ها موضوع طبی دیگر که این اثر حاوی تمامی آن‌هاست.

در معرفی و توضیح بخش‌های مختلف این کتاب بزرگ، باید افزود، کتاب/الحاوی، طبق نوشته فؤاد سزگین، دایرة المعارف بزرگ طبی است، که قسمت اعظم آن از نقل قول‌هایی از آثار

۱. بروکلیمان به نقل از هرشبرگ این داستان را غیر واقعی و ساختگی می‌داند!

یونانی، سریانی، هندی و عربی تشکیل شده و بخشی از آن هم یادداشت‌ها و تجربیات شخصی رازی است. علی بن عباس مجوسی درباره کاری که رازی در *الحاوی* انجام داده، چنین اظهار نظر می‌کند: >مشاهده کردم که در آن از همه آن چه مورد نیاز پزشکان است، یعنی بهداشت و درمان بیماری‌ها و ناخوشی‌هایی که با دارو و خوراک درمان پذیرند و نشانه‌های آن‌ها، یاد کرده و از ذکر چیزی از آن چه مورد نیاز طالبان این فن است، غفلت نورزیده است؛ اما درباره امور طبیعی مانند دانش اسطقسات و مزاج‌ها و اخلاط و کالبد شکافی و جراحی چیزی نگفته، و نیز آنچه را که آورده بر پایه نظم و ترتیب لازم و به شیوه کتاب‌های آموزشی نیست. همچنین آنگونه که از دانش و شناخت او نسبت به فن پزشکی و تألیف کتاب می‌سزد. زیرا من منکر فضل و دانش او در فن پزشکی و توانایی او در تألیف کتاب نیستم. کتاب خویش را به مقالات و فصول و ابواب گوناگون تقسیم نکرده است. وی در وصف هر یک از بیماری‌ها و علل و نشانه‌ها و شیوه درمان آن‌ها، سخنان هر یک از پزشکان قدیم و جدید، از بقراط و جالینوس گرفته، تا اسحاق بن حنین و پزشکانی را که در فاصله میان ایشان زیسته‌اند، آورده و از ذکر چیزی از گفته‌های ایشان در این باب، فروگذاری نکرده است. بدین سان همه کتاب‌های پزشکی، در این کتاب وی گنجانده شده‌اند؛ اما باید دانست که پزشکان حاذق و ماهر در وصف طبیعت بیماری‌ها و علل و نشانه‌ها و شیوه درمان آن‌ها اتفاق نظر دارند و در میان ایشان جز اندکی فزونی و کاستی یا در برخی الفاظ، اختلافی نیست، زیرا قوانین و شیوه‌هایی که برای شناخت بیماری‌ها و ناخوشی‌ها و موجبات و درمان آن‌ها به کار می‌برند، شیوه‌های عیناً مشابهی است و وقتی چنین است، چه حاجت که سخنان پزشکان قدیم و جدید را نقل و تکرار کنند، زیرا گفته‌های ایشان همانند است و هرگاه نیز برخی از ایشان در زمینه کاربرد انواع داروها سخنی برخلاف دیگران گفته باشند، آن سخن به قوای داروها و فواید آن‌ها مربوط نمی‌شود، مثلاً به و گلابی و زالزالک، یا زنجبیل و فلفل سیاه و فلفل سبز، گرچه از نظر نوع مختلفند، از نظر قوا و فواید مشابه‌اند و تنها در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند؛ پس شایسته آن بود که تنها برخی از سخنان ایشان را نقل کند و به آنچه مورد نیاز است، اکتفا ورزد و گفته‌های دانشمندترین و پیشرفته‌ترین و خوش بیان‌ترین و مجرب‌ترین ایشان در این فن را راهنما قرار دهند، تا حجم کتاب کمتر شود و کار تهیه و استتساخ آن آسان‌تر باشد و در نتیجه فراوان‌تر شود و در دسترس مردمان قرار گیرد. من تاکنون نسخ این کتاب را تنها نزد دو تن از

اهل علم و ادب دیده‌ام.

جناب آقای مولوی که در ترجمه فارسی اثر شهیر سزگین (تاریخ نگارش های عربی)، کار مقابله با متن آلمانی را برعهده داشته است در این خصوص می نویسد: <در این نقل قول مفصل از کامل الصنعة الطیبة تألیف علی بن عباس اهوازی، متأسفانه یک نکته مهم و لازم حذف شده است. اهوازی در میان همین سخنان می افزاید که شاید کتاب الحاوی مجموعه دفاتر یادداشت رازی در زمینه دانش پزشکی بوده است و او همه این ها را برای استفاده شخصی در سال های پیری و دوران ضعف حافظه، و شاید هم برای زمانی که همه کتاب های خود را در دسترس نداشته باشد، فراهم آورده است. همچنین می توان تصوّر کرد که می خواسته است به هنگام فرصت، یادداشت ها را مرتب و منظم کند، اما هرگز چنین فرصتی نیافته است. در حقیقت مجلّدات الحاوی نشان می دهد که مطالب آن ها یادداشت هایی است که با شتاب بسیار، از منابع گوناگون فراهم آمده اند.

عناوینی که بر روی هر یک از اجزای ۲۳ جلد (از سی جلد) کتاب الحاوی رازی نهاده شده چنین است:<sup>۱</sup>

الجزء الأول فی أمراض الرأس،

الجزء الثاني فی أمراض العين،

الجزء الثالث فی أمراض الأذن والأنف والأسنان (نسخه ما)

الجزء الرابع فی أمراض الرئة،

الجزء الخامس فی أمراض المرى والمعدة وما يتعلق بذلك،

الجزء السادس فی الاستفراغات والتسمين والهزال،

الجزء السابع فی امراض الثدي والقلب والكبد والطحال،

الجزء الثامن فی أمراض الأمعاء،

الجزء التاسع فی أمراض الرحم والحمل،

الجزء العاشر فی أمراض الكلى ومجاری البول وغيرهما،

الجزء الحادى عشر فی الحمیات والديدان فى البطن والبواسير والحذب والنقرس و

۱. از تعداد مجلّدات سی جلدی الحاوی، تاکنون تنها نسخ خطی ۲۳ جلد یافت شده و همانها نیز منتشر گردیده است. عناوین اجزای ۲۳ جلدی کتاب براساس نسخ چاپی آن در این نوشتار، درج گردید.



الدوالی و داء الفیل و غیرها،  
 -الجزء الثانی عشر فی أمراض السرطان والأورام والدمامل والدييلات وما یجلل جسا  
 القروح والدشد و غیرها،  
 -الجزء الثالث عشر فی أمراض الرض والفسخ الذی ینشق منه داخلاً والقروح فی أعضاء  
 التناسل والمقعدة و غیرها،  
 -الجزء الرابع عشر فی الحمیات والبراز والقی و غیرها،  
 -الجزء الخامس عشر فی الحمی المطبقة والأمراض الحادة والحادثة عن السدد وسقی الماء  
 البارد و غیرها،  
 -الجزء السادس عشر فی حمیات الدق والذبول والنافض والحمیات التی لاتسخن فی  
 الحمیات الوئیبة و غیرها،  
 -الجزء السابع عشر فی الجدری والحصبة والطواعین،  
 -الجزء الثامن عشر فی البُحران وما یتعلق به،  
 -الجزء التاسع عشر فی البول وما یتعلق به والنهش والسموم،  
 -الجزء العشرون فی الأدوية المفردة (الف. زاء)،  
 -الجزء الحادی والعشرون فی الأدوية المفردة (سین. یاء)،  
 -الجزء الثانی والعشرون فی الصيدلة و فی جداول استنباط الأسماء والأوزان والمکابیل،  
 -الجزء الثالث والعشرون (القسم الأوّل) فی قوانین استعمال الأطعمة والأشربة و فی النوم و  
 یقظة و فی الأمراض التی تعدی وتتوارث و غیرها،  
 -الجزء الثالث والعشرون (القسم الثانی) فی ما یرض للجلد من البهق والبرص والجذام و  
 غیرها و فی خضاب الشعر والید.

بايد افزود كه نسخه مورد گفتگو، جزء سوم كتاب الحاوی فی الطب است و متأسفانه  
 بخش هایی از آغاز (از جمله مقدمه) آن، از نسخه افتاده است؛ همچنين جابجایی هایی در  
 برخی ابواب آن نسبت به نسخه چاپی (حیدرآباد دکن) مشاهده می شود.

عناوین فرعی ابواب جزء سوم نیز بر اساس نسخه مورد گفتگو، چنین است:  
 [۱. فی أمراض الأذن، ۲. فی عسر السمع والصمم]، ۳. فی ما یحدث فی الأنف من التتن و  
 عدم السمّ والقروح والسدد و... (۶ب)، ۴. فی ما یحدث فی الفمّ من الأمراض وعلاماتها و

علاجها... (۱۴ الف)، ۵. فی ما يحدث بالصوت وما يصلح خشونة قصبه الرئة وفي مجوحة الصوت (۲۹ ب)، ۶. باب فی التنفس وتقدمة المعرفة (۳۶ ب)، ۷. أصناف سوء التنفس (۴۲ الف)، ۸. فی العلق وما ينشأ فی الحلق ويقوم فی الجری وعلاج الخنوق والغریق... (۵۰ الف)، ۹. فی الأورام والقروح والتغائغ فی الحلق والخوانيق واللسان واللهاة والخنوق والغریق وضيق المبلع (۵۵ ب)، ۱۰. فی مداواة الأسقام (۷۴ الف).

در تاریخ نگارش های عربی، تألیف گرانمایه دکتر سزگین، فهرستی از برخی مقالات و رساله های پژوهشی که در معرفی کتاب *الحاوی* آمده است که عبارتند از: مقاله <اشنتاین اشنايدر> با عنوان: "آثار سم شناسی عرب هاتا تا پایان قرن دوازدهم..."<sup>۱</sup>، منتشر شده در نشریه *Virchow's Archiv*، شماره ۵۲ (۱۸۷۱)، ص ۴۶۸ به بعد؛ رساله دکتری <تیمان> با عنوان: <رازی طیب عرب در کتاب الحاوی خود از اطبای یونانی درباره دندان پزشکی چه می گوید؟><sup>۲</sup> (لایپزیگ ۱۹۲۵)؛ مقاله <پرژان> با عنوان: "برداشت های شخصی چشم پزشکی رازی در *الحاوی*"<sup>۳</sup> منتشر شده در نشریه *Ann. d'Oculistique*، شماره ۱۲۷ (۱۹۰۲)، صص ۱۰۵-۱۳۳، ۲۷۲-۲۸۷ و ۴۱۳-۴۳۲؛ مقاله <مایرهوف> با عنوان: "سی و سه معاینه طبی توسط رازی (ح ۹۰۰ م"<sup>۴</sup> منتشر شده در نشریه *Isis*، شماره ۲۳ (۱۹۳۵)، صص ۳۲۱-۳۵۶ و متن عربی آن صص ۱-۱۴؛ مقاله <شیرگس> با عنوان: "*الحاوی* رازی"<sup>۵</sup> منتشر شده در نشریه *Z. ärztl. Fortbildung*، شماره ۴۸ (۱۹۵۹)، ص ۱۰۳۰ به بعد؛ مقاله <دیتیش> با عنوان: "[مهارت های علم پزشکی]"<sup>۶</sup> منتشر شده در همان نشریه *Z. ärztl. Fortbildung*، شماره ۴۸ (۱۹۵۹)، ص ۴۵ به بعد؛ مقاله <نیبا> با عنوان: "داروشناسی موجود در *الحاوی* رازی..."<sup>۷</sup>

1. "Die toxicologischen Schriften der Araber bis Ende des XII. Jahrhunderts ...".
2. <Was berichtet der arabische Arzt Rhazes in seinem Continens aus griechischen Ärzten über Zahnheilkunde>.
3. "Les conceptions ophtalmologiques personnelles de Phazes dans le Hawi".
4. "Thirsty - three clinical observations by Rhazes (circa 900 AD)".
5. "Continens Rhasis".
6. "Medicinalia".
7. "La material mdica contenuta nel Liber Elhavi di al-Razi (nel 1100e anniversario della nascita di al-Razi), estratto degli Atti e Relazioni dell'Accad.



منتشر شده در نشریه *Pugliese delle Scienze*، شماره ۲۳ (۱۹۶۵)، صص ۳۱۱-۳۳۱؛ کتاب <دکتر محمود نجم آبادی> نیز ۳۳ معاینه بالینی رازی را با عنوان *قصص و حکایات المرضی* (تهران ۱۹۶۴ و تجدید چاپ همراه افزوده‌ها در ۱۳۶۵ش)؛ رساله دکتری <احمد م. مختار> با عنوان: <رازی در مقابل جالینوس، نقد جالینوس در بیست کتاب نخست از الحاوی ابن رازی><sup>۱</sup> (بن ۱۹۶۹)؛ کتاب <دکتر مهدی محقق> با عنوان: *فلسوف ری محمد بن زکریای رازی* (تهران ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰)؛ مقاله <ف. ف. خطاب> با عنوان: "رائعة عربية، الحاوی للرازی" منتشر شده در نشریه *المورد*، س ۱، ش ۳-۴ (۱۹۷۲)، صص ۱۴۱-۱۴۴؛ مقاله <همو> با عنوان: "الملاحظات الاكلينيكية أو الحالات السريرية في كتاب الحاوی للرازی" منتشر شده در همان نشریه *المورد*، س ۲، ش ۳ (۱۹۷۳)، صص ۲۰-۳۳؛ مقاله <شونفلد> با عنوان: "درمان دندان در الحاوی رازی"<sup>۲</sup> منتشر شده در خلاصه مذاکرات بیست و سومین کنگره بین المللی تاریخ پزشکی (لندن ۱۹۷۱)، ج ۲، صص ۹۶۲-۹۶۷ و کتاب <حسین م. ع. عقبی> با عنوان: *طَبّ الرازی، دراسة وتحليل لكتاب الحاوی* (بیروت ۱۹۷۷).

همانگونه که اشاره گردید، کتاب *الحاوی فی الطّب* مشتمل بر ۳۰ جلد است، اما بر اساس نسخ یافت شده، تاکنون تنها ۲۳ جلد آن به عنایت و تصحیح سید عبدالوهاب، شرف‌الدین و محمد عبدالمعین خان از سوی مطبعة دائرة المعارف العثمانية در حیدرآباد دکن، بین سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۷۲ (تجدید چاپ ۱۹۷۴-۱۹۷۹) به چاپ رسیده است. باید افزود که همچنین برخی مجلدات این اثر (همچون جلد نخست و بیست و دوم) از سوی دکتر سید محمود طباطبایی (پزشک متخصص و مسلط به زبان عربی و عضو هیئت علمی دانشگاه مشهد) به فارسی ترجمه و به اهتمام شرکت داروشناسی الحاوی بین سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۲ به چاپ رسیده است. همچنین بخش‌هایی از این اثر ارزشمند، به اهتمام جاتین سوردیل تومین<sup>۳</sup> همراه ترجمه لاتینی آن بین سال‌های ۱۵۰۹ و ۱۵۴۲ در جمهوری ونیز (ایتالیا) منتشر گردیده است. نیز برای نخستین بار، یک ترجمه لاتینی نیز از مترجمی ناشناس در شهر پیرشیا<sup>۴</sup>، از شهرهای شمالی

1. <Rhasas contra Galenum. Die Galenkritik in den ersten zwanzig Büchern des Conteinens von Ibn ar-Razi>.

2. "Zahntherapie im al-Hawi des ar-Razi".

3. J. Sourdel Thomine.

4. Brescia.

ایتالیا در سال ۱۴۸۶ و نیز از سوی فرج بن سالم با عنوان *الحاوی للرازی*<sup>۱</sup> همراه ترجمه لاتینی آن در دو جلد، قطع سلطانی به نحو مکرر در اروپا، به چاپ رسیده است که نسخه‌های چاپی آن اکنون بسیار نادر و کمیاب است؛ ترجمه‌ها و گزیده‌های دیگر نیز از کتاب *الحاوی* صورت گرفته که فؤاد سزگین در پژوهش ارزشمند خود، تاریخ نگارش‌های عربی، به مواردی، اشاره کرده است. باید افزود در فهرست‌نگاری نخستین این کتابخانه، نسخه شماره <۸۱۴۳>، به اشتباه نسخه‌ای دیگر از کتاب *الحاوی فی الطب* تألیف رازی دانسته و در فهرست ثبت شده است که در واقع *الحاوی فی علم التداوی*، تألیف نجم‌الدین محمود بن الیاس شیرازی می‌باشد و بدین وسیله تصحیح و استدراک می‌گردد.

آغاز:<sup>۲</sup> افتاده >... [فی أمراض الأذن ... فی عسر السمع والصرم] ... بن ماسویه قال إن صبّ فی الأذن مع خلّ و کندر بدهن ورد ینفع من وجعها العارض من برد و رطوبة و دهن اللوز ... (۶ب) فی ما یحدث فی خلقة الأنف من التتن و عدم الشمّ و القروح ...>.

انجام: >... (۸ الف) من الأدوية المفردة من التاسعة ... ولا ینبعث منه شیء دفعة و یرکب معه وجع و حمی و یرکب تفقّق العروق من برد شدید و جداً من حمل عنیف و الدم الجاری منه عزیز کثیر و یحدث فی اکثر الأمرع ورم و التلخص منه عسر لانکاد ینجع؛ تمّ الجزء الثالث من کتاب *الحاوی فی الطب*، یتلوه فی الذی یلیه فی علاج انفتاح العروق و لله الحمد و النعمة و به التوفیق و العصمة حسبنا الله و نعم الوکیل <.

گزارش نسخه: نوع خط: نسخ، نام کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: نیمه دوم سده ۸هـ عناوین و نشانی‌ها: شنکرف و مشکی، نوع کاغذ: شرقی نخودی ضخیم (خان‌بالغ) آهار مهره، تعداد برگ: ۹۰گ، تعداد سطر: ۲۵-۲۷س، اندازه متن کتاب: ۱۳ × ۲۰/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۲۸ × ۱۹ سانتیمتر، نوع جلد: مشمعی (گالینگور) قهوه‌ای، با عطف تیماج مشکی.

ویژگی‌های نسخه: نسخه‌ای بسیار نفیس و عزیز الوجود از سده هشتم هجری است؛ نسخه در حاشیه تصحیح گردیده است و حاشیه نویسی اندکی نیز در برخی برگ‌ها دیده می‌شود. بخش‌هایی از عناوین ابواب و فصول جزئی کتاب، در برش نابجا در صحافی، در



1. Continens Rasis.

۲. آغاز اصل مجلد سوم از کتاب *الحاوی* بر پایه نسخ چاپی آن چنین است: >أمراض الأذن و جمود الدم فیہ و الطرش و الصمم و ثقل السمع ...>.

سال‌های دیرین از نسخه اقتاده است. آثار رطوبت دیدگی بر فراز برگ‌های نخستین و پایانی نسخه قابل مشاهده است ولی البته خوشبختانه آسیبی به متن نرسیده و خواناست. برخی برگ‌های نسخه آسیب دیده و ترمیم گردیده است. بر فراز برگ <۸۱ الف> تملکِ <محمد رضا> با مهر بیضی شکل <عبده محمد رضا ۱۲۵۵> دیده می‌شود.

منابع پژوهش: طهرانی، آقازیرگ، *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، ج ۶، صص ۲۳۵-۲۳۶؛ مشار، خانابا، *فهرست کتاب‌های چاپی عربی*، صص ۳۰۱-۳۰۲؛ نجم‌آبادی، محمود، *مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی*، صص ۹-۴۳ و ۳۰۰-۳۰۴؛ سرکیس، الیان، *معجم المطبوعات العربية والمعرّبة*، ج ۱، ص ۹۱۴، صالحیه، محمد عیسی، *المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع*، ج ۳، صص ۱۱-۱۲؛ بروکلمان، کارل، *تاریخ الأدب العربی*، القسم الثانی ۳-۴، صص ۶۸۳-۶۸۴؛ سزگین، فؤاد، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمد رضا رحیمی ریسه، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۳، صص ۳۷۹-۳۸۲؛  
Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums* (GAS), Vol. III, pp. 278-281; Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature* (GAL), Vol. I, pp. 268-269 & Vol. I (Supp.), pp. 418-419.

•••

شماره ردیف: <۲۹>

شماره نسخه: <۱۳۸۰۵/۲>

نام اثر: عروق مقصوده = رگ شناسی (رساله در...) = رگ زدن (رساله در...) = شناسایی

رگهای مضروب بدن

مترجم: ناشناخته

موضوع: پزشکی

زبان: فارسی

گزارش متن: رساله مختصری در شناسایی رگ‌ها و فصد (رگ زنی طَبّی) آن‌ها، مشتمل بر توصیف هفده رگ می‌باشد. نام رگ‌های هفده‌گانه عبارتند از: قیفال، باسلیق، اکحل، حبل الزارع، اسلیم، صافن، رگ زیر زانو، عرق النساء، عرق الجبهة، صدغ، ماقین، ارنبه، دواج، رگ زیر زبان، چهار رگ لب‌ها، رگ میان سر و رگ پس‌گوش. باید افزود در نسخه مورد گفتگو، مؤلف محمد بن زکریای رازی دانسته شده است که اگر صحت این انتساب را تأیید نماییم، ناگزیر

بایستی ترجمه فارسی باب چهارم رساله الفصد وی بوده باشد که از سوی مترجمی ناشناس از زبان عربی به فارسی برگردانده شده است. مرحوم نجم آبادی در کتاب مؤلفات رازی، اصل عربی این اثر (الفصد) را به تفصیل معرفی نموده است. ناگفته نماند که در نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، این اثر با عنوان عروق مقصوده از مترجمی ناشناس گزارش شده است. ناگفته نماند، در این نوشتار، ترجمه‌های آثار رازی، ذیل همان آثار معرفی نمودیم، اما از آنجا که از اصل این اثر (الفصد) نسخه‌ای در این کتابخانه تاکنون شناسایی نشده است، به جهت نفاست و اهمیت این اثر و نیز ختامه مسک، بر خلاف قاعده نوشتار حاضر، آن ترجمه را به نحو مستقل معرفی نمودیم!

آغاز: >بسمله، در شناسایی رگها مضروب بدن، چنین گوید محمد بن زکریای رازی: آنچه رگی که پیشتر باید زد و آنچه را که باید کمتر زد، چندین رگ است؛ اول: قیفال و جایگاه او بر میان بازوست...<.

انجام: >... هفدهم، رگ پس گوش است، گوش رانیک باید مالید، تارگ پدید آید و این هم کودکانرازند از بهر درد چشم و خارش سر نیک منفعت دارد.<.

گزارش نسخه: نوع خط: شکسته نستعلیق، نام کاتب: سید یحیی ابن حاجی میرزا علی - محمد لاریجانی ملقب به سید الحکماء، تاریخ کتابت: سال ۱۳۳۱ق، محل کتابت: [طهران]، عنوان ها و نشانی ها: مشکی، نوع کاغذ: فرنگی نخودی، تعداد برگ: ۲گ (۷ ب. ۸ الف)، تعداد سطر: ۱۶س، اندازه متن: ۸/۵×۱۵/۵ سانتیمتر، اندازه جلد: ۱۰/۵×۱۷ سانتیمتر، نوع جلد: میشن قهوه‌ای تیره، رقم کاتب: >در شب بیست [و] پنجم شهر صیام سنه اودئیل، حقیر سید یحیی ملقب بسید الحکماء ابن حاجی میرزا علی محمد اللاریجانی در ساعت هفت از شب تحریر نمودم و بیادگار نهادم و از ناظرین محترم .... فی سنة ۱۳۳۱هـ.<.

ویژگی های نسخه: این رساله در حاشیه تصحیح گردیده است. بعد از رساله حاضر (بین برگ های ۸ ب. ۹ الف) چند حدیث درباره رسول خارجی و باطنی، و تقسیم عقل به مطبوع و مسموع، يك فايده طبّی در اینکه اطّابای هند، فرس و روم متّفق القولند که امراض از ۶ خصلت نشأت می گیرد: >الأمراض يتولّد من ستّة أشياء: الأكل على الأكل، قلة النوم في الليل، كثرة النوم في النهار، حبس البول، كثرة...< به همراه چند فايده طبّی دیگر؛ نیز ایاتی از خیام نیشابوری و ابن عربی و همچنین ۲ بیت شعر در مدح <رضاخان پهلوی>، از کاتب، مربوط به



سال ۱۳۰۴ ش (سال تاج‌گذاری رضاخان) دیده می‌شود؛ ناگفته نماند که برخی از ابیات منسوب به خیام نیشابوری با قلم مداد نگاشته شده با امضای <فلاح‌زاده> که متأسفانه به تدریج رنگ آن (مداد) در حال از بین رفتن است و بایستی ضمن اقداماتی برای تثبیت آن، به نظر می‌رسد تهیه اسکن، نسخه دیجیتالی و میکروفیلم مفید باشد. این ابیات از کاتب نسخه (لاریجانی) است:

> دنیا نبود درد و بجز ناله و آه      عاقل نکند درین جهان منزلگاه  
آید روزی که دوستانش گویند      بیچاره فلان ببرد ایتا لله  
در شب نوزدهم ماه صیام ۱۳۳۰ هـ وقت سحر... در طهران بیادگاری تحریر نمود و از خواننده طلب مغفرت می‌خواهم؛  
آدمی را عقل باید در بدن      ورنه جان در کالبد دارد جماد.<

منابع پژوهش: دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۴ (مجلد ۳، بخش ۲)، صص ۷۸۷-۷۸۸؛ نجم‌آبادی، محمود، مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، صص ۱۴۴-۱۴۷؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۵۴۴، همو، فهرستواره کتابهای فارسی، ج ۵، ص ۳۴۸۷.

### منابع پژوهش

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱.
۲. اذکایی، پرویز، حکیم رازی ....، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲
۳. آرام، احمد، علم در اسلام، تهران، سروش، ۱۳۶۶.
۴. بجنوردی، کاظم (زیرنظر)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۲، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۵. -----، جلد ۹، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۶. بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، قسم الثانی، القاهرة، هیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۳.
۷. بیرشک، احمد (زیرنظر)، خلاصه زندگی نامه علمی دانشمندان، ترجمه صادق محبوبین، ویراستار فریبرز مجیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۷۴.
۸. حاجی خلیفه، کشف الظنون، جلد ۲، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۰.
۹. حداد عادل، غلامعلی (زیرنظر)، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۳، بنیاد دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۹.
۱۰. حسینی اشکوری، احمد، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، جلد ۹، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۰.
۱۱. -----، جلد ۲۱، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۲.
۱۲. دانش پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، جلد ۴ (مجلد ۳، بخش ۲)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، مدخل <رازی>، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه، ۱۳۳۴.
۱۴. سرکیس، الیان، معجم المطبوعات العربية والمعرّبة، جلد ۱، چاپ دوم، بیروت، دارصادر





(چاپ اول: مصر ۱۹۲۸).

۱۵. سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش های عربی، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی احمدرضا رحیمی ریس، جلد ۳: پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، دام پزشکی، چاپ دوم، تهران، موسسه نشر فهرستگان خانه کتاب ایران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۶. -----، جلد ۴: کیمیا، شیمی، گیاه شناسی، کشاورزی، چاپ دوم، تهران، موسسه نشر فهرستگان خانه کتاب ایران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۷. صالحیه، محمد عیسی، المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع، ج ۳، القاهرة، معهد المخطوطات العربیة، ۱۹۹۳.
۱۸. طهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، جلد ۱۸؛ چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، بدون تاریخ (چاپ اول: نجف ۱۹۶۷).
۱۹. -----، جلد ۲۰، تهران، کتابخانه اسلامیة؛ ۱۳۹۰هـ.
۲۰. -----، جلد ۳، النجف الاشرف، مطبعة الغری، ۱۳۵۷هـ.
۲۱. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، تبریزی، انتشارات خیام، ۱۳۷۴.
۲۲. مشار، خانابا، فهرست کتاب های چاپی عربی، تهران، چاپخانه رنگین، ۱۳۴۴.
۲۳. -----، فهرست کتاب های چاپی فارسی، ج ۱، تهران چاپخانه ارژنگ، ۱۳۵۰.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ نامه فارسی، چاپ نهم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۲۵. منزوی، احمد، فهرست نسخه های خطی فارسی، جلد ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه ای، ۱۳۴۸.
۲۶. -----، فهرستواره کتاب های فارسی، جلد ۵، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۷. نجم آبادی، محمود. محمد زکریای رازی، تهران، انتشارات دانشگاه رازی، ۱۳۵۵.
۲۸. -----، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۲۹. -----، مؤلفات و مصتفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، چاپ دوم؛ تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

30. Sezgin, F., *Geschichte des Arabischen Schrifttums (GAS):* Medizin, Pharmazie, Zoologie, Tierheilkunde bis ca. 430 H., , Bd. III, Leiden, E. J. Brill, 1970.
31. -----: Alchimie, Chemie, Botanik, Agrikultur bis ca. 430 H., Bd. IV, Leiden, E. J. Brill, 1970.
32. Brockelmann, C., *Geschichte der Arabischen Litterature (GAL)*, Vol. I, Leiden, E. J. Brill, 1937.
33. -----, Vol. I, Supp. Leiden, E. J. Brill, 1943.
34. <http://mehrnews.com>
35. <http://akairan.com>
36. <http://beytoote.com>
37. <http://articlefa.ir>
38. <http://research.ac.ir>
39. <http://www.yadeyar.ir>
40. <http://fa.wikipedia.org>
41. <http://research.ac.ir>



## شینیۀ در مدح و منقبت امام رضا علیه السلام

صاحب دیوان علی آبادی

به کوشش: زین العابدین درگاهی\*

در فصلنامه وزین «میراث شهاب» مقاله‌ای با عنوان «پیرتعلیم» (صد و ده استقبال از قصیده شینیۀ خاقانی) نوشته سید رضا باقریان موحد منتشر شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۷۷). نویسنده محترم پس از دو سال مقاله‌ای دیگر با عنوان «تکملۀ پیرتعلیم» در همان نشریه به چاپ رساند (باقریان موحد، ۱۳۹۲: ۲۴۶-۲۴۰)؛ چنان که از عنوان مقاله دوم پیداست، این مقاله ادامه بحث مقاله اول، البته به همراه یک شینیۀ کامل از شرعی شیرازی شاعر قرن یازدهم هجری است.

قصیده «مرآت الصفا»ی خاقانی (همان شینیۀ) بارذیف «ش»، حدود یکصد و ده بیت با مطلع زیر است:

مرادل پیرتعلیم است و من طفل زبان دانش

دم تسلیم سرعشرو سرزانو دبستانش

نویسنده خوش ذوق به کارطاعت فرسایی دست یازیده و شینیۀ‌های شاعران متأثر از خاقانی را استخراج کرده‌اند، گرچه به چند مورد شینیۀ‌های پیش از خاقانی هم اشاره کرده‌اند.

\* دانش‌آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی.

آن چه شگفت‌انگیز می‌نماید، تأثیر شینیۀ خاقانی بر شاعران پس از اوست. یافتن و گرد هم آوردن این سروده‌ها کم‌دردسر نیست، به‌ویژه سروده‌هایی که در نسخه‌های خطی (دیوان‌ها، تذکره‌ها و جنگ‌ها) موجود است و نیز دیوان‌هایی که به چاپ رسیده، اما پراکنده‌اند و گرد آوردن و دست‌یافتن بدان‌ها دشوار است. نکتهٔ بدیع مقاله در آن است که نویسنده با تفحص در نسخه‌های خطی و دیوان‌های منتشر شده، شینیۀ‌ها را شناسایی کرده و مطلع آن‌ها را آورده است. پیش‌تر استاد سیدضیاء‌الدین سجادی و دکتر حسن ذوالفقاری، چند تن از استقبال‌کنندگان این قصیده را معرفی کرده‌اند (باقریان موحد، ۱۳۹۰: ۷۸) در به سامان رساندن این پژوهش به‌جد به نویسنده باید دست‌مریزاد گفت.

در این یادداشت دو مطلب آمده است:

۱- چند نکته دربارهٔ مقاله «پیرتعلیم»

۲- نقل شینیۀ صاحب‌دیوان علی‌آبادی در منقبت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام.

۱- چند نکته دربارهٔ مقاله «پیرتعلیم»

۱-۱- پژوهشگر محترم در مقاله‌ای که تأثیر قصیدهٔ مرآت‌الصفای شاعر بلندآوازه، خاقانی شروانی، را مطرح کرده است، از خود شاعر و توانمندی‌هایش حتی به اختصار سخنی نگفته است. تولد، وفات و قرن زیست شاعر هم نیامده است. به نظر می‌رسد طرح توانمندی شاعر و جایگاه شاعرانهٔ خاقانی به شیوهٔ مختصر ضروری بود.

۱-۲- محور مقاله تأثیر قصیدهٔ خاقانی بر دیگر شاعران است که بر همان وزن و قافیه، قصیده یا سروده‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند، نویسندهٔ محترم به ذکر بیت مطلع اکتفا کرده، از قصیده و ویژگی‌های هنری آن سخنی نگفته است. به عبارت دیگر برجستگی‌های این قصیده مطرح نشده است تا جایگاه و ارزش آن به چشم بیاید و تأثیرشگرف یک قصیده نمایانده شود. معرفی این قصیده در مقاله ضروری می‌نماید، چرا که ذکر موضوع قصیده، تعداد بیت‌ها، هنرهای ادبی و... مقاله را غنی‌تر می‌کند.

۱-۳- نویسندهٔ محترم از ۱۱ شاعری که به استقبال قصیدهٔ شینیۀ خاقانی سروده‌ای ارائه کرده‌اند، نمونه آورده است (باقریان موحد، ۱۳۹۰: ۷۷)

اگر شینیۀ‌های سروده شدهٔ پیش از خاقانی را در شمار نیاوریم (شش مورد در مقالهٔ اول نقل شده است)، آن‌چه به استقبال خاقانی به بیان نویسندهٔ محترم نقل شده، ۹۲ مورد است؛ در



مقاله دوم که بعد از دو سال منتشر شده ۱۱ (یازده) شینیبه دیگر آمده است (باقریان موحد، ۱۳۹۲: ۲۴۲)، اگر این ۱۱ مورد را هم بر شمار آن بیفزاییم، ۱۰۳ مورد خواهد شد، نه ۱۱۰.

۴- شیوه ارجاع در متن مقاله (که پس از نقل نمونه‌ها آمده) مشوش است:

- ارجاع به کتاب: نقل سروده صرفی کشمیری از کتاب قند پارسی (باقریان موحد، ۱۳۹۰: ۸۷)؛ نقل سروده سید زمان الدین عدیم شعنائی از کتاب اشک حسرت (باقریان موحد، ۱۳۹۲: ۲۴۲).

- ارجاع به نسخه خطی: در ارجاع به نسخه‌های خطی آشفته ترمی نماید:

گاه ارجاع به نسخه خطی (دیوان) سراینده است.

گاه ارجاع فقط نسخه است، معلوم نیست این نسخه دیوان است یا جُنگ، مجموعه یا تذکره.

در ارجاع به نسخه‌های خطی اطلاعاتی درباره نسخه‌ها نیامده است، این که از کدام نسخه و موجود در کجاست (جز مقاله دوم سروده شرعی شیرازی). شگفت‌ترین که در مقاله دوم فقط «نسخه خطی» آمده است که در کتاب نامه هیچ نسخه خطی معرفی نشده است.

- گاه ارجاع نیامده است. مانند نقل سروده شاعری به نام قابل، ارجاع به ناشناس، نسخه خطی (باقریان موحد، ۱۳۹۰: ۹۷)؛ رحمت‌الله تائب بادغیسی (باقریان موحد، ۱۳۹۲: ۲۴۳).

- گاه نقل از «دست‌نوشته» شاعر است، معلوم نیست شاعر در قید حیات است یا نه، مقصود از دست‌نوشته نسخه خطی از شاعر است یا... مانند نقل سروده سید عادل حسین مشفق، نیز براتعلی فدایی هروی (۱۳۰۸ ش) (همان: ۲۴۳)؛ این تاریخ ۱۳۰۸ هم معلوم نیست تاریخ وفات است یا تولد.

۵-۱- در این گونه پژوهش‌ها به طور طبیعی بیت مطلع برای نمونه کافی است؛ اما پژوهشگر محترم، زیر سایه نام سراینده یا دل‌انگیزی سروده، بیش از یک بیت آورده است: از بیدل دهلوی پنج بیت، از وقار شیرازی چهار بیت، از داوری شیرازی چهار بیت و... بیت‌های نقل شده روشن نیست از یک قصیده است یا از چند قصیده، به عنوان نمونه چهار بیت وقار شیرازی؛ البته با توجه به قرینه و ارجاع از یک قصیده باید باشد. هم چنین است پنج بیت بیدل دهلوی. شگفت‌ترین که از دو شاعر به نام «گوهری هروی» و «فرخ» فقط یک مصرع آمده است (همان: ۹۷).

۱-۶- روشن نبودن برخی از منابع: در منابع مقاله، ۴۴ دیوان چاپ شده، چهار دیوان خطی ذکر شده و بقیه از تذکره‌ها و جنگ‌هاست؛ در حالی که در آغاز مقاله آمده است که نمونه‌ها از بیش از ۲۰۰ (دویست) دیوان چاپی و خطی نقل شده است. ممکن است نویسنده محترم ۲۰۰ دیوان را دیده باشد، اما استخراج نمونه‌ها به مراتب کمتر از این تعداد است. در مقاله دوم نمونه‌ها از پنج اثر منتشر شده و یک فصلنامه و یک نسخه خطی (دیوان شرعی موجود در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی) نقل شده است.

## ۲- شنبیه صاحب‌دیوان علی‌آبادی در منقبت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

میرزا محمد تقی صاحب‌دیوان علی‌آبادی (وفات ۱۲۵۶ هـ ق) شاعر، نویسنده و سیاستمدار مازندرانی عصر قاجار است؛ پدرش میرزا زکی مستوفی الممالک در علی‌آباد (قائم‌شهر) به دنیا آمد.

خاندان میرزا محمد تقی از بزرگان علی‌آباد بودند (قاجار، ۱۳۴۶: ۲/۶۴۹) و صاحب‌ملک (هدایت، ۱۳۸۳: ۲/۹۱۵). میرزا محمد تقی در دستگاه حکومت فتح‌علی شاه قاجار «ازرده همگان به مزید جاه و عزت برتر آمد» (همان)، چرا که «مردی فاضل و کارآزموده و صاحب‌قلم بود» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۱/۵۸) و بدین‌روی اعتماد شاه را به دست آورد و به مقام صاحب‌رسائل / صاحب‌دیوانی رسید. به بیان نویسنده روضه‌الصفاء «مجلس سلطانی را دبیر بی‌همال و به حکم محرمیت امین رسائل و امیر قبائل گشته» (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۴/۸۱۰). پیش‌تر مدتی وزارت میرزا عبداللّه را در زنجان و ولایت خمسه برعهده داشت. زمانی که میرزاخانلر بندی‌ای مازندرانی، منشی الممالک (دبیر رسائل) در بلائی و با چشم از جهان فروبست (۲۴ ربیع‌الاول ۱۲۴۵ ق)، میرزا محمد تقی صاحب‌دیوان علی‌آبادی جای او نشست (سپهر، ۱۳۹۰: ۱/۴۳۱؛ بامداد، ۱۳۷۱: ۲/۳۲۰). به نظر می‌رسد مدت چهار سال در این سمت بود (بامداد، ۱۳۷۱: ۳/۳۲۳).

سعید نفیسی صاحب‌دیوان علی‌آبادی را یکی از چهار شخصیت تأثیرگذار غیر نظامی در دستگاه فتح‌علی شاه قاجار معرفی می‌کند؛ این چهارتن عبارتند از: میرزا عیسی قائم‌مقام (میرزا بزرگ)، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی متخلص به ثنایی، میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله متخلص به نشاط و میرزا محمد تقی علی‌آبادی، صاحب‌دیوان (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱/۴۳۱).

آرین‌پور در بررسی ادبیات عصر قاجار، چهار نویسنده معروف آن دوره را معرفی می‌کند که



یکی از آن‌ها صاحب دیوان علی آبادی است. وی پس از شرح حال صاحب دیوان، آثار او را آورده است (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱/۷۵-۴۱). از صاحب دیوان علی آبادی رساله‌ای با عنوان «کلام الملوک» باقی است که به سبک منشیان آن روزگار با نثری پرتکلف است. نیز از وی دیوانی باقی مانده است که بیش از پنج هزار بیت دارد. نویسندهٔ ریحانه الادب قصاید و غزلیات او را شیوا توصیف کرده است (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳/۳۶۴) و بنا به نظر نگارندهٔ سفینه‌المحمود قصیده را به شیوهٔ متقدمان می‌سرود (قاجار، ۱۳۴۶: ۲/۶۴۹).

در دیوان صاحب دیوان علی آبادی قصیده‌ای است در مدح امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که به وزن و قافیۀ قصیدهٔ مرآت‌الصفای خاقانی است. مطلع این قصیدهٔ شبینیهٔ صاحب دیوان را جناب باقریان موحد در مقالهٔ اول آورده است (باقریان موحد، ۱۳۹۰: ۹۳). و البته نام شاعرا را تقی علی آبادی ذکر کرده است، در حالی که نام کامل وی میرزا محمد تقی علی آبادی معروف به صاحب دیوان علی آبادی است. اینک به یمن وجود حضرت ثامن الحجج علیه السلام در سرزمین ما و برکتی که از وجود آن امام همام علیه السلام نصیب همهٔ مردم به ویژه شیعیان مازندران می‌شود، این قصیده را تقدیم علاقه‌مندان به آستان آن حضرت می‌کنیم. این قصیده به نقل از نسخهٔ خطی، کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی است؛ بدیهی است با نسخه‌های دیگر به ویژه از جهت شمار بیت تفاوت‌هایی دارد.

یادآور می‌شوم از این دیوان نسخه‌های متعددی موجود است که به یاری خداوند در دست تصحیح دارم.

- ۱- قضا بس تیزچنگال است و سندان خای دندانش  
ندانم غیر تسلیم و رضا کس مرد میدانش
- ۲- قضا تیری است صیدافکن پلنگ آویز و شیراوژن  
ولی بر آهوی دشت رضا کند است دندانش
- ۳- قضا تیری است جوشن در اگر داوود جوشن‌گر  
همی با اسپر دست رضا موم است پیکانش
- ۴- قضا را پادشاهی داد یزدان بر همه گیتی  
چو سلطان گشت بر گیتی رضا را کرد سلطانش

- ۵- قضا را چاره نبود جز رضا از مصدر فرمان  
از آن در عرصه ملک قضا امضاست فرمانش
- ۶- رضا را حکم بر هفتم فلک باشد روان زیراک  
به هشتم پیشوای دین لقب فرمود یزدانش
- ۷- شه ملک رضا کارد قضا در چنبر طاعت  
به دیوانش سلیمان چون سلیمان را که دیوانش
- ۸- مه بطحازمین مشرق که شد از تربت پاکش  
خراسان مشرق خورشید و تا مغرب خراسانش
- ۹- ز آبا تا نبی دارای دنیا کرد دادارش  
ز ابنا تا به مهدی حافظ دین کرد دیانش
- ۱۰- نسبشان فاطمی گوهر حسبشان هاشمی معشر  
نیا فرخنده پیغمبر نیایش بر نیاکانش
- ۱۱- اگر آمد پدید<sup>۱</sup> از چارارکان گوهر آدم  
ز علم و حلم و جود و رحمت آمد چارارکانش
- ۱۲- ثنای فرشیان کی لایق است آن مرغ عرشی را  
رسد از عرشیان هر دم سلام از عرش رحمانش
- ۱۳- طفیل هستی او جمله هستی ها که در گیتی  
به پیغمبر چنین فرمود آن کآورد قرآنش
- ۱۴- ستایش خاص یزدان است و ذات او ستایش را  
از آن پس هر که را گو باش تهمت دان و هذیانش
- ۱۵- ز بطحازی خراسان ملک راند آن فرّیزدانی  
همی قدوسیان تسبیح خوان بر فرّیزدانش



- ۱۶- یکی نور خدایی بر خراسان تافت از بطحا  
چو ذره در بر خورشید بودی مهر رخشانش
- ۱۷- به ره جبریل چاووشش ملک در جیش مسعودش  
فلک در زیران خنگش مه نونعل یکرانش
- ۱۸- سعادت گوی چو گانش شریعت صید فتراکش  
تن من صید فتراکش سر من گوی چو گانش
- ۱۹- چو خاکی خواست او خنگش به دیده برد خورشیدش  
چو خاری رُست از راهش به جنت برد رضوانش
- ۲۰- زمعجزهای گوناگونش شگفتی بس پدید آمد  
به هر خاکی چو آب زندگی افتاد جولانش
- ۲۱- ز فیض لعل جان بخشا طیب زاده مریم  
چو نور رای مهر آرد نصیب پور عمرانش
- ۲۲- به شهر طوس تا آرام جا آمد ثنا باد (سنابادش؟)  
به فردوس برین کزویان از جان ثنا خوانش
- ۲۳- خرستان بود خارستان خراسان زان رمه حیوان  
که مأمون شان امام دین فرمان ران دیوانش
- ۲۴- زمین مقدم سلطان دین وز رای و روی او  
خرستانش دبستان گشت و خارستان گلستانش
- ۲۵- بود خفاش خصم آفتاب روشن از نورش  
از آن مأمون بی ایمان نبود امین ز ایمانش
- ۲۶- به نیرنگ و به افسون تا فریید مردم عامه  
که ننگ داستانش باد آن نیرنگ داستانش
- ۲۷- بیستش عهد و پیمان در شکست آن عهد و پیمان را  
هزاران لعن بر آئین و بر ایمان و پیمانانش

- ۲۸- ز شیطان یافت دستوری به زهرآلود انگوری  
که سرسبزی میناد از جهان تاک ورزستانش
- ۲۹- پرستارانه انگورش چشانند آن میهمان دشمن  
چنان چون میزبان مهربان در خورد مهمانش
- ۳۰- جهان را ایمنی برخاست<sup>۱</sup> آن ساعت که از مأمون  
رسیدش زهر جان فرسا که جانها فدیة جانش
- ۳۱- به خاک و خون غریب آسا فتان خیزان در آن مسکن  
چو لالستان شد از لخت جگر اطراف دامانش
- ۳۲- پزشکش قدرت یزدان سرشکش رحمت رحمان  
نه یاری گشت غم خوارش نه چشمی بود گریانش
- ۳۳- ندانم تا چه باشد حال در طوس آن غریبی را  
که بیمار است و در بطحازمین تیمار خوارانش<sup>۲</sup>
- ۳۴- ز حکمت های یزدانی است و ز اسرار پنهانی  
که کس راه ندادستند بر اسرار پنهانش
- ۳۵- وگرنه آن که صد مأمون به ایمایی پدید آرد  
چسان مأمون نامیمون به حیلت کرد حیرانش
- ۳۶- کسی کو جان بیخشااید چه زهره داشت زهری کو  
گزند آرد به جانش گر نبودی شوق جانانش
- ۳۷- مرا و را سود بود آن ظلم مأمون زیان کاره  
زیان کار زناکاره ببرد و برد خسرانش
- ۳۸- چه مأمون پیرو هامان و فرعون بود اندردین

۱. در متن: برخواست.

۲. در متن: خارانش.



- به سجّین اندرون باداقرین فرعون و هامانش  
۳۹- به ملک عاریت بر خود پسندید آن چنان شنعت  
که بروی جاودان افروخت یزدان صعب نیرانش  
۴۰- شنیدستم که مأمون را شمردند از مسلمانان  
مسلمان نیستم گر بر شمارم از مسلمانان  
۴۱- محمد خاتم پیغمبران بگذاشت در گیتی  
علی بایازده فرزند با احکام قرآنش  
۴۲- نه با مروانیان حکمش نه با عباسیان عهدش  
نه با بویکریان دینش نه با عمرنه عثمانش  
۴۳- کسی را گر خلاف افتد در این دعوی بگو تا من  
مسلم دارمش ایدون به صد آیات برهانش  
۴۴- به سرخ و زرد گیتی خویش کس دانستی آن ناکس  
که نشمردی کسان روزگار آن کس به سگ بانس  
۴۵- نیاید مردمی از سگ مبین بر طوق سیمینش  
ز خردانش طمع نبود گراز زربفت پالانش  
۴۶- فلک را روز و شب دیدم چه از خورشید و از ماهش  
جهان را سربه سر دیدم چه از سلطان و دربانس  
۴۷- به گاو و خرهمی آسایش دهقان و دهدارش  
به سیم و زرهمی آرامش خاتون<sup>۱</sup> و خاقانش  
۴۸- یکی مار است هر تارش مخر دیبای بازارش  
همه زهر است در خوانش مخور سگبای الوانش  
۴۹- تو ای سلطان دین ای پیشوای هشتمین بنگر

۱. در متن: خواتون.

- یکی بر درد پنهانم که پیدا نیست درمانش  
۵۰- سیه‌رویم سیه‌نامه چنان از نفس خودکامه  
که جز نسیان لطف تو نشوید هیچ بارانش  
۵۱- قلم بر کف نهادم تا نویسم شوق درگاهت  
ز سوز سینه گر آتش نیفتد در نیستانش  
۵۲- رخی خواهم به درگاهت چو مهر خاوری روشن  
اگر رخصت کند روح‌الامین یعنی که درمانش  
۵۳- سر فخر از نه ایوان بگذرانم گر شود روزی  
به دربان مدحتت خوانم نگارد اندر ایوانش  
۵۴- دلیل کعبه مقصود توفیقی است یزدانی  
به پای سعی ره نتوان برون برد از بیابانش  
۵۵- میاهی از تو دوران نی تو از دوران که از یوسف  
شرف زندان و چه را بود نی از چاه و زندانش  
۵۶- به زور دین همی بیخ و بن عباسیان برکن  
به جایشان یکی زال و تبار خویش بنشانش  
۵۷- غریبان را تویی مونس چو خاک تیره‌شان محبس  
غریب آن نیست کارند از حبش سوی صفاهانش  
۵۸- در آن غربت‌سرا خود حال چونستی غریبان را  
نه جمعی گرد بالینش نه شمعی در شبستانش  
۵۹- منم ایدون همان مسکین چو خاک تیره‌ام مسکن  
غریبی بی سروسامان نه سر باشد نه سامانش  
۶۰- به تخته برده از تختش به خاک افکنده از کاخش  
نه تخت و کاخ خود نبود ستوده جز ستودانش



- ۶۱- مرا خواندند باب و مام چون هم نام فرزندت  
از آن بر جانشان خوانم<sup>۲</sup> ز حق رضوان و غفرانش
- ۶۲- به نام نیک خرسندم ز فعل زشت در خجالت  
که من در بند شیطانم همی در بند شیطانم
- ۶۳- بدان نام گرمی خوانمت ای سید عالم  
که این بندی شیطان را ممان در بند و برهانش
- ۶۴- سخن را بس<sup>۳</sup> دراز آورده ام لیکن چه مدح تو  
نیارم تا به پایان عمر می نازم به پایانش
- ۶۵- بدین وزن و روی بسرود مدحت صاحب دیوان  
نه باک از پیر میگانی نه بیم از میر شروانش
- ۶۶- اگر توفیق تشریف قبول از حضرتت یابد  
رسد هر دم هزاران آفرین از این و از آتش
- ۶۷- شفاعت از تو خواهم زی حق از عصیان که ره جویم  
به جنت گرچه آدم راز جنت برد عصیانم
- ۶۸- همیشه تا بود لعنت سزای ظالمان از حق  
هزاران لعنت از حق باد بر مأمون و یارانش



۱. در متن: مر.

۲. در متن: خانم.

۳. در متن: سخن بس.



### کتاب نامه

- ۱- آراین پور، یحیی (۱۳۷۲)، از صباتانیم، ج ۱، چ ۴، تهران: زوار.
- ۲- باقریان موحد، سید رضا (۱۳۹۰)، «پیرتعلیم»، فصلنامه میراث شهاب، س ۱۷، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان، پی ۶۴-۶۳، ص ۱۰۲-۷۷.
- ۳- باقریان موحد، سید رضا (۱۳۹۲)، «تکلمة پیرتعلیم»، فصلنامه میراث شهاب، س ۱۹، ش ۴، زمستان، پی ۷۴، ص ۲۴۶-۲۴۰.
- ۴- بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح حال رجال ایران قرن های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، تهران: زوار.
- ۵- سپهر، محمدتقی لسان الملک (۱۳۹۰)، ناسخ التواریخ، ج ۱، به اهتمام جمشید کیان فرو، تهران: اساطیر.
- ۶- صاحب دیوان علی آبادی، دیوان، نسخه خطی، کتاب خانه مجلس شورای اسلامی.
- ۷- قاجار، میرزا محمود (۱۳۴۶)، سفینه المحمود، ج ۲، تصحیح خیام پور تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ش ۸.
- ۸- مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۶۹)، ریحانه الادب، ج ۳، تهران: خیام.
- ۹- نفیسی، سعید (۱۳۸۳)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، ج ۱، تهران: اساطیر.
- ۱۰- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۳)، مجمع الفصحا، ج ۲، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، روضه الصفای ناصری، ج ۱۴، تصحیح جمشید کیان فرو، چ ۲، تهران: اساطیر.



## قصیده‌ای از حیران یزدی در استقبال قصیده مرآت الصفای خاقانی

به کوشش: محمد ابراهیم خسرویگی

### مقدمه

#### زندگی حیران یزدی

ملا غلامرضا یزدی متخلص به «حیران» از شعرا و خوش‌نویسان سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم و از گویندگان دوره بازگشت ادبی است. بنا بر نوشته **تذکره میکده**، که درباره شعرای یزد در دوره قاجاریه نوشته شده است، وی فرزند ملا اسماعیل کفّاش است. حیران با توجه به استعداد فطری در کسب علم و دانش از پرداختن به شغل پدر خودداری کرده و به کسب علم و دانش در کسوت طلبگی پرداخت. تمام عمر خود را در مصلاّی صفدرخان یزد به سربرد و با ارباب علم و دانش و اصحاب آداب و رسوم، همنشین شد. وی با آنکه در سلک طلاب علوم دینی بود شب و روز با شعرا و طرفداران در رفت و آمد بود. او علاوه بر شاعری خط نسخ را نیکو می‌نوشت و زندگی خود را از طریق کتابت تأمین می‌کرد.<sup>۱</sup> «وی در دوره محمد ولی میرزا حاکم یزد می‌زیست و به مدح او می‌پرداخت.»<sup>۲</sup>

در خصوص تاریخ ولادت و وفات حیران تذکره‌ها و منابع موجود تاریخ قطعی‌ای را ذکر نکرده‌اند. در تعلیقات و توضیحات **تذکره میکده** ولادت او را حدود ۱۲۱۰ ق و وفات او را حدود

۱. وامق یزدی، محمد علی، تذکره میکده، به کوشش حسین مسرت، ص ۳۴۳.

۲. کاظمینی، میرزا محمد، دانشنامه مشاهیر یزد، ج ۱، ص ۴۸۵.

۱۲۹۰ قمری نوشته است.<sup>۱</sup> **تذکره شعرای یزد** ولادت او را حدود سال ۱۲۱۵ ق ذکر کرده،<sup>۲</sup> اما درباره وفات او چیزی بیان نکرده است. در کتاب **مفاخر یزد** نیز تولد حیران ۱۲۱۰ ذکر شده است.<sup>۳</sup> اما درباره فوت وی چیزی نیامده است. در **اثر آفرینان** آمده است که حیران در اواخر عهد جیحون (۱۳۱۸ ق) می زیست. هم چنین اثر آفرینان حیران را شاعر سده چهاردهم ق می داند.<sup>۴</sup>

در یادداشتی در کتابخانه وزیری یزد آمده است: «در حدود هزار و دوویست و ده ولادتش و با مرحوم طراز در اوایل عمر معاصر شده و تا حدود ۱۲۹۰ حیات داشته و معمّرین یزد بعضی نزد او تحصیل کرده و در حیات اند»<sup>۵</sup>

آنچه از تذکرها و منابع موجود در خصوص تاریخ ولادت حیران به دست می آید سال ولادت او حدود ۱۲۱۰ ق است و تاریخ فوت او هم دقیق مشخص نیست. اما با توجه به قطعه‌ای که حیران درباره‌ی ولادت فرزندش سروده است و اشاره‌ای که وی به نداشتن فرزند تا سنّ چهل سالگی دارد و ماده تاریخی که وی در تولّد فرزندش آورده که معادل عددی آن ۱۲۴۸ است اگر سنّ شاعر را هنگام تولّد فرزندش به طور تقریبی ۴۰ سال در نظر بگیریم، سال تولّد شاعر ۱۲۰۸ ق خواهد بود:

آفتاب عیش سرزد، صبح فیروزی دمید	آسمان شد مهربان و گشت میمون اخترم
از چهل عمرم گذشت و هیچ فرزندم نبود	تازه شد از تازه مولودی نهال خاطرم
گر چه از دختر پدر را خاک خواری بر سر	راضی‌ام از دور گردون آنچه آید بر سرم
مصطفی را جز یکی دختر پس از رحلت نماند	چون پسر خواهم، مگر من بهتر از پیغمبرم
همدمی گفتا که یزدانت چه داد از مرحمت	از پی تاریخ آن گفتم که «داده دخترم»

هم چنین با توجه به قطعه‌ای که حیران درباره مرگ شخصی به نام «ابراهیم قتیل» سروده و ابیتی که به عنوان ماده تاریخ مرگ آن مرحوم آورده، بیانگر این است که وی تا سال ۱۳۰۷ ق

۱. وامق یزدی، محمد علی، تذکره میکرده، به کوشش حسین مسرت، ص ۳۴۳.  
 ۲. فتوحی یزدی، عباس، تذکره شعرای یزد، ص ۹۱.  
 ۳. مدرسی، محمد کاظم، مفاخر ج ۲، ص ۸۷۲.  
 ۴. حاج سید جوادی، کمال، اثر آفرینان، ج ۲، ص ۳۲۰.  
 ۵. یادداشت در مجموعه خطّی وزیری یزد، نقل از تذکره میکرده، ص ۵۵۷.





در قید حیات بوده است.

حیف از ابراهیم آن نخل جوانی کو فتاد از پا از مرگ ناگهانی  
زد رقم بر لوح خاکش کلک حیران «باد جایش در بهشت جاودانی»

پس با استناد به دیوان حیران سال تولد وی ۱۲۰۸ ق بوده و او تا سال ۱۳۰۷ ق در قید حیات بوده است.

## ۱-۲- اشعار حیران

حیران در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرده است:

حیران که بر اقسام سخن قادر و قاهر در ذکر ثنای تو بود عاجز و مضطر

دیوان او شامل قصاید، غزل‌ها، مثنوی‌ها، قطعه‌ها، ترکیب بندها، ترجیع بند، مسمط، مرّیع و رباعی‌ها است.

حیران خود راثانی انوری و خاقانی می‌داند:

من که در فنّ نظم خوانندم ثانی انوری و خاقانی

وی اشعار خود را قصّه درد دل می‌داند:

سربه سر اشعار حیران قصّه‌ی درد دل است شاهد گفتار من اینک بین سیمای او

و شعر خود را نه شعر، بلکه سحر و ساحری می‌داند:

من نیام زایشان که از بد نامی این طایفه شاعری در کیش من بدتر بود از کافری  
و اینکه من در مدح تو آورده‌ام بیتی سه چهار آن نه شعر و شاعری دان، بلکه سحر و ساحری

حیران گفته‌های انوری را پیش نظم خود قاصر می‌داند:

روزگاری شد که لب از شاعری بر بسته‌ای گر چه قاصر پیش نظمت گفته‌های انوری

وی هدف از شاعری خود را گذاشتن یادگاری از خود می‌داند:

به پیری از آن طبعم به شعر و شاعری مایل که بعد از مرگ بگذارم حدیثی یادگار از خود

اشعار حیران را می‌توان به دو بخش اشعار مذهبی و اشعار متنوع دیگر تقسیم کرد.

اشعار مذهبی حیران عمدتاً در قالب قصیده و مثنوی سروده شده است، مضامین اشعار

مذهبی حیران در بردارنده‌ی مناقب و مدایح بزرگان دین خصوصاً حضرت علی (ع) و واقعه کربلاست.

اشعار دیگر حیران در بردارنده قصایدی در مدح و ستایش خوانین و امیران محلی و علمای همروزگار شاعر و غزل‌ها و مثنوی‌ها و قطعه‌ها و رباعی‌هایی در موضوعات متنوع است.

حیران در سرودن قصیده و غزل و مثنوی و سایر قالب‌های شعری مطابق سنت شعری شاعران دوره‌ی بازگشت ادبی به استقبال شعر شاعران سبک خراسانی و عراقی رفته و اشعاری در همان قالب‌ها و قافیه‌ها و ردیف‌هایی که شاعران سبک خراسانی سروده‌اند، به رشته نظم درآورده است که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

قصاید حیران که بخش قابل توجهی از اشعار او را در بر می‌گیرد عمدتاً قصاید مدحی است و اکثر قصاید با تغزل‌های زیبا شروع می‌شود و بیشتر قصاید، قصایدی کامل هستند یعنی همه ارکان قصیده را دارند. در برخی قصاید هم شاعر به تجدید مطلع پرداخته. تکرار قافیه در شعر حیران خصوصاً در قصاید زیاد به چشم می‌خورد و خود شاعر نیز به این امر اذعان دارد. غزل‌های حیران ساده و روان و به دور از پیچش‌های لفظی و معنوی است، وی در بیشتر غزل‌های خود از جور و ستم و بی‌وفایی معشوق و اینکه معشوق بی‌وفا غیر را بر او ترجیح می‌دهد، گله‌مند است ولی با همه این‌ها همواره آماده جان سپاری در پای معشوق جورکیش و غیر پرور است.

دیوان حیران یزدی بر اساس چهار نسخه خطی توسط نگارنده این مقاله، در قالب پایان‌نامه دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی با راهنمایی و مشاوره دکتر اصغر دادبه و دکتر عبد الرضا مدرس زاده در دانشگاه آزاد اسلامی کاشان تصحیح شده اما هنوز منتشر نشده است. قصیده زیر، یکی از قصاید این دیوان است که در استقبال از قصیده مرآت الصفای خاقانی (معروف به قصیده شینیه) سروده شده است.



در مدح امیرمؤمنان و سید متقیان  
علیه و علی آله صلوات الله الملك المنان

۱. جهان کاخی است بس دلکش ولی سست است بنیانش  
فنا و رخنه و نقض و خرابی چارارکانش  
نبندد مرد عاقل دل به چیزی کان بود فانی  
نخواهد شخص کامل آنچه ناچیزی است پایانش  
امل زالی بود جادو، منه خاطر به افسونش  
هوا دزدی بود رهن، مروازره به دستانش  
چونفس از عقل کامل شد، چه بیم از کید ابلیش  
چو دل راقرب حاصل شد، چه باک از مکر شیطانش  
۵. دل تو یوسف، او را بر فراز تخت جان بنشان  
چرا در تنگنای تن، کنی محبوس زندانش  
اگرزین دامگه رستی به جایی می رسی کانجا  
به چشمت در نمی آید بهشت و حور و غلمانش  
به اصل خویش ملحق شو، سراسر جان مطلق شو  
زوالی نیست آن جان را، که پیوندد به جانانش  
چو راحت نیست در گیتی، به تحصیلش چه می کوشی  
نخستین فکر سر می کن، پس آنگه فکر سامانش  
چه کام از زندگی آن را، که مرگش در کمین باشد  
نیرزد عیش تابستان، به آسیب زمستانش

۱۰. نپوشد آنکه شد دانا، به زیر حله‌ی زیبا  
تنی کاخر به زیر خاک باید کرد پنهانش  
به ملک و نعمت گیتی، نباید شخص شد غره  
که من برباد می بینم دلا تخت سلیمان  
بقای دارفانی را طلب کردن نمی شاید  
به خضراین فیض ارزانی، نخواهم آب حیوانش  
اگر آب بقا خواهی، بجواز خاک درگاهی  
که از جان صد چو اسکندر کشد منت ز دربان  
ولی خالق اکبر، امیرالمؤمنین حیدر  
که خوانده نفس پیغمبر، ز روی قدریزدانش  
۱۵. نه ذات واجب است اما زرتبت جای آن دارد  
که وهم پرده در داند، برون از حد امکانش  
نمی باشد خدا اما به آیین خداوندی  
سراسر کشور هستی، به زیر حکم و فرمانش  
ز نور شیعه‌ای از شیعیانش بود یک جلوه  
جمالی را که می کردی، طلب موسی بن عمران  
نیاید در حساب آفرینش فرد امکانی  
به دفتر خانه‌ی جان تا نگردد ثبت دیوانش  
نمی خوانند در دیوان محشر نامه‌ی اجری  
نباشد تا خط اجرای او طغرای عنوانش  
۲۰. به درگاه خداوندی نخواندی بنده گر خود را  
خدای خواندم او را من به حکم عقل و برهانش



به غیر از یک صفت کان خاص ذات بی شریک آمد  
به هر وصفی توان گفتن شریک حی سبحانش  
یدالله است و وجه الله و عین الله در باطن  
به ظاهر گرچه پندارد بشر از نوع انسانش  
کلام الله ناطق اوست چون یکسر کلام الله  
پی اظهار قدر و شأنش نازل گشته در شأنش  
غرض ز اسمای حسنی و مراد از علم الأسماء  
بود نام وی و اولاد ذی الاجلال و الشّأنش  
۲۵. بر امت دین و نعمت یافت اکمال و تمام آنکه  
که گردانید پیغمبر امیر اهل ایمانش  
اگر ابلیس را یک ذره از مهرش به جان باشد  
نمی پرسند در دیوان محشر نام عصیانش  
زند دست طلب هر کس به دامان ولای او  
به محشر مالک دوزخ نمی گیرد گریانش  
ز اخلاص آنکه زد بیتی رقم در دفتر مدحش  
دهد پاداش آن، بیتی به باغ خلد رضوانش  
مراد و مطلب حیران از این گستاخی آن باشد  
که در هنگامه ی محشر نبیند خصم حیرانش  
۳۰. اگر چه غرق عصیان است دارد چشم آن کایزد  
ز مهر ساقی کوثر بیخشد جام غفرانش  
الاتا در جهان باشد نشان از عشرت و شادی  
بود از هر غمی فارغ دل احباب و اعوانش

❦

## فهرست منابع

۱. آیتی، ع. تاریخ یزد، یزد، گلپار، ۱۳۷۱.
۲. افشار، ا. و دانش پژوه، م. فهرست کتابهای خطی کتابخانه‌ی ملی ملک، تهران.
۳. حائری، ع، فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (ج ۳)، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۵۳.
۴. حاج سید جوادی، ک. اثر آفرینان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.
۵. حیران یزدی، غ، دیوان اشعار، نسخه خطی کتابخانه مجلس، تهران.
۶. —، دیوان اشعار، نسخه خطی کتابخانه ملک، تهران.
۷. —، دیوان اشعار، نسخه خطی کتابخانه ملک، تهران.
۸. —، دیوان اشعار، نسخه خطی مرکز احیای میراث اسلامی، قم.
۹. شیروانی، م. فهرست نسخه‌های خطی، کتابخانه‌ی وزیر یزد، تهران، تابان، ۱۳۵۰.
۱۰. فتوحی یزدی، عباس، تذکره‌ی شعرای یزد، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۶۶.
۱۱. کاظمینی، م. دانشنامه مشاهیر یزد، (۳ جلد)، یزد، بنیاد ریحانه الرسول، ۱۳۸۲.
۱۲. مدرسی، م. و کاظمینی، م. مفاخر یزد (۲ جلد)، یزد، بنیاد ریحانه الرسول، ۱۳۸۲.
۱۳. وامق یزدی، م. تذکره می‌کده، به کوشش حسین مسرت، یزد، بنیاد ریحانه الرسول، ۱۳۸۱.



## سفرهای حجّ خاندان فیض کاشانی

براساس دو نسخه خطی ۸۴۴۶ و ۸۴۴۷

کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی رحمته الله

حسین واتقی

### مقدمه

به تازگی کوششی بایسته را در میان برخی پژوهشگران و فهرست نگاران مخطوطات مشاهده می کنیم. آن ها می خواهند با نگاه جدّی و دوباره به مجموعه ها، جنگ ها، منشآت، بیاض ها و سفینه ها، گمشده های خود را در آن ها بیابند. آنان نیز برای شناسایی نسخه های خطی ای که آغاز و پایان آن ها افتاده، و در فهرست ها از آن ها و مؤلفان آن ها ناشناخته یاد شده اهتمام می ورزند، زیرا بر این باورند که با اینگونه تلاش ها، حلقه های مفقوده بسیاری از پژوهش ها تکمیل، و به بسیاری از پرسشها پاسخ داده می شود. به راستی اگر اطلاعاتی که در اوّل و آخر نسخه ها درج شده در فهرست ها بیاید، و به هنگام معرفی مجموعه ها، با تأمل و حوصله، محتوای ریز و درشتشان فهرست شود، حتی از یک بیت شعر، یک تاریخ ولادت یا وفات، یک تاریخ سفر، یک کلمه لقب و ... سرسری عبور نشود چه حجمی از اطلاعات مفید برای پژوهش ها و پژوهشگران عرضه خواهد شد.

چند ماه پیش در سفر عمره، بایکی از پژوهشگران مکه معظمه دیداری داشتم. وی گفت: ما مجموعه های مکتبه مکه المکرّمه در مولد النبی صلی الله علیه و آله را یک بار دیگر فهرست کردیم وزیر چاپ است و افزود: در میان مجموعه ها نوادری پیدا می شود. یادآور می شود پیش تر مخطوطات آن مکتبه دو بار فهرست و چاپ شده، و اکنون در نوبت سوم نگاه جدّی به مجموعه ها شده است.

دو مجموعه به شماره‌های ۸۴۴۶ و ۸۴۴۷ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می‌شود که نوادگان خاندان علمی فیض کاشانی به این کتابخانه بزرگ اهدا کرده‌اند. در این دو نسخه خطی اطلاعات فراوانی درباره خاندان فیض کاشانی وجود دارد. نسخه ۸۴۴۶ متعلق به علم الهدی محمد فرزند فیض و بیشتر آن به خط وی، و نسخه ۸۴۴۷ متعلق به فرزند علم الهدی به نام محمد محسن متخلص به وفا بوده و بیشتر آن به خط وی است.

یادآوری می‌شود؛ بخشی از اطلاعات تاریخی مربوط به خاندان فیض که در نسخه ۸۴۴۷ آمده، از نسخه ۸۴۴۶ گرفته شده است، و یک تراجم نگار آگاه و صبور و علاقمند به تاریخ خاندان فیض و تاریخ کاشان باید به استخراج و تنظیم این مواد از دو مجموعه مذکور اهتمام ورزد، زیرا در هر یک منقولاتی آمده که باید گوینده آن‌ها را با دقت شناسایی کرد. مرحوم آیت الله مرعشی اطلاعات ذی‌قیمت خود را درباره خاندان فیض کاشانی که به عنوان مقدمه بر کتاب معادن الحکمه فی مکاتیب الائمه علیهم‌السلام نگاشته‌اند از دو نسخه مذکور گرفته و به آن تصریح کرده‌اند. سپس از نوشته آیت الله مرعشی، آگاهی‌های مربوط به خاندان فیض، به **طبقات** شیخ آقا بزرگ راه یافته است. پس می‌توان گفت: اطلاعات این دو نسخه درباره خاندان فیض دست اول و ارزش پژوهش جدی را دارد.

درباره سفرهای حج افرادی از این خاندان علمی در دو نسخه مذکور مطالبی آمده که آن‌ها را استخراج و به محضر خوانندگان گرامی تقدیم می‌دارم.

### ۱. سفر حج محمد محسن متخلص به (وفا) ابن علم الهدی ابن فیض کاشانی در

سال ۱۱۲۲.۱۱۲۳ هـ.

علم الهدی در مجموعه ۸۴۴۶، ص ۲۵ درباره او چنین گوید: میلاد ولدی الذی سمّیته محمداً ولقبته بلقب والدی [أی: محسن] وکنته أباطالب، يوم الأحد ۱۲ جمادی الثانیة لحجّة مائة وألف ۱۱۰۰. وقریب به همین مضمون را در صفحه ۹۴ نگاشته است.

محمد محسن وفا خود در مجموعه ۸۴۴۷ که تعلق به او داشته چند یادداشت به خط خود درباره حج خود نوشته است:





درص ۸۳ حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل کرده سپس نوشته: تمقت هذه الكلمات فى كورة اصفهان، حين وجهت وجهى شطريت الله الحرام، فى أواخر شهر الله الملك العلام شهر الصيام، من شهور حجة ثنتين وعشرين ومائه وألف ۱۱۲۲.

درص ۲۵۹ چند حدیث آورده و سپس چنین نوشته: رقت ما رقت فى هذه الصفحة بعضه فى بلده يقال لها بهبهان من بلاد الجبل، وبعضه فى بلده دورق، وبعضه فى بلده بصره فى محلّ يقال له مشراق، وذلك حين وجهت وجهى نحو بيت الله الحرام فى شهور سنة ۱۱۲۲ ثنتين وعشرين ومائه وألف من الهجرة النبوية صلى الله عليه وآله.

درص ۸۸ احادیث و اشعارى عربى و فارسى نگاشته و در پایان آن چنین نوشته: رقت ما رقت فى هذه الوريقة فى مواضع شتى من البادية، فى شهر ذى قعدة الحرام ۱۱۲۲.

درص ۲۶۰، اشعارى فارسى نوشته و در پایان چنین ذکر کرده: کتبتہ فى قریه عنزه من قری نجد فى شهر ذى القعدة الحرام ۱۱۲۲.

و نیز در همان صفحه، اشعارى از ملاً ظهورى نوشته و در پایان چنین آورده: سطرته فى موضع يقال له زریه من أماكن البادية، غرة شهر ذى الحجة الحرام ۱۱۲۲.

درص ۱۶۱، متنى ادبى فارسى با خط نستعلیق زیبا نوشته شده، و در آخر چنین نوشته: فى شهر محرم الحرام ۱۱۲۳، این سطور در منزل سید فخرالدین حسینی مکی در محله قراره در بلده طیه مکه معظمه رفته کلك گردید، والحمد لله اولاً و آخراً.

درص ۲۹۷ چنین نوشته: فى تاریخ بعض ما سنع لهذا العبد الذلیل: سفر خجسته اثر حج بيت الله الحرام و زیارة سید الأئام علیه وآله ألف الصلاة والسلام، در خدمت علیا جناب بلقیس ألقاب، والده ماجده معظمه، و جناب مغفرت مآب أخوی میرزا قوام الدین محمد. خروج از کاشان صبح روز شنبه ۲۲ شهر رمضان المبارک ۱۱۲۲ مطابق اول آذرماه. دخول اصفهان ۲۶ شهر مبارک. خروج از اصفهان ۲ شهر شوال. ورود شیراز یکشنبه ۱۴. خروج از شیراز ۱۸ شوال. ورود بلده بهبهان غرة شهر ذى القعدة الحرام ۱۱۲۲، توقف دو روز و ورود بلده بصره ۱۱. خروج از دراهمیه و دخول بیابان ۱۶ شهر مذکور. ورود منزل زریه و استهلال غرة ذى حجة ۱۱۲۲.

ورود وادی عقیق و احرام به عمره الاسلام عمرة المتمع بها إلى حجة الاسلام هفتم، و به علت مسدود شدن [راه] از جماعت بی عاقبت اعراب مطیرو آل ظفیر عمره تمتع میسر نشد، و روز نهم از ده نازنج عدول نیت به حج افراد شده، غروب آفتاب شب عید و قوف عرفات اتفاق افتاد، و اول صبح به مشعر الحرام آمده و قوف شده، متوجه مکه معظمه زادها الله شرفاً شده، افعال و مناسک حج به فعل آمده، عود به منی نمود، و بعد از طی مناسک وارد بلده [مکه] معظمه، و تا روز عاشورا در آن بلده مکرمه توقف، و در بعضی از آن ایام مناسک عمره الاسلام عمره مفرده بجا آورده، روز دهم شهر محرم الحرام ۱۱۲۳ داخل خانه کعبه شده، در حالت تب، و عصر آن روز متوجه مدینه طیبه شد.

۱۲ وارد وادی فاطمه شد. توقف در وادی به سبب مجادلات امیران حاج و شرفا بیست ۲۰ روز شد. ورود بلده طیبه ۲۰ شهر صفر در حالت بیماری فقیر و اخوی. خروج از مدینه ۱۰ شهر ربیع الأول. رحلت جناب اخوی میرزا محمد در حرم آن بلده مبارکه ۱۱ شهر مذکور. دخول بصره ۱۲ ربیع الثانی. خروج از بصره ۲۳. دخول دورق ۲۸. خروج ۲ جمادی الأول. دخول بلده بهبهان ۷. خروج ۹ (یک جمله نامفهوم). دخول اصفهان ۲۱. خروج ۲۷. دخول کاشان و ملاقات منسوبان و خویشان با حالت تب و لرز ۲ شهر جمادی الثانیه ۱۱۲۳ مطابق اول مرداد ماه.

## ۲. وفات قوام الدین محمد ابن علم الهدی ابن فیض کاشانی در راه حج سنه ۱۱۲۳ ق.

در صفحه ۲۵، از مجموعه ۸۴۴۶ علم الهدی چنین نوشته: میلاد ولدی محمد الملقب بقوام الدین المکتی بأبی الحسن بعد الظهر لیوم الأحد الرابع والعشرون من شهر محرم الحرام افتتاح حجة ثمان وثمانین وألف ۱۰۸۸، ۹ فروردین ماه جلالی.

همین مطالب در صفحه ۲۸۴ مجموعه ۸۴۴۷ نقل شده و افزوده: وتوفی فی طریق مکه بعد الحج و زیاره سید الأنام عَلَيْهِ السَّلَامُ قریباً من المدینه بجبل شمر ۲۲ شهر صفر سنه ۱۱۲۳.

یادآوری می شود که در پاراگراف پیشین محمد محسن وفا، مرگ برادرش را در سفر حج در ۱۱

ربیع الأول نوشته، که صحیح همین است، زیرا خود او حضور داشته، و حوادث روزانه را که نوشته مؤید این مطلب است.

### ۳. سفر حج معین الدین أحمد فرزند فیض کاشانی در سال ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴ هـ.

در صفحه ۴۵، از نسخه شماره (۸۴۴۶) به خط علم الهدی فرزند فیض چنین آمده: توجّه اخوی معین الدین أحمد در خدمت علیا جناب والده. عزّ بقاؤها. از کاشان به قصد حج بیت الله الحرام و زیارت سید انام از راه عتبات عالیات یوم الثلاثاء ۱۶ شعبان سنه ۱۰۸۳ موافق ۲۲ آذرماه سیچقان نئیل. دخول کاشان بعد از عود، یوم الأحد ۱۹ شهر جمادی الثانیه سنه ۱۰۸۴ موافق ۱۶ مهرماه اودئیل. یوم السبت ۱۸ شهر مزبور در قریه باریکرسف ملاقات ایشان اتفاق افتاد.

همین مطلب به نقل از همین نسخه، در نسخه شماره (۸۴۴۷) در صفحه ۲۷۶ نیز آمده است.

### ۴. سفر حج نصیر الدین سلیمان ابن علم الهدی ابن فیض کاشانی، در سال ۱۱۰۱-۱۱۰۲ هـ.

در صفحه ۴۰، از نسخه ۸۴۴۶ علم الهدی چنین نوشته: توجیه فرزند ارجمند نصیر الدین سلیمان به سوی بیت الله الحرام برای گزاردن حجّ الاسلام، از قریه قصریوم الثلاثاء ۱۹ شهر رمضان المبارك سنه إحدى ومائه وألف ۱۱۰۱، وفقه الله لإدراك المشاعر العظام و زیارة سید الأنام علیه وعلى عترته أفضل الصلاة والسلام، موافق ۱۰ تیرماه. ورود مکه زادهای الله شرفاً صباح یوم التروییه سنه ۱۱۰۱. وداع کعبه ۲۶ ذی الحجة. ورود مدینه طیبه ۲ شهر محرم الحرام سنه ۱۱۰۲. ورود کاشان بعد از قضای و طراز مناسک حجّ تمتع و زیارت خیر البشر و أمته بقیة صلی الله علیه وعلیهم ما اتصلت عین بنظر، وأذن بخبره یوم السبت ۱۹ ربیع الآخر سنه اثنتین ومائة وألف ۱۱۰۲، ۷ بهمن ماه.

همین مطلب به نقل از همین نسخه، در نسخه ۸۴۴۷، صفحه ۲۷۶ نیز آمده است.

## ۵. سفر حج علم الهدی محمد فرزند فیض کاشانی در سال ۱۰۶۶-۱۰۶۷ هـ. بنا بر یادداشت خودش.

در صفحه ۵۰، از نسخه ۸۴۴۶ علم الهدی چنین نوشته: خروج حقیر از اصفهان به قصد تهیه اسباب سفر خیر اثر حجاز، ۱۱ شهر رجب سنه ۱۰۶۶ ست وستین و ألف. دخول کاشان ۱۴ رجب. خروج از کاشان به قصر ۲ شهر شعبان. خروج از قصر ۴ شعبان. دخول اصفهان ۷ شعبان. خروج از اصفهان ۲۳ شهر شعبان. دخول قریه سمیرم و ورود اردوی معلّاً و تشرف به خدمت عالی جناب والا القاب والد بزرگوار، و مرخص شدن از خدمت نواب اشرف اقدس همایون اعلا ۲۹ شهر شعبان سنه مزبوره. خروج از سمیرم ۶ شهر رمضان سنه مزبوره. دخول بلده شیراز و رسیدن به خدمت خال عالی مقدار و سایر اقوام و الامقام ۱۴ شهر رمضان. خروج از شیراز مریضاً ۸ شوال. دخول بصره با شدت مرض ۲۸ شوال. خروج از بصره كذلك. ورود به درهمیه ۱۱ ذی القعدة، خروج از درهمیه و توجه به مقصود ۱۲ ذی القعدة. وصول به مقصد و اعمال عمره متمتع بها الی الحج بجا آوردن وقت الضحی من یوم الترویة سنه ۱۰۶۶. قصد اقامت در مکه بعد از نفر از منی و فراغ از مناسک آنجا ۱۴ ذی الحجة الحرام. خروج از مکه بعد از طواف وداع ۱۴ محرم الحرام سنه ۱۰۶۷. خروج از وادی فاطمه بعد از شش روز. وصول به وادی مدینه طیبه ۶ شهر صفر. دخول یثرب و تشرف به شرف زیارات یوم الجمعة ۷ صفر. خروج از مدینه و وداع آن عتبات ۱۵ شهر مزبور. دخول بصره بعد از عود ۲۱ ربیع المولود. خروج از بصره ۲۷ ربیع المولود. دخول ثانوی دورق ۲ ربیع الآخر. خروج از دورق ۶ ربیع الآخر. دخول ثانوی بهبهان ۱۱ ربیع الآخر. خروج از بهبهان ۱۵ ربیع الآخر. دخول اصفهان و ادراك خدمت دوستان یوم الأربعاء ۷ جمادی الأول سنه ۱۰۶۷.

و سپس مقدار مسافت بین شهرها از اصفهان تا مکه، و از مکه تا مدینه و سپس تا بهبهان را به حساب سیاق نوشته است. همه این مطالب مربوط به سفر حج علم الهدی و مقدار مسافت بین شهرها در نسخه ۸۴۴۷ نیز تکرار شده است.



## ۶. وفات برادر فیض کاشانی در راه بازگشت از حج.

در صفحه ۳۰، از مجموعه ۸۴۴۶ علم الهدی چنین نوشته: توقی عتی مرتضی بن مرتضی -  
قربه الله إليه تعالی. فی طریق مکّه عائداً، لیلۃ الجمعة منتصف جمادی الآخره سنة تسع  
وعشرين وألف ۱۰۲۹.

## ۷. وفات یونس ملقب به عزّ الدین، مکنّی به ابو القاسم، فرزند جمال الدین

اسحاق فرزند علم الهدی ابن فیض کاشانی در راه حج در سال ۱۱۵۴ هـ.

جمال الدین اسحاق فرزند علم الهدی ابن فیض کاشانی در صفحه ۹۶، از مجموعه ۸۴۴۶،  
ولادت فرزندش یونس، ملقب به عزّ الدین، مکنّی به ابو القاسم را در یوم الأحد ۹ شعبان  
سال ۱۱۰۸ در کاشان ذکر می کند.

در زیر یادداشت او، به خط دیگری، وفات ابو القاسم را در غرّه شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۵۴  
بعد از مراجعت از مکّه معظّمه و برهنه شدن در بیابان، و وفات او در محلّ رویصه محلّ قبیله عنزه  
[؟] ذکر می کند.

و در صفحه ۱۰۲ همین نسخه چنین آمده: به تاریخ سه شنبه بیستم شهریورماه جلالی  
همین نیل [؟] عالی حضرت جنت منزلت میرزا ابو القاسم از کاشان روانه دار السلام بغداد، و  
بعد از تشرف تقبیل عتبات عالیات عرش درجات امّہ انام علیها السلام، از طریق شام برای گزاردن  
حجّة الاسلام روانه حجاز، و بعد از شرفیابی تقبیل عتبه علیه خیر الأنام علیها السلام إلى یوم القیام  
وزیارت امّہ بقیع علیها السلام روانه مکّه معظّمه. زادهایا الله شرفاً وتعظیماً. و عصر روز ششم شهر ذی  
حجّة الحرام سنه ۱۱۵۳، وارد بقعه مبارکه، و بعد از توفیق یافتن ادای مناسک عمره و حج و  
توقف نمودن چهل روز در بقعه مزبوره، به اغوای شیاطین انس، از طریق منحوس لحسا  
مراجعت، و در بیست و نهم شهر صفر سنه ۱۱۵۴ غارت شده، مدّتی در بیابان متحمّل متاعب  
بی پایان گردیده، و در غرّه ربیع الثانی سنه مزبوره از دار فنا به دار بقا رحلت نموده، و در محلّ  
رویصه که مخیم قبیله عتبه بوده مدفون گردید. رحمة الله علیه و علی والديه.

## ۸. وفات ملا صدرا داماد فیض در سال ۱۰۴۵ هـ در راه حجّ دوّم در بصره و انتقال جنازه اش به نجف اشرف.

در صفحه ۲۰، از نسخه ۸۴۴۶ به خطّ علم الهدی چنین آمده: توقی جدی صدرالعرفاء المتألهین، بدرالحکماء المتبحرین محمد بن ابراهیم بن یحیی الشیرازی المدعوّ بصدرالدین. أنار الله برهانه المتین. بالبصره، وهو یرید الحجّ و زیاره سید المرسلین صلی الله علیه و آله و علی أهل بیته الطاهیرین سنه ۱۰۴۵.

و در صفحه ۲۸۳، از نسخه ۸۴۴۷ محمد محسن وفا پس از نقل مطالب بالا از پدرش علم الهدی، چنین افزوده: مرّه ثانیه [یعنی در حجّ دوّم] وحمل نعشه الشریف إلى النجف. زاده الله شرفاً. أقول: وسمعت من بعض أصحابه، ولعلی سمعت من أبی. قدّس الله روحه. أنه طاب ثراه مدفون فی الجانب الأیسر من الصحن المنور عند المرقد الطیب الشریف، علی مشرفه السلام. واثقی گوید: فی دایم در درس از حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی. شفاه الله تعالی وأبقاه. شنیدم یا در جای دیگری خواندم که حضرت آیت الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی. رحمه الله تعالی. افرادی را مأمور کردند تا به بصره بروند و قبر ملا صدرا را در بصره شناسایی کنند، و آنها رفتند و دست خالی برگشتند. معروف است که وی در سفر حجّ هفتم در بصره در سال ۱۰۵۰ وفات یافت. اما بنا بر یادداشت فوق:

(۱) وفات او در سال ۱۰۴۵ ق رخ داده، نه در سال ۱۰۵۰ که بر روی کتاب اسفار او چاپ شده است.

(۲) وفات در سفر دوّم حجّ بوده، نه در سفر حجّ هفتم، آنچنان که مشهور است.

(۳) انتقال جنازه وی از بصره به نجف اشرف، و دفن در قسمت دست چپ صحن مطهر علوی.



## وقایع قحطی ۱۲۸۸ ق در ساوه

میرزا سید احمد حسینی ساوجی (۱۳۰۴ ق)

بسم الله الرحمن الرحیم به کوشش: علی اکبر صفری

### مقدمه

«گفتم الهی، اگر قصه اندوهگینان بر تو بخوانم  
آسمان وزمین خون گریند» شیخ ابوالحسن خرقانی

یادداشتی گزیده تر و کامل تر از این یادداشت درباره قحطی سال ۱۲۸۸ نوشته نشده است: «در سنه هزار و دویست و هشتاد و هشت چنان گرانی شد که نون پنجاه و یک هزار دینار سفید بود و مردم همه مردند و چنان کم آبی شد که سه سال هیچ باران نیامد و برنج باری نه تومان شد و مردم گوشت میتة می خوردند و گوشت آدم هم خوردند و گوشت گربه خوردند، خلاصه بسیار مردم از گرسنگی مردند ۱۲۸۸»<sup>۱</sup>

قحطی و غلامانند دیگر بلاهای طبیعی چون زلزله یا سیل ... روی می دهد و آنچه در خورتوجه است واکنش افراد جامعه نسبت به آن است، حقیقت جوهر آدمی در این وقایع آشکار می شود و ارزشها و آرمانها واقعی در این نوع حوادث شناخته می شود. این تجربه مرگبار سرنوشتی برای مردم رقم زد که لحظه ای از آن را نمی توان تصور کرد. نه در قحطی که در هر

۱. این یادداشت در برگ پایانی نسخه زادالمعاد علامه مجلسی متعلق به کتابخانه مدرسه صدر خواجه به شماره ۵۷ (فهرست مدرسه صدر خواجه ص ۵۰) به کتابت ملازین العابدین بن ملاعلی ریزی قلمی شده است.

اتفاقی، دروازه های شهر بسته می شد و مردم در زندان بزرگ چاره ای جز تسلیم به مرگ نداشتند، اگر باز هم می بود کسی را از فرط گرسنگی و ضعف نای رفتن نبود. بازتاب این وقایع چنان بوده که بسیاری از نفوس مرگ تدریجی عزیزان خود را دیدند و خود نیز از گرسنگی مردند ولی پا از دایره اخلاق و انسانیت بیرون نهند. گزارش بسیار کمی نسبت به آمار قربانیان است که در آن قحطی زدگانی به دزدی و قتل و غارت دست زده اند. در آن روزگار عده ای گندم را به بهای جان آدمی فروختند.

آمار مرگ و میر در شهر بیشتر از روستا بوده است؛ در روستاها اندوخته غذایی چند ماه ذخیره می کردند و از سویی حبوباتی مانند جو، ارزن، سنگک،... برای تهیه نان مورد استفاده قرار می گرفت، در شهر اگر نانی پیدا می شد به نوشته حاجی سیاح محلاتی در آن خاک، خاکستر، کاه مخلوط می کردند.<sup>۱</sup> سیاحتنامه ابراهیم بیگ (چاپ اول ۱۳۱۲ ق) در این باره آورده است: بیچارگان یک روز کار می کردند و یک روز در پی تحصیل نان دکان به دکان می گشتند تا شام «بلکه بتوانند نیم من نان با پول خودشان به چنگ آورده، نفقه عیال کنند. در کمال فراخسالی و برکت آذوقه سال هاست که این قحطی نان بردوام و برقرار است. یک سال و دو سال نیست، بسیاری از اصحاب املاک که در خونخواری چالاک تر از تابعان چنگیز گندم را در هر جا انبار کرده، می پوسانند و بر هموطنان افتاده رحمی نمی کنند.<sup>۲</sup>

سید محمد علی مبارکه ای (۱۳۲۵ش) جملی از حال خونین دلان قحطی زده را چنین بازگفته است:

«...مع الوصف از این بشر قساوت قلبی دیده شد که می توان گفت هیچ حیوان درنده ای بدین قساوت و سخت دلی نباشد. ملاکین شهر و گندم داران این اوضاع پریشان را دیدند و روز به روز بر نرخ گندم افزودند، و گویا فرصتی به دست آورده بودند که خون بشر را مکیده در بدن در بدنهای خود ذخیره نمایند مرگ جوانان و ناله مادران و حسرت اطفال شیرخوار و پریشانی زنان و مردان سالخورده و خرابی خانه ها به دل ها اثری نبخشید. هرچه این گونه امور شدت کرد، نرخ گندم و جو و برنج و هرچه قابل خوردن بود همی افزودند و گویا فرصتی به دست آورده بودند که خون بشر را مکیده در بدنهای خود ذخیره نمایند. مرگ جوانان و ناله

۱. سفرنامه حاجی سیاح محلاتی، ص ۳۴ و ۴۸۲.

۲. سیاحتنامه ابراهیم بیگ (قاهره، ۱۳۱۲ ق)، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵.





مادران و حسرت اطفال شیرخوار و پریشانی زنان و مردان سالخورده و خرابی خانه ها به دل ها اثری نبخشید.

هرچه این گونه امور شدت کرد نرخ گندم و جو و برنج و هرچه قابل خوردن بود همی افزون شد. گندم خروار که پنجاه من به وزن شاه بود [به] قیمت چهارهزارریال رسید و باز هم مالکین انتظار قیمت بیش از این داشتند. و پس از آن که سال نو در رسید، آب زاینده رود و جویهای شهر از گندم پوسیده پر شد که برای فروش بیش از آن قیمت گذاردند و به خروار چهار هزار فروختند و هزاران از بشر بمردند و آن گندمها در انبارهای مالکین ماند و فروخته نشد و پوسیده نشد و در آب ریخته شد.... و من از همان سال فهمیدم که این جامعه در دینداری دروغ میگوید، و حقیقتی در میان آنها نیست، و اگر فرصتی به دست آورند و قدرتی پیدا کنند، عنکبوت صفت، فقرا را به مثابه مگس، رمق و جان و شیر حیات آنها را خواهند مکید.<sup>۱</sup>

این سرگذشت ها بهترین معلم انسان است. به گفته سقراط از آن جمله چیزهایی است که به طریق عادی نمی شود آموخت. تاریخ زندگی علما و طلاب دینی نیز در این وقایع شنیدنی است؛ خاطره ای از میرزا علی جان عطار (معین البکاء) در نیشابور به یادگار مانده که «... گمان کرد وظیفه دارد به عنوان روحانی از مردم دفاع کند. خیلی زود گرفتار سیاست شد. قحطی بود، گندم و مواد خوراکی بسیار کم پیدا می شد، همراه مردم به انبار محتکران وابسته به رژیم قاجار حمله کرد اما حکومت این کارش را نپسندید، شنیده شد که دستگیرش کردند و زندگی را بدرود گفته است...»<sup>۲</sup>

سرنوشت طلاب با فقر گره خورده بود و گویا تا کنون نیز تقدیر چنین رقم زده است البته برای طلاب ... برای ارائه نمونه فقر و تنگدستی باید از مرحوم میرزا لطفعلی خویی نجفی از شاگردان برجسته شیخ انصاری یاد کرد که شیخ به او اعتماد داشت در تصحیح رسائل از نظریاتش بهره می برد. به نوشته همشهری اش صدر الاسلام خویی وی به علت فقر و زهد هیچ گاه نتوانست ازدواج کند و در نهایت فقر از گرسنگی مرد و هیچ کس از مرگ او خبردار نشد<sup>۳</sup> و آن روزگار در نجف قحط سالی نبود ولی برخی طلاب مشق مردن می نوشتند.

۱. گزیده رجال و دانشوران اصفهان به ضمیمه شجره مبارکه یا سرگذشت خودنوشت سید محمد علی مبارکه ای (قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۳) ص ۳۱۲-۳۱۳

۲. گلستان سعدی با ترجمه ترکی، به اهتمام علی جان علی پور لائین (قم، سرزمین سبز، آئینه اندیشه، ۱۳۹۲) مقدمه ص «ح»

۳. مرآة الشرق، صدر الاسلام محمد امین خویی، تصحیح علی صدرائی خویی (قم، کتابخانه مرعشی نجفی،

سرنوشت علما و طلاب یادآور حکایت دو درویش خراسانی در باب سوم گلستان است که باهم در سیاحت بودند. یکی ضعیف بود و به هردو شب افطار می‌کرد و آن دیگر قوی که روزی سه بار غذا می‌خورد. آنها به تهمت جاسوسی در خانه‌ای حبس کردند و درش را به گل برآوردند. پس از دو هفته معلوم شد بی‌گناهند، قوی را دیدند مرده و ضعیف جان به سلامت برده است. حکیمی گفت: «آن یکی بسیار خوار بود طاقت بینوایی نیاورد و آن دیگر خویشتن دار بود و بر عادت خود صبر کرد».

متن زیرگوشه‌ای از زندگی عالمان دینی در روزگار قحطی را به تصویر کشیده است. این متن به قلم عالم بزرگ منطقه لرستان آیه الله سید احمد مظلوم (درگذشته ۱۳۳۴ ش) تحریر شده و پس از ذکر نمونه‌های عجیب از قحطی در منطقه جاپلق و ازنا نوشته است:

«... این چند فقره از محسوسات بود که مرقوم شد و امتحان شدیم و باید بدانند که آنچه مرقوم شده است، مقطوع است و کسانی که بوده‌اند و دیده‌اند عده ایشان به مراتب کشیده در هر بلده‌ای به حدّ توأتر می‌رسد و باید منتبّه بشویم.

ماها اگر منتبّه بشویم! که با این شدت غلاء و گرانی یک نفر از اهل علم مسموع نشد که از گرسنگی تلف شده باشد یا یک نفر از اهل تقوی از جوع بمیرد و اشخاصی که تلف شدند، غیر از این دو صنف بودند، غالباً؛

حتّی در آن گرانی دویست و هشتاد نیز نقل شد از عالم جلیلی و داعی از جناب ایشان شفاهاً شنیدم که فرمودند: در حدود ما، اشخاص متدین و اهل علم از گرسنگی تلف نشدند؛ فاعتبروا یا اولی الابصار»<sup>۱</sup>.

استاد جلال الدین همایی بزرگترین واقعه عبرت آمیز و جالب ترین واقعه زندگی خود را این گونه شرح داده است: «... در آن واقعه [مجماعه ۱۳۳۶] تمام طبقات خلق از عالم و جاهل، توانگر و درویش در بوته آزمون افتادند و هر چه در نهان داشتند بروز دادند. عجب است که در آن حادثه جمعی کثیر از مردمان از گرسنگی مردند ولیکن از جماعات طلاب با اینکه اکثرشان فقیر و بی بضاعت بودند احدی از گرسنگی نمرد این خود بزرگترین واقعه عبرت است»<sup>۲</sup>.



### زندگی نامه مؤلف

متن زیر برگرفته از جنگ عالم فقیه میرزا احمد حسینی ساوجی (درگذشته ۱۳۰۴ ق) است. زندگی نامه ایشان را اعتماد السلطنه در باب دهم؛ در تحریر اسماء علماء و فضلاء و ائمه دین کتاب **المآثر و الآثار** چنین نوشته است:

«حاج میرزا احمد ساوجی؛ از مشاهیر علما و مشایخ بود. خدمت استاد اعظم حاج ملا احمد نراقی؛ صاحب **مستند و مناہج** و غیرهما و رئیس مفخّم حاج میرزا مسیح مجتهد طهرانی تحصیل و تکمیل کرد و در سال یک هزار و سیصد و پنچ<sup>۱</sup> به رحمت ایزدی پیوست»<sup>۲</sup>

اعتماد السلطنه در **منتظم ناصری** نیز نام ایشان با عنوان «حاجی میرزا احمد مجتهد» در شمار رجال ساوه یاد کرده است.<sup>۳</sup>

منابع دیگر<sup>۴</sup> همه از این منبع نقل کرده اند. عجیب اینکه علامه تهرانی در طبقات اعلام الشیعه دوباره به معرفی این فقیه و دانشمند پرداخته است:

«السید المیرزا احمد الساجی (۱۳۰۵-۰۰۰)؛ هو السید المیرزا أحمد بن محتشم بن محمد صالح الحسینی الساجی عالم فقیه، کان من تلامیذ العلامة المولی أحمد نراقی و المیرزا مسیح الطهرانی و کان یلقب بشیخ المجتهدین کما فی (المآثر و الآثار) توقی (۱۳۰۵) و هو الجّد الامی للعلامة السید ابی محمد الساجی السابق ذکره<sup>۵</sup>»

«المیرزا احمد الساجی (۱۳۰۵-۰۰۰)؛ من مشاهیر علماء عصره و فقہائہ ذکره فی (المآثر و الآثار) ص ۱۳۶ مع التجلیل و الثناء الجزیل و ذکرانہ تلمذ علی العلامتین المولی احمد النراقی مؤلف (المستند) و المیرزا مسیح الطهرانی و توقی فی (۱۳۰۵) انتهى (أقول). هو أبوالزوجة العلامة السید ابوالحسن الساجی المذكور فی ص ۷۸ من هذا الكتاب كما حدّثنی به و رزق منها ولده

۱. تاریخ صحیح وفات او ماه ربیع الاول ۱۳۰۴ است چنانکه فرزند مؤلف در ذیل این نوشته ثبت کرده است.

۲. چهل سال تاریخ ایران در دوره ناصرالدین شاه؛ المآثر و الآثار، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار (تهران، اساطیر، ۱۳۷۴) ص ۲۲۰

۳. منتظم ناصری، اعتماد السلطنه، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی (تهران) ج ۲ ص ۱۳۰۰ و ج ۳ ص ۲۱۴۵

۴. اعیان الشیعه ۲: ۵۹۵، نقباء البشر ۱: ۱۱۶-۱۱۷ و ۱۱۶ ش ۲۶۱، گنجینه دانشمندان ج ۵ ص ۲۹۴

۵. نقباء البشر، آقابزرگ الطهرانی، (مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق) ج ۱ ص ۱۱۶-۱۱۷

الفاضل الجلیل الآقا میرزا علی الساجی المترجم فی (آئینه دانشوران) مع تصویره المشترک  
المقابل ص ۵۶»<sup>۱</sup>

حاج سیاح محلاتی در سفرنامه خود گزارش دیدار خود با ایشان را چنین نوشته است:  
«... چون در ساوه و اطراف بلکه در شهرهای دیگر زهد و صحت عمل علم و فضل جناب  
حاجی میرزا احمد سید جلیل القدر که عالم ساوه است، مشهور و دیدن چنین شخصی غنیمت  
است. منزل او را پرسیدم. در کنار شهر خانه متوسط گلی را نشان دادند. بدر خانه رسیده  
سیدی را دیده پرسیدم: آیا بحضور آقا می توان رسید؟ گفت: الان عرض میکنم. رفته برگشته  
مرا وارد عمارتی کرد که هنوز نا تمام بود و برد به اطاقی. دیدم فرش نمدی گسترانیده و تشک  
کرباسی روی آن هست. شخص پیر بلند قدی با ریش تنک. شبکلاهی در سر. پیراهنی و  
لباس کرباسی در برداشت. بعد از سلام نشستم و از هر طرف صحبت پیوستم. دیدم بسیار  
ضعف دارد.

پس پرسید: در جهان دینی مانند دین اسلام دیده ای که توپ توحیدش دلها را بشکافد؟  
گفتم: واقعا تقریر با ربی فرمودید. مقصود چه بود؟  
فرمود: بلی! کلمه لا اله الا الله.

گفتم: هرگز دینی این مقام توحید را ندارد لکن افسوس مسلمانان قدر اسلام را ندانسته  
اخوت اسلامی را مبدل به نفاق و اغراض کرده اند. عمل اسلام را ملل دیگر برده اند.  
گویا خونس بدوران آمده گفت: آه از دست زمامداران اسلام! آیا شما حاجی محمد ابراهیم  
را دیده بودید؟ فرمود: کلباسی؟

گفتم ستم مقتضی ملاقات او نبود: از همین اسم آن مرحوم سادگی می بارید. الفاظ آخوند  
و شیخ و ملا و آقا به خود نجسبانیده. تجارت میکرد. أبداً در اسلام ملایی و شیخی عنوان ندارد.  
عالم بودن امتیاز لقبی یا بدنی یا لباسی یا جلالی در اسلام ندارد. همه مسلمانان در اسلام  
برادر و برابر مقرر گردیده اند. همه باید عالم باشند بهر درجه که بتوانند. همه باید با دسترنج خود  
نان خورند. وقتی بآن مرحوم گفتند: آخوندی دزدی کرده فرمود: خیر! بگویند دزدی آخوند  
شده. مگر آخوند یا عابد یا زاهد یا مقربه خدا به لباس است؟ اگر لباس مخصوص نباشد،



قدرش در نزد خدا کمتر میشود؟ یا خدا او را اشتباه می کند؟ واضح است این امتیاز لباس برای مردم و هزاران مقاصد است که یکی در اسلام برای لباس مقرر نشده. لباس پیغمبر ﷺ امیرالمومنین و ابوبکر و عمرو و حسین و یزید و معاویه و سایر خلق یکی و همه متعارف زمان بود. باری دیوانیان ما را ضایع کردند. هرکس به میلشان رفتار نمود رواج داده آقا و نایب خدا و رسول ساختند. حکم او را حکم الله نامیدند. هر یک به میلشان اطاعت نکرد. منزوی کردند. اشرار دو طایفه دست بهم داده خوبان را ذلیل و بدان را عزیز کردند. دین ما را مایه دنیا گردانیدند. مردم بیچاره را فریب دادند. عوام هم قوه ممیزه ندارند. نیک و بد را تمیز نمی دهند بلکه مناط، احترام و رواج در نزد حکام را میدانند. نمیدانم اینان در حضور خدا و رسول ﷺ چه جواب خواهند داد؟ از صحبت او معلوم میشود که خیلی تعصب دین را دارد. پس فرمود: خشنودم از اینکه عمرم به آخر رسیده از دیدار این مردم منافق خلاص می شوم... پس از این مقامات حرارتی در وجود این سید محترم پیدا شده فرمود: «کسی هم اهل درد نیست» پس فرمود به پسرش که قدری میوه حاضر کردند، یک دانه انار با کمال امتنان برداشته اجازه مرخصی حاصل نمودم پسرش به مشایعت همراهی کرد تا به منزل آمدم»<sup>۱</sup>

مرحوم میرزا احمد ساوجی در این نوشته نسب خود را این گونه قلم زده است: «احمد شهاب الدین بن محتشم بن صالح بن محتشم بن مخدوم بن شریف بن لطیف الحسینی الساوجی». تاریخ ولادت خود را نیز نیمه ماه رجب ۱۲۱۷ نگاشته است. تاریخ وفات او که به قلم یکی از فرزندانش در ذیل این یادداشت تحریر شده ربیع الاول ۱۳۰۴ است. نکته دیگر اینکه صبیّه ایشان عذرا خانم متعلقه آیت الله سید اسماعیل حسینی ساوجی و صبیّه دیگر سکینه خاتون همسر عالم بزرگ ساوه میرزا مسیح ساوجی بوده اند و صبیّه دیگر که نویسنده نام برده در کودکی از دنیا رفته است.

میرزا احمد ساوجی منصب شیخ الاسلامی ساوه را به عهده داشته و پس از درگذشت ایشان این منصب به دامادش سید اسماعیل حسینی ساوجی منتقل شده است و نوادگان سید اسماعیل حسینی ساوجی به سادات شیخ الاسلامی و حسینی شهرت دارند. خاندان این فقیه اکنون با نامهای سادات سبط احمدی و سجادی و رضوانی و حسینی و شیخ الاسلامی

۱. سفرنامه حاج سیاح یا دوره مخوف و وحشت، محمد علی سیاح، به کوشش حمید سیاح (تهران، نشر ابن

در تهران و قم و ساوه و دیگر شهرها مشهور هستند. برخی از نوادگان عالم و فاضل ایشان در کتاب *آئینه دانشوران* با نامهای سید احمد و سید علی سجادی معرفی شده است.<sup>۱</sup> آرامگاه میرزا سید احمد حسینی ساوجی در قبرستان شیخان قم در کنار مزار محدث بزرگ شیعه و اصحاب امامان حضرت صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا علیهم السلام؛ زکریا بن ادريس اشعری قمی قرار دارد. لوح نوشته آرامگاه بدین شرح است:

«الناس موتی و أهل العلم أحياء، هذا مرقد الشريف و مضجع المنيف للسيد الجليل و الحبر النبيل، صاحب نفس الزكية و المقامات العلية و جامع العلوم العقلية و النقلية الحاج ميرزا احمد الساوجي قدس سره، تاريخ وفاته ربيع الأول سنة ۱۳۰۴ قمرية، تاريخ تجديد اللوح سؤال المكرم ۱۴۱۹ قمرية»

حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید حسن سبط احمدی (دامت توفیقاته) یکی از نوادگان ایشان - به درخواست نگارنده سطور مطلبی درباره جد بزرگوارشان مرقوم فرمودند، که بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«قال الله تبارك و تعالی: (أنا یحشی الله من عباده العلماء ان الله عزیز غفور)

حمد بی عدّ و ستایش بی حدّ شایسته و سزاوار ساحت قدس خالق بی شریک و بی معینی است که سراسر کائنات و عالم وجود را با اراده و مشیتش بیافرید و بهر چیزی در جای خود خاصیت و اثری بخشید، و تمام نعمتها و برکاتش را برای بندگانش قرارداد. چه خوش گفته شاعر «من نکردم خلق تا سودی برم - تا که من بر بندگان جودی کنم» سپس برای هدایت و راهنمایی بندگان و برقرار نمودن نظم و عدالت در میان آنان در این جهان سلسله جلیله انبیاء عظام و رسولان عالی مقام را فرستاد؛ این آیه شریفه در سوره مبارکه جمعه حاکی از این مطلب است «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته یتزکیمهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة»

آنان مبعوث شدند از طرف پروردگار آیات آسمانی و احکام الهی را برای آنان بخوانند و ایشان با عمل نمودن بآنها رستگار شوند و به سعادت ابدی برسند. و چون مشیت الهی و تقدیر ربّانی برای بندگان بر استمرار و ادامه نعمت هدایت بوده است

۱. آئینه دانشوران، سید علی رضا رحمان یزدی (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۲) ص ۳۷۴ و ۴۱۶

لذا بعد از تنفیذ اصل مسلم و سنت محکم، مات الناس حتی الانبیاء سلسله جلیله اوصیاء و جانشینان آنان در هر عصر و زمان، این بار سنگین هدایت بندگان را بر عهده گرفتند و به راستی که با همه مشکلات و آزار و اذیتها بوظائف شاقه خود عمل نمودند و فرمایش پرازش «ما اودی نبی مثل ما اودی» شاهد است.

تا در این صراط مستقیم و مسیر قویم نوبت قبول این مسولیت خطیر و رهبری کبیر به وجود مقدس و نازنین حضرت خاتم الوصیین و بقیه الماضین، ناموس دهر و امام عصر عجل الله فرجه الشریف رسید در چنین مقطع حساس زمان ذات مقدس پروردگار زمین و آسمان بنا بر مصلحت بندگان، لباس غیبت و نهان بر اندام شریف و مقدّسش پوشانید امید است که هر چه زودتر این چشمان رمده دیده محبان و شیعیان به نور جمال دل آرایش روشن و متورگردد. آمین رب العلمین.

اما چون بندگان مؤمن در این عصر و دوران غیبت کبری و شهر آشوب بلاد، دسترسی به وجود مقدّس حجت و امام زمان نداشتند، حق تعالی - جلّ و علا - بار مسولیت ارشاد و هدایت را بر دوش علماء راستین و متقین و عالمین به احکام دین نهاد و آنان را حجت و مرجع بندگان قرار داد تا به مرور زمان در قرن سیزدهم از هجرت خاتم رسولان صلی الله علیه و آله، عالمی با فضیلت و حقیقت و معنویت از خاندان پاکان و ازدودمان اشرف پیمبران بنام مرحوم حاج میرزا احمد ساوجی رحمته همچون خورشیدی درخشان در افق بلاد ساوه طلوع نمود و به نور افشانی و انجام وظائف دینی مشغول گردید.

آری؛ یک دهان خواهیم و پهنای فلک - تا کنم توصیف آن رشک ملک؛ این شخصیت والا و با معنی جامع کمالات علمی و معنوی و عرفانی و همچنین در علوم غریبه جفر و رمل و احضار استاد بوده اند، بعضی از قضایا و داستانهای جالب از آن بزرگوار در این راستا به ما رسیده، که نقل آنها موجب تطویل کلام است. چه خوش گفته «گنجایش بحر در سبو ممکن نیست» بعضی از ارباب تراجم مّطلع، نقل اجمالی از احوال آن بزرگوار نموده اند.

اینک این حقیر بنا به تقاضای بعضی از دوستان اهل معرفت یکی از قضایایی که حاکی از مقامات معنوی و روحانی آن مرحوم می باشد و لساناً به ما رسیده است، نقل می کنم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. در اواخر زمان حیات این عالم مجهول القدر مرحوم ناصرالدین شاه قاجار برای ملاقات و زیارت ایشان از تهران به ساوه می آیند، ظاهراً در فصل تابستان و هوا گرم بوده است. آن زمان در منزل مسکونی مرحوم حاج آقا دار و درخت زیادی وجود داشته،

پشه‌های مزاحم فراوانی به چشم می‌خورده و این دیدار هم در شب بوده است. بعد از مقداری جلوس و صحبت پادشاه ایران برای خدا حافظی به مرحوم حاج آقا عرض می‌کند: «امرو فرمایشی است؟» ایشان سر مبارک به زیر انداخته، جوابی نمی‌گویند. مرحوم ناصرالدین شاه برای بار دوم همان جمله را تکرار می‌کند، ولی جوابی نمی‌شنوند. خلاصه پس از مرتبه سوم، سر مبارک را بلند می‌کنند و در جواب ایشان چنین می‌فرمایند: «به این پشه‌ها امر می‌کنم که از این اطاق بیرون بروند». نقل شده همه آنها دست جمعی از اطاق و اطراف چراغ بیرون رفتند. لا یخفی لطف هذه الجواب لالولی الالباب. آری در حدیث آمده که حق تعالی جل جلاله فرموده: «عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی»

در خاتمه این جمله با جرأت و اعتقاد کامل می‌گویم؛ این کلمات و مقالات هرچه بیشتر و مفصل‌تر باشد، ابد تاثیر در مقامات و حقیقت ایشان نمی‌کند. عاش سعیدا و مات سعیدا. ضمیمه ترجمه حالات: لازم به تذکر است که این فرزند یعنی (مرحوم مغفور سید ابوالحسن اعلی الله مقامه) أعلم و اتقی و ازهد فرزندان پدرشان بوده است و به تعبیر و گفته یکی از معتمَرین آقایان اهل منبر در ساوه، که ایشان را در زمان حیاتشان درک کرده بوده است، می‌فرمود: مرحوم آقا سید ابوالحسن - قدس سره - در زهد و تقوا و پاکی نفس بمنزله عیسی عصر و زمان خودش می‌بود. چه بجاست تحریر و نقل این داستان جالب که حاکی از قداست نفس و طهارت باطنی و محبوبیت خاص ایشان در نزد پدر بزرگوارشان دارد. به مناسبت احوال و ترجمه والد معظمشان نقل کنم تا ختامه مسک باشد.

خلاصه داستان این مرحوم مغفور به خاطر همان جنبه‌های علمی و معنوی داشتند قهرا مورد علاقه و توجه خاص والد معظم و مکرمشان بودند تا این که ایشان بعد از خود وصی شرعی خویش قرار داده بود، با اینکه فرزندان دیگر از ایشان بزرگتر بودند لذا این عمل و انتخاب برای آنان سنگین تلقی شده بود و باطننا ناراحت بودند، ولی جرأت اظهار و ابراز نداشتند. پدر بزرگوار عالی قدر به فراست و دید باطنی دریافت و مطلع شد. ناچار برای حل این معمّا روزی ایشان را - یعنی همین فرزند محبوب و مورد نظر - به بهانه ای برای انجام کاری را به باغات و املاک مفصلی که در اطراف شهر ساوه داشتند، فرستادند، سپس همان روز بقیه فرزندان را احضار نمودند، در نزد خویش و مطالبی این مضامین فرمودند: من این فرزند عزیزم، بردار شما را که ستا کوچکتر از همه است، قلباً بیشتر از همه دوست دارم. اکنون احساس



می‌کم که این عمل برای شما سنگین و باعث ناراحتی باطنی شده است، ولی علت و وجهی دارد؛ می‌گویم برایتان تا بدانید. همه سراپا گوش شدند: «فرزندان عزیزم. من در طالع ایشان دیده‌ام که زودتر از همه شما از دنیا می‌رود، لذا به خاطر این، می‌خواهم محبت و علاقه قلبی خویش را به ایشان اظهار و ابراز کنم تا باعث تشقی قلبم گردد. خاطر جمع و مطمئن باشید» لذا همه فرزندان و برادران بعد از شنیدن این مطلب و خبر پنهان از لسان پدر بزرگوارشان، نسبت به برادر خویش فوق العاده احترام و تکریم می‌نمودند. «آری درسی نبود هر آنچه در سینه بود».

رحمهم الله تعالی أجمعین.

ناگفته نماند که دو بزرگوار - پدر و پسر - قبر شریف و مضع منیفشان در قبرستان شیخان قم - صاهنا الله عن التصادم - می‌باشد. در کنار قبور و مزار محدثین شیعه و اصحاب بزرگ امامان معصوم یعنی حضرات امامان صادق و آقا موسی بن جعفر و حضرت علی بن موسی الرضا صلوات علیهم اجمعین قرار دارد. حشرهم الله جمیعا مع أولیاء المقربین أئمتنا المعصومین وألحقتنا بهم. نویسنده این کلمات حسن ابن عباس ابن عماد ابن ابوالحسن ابن احمد الحسینی الساوجی»

ایشان کتابخانه موقوفه ارزشمندی در شهر ساوه داشته که خوشبختانه با تلاش و حفاظت نوادگان ایشان از گزند حوادث محفوظ مانده و در بهار امسال از سوی استاد ارجمند حوزه علمیه قم حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن سبط احمدی (یکی از نوادگان ایشان) به کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله علیه قم واگذار شد. این مجموعه شامل ۹۳ جلد کتاب چاپی و ۷۳ نسخه خطی است که پس از تفکیک مجموعه‌های خطی جمعا بالغ بر ۹۲ عنوان نسخه خطی می‌شود. کلیه کتابها به عنوان وقف در دفتر کل کتابخانه از شماره ۱۰۴۵۸۷ تا شماره ۱۰۴۷۵۳ ثبت و ضبط شده است. این سند نیز برگرفته از جنگ خطی ایشان به شماره ۱۱۶-۴۰ است و به لطف و بزرگواری و اشراف استاد عزیز جناب عربزاده (دامت توفیقاته) در اختیار نگارنده سطور قرار گرفت.

تالیفات سید احمد ساوجی :

(۱) حاشیه بر کتاب نقد الرجال : مصطفی بن حسین حسینی تفرشی (قرن ۱۱) نویسنده بر این معجم رجالی که راویان شیعه را به ترتیب حروف الفبائی اول اسماء آنها جمع آوری نموده، حاشیه زده است نسخه منحصر به فرد این اثر که به قلم مولف تحریر شده، در کتابخانه

آیت الله العظمی گلپایگانی نگهداری می شود.

۲) شرح الفیه شهید اول؛ نویسنده این اثر را که حاوی هزارمساله از نماز است، شرح داده است. نسخه منحصر به فرد این اثر جزء مجموعه شماره ۱۱۶/۴۰ در کتابخانه آیت الله گلپایگانی نگهداری می شود. این شرح با عنوان قوله - قوله تالیف شده در آن مقدمه و سه فصل الفیه شهید شرح داده شده و بخش خاتمه در این نسخه موجود نیست. این شرح به قلم نویسنده به نسخ تحریری کتابت شده و در حواشی دارای تصحیح و افزوده‌هایی از مؤلف است.

آغاز این اثر چنین است: «قوله وهی مرتبة علی مقدمة و فصول ثلاثة و خاتمة اما المقدمة ففی تعریف الصلوة و تقسیمها و ذکر من الصلوة علیه اما الفصول الثلاثة فالفصل الاول فی المقدمات و الثانی فی المقارنات و الثالث فی المنافیات اما الخاتمة ففی خلل الواقع فی الصلوة الیومیة و ذکر خصوصیات باقی الصلوة المفروضة ...»

۳) جنگ، خطی شامل مطالب علمی و اشعار و از جمله سروده های ایشان و شرح مسافرتها و زندگی نامه و همچنین صورت مباحثه ای که در شیراز با یکی از زنان دانشمندان آن شهر انجام داده به قلم خودشان موجود است. این جنگ در نزد نوادگان نویسنده نگهداری می شود.

۴) جنگ شامل احادیث، تاریخ موالید، فوائد تاریخی، تاریخ اهل بیت علیهم السلام و خلفای بنی عباس و بنی امیه، تاریخ دانشمندان شیعه قرن هفتم، فهرست کتابخانه خصوصی مؤلف، فواید طبی، منتخبات کشکول شیخ بهایی، تاریخ قحطی ۱۲۸۸ق، شرح الفیه شهید اول، تلخیص المفتاح خطیب قزوینی و .. این اثر به شماره ۱۱۶/۴۰ در کتابخانه آیت الله گلپایگانی ثبت شده است.

۵) لبّ لباب؛ این اثر در چهار مجلد تدوین شده است. مؤلف در سال ۱۲۸۳ به نگارش جلد دوم اشتغال داشته است. قسمت هایی از این کتاب بویژه جلد یک و دو در مجموعه پیش گفته آمده است. مؤلف در شرح این کتاب در جنگ چنین نوشته است: «... چون در ازمنه سالفه تاریخی مختصر مسمی لبّ لباب در احوال سلاطین عجم پادشاهان یزدجرد و خلافت عمر بن الخطاب نوشته بودم در این ایام که سنه ۱۲۸۳ است مصمّم آنم که مجلد دوم را در شرح احوال انبیاء و اولیاء و و مجلد سیم را از سال اول هجری تا سنه تناثر نجوم که سنه سیصد و بیست و نه و انقطاع سفرای حضرت خاتم الاولیاء سلام الله علیه و اول غیبت کبری

آن حضرت است، نگاشته شود و مجلد چهارم در احوال سلاطین و علماء و اکابر که در غیبت کبری تا حال تحریر به عرصه وجود آمده و رفته اند، قلمی دارم لهذا برخی از احوال سنه تناثر نجوم و بعدها که در نظر است ملاحظه می شود بجهت تذکره در این اوراق ثبت می نمایم تا در وقت ضرورت از خاطر محو نشود...»

(۶) رساله ای در تجوید که برای فرزندشان میرزا داوود نوشته است.



### [متن وقایع قحطی سال ۱۲۸۸ ق]

قال الله تعالی: «و لنبلوکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانسف و الثمرات و بشر الصابرين» (سوره بقره آیه ۱۵۵)

اللهم اغفر لنا ذنوبنا الّتی تنزل البلاء ماه دویم است، از سال سیّم غلای عام بلاد روم و ایران و قحط خاصّه عراق عجم. سرقت چنان شایع شده که بجهت دو من نان جو جوانی را کشتند و اکل میته به نحوی متداول گردیده که از لحوم سگ و گریه کراهت نداشتند. در یکی از قراء چند نفر طفلی را در تنور افروخته افکنده، سدّ رمق خود نمودند.

دیروز که پنجشنبه شانزدهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۸ بود در بلده ساوه مردی را گرفتند که زنی را کشته و تمام او را بجز کله و سر و دو دست خورده بود به هجوم عام آن نامرد را به دیار عدم فرستادند.

در اصل بلده در چهار ماه تقریباً زیاده از چهار هزار نفس از گرسنگی مردند و بسیاری را در شوارع سباع خوردند. تسعیر ماکولات اگر پیدا می شد، بدین تفصیل رسید.

نرخ ماکولات، یک من، هشت عباسی.

گندم؛ دو قران و هفت شاهی

جو؛ دو قران و صتاّر [صد دینار]

نخود؛ سه قران

لوییا؛ سه قران

ماش؛ سه قران

برنج؛ شش هزار و ده شاهی

گوشت؛ سه قران

روغن؛ هشت قران

کشمش؛ دو قران و ده شاهی

شیره؛ چهار قران و ده شاهی

شیر و ماست؛ سه قران

قند؛ یک تومان

سایر چیزها را قیاس کنند. اشیاء غیر مأکوله نیز آنچه ضرورت داشت، تابع خوردنی شد در

تسعیر.

تنباکو؛ یک تومان

صابون؛ چهار قران

روغن چراغ؛ چهار قران

پنبه دانه؛ نه صتار صد دینار]

کرچک؛ سه قران

همیشه، بوته در زمستان؛ باری دو قران و ده شاهی

زغال سرسندی؛ ده شاهی

تنباکوی کاشی را اول تابستان هر سیری دوازده هزار فروختند.

چیزی که ارزان بود، متاع دین و ایمان و آنچه فقرا از باب ضرورت می فروختند:

مسینه آلات؛ چهار قران

فرش پشمینه؛ سی شاهی

رخوت بی مروّت مشتری.

در زمستان، دوازده برف و زیاده در شهر بارید. کوهسار و بیلاقات از شمار خارج شد، باغات

را سرما برد. اینک که اردیبهشت است، بریده همیشه آن قابل کرایه و نقل نیست. نعوذ بالله من

غضب الجبّان. حررها احمد الحسینی.

روز هفتاد و دوم بهار سیلی آمد که جمیع زراعات را از شتوی و صیفی فرو کوفت و بسیاری را

فاسد کرد. تا بعد چه شود؟ ما شاء الله کان در جمیع ایام بهار به خصوص ماه سیم انواع امراض

در کمال عموم و اشتداد بود؛ خاصّه حسبه و سرسام و استسقاء و مطبّقه و محرّقه و حتّاق و درد



گوش، زعاف، پنداری عدد علل و اسقام از عدد بقية السلف اهل قحط فزون آمده [است]. لهذا هر مریض را چند مرض قسمت رسید؛ خانه ای که یک و دو ناخوش باشد، بسیار کم و خانه ای که تمام مبتلا باشند؛ بسیار زیاد است. دیروز که نود و چهارم بهار بود، جوانی در علالی خوشه میچید. نعاس و پینکی او را عارض شد. سربه زمین نهاد که لحظه ای بخوابد تارفع کسالت شود. دیگر توفیق بر خواستن نیافت. هنیئاً له.

مست می بیدار گردد نیم روز<sup>۱</sup>      مست ساقی روز محشر بامداد

نعش او را تا به شهر رسانیدند، جمیع گوشت بدن او پخته شده سرش را گرفتند، از سه جا شق شده بود. در هر حال شکر آن دارم که مبادا ازین بتر گردد. اهل شهر با کمال امساک یخ را به جهت مرض، من تبریزی ده شاهی و زرد آلو را سه عباسی می خرنند. مثل سائر در نزد عوام است که «سالی که نکوست، از بهارش پیداست».

امسال، تحویل شمس به حمل ساعت چهارم روز عاشورا بود تا امروز که اول سرطان است، حالت خلق را شمه ای دانستی.

«چون بگذرد خزان که بهارم چنان گذشت».

رضاً بقضاء الله و تسليماً لامره.

قلم به آمدنی رفت، اگر رضا به قضا دهی و گرندهی، بودنی بخواهد بود. شرمه ای از حوادث بیست و هفت ماه گذشته را درین اوراق به یادگار نگاشتم و به جهت تنبیه آیندگان به یادگار گذاشتم. فاعتبروا یا اولی الأبصار.

حرره العبد الجانی احمد شهاب الدین بن محتشم بن صالح بن محتشم بن مخدوم بن شریف بن لطیف الحسینی الساوجی.

تولد احقر عباد منتصف شهر رجب المرجب سنه ۱۲۱۷ هزار و دو بیست و هفده هجری است. و حال تحریر منتصف شهر ربیع الآخر سنه هزار و دو بیست و هشتاد و نه است. هفتاد و دو سال تقریباً از سنین عمرم گذشته. باز همان احمد پارینه ام و غافل دیرینه ام.

أستغفر الله ربی و أتوب الیه، در مدت سی و هفت سال مشغول کسب کمالات ظاهری و باطنی و سیاحت بلاد عراق و فارس و خراسان و دارالمرزو و آذربایجان و دریای عمان و بعضی از بلاد ین و حجاز و غیرهما از بلاد روم بودم. بعد التیاء و التی و التی در تاریخ یوم اثنین، ثانی من شهر

۱. شعرا سعدی و دراصل «نیم شب» است

ربیع الثانی سنه ۱۲۵۴ بند گران تزویج بر پای نفس اماره نهادم. نیمه شعبان آن سال زفاف واقع شد. تا سنه هزار و دوویست و هشتاد، خداوند شانزده اولاد کرامت فرمود. نصفی به عالم باقی ارتحال نموده، هشت دیگر در عالم فانی باقی می باشند.

تاریخ تولد بازماندگان بدین تفصیل است:

تولد عذرا، نیمه جمادی الاولی سنه ۱۲۵۵.

میرزا داوود شانزدهم ذی الحجة ۱۲۵۶.

میرزا رضا، هفتم ذیقعدة، سنه ۱۲۵۹،

هشتم ربیع الاول، سنه ۱۲۶۳ ابوالحسن متولد شد.

در سنه ۱۲۶۹ شیرین خانم تشریف آورده [است].

سنه ۱۲۷۲ سکینه متولد شد.

تولد عبد الحسین، چهارم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۵.

بیست و سیم شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۸۰، علی تولد نمود و بروی ختم شد.

[حاشیه در ذیل نام مولف]: وقد ارتحل عن دار الغرور الی دار الخلود مصنف هذا السطور،

فی شهر ربیع الأولى سنه ۱۳۰۴ سنه هزار و سیصد و چهار هجری نبوی غفر الله [له] و اعلى الله

مقامه و رفع درجه حرره ابن مصنف، علی.

[حاشیه در ذیل نام فرزند مؤلف علی]: فوت نمود مرحوم امیرزا علی ۷ صفر

۱۳۵۹ رحمة الله علیه.



X

منتهی است در نزد عوام است که رسا که نکوست از بهار شد است  
 شمس نخود بکل ساعت چهارم روز عاشورا وقتا امروز که اول  
 سرطان است حالت خلقی استمده است چون بگذرد ضرا که بهارم  
 چنان گذشت رضا بقضا استم و شکلی الامر قلم با مدنی  
 رفت اگر رضا بقصا دهر و کفر هر لودنی بخواید بود  
 شرمه از حوادث سید و هفتاد که شد در ادبی و اوراق  
 و حکمه نسیبه ایندگان بنیاد کار گذاریم فاعین و ابای اولی البصار  
 حراک العباد کما اهد شهاب الدین من ختم من صالح من محمد من شرف  
 من الطیب المحسن الراجحی تولد خیر عباده فقط صف من حراک من  
 هر روز و لیست هفتده هجرت و حال کفر بکسر من ریح الامر  
 سنه هزار و نود و بیست و شش است هفتاد و دو و سه تقریباً  
 در سنه عمر که شدیم باز بهمان احمد بارینه ام و غاخذ در سینه استقر اسم  
 ربه و اولی اسم  
 وقد ارخضت در الفزود الح دار الفلور نصف هند الطور من شهر ریح الدز  
 عشر الم دایم الم شفا در رفع ام درجه در این المفق علی

در سنه هزار و نود و بیست و شش است هفتاد و دو و سه تقریباً





## فهرست نسخ خطی کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام اصفهان

✽ رحیم قاسمی - محمد زاهد نجفی ✽

### مقدمه

مجموعه و کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام اصفهان از مراکز فرهنگی پربرتک شهر اصفهان است. این مجموعه که با همت بلند عالم جلیل القدر جناب حاج آقا کمال فقیه ایمانی تأسیس شده در سه دهه گذشته خدمات علمی و دینی قابل توجهی ارائه کرده که پرداختن به آن مجال دیگری می‌طلبد. در مخزن کتابخانه حدود دویست جلد نسخه خطی نگهداری می‌شود که تاکنون از دید محققان دور بوده است. با همت و همکاری سرور گرامی جناب حاج شیخ محمد زاهد نجفی و همراهی صمیمانه دوست عزیز جناب آقای سید علی اکبر مؤمنی مسئول محترم کتابخانه، در ایام مبارک غدیر فهرست یکصد و چهل نسخه از نسخ فوق تهیه شد که در این جاتقدیم علاقمندان می‌گردد. به لطف خداوند متعال و عنایات حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - این هفتمین کتابخانه اصفهان است که توفیق نگارش فهرست نسخ آن شامل حال حقیر گشته است. إن شاء الله در شماره آینده این مجله وزین، ادامه <فهرست نسخ خطی متفرقه اصفهان> که در شماره قبل قسمت اول آن به چاپ رسید نیز تقدیم خواهد شد.

از خداوند بزرگ علو درجات و شادی روح امام راحل و شهدای سریلند میهن اسلامی و مرحوم آية الله العظمی مرعشی نجفی را خواستارم، و از سرور ارجمند جناب حجة الإسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی و محقق گرامی استاد شیخ ابوالفضل حافظیان به خاطر چاپ این مقاله سپاسگزارم.



## فهرست نسخ خطی کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام اصفهان

### ۱. قرآن کریم

نسخ بسیار زیبا، علاء الدین تبریزی، ۱۰۹۰ ق، مجدول به طلا و شنگرف و لاجورد، با دو صفحه سرلوح بسیار زیبا. بدون ترجمه. این نسخه را فخر زمان ملقب به بیگم صاحب، زوجه میرزا عبد الوهاب اصفهانی در ۱۲۲۹ ق وقف کرده است. قطع نیمه رحلی، ۱۴ سطری، جلد زربوب زیبا.

### ۲. قرآن کریم

نسخ بسیار زیبا، سید ابوالقاسم بن محمد تقی حسینی اصفهانی، جمادی الأولى ۱۲۴۸، مجدول به طلا و شنگرف و لاجورد و مشک، ترجمه آیات به شنگرف در زیر سطور، دارای دو سرلوح بسیار زیبا در آغاز. در حاشیه آغاز سوره ها، فضیلت هر سوره به خط شکسته نستعلیق زیبا آمده، عناوین سوره به شنگرف در زمینه طلا. این نسخه را که سی پاره به قطع نیمه رحلی است سید محمد حسین روضه خوان معروف به شجره فرزند سید علی صحاف در ۱۲۹۸ ق در اصفهان وقف کرده است. ۱۸ سطری.

آغاز ترجمه: همه ستایش مرخدای را که آفریننده عالمیانست. بخشنده و بخشاینده. پادشاه روز جزا.

انجام ترجمه: از شردیو فریبنده باز جهنده از نام خدا. آن که وسوسه می کند در سینه های مردمان از پریان و آدمیان.

### ۳. قرآن کریم

نسخ زیبا، محمد مهدی بن هادی خوانساری، ۱۲۸۴ ق. ترجمه آیات به نستعلیق در زیر سطور با شنگرف، مجدول به طلا و شنگرف و لاجورد، دارای ۳۱ سرلوح زیبا در آغاز سوره ها. این نسخه سی پاره و ۱۵ جزء از قرآن را در بردارد، تا آیه شریفه <لقد جئت شیئاً نکراً>.

این نسخه را حاجی محمد حسین بن حاجی محمد علی معروف به مغاره در ۱۳۰۲ ق در اصفهان وقف کرده و در آغاز هر پاره، وقف نامه به خط نسخ زیبای جلی آمده است.

آغاز ترجمه: ستایش مرخدای راست پروردگار جهانیان. بخشنده رحم کننده. پادشاه روز جزا.

#### ۴. قرآن کریم

نسخ جلی، آقا جان شهیر به محمد رضا بن علی اکبر قهفرخی، ۱۲۶۱ق. ترجمه به شنگرف در زیرسطور، مجدول به شنگرف، ۱۲ سطری.  
آغاز ترجمه: ستایش مرخدای را که پروردگار جهانیان است... آموزنده است. پادشاه روز جزاست.  
انجام ترجمه: از بدی وسواس شیطان آنچنانی وسوسه می کند در سینه های مردمان و از جنّ و انس.

#### ۵. صحیفه سجادیه

نسخ زیبا، سید محمد مشهدی ابن فخرالدین تبریزی، ۱۰۷۷ق. مجدول به طلا و شنگرف و لاجورد، عناوین به شنگرف، قطع جیبی، ۱۲ سطری.

#### ۶. نثرانع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام

از: محقق حلّی نجم الدین أبو القاسم جعفر بن حسن (م: ۶۷۶ق).  
نسخ، علی بن حاجی محمد حسین بیابانکی، محرم ۱۰۹۶ق. عناوین به شنگرف، با تملک مرتضی ابن آخوند ملا فتحعلی، و مهر کتابخانه عمومی حسینیه خادمی اصفهان.

#### ۷. الوافی

از: ملا محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق).  
این نسخه تا پایان کتاب الحجّة را دربردارد.  
نسخ زیبا، محمد ابراهیم بن محمد رضا، قرن ۱۲. عناوین به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و نشان بلاغ دارد. با حواشی از مخدوم حسینی تفرشی به خطّ خودش برثلث اول کتاب. در آغاز نسخه دیباچه کتاب کافی کتابت شده است.

#### ۸. الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم

از: شیخ زین الدین ابو محمد علی بن یونس عاملی نباطی بیاضی (م: ۸۷۷ق).  
انجام: وسمّیته باسم الصراط تیمنا/ لیسلك فيه للنبي وآله...  
نسخ، قرن ۱۰ یا ۱۱. نسخه کامل است و تنها چند سطر پایان افتاده است. عناوین به

شنگرف. در سال ۱۰۱۹ ق وقف شده و تولیت آن پس از واقف با علمای شیراز قرار داده شده است. با تملک از محمد ابراهیم بن مصطفی القاری المهدی (ظ) عفی عنهما بالنبی والوصی واهلما در مکه معظمه. ۳۵ سطری.

### ۹. بحار الانوار

از: علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م: ۱۱۱۰ ق).

این نسخه جلد ۱۲ کتاب است.

نسخ خوانا، محمد علی بن محمد موسوی، صفر ۱۲۶۳ ق. عناوین به شنگرف، مقابله شده، وقف کتابخانه مدرسه علوم دینی جلالیه اصفهان، تأسیس ۱۳۸۶ ق. ۲۷ سطری.

### ۱۰. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ ق).

جلد دوم کتاب است از کتاب الإجارة تا پایان.

نسخ، اقل الطلاب محمد حسین بن حاجی مهدی مبارکی، صفر ۱۲۶۷ ق. نسخه را علیا مخدره سلطان خانم زوجه مرحوم آخوند ملا حسین مبارکی (کاتب نسخه) در ۱۳۰۶ ق وقف کرده است.

### ۱۱. منهج الاجتهاد<sup>۱</sup>

از: شهید ثالث شیخ محمد تقی بن آقا محمد برغانی قزوینی (م: ۱۲۶۴ ق).

شرح مفصلی است بر شرائع الإسلام در ۲۴ جلد. این نسخه مشتمل بر کتاب الزکاة است.

نسخ، کاتب نامعلوم، صفر ۱۲۵۸ ق. نسخه را محمد جعفر بن محمد تقی وکالة از جانب شریعتمدار مرجع الإسلام ومقتدی الأنام والد ماجد خود در ۱۲۶۲ ق وقف کرده، و تولیت آن را با عمدة العلماء وزبدة الفقهاء جمال الملة والدنيا والدين شرف السادات ومن بيده الرياسات والسياسات حاجی میرزا احمد وبعد با ارشد اولاد او قرار داده است، مشروط به این که از اصفهان بیرون نبرند. ۲۵ سطری.

<sup>۱</sup> الذریعة، ج ۲۳، ص ۱۸۲.

### ۱۲. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق).  
این نسخه جلد اول کتاب است و تا پایان کتاب الصلاة را دربر دارد.  
نسخ زیبا، زین العابدین بن سید عباس طباطبائی، قرن ۱۱. عناوین به شنگرف در متن و حاشیه، با حواشی فراوان از عبد الله و دیگران. در پایان مثلث قطرب در یک صفحه رحلی و سپس دو صفحه در نماز جمعه به خط زیبای محمد حیدر اصفهانی کتابت شده است. نسخه را لطف الله بن شیخ شرف الدین فتونی عاملی ساکن مدرسه صفیه صفویه در جمادی الأولى ۱۱۳۷ ق. وقف کرده است.

### ۱۳. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق).  
این نسخه مشتمل بر کتاب الصیام تا پایان جزء رابع است.  
نسخ زیبا، ضیاء الدین، ذی الحجه ۹۸۱ ق. دارای چند سرلوح زیبا در آغاز برخی ابواب، عناوین به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده است. مجدول به طلا و لاجورد. قطع رحلی، ۲۳ سطری.

### ۱۴. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق).  
این نسخه از باب العمل فی لیلۃ الجمعة و یومها تا پایان کتاب الزکاة را دربر دارد.  
نسخ زیبا، ضیاء الدین بن درویش محمد اکرمی قزوینی، شعبان ۹۸۱ ق. (پایان کتاب الصلاة). در حاشیه تصحیح شده است، با حواشی به نستعلیق زیبا، و انهاء و اجازه میر محمد حسین بن میر محمد صالح حسینی خاتون آبادی به ابن خالته المولی محمد علی المجلسی در ۱۱۴۶ ق. عناوین به شنگرف، مجدول به طلا و لاجورد، قطع رحلی، ۲۳ سطری.

### ۱۵. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق).  
این نسخه جلد اول کتاب و مشتمل بر کتاب طهارت و صلاة است.  
نسخ زیبا، ضیاء الدین. دارای سرلوح زیبا در آغاز برخی ابواب. در حاشیه تصحیح شده

است، با حواشی به نستعلیق زیبا، و انهاء و اجازہ میر محمد حسین بن میر محمد صالح حسینی خاتون آبادی به ابن خالته المولی محمد علی المجلسی در ۱۱۴۵ق. عناوین به شنگرف، مجدول به طلا و لاجورد. نسخه را محمد داوود ابن عنایة الله ملقب به تقرب خان در محرم ۱۰۷۰ق وقف کرده و تولیت آن را با فرزندى محمد تقى قرار داده است. با نشان تملک از روزبهان بن عماد در ۱۰۳۵ق و مهر دایره: <بنده شاه نجف روزبهان> و تملک محمد بن علی بن نعمة الله مشتری به ابن الخاتون العاملى در ۱۰۴۳ق. قطع رحلی، ۲۳ سطری.

### ۱۶. کتاب من لا یحضره الفقیه

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م: ۳۸۱ق).  
این نسخه جلد اول کتاب است.

نسخ زیبا، محمد باقر بن ابو القاسم حسینی تبریزی، ۱۰۷۳ق. با حواشی به نستعلیق زیبا نقل از م ب حفظه الله، سلطان، شیخ محمد رحمه الله، محمد صالح سلمه الله، ملا مراد رحمه الله، مجذوب سلمه الله و دیگران. عناوین به شنگرف، چهار بار مقابله شده و کاتب نسخه را بر طلبه علوم دینی وقف کرده است. قطع رحلی، ۲۹ سطری.

### ۱۷. کتاب من لا یحضره الفقیه

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م: ۳۸۱ق).  
این نسخه جلد دوم کتاب است.

نسخ زیبا، محمد باقر بن ابو القاسم حسینی تبریزی، با حواشی به نستعلیق زیبا. سه بار مقابله شده و کاتب نسخه را بر طلبه علوم دینی وقف کرده است. در پایان فهرست مشیخه به ترتیب حروف الفبا و سپس متن مشیخه و در صفحه آخر انهاء و اجازہ روایت ملا محمد صالح مازندرانی به کاتب، <سید حسیب نجیب فاضل کامل ورع تقی محمد باقر حسینی> به خط مجیز آمده است. قطع رحلی، ۲۹ سطری.

### ۱۸. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب

از: علامه حلی شیخ حسن بن یوسف بن علی بن المطهر (م: ۷۲۶ق).

این نسخه از جلد اول تا اول کتاب الاجاره را در بردارد.  
نسخ نازیبا، حسین بن شاه محمد تربتی، شوال ۱۰۶۴ق. نیمه اول کتاب به نسخ زیبا، کاتب

نامعلوم. عناوین به شنگرف، بانشان تملک محمد علی بن المرحوم القاضی احسن، ووقف نامه کتاب به خط میر محمد صالح بن میر عبد الواسع حسینی خاتون آبادی در ۱۱۱۸ق. ۲۵ سطری، جلد تیماج قهوه ای ضربی.

### ۱۹. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).  
این نسخه از کتاب الزکاة تا آخر کتاب الحج را در بردارد.  
نسخ نازیبا، محمد جعفر بن کربلائی خدابخش بروجنی، ۱۲۵۹ق. ۲۸ سطری.

### ۲۰. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).  
این نسخه جلد چهارم کتاب است، از کتاب الزکاة تا پایان ابواب فعل المعروف.  
نسخ خوانا، محمد بن محمد تقی خوانساری، ۱۲۶۸ق. عناوین به شنگرف، مجدول، در آغاز فهرست مفصل کتاب آمده است. ۳۵ سطری.

### ۲۱. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).  
این نسخه جلد پنجم کتاب است.  
نسخ خوانا، کاتب نامعلوم، ۱۰۸۶ق. این نسخه را علامه العلماء و افضل الفضلاء حاجی سید محمد باقر حسب الوصیة حاجی میرزا محمد صادق گلستانه اصفهانی در محرم ۱۲۳۶ق وقف کرده و وقف نامه را فرزند او محمد کاظم گلستانه نوشته است.

### ۲۲. حدیقة الشیعة

منسوب به: ملا احمد بن محمد مقدّس اردبیلی (م: ۹۹۳ق).  
نسخ خوانا، اقل الطلاب محمد جعفر بن میرزا بابا ساکن مبارکه لنجان، ۱۲۵۸ق. عناوین به شنگرف، ۲۷ سطری.

### ۲۳. تفسیر جوامع الجامع

از: امین الإسلام شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م: ۵۴۸ق).

نسخ نازيبا، سيد على بن سيد احمد حسايى حسنى حسينى، قرن ۱۱ ظاهراً. نسخه را ناصح الدين امين خزائن سلطان اعظم و محرم سرادق عز و رفعت و كرم وقف کرده و وقف نامه را علامه مجلسى عليه الرحمة نگاشته است. با مهر <أفوض أمرى إلى الله عبده ناصح> و تملك عز الدين جزائرى حسينى و مهر <علامات و بالنجم هم يهتدون>. قطع رحلى، ۳۳ سطرى.

## ۲۴. الزهرات الزوية فى الروضة البهية<sup>۱</sup>

از: شيخ على بن محمد بن حسن بن زين الدين شهيد ثانى (م: ۱۰۱۴ق).  
<حاشية و شرح على شرح اللمعة بعنوان قوله قوله مبسوطة فى مجلدين>. اين نسخه جلد اول كتاب است.

آغاز: الحمد لله الذى نور روضة الدين البهية الزاهرة وأوضح مسالك الشرايع السنوية الباهرة. نسخ زيبا، كاتب نامعلوم، قرن ۱۱. نيمه دوم به نسخ نازيبا. با حواشى منه سلّمه الله و يادداشتى از سيد نعمة الله جزائرى بدين مضمون: <المجلد الأول من حاشية شرح اللمعة من مؤلفات شيخنا وأستاذنا الشيخ على بن الشيخ محمد بن حسن بن الشيخ زين الدين الشهيد من جملة كتب المذنب الجانى نعمة الله الحسينى الجزائرى عفى عن جرائمه>.

## ۲۵. منتخب نور العيون<sup>۲</sup>

از: على بن قاسم اصفهانى  
منتخب كتاب نور العيون محمد باقر شريف اصفهانى فرزند محمد تقى شريف رضوى قى است در معرفت اهل بيت عليه السلام و معرفت دشمنان ايشان.  
نسخ، على بن قاسم اديب، ۱۲۷۵ق. ۱۷ سطرى.

۱. الذريعة، ج ۱۲، ص ۶۷.

۲. <منتخب نور العيون الأصل لمحمد باقر الشرفى القمى الأصفهانى و المنتخب فى الكلام لعلى أكبرين عبد العالى الكرمانى. رتبه على بابين و كلّ منها فى كتاب واحد الأول فى ۱۲ تنوير فى النبوة و الإمامة و الرجعة، فرغ منهما بكرمانشاه فى (۲۶ - ج ۲ - ۱۲۶۸). أوله: بعد از حمد خدا و درود بر پيغمبراهنما و آئمه هدا، اين منتخبى است>.  
الذريعة، ج ۲۲، ص ۴۴۲.



## ۲۶. دلائل الدین من طریق الجزم والیقین<sup>۱</sup>

از: ملا عبد الله بن حاجی هادی بن حاجی ظهیر هرندی (م: ۱۲۵۶ق).  
جلد اول کتاب است مشتمل بر مقدمه و نه باب و خاتمه به فارسی.  
آغاز: حمد بی حد و شکر و سپاس بی عد و ثنای بی قیاس و عدد خداوندی راسزاست که خلقت وجود اشرف اولاد آدم نمود.  
انجام: چون تمام راکشستند در نهایت آرام نشستند عید کردند و جایزه و عطا داد. فهدا هو المراد.<sup>۲</sup>  
نسخ، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳. به دو خط نوشته شده، ۳۱ سطری.

## ۲۷. محرق القلوب

از: علامه ملا محمد مهدی نراقی کاشانی (م: ۱۲۰۹ق).  
نسخ زیبا، حاج محمد شفیع بن حاج علی مدد ابن آقا محمد حسین تبریزی ساکن کاشان، ۱۲۳۲ق. مجدول، عناوین به شنگرف. در حاشیه مجلس چهاردهم ۱۱ صفحه شعر مرثیه به خط نستعلیق زیبا کتابت شده که آغاز و انجام آن چنین است:

فغان که شب همه شب شویدم سرشک مذاب      به یاد شاه شهیدان ز دیده سرمه خواب  
یک آفریده چنان کو که آفریدی نه      به این نشان شتری در کریوه دیدی نه

## ۲۸. حیاة القلوب

از: علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م: ۱۱۱۰ق).  
جلد اول کتاب است در تاریخ انبیاء.  
نسخ، اقل الطلبة والسادات محمد تقی یزدی، ۱۲۳۱، به جهت آقا شیخ محمد. ۲۳ سطری.

۱. علامه گزی در تذکرة القبور (ص ۸۰) می نویسد: > حاجی محمد هادی هرندی برادر ملا محمد مهدی... را از اجله و مقدسین شمرده اند. اولاد او تاکنون از علماء و ائمه هرنند. پسرش حاجی ملا عبد الله مؤلف سه کتاب است: دلائل الدین سه جلد، نور القبور، اصول دین، مجمع أسرار القرآن.<

۲. فهرست قدیم گلیپگانی، ج ۱، ص ۱۷۰.

### ۲۹. زاد المعاد

از: علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م: ۱۱۱۰ ق).  
نسخ، مانده علی بن حیدر علی شریف اصفهانی، رمضان المبارک ۱۱۱۵ ق. عناوین به  
شنگرف. ۲۱ سطری.

### ۳۰. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب

از: علامه حلّی شیخ حسن بن یوسف بن علی بن المطهر (م: ۷۲۶ ق).  
این نسخه از آغاز کتاب الصوم شروع می شود.  
نسخ، صالح بن عبد الله سلامی، محرم ۱۰۱۳ ق. در نجف اشرف. با یادداشتی از محمد جواد  
موسوی در ۱۲۳۴ ق. مبنی بر این که جدّ وی میر سید حسین نسخه را بر اصلاح اولاد خود  
وقف کرده است. ۲۳ سطری، جلد تیماج قهوه ای ضربی سرطبل دار.

### ۳۱. الاستبصار

از: شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق)  
نسخ، احمد بن کمال بن احمد، قرن ۱۲، عناوین بن شنگرف، با حواشی به نقل از م ق ر  
سلمه الله، س م رحمه الله و دیگران. در حاشیه تصحیح شده و نشان بلاغ دارد. با یادداشت  
تملک حسین بن فضل علی، و این یادداشت: <من جملة ما كتبت لولدي الأعزّ التقي محمد  
معين وقفه الله لمطالعتة>. و مهز: <العبد المذنب الواثق بالله الغني عين علي> و مهر: <يا مرتضى  
علي>. نسخه در سال ۱۲۹۶ ق بر حسب وصیت بهرام بیگ بر طلبه علوم دینی اصفهان وقف  
شده است.

### ۳۲. زبدة البيان في أحكام القرآن

از: ملا احمد بن محمد مقدّس اردبیلی (م: ۹۹۳ ق).  
نسخ خوانا، ابو الحسن بن عزالدین بیزوی سبزواری، رجب ۱۰۸۷ ق. در حاشیه تصحیح  
شده و نشان بلاغ دارد. با حواشی به نقل از فیض و کتب لغت. عناوین به شنگرف، در پایان  
چهار صفحه به نقل از درایه شهید ثانی کتابت شده است. ۲۲ سطری.



### ۳۳. رضوان الآملین<sup>۱</sup>

از: سید محمد بن عبد الصمد شهبهانی (م: ۱۲۸۷ق).  
حاشیه مفصلی است بر قوانین الأصول میرزای قمی. این نسخه جلد دوم کتاب است.  
نسخ، عبد الله بن آخوند ملا محمد بن آخوند ملا ولی الله، محرّم ۱۲۸۹ق. عناوین به  
شنگرف. نسخه را حاج محمد کاظم و آقا عبد الباقي و آقا محمد صادق اوصیاء ثلاثه مؤلف وقف  
کرده اند. ۲۵ سطر، جلد تیماج قهوه ای ضربی.

### ۳۴. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام

از: محقق حلّی نجم الدین أبو القاسم جعفر بن حسن (م: ۶۷۶ق).  
نسخ زیبا، محمد حسین بن حاجی محمد ترشیزی، صفر ۱۰۸۷ق. با حواشی فراوان به نقل  
از زین و ع ل و کتب لغت. در حاشیه تصحیح شده است با بلاغ علامه مجلسی در غره ربیع  
الأول ۱۰۸۹ق و مهروی. در آخر نسخه منظومه خلاصة الابحاث شیخ حرّ عاملی کتابت شده  
است و مهر محمد باقر العلوم در پایان آن به چشم می خورد. در حاشیه صفحه اول مطلبی در  
توضیح رطل عراقی به نقل از کتاب مولوی صالح عالم ملا محمد محسن بیارجمندی به نقل از  
نسخه مرحوم شیخ نظام الدین بن احمد بن شیخ محمد فاضل وهو استخراج من رسالة نتیجة  
المجتهدین ورأس أصحاب العلم والیقین مولانا محمد باقر بن محمد تقی مشهور به مجلسی آمده  
است. عناوین به شنگرف، ۱۷ سطر.

### ۳۵. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول

از: علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م: ۱۱۱۰ق).  
این نسخه مشتمل بر سه جلد اول کتاب است تا پایان کتاب العشرة من الکافی.  
نسخ زیبا، ابو القاسم بن عبد الرحیم نائینی ساکن خوراسکان جی، ۱۲۴۳ق. (پایان جلد  
اول) محمد امین اصفهانی، ۱۱۱۸ق فی بلدة طهران (پایان جلد دوم). عناوین به شنگرف.  
نسخه از نساء حمام واقع در اراضی میدان نقش جهان اصفهان استنساخ شده و در ۱۲۴۳ق به  
وسیله محمد حسن بن محمد حسین حسینی (امام جمعه اصفهان) وقف شده است.  
۲۴ سطر.

### ۳۶. مجموعه:

#### ۱. الافصاح فی الامامة

از: شیخ مفید ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م: ۴۱۳ ق).  
 آغاز: الحمد لله موجب الحمد ومستحقه وصلواته علی خیرته من خلقه.  
 انجام: وتکمل فیہ الفوائد فی هذه الأبواب إن شاء الله.

#### ۲. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد

از: شیخ مفید ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م: ۴۱۳ ق).  
 آغاز: الحمد لله علی ما ألهم من معرفته وهدی الیه من سبیل طاعته.  
 انجام: والله ولی التوفیق وهو حسبنا ونعم الوکیل.

نسخ زیبا، نبی بن محمد صالح تونی عامری، ۱۰۸۷ق و ۱۰۸۸ق در اصفهان. عناوین به شنگرف. با یادداشتی از سید محمد کاظم موسوی در ۱۲۳۰ق مبنی بر این که این کتاب از کتب موقوفه جدّ اعلاّی او میر محمد باقر بوده که در سال ۱۱۲۳ق به انضمام کتب بسیار که چهار پنج هزار بوده وقف بر طلاب سکنه اصفهان کرده و نظارت بر منع و اعطاء را بعد از خود با مرحمت پناهان میر علیرضا و بعد به میر محمد مهدی ولدان خود مقرر داشته و بعدهما با اصلح اولاد ذکور خود. با مهر <افقر المفتاقین الی الله الغنی محمد باقر بن علیرضا الحسینی> و <مهدی بن محمد باقر الحسینی> و <علیرضا بن محمد باقر الحسینی>. ۱۷ سطری.

#### ۳۷. مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الاذهان

از: ملا احمد بن محمد مقدّس اردبیلی (م: ۹۹۳ ق).  
 آغاز: فالوضوء یجب للصلاة والطواف الواجبین دلیل الأول الكتاب والسنة.  
 انجام: فالظاهر أنه إجماعی ولا نزاع فیہ، وكذا فی وجوب عدم تأدیة. (ج ۷، ص ۵۵۰).  
 نسخ، كاتب نامعلوم، قرن ۱۲ ظاهراً. عناوین نانوشتہ، با یادداشت تملك ابو الفضل محمد بن الحسن بهاء الدين الاصفهانی [فاضل هندی] و مهر او: <الفقیر الی الله الصمد عبده بهاء الدين محمد>.

چند حاشیه از رضی الدین موسوی در آغاز دیده می شود. نام کتاب بر فراز صفحه اول به اشتباه تذکره البیان فی شرح الإرشاد ذکر شده است. ۲۷ سطری.



### ۳۸. مدارك الاحكام فى شرح شرائع الاسلام

از: سيد محمد بن على موسى عاملى (م: ۱۰۰۹ق).  
جلد اول و دوم كتاب است تا پايان كتاب الصلاة.

نسخ زيبا، كاتب نامعلوم، قرن ۱۱ ظاهراً. در حاشيه تصحيح شده و حواشى از فاضل سراب به خط مبارك وى، و نيز حواشى به نستعليق زيبا نقل از ذخيرة المعاد و كتب ديگر.  
نسخه را محمد رضا فرزند فاضل سراب با ساير كتب پدر در ۱۲۲۵ق وقف نموده و در وقف نامه تصريح کرده كه توليت مجلدات وسائل الشيعة با وى و توليت مجلدات وافى و رسائل و كتب ديگر پدر با محمد صادق فرزند ديگر فاضل سراب است. با يادداشتى از محمد رحيم بن محمد محسن مازندرانى در ۱۲۴۹ق به نسخ زيبا. قطع رحلى، ۲۱ سطرى.

### ۳۹. قوانين الاصول

از: ميرزا ابوالقاسم بن محمد حسن گيلانى قى (م: ۱۲۳۱ق).

كاتب شاگرد مؤلف بوده و در پايان مدح بليغى از كتاب و مؤلف آن کرده و مى نويسد:  
>وقد كان ذلك حين قرأته لدى الجناب القدسى والنسيم الفردوسى، المولى العلامة ونحرير الأئمة، الحبر المدقق والبحر المحقق، مبين معضلات المسائل و متمم الأصول وفروع الأوائل، الذى بيده عنان مراكب الكمال، وبينانه زمام مراكب المهام العضال، مركز التحقيق فتنتيح تهذيب المعالم من لمعة روضه حياته مقرر، وقطب دائرة التدقيق فتمهيد القواعد عن مسالك رشحات وجوده مؤسس مزهر، مقباس الهدى فطرف طور مجده يرنو إلى شجرة أنا الحق، وأغصان شجرة حقه تتهاوى إلى طور الحقيقة والصدق، نابغة الدهر وعلامة العصر، معدن مكارم الأخلاق وكنز نوافج الآفاق، سدرة منتهى المطالب وجنة مدين المآرب، ساقى نديمه من حوض كماله رحيقاً محتوماً، ومانح جلسه من بحر لطيف سجايه نفيس اللثالى مشوراً ومنظوماً، عين السلسيل وسلسيل العين، نشأة الحيوان وحيوان النشأتين، العلامة الوحيد والفهامة الحبر الفريد، قدوة العلماء أولى الألباب، وزبدة الفضلاء ذوى الأطياب، قوة عضد الإيمان وجميع الضلالات حاسم، الأستاذ الأستاذ الاعتماد ميرزائى ميرزا ابوالقاسم، مصنف هذا الكتاب المستطاب، لا زالت سحايب وجوده مطرة، وكواكب حياته لامعة ساطعة، ووجوه الأجابة بكريم سجايه ناظرة.<

نسخ، محمد على بن حاجى ابوالحسن نائينى، شعبان ۱۲۳۹ق حين قرائت كتاب نزد مؤلف؟ با حواشى فراوان به خطوطى مغاير با خط متن به نقل از غايات القصى و رضوان

الاملین و حاشیة الأستاذ التویسرکانی و حاشیة الأستاذ الشهبانی - مدّ ظلّه العالی - و عیون الأصول برغانی و عیون الأصول للأستاذ و منبع الحیاة و الفصول الغرویة و مفاتیح سید و حدیقة و چند حاشیه از محمد الموسوی. نسخه را حاج ابو الحسن بن مرحوم خواجه بهرام بیگ تستری حسب الوصیه او در ۱۲۶۸ ق وقف کرده با تولیت علامه فهامه سید محمد شفیع بن سید محمد تستری. و یادداشت وفات مجتهد الزمان آمیرزا محمد حسن نجفی در روز پنجشنبه ۱۱ ربیع المولود ۱۳۱۷ ق. قطع رحلی، ۳۱ سطری.

#### ۴۰. مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الاسلام

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ ق).  
این نسخه مشتمل بر کتاب العقود تا آخر کتاب الوكالة است.  
نسخ، کاتب نامعلوم. با این یادداشت که جلد دوم از مجلدات شش گانه است. نسخه را فاطمه نساء خانم بنت حاجی محمد باقر تاجر علاق بند زوجه آقا سید ابراهیم رشتی در ماه رمضان ۱۲۷۶ ق وقف کرده با تولیت آخوند ملا عبد الجواد خراسانی. قطع رحلی، ۳۵ سطری.

#### ۴۱. اشارات الاصول

از: حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م: ۱۲۶۲ ق).  
جلد اول کتاب است.  
نسخ، کاتب نامعلوم، رجب ۱۲۴۵ ق. با حواشی از ملا محمد باقر فشارکی به خط وی.  
صفحه اول افتاده است. قطع نیمه رحلی، ۲۵ سطری.

#### ۴۲. مجموعه:

##### ۱. حمله حیدری

از: میرزا محمد رفیع بن محمد مشهدی متخلص به باذل (م: ۱۱۲۴ یا ۱۱۲۳ ق).  
> فی أحوال النبی والوصی عليه السلام وغزواته إلى شهادته... کبیر مشهور متداول. اشتهر فی عصره حتی قیل لقراءته فی مجالس العزاء حمله خون، کما قیل لقراءه روضة الشهداء روضه خون. ولم یتّم باذل کتابه هذا، فتمّمه بعده میرزا أبو طالب الفندرسکی الاصفهانی الشاعر، ثمّ زاد علیه عدّة



آیات رجل اسمه نجف فی سنة ۱۱۳۵.<sup>۱</sup>

آغاز: به نام خداوند بسیار بخش خرد بخش و دین بخش و دینار بخش  
انجام: به آن گشت نزدیک کز دود آه شود همچو شب روز روشن سیاه

## ۲. مثنوی

از:؟

آغاز: از این عمر دنیای ناپایدار بگیر ای خداوند چشم اعتبار  
انجام: بکن غور از انصاف در این سخن وز آن پس تو دانی بکن یا بکن

## ۳. حرب جمل و صفین و نهروان<sup>۲</sup>

از: میرزا ابوطالب فندرسکی

آغاز: خدایی که بنده اش راستان بود شاه جم جاه گیتی نشان  
انجام: که با دل سرشت مهتر چنان که مهتر نگین است و دل نقش آن

نسخ بسیار زیبای جلی، کاتب نامعلوم، محرم ۱۱۲۴ق (کتاب اول) دو کتاب دیگر به نستعلیق. عناوین به شنگرف، ۱۹ سطری، جلد تیماج قهوه ای ضربی.

## ۴۳. مکارم الاخلاق

از: شیخ رضی الدین ابو نصر حسن بن فضل طبرسی (قرن ۶ ق).

نسخ، کاتب نامعلوم، قرن ۱۰ یا ۱۱. صفحه آغاز و انجام نونویس، عناوین به شنگرف. نسخه در ۱۲۳۹ق وقف شده با تولیت حاج محمد ابراهیم کلباسی. ۲۳ سطری، جلد تیماج قهوه ای ضربی.

## ۴۴. هدایة الامة إلى احکام الائمة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).

> انتخابه من کتابه تفصیل وسائل الشیعة بحذف الأسانید والمکررات، قدّم اثنتی عشرة مقدّمة فی الأصول ثمّ اثنتی عشر کتابا فی الفقه من العبادات إلى آخر أبواب الفقه، ورتّب

۱. الذریعة، ج ۷، ص ۹۱.

۲. الذریعة، ج ۱۹، ص ۲۵۱.

المطالب فی کلّ کتاب علی اثنی عشر باباً أو فصلاً أو غیرهما، ولذا یقال له الاثنا عشر باباً، وفرغ من تألیفه لیلۃ الأضحی فی سنة ۱۰۹۱.<sup>۱</sup>

انجام اقتاده: أجرى الخلیل التي اضمرت. (ج ۶، ص ۳۱۲ چاپی)

نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۲. عناوین به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده است. با مهر میرابراهیم بن میرزا لطیف و مهر تملک علی اکبر بن محمد باقر. نسخه را عبد العلی بن عبد الله در ۱۲۶۵ق در اصفهان با چند جلد کتاب دیگر بر فرزند ذکور اکبر خود وقف کرده است. ۲۰ سطری.

#### ۴۵. جامع عباسی

از: شیخ بهائی محمد بن حسین عاملی (م: ۱۰۳۰ق).

نستعلیق تحریری، تراب اقدام الذاکرین عبد الله بن عبد الله بروجنی، ۱۲۳۰ق. ۱۹ سطری.

#### ۴۶. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).

جلد اول و دوم کتاب است.

نسخ، محمد رضا بن محمد باقر مبارکی لنجانی، ۱۲۶۹ و ۱۲۷۹ق. در مدرسه جده اصفهان. با حواشی به نقل از سلطان و دیگران. ۲۵ سطری.

#### ۴۷. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام

از: محقق حلّی نجم الدین أبو القاسم جعفر بن حسن (م: ۶۷۶ق).

نسخ، کاتب نامعلوم. عناوین به شنگرف، با حواشی به نقل از عل. نسخه را محمد صادق حسینی منجم فرزند عبد الحسين حسینی خاتون آبادی وقف کرده است، با مهر عبده الراجی محمد صادق الحسينی و یادداشتی از محمد حسن حسینی منجم با مهر محمد حسن بن محمد علی حسینی در ۱۲۹۲ق. مبنی بر این که چهل سال قبل نزد میر محمد حسین پاقلعه ای که از علما و مجتهدین بوده قدری از اوایل کتاب را خوانده و بعد تارک شده است.





#### ۴۸. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام

از: محقق حلّی نجم الدین أبو القاسم جعفر بن حسن (م: ۶۷۶ق).  
نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۰. با حواشی به نستعلیق به نقل از عل. این نسخه نزد محقق کرکی شیخ علی بن عبد العال خوانده شده و بلاغ های مکرر وی در کنار صفحات دیده می شود، با انهاء وی در پایان جزء اول در ذی القعدة ۹۳۳ق. عناوین به شنگرف، پایان نونویس و افتاده. ۲۳ سطری.

#### ۴۹. ریاض المسائل

از: سید علی بن محمد علی طباطبائی اصفهانی حائری (م: ۱۲۳۱ق).  
این نسخه از کتاب القضاء به بعد را در بر دارد.  
نسخ نازیبا، کاتب نامعلوم، ۱۲۵۷ق. با مهر حسین بن الحسن. نسخه را حاجی ملا محمد حسین در ۱۲۶۹ق وقف کرده و تولیت آن را با خود و سپس با آخوند ملا محمد جعفر خراسانی قرار داده است. ۲۷ سطری، جلد تیماج ضربی ترنج دار.

#### ۵۰. مدارك الاحکام فی شرح شرائع الاسلام

از: سید محمد بن علی موسوی عاملی (م: ۱۰۰۹ق).  
نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، شوال ۱۲۳۶ق. عناوین به شنگرف. با این یادداشت: مدارک تا آخر کتاب چهل و پنج هزار و پانصد بیت، اجرت کتابت چهل و سه روپیه، کاغذ آن را خریده ام شش روپیه و نیم، کتاب تمام شده قرطاساً و کتابه و جلداً پنجاه و نیم روپیه. قطع رحلی، ۲۹ سطری.

#### ۵۱. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).  
این نسخه مشتمل بر کتاب الصلاة است.  
نسخ، محمد صادق بن شیخ علی سمنانی، ۱۰۹۷ق. در قریه منصور آباد دامغان. با تملک علی بن محمد رفیع حسینی در ۱۱۸۶ق. عناوین بن شنگرف. ۲۹ سطری.

### ۵۲. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية

از شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).  
این نسخه جلد دوم کتاب است.

نسخ، کاتب نامعلوم، ماه رمضان ۱۰۴۶ق. با یادداشت مقابله با نسخه اصل در سوال ۱۰۴۶ق. و یادداشت قرائت در ۱۰۹۰ق و انهایی از... الله شریف برای تاج الدین حسن (پدر فاضل هندی) که نسخه رازد وی خوانده است. و حواشی از تاج و م ه الهاشمی ۲۰ سطری.

### ۵۳. منهج الهداية إلى أحكام الشريعة

از: حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م: ۱۲۶۲ق).

> خرج منه جميع أبواب الفقه إلا بعض الحدود والقصاص والديات. وهو في مجلدين يقرب من ثلاثة آلاف بيت، وقد صنفه فيما يقرب من عشرين سنة... رتب كل كتاب من الكتب الفقهية على مناهج وكل مناهج على هدايات.<sup>۱</sup>

نسخ، علی خاکسار ابن حسن نجف آبادی، صفر ۱۲۵۴ق. عناوین به شنگرف. نسخه را حاجی محمد طاهر بن حاجی رمضان فروشانی در ۱۲۵۸ق. وقف کرده است باتولیت سید علی مقدس خلف حاجی سید ابراهیم ساوجی. ۲۰ سطری، جلد تیماج ضربی ترنج دار.

### ۵۴. منهج الهداية إلى أحكام الشريعة

از: حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م: ۱۲۶۲ق).  
این نسخه جلد دوم کتاب است.

آغاز: کتاب المکاسب و فیه مناهج. المنهج الأول في المقدمات. هداية يتقسم الاكتساب. نسخ، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳. عناوین به شنگرف. نسخه را حاجی محمد طاهر بن حاجی رمضان فروشانی در ۱۲۵۸ق. وقف کرده است باتولیت سید علی مقدس خلف حاجی سید ابراهیم ساوجی. ۲۰ سطری، جلد تیماج مشکی ضربی.

### ۵۵. مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الاسلام

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).

این نسخه از کتاب الوقف و الصدقات تا کتاب الوصایا را در بر دارد.  
نسخ، محمد بن میرزا ابوالقاسم بن حاجی ملا احمد بن ملا علی بن ملا دولت علی بن  
ملا علی ۱۲۵۱ق. و از کتاب الوصایا به نسخ نازیبا از کاتبی دیگر ۲۳ سطری.

## ۵۶. مجموعه:

### ۱. جامع الاخبار

از: شیخ محمد بن محمد سبزواری (قرن ۷ ق).  
آغاز: الحمد لله الأول بلا أول كان قبله، والآخر بلا آخر يكون بعده، الذي قصرت عن رؤيته  
أبصار الناظرين، وعجزت عن نعته أوهام الواصفين.  
انجام: قال إن أمر السفيناني من الأمر المحتوم وخروجه في شهر رجب المرجب وهذه قصة  
طويلة وأمر عظيمة من شدايد العظام [كذا]. (ص ۳۹۸ چاپی).

### ۲. فضائل شهر رمضان

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (م: ۳۸۱ ق).  
آغاز: أخبرنا الشيخ أبو جعفر محمد بن علی بن الحسين بن موسى بن بابويه الفقيه رضی الله  
عنه قال: حدّثنا أبي رحمه الله... عن أبي الورد عن أبي جعفر عليه السلام قال: خطب رسول  
الله صلى الله عليه وآله في آخر جمعة من شعبان.  
انجام: رب صائم حظّه من صيامه الجوع وربّ قائم حظّه من قيامه السهر. (پایان متن  
چاپی). وجدنا غبّ ذلك حديثاً آخر والقرائن دلّت على أنه ليس جزءاً للكتاب وإنما هو من  
تصرّفات الكتاب وهو هذا: على بن ابراهيم هاشم عن أبيه... وأنّ أوّل السنة أوّل يوم من شهر  
رمضان، انتهى.

### ۳. الغايات

از: ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی (قرن ۴ ق).  
> ذكر فيه الأحاديث المشتملة على أفعال التفضيل، كقوله مثلاً: أفضل الأعمال كذا أو أبغض  
الأشياء إلى الله كذا أو أنفعها في الآخرة كذا إلى آخر الكتاب وينقل عنه شيخنا النورى فى

المستدرك><sup>۱</sup>.

انجام: وأرحمهم بالرعية وأعظمهم يوم القيامة.

#### ۴. العروس فى فضل يوم الجمعة<sup>۲</sup>

از ابو محمد جعفر بن احمد بن على قمي (قرن ۴ ق).

انجام: عن الأصعب بن نباته عن على عليه السلام قال: إذا قال الرجل يوم الجمعة صه فلا صلاة له.

#### ۵. الاعمال المانعة من دخول الجنة<sup>۳</sup>

از ابو محمد جعفر بن احمد بن على قمي (قرن ۴ ق).

آغاز: ... باب من لا يأمن جاره بوائقه.

انجام: لا يلج الجنة ولا إلى سبعة بطون.

نسخ، حسن بن حاج محمد خوانسارى، ۱۲۴۷ ق به جهت آخوند ملا اسماعيل بن ملا محمد تقى خوانسارى (پايان كتاب اول)، ۱۲۵۷ ق. در مسجد حجة الإسلام آقاسيد محمد باقر (پايان كتاب چهارم)، با يادداشت تملك محمد رفيع بن مولانا ميرزا حسين در ۱۲۸۸ ق. نسخه را محمد حسن بن آخوند ملا رفيع برعلما و فضلاى خوانسار وغيره وقف کرده است. ۲۳ سطرى، جلد تيماج قهوه اى.

#### ۵۷. شوائع الاسلام فى مسائل الحلال والحرام

از محقق حلى نجم الدين أبو القاسم جعفر بن حسن (م: ۶۷۶ ق).

نسخ، مجد الدين بن محمد طاهر حسيني خوراسكانى، ۱۰۸۳ ق. عناوين به شنكرف. ۲۷ سطرى.

۱. الذريعة، ج ۱۶، ص ۳.

۲. الذريعة، ج ۱۵، ص ۲۵۳.

۳. الذريعة، ج ۱۹، ص ۳۰. > للشيخ الأقدم أبى محمد جعفر بن أحمد بن على القمى، صاحب الغايات و جامع الأحاديث و المسلسلات وغيرها إلى تمام العشرين ومأتين كتاباً على ما حكاه السيد ابن طاوس فى الدروع عن الكراچكى. يروى عنه الشيخ الصدوق فى معانى الأخبار وهو يروى عن الصدوق وعن صاحب بن عباد... ونسخة بخط العلامة النورى مع العروس والغايات والمسلسلات كتبها فى النجف ۱۲۷۹ ق توجد عند حفيده الميرزا على بن محمد ابن العلامة النورى المعروف بعلى بهزادى.<

### ۵۸. تذکرة العارفين<sup>۱</sup>

از: آخوند ملا محمد جعفر عقدائی یزدی (قرن ۱۳).<sup>۲</sup>

این نسخه جلد دوم کتاب است که مشتمل بر محفل یازدهم تا محفل نوزدهم است. عناوین محافل بدین شرح است: توکل، سخا، تقوا، مطهرات باطنیه، کبائر، شرح صدر، رفیق، باقیات الصالحات، مدح سحرخیزی.

نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳، عناوین به شنگرف.

### ۵۹. الکافی

از: ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (م: ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق).

این نسخه از کتاب الطهارة تا باب الأمر بالمعروف و نيز روضه کافی را در بر دارد. نسخ، عبد الله برتنگروردی مشهدی، ۱۰۴۸ ق. عناوین به شنگرف و در روضه نانوخته، قطع رحلی، ۲۱ سطری.

### ۶۰. عیون أخبار الرضا (علیه السلام)

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م: ۳۸۱ ق). نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۱ ظاهراً. مجدول و عناوین به شنگرف یا نانوخته. ۲۱ سطری، جلد تیماج ضربی ترنج دار.

### ۶۱. قواعد الاحکام

از: علامه حلی شیخ حسن بن یوسف بن علی بن المطهر (م: ۷۲۶ ق).

نسخ، کاتب نامعلوم، ۱۰۵۹ ق در مشهد الرضا علیه السلام، عناوین به شنگرف و نانوخته. در برگ اول نوشته شده: کتاب قواعد در پیش آخوند ملا محمد باقر مجلسی مقابله شده. ۱۹ سطری.

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۳۹. و رک: فهرست قدیم گلایگانی، ج ۳، ص ۹.

۲. > جعفر بن محمد علی العقدائی الیزدی واعظ خطیب فاضل، کان یقیم فی یزد وهاجر فی سنة ۱۲۳۶ إلى اصفهان وتوفی بعد سنة ۱۲۳۷ التي بدأ بتألیف كتابه فيها. له > تذکرة العارفين < بدأ به فی سنة ۱۲۳۷. > تراجم الرجال، ج ۱، ص ۱۲۷، طبع قدیم.

## ۶۲. معالم الدین وملاذ المجتهدین

از: شیخ جمال الدین حسن بن زین الدین شهید ثانی (م: ۱۰۱۱ق).  
نسخ زیبا، کاظم بن نور علی زنائی، رجب ۱۲۶۸ق. با حواشی به خط نستعلیق هنری به  
نقل از سلطان و صالح و دیگران. عناوین به سنگرف، ۱۲ سطری.

## ۶۳. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).  
جلد دوم کتاب است.  
نسخ، حسین بن هاشم طباطبائی خوراسکانی، ۱۲۵۷ق. در مدرسه نوریه اصفهان.

## ۶۴. جنة المأوی

از: سید محمد بن عبد الصمد شهشانی (م: ۱۲۷۸ق).  
یک دورفقه منظوم استدلالی است و این نسخه کتاب الزکاة تا آخر کتاب الحج را دربر  
دارد.

انجام: هذا وقد فاز نصوص الأولى وجاء ما يؤيد الذي يلي

نسخ جلی، کاتب نامعلوم، با مهر >إن الله يحب الصابرين<، ۱۲۷۷ق. با حواشی نستعلیق  
به نقل از مؤلف و حاشیه ای از میرزا ابوالحسن حسینی، و یادداشت تاریخ وفات مؤلف در  
غده یوم الاضحی ۱۲۸۷ق و فهرست آثار مؤلف بدین شرح: غایة القصوى جلدین، مشکاة  
الأنوار، هذا الكتاب خمسة جلد، عیشة راضیة فارسی، جامع السعادة فارسی، أنیس المتقین  
فارسی، أنوار الریاض، عروة الوثقی. عناوین به سنگرف، ۱۴ سطری، جلد تیماج ضربی زرد.

## ۶۵. التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب).

از: فخر الدین رازی (م: ۶۰۶ق).  
آغاز: قوله تعالى مثلهم كمثل الذي استوقد ناراً.  
انجام: وكان علی بن عیسی یقول تصدیق ذلك فی قوله تعالى. (ج ۳، ص ۳۵ چاپی).  
نسخ کهن، کاتب نامعلوم، با تملک حسن بن محمد بورینی شافعی و سید صدر الدین بن

صالح موسوی عاملی و برخی حواشی از وی. نسخه را سید صدرالدین در سال ۱۲۴۸ق بر فرزند خود محمد تقی و سایر اولادش وقف کرده است. ۲۳ سطری، جلد تیماج ضربی.

### ۶۶. المصباح (جنة الامان الواقية وجنة الايمان الباقية)

از: شیخ تقی الدین ابراهیم عاملی کفعمی (م: ۹۰۵ق).  
نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۱ ظاهراً. نیمه دوم به خط دیگری است. در حاشیه تصحیح شده است. عناوین به شنگرف. نسخه از طرف حوری جهان بیگم ملقب به بیگم جونی بنت حاج میرزا مرتضی شیخ الاسلام سابق اصفهان با ۷۳ جلد دیگر در ۱۲۴۸ق وقف شده است با تولیت اکبر اولاد آن مرحومه میرزا علی نقی ۲۰ سطری.

### ۶۷. علل الشرائع

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م: ۳۸۱ق).  
نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۱ یا ۱۲. عناوین به شنگرف و در پایان نانوشته. نسخه را امیرالدین محمد زاهدی طبیب وقف کرده است با تولیت خودش و سپس متولی موقوفات مدرسه جدید سلطانی واقع در چهارباغ اصفهان، با مهر لا اله الا الله الملك الحق المبین امیرالدین محمد.

### ۶۸. الکافی

از: ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (م: ۳۲۸ یا ۳۲۹ق).  
این نسخه از کتاب المعیشتة تا پایان کتاب روضه را در بردارد.  
نسخ، طهماسب بن محمد بن حسن جزائری، صفر ۱۰۷۷ق. عناوین به شنگرف. نسخه در ۱۲۷۸ق وقف شده است با مهر اسد الله بن محمد باقر الموسوی. قطع رحلی، ۳۰ سطری.

### ۶۹. مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الاسلام

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).  
این نسخه از نکاح منقطع تا پایان کتاب العتق را در بردارد.  
نسخ، یوسف بن ناصر بن احمد بن جعفر الحجری البحرانی، برای رئیس المحدثین سید حسین بن سید جعفر تویلی. با تملک ناصر بن عبد الله البلادی البحرانی و عبد الله بن مبارک بن علی بن عبد الله بن ناصر بن حسین احسائی خطی در ۱۲۱۸ق. و یادداشت مطالعه از محمد بن علی بن محمد بن عبد النبي محدث خراسانی. و تملک ابو ابراهیم احمد بن محمد بن

احمد بن ابراهیم درازی بحرانی در ۱۱۹۴ق و عبد الله بن علی بن احمد بن سلیمان بلادی و شیخ ناصر بن شیخ عبد الله بن علی بحرانی بلادی و محمد بن عبد الله بن علی بلادی بحرانی. نسخه را عبد الله بن مبارک بن سید حمدان احسائی خطی در ۱۲۳۷ق بر میرزا علی خلف علامه اوحد میرزا محمد نیشابوری وقف کرده جهت شادی روح محمد بن سلیمان اهل مدینه فلاحیه. با یادداشتی از محمد حسن بن موسی بن محمد رضا بن علی بن محمد محدث علوی خراسانی در ۱۳۲۲ق. ۳۰ سطری. جلد تیماج ضربی.

### ۷۰. الروضة البهية

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).

این نسخه جلد اول کتاب است.

نسخ، اقل الطلاب محمد حسین بن حاج مهدی مبارکه ای، ۱۲۷۱ق. با حواشی به نقل از سلطان و شیخ جعفر و دیگران. نسخه رازوجه آخوند ملا حسین مبارکه ای در ۱۳۰۶ق. وقف کرده است. ۲۵ سطری.

### ۷۱. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).

جلد اول کتاب است تا پایان کتاب الطهارة.

نسخ، کاتب نامعلوم، نسخه را علامه العلماء حاجی سید محمد باقر حسب الوصیة حاجی میرزا محمد صادق گلستانه در ۱۲۳۶ق وقف کرده و وقف نامه را محمد کاظم بن میرزا صادق گلستانه نوشته است. ۲۷ سطری. با مهر کتابخانه عمومی حسینیه خادمی.

### ۷۲. مجمع البحرين ومطلع النیرین

از: شیخ فخرالدین طریحی نجفی (م: ۱۰۸۵ق).

نسخ، محمد بن ملا علی ریزی لنجانی، ۱۲۲۸ق. حسب الفرموده مجتهد العصر والزمان حاجی ملا محمد شفیع [خوئی]. در پایان چند صفحه فوائد ملحقه آمده است. عناوین به شنگرف، با یادداشتی از محمد شفیع بن محمد در استکتاب کتاب. قطع رحلی، ۳۰ سطری.

### ۷۳. الکافی

از: ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (م: ۳۲۸ یا ۳۲۹ق).





این نسخه مشتمل بر قسم اصول است.

نسخ، ضیاء الدین بن میر محمد امین حسینی سبزواری، شهر رمضان ۱۰۹۲ ق. با حواشی به نقل از محمد صالح و محمد امین استرآبادی و رفیعا و دیگران در اوایل کتاب. عناوین به شنگرف، ۲۳ سطری، جلد تیماج قهوه ای ترنج دار.

#### ۷۴. التصریح بمضمون التوضیح

از: خالد بن عبد الله ازهری (م: ۹۰۵ ق.).

نسخ، صفر علی بن اسماعیل نجف آبادی، ۱۲۴۸ ق. در حاشیه تصحیح شده است. ۲۹ سطری.

#### ۷۵. المطول

از: مسعود بن عمر قاضی تفتازانی (م: ۷۹۲ ق.).

آغاز: الحمد لله الذي ألهمنا حقائق المعاني ودقائق البيان.

نسخ زیبا، محمد علی بن مهر علی سینی برخوار، ربیع الآخر ۱۰۷۳ ق. در حاشیه تصحیح شده است، با حواشی به نقل از شروح یا توضیحاتی به فارسی. ۲۲ سطری.

#### ۷۶. الحاشیة علی الروضة البهیة

از: شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی (۱۰۱۳ یا ۱۰۱۴ ق.).

نسخ زیبا، محمد هادی، ۱۱۲۳ ق. عناوین به شنگرف. قسمتی از آن به خط دیگری. با حواشی از بهاء الحسینی [نائینی] به خط وی. ۱۹ سطری.

#### ۷۷. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق.).

جلد اول کتاب است تا پایان کتاب الصوم.

نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۱ ظاهراً. با حواشی فراوان به نستعلیق نقل از عبد الله و م ت ق و م ق ر دام ظلّه. در حاشیه تصحیح شده و نشان بلاغ دارد. عناوین به شنگرف. با یادداشتی از محمد کاظم در ۱۲۳۰ ق مبنی بر این که این کتاب از کتب موقوفه ای است که جدش میر محمد باقر در ۱۱۲۳ ق وقف کرده است. و یادداشتی از م ه الهاشمی در تأیید خط پدرش محمد کاظم.

## ۷۸. منهاج الفلاح

از: علی بن شاه محمود باققی (قرن ۱۱ ق).  
> فارسی فی أعمال السنة وأدعية وآداب الطهارة والصلاة... رتبه علی مقدمة وسبعة أبواب  
وخاتمة، وفيه أعمال اليوم والليلة والأسابيع والشهور، وله خاتمة في أدعية الأوجاع والأمراض.<sup>۱</sup>  
مؤلف از شاگردان شیخ بهائی و معاصر شیخ حرّ عاملی است.  
آغاز: اللهم إني أشكرك وأشكرك.

پایان افتاده: فایده سابقه در بیان بعضی احرازات معصومین علیهم السلام...  
نسخ زیبای جلی، کاتب نامعلوم، قرن ۱۲. عناوین به شنگرف، ۱۴ سطری.

## ۷۹. حياة القلوب

از: علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م: ۱۱۱۰ ق).  
نسخ زیبا، حسین بن محمد بن علی بن صوّرزواره، شهر رمضان ۱۲۴۰ ق. در پایان نسخه  
مناجات و توسل به اهل بیت علیهم السلام به شنگرف نگاشته شده. عناوین به شنگرف، با تملک  
عبدالله مشیر الممالک انصاری در ۱۳۱۵ و اهداء کتاب از طرف دکتر بیانی رئیس کتابخانه ملی  
تهران در تاریخ ۳/۹/۱۳۷۵. ۲۵ سطری.

## ۸۰. تفسیر مواهب علیه

از: کمال الدین حسین واعظ بیهقی سبزواری کاشفی (م: ح ۹۱۰ ق).  
این نسخه از سوره نساء تا اواسط سوره هود را دربردارد.  
انجام: پس فرمود: و یا قوم و ای گروه من هذه ناقة.  
نسخ، کاتب نامعلوم، قرن ۱۱ یا ۱۲. عناوین به شنگرف با یادداشت نام کتاب در آغاز به  
خط علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی. ۱۸ سطری.

## ۸۱. مجموعه:

### ۱. عین البكاء<sup>۲</sup>

۱. الذریعة، ج ۲۳، ص ۱۷۰.

۲. الذریعة، ج ۱۵، ص ۳۶۷.



از: محمد تقی بن احمد بروجردی ساکن کاشان (قرن ۱۲ ق).  
مقتل حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) است با اشعار فراوان از مؤلف.  
آغاز افتاده: پرتوی را کاینچنین شمعی بود از ذوالجلال / قدسیان پروانه او چرخ فانوس  
خیال

انجام افتاده: گلویم تشنه این آب باشد / کجالب تشنگان راتاب باشد...

## ۲. ترجمه رساله حسنیه

از: ابراهیم بن ولی الله گرگین استرآبادی (قرن ۱۰).  
نسخ خوانا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳. عناوین به شنگرف. بدون جلد، ۲۱ سطری.

## ۸۲. قره العین

از: ؟

کتابی است در امثال قرآن کریم که در چهار قسم تدوین شده است: قسم اول: در امثال،  
وهی ثلاث فصول. قسم دوم: فی المحاورات والألفاظ التي تجری مجری المحاورات، در دوازده  
فصل. قسم سوم: در حکایات مرتبط با آیات، در هشت فصل. قسم چهارم: در آیات و ابیات  
لایقه.

آغاز: ربنا زینا بالعلم والتقی. چون آثار لطف الهی به اعداد نعم و امداد کرم در حق بنی آدم  
بسیار است شکر انعام بروی واجب و فریضه شود... پس الفاظی نادر که از الفاظ مردمان سایر  
است، و نکته های باهر که در افواه ناطقان دایر است، و استعاراتی لطیف که مصطلح ارباب  
بلاغت است، و محاوراتی شریف که متداول ارباب بلاغت است از کلام الله استخراج کردم، و  
حکایتی که به آیات مرتبط است از برای نزهت خاطر و راحت ناظر بیاوردم؛ تا ارباب هنر زلف  
سخن بدو بیارایند، و اصحاب فضل چهره هنر بدو ببیرایند... و این کتاب را لقب قره العین  
دادیم، و اساس این کتاب بر چهار قسم نهادیم.

انجام: و مصنف این تذکره را یقین و حقیقت است که فوق کل ذی علم علیم والله عزیز  
حکیم.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، ۹۰۵ ق. عناوین به شنگرف، وقف از طرف وراث مرحوم سید  
حسین مهدوی اردکانی. قطع جیبی، ۱۲ سطری.

### ۸۳. مقباس المصابيح

از: علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م: ۱۱۱۰ق).  
 <فارسی فی الأدعية الواردة فی تعقیبات الصلوات... کتبه باسم الشاه سلیمان فی عشرة فصول. فرغ منه ۱۰۹۶.⊃><sup>۱</sup>  
 نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۲. بان نشان وقف. مجدول به طلا ولاجورد، عناوین به سنگرف. ۱۵ سطر، جلد تیماج قرمز.

### ۸۴. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین

از: ملا فتح الله شریف کاشانی (م: ۹۸۸ق).  
 این نسخه از سوره یونس تا آخر فرقان را دربردارد.  
 نستعلیق تحریری، محمد علی بن مهر علی جزئی برخوار، قرن ۱۱. درقریه سین. با این یادداشت: مولانا علیرضا کاتب اصل این سه جلد اول ولد صلیبی مولانا فتح الله مصنف تفسیر است، و دو جلد باقی به خط پسرش مولانا امین بوده و قبل از این سه مجلد آن را نوشته ام. نسخه وقف بر اولاد است. ۲۸ سطر.

### ۸۶. سؤال و جواب

از: سید محمد باقر بن محمد نقی موسوی شفتی حجة الإسلام (م: ۱۲۶۰ق).  
 <فی مجلّدين فارسی و عربی... طبع مجلده الأول مرتین منها ۱۲۴۸ بالطبع المعتمدی، وینتهی إلى کتاب الودیعة. وصرّح فی أوله أنه تلمذ علی الأستاذ الوحید البهبائی. والمجلّد الثانی المشتمل علی نیف وعشرین کتابا من الکتب الفقهیة... یتبدء بکتاب الوصیة ویتتم بالحدود والدیات.⊃><sup>۲</sup>

نسخ، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳. عناوین به سنگرف. در آخر <رسالة فی تحقیق إقامة الحدود للفقهاء فی هذه الأعصار> و خاتمة فی المتفرقات آمده است. قطع رحلی، ۳۶ سطر. جلد تیماج ضربی ترنج دار

۱. الذریعة، ج ۲۲، ص ۱۸۰.

۲. الذریعة، ج ۱۲، ص ۲۴۳.

### ۸۷. ریاض المسائل

از: سید علی بن محمد علی طباطبائی اصفهانی حائری (م: ۱۲۳۱ق).  
جلد اول کتاب است.

نسخ، اقل الطلاب اسد الله بن عبد الله، صفر ۱۲۶۰ق. در حاشیه تصحیح شده و دارای نشان بلاغ است. نسخه را حاج محمد حسن قهپائی حسب الوصیه برادرش حاج علی اصغر قهپائی در ۱۲۶۲ق. وقف کرده است. قطع رحلی، ۳۴ سطری. جلد تیماج مشکوی.

### ۸۸. علل الشرائع

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م: ۳۸۱ق).  
آغاز افتاده: إلا الله عزّوجلّ وأما شبه الولد أعمامه وأخواله.  
انجام افتاده: هو والله فی الباطن هذا بعینه یا ابراهیم إنّ للقرآن.  
نسخ، کاتب نامعلوم، ربیع الأول ۱۱۱۱ق. (پایان جزء اول). در حاشیه تصحیح شده است.  
عناوین به شنگرف. ۲۲ سطری.

### ۸۹. شرح الالفیة فی النحو

از: ابن الناظم أبو عبد الله محمد بن جمال الدین محمد بن مالک (م: ۶۸۶ق).  
آغاز: قال الشیخ الإمام العامل الفاضل المتقن المدقق...  
نسخ، محمد سعید بن عزیز الله طباطبائی اردستانی، ۱۰۸۸ق. از روی خط حسین بن علی زوبیدی غراوی صالحی ساوی بغدادی که در ۱۰۲۷ق کتابت کرده. نیمه اول در حاشیه تصحیح شده است. ۱۹ سطری.

### ۹۰. مغنی اللیب عن کتب الاعاریب

از: جمال الدین بن یوسف بن أحمد بن عبد الله بن هشام انصاری مصری (م: ۷۶۱ق).  
نسخ زیبا، غلامرضا، ۱۲۴۸ق. با حواشی به نستعلیق نقل از دمامینی. عناوین به شنگرف.  
با نشان وقف با مهر عبد الجواد و محمد باقر بن عبد الجواد. ۱۹ سطری.

### ۹۱. الصافی فی تفسیر القرآن

از: ملا محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق).

این نسخه از سوره انعام تا آخر بنی اسرائیل را در بردارد.  
نسخ زیبا، عبد الحسین بن محمد مشکاتی، رمضان المبارک ۱۱۲۵ق. نسخه را سید احمد  
بن علی طباطبائی قهی قهیپایه در ۱۱۷۸ق وقف کرده است.

### ۹۲. شرح خلاصة الحساب

از؟

آغاز افتاده: ولا ینتهی تضاعف قسمه وتکثیرها أى قسمة المتضاعفة المتکثیرة.  
نسخ، محمد بن حسین موسوی نجف آبادی، ۱۳۱۱ق. مدرسه صدر اصفهان. قطع جیبی،  
۱۶ سطر.

### ۹۳. تحفة الزائر

از: علامه ملا محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م: ۱۱۱۰ق).  
نستعلیق، محمد شریف بن محمد صفی اردبیلی، ۱۱۰۴ق. در حاشیه مقابله شده و نشان  
بلاغ دارد. مجدول به طلا و شنگرف و لاجورد. برخی دعاها در حاشیه به خط نسخ زیبا آمده  
است. صفحه آغاز افتاده. ۱۹ سطر.

### ۹۴. الفوائد الحائرة

از: علامه مجدد آقا محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی بهمانی (م: ۱۲۰۵ق).  
آغاز: الحمد لله رب العالمین حمداً لا یقوی علی احصائه إلا ربنا.  
نسخ، قرن ۱۳. با مهر محمد جواد بن محمد رضا الحسینی، (احتمالاً کاتب) قطع جیبی،  
۱۶ سطر.

### ۹۵. خیر المناسک<sup>۱</sup>

از: محمد علی بن معصوم موسوی بیدهی جانکی (قرن ۱۴).  
آداب زیارت خانه خدا به فارسی مفصل درده مقدمه و شش باب و خاتمه که در سال  
۱۲۹۵ق تألیف و در ۱۳۰۷ق پاکتویس شده است.  
آغاز: الحمد لله الذی جعل السماء سقفاً مرفوعاً والأرض مهداً مسطوحاً والجبال وتداً ممدوداً

۱. نام این اثر در فهرس نیامده و نسخه ای منحصر به فرد است.



وجعل فیہما أمکنة هو فیہا معبوداً.

انجام: علی ید مؤلفه محمد علی بن معصوم بن مقصود بن معصوم بن عابد بن محب بن سعید بن شریف بن ابراهیم بن الیاس بن ابراهیم بن شریف بن سعید بن ابراهیم البیدھی الموسوی الجانکی.

نستعلیق تحریری، مؤلف، ۱۳۰۷ق. ۱۶ سطری.

### ۹۶. ردّ المرتدین<sup>۱</sup>

از: محمد علی بن معصوم موسوی بیدھی جانکی (قرن ۱۴).

در شناخت مرتد فطری و ملی و بیان احکام آنها و توبه مرتب بر چهار مقدمه و سه باب و خاتمه که در ۱۳۰۱ق در عرض پنج ماه تألیف شده و مقدمه و هربابی مفصل است به فصولی. در پایان اشعار مفصلی از مؤلف به طریق مثنوی در اثبات توحید و عدالت خداوند به نقل از کتاب دیگر وی <هادی المستطیعین> در ۱۵ صفحه آمده است. مؤلف از کتاب دیگر خود <تقدیس الباری> در ردّ شیخیه نام برده است.

آغاز: الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین الذین یؤمنون بالغیب.

نستعلیق تحریری، مؤلف، ۱۳۰۱ق. ۱۷ سطری. در پایان دو صفحه تقریظ و اجازه به تاریخ ۸ صفر ۱۳۰۷ق. آمده که نام مجیز پاک شده ولی دو مهر: <حسین منی وأنا من حسین> [فشارکی] و <محمد تقی بن محمد باقر> [آقا نجفی] در ذیل آن دیده می شود.

### ۹۷. شاه تحفه<sup>۲</sup>

از: محمد علی بن معصوم موسوی بیدھی جانکی (قرن ۱۴).

مؤلف قریب بیست سال خیال مسافرت طهران و ملاقات با ناصرالدین شاه را داشته و حدوث موانع مانع بوده است. وی این کتاب را قبل از مسافرت نگاشته و در آغاز آن اشعار بسیاری در مدح ناصرالدین شاه از خود آورده است. کتاب دارای مقدمه ای مشتمل بر مسائل مهمه مربوط به علم حال و سپس دو باب در صید و ذبایح است و در خاتمه بحث معاد جسمانی و معراج مطرح شده است.

۱. نام این اثر در فهرس نیامده و نسخه ای منحصر به فرد است.

۲. نام این اثر در فهرس نیامده و نسخه ای منحصر به فرد است.

این کتاب در ۱۳۱۳ق به پایان رسیده و مؤلف یک صفحه شعر در ثنای ناصرالدین شاه از خود آورده است.

آغاز: الحمد لله الذی خلق الإنسان وجعل فیہ أسباب الثوران لبعثه علی أفعاله لرفع احتیاجاته بالدوران. ثم جعل العقول والهادین والسلطین مانعین من شر أفعاله وضررها ومفسدتها فی هذا الجهان.

نستعلیق تحریری، مؤلف، ۱۳۱۳ق.

## ۹۸. مجموعه:

### ۱. حشیشة المتشبتین<sup>۱</sup>

از: زین العابدین بن محمد علی بن مرتضی بن عبد المطلب بن محمد رحیم بن محمد جعفر بن مولانا محمد باقر شریف سبزواری (م: ۱۳۱۸ق).

شرحی است به فارسی بر قصیده شاطیبه در علم تجوید که مؤلف آن را پس از سه کتاب <تذکره القراء>، <فرائد التجریدیة> و <التشجیرات> نگاشته است. در مقدمه از جامع المعقول والمنقول رئیس الملة والدين خاتم المجتهدین مولانا میرزا محمد مهدی شهریه نایب الصدر نام برده است.

### ۲. شجره طیبه

از: همان مؤلف.

تجوید مشجر است که پس از دو رساله <تذکره القراء> و <فرائد التجریدیة فی بیان قرائة القرآنیة> آن را در ۱۲ باب و خاتمه نگاشته است. در این نسخه ۵ باب اول آمده و از پایان ناقص است.

نسخ، مؤلف، ربیع الأول ۱۲۶۴ق. عناوین به سنگرف. ۲۳ سطری.

### ۹۹. زبدة الرسائل و نخبة المسائل<sup>۲</sup>

از: سید محمد باقر بن محمد نقی شفتی حجة الإسلام (م: ۱۲۶۰ق).



۱. نام این اثر در فهرس نیامده و نسخه ای منحصر به فرد است.  
۲. نام این اثر در فهرس نیامده و نسخه ای منحصر به فرد است.



مجموعه پنجاه رساله از سید حجة الإسلام شفتی است که میرزا احمد بن محمد تقی خوانساری در سال ۱۳۰۳ق به دستور فرزند آن مرحوم گرد آورده و از روی نسخه اصل کتابت نموده است.

فهرست رسائل مزبور بدین قرار است:

فاتحة الكتاب في الاجتهاد والتقليد.

الباب الأول في الطهارة فيه سبع رسائل.

الباب الثاني في الصلاة وفيه خمس رسائل.

الباب الثالث في الصوم وفيه أربع رسائل.

الباب الرابع في الحج وفيه رسالتان.

الباب الخامس في المتاجر وفيه رسالتان.

الباب السادس في العارية فيه رسالة.

الباب السابع في الوكالة فيه رسالة.

الباب الثامن في الأوقاف فيه رسالتان.

الباب التاسع في النكاح وفيه تسع رسائل.

الباب العاشر في الطلاق وفيه رسالتان.

الباب الحادي عشر في المطاعم وفيه رسالة.

الباب الثاني عشر في إحياء الموات وفيه رسالتان.

الباب الثالث عشر في الموارث وفيه رسالة.

الباب الرابع عشر في الحدود وفيه خمس رسائل.

خاتمة الكتاب في المتفرقات وفيها أربع رسائل.

آغاز: > الحمد لله الذي جعل العقل حجة للمكلفين، وقدوة للسالكين، ومرآة للعارفين، ومصباحاً للراجعين عن ظلمات أوهام هذه النشأة إلى معراج اليقين... وبعد، اين مجموعه ای است مسمی به زبدة الرسائل ونخبة المسائل من تألیفات فخر الأوایل والأواخر، مرجع الأعاضم والأفاضل، مشید أركان العلوم، مؤسس القواعد والرسوم مرحوم حجة الإسلام أعلى الله مقامه فی فرادیس الجنان، که در این اوقات سمت جمع و صورت ضبط یافت. اما کیفیت جمع و سبب و وجه تسمیه، چون کتاب کبیر سؤال و جواب که قریب پنجاه هزار بیت است و بحمد الله در

اطراف و اقطار انتشار دارد متضمن مطالب بسیار، مشتمل بر مسائل بی شمار، بعضی از آن به محض حکم و فتوا اقتصار، و برخی مبنی بر استدلال، با کمال بسط و تحقیقات، قصایر و تقلیدیات و اگزار، و بسائط و استدلالات را از میان انتخاب، و لمعه دیگر از رسائل شریفه و مسائل منیفه در فنون کثیره متعلق به فقه و غیره در مواضع متفرقه ثبت و ضبط بود که در عصر آن بزرگوار سمت انتشار نیافته... و این معنی واضح و معلوم که نوشتجات مثل آن مرحوم که تالی کلام معصوم علیه السلام و در میان تألیف متأخرین رضوان الله علیهم اجمعین کالتور فوق الطور، و مختار و مستنبط آن والا جناب کالوحی من السماء، از برای لاحقین از اصحاب حجّتی است واضح، و بیانی ساطع، و برهانی قاطع؛ پس منتهای حیف و دریغ بود که چنین نوشتجات رفیعی و تصنیفات عتیقی در پس پرده اهمال و تعویق بماند... بناء علی هذا در این اوان هدایت نشان سعادت قران که تاریخ هزار و سیصد و سه هجری او اواخر آن سنه بود که فرمان لازم الإذعان از قدوه اهل ایمان آیه الله فی الأنام الخلف الحفی النجل الزکی السّرّالولی الذی ینبغی ویلیق أن یفتخر بمخلافته الأسلاف والأخلاف روحنا فداه... شرف صدور و اعلام یافت به جمع آن جواهر ثمین و ضبط آن لآلی رنگین ثمّ الثبت والتدوین فی مجلّد واحد... و محمد الله الموقّق به دستیاری این گمنام تراب اقدام سلسله علیه طلاب سمت انتظام و صورت تمام و اختتام یافت.

نسخ زیبا، اقلّ الطلاب میرزا احمد بن محمد تقی خوانساری، ۱۳۰۳ق. نسخه از موقوفات بهرام بیگ است که در ۱۳۲۱ق وقف شده است. شماره ابیات نسخه از قرار رسیدگی آقا محمد حسین ولد حاجی ملا احمد کتابفروش ۲۹۲۰۰ بیت است. قطع رحلی، ۳۷ سطری.

### ۱۰۰. دیوان حافظ

نستعلیق زیبا، کاتب نامعلوم، رمضان المبارک ۱۲۳۵ق. دارای سرلوح زیبا، مجدول به طلا و شنگرف. ۱۴ سطری.

### ۱۰۱. ترجمه مفتاح الفلاح<sup>۱</sup>

از آقا جمال الدین بن آقا حسین خوانساری (م: ۱۱۲۳ق).  
 آغاز: مفتاح فلاح دنیا و عقبی و مقدمه نجاح آخرت و اولی.  
 نستعلیق ریز، کاتب نامعلوم، ۱۱۱۴ق. ترجمه ادعیه به شنگرف در زیر سطور، با حواشی

فراوان به نقل از آقا جمال سلمه الله. عناوین به شنگرف، با چند مهر تملک از جمله: <یا امام رضا> و <یا حسن التجاوز> و <الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسوی>. قطع جیبی، ۱۶ سطری، جلد تیماج لبه دار.

### ۱۰۲. الکافی

از ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق کلینی رازی (م: ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق). این نسخه مشتمل بر کتاب الروضة است. نسخ خوانا، کاتب نامعلوم، ۱۱۲۳ ق. در حاشیه تصحیح شده است. با مهر <الواثق برت الغنی محمد سعید الحسینی>. وقف کتابخانه مدرسه علوم دینی جلالیه اصفهان، ۲۱ سطری.

### ۱۰۳. حاشیه وافیه الاصول<sup>۱</sup>

از: سید صدرالدین محمد بن میر محمد باقر رضوی قمی (بعد ۱۱۶۰ ق). آغاز: الحمد لله الذي أوضح لنا منهاج الدين بمصباح الحق من مشكاة اليقين. نسخ نازیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳. عناوین نانوشته، ۲۶ سطری.

### ۱۰۴. منهاج الهداية إلى أحكام الشريعة

از: حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م: ۱۲۶۲ ق). جلد دوم کتاب است از آغاز کتاب المکاسب. انجام: ما يتضمّن ادعاء الملكية وإلا ردّت. نسخ، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳. عناوین به شنگرف و در آخر نانوشته. با یادداشت تملک محمد اسماعیل بن زین العابدین کفرانی در ۱۲۶۷ ق و شعری در آغاز به خط زیبای او. ۲۰ سطری.

### ۱۰۵. مجموعه:

#### ۱. العوامل فی النحو

از: ملا محسن بن محمد طاهر قزوینی نحوی (قرن ۱۲). آغاز: نحمدك يا من يرفع صالح العمل ونصلي على نبيك محمد وآله المبنين لهم كرامة المحلّ.

## ۲. شرح التصریف

از: مسعود بن عمر تفتازانی (م: ۷۹۲ق).

آغاز: إن أروى زهر يخرج في رياض الكلام.

نسخ، عبد الرزاق بن علی بن محمد حسین شاه طوری، ۱۲۶۴ق. (پایان کتاب اول)، ۱۲۵۴ق. (کتاب دوم) با حواشی فراوان به نقل از شروح، و یادداشتی به نستعلیق زیبا از محمد تقی بن حاج محمد صالح واعظ بیدگلی کاشانی الاصل پیکانی المسکن مبنی بر این که مالک کتاب آخوند ملا عبد الرزاق ولد آخوند ملا علی شاه طوری من قری رویدشت است. ۱۲ سطری.

## ۱۰۶. مفاتیح الشرائع

از: ملا محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق).

جلد اول کتاب است.

نسخ نازیبا، راشد بن زایر عبد الله جزائری جاوی، قرن ۱۲ یا ۱۳. در حاشیه تصحیح شده، عناوین به شنگرف، با تملک راشد بن زایر عبد خالد بن عبد الله بن عبید جزائری. ۱۹ سطری.

## ۱۰۷. [رضوان الآملین]

از: سید محمد بن عبد الصمد شهبهانی (م: ۱۲۸۷ق).

آغاز و انجام افتاده، احتمالاً رضوان الآملین شهبهانی باشد؟

نسخ بسیار زیبا، قرن ۱۳، عناوین به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و نشان بلاغ دارد. نسخه وقفی است، ۲۶ سطری، جلد تیماج ضربی ترنج دار.

## ۱۰۸. إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان

از: علامه حلّی أبو منصور حسن بن یوسف بن المطهر (م: ۷۲۶ق).

آغاز افتاده: ويرجع الضامن على المضمون عنه بما أدى إن ضمن ياذنه.

نسخ زیبا، مهر علی بن حاجی حسین اردبیلی، ۱۰۲۹ق. ۱۲ سطری.

## ۱۰۹. معالم الدين وملاذ المجتهدين

از: شیخ جمال الدین حسن بن زین الدین شهید ثانی (م: ۱۰۱۱ق).



نستعلیق تحریری، لطف الله بن محمد مؤمن، شوال ۱۰۶۸ق. با حواشی فراوان از قاسم عفی عنه، سلطان و م ح د طبسی سلّمه الله. عناوین به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و نشان بلاغ دارد. در پایان بلاغ محمد بن محمود طبسی به خط وی آمده است. قطع جیبی، ۱۵ سطری.

### ۱۱۰. الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)

از: اسماعیل بن حماد جوهری (م: ۳۹۳ق).

نسخ معرب زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۰ احتمالاً. عناوین به شنگرف. با تملک سید احمد حسینی حسینی و تاریخ ولادت علی قلی در ۱۰۳۶ق. قطع رحلی بزرگ، ۲۵ سطری، جلد تیماج ضربی قهوه ای.

### ۱۱۱. الکافی

از: ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (م: ۳۲۸ یا ۳۲۹ق).

این نسخه مشتمل بر اصول و فروع تا پایان کتاب الجهاد است.

نسخ، محمد حسین بن محمد شاه بن صدرالدین بن حسین حسینی شوشتری، ۱۰۱۴ق. (پایان کتاب الحیض)، محمد شاه بن صدرالدین حسینی مرعشی، ۱۰۰۴ق. (پایان کتاب الصلاة)، محمد عیسی بن صدرالدین بن حسین حسینی شوشتری (پایان کتاب الجهاد). زیر اسم کاتب نوشته شده: آقازاده سید علی خان کبیر و خط مبارک ایشان است. در حاشیه تصحیح شده، با حواشی از ش م ح د در آغاز کتاب. عناوین به شنگرف. نسخه را آقا شیخ علی اصفهانی بر حسب وصیت مرحوم میرزا والدش در ۱۲۴۷ق وقف کرده است. قطع رحلی بزرگ، ۲۷ سطری، جلد تیماج قهوه ای.

### ۱۱۲. مجموعه:

#### ۱. تذکرة الفقهاء

از: علامه حلیّ ابو منصور حسن بن یوسف بن المطهر بن یوسف (م: ۷۲۶ق).

آغاز: الطهارة لغة النظافة و شرعاً وضوء أو غسل أو تیمم.

انجام: قول الغاصب لأنّ العبد وما علیه فی ید الغاصب. إلی هنا وجد مکتوباً.

## ۲. البیان

از شهید اول محمد بن جمال الدین مکی عاملی جزینی (م: ۷۸۶ق).  
انجام: الفصل الثانی فی الإمساك وفيه مطالب. الأول فيما يسك عنه وهو أقسام. القسم الأول الاستمتاع يجب. إلى هنا آخر ما وجد بخطه.  
نسخ کهن، موسی بن علی بن موسی النجار، ۸۴۶ق. (پایان کتاب اول)، در حاشیه  
تصحیح شده با حواشی فراوان. و تملک محمد بن موسی شهیر به نجار و تملکی در ۱۱۳۰ق. مهر  
کتابخانه عمومی حسینیہ خادمی اصفهان. نسخه فرسوده، ۲۳ سطر.

## ۱۱۳. مجمع النورین

از حسین بن محمد حسن همدانی (م: ۱۳۲۴ق).<sup>۱</sup>  
در اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اثبات امامت و ردّ شبهات معاندین.  
مؤلف پس از تألیف این اثر، به کتابی در ردّ دین اسلام و انکار نبوت و قرآن و معجزات  
پیامبر برخورد کرده که آن را بعض کلاب مسلمین و کفره اهل علم، لأجل الدنيا و متاعها برای  
علمای نصارا تصنیف کرده و به جوایز و افره ای از سلطان دست یافته است. وی در حاشیه این  
کتاب کفریات او را تحت عنوان رجم الشیطان جواب داده و در خاتمه هر فراز این عبارت را آورده  
است: افهم یا همار! اناک من أصحاب النار.  
مؤلف به اقوال صدر المتألهین قدس سرّه، حکیم الهی اوحدی ملا علی نوری رحمه الله،  
صدر الدین قونوی، عالم ربّانی و فاضل متأله صمدانی حاج ملا رضا همدانی طاب ثراه،  
الحکیم المتأله الأوحدی السبزواری طاب ثراه استشهاد نموده، و از کتاب <المسائل التبریزيات>  
خود که در جواب مولی محمد مامقانی قدس سرّه نگاشته و بعض تعلیقاته فی الحکمة نام برده

۱. وی در کرمانشاه متولد شده، در همدان و اصفهان تحصیل کرده و به تدریس در مدرسه نیم آورد اشتغال داشته و  
نزدیک به یکصد جلد کتاب و رساله در موضوعات مختلف تألیف کرده است. به نوشته مرحوم سید مصلح الدین  
مهدوی: وی بدون زن و فرزند در مدرسه ساکن بوده و در سال آخر عمر به منزل مرحوم حاج میرزا محمد باقر  
تویسرکانی، یکی از شاگردانش، منتقل شده و هم در آنجا به سال ۱۳۲۴ق وفات یافته و در صحن شرقی امامزاده  
درب امام مدفون گردیده است. مزارات اصفهان ص ۲۰۸. وی شعر نیز می سروده و <معانی> تخلص می کرده.  
شاگردش حاج میرزا حسن خان جابری می نویسد: <معانی، میرزا حسین فاضل همدانی. در معقول و منقول  
پنجاه جلدش تألیف، و معانی بیان را استاد این بنده ضعیف [بود]>. بدایع و نوادر، ص ۱۶۰.



است. مطلبی نیز از >المحقق الوحيد شيخ العلماء بل وأستاذهم المولى الحاجى محمد جعفر الفارسى طاب ثراه< نقل کرده است.

مؤلف در آغاز کتاب مدح بلیغی در بیش از یک صفحه از شیخ محمد تقی [آقا نجفی اصفهانی] بدین شرح آورده است: >هنا رجل لیت شعری بأی نطق ولسان وأی بنان و بیان أحمى وأکتب نبذاً من کماله وخصاله أو جزء من فضله وإفضاله! وهى مما لا یدرکها اللحظ ولا یجمعها اللفظ، ولا یدربشافی العبارة ولا تسرح بالإشارة. تجلی عن التمثیل، وتزید علی التفصیل. اللهم ما أدرى كيف أصنع واحتال فى هذه الحال إلا أتى أقتع بقليل عن قليل واقتدیت بحکم ما قیل: ما لا یدرک کله لا یترک کله؛ فنقول: هو الخازن الأمين، وارث الرسالة وحامل الأمانة. نصب بضاعة العلم فى صنوان الصيانة. لم یمد ید التوسع إلى خوان الخيانة. قد أنت له الأساورة، وذلت له القساورة، وخضعت له الجبابة، وخشعت له الأمراء وبخع فى بابہ العلماء والأثقیاء والسعداء، ملجأ الأنام حقاً، ظهیر الإسلام جدّاً، مرکز سماء الحسن والإحسان، صديق الأصفیاء، حبيب الأولیاء، أنیس الفقراء، ینفق علیهم فى السراء والضراء... الفقیه الأوحى وفخر الفقهاء والوحيد الأفتھی، الکاشف لرموز الفقه الجعفرى صلوات الله علیه، مجمع المعقول والمنقول، مصدر الأصول والفروع، نتیجة سلسلة الأعظم من العلماء رضوان الله علیهم، المحقق الصفى المولى الشيخ محمد تقی، أدام الله تعالی أيام إفاضاته على المسلمین. سبحان من جعل الفضائل كلها مجموعة فى الفطرة الإنسان. وإنما أوردنا ذكره هنا أداء لجزء إحسانه؛ فإن أعان سلسلة العلم فى تراب السیخ أحد فى هذا اليوم فهو هذا الرجل ولا غیر، ولعمری إن قوام العلماء والطلاب والفقراء كان بیده الشریف. طوبى لهذا الأرض یظهر ترهبها أطواد محرك فى السماء الأول. اللهم یا منجى یوسف من غیابة الحب... نجى وخلصنى من هذه القرية...<

نستعلیق زیبا، مؤلف، قرن ۱۴. عناوین به شنگرف. مؤلف که ساکن مدرسه جدّه بزرگ اصفهان بوده نسخه رادر جمادى الأولى ۱۳۲۴ق وقف کرده و تولیت آن را پس از خود با عمده العلماء العاملين وزبدة الفقهاء المرّوجین وأفضل المجتهدین آقاى آقا میرزا محمد صادق [خاتون آبادی] نجل شریعتمدار آقاى حاجى محمد حسین حسینی احمدآبادی اصفهانی [نائب الصدر] قرار داده است.

### ۱۱۴. المطول

از: مسعود بن عمر تفتازانى (م: ۷۹۲ق).

خط نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۱ یا ۱۲، نسخه را امیرالدین محمد زاهدی طیب بر کافه شیعیان وقف کرده و تولیت آن را پس از خود با علامی فهامی مدرّس مدرسه جدید سلطانی واقع در دارالسلطنه چهارباغ اصفهان قرار داده است. با مهر لا إله إلا الله الملك الحق المبين امیرالدین محمد. عناوین به شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و نشان بلاغ دارد. پایان نو نویس. ۱۵ سطر.

### ۱۱۵. إجازة الحديث

از: سید محمد باقر بن زین العابدین موسوی خوانساری صاحب روضات (م: ۱۳۱۴ق).  
 اجازة اجتهاد و روایت است به میرزا خلیل مازندرانی بامدحی بلیغ از او.  
 مجیز از مشایخ خود؛ سید الفقهاء والمجتهدین وأنبل النبلاء فی علوم هذا الدین حجة الإسلام والمسلمین حاج سید محمد باقر شفتی، پدرش جمال العارفين حاجی امیرزین العابدین، امیر سید حسن بن امیر سید علی حسینی اصولی مدرّس، وفاضلان فقیهان و عالمان وجهان سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط و شیخ محمد قاسم بن شیخ محمد غروی صاحب شرح الشرائع را نام برده و مجازاً چنین ستوده است: >المولى العفيف والمشفق الألیف والعنصر اللطيف والجوهر المنيف والمجد الطریف والفاضل العریف والبازل جهده الشریف فی القيام بحق التكليف والتزام مراسم التصنيف والتألیف، الطیب الأعراق والجید الأخلاق والأید الخراق والمحكم الميثاق، خدنا الصادق وردنا الموافق، سراج العالمین وعلاج الطالبین، سدید الأعلام ورشید الإسلام، صاحب الذهن الوقاد والفهم النقاد وظهور کمال الاستعداد لنیل المراد الفوز بدرجة الاستنباط والاجتهاد، مع نهاية الغيرة فی أمر الدین وزيادة الجرأة على قمع الملحدین وقلع المفسدین وصفة التوکل على الله وشدة التوسّل بأذیال أمناء وحی الله والاتصاف بصفة المرورة والإنصاف والاتسام بسمة الفتوة وهجر الأجلاف، أعنى ولدنا الروحانی وعضدنا الإیمانی وحبیبنا الربانی والنور الشعشعانی، المیرزا خلیل بن الحاجی محمد جعفر المازندرانی، بلغه الله غاية الأمانی، وأذاقه حلاوة المعانی، ورزقه من القطفوف الدوانی.<

نسخ بسیار زیبا، کاتب نامعلوم، غره جمادی الأولى ۱۲۸۳ق. ۱۱ صفحه، ۱۷ سطر.

### ۱۱۶. الكافي

از: ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق کلینی رازی (م: ۳۲۸ یا ۳۲۹ق).





نسخ، محبّ الله بن محمد بن علی اتابک بهنمی سرایرجی، ۹۶۰ق (پایان کتاب الإیمان و الکفر). چند بار تصحیح شده و چندین انهاء و اجازه در مواضع مختلف در حاشیه به چشم می خورد. از جمله انهاء و اجازه شیخ حسین بن عبد الصمد حارثی در ۹۵۹ق در پایان کتاب فضل العلم و در حاشیه آغاز باب الهدایة. و دو انهاء و اجازه از سید قاسم بن محمد حسنی حسینی [کوپائی] برای مولانا حسین نطنزی در ۱۰۴۴ق در حاشیه پایان کتاب فضل العلم و کتاب الحجّة که به او اجازه داده تا از طریق وی از شیخ بهائی نقل حدیث نماید. در صفحه آخر نیز دو اجازه بدین شرح نوشته شده است: ۱. اجازه سید قاسم بن محمد حسنی حسینی به مولانا حسین در ربیع الثانی ۱۱۵۳ق. ۲. اجازه مولانا حسنعلی بن عبد الله تستری به مولانا حسین در ۱۰۴۵ق. با بلاغی از محمد صالح اصفهانی در ۱۱۱۵ق. در صفحه سفید قبل از کتاب الحجّة. عناوین به شنگرف، نسخه را حاجی محمد علی بن حاج محمد غدیر اصفهانی بر کافه شیعیان وقف کرده و محمد نصیر بن عبد الله وقف نامه را نوشته است. نسخه آسیب دیده و قسمت های زیادی از آن را موریا نه خورده است. ۱۸ سطری.

#### ۱۱۷. وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).  
این نسخه جلد پنجم و ششم کتاب است.  
نسخ زیبا، میرزا علی بن حاجی محمد قاسم اصفهانی، جمادی الأولى ۱۰۸۸ق. عناوین به شنگرف، با نشان تملک محمد رسول بن عبد العزیز [کاشانی] در ۱۲۳۵ق. و مهر کتابخانه حسینیّه خادمی. ۲۳ سطری.

#### ۱۱۸. عوائد الايام

از: ملا احمد بن محمد مهدی نراقی کاشانی (م: ۱۲۴۵ق).  
آغاز افتاده: فیما أحل لهم أو حرم علیهم، عن ابن عباس فی رواية أخرى قال: هو ما أحلّ وحرّم. (ص ۷ چاپی).  
انجام: فالطریق حقیقة مرکبة من الجمیع، بعض معاضداته من بعض طرق متعدده. العاشر. (ص ۶۸۹ چاپی).

نسخ نازیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۳، عناوین نانوشته، با حواشی از م ه العلوی [میرزا محمد

مهدی نایب الصدر [۲۲ سطر].

### ۱۱۹. تحریر الاحکام الشرعية

از: علامه حلی شیخ حسن بن یوسف بن علی بن المطهر (م: ۷۲۶ ق).  
این نسخه از آغاز کتاب تا آغاز کتاب الجهاد را در بردارد.  
آغاز افتاده: علی العالم بالبعض، وكون الفقه مظنوناً، لأن المراد بالعلم الاستعداد التام. (ج ۱، ص ۳۱ چاپی).

انجام: الجهاد من أعظم أركان الإسلام، وفيه ثواب عظيم، قال الله تعالى: لا يستوي القاعدون... (ج ۲، ص ۱۲۹ چاپی).  
نسخ کهن قرن ۹ احتمالاً، کاتب نامعلوم، ۲۱ سطر.

### ۱۲۰. هموم المؤمنین وغموم المحبتين

از: محمد حسن بن محمد ابراهیم یزدی  
مختصری است از احوال امام هفتم علیه السلام و چون مشتمل است بر اخذ و حبس و قتل آن بزرگوار و شهادت بسیاری از اهل بیت اطهار لهذا بدین اسم موسوم گشته و آنچه در آن ذکر شده از بحار یا عوالم است.

انجام ناتمام: و دلیل بر این که باید به این مرتبه دانا و اعلم باشد.  
پس از آن چندین مجلس ظاهراً از کتاب حیوان واعظ سبزواری کتابت شده است.  
نسخ خوانا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۴. ۱۷ سطر.

### ۱۲۱. حاشیه شرح المطالع<sup>۱</sup>

از: ملا میرزا محمد بن حسن مدقق شیروانی (م: ۱۰۹۸ ق).  
حاشیه بر شرح قطب الدین رازی (م: ۷۶۶ ق) بر مطالع الأنوار سراج الدین محمود ارموی (م: ۷۶۶ ق) در منطق است که پس از سال ها تدریس آن، نگارش یافته و به شاه عباس حسینی موسوی صفوی بهادر خان تقدیم شده است.  
آغاز: الحمد لله الذي شرح صدورنا بلوامع نور الإيمان بجلال ذاته الطالع من مطالع العرفان

۱. الذريعة، ج ۶، ص ۷۶. علامه طهرانی حاشیه مدقق شیروانی را بر حاشیه شریفیه بر مطالع ذکر کرده است.



بکمال صفاته، ونور حواشی قلوبنا بضیاء الإیقان بآثاره وسماته الشارق من مشارق البرهان علی صدق وحیه ورسالاته... أما بعد، فيقول الراجی للكرم الربانی میرزا محمد بن الحسن الشیروانی إن شرح المطالع للمولی البارع قطب الملة والدين ملك الناظرين كتاب لا يشق غباره ولا يدرك آثاره ولا يوزن بمصنّف في هذا الفن إلا وكفته راجحة، ولا يقاس بمؤلف في تلك لاصناعة إلا وخفة ذلك المؤلف واضحة، وقد شاع واشتهر في الأصقاع والأرباع، واشتهر به كلّ قصير الذراع وطويل الباع. يطوى إليه البيد ويهجر له الحوذ والعنيد. كلّ من ضرب بسهم في العلم يضرب إليه بأكباد النوق، وجلّ من جعل هذا الفنّ خطبه يخطبه ولوبيض الأثوق. وحواشی المحقّق الشريف تلوه في الانتشار وصنوه في الاعتبار، عليه طلاوة عذار الصباح، وفيه حلاوة أعدار الملاح، كأنه استوهب من خريدة هيفاء لطف إشارتها، واستعار من جبة حسناء ظرف شارتها. ولقد اهتمّ به أعيان العلماء المذكورين، وأكّبت عليه أشرف الفضلاء المشهورين. ألّبت به كلّ لبيب، ودأب فيه كلّ أديب. وتعليقات مشيد المعاني والمباني المولى المحقّق الدواني ثالثها في الرغبة والنفاسة... ولقد كنت برهة من الزمان على حين روض الشباب في مأها وغصن العمر في نمائها، ويرد الحدائة بعد قشيب وعودها رطيب، حريصاً على مدارسته، راغباً في مباحثته، وأمر سؤلى الفكر والنظر عليها. وطالما أذرعت لها جلباب الليل فلم أخلعها إلا والسحرمقارنى، وربما تطلعت على خدائنها فلم أرجع إلا والسهر وكارى وكنت كتبت عليها حواشى وأبعدت عن وجوه خباياه غواشى، ثم عاقت عنها عوائق الدهر الخؤون وأنسيتها حتى كاد تغنى لها ريب المنون. ثم عدت بعون الله إليه وعرجت بتوفيق الله عليه فأتممتها وإلى أخواتها ضممتها، فجاء بحمد الله كما تشتهيها النفوس.

انجام افتاده: فلانّ المحذور إنما هو مقوم المجموع بالتقيضين.

نسخ، كاتب نامعلوم، قرن ۱۱ ظاهراً. حواشى مفصلى از ابوتراب عفى عنه در اوایل کتاب نگاشته شده. با تملك محمد صالح بن محمد جعفر. نسخه در سال ۱۲۹۷ق بر حسب وصيت مرحوم بهرام بيك بر طلاب اصفهان وقف شده است. با یادداشتی در همین سال بدین شرح: این از جمله هشتاد جلد کتبی است که از جناب آخوند ملا علی میرزا خریده شد جهت وقف از نساء موران و طهرانجی. ۲۳ سطرى.

## ۱۲۲. الحاشیة على حاشیة تهذیب المنطق<sup>۱</sup>

از: شیخ اسحاق حویزی

حاشیه ای است بر حاشیه ملا عبد الله یزدی بر تهذیب المنطق تفتازانی. آغاز: قوله: أفتتح بحمد الله. الظاهر أنه ظرف لغو متعلق بأفتتح والباء صلة. نسخ، محمد حسین بن محمد رضا طالقانی، جمادی الأولى ۱۱۰۹ ق. در اصفهان، قطع جیبی، ۱۵ سطری.

## ۱۲۳. صراط الرشاد ومیزان العباد

از: ملا حبیب الله بن علی مدد شریف کاشانی (م: ۱۳۴۰ ق).

نصایح اخلاقی است که برای سید عبد الصمد نگاشته شده و مشتمل بر سه باب است که هر باب دارای چند میزان می باشد. باب اول در نصیحت اغنیاء متمولین. باب دوم در نصیحت فقرا و مساکین. باب سوم در نصیحت علماء.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم وهو المنتزه عن نهاية حمد الحامدين، وله الشكر الدائم على ما وقفتي لأداء فرائض الدين... أما بعد، فيقول الراجي من الله الصمد حبيب الله بن علي مدد مخاطباً لأخيه السيد عبد الصمد... حتمت على نفسي تحرير رسالة شريفة ووجيزة منيفة، مشتملة على درر نوائح لا ينبغي للمؤمن أن ييخل بها أخاه، حاوية للثالي مواظب يجب على المسلم أن يسمح بها لمن أخاه، وهي تذكرة لمن تذكر واهتدى... وتلك الرسالة تميز الموحد عن الملحد والمؤمن عن الجاحد فلذا صارت موسومة بصراط الرشاد وميزان العباد.

نستعليق تحریری، عبد الصمد، شوال ۱۲۷۸ ق. عناوین به شنگرف. قطع جیبی، ۴۸ ص، ۲۴ سطری.

## ۱۲۴. لیلی و مجنون<sup>۲</sup>

مکتبی شیرازی (ق ۹ و ۱۰).

آغاز: ای بر احدیتت ز آغاز خلق ازل و ابد هم آواز

ماده تاریخ فراغ و عدد ابیات آن چنین است:

۱. الذریعة، ج ۶، ص ۶۰.

۲. الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۹۷.



چون مکتبی این کتاب بگشود تاریخ <کتاب مکتبی> بود ۸۹۵  
 ایات که در حساب پیوست آمد دو هزار و یکصد و شصت ۲۱۶۰  
 نستعلیق، محمد حسین، قرن ۱۳، حسب الفرموده شیخ المشایخ والمعارف قطب الزمان شیخ  
 علی اکبر. عناوین به شنگرف. در حاشیه تصحیح شده است. بدون جلد، ۱۶ سطری.

### ۱۲۵. مجمع الفائدة والبرهان

از: ملا احمد بن محمد مقدّس اردبیلی (م: ۹۹۳ق).  
 این نسخه از واسط آداب التجارة شروع می شود.  
 آغاز افتاده: بعید لعدم صحة الرواية، بل اسنادها أيضاً غير ظاهر، وعدم صراحة النهی. وأيضاً  
 قد يكون البادئ فقيراً جداً ولا يعرف السعر. (ج ۸، ص ۱۳۳ چاپی).  
 نسخ، کاتب نامعلوم، قرن ۱۲ ظاهراً. عناوین به شنگرف. با حواشی از سید صدرالدین  
 موسوی [عاملی] به خط مبارک او. قطع نیمه رحلی، ۲۱ سطری.

### ۱۲۶. مجموعه:

#### ۱. کنز العرفان

از: شیخ جمال الدین مقداد بن عبد الله سیوری (م: ۸۲۶ق).  
 آغاز افتاده: قال مالك وقال أبوحنيفة: هو مستحبّ غير واجب... السادسة: وأنزلنا من  
 السماء ماء طهوراً. (ج ۱، ص ۳۶ چاپی).

#### ۲. الأربعون حديثاً

از: شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عاملی (م: ۱۰۳۰ق).  
 نسخ زیبا، محمد علی بن حاجی شاه محمد زنائی اصفهانی، ۱۰۷۵ق. عناوین به شنگرف.  
 نسخه را خیر النساء بنت استاد رضاء زنائی اصفهانی در ۱۰۸۹ق وقف کرده و ثوابش را به روح  
 فرزندش حاجی محمد علی زنائی (کاتب نسخه) اهداء کرده و تولیت را با فرزند دیگر خود  
 حاجی محمد حسین قرار داده است. تعدادی از اوراق کتاب افتاده است. بدون جلد،  
 ۲۱ سطری.

### ۱۲۷. عقائد الایمان

از: حبیب الله بن علی مدد شریف کاشانی (م: ۱۳۴۰ق).  
نسخ و نستعلیق خوانا، حسین علی خواجهئی ابن محمد علی تاجرافصفهانی، ذی القعدة  
۱۳۴۶ق. عناوین به شنگرف. ۵۲۷ ص، ۱۶ سطری.

### ۱۲۸. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).  
جلد دوم کتاب است از کتاب الإجارة تا پایان.  
نسخ تحریری نازیبا، سید محمد محسن حسینی ابن سید عبد الباقي نائب الصدارة، ساکن  
اصفهان، ۱۲۵۷ق. با چند تاریخ تولد و وفات دربرگ آخر، از جمله تاریخ ولادت کاتب در  
۱۲۲۵ق. تاریخ وفات آقا سید محمد تقی (جد کاتب) ۱۲۳۲ق. تاریخ فوت میر محمد صالح  
قاضی عسکر ۱۲۲۲ق. تاریخ وفات آقا سید عبد الباقي (والد کاتب) در کردستان، شب جمعه  
۱۸ ربیع الأول ۱۲۵۰ق. تولد سید عبد الباقي (فرزند کاتب) ۱۲۵۴ق. وفوت وی در ۱۲۶۲ق.  
تولد میرزا محمد شفیع (فرزند کاتب) ۱۲۵۲ق. ۲۴ سطری.

### ۱۲۹. النخبة فی الحکمة العملية والاحکام الشرعية

از: ملا محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق).  
آغاز: الحمد لله الذی أوضح بأئمة الهدی من أهل بیت النبوة عن دینه القویم، وأبلج بأنوار  
آثارهم فی ظلمات البدع والأهواء عن صراطه المستقیم.  
نسخ خوانا، کاتب نامعلوم، ۱۰۶۷ق. در مشهد مقدس. نسخه از نساء املاک موقوفه مرحوم  
حاجی ملا احمد قهپایه ای وقف شده است، با تولیت آقا میرزا محمود خان قهپایه ای و نظارت  
حاجی میرزا حسن حکیم باشی. با یادداشت تملک با مهر العبد محمد صادق الخادم در  
۱۱۳۹ق. و مهر تملک محمد باقر بن محمد نقی الموسوی و تملک محمد علی بن محمد باقر حسینی  
و یادداشت تملک محمد بن حمزه شفتی گیلانی در اصفهان. ۱۷ سطری.

### ۱۳۰. حلّ مشکلات الاشارات و التنبيهات

از: خواجه نصیر الدین محمد بن حسن طوسی (م: ۶۷۲ق).  
آغاز: الحمد لله الذی وفقنا لافتتاح المقال بتحمیده، وهدانا الی تصدیر الکلام بتمجیده.

انجام: قوله وهذه مغالطات. (ج ۱، ص ۳۱۸ چاپی).

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، قرن ۱۲. عناوین به شنگرف یا نانوشته. نسخه را علامی فهامی مولانا حبیب الله ولد ملا حسنعلی بر کافه شیعیان وقف کرده و تولیت آن را با میر محمد حسین بن میر محمد صالح قرار داده است که نام متولی را تراشیده اند. قطع جیبی، ۱۸ سطری.

### ۱۳۱. مجموعه:

#### ۱. التحفة الحسینیة<sup>۱</sup>

از: علامه آقا محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی بهبهانی (م: ۱۲۰۵ق).

فتاوی وحید بهبهانی است که یکی از شاگردانش جمع آوری کرده، مشتمل بر مسائل طهارت و صلاة.

آغاز افتاده: اتمام و اختتام این رساله در جوار حضرت سید الشهداء و خامس آل عبا و نور دیده حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله واقع شده تسمیه آن به تحفة الحسینیة مناسب دانسته شد.

#### ۲. سؤال و جواب

از: وحید بهبهانی

آغاز: مسایلی که بزرگان و علما و دانایان شیعه اثنی عشریه که نام بعضی در اول سؤال مسأله درج است تحقیق آن را از خدمت عالیجناب مقدس القاب فضایل مآب عالم عامل و فقیه جامع کامل باذل شمع دین مجتهد الزمانی مولانا محمد باقر بن العامل المرحوم مولانا محمد اکمل الاصفهانی المشهور به بهبهانی آدام الله آیام إفادته نمودند و آن جناب فتوا دادند و این فقیر جمع نموده و از نظر فیض منظر آن جناب گذرانیده. سؤال: عدالتی که در شهود و امام جماعت معتبر است کدام معنی از اوست؟

انجام: علی آئی تقدیر غسل بعد از ازاله نجاست است. (در پایان صورت رؤیای جناب علامه وحید بهبهانی و مشاهدات او در حرم حضرت سید الشهداء علیه السلام به نقل از آن جناب آمده است).

شکسته نستعلیق، محمد حسین بن محمد امین متوطن قریه میرآباد برخوار، حسب خواهش

سید بدرالدین محمد حسینی ساکن قریه سین برخوار، ۱۲۰۱ق. از روی نسخه مورّخه ۱۱۸۴ق. عناوین به شنگرف، قطع جیبی، ۱۲ سطری.

### ۱۳۲. دیوان مظهر

از؟

اشعار عرفانی فارسی شاعری مظهر تخلص است که به جهت تعدّد این تخلص، شناخته نشد.

آغاز: رسید تا که به گوشم صدای نعره او برآورم ز جگر لا اله الا هو  
پایان این نسخه محتمس اشعار شیخ بهائی است با این آغاز:  
بُد مرا شب دوشین بزمکی به پنهانی از درم درآمد یار با جمال نورانی  
نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، قرن ۱۴، قطع جیبی، ۱۴ سطری.

### ۱۳۳. تحریر القواعد المنطقية فی شرح الرسالة الشمسية

از: علامه قطب الدین محمد بن محمد رازی (م: ۷۶۶ق).

آغاز: إنّ أبی دررتنظم بینان البیان وأزهر زهرتتشر فی اردان الأذهان حمد مبدع.  
انجام: لأنّ الأشياء بینة الثبوت للشیء. ولیکن هذا آخر ما أردنا إیراده فی هذه الأوراق  
والحمد لله واجب الوجوب ومفیض الأرزاق والأخلاق.

نسخ خوانا، کاتب نامعلوم، ۱۰۹۲ق. عناوین به شنگرف، با مهر > یا بدیع السموات  
والأرض < در پایان (گویا مهر کاتب است). قطع جیبی، ۱۹ سطری.

### ۱۳۴. الکشاف عن حقائق التنزیل

از: جارالله محمود بن عمر زنجشیری خوارزمی (م: ۵۳۸ق).

این نسخه از آغاز قرآن کریم تا پایان تفسیر سوره آل عمران را در بردارد.  
نسخ زیبا، کاتب نامعلوم، قرن ۱۱ ظاهراً. در حاشیه تصحیح شده است. عناوین به  
شنگرف. ۲۹ سطری.

### ۱۳۵. وسائل الشیعة إلى تحصيل مسائل الشریعة

از: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ق).

این نسخه جلد اول است.



انجام نامتوم: وفي جواز الصلاة في السيف، وفي الحلق والتقصير في الحج وغير ذلك، وقد نقل جماعة من علمائنا إجماع الإمامية على العمل بمضمونها. (ج ۳، ص ۵۲۹ چاپی).  
 نسخ خوانا، كاتب نامعلوم، قرن ۱۱، در حاشیه تصحیح شده، با حواشی منه دام ظلّه العالی. عناوین به شنگرف. با یادداشت تملک جمال الدین اسحاق در ۱۱۱۹ق. و یادداشت تملک محمد رسول بن عبد العزیز کاشانی در ۱۲۴۷ق به خط نسخ زیبا. و دو مهر از ابی تراب بن محمد هادی فیضی و محمد مهدی بن محمد هادی فیضی. ۱۷ سطری.

### ۱۳۶. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب).

از: فخرالدین رازی (م: ۶۰۶ق).  
 آغاز: الحمد لله الذی وقفنا لأداء أفضل الطاعات، ووقفنا على كيفية اكتساب أكمل السعادات.  
 انجام: الثانی: أنه علامة يفعلها الله تعالى للملائكة إذا سمعوها علموا أنه أحدث أمراً. (ج ۴، ص ۳۱ چاپی).

نسخ زیبا، كاتب نامعلوم، قرن ۱۲. عناوین به شنگرف. نسخه از نماء حمام واقع در اراضی نقش جهان اصفهان (از اوقاف سلطان سلیمان موسوی صفوی بهادر خان) استنساخ شده و در ۱۱۰۱ق به وسیله علامه مجلسی علیه الرحمة وقف شده است.

### ۱۳۷. ریاض المسائل

از: سید علی بن محمد علی طباطبائی اصفهانی حائری (م: ۱۲۳۱ق).  
 این نسخه از طهارت تا آخر اعتکاف را در بردارد.  
 نسخ، عبد الله بن محمد فصیح خوانساری، ۱۲۴۳ و ۱۲۴۵ق. نسخه حسب وصیت حاجی میرزا محمد مهدی گلستانه در ۱۲۶۴ق وقف شده تا ثواب آن عاید روح مرحوم میرزا محمد صادق گلستانه اخ اکبر آن مرحوم گردد، با تولیت اولاد ذکور برادر مذکورش. با دو مهر محمد کاظم بن محمد صادق گلستانه و محمد صادق بن محمد کاظم گلستانه. قطع رحلی.

### ۱۳۸. شرح فصوص الحکم

از: مؤید الدین جندی (م: ۶۹۰ق).  
 آغاز افتاده: تجرید القصد والهمة هو أن يكون أحدى التوجه والعزيمة فيما اهتتم به ونوى من

غیراًن یتخلّله متخلّل فی ذلك. (ص ۱۳۹ چاپی).  
انجام افتاده: كما قال الجنید رحمہ اللہ تعالیٰ حین سئل عن المعرفة باللہ والعارف، فقال: لون الماء لون إنائه. وهذا جواب سادّ. (ص ۷۲۹ چاپی).  
نسخ کهن، کاتب نامعلوم، قرن ۹ احتمالاً. عناوین به شنکرف، در حاشیہ تصحیح شدہ است. ۲۱ سطر.

### ۱۳۹. مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الاسلام

از: شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (م: ۹۶۵ق).  
این نسخه مشتمل بر کتاب العتق تا کتاب اللقطة است.  
نستعلیق تحریری، عبد الغالب بن عنایة اللہ بن علی بن محمد فیروزآبادی، قرن ۱۱. نسخه را محمد داود بن عنایة اللہ ملقب به تقرّب خان در ۱۰۷۲ق. وقف کرده است با تولیت اولاد خود.  
و یادداشت تملک عبد الرشید بن نورالدین. ۲۶ سطر.

### ۱۴۰. حقّ اليقين<sup>۲</sup>

از: سید خلف بن عبد المطلب بن حیدر موسوی مشعشعی حویزی (م: ۱۰۷۴ق).  
کتابی است در علم اخلاق و سیر و سلوک مطابق با تعالیم اهل بیت علیهم السلام که در سه مقدمه و ده کتاب و یک خاتمه تدوین گشته و فهرست مطالب آن بدین قرار است:  
المقدمة الأولى فی ذکر ما أودع اللہ تعالیٰ فی الإنسان من العقل والروح والنفس والقلب.  
المقدمة الثانية: فی معارف یتعلّق بالإنسان.  
المقدمة الثالثة: فیما یجب علی الإنسان من الأصول وما یجتنب، وبعض ما ینبغی له من العمل مع إخوانه.  
الكتاب الاول فی اليقين. وهو علی طرائق؛ الطريقة الأولى فی الاعتقادات، وهي مرتبة علی مسالك. المسلك الأول: فی فضیلة اليقين وذمّ الشک.  
المسلك الثاني: فی ذکر حسن الخلق والبشر وذمّ سوء الخلق.

۱. این نسخه و نسخه قبل از کتب مرحوم حجة الاسلام سید محمد فقیه احمدآبادی است که به کتابخانه اهداء شده است.

۲. الذریعة، ج ۷، ص ۴۰.



المسلک الثالث: فی بیان فضل النصیحة وذمّ الحسد.  
المسلک الرابع: فی بیان فضیلة کظم الغیض والحلم وذمّ الغضب.  
المسلک الخامس: فی بیان فضیلة العفو وذمّ الحقد وهو مرتب علی مقامات (۳ مقام).  
المسلک السادس فی فضیلة الکرّم والجود والسماحة والإیثار وذمّ البخل والشحّ.  
الکتاب الثانی فی ذکر صفات لازمة للسالك أن يعمل بها، وصفات یجب علیه اجتنابها، وهو مرتب علی مسالك.  
المسلک الأول: فی ذکر التوبة والاستغفار وذمّ الإصرار.  
المسلک الثانی: فی صفات ینبغی للتائب أن يعمل بها ویبادر إلیها و ذکر أشياء توجب حثّه علی المبادرة.  
المسلک الثالث: فی ذکر صفات ینبغی للسالك المواظبة علیها، وهی المحافظة والإخبات والاعتراف بالتقصیر.  
المسلک الرابع: فی ذکر صفتین مهلكتین، وهما العجب والغرور.  
الکتاب الثالث فی ذکر صفات ینبغی للسالك الاتصاف بها والمواظبة علیها وأن یجتنب أضرارها من الصفات المهلكة. وهو مرتب علی مسالك.  
المسلک الاول: فی ذکر الزهد وذمّ الدنيا والموعظه فیها وقصر الأمل والعمر.  
المسلک الثانی: فی فضیلة القناعة والفقر وذمّ الحرص.  
المسلک الثالث: فی فضیلة التواضع والرفق وذمّ الکربر.  
المسلک الرابع: فی ذکر ذمّ الریاسة والجاه وما یلحق بهما أو یضادّهما لیكون علاجاً.  
الکتاب الرابع فی ذکر الشکر والصبر ومقاماتهما، وهو علی مسلكین.  
الکتاب الخامس فی ذکر مقامین للسالك لا ینجوا إلا بهما، و ذکر توابعهما وأضرارهما، وهما الخوف والرجاء. وهو مرتب علی مسلكین.  
الکتاب السادس فی ذکر بیان صفتین ینبغی للسالك المحافظة علیهما، وهما التقوی والورع. وهو مرتب علی مسلكین.  
الکتاب السابع فی ذکر صفات ینبغی للسالك أن یكون علیها، وکیفیه سیره فی سلوکه. وذلك مرتب علی مسالك.  
المسلک الأول: فی ذکر الخلوّة والعزلة والصمت والحمول والأنس.

المسلک الثانی: فی ذکر صفات ینبغی للمسالک المواظبة علیها، وهی الذکر والحیاء والأدب والصدق والصحة والحریة.

المسلک الثالث: فی أوصاف ینبغی للمسالک أن یکون علیها، وهی التصوّف والسکينة والصحة والمداراة والطمأنينة والعزم والإرادة والقصد. وهو مرتّب علی مقامات.

الکتاب الثامن فی ذکر صفات مهمة ینبغی للمسالک الإقامة علیها وأن یمجاهد نفسه علی توطینها وحفظها لأنه بدونها یتعدّر علیه قصد السبیل... وهی النیة والإخلاص والمحاسبة والاستقامة والمراقبة والتفکر والرعاية والحرمات والتهدیب والمرابطة. وهو مرتّب علی مسالک.

الکتاب التاسع فی ذکر صفات جلیلة ومزایا جمیلة علیها عماد السلوک، وفیها یأمن الطریق، وبها یحصل بحمد الله المخرج من المضیق... یرجع إلى ثلاثة مقامات: التوکل والتفویض والتسلیم. وهو مرتّب علی مسلکین.

الکتاب العاشر فی ذکر صفات جلیلة هی المقصد الأقصى والمطلب الأسنى فی هذا الطریق؛ فالسعید من تنوّر قلبه فی سواطعها وأشرق سرّه من لوامعها، والمحروم من أسدل علیه دونها حجاب، وضرب بینه وبينها بباب... وهذا الکتاب یترتّب علی مسلکین وأحوال وخاتمة.

المسلک الأول: فی الرضا من الحقّ سبحانه فی جمیع أحكامه وقضائه وأفعاله وأسبابه. وهو مرتّب علی مقامات.

المسلک الثانی: فی ذکر مقام المحبة وفضیلتها وحدودها ودرجاتها وتوابعها وما یلحق بها من الأحوال. وهو مرتّب علی مقامات وأحوال.

مؤلف از دو کتاب سبیل الرشاد و سفینه النجاة خود نام برده و در آغاز به بیان طریق روایی خود بدین شرح پرداخته است: أخبرنا الشیخ الفقیه الصالح العابد الشیخ علی بن أبی جامع إجازة عن عدّة من الأجلاء، منهم: شیخنا ومولانا الوالد أحمد الشهیر بابن أبی جامع العاملی، تغمّده الله تعالی بالرحمة والرضوان وأسکته فسیح الجنان، عن أجلّ مشایخه وأعلامهم قدراً وأرفعهم ذکراً الشیخ الجلیل نور الدین علی بن عبد العالی قدّس الله روحه وطهر رمسه، بحقّ روایتیه عن شیخه الإمام شیخ الإسلام زین الدین علی ابن هلال، بحقّ روایتیه عن شیخه الأجلّ شیخ الإسلام جمال الدین أحمد ابن فهده قدّس الله روحه...

گزیده ای از مقدمه کتاب که بیانگر قدرت ادبی مؤلف است را نقل می کنیم:

آغاز: الحمد لله نور الأنوار، الغامر بسحاب جوده الآفاق والأقطار، مالک یوم الدین مکوّر النهار علی اللیل ومکوّر اللیل علی النهار، الذی فاضت سواطع رحمته علی الأکوان فی الأدوار،

المعبود المستعان بالکبرياء والافتقار، المتلالی شعشعانی تجلیاته علی قلوب أهل الاعتبار، الهادی إلى الصراط المستقیم لأولی البصائر والأبصار، الفاعل لما یشاء بالقدرة والاختیار. خطفت بوارق جماله قلوب العشاق فخلعوا هنالك العذار، فهو أظهر الموجودات إذ لا وجود لموجود إلا منه ولا مجال للإنکار. فلا إله إلا هو العزیز الغفار، رافع مقام العارفين لمبالغتهم فی التواضع والافتقار، فأدخلهم تحت قباب العزّ فسماوا بالمجد والفخار فبراهم عن غیاب الشک وضلالة الکفار، وزهدهم بزخرف الكونین فنظروا إلى ما سواه بعین الاحتقار، واجتباهم بسوانحه الفیضیة وترقوا بمقام الرضا عن مقام الاضطراب، ووهّهم بحبه فصدحوا بالأذکار فی الأسحار، وأخلصهم بطاعته فأخلصوا له بالإسرار والإجهار، أدبهم بوعد لقائه ووعید جفائه فاستقاموا علی الاستبصار، فحوّفهم من البعاد لا من عذاب النار... فهاموا بحبه حیار، فلم یجدوا دونه قرار، وطال شوقهم إليه وهو الیهیم أشوق وتلك منازل الأبرار...

وبعد، فیقول العبد المذنب المستدرک لخطیئته بالتوبة والاستغفار، المسمی بالسید خلف ابن عبد المطلب المنتسب إلى موسى بن جعفر الجواد بفضل المدرار، والکاظم الغیظ بجلمه عن فوادح الفجّار: أتى لما رأیت علم الباطن اندرست علومه فكان کسر اب فی القفار، کظّل أذابته الشمس بحرها فی الاظهار، وهو لعمری أشرف العلوم لشرف غایته فی المضمار، وأنفس المقاصد فی الإسرار والإظهار، لأنّه سرّ کنت کتراً مخفياً فالیه تتنافس الأحرار، ونسبة ماسواه إلیه طنین ذباب علی الدوام والاستمرار، صرفت همّتی إلى نقل ما یبحث علیه من نفائس الأخبار وعرائس الآثار، ومواعظ توطن النفس علی الخوض فیهِ والإکتار، قاصداً بذلك تمهید سبیل الرشاد للعباد من البداة والحضار، وإیضاح الحقّ المبین لحقّ یقین عن الدلائل والأنظار، هذا وإن کنت مجال قد عدت فیهِ نور الانضار، إلا أتى استعنت علیه بموانح من الفیاض فكان بها الاستظهار، وسوانح من فواضله الغیبیة الموهوبیة فكانت بها الاستبصار، أملیت أكثره منها فجاء بحمد الله كالشمس فی رابعة النهار، فلا یؤمن به إلا کلّ مؤمن من الراسخین الکبار، ولا ینکره إلا کلّ غیبيّ فحسبه وداء الجهل فی الإصرار... وسمّیته بحقّ یقین فهو حدیقة المتّقین کجنت تجری من تحتها الأنهار، ورتبته علی مقدمات وعشرة کتب وخاتمة فختامه مسک فی مشام الأبرار...

نسخ، عبد النبى بن عبد الحسين بن سيف الصيمرى، قرن ۱۲. در حاشیه تصحیح شده است. با تملک علامه میرزا یحیی مستوفی بیاد آبادی در ۱۳۰۸ق و مهراو: <شفیح یحیی فی الآخرة محمد والعترة الطاهرة>. از موقوفات ملا احمد قهپایه ای است. قطع نیمه رحلی، ۲۳ سطری.

من الدين علي بن احمد الشامي العالم بالله تعالى بفضل الله تعالى بفضل نعمه  
 عني عن سيانه ونلامه محموده وكومر علي صديق الحال وثاكر  
 احوال الموصيه لا يشترش البال خاتمه ليله السبت في الحاديه  
 مشرق من شهر رجب الاول سنة خمس مئتين وخمس وتسعين  
 الهجره كنبوه مصليا مسلما اللهم صل على محمد وآل محمد وسلم  
 وبعد فرغت من تنويل هذا الكتاب  
 المبارك في يوم الجمعه العاشر من  
 شهر رمضان المبارك  
 سنة تسد واربع مئتين  
 من الهجره الهجره  
 المصطفويه  
 ١٢٠٠

بفتح متابعين الطاهر  
 ونفيعه المصطفى  
 لا انا اذغ عنه البصر  
 التي هي خصه العلم  
 وكان في ذلك ان لغها  
 اليوم ما عشرين  
 وعمره ١٠

بسم الله الرحمن الرحيم  
 في هذا الكتاب  
 الكافي للراحمين  
 ويزيد في معرفة  
 برضاة وحب  
 ان اجناسه وعقوله  
 في يوم من ايام

اجازه شريف به تاج الدين حسن اصفهاني



انهاة زادة الله توفيقا و تسديدا  
من اول الكتاب في هذا القسم  
اسماء الله و هو بعد اسماء اولاد  
و اسماء و صفات الخصال و صفات  
سبع عشر باسم عشر اسما و سبع عشر  
فصل في اسم الله و صفات اولاد  
سبع عشر باسم عشر اسما و سبع عشر  
اسم الله و هو بعد اسماء اولاد

قال النبي صلى الله عليه  
وآله و سلم  
من اول الكتاب في هذا القسم  
اسماء الله و هو بعد اسماء اولاد  
و اسماء و صفات الخصال و صفات  
سبع عشر باسم عشر اسما و سبع عشر  
فصل في اسم الله و صفات اولاد  
سبع عشر باسم عشر اسما و سبع عشر  
اسم الله و هو بعد اسماء اولاد

انهاء سيد قاسم كوپايي و شيخ حسين بن عبد الصمد

هنا قولان ولو لم يكن وارث سوى العاقلة فان قلنا الاب لا يرث فلا دية وان قلنا يرث  
 ففي اخذ من العاقلة نزود وكذا البحث لو قتل الولد باه خطأ الرثة لا يضمن العاقلة عبداً ولا  
 بهيمة ولا اذنان مال ويختص بضمان الجنابة على الادمي حسب المأثور في طبر او هو ذمي غير  
 اسلام فقتل السهم مسلماً الرعقل عنه عصبة من المذمة لما ابتناه ولانه اصاب وهو مسلم ولا عصبة  
 المسلمون لانه ذمي ويضمن الدية في ماله وكذا لو رمى مسلم طبر او اثم ارتد فاصاب مسلماً  
 قال الشيخ ليعقل عن المسلمون من عصبة ولا الكفار ولو قيل يعقل عنه عصبة المسلمون كان حسناً  
 لان ميراثه على الاصح وحيث اتينا بما قصناه ووفينا بما وعدناه فالحمد

هذا الذي هو في مقدمه من الحكم بانهم  
 الرثة فان كانوا بائناً ولا لهم ميراث  
 عاقلة عن الاصابة والاب لا يرث  
 الجوز اعاقلة عند الرثة

الله الذي جعلنا عند تبرد الأهواء وتوحد الامراء من المتكسبين من  
 اعظم العلماء استحقاقاً للعلماء والامر الخبايا اعزافا وفي شرف الاممات  
 والاداب النزيه من مشكاة الضياء المنقريه عن خاتم الانبياء وسيد  
 الاوصياء اظفر عظم الامم فما اوبى انما واكثر عمداً الاسلام علما وعرفانا  
 المحصون بالنوة من نصب النوة المختارين للامام من فرج صاحب  
 الاخوة الذين امر الله سبحانه بخدمتهم وحيث رسول الله صلى الله عليه  
 على امته هم والعمل بامرهم حتى يفرزهم بالكتاب المجيد الذي لا ياب  
 الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ونسأل الله ضمنا  
 ساكنين محترمين متمسكين بحججهم ان جعلنا من خلصا شيعتهم الداخلين في  
 شفاعتهم ونور ذلك والحرارة من العالمين وصل على محمد خير خلقه  
 في احكامهم الذين وطئ بقية الامة المعصومين عليهم السلام

بلغ نقابته قزاقه را ما بنا به  
 محمد بن سبيح الثاني سنة ١٠٨٩





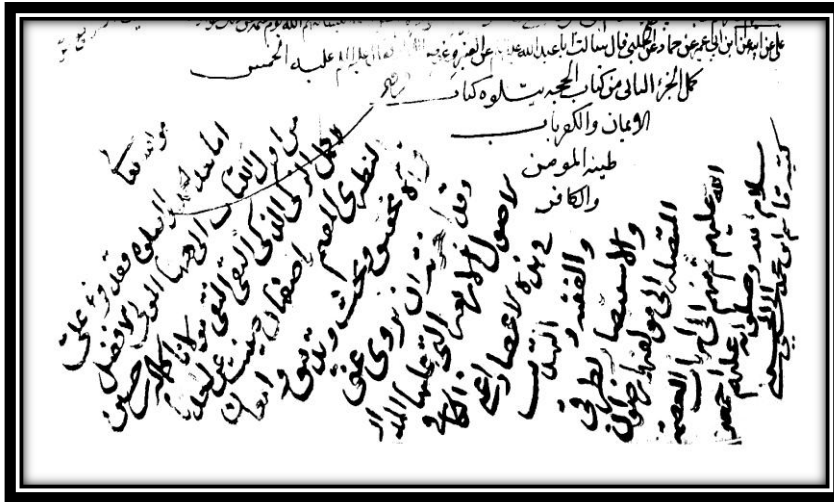




بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
انہاء الخاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
اللبیب الضمیر الکامل الادب والاعرفہ المیز  
و ابن سیرین الخاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
مراصد حیدر علی خاں خیر آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
سما و کھما و قرقا و صیقل و صفا و کفا  
و شامہ و مضافہ و مجاہدہ و آخر الخاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
الکتاب التبرکات لم دام تائیدہ بروایہ من  
بأسانید المتکررہ لم تصولہ لرف الخاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
مطالعہ و حسن کتاب و کتب عمیاء الخاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
انوار التفسیر لاربعینہ فی التفسیر الخاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
تھا و زائے حسن تھا ماہیہ الخاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی  
سما و کھما و قرقا و صیقل و صفا و کفا  
ملا محمد علی مجلسی

انہاء و اجازہ خاتون آبادی بہ ملا محمد علی مجلسی





انتهاء و اجازة سيد قاسم كويي به كمال الدين حسين نطنزي



انتهاء و اجازة شيخ حسين بن عبد الصمد بر كتاب كافي

ہوں  
 مدقابل المولیٰ الامجد افضل الامل  
 لا یرع مولانا حسین النظیر  
 مرآة الکتاب الی منہ عند الفقیر  
 الی رحمہ ربہ اعنی قاسم بن محمد  
 الحنفی عنی عنہما واجرت لہ  
 ادام اللہ تعالیٰ سعیدہ ان نروى  
 عنی بطریق المصلیٰ باریات العصمہ  
 صلوات اللہ وسلامہ علیہم اجمعین  
 من طریق طریقی الی شیخنا وکتابنا  
 ومن ثم الی العلوم الشرعیہ استنادنا  
 کشف بہا الدین محمد العاملی الحائری  
 قدس اللہ سرہ العزیز وطریقہ الی  
 المئۃ الہدیٰ صلوات اللہ علیہم مسطورہ  
 نفع الاربعین من مصنفاتہم المعظم  
 کتبہم ذلک فی غرہ شہر شعبان المعظم  
 من ثور الیوم والربع بعد نصف  
 ولده اصطفیٰ ان صیبت عن الحدیث ان

حضرت  
 علامہ  
 سید  
 قاسم  
 بن  
 محمد  
 الحنفی  
 علیہ  
 السلام

بسم الله الرحمن الرحيم  
 اتنا بعد الحمد والصلوة لا نقدر  
 المولى الفاضل الكامل الذى  
 الذى التفتى التفتى المعنى  
 من الامام حسين حفظه الله تعالى  
 جعل الله اخرا وخيرا من اوليه  
 له ذرية واصلا لا يفترق عنها الله  
 في هذه الاعصار اعني الكافي ومن  
 الغنية والتهذيب والاستبصار  
 فاجبت مسئولته <sup>عليه</sup> عما عني يا سائدي  
 الواسلة الى مشايخي رضوان الله عليهم  
 المنتهية الى ارباب العصمة صلوات  
 الله تعالى عليهم حرره العبد  
 المذنب المحتاج الى رحمة ربه  
 الغنى قاسم كويي الحسنى  
 في اواسط شهر ربيع الثاني  
 من شهر سنة ثلث وخمسين  
 بعد الف

الاعراب رسوخا على جماعة والصلوة على ائمة  
 واكرم اوليائه فقد قرأ على الشيخ الاعرج بن  
 بنده العلوم وسمع كتبه منها وسألني ليربها  
 ان اجيز له رواية الكتب لا يجهل ذلك  
 رواها عني عن مشايخي بندي المتصل  
 المعصوم المطهر صواب استغاثت  
 فليروها عني شروط الرواية المضرة في  
 الدابة اخذنا عليها اخذنا على من  
 جادة لا جنات الى افضل الكما والاول  
 ساكها وان لا انساني في الجوار والحواء  
 بما شخ من الدعوات الصالحات  
 وسيد الحاشية الفانسة انفق الخلق الى  
 عفوانه عن عبد الله في واحمد  
 الاخر شهر ربيع الثاني والاربعين سنة  
 ١٠٠٠

انهاء و اجازه سيد قاسم كويي و ملا حسن علي تستري به ملا حسين





صلوات الله عليهم من جز احدی بخیر و مخلصین بزد بقره و انما  
 نقفا فر لما ولون ان ناس من وضع له لفظ غیر بکرم و بلهقهه و بقره  
 را اهلها الا حیب در تری الناس من اللواتق ایما بلون مع اللطاف  
 و اللذول و الدماء معا لظهاره و تری صلوات الله عليهم  
 للسا طایف العقه او صا جهاد و شر اظها بلقره و لقره و کتبهم  
 کا نو اسمون لکونه و ذکره آتس احوالهم در تذکره کرمت کما ان  
 شهما اعلام حکما عن خط و لولد ایتس مجلسی طاب لولا ان العالم بقره  
 و الطاهر المجابد ایش حسان بن عبد الله متذکره در صعبان و کما  
 مریدان یاریت می لانا ارض صلوات الله علیه و کان در عهد خدیو  
 دلد و بهاء الخلد و الدین صه طال له لک عمره بقره لک لک لک لک  
 الا صعبان مع اتر زلف جهاتهم از صفان لک ص اهلها و الا صلا  
 و لغوی و نظر اترت به صفا ما لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک  
 الا نقیاض و ستر عفا لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک  
 المخرت اصابه محمد اکرم الفلاح با می لانا ما قول له الا حکام اظها  
 المخره و لقره ما حجاب اما تری ان بعض نقیاض ایتس لک لک لک لک  
 بهاد و لک ان الا طفال لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک  
 و ما الحقیق مع عدم کتیبهم و لک لک مع لک لک لک لک لک لک لک لک  
 بدع الجدری و لم یجاد و عظم بلعیدس العقل بان لک لک لک لک لک لک  
 و لک لک و لک لک عن ایتس الامار لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک  
 ایش حسان فرس ستره و سمعت عن الحقیق لک لک لک لک لک لک لک لک  
 ایش حسان محمد جمع ایش طاب لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک  
 ایتس لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک  
 دعا با لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک  
 کتبهم فرس و بهاء صید و ایتس لک لک لک لک لک لک لک لک لک لک

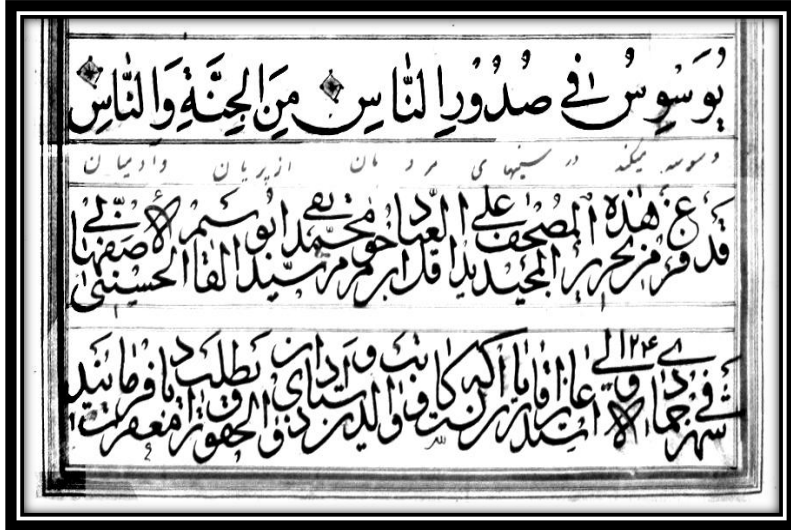
مدای عارف حقیق



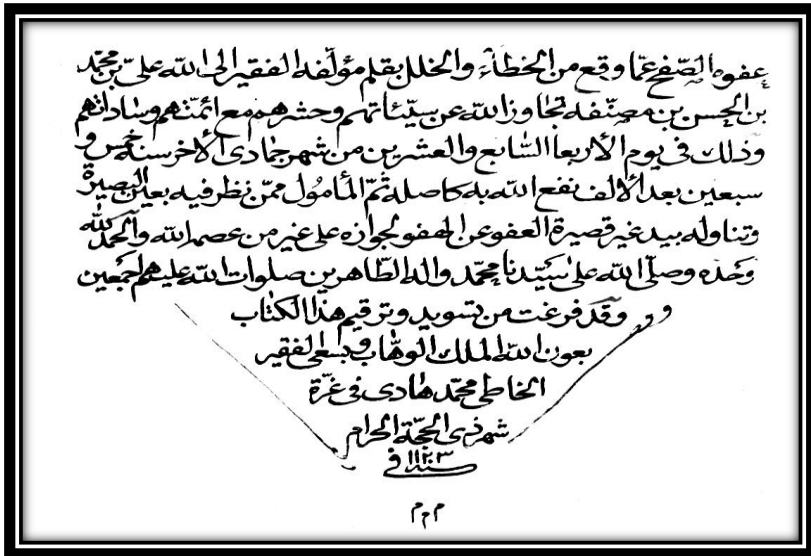


**قوله تعالى فلما اصبحوا منها جميعا لانا لا تتكلم مني هدى فتمن**  
**تبع هوان ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون** بیه سئل اولی الامر وایه  
 باینکه تکریم الامر بالمعروف وجمین الاول قال الجباری المبروک / الاول یعنی التذنی  
 بلا اول من الجنة الی سما الدنيا والثانی من سما الدنيا الی الارض وهذا ضعیف من  
 وجمین اخر هذا الله قال به المبروک / الاول ولکم به الارض مستغفر بان کان الاستغفر  
 به الارض انما حصل بالمعروف الثانی لکان ذکر قوله ولکم به الارض مستغفر عقیب  
 المبروک الثانی اولی واثانها انه قال به المبروک التذنی اصبحوا منها والضمیمه من  
 ما یدری الجنة واوله ینتفی کوز المبروک الثانی من الجنة السوجه الثانی ان التکریم  
 لاجل التکریم عند ربیه وجه ثالث افوی من هذین الوجین وهو ان ادم وهو علیها  
 السلام لما نزلت امر بالمعروف فتا با بعد الامر بالمعروف ووقع به فلیها ان الامر  
 بالمعروف انما کان بسبب الزلّة بعد التوبة وحب ان لا یفقی الامر بالمعروف باعاد  
 الله تعالی الامر بالمعروف مرة ثانیة لعلها ان الامر بالمعروف ما کلن جزا علی ارتکاب  
 الزلّة حتی ینزل نزلها بل الامر بالمعروف باق بعد التوبة لانی الامر بالمعروف  
 کان تحفیفا للوعد المتقدّم به قوله تعالی انه جاء علیهم الارض خلیفة بان قبل ما  
 جواد الله لکنه بلوا فلما اشرك الثانی مع جواد کفره ان حشش من فذوق  
 احسنه الی المسئلة الثانية بروی به الاخبار ان ادم علیه السلام اصب  
 بالهند وحوا بحمده وایلیس بوضع من البصرة علی امیل والحمیه باصفهان  
 المسئلة الثالثة فی المری فوالان اخرها وهو فواها المراد منه کل  
 دلالة وبیان بیدخول به دلیل العفل وکل کلام یترا علی نبی وبعی تنبیه علی  
 حکم لعمه نقل علی ادم وحوا فکانه قال وان اصبحت من الجنة الی الارض بعد  
 انعمت علیکم بما یورثکم الی الجنة مرة اخرى مع الدوام الذی لا ینفک منال  
 الحسرة لعل اصب ادم الی الارض اوحی الله تعالی الیه با ادم اربع خصال  
 بیهما کل من لولولید واحدة لى وواحدة لولید وواحدة بینى وکثیره

امیر ادم وانشور  
 حیدر وایلیس بالسر  
 والحمیه باصفهان



پایان قرآن کریم به خط زیبای حسینی اصفهانی



پایان الزهرات الزویة



صِدْقٌ لِّسَعِيدِكَ الْعَظِيمِ وَبَلَغَ رَسُولُكَ النَّبِيِّ الْكَرِيمِ  
 نَحْنُ عَنْكَ يَا رَبِّ السَّامِعِينَ فِي الْحَمْدِ لِسَبِّحَاتِكَ بِمَا كُنَّا  
 اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا وَارْفَعْنَا بِالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبَارِكْ لَنَا بِالْآيَاتِ  
 وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ رَبَّنَا نَقْبَلُ مِنْكَ أَنْتَ السَّمِيعُ  
 الْعَلِيمُ وَتُبَّ عَلَيْنَا أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاسْتَجِبْ دُعَاءَنَا  
 وَأَعْفِ لَنَا وَلَا بَأْسًا وَلَا مَهَانَةً بِرَحْمَتِكَ يَا رَحْمَنَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا حَقًّا  
 وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَجَمَتِكَ مَجْرُومًا نَحْيُ النَّبِيَّ وَالْوَلِيَّ وَالْبَتُولَ وَالسَّاطِنَ  
 وَعِزَّةَ الْأَخْيَارِ وَصَحْبَهُ الْأَبْرَارِ اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي الدُّنْيَا  
 وَنَبَاً وَفِي الْقَبْرِ مُؤْتِيًا وَفِي الْعِزَّةِ شَافِعًا وَعَلَى الصِّرَاطِ دَلِيلًا وَفِي الْجَنَّةِ وَقِيًّا  
 وَأَمَانًا مِنَ النَّارِ حُرْمَةَ الْأُمَّةِ الْأَطْهَارِ

پایان قرآن کریم به خط علاء الدین تبریزی

واعتد عليها كالصلوة بغيرة وضوء وقيل كلفه في قوله فيه وفي غيره بمعنى مع اعلمك من السيئة ودين  
 المعوج غير المركب من الحسنه ودين اهل الضلال وقوله والسيئة فيه تعذر للترقي والاشارة الى ان السيئة  
 في دين الحق لو لم يكن مغفورة وكانت الحسنه في دين الباطل مقبولة لكان المركب من السيئة والدين الصحيح  
 افضل من المركب من الحسنه والدين الباطل لا يدرى السيئة مثل الدين الباطل في العقاب ولا حسنه مثل الدين  
 في الغواب وكيف والسيئة في الدين القويم مغفورة والحسنه في الدين الفاسد غير مقبولة وقيل في اشارة  
 الى ان السيئة من حيث هي سيئة ليست خيرا من الحسنه فحيث هي حسنه بل هي سيئة وهم بما اعتبروا  
 وعدم القبول وما ذكرنا الحلله اطهره واتفق الفراء من جمع هذه الدليلات مع كثرة التمثال وهجوم الامراء  
 وقتلت الاحوال بمفضل الله تعالى في الثالث والعشرين من شهر صفر الطرفة سنة ١١١٨ هـ والمهدى والاولا واما في صلوة  
 على سيد المرسلين محمد وعترته بر طهرين لا يجيب 8 فذكرت هذا الجزء على يد ابي عبد الله اقول محمد امين لا  
 في سادس عشر شهر ذي قعدة للعام في شهر ١١١٨ هـ في ليلة طهرين من المدينة

٢١٥

پایان مرآة العقول به خط محمد امين اصفهانی



انما هذا التعمير والتصلية فلما كانت صلوة الجمعة مذمومة الترك على لسان الشارع عليه السلام اذا كان امام عاد وان كان بعض غيره  
 بخصه بالمعصوم صلوات الله عليه وكان الاختلاف في وجوبها يعني في زمن النسيئة متفرقا على الاختلاف الاول رابت ان بين  
 كلام كل من الفريقين يظهر الحق بين البين فالقائل بالعموم يستدل بان مفهوم لفظ الامام في الجمعة والجماعات من يتقدم به  
 ومفهوم وصف العادل المختص عن الكبار غير المصر على الصغار فمجموع الوصف والموصوف لا يدل على ان العادل والجماعات  
 فان ذلك يدل على الحقيقة اللغوية لا التعريفية ولا الشرعية وانما تأنيبا فان الحياء والتزيينات قد يؤدي الى ان لا يفصل  
 مدلول مفرداتها نحو عليك وناظر والرجل الفاضل اذا جعلت علما والقائل بالخصوص يقول ولا ان استعمال هذا  
 اللفظ في المعصوم مما لا راع فيه احد ويعتقده ان الاصل في الاستعمال الحقيقة عرفية كانت وشرعية على الاختلاف الثاني

رساله نماز جمعه به خط محمد حيدر اصفهانی





ولا نأخذ كبريها رافد زوى ضرب متوسط ونوق الضرب على  
 جسده ونقى راسه ووجهه وفرجه قبله وديه لروا به زل  
 عن الباء وبقى الوجه والمذكور وروى عنه قال  
 فوق الحرج من الجسد وبقى الفرج والوجه وقد قدم استعمال  
 الفرج منهما واما انقاء الرأس فانه يخوف على النفس والعجز  
 والفرج من الجدل ليس هو تلك فروا من جماعة على الوجه و  
 الفرج بقا النص وليكن الرجل قائما مجرد استورا العورة و  
 المرأة قاعده قد ربطت ثيابها عليها باليد واصبرها فان  
 عورة جلد في الرجل وروى ضرب النان على الجال الذي يوجد  
 عليها ان وجد عن باناضه بانوان وروى عليه ثياب نسوى  
 في ذلك الذكر والآن وعمل مضى ما الشيخ وجماعة والاصود الاول  
 لما ذكرناه من ان بدنها عورة جلد وروا به ضعيفه  
 وراجه الجلد والجزء والاسم والتعريب في الثالثة على الزايف  
 الذكرا لجزء المحصن وان لم يكن اي زوج من غير ان يدخل  
 اطلاق الحكم على الذكر وهو سائل القسامين بالجموع على الزوج  
 اظهر واطلاق قوله الصلوات في رواه عبد الله بن حنبل وادارة  
 الشايطي في السن جلد وحلى راسه ونقى سنة عن مروه  
 هو عام فلا تخصص والانتم باخر البيان وعمل القابل للشيخ  
 وجماعة حتى عن امك وطبر بن لوار به زل ورا  
 لي جعفر عن قال المحصن جلد يانه ولا ينقى والتي قد امك

نسخ خطی  
 در کتابخانه  
 امیرالمؤمنین  
 (ع) اصفهان  
 شماره ثبت  
 ۳۱۹  
 تاریخ ثبت  
 ۱۳۸۵  
 شماره قفسه  
 ۳۱۹  
 شماره ثبت  
 ۳۱۹  
 تاریخ ثبت  
 ۱۳۸۵  
 شماره قفسه  
 ۳۱۹

بنه الزوايه لانه  
 مطلوبه لان سادراته  
 المحصن لا ينقى وطبر بن  
 من المحصن جلد  
 سن وطلوعه  
 من المحصن جلد امك  
 من المحصن جلد امك  
 من المحصن جلد امك

نسخ خطی  
 در کتابخانه  
 امیرالمؤمنین  
 (ع) اصفهان  
 شماره ثبت  
 ۳۱۹  
 تاریخ ثبت  
 ۱۳۸۵  
 شماره قفسه  
 ۳۱۹

نمونه تعلیقات تاج الدین حسن بر شرح لمعه



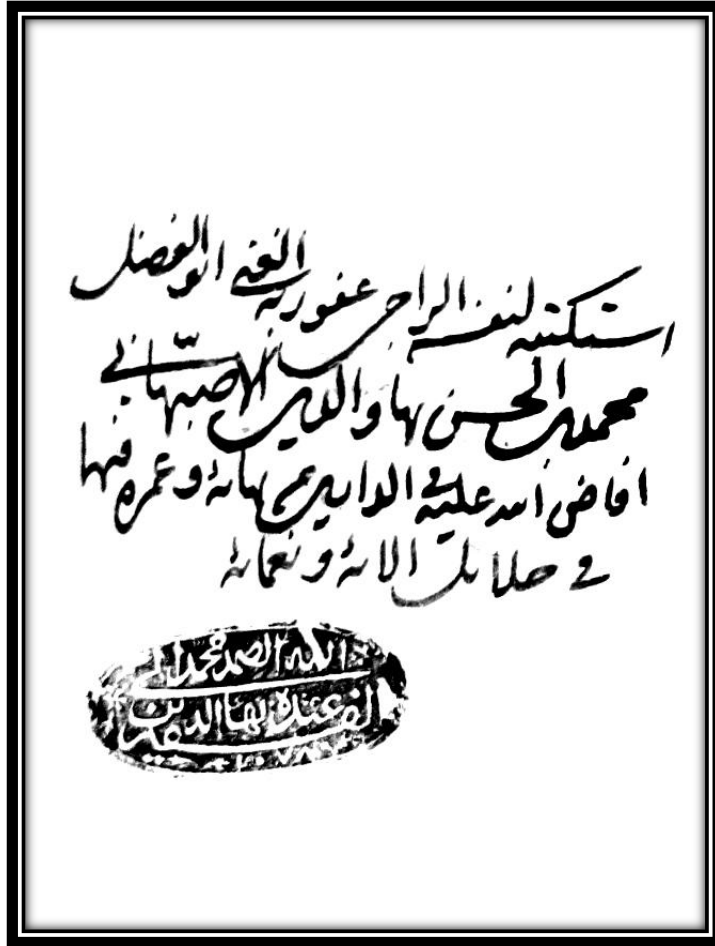




وقف نامه تفسیر کبیر رازی به خط سید صدر الدین موسوی عاملی







يادداشت تملك و مهر فاضل هندی بر مجمع الفائدة والبرهان



## دو رساله در سلوک علمی و عملی

محمد حسن بن ملا مصطفی خوئینی

به کوشش: محمد علی عیوضی

### مقدمه

در طول تاریخ بشری تحصیل دانش برای انسانها از مهمترین نیازها بوده است. زیرا تمام انسانها در طول زندگی در پی رسیدن به اغراضی بوده و هستند. رسیدن به یک غرض برای کسی معنا دارد که دارای آن غرض نیست، زیرا که تحصیل حاصل محال می باشد. با توجه به این مسئله مشخص می شود که هر دو غرضی قبل از رسیدن به آن هدف در مقام قوه است و پس از رسیدن مرحله فعل را دارا شده است. خروج از قوه به سوی فعل تنها یک راه دارد که حرکت نامیده می شود. حرکت برای انسان به وسیله اموری ممکن می گردد که ما آنها را فعل و انفعال انسان می نامیم. فعل و انفعال انسان هنگامی او را به سوی تکامل رهنمون می شود که از قوای مختصه ی وی نشأت بگیرند؛ یعنی عقل عملی و عقل نظری. عمل عقل نظری را علم و عمل عقل عملی را عمل می نامیم. یک تفاوت اساسی بین این دو آن است که گونه ی اول همیشه مقدم بر گونه ی دوم می باشد و گونه ی دوم هیچگاه بدون حصول یا حضور وی وجود نمی یابد. این تقدم و اشتراط دستمایه ای مهم برای توجه انسانها به علم و دانش است. دستیابی به علم همیشه همراه با دشواری های فراوان بوده است. این دشواری خصوصاً زمانی جلوه ی بیشتری می یابد که بدانیم رسیدن به نتیجه ی مطلوب و حقیقی نیاز به زمان طولانی دارد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی با اشاره به این مهم می فرماید: **لَنْ يَحْرَزَ الْعِلْمَ إِلَّا مَنْ**

یَطِیْلُ دَرْسَه<sup>۱</sup>. حضرت در این روایت به اهمیت اطاله زمان در تحصیل برای رسیدن به دانش واقعی اشاره نموده است و در روایت منسوب<sup>۲</sup> دیگری می فرماید: لا تَطْلُبُ سُرْعَةَ الْعَمَلِ وَاطْلُبْ تَجْوِیْدَهُ فَإِنَّ النَّاسَ لَا یَسْأَلُونَ فِی كَمِّ فَرَعٍ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا یَسْأَلُونَ عَنْ جُودَةِ صَنْعَتِهِ<sup>۳</sup> تا اهمیت هر فعلی را فرآیند آن معرّفی نماید و سایر جهات را در طول آن قرار دهد. با این وجود میل به راحتی و عجله برای رسیدن به غرض انسانها را کنجکاو یافتن راههای میان بر نموده است. اولین این دورساله نمونه ای از این تلاش می باشد. تلاش برای سرعت بخشیدن به تحصیل علوم و رسیدن به بالاترین مراتب علوم حقیقی (دینی عقلی و نقلی). رساله دوم نیز با پرداختن به هر دو عامل کمال انسان در صدد تبیین رابطه ی بین این دو یعنی علم و عمل بر می آید. مؤلف ملاً محمّد حسن بن ملاً مصطفی خوئینی است که در شماره پیشین میراث شهاب دورساله از مجموع رسائل وی را به طبع رسانیدیم. این رسائل همگی در مجموعه شماره ۱۲۹۶۲ کتابخانه ی بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - طیب الله رمسه - تجلید شده اند و این دورساله بیست و پنجمین و بیست و سومین رسالات آن مجموعه هستند.<sup>۴</sup>



۱. غررالحکم ودررالکلم: ۵۵۳، عیون الحکم والمواعظ: ۴۰۷ و ۵۰۴. نیز رک: شرح محقق بارع جمال الدین محمّد خوانساری بر غررالحکم ودررالکلم ۵: ۶۵، ۶: ۳۹۹. (با تفاوتی جزئی در عبارت).
۲. این کلام حکیمانانه در مجامع روایی شیعه ذکر نگردیده و شیخ بهائی آن را به افلاطون منسوب نموده است؛ رک: الکشکول ۳: ۳۸۹ (با اندک تفاوتی در عبارت).
۳. شرح نهج البلاغه ۲۰: ۲۶۷.
۴. رک: فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی ۳۲: ۸۸۰.





بسم الله الرحمن الرحيم  
هذه إرشاد الظالمين إلى أقرب الطرق باليقين

الحمد لله الذى خلق الإنسان وأسبغ عليه نعمه ظاهرة وباطنة بنص القرآن وسهّل عليه طريق الكمال بإنزال الفرقان وأرسل خير الإنس والجآن بل خيرة الله من جميع العالمين وعلى آله وأصحابه رؤساء اهل الإيمان .

أما بعد : اعلم أنّ طريق تحصيل الكمال يمكن من طرق أقربها<sup>١</sup> أن يحصل المحصل شرطاً من علم الصرف ويكفيه التصريف<sup>٢</sup> مثلاً ومن النحو كذلك ويكفيه العوامل<sup>٣</sup> والصمدية<sup>٤</sup> -<sup>٥</sup> و قليلاً من المنطق ويكفيه الحاشية المنسوبة<sup>٦</sup> إلى ملا عبد الله<sup>٧</sup> وكّل ذلك يمكن تحصيلها فى سنة عند استاد كامل مرتب وبعد ذلك يشرع فى المعالم<sup>٨</sup> ويقرأه بطريق الدقة والمتانة و الإستدلال التحقيقى المتوسط بحيث يتمه فى قريب من سنة وفى هذه السنة بعد الأئس بالأصول والتسلط عليه فى الجملة يقرأ المختصر النافع<sup>٩</sup> أو اللّمة<sup>١٠</sup> عند أستاذ فقيه يعرف اصطلاحات الفقهاء ثم يشرع فى التفسير<sup>١١</sup> والفقّه الإستدلالي<sup>١٢</sup> ويكون مراده تحصيل العقائد والأخلاق من الأول والأفعال والأحكام من الثانى وفى أيام الرّمضان فى السنة الأولى يقرأ من

- ١ . قال الله تعالى : يريدُ اللهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يريدُ بِكُمْ الْعُسْرَ [بقره (٢) : ١٨٥] وقال النبى ﷺ : بُعِثْتُ [إِلَيْكُمْ] بِالْحَنَفِيَّةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ [بجار الأنوار : ٣٠ : ٥٤٨] . حاشيه منقول از نسخه بدون امضا .
- ٢ . رك : كاتب چلبى ، كشف الظنون عن أسامى الكتب والفنون ٢ : ١١٣٩ .
- ٣ . رك : همان ٢ : ١١٧٩ .
- ٤ . رك : تهرانى ، الذريعة إلى تصانيف الشيعة ١٦ : ٣٤٥ .
- ٥ . بل يمكن الإختصار بالأنموزج مع جمعه بالإستدلال . منه .
- ٦ . رك : همان ٦ : ٥٣ .
- ٧ . رك : امين ، أعيان الشيعة ٨ : ٥٣ .
- ٨ . رك : تهرانى ، الذريعة إلى تصانيف الشيعة ٢١ : ١٩٨ .
- ٩ . رك : همان ٢٠ : ٢١٣ .
- ١٠ . رك : همان ١٨ : ٣٥٢ .
- ١١ . وليعلم علم الدراية والرجال فى ضمن الفقّه والتفسير والحديث . منه .
- ١٢ . وفى ضمن الفقّه الإستدلالي القواعد الفقهيّة . منه .

علم الكلام مثل باب حادى عشر و شرحه<sup>١</sup> أو غير ذلك كتذكرة العقول للسيد المحقق المقدس القزوينى رحمته الله<sup>٢</sup> وفى السنة الثانية فى الرّمضان يقرأ تشریح الأفلاك<sup>٣</sup> للمحقق البهائى رحمته الله وفى الرّمضان الثالثة يقرأ الحساب ويكفيه الخلاصة<sup>٤</sup> للبهائى رحمته الله وفى السنة الثالثة المذكورة يقرأ قليلاً من العبادات بحيث يتمكّن من الإستخراج مائة مسألة ويكتب كلّ ما يقرأ ويكفيه ستة أشهر من العبادات ثمّ يشرع فى باقى السنة وهو ستة أشهر فى المعاملات<sup>٥</sup> ثمّ يبذل جهده فى جهاد النفس فى العلم<sup>٦</sup> والعمل بطريق الشريعة المصطفوية حتى يكمل بده ويشرح صدره **(وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)**<sup>٧</sup> **(وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ)**<sup>٨</sup> وهذه هذه الطريقة من سلكها يصل الحقايق من أقرب الطرق على ما أرى من طريقة القدماء ولذا قيل أنّ العلامة كان فى أحد عشر سنة مجتهداً فقيهاً<sup>٩</sup> بل يمكن الإختصار فى المنطق والأصول و الفقه المتنى<sup>١٠</sup> بزبدة الأصول<sup>١١</sup> والمختصر النافع فى ستة أشهر بل من النحو والصرف والمنطق والأصول والفقه سنة.

لمحرّره محمد حسن - رحمه الله -

بصحة

١. همان ٣: ٥.

٢. همان ٤: ٤٠.

٣. همان ٤: ١٨٦.

٤. همان ٧: ٢٢٤.

٥. وينبغى بعد التّجهّد التّأليف سبباً عند الأستاذ الكامل . منه.

٦. فى الحديث: **إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ بَيِّنَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ** . منه. رك: كلينى، الكافى ١: ٧٦.

٧. خير معين . منه.

٨. عنكبوت (٢٩): ٦٩.

٩. بقره (٢): ٢٨٢.

١٠. رك: فوايد رضويّه: ٢٠٤.

١١. مقابل الخارجى .

١٢. تهرانى، الذريعة إلى تصانيف الشيعة ١٢: ١٩.



## فهرس العلوم النافعة فى إرشاد الطالبين للهداية

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين، الذى خلق الإنسان من ماء مهين،<sup>١</sup> ثم سواه وعلّمه البيان<sup>٢</sup> النبیین،<sup>٣</sup> ثم أكمل هدايته ودينه بالأئمة الهادين،<sup>٤</sup> فصلّى الله على جميع الأنبياء والمرسلين سيّما سيّما على خاتم<sup>٥</sup> أنبيائه ورسله المكرمين، محمّد وأهل بيته الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم ومقاتليهم أجمعين.

أما بعد: اعلم! أيها الطالب اللباب الذى سماه الله أولوالألباب: أنّ العلوم والفنون كثيرة فى مقام الحساب حتّى عدّ مأتان عند أهل المآب، لكن ينبغى اتباع أحسن العلوم<sup>٦</sup> كما أشار إليه ولى الملك القيوم فى قوله - عليه الصلاة والسلام - تنبيهاً لشيئته فى المقام:<sup>٧</sup>

ما حوى العلم جميعاً أحد<sup>٨</sup> لا، و لو مارسه ألف سنة  
إنّما العلم بعيد غوره فخذوا من كلّ علم أحسنه<sup>٩</sup>

ولا يخفى أنّ أحسن العلوم ما يصير سبباً للتقرّب عند الحى القيوم وهو إما علم قلبى أو صدرى أو جوارحى؛ يعنى العقائد والأخلاق والأفعال الشرعى<sup>١٠</sup> لكنه لما كانت الزمان زمان الحيرة وقطع الأيدى عن ذيل أهل العصمة لم تبق لنا علاج إلا السعى فى الطاعة بقدر الوسع و

١. فيه إشارة إلى كمال تربية الله تعالى، فإنّ من خلق الإنسان وأكمله هو أشرف الحال هو أشرف المرئيين من ماء مهين فهو أشرف وألطف وأكرم ربّ لأشرف وألطف وأكرم مرئوب فتبارك الله أحسن الخالقين. منه
٢. كما قال الله تعالى: الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ. منه. الرحمن (٥٥): ١-٤.
٣. المراد منه أعمّ من انبياء الظاهر والباطن؛ أى العقول المنبىء عن مواطن الأشياء. تدبر. منه.
٤. إشارة إلى قوله تعالى: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَمْتَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي. منه. المائدة (٥): ٣.
٥. أى: الخاتم بالكسر معنى ختم وبالفتح بمعنى زين. منه.
٦. فيه إشارة إلى قول الله تعالى: قَبَشِرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ. منه. الزمر (٣٩): ١٨.
٧. أى: فى مقام أخذ لباب العلوم ولذا قيل: خذ ما صفى دع ما كدر. منه.
٨. قال الله تعالى: وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ [يوسف (١٢): ٧٦]. أفهم. منه
٩. التمثيل والمحاضرة: ١١٤.
١٠. الشرعى صفة للجميع. منه.

الطاقة<sup>١</sup> ولا [طريق لنا] إلا الأخذ بما بقى من أهل الهداية من الكتاب العزيز وأخبار أفضل السادة<sup>٢</sup> - فإن بقية الورد مائة الباقية كما نظمها بعض أهل الفطنة ولنعم ما قيل:

جون كه گل رفت [و] گلستان شد خراب بوی گل را از كه جويم جز گلاب

فلاجرم صرنا محتاجين إلى تحصيل العلوم الحقة حتى نعمل بما هو مقتضيه في الحقيقة و العلوم يحتاج إلى مقدمات و متممات شريفة، فإن كل شيء يحصل بالأسباب والأدلة، فنشرع في بيان مقدمات العلوم و متمماته العديدة سواء كان معروفاً في العرف<sup>٥</sup> والعادة أو لم يكن معروفاً إلا عند أهل الخبرة فإن الناس في جهالة شديدة و هدايتهم واجبة في الطريقة و الشريعة و على الله التوكل و به الهداية و هو حسبي و نعم الوكيل في البداية و النهاية.

فاعلم! أن العلوم جنات الأرواح في الحقيقة و مجلس العلم روضة الجنة فكما أن للجنة أبواب ثمانية<sup>٦</sup> فكذلك للعلوم مقدمات و متممات ثمانية<sup>٧</sup> و كما لا يمكن الدخول في الجنة إلا من أبوابها الشريفة<sup>٨</sup> فكذلك لا يمكن الوصول إلى العلوم إلا بالثمانية الآتية و كما أن تحصيل أبواب الجنان يحتاج إلى الكد و المجاهدة فكذلك أبواب العلوم يحتاج إلى السعى و الطاعة،<sup>٩</sup> فنقول في مقام تفصيل المقدمات المذكورة<sup>١٠</sup> بيان واضح لايح شريفة:

١. قال الله تعالى: لا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا [الطلاق (٦٥): ٧] وقال رسول الله ﷺ: إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ وقوله ﷺ: مَا لَا يَدْرِكُ كُلَّهُ لَا يَتْرِكُ كُلَّهُ [الروايتان كثيرًا وردا في كتب الفقهية و هم مصادر المؤلف و أما مصادرها الروائية: عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية ٤: ٥٨، بحار الانوار ٢٢: ٣١. ولذا قيل: الضرورة تتقدر بقدرها. منه

٢. إشارة إلى أخبار الثقلين. منه

٣. ويلحق بهما ما يلحق بهما؛ يعني اجماع الشيعة والأدلة العقلية. منه

٤. أي: ما ذكر من المقدمات و المتممات. منه

٥. أي: عرف أهل العلم من المراتب. منه

٦. ظاهر الأبواب ظاهر و باطنها باهر زاهر. افهم. منه

٧. اقتباس حسن. افهم. منه

٨. وفي الحديث: أنا مدينة العلم و على بابها فن اراد الحكمة فليأتها من بابها. منه

٩. قال الله تعالى: وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمِكُمُ اللَّهُ [البقرة (٢): ٢٨٢] و أيضاً و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا [العنكبوت

(٢٩): ٦٩] بل ورد في الأخبار: من أخلص لله أربعين صباحاً فتح الله عيون الحكمة من قلبه على لسانه [عيون

أخبار الرضا: ٢: ٦٩]. منه

١٠. يعني قد ذكر اجمالاً فاذكره تفصيلاً. منه



اعلم! أن مقدمات العلوم ثمانية لكن أربعة منها ليست بمعروفة ولذا سمّيناها بالمتّمات الوجيهة [دفعاً] للتفرقة وطلباً للمساحة ونظمت المقدمات فى بيت للنفع والحفاظة فإنّ النظم أسرع تأثيراً فى النفوس البشرية، هكذا:

قبل العلوم لازم البيان      صرف و نحو، منطق معانى

ونظمت المتّمات فى بيتين، هكذا:

متّم الحديث سلّم الكمالى      هو المعروف بالذراية [و] الرّجال

فنّ الحساب آلة الكمالى      حقّ الكمال هيئة السّمائى<sup>١</sup>

ولا يخفى أن أصل العلوم النافعة ستّة ونظمتها فى بيتين لضبط الطلبة؛ هكذا:

أصل العلوم مقصد الكرامى      اصول فقه تفسير كلامى

علم الحديث مظهر الجمالى      حقّ الجمال زينة الرّجالى

والوجه فى جعل العلوم ستّة أن المطلوب من العلم ليس إلا الطاعة وأقسام الطاعة قد مرّ كونها ثلاثة، فإنّ محلّ الطاعة هو القلب والصدر والجوارح الظاهرة، فالمراد من الأصول والفقه تعمير الجوارح بالطاعة والمراد من التفسير والكلام تعمير القلوب بالعقائد الحقّة<sup>٢</sup> والمراد من علم الحديث وعلم زينة الرّجال السابقة؛ يعنى الأخلاق المرضيّة الصّافية ليس إلا تعمير النفوس الحيوانيّة ولذا سمّيته بزينة الرّجال لمناسبة لاثقة، فاحفظ أصل العلوم<sup>٣</sup> وكن من أهل الطاعة<sup>٤</sup>

١. لا يخفى أن علم الفقه يحتاج كثيراً إلى الحساب والهيئة، أما الحساب فى كتاب الفرياض والخمس والزكوة والطهارة فى بعض الموارد كالكرمحتاجة إليه وأما الهيئة فمبحث القبلة وامثالها موقوفة عليها كما لا يخفى، فتحصيلها من المقدمات الغير المعروفة. تدبّر منه

٢. فإنّ فى علم الكلام قد خلط الأمر كثيراً بسبب خلط الحكمة والكلام وينبغى جمعه بعلم تفسير القرآن وإلا فكتب الكلام مضلّة أهل الإيمان. منه - رحمه الله -

٣. ولا يخفى على السالك أن أصل العلوم والكمالات هو التقوى والسعى؛ قال الله تعالى: **وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمِكُمُ اللَّهُ [البقره (٢): ٢٨٢]** وأيضاً: **وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ [الحج (٢٢): ٧٨]**. وإيضاً: **لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلا مَا سَعَى [النجم (٥٩): ٣٩]** وقال السيد الشريف فى النظم:

تحصيل دوام خواهد واثارو طلب      بپوسته به روزبخت و تکراره شب  
طاعات و عبادات و رياضات و ادب      بى اين همه تحصيل محال است و عجب



فَإِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ وَمُنْقَصَةٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَمْ يُحْضِرْ لِحُضْرَتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَقَاءَ رَحْمَةِ رَبِّهِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا مِنَ الْبَرِيَّةِ وَلِذَا نَطَمْتُ فِي بَيْتٍ لِتَنْبِيهِ نَفْسِي وَأَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْآخِرَةِ؛ هَكَذَا:

لعبد العلوم لازم الجنان إطاعة الرحمن بالتمامي<sup>١</sup>

ولا يخفى عليك شرف علم زينة الرجال في الدنيا والآخرة، فإن الإنسان حيوان بالذات و الحقيقية، لكن فرقه من الحيوانات ليس إلا كونه قابلاً للكلمات الشريفة، فمن كان له قابليّة و استعداد شريفة لطيفة ولا يحصل الكمالات فهو أخس من الحيوانات البتة<sup>٢</sup> ولذا قال الله - تعالى - في شأن الكفار وأصحاب الطبيعة: **إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا** بلاريب البتة<sup>٣</sup> وقال مولانا **عليه السلام**:

لم أر في عيوب الناس عيباً      كنقص القادرين على التمام<sup>٤</sup>

مولانا بالحقّ والحقيقة :

أرى العلم في ذلّ وجوع وغصّة      وبعد من الآباء والأهل والوطن  
ولو كان كسب العلم أسهل حرفة      لما كان ذو جهل على الأرض في زمن

[جامع الشتات: ٢١٤]

لكن هذا في بداية الأمر ولا ينجز العلوم إلى نهاية اللذة؛ قال نصير الملة والدين - رحمه الله - :

لذات دنيوى همه هيچ است نزد من      در خاطر از تغیر آن هيچ ترس نيست  
روز تنعم و شب عيش و طرب مرا      غير از شب مطالعه و روز درس نيست

ولهذا نقل هذا التحرير نصير الملة والدين في كتابه المسمى بأداب المتعلمين أن محمد بن الحسن الطوسي إذا سهر الليالي وأخلّ له مشكلات يقول: أين أبناء الملوك من هذه اللذات.

١. أى: بالقلب والصدر والجوارح. منه.

٢. ولذا أفاد المولوى في المتنوى:

اهل دنيا كافران مطلق اند      دائماً در چق و در عوعواند

٣. الفرقان (٢٥): ٤٤.

٤. ولذا قال المولوى في المتنوى:

گر به صورت آدمى انسان بدى      احمد و بوجهل خود يكسان بدى

متنوى معنوى: ٤٣.

٥. شرح ديوان المتنوى: ١، ٣٣٦.



وله عليه السلام:

لَيْسَ الْيَتِيمَ الَّذِي قَد مَاتَ وَالِدُهُ  
إِنَّ الْيَتِيمَ يَتِيمُ الْعَقْلِ وَالْأَدَبِ<sup>١</sup>

ومن كان له قابلية واستعداد نحو الكمال فى الحقيقة ثم عرج معارج العلوم النافعة، ثم عمل بعقضى العلوم المذكورة، فهو يحشر مع الأنبياء والأولياء بلاشبهة يرفع الله [الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ<sup>٢</sup> رَفِيعَةً هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ<sup>٣</sup> الحقيقة، فلاجرم هذا هو المجاهد فى الله فى الشريعة والله - تعالى - وعد المجاهدين دارالكرامة وفى الحقيقة، الإنسانيّة هو الإطاعة، بل كلّ الجمالات فى الدنيا والآخرة ليس إلا العبوديّة وطلب التقوى الحقيقيّة إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ<sup>٤</sup> فى نصوص كتاب الشريعة ولذا قال مولانا - عليه السلام - فى بيان أنّ العلوم والآداب هو الجمال فى الحقيقة:

لَيْسَ الْجَمَالَ بِأَثْوَابٍ تُزِينُهَا  
إِنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْعِلْمِ وَالْأَدَبِ<sup>٥-٦</sup>

والحاصل تحصيل علم المسمى بعلم الحال عند أهل المعرفة من أفضل العلوم والإيقان وبه يصل العبد إلى نهاية الرضوان والعلم كلّه لا يفيد شيئاً إلا بانضمامه، بل يصير سبباً للوبال فى الدنيا والآخرة عند أهل الإيمان ولذا قيل ونعم ما قيل:

مزق ورق الدرس و حصل مالاً و العمر مضى و لم تتل آمالا  
ما ينفعك القياس و العكس و لا إفعنلل، يفعنلل، إفعنلالا<sup>٧</sup>

فعلى اللبيب الألعى تحصيل كلّ العلوم النافعة سيّما علم الأخلاق المرضية فلمثل ذلك  
فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ<sup>٨</sup> وَيَصْبِرِ الصَّابِرُونَ الْكَامِلُونَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى<sup>٩</sup> بتوفيق رب

١. ديوان اميرالمؤمنين: ٦٦.

٢. المجادلة (٥٨): ١١.

٣. الزمر (٣٩): ٩.

٤. الحجرات (٤٩): ١٣.

٥. ديوان اميرالمؤمنين: ٦٦.

٦. ولذا أفاد المولى فى المتنوى:

ازادب پرنورگشته است اين فلك وزادب معصوم وياك آمد ملك

بى ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در همه افلاك زد

٧. خزائن: ٣٧٩ منسوب به ملاسعد ظاهراً تفتازانى.

٨. المطففين (٨٣): ٢٦.



المؤمنين.

وعليك أيها الفطن العاقل أن لاتغفل من هاد يهديك ويرشدك إلى الحقائق فإنّ السلوك إلى الله يحتاج إلى معلّم وهاد صادق ومهتد مجاهد مخالف للنفس وعدوّ الخالق<sup>٣</sup> والله - تعالى - جعل لنا وسائل كلهم كامل طالق<sup>٤</sup> وهم أربعة عشر نوراً عاتق ولذا قلتُ في بيت لختم الأمور وإرثة الحقّ بنحو طائق؛ هكذا:

حقّ الصراط مكمل الرجال<sup>٥</sup> هو الإمام الكامل الكمال

نعم! بعد أئمة الدين؛ يعنى بعد اختفاء نور الولاية فى حجاب عداوة الظالمين ينبغى العمل بمن هو منهم ويشبه قوله وفعله وعقائده وأخلاقه أقوالهم المتين وأفعالهم الحصين وعقائدهم وأخلاقهم المنورين. والحاصل من كان تابعاً لهم فى جميع الحركات والسكنات بطريق قويم لا يميل إلى الإفراط و إلى التفريط بل إلى طريق مستقيم. هداانا الله وإياكم إلى طريقه وثبتنا عليه إته موفق كريم و عليك بالملزمة لأهل بيت نبيك فى أمور الدنيا والدين فإنهم أبواب الله ووجهه وحججه على الناس أجمعين وكلّ شىء لا يخرج من هذا الباب فهو مردود إلى صاحبه بعين اليقين. فلعنة الله على مبغضهم وغاصبي حقهم بمتابعة النفس والشيطان اللعين ولنعم ما قيل:

از در اهل كرم روى مگردان اى دل هر كه دورست از اين در به هوا نزديك است<sup>٦</sup>  
و الحمد لله و صلّى الله على محمد و آله الهدى.

لحزّره محمد حسن - عفى عنه فى الدارين -

بصحة

١. طه (٢٠): ٤٧.

٢. ولذا قيل بالفارسية:

بى پيرمروتو در خرابات هر چند سكندر زمانى

منه

٣. يعنى الشيطان. منه.

٤. أى: الدنيا وما فيها. منه.

٥. والمراد من الرجال فى الحديث لمعروف خذ العلم من أفواه الرجال هو أئمة الأنام وتابعيهم عليهم السلام فإنهم رجال يجاهدون فى الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتية من يشاء. منه

٦. فى أفراد الأوصاف إشارة لطيفة إلى كون أقوالهم واحد فى الحقيقة. منه

٧. اصطلاحات صوفيان مرآت عشاق: ٢٩٢.





## منابع

۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غررالحکم ودررالكلم. مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی. تهران. دانشگاه تهران. ۱۳۶۶ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغة. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم. مکتبه آية الله المرعشی النجفی. ۱۴۰۴ ق.
۳. امین، سید محسن. أعيان الشيعة. بیروت. دارالتعارف للمطبوعات. ۱۴۰۶ ق.
۴. تهرانی، شیخ آقا بزرگ. الدررعة إلى تصانيف الشيعة. قم، تهران. اسماعیلیان، کتابخانه اسلامیة. ۱۴۰۸ ق.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. غررالحکم ودررالكلم. تصحیح و تحقیق سید مهدی رجائی. قم. دارالکتاب الإسلامی. ۱۴۱۰ ق.
۶. خواجهی مازندرانی، محمد اسماعیل. جامع الشتات. سید مهدی رجائی. چاپ اول: قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۷. عاملی، بهاء الدین محمد. الکشکول. بیروت. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات. ۱۴۰۳ ق.
۸. قمی، عباس. فواید رضویه. با کوشش عبد الرحیم عقیقی بخشایشی. قم. چاپ و نشر نوید اسلام. ۱۳۸۵ ش.
۹. کاتب جلیبی القسطنطینی المشهور باسم حاجی خلیفة أو الحاج خلیفة، مصطفی بن عبد الله (۱۰۶۷هـ). كشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون. تصحیح محمد شرف الدین یالتقایا و رفعت بیلگه کیسی. بیروت. دار احیاء التراث العربی. بی تا.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب. *الكافی*. تحقیق قسم إحياء التراث مركز بحوث دارالحدیث. قم. دارالحدیث. ۱۴۲۹ ق.
۱۱. لیشی واسطی، علی بن محمد. *عیون الحكم والمواعظ*. تحقیق حسین حسنی بیرجندی. قم. دارالحدیث. ۱۳۷۶ ش.
۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۱۰ ق). *بجاری الأئوارالجامعة لدررأخبار الأئمة الأطهار*. تصحیح و تحقیق جمعی از محققان. بیروت. دار إحياء التراث العربی. ۱۴۰۳ ق.
۱۳. مرعشی، سید محمود و گروه فهرستنگاران کتابخانه. *فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)*. قم.
۱۴. ... *اصطلاحات صوفیان مرآت عشاق*. محقق / مصحح: مرضیه سلیمانی. تهران. شرکت انتشارات علمی فرهنگی. ۱۳۸۸.



## راغب اصفهانی و تاریخ درگذشت او

محمد کاظم رحمتی

### مقدمه

کسانی که با سنت شرح حال نگاری اسلامی سروکار دارند، عموماً با این مشکل برخورد کرده اند که گاه دربارهٔ برخی از مشهورترین افراد و عالمان در سنت اسلامی، اطلاعات شرح حال نگاری بسیار اندک و در مواردی متناقض است. در میان این شخصیت های، راغب اصفهانی که آثارش شهرتی روزافزون داشته و در محیط های شیعی و سنی توجه نسبتاً یکسانی به او شده و می شود، نمونه ای از این موارد است که مطالب دانسته دربارهٔ شرح حال او اندک و بسیار متناقض است. به تازگی نسخه ای از کتاب *مفردات غریب القرآن* او - کتابت شده در سال ۴۰۹ - به دست آمده که اطلاعات خوبی دربارهٔ راغب ارائه می دهد. در نوشتار کوتاه حاضر ابتدا ضمن معرفی نسخهٔ مذکور، از اهمیت اطلاعات آمده در این نسخه برای تعیین زمان حیات راغب اصفهانی سخن خواهد رفت.



اطلاعات آمده بر ظاهر نسخه های خطی و اهمیت آنها به دلیل گاه مطالب منحصر به فردی که در این گونه مکتوبات آمده، همواره به عنوان یکی از شیوه های گردآوری مطالب برای تکمیل شرح حال ها مورد استفاده بوده است که نمونه های فراوانی از این دست موارد را

می‌توان در کتاب *ریاض العلماء* افندی دید. با وجود اهمیت اطلاعات آمده در ظهر نسخه‌های خطی، مسئله وثاقت اطلاعات آمده در این موارد نیز مهم است و باید با شیوه‌هایی بتوان از اصالت اطلاعات این گونه دفاع کرد و الا صرف ذکر مطالبی بر ظهر نسخه‌ای خطی چندان کافی نیست. دربارهٔ راغب اصفهانی و سال درگذشت او، مباحث و مجادلات فراوانی در میان محققان بوده و هر یک با ارائه دلایل و شواهدی، تاریخی را برای زمان درگذشت او ارائه کرده‌اند که با شگفتی تمام حوزهٔ زمانی نسبتاً گسترده‌ای را دربر می‌گیرد و امکان رسیدن به نتیجه‌ای قطعی را دشوار کرده است. محمد کرد علی در حاشیهٔ شرح حال راغب در کتاب *تاریخ الحكماء بیهقی*، تاریخ درگذشت راغب را ۴۰۲ ذکر کرده البته دلیل روشنی برای این گفتهٔ خود ذکر نکرده است، وی بعدها در تفریظی که بر کتاب *مفردات غریب القرآن* راغب در مجلهٔ المقتبس (شمارهٔ ۲، ص ۹۸-۹۹) نوشت، سال درگذشت راغب را اوایل قرن پنجم هجری ذکر کرد و بعدها که سلسله مقالاتی که در مجلهٔ المجمع العلمی العربی بدمشق (مجلد ۲۲، ص ۱۰۶) با عنوان *کنوز الاجداد* می‌نوشت، سال درگذشت راغب را ۳۹۹ یا ۴۰۲ ذکر کرد. هنگامی که سلسله مقالات مذکور در کتابی با همان عنوان کنوز الاجداد (دمشق ۱۹۵۰، ص ۲۶۸-۲۷۱) منتشر شد، وی در آنجا تاریخ درگذشت راغب را ۵۰۲ ذکر کرد. پس از کرد علی، اسعد طللس در مقاله‌ای که در مجلهٔ المجمع العلمی العربی بدمشق (مجلد ۲۴، ص ۲۷) با عنوان *نفائس المخطوطات* منتشر کرد، سال درگذشت راغب را ۴۵۲ ذکر کرد و گفتهٔ خود را مستند به کتاب *تاریخ الحكماء بیهقی* و تعلیقهٔ کرد علی نمود. به واقع اسعد طللس به خطا سال ۴۰۲ را که کرد علی ذکر کرده بود، به ۴۵۲ تغییر داد و تاریخ جدیدی برای زمان درگذشت راغب پدید آمد و تاریخ اخیر از رکلی در *الأعلام* و کحاله در *معجم المؤلفین* در ذیل شرح حال راغب اصفهانی به عنوان زمان درگذشت او تکرار کردند. راغب طباطبائی در کتاب *الثقافة الاسلامیة* (ص ۱۲۲) تاریخ درگذشت راغب اصفهانی را با همشهری او ابوالقاسم اسماعیل بن محمد بن فضل تیمی (متوفی ۵۳۵) خلط کرد و تاریخ درگذشت او را به عنوان زمان تاریخ درگذشت راغب، ۵۳۵ ذکر کرد. عمر عبدالرحمن ساریسی هنگام نگارش رسالهٔ دکتری خود دربارهٔ راغب در جمع بندی از تاریخ‌های مختلف و بررسی، در مقاله‌ای با عنوان «رأی فی تحدید عصر الراغب الأصفهانی» که در مجلهٔ اللغة العربیة الأردنی (شماره‌های ۱۱-۱۲) منتشر کرد، بر اساس یادداشتی بر آغاز مجموعه‌ای خطی که مشتمل بر یکی از آثار راغب اصفهانی نیز بود و در کتابخانهٔ راغب پاشا

(شماره ۱۸۰) بود، تاریخ ۴۰۶ را به عنوان زمان درگذشت راغب بیان کرد. نسخه خطی مذکور که مجموعه ای مشتمل بر آثاری از ابن فورک، راغب اصفهانی، قشیری است، تاریخ کتابت ۱۱۶۳ را دارد و نخستین متن آمده در آن، اثری از ابن فورک است و در حقیقت یادداشت هایی که ساریسی آنها را متعلق به زمان درگذشت راغب ذکر کرده، درباره ابن فورک است که می دانیم در سال ۴۰۶ و در راه بازگشت به نیشابور از غزنه درگذشته است. بر اساس استنباط خطای ساریسی، مکان دفن راغب نیز گاه نیشابور ذکر شده است. محمد عدنان جوهرچی زمانی که فهرستی از کتابخانه محمد لطفی خطیب در دمشق تهیه می کرد، به نسخه ای از کتاب مفردات غریب القرآن راغب در میان نسخه های خطی او برخورد کرد که تاریخ کتابت ۴۰۹ را داشت. نسخه که توسط سمیحان دختر سلطان سلیم دوم بر کتابخانه مسجد ابویوب انصاری در استانبول در سال ۹۷۱ وقف شده بود، بر اساس عبارت انجام در محرم ۴۰۹ کتابت شده بود (تم الكتاب بحمد الله وحسن توفيقه، والحمد لله رب العالمين و صلى الله على النبي محمد وآله اجمعين و حسبنا الله وحده ونعم المعين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم، في محرم من شهر سنة تسع وأربعمائة، رحم الله من نظرفيه واستغفر لكاتبه ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات، رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم) و در آغاز نیز هنگام ذکر نام راغب، کاتب با جمله ای دعایی از او یاد کرده بود که دلالت بر حیات او در آن تاریخ داشته است. در پایان نسخه سماعی به تاریخ ۵۱۲ نیز وجود داشت. در میانه کتاب نیز یادداشتی درباره زمان درگذشت راغب به نقل از شخصی به نام ابوالسعادات که معلوم نیست مراد ابن شجری یا ابن اثیر است، آمده است. این مطلب با مطلبی که در صفحه عنوان نسخه درباره زمان درگذشت راغب گفته شده که او در آغاز رجب (مستهل رجب) سال ۳۴۳ در اصفهان دیده به جهان گشوده و در ربیع الآخر سال ۴۱۲ درگذشته است.<sup>۱</sup> جوهرچی در مقاله خود صفحاتی از نسخه را نیز منتشر کرده بود، اما معلوم نیست چرا صفحه عنوان نسخه که یادداشت های تاریخی مهمی داشته، مورد توجه او قرار نگرفته است. الکساندر کی در هنگام



۱. محمد عدنان الجوهرچی، «رأی فی تحدید عصر الراغب الاصفهانی»، مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق، ۶۱ (العدد الاول)، ۱۹۸۶، ص ۱۹۱-۲۰۰. مقاله جوهرچی در کتاب عمر عبدالرحن الساریسی، فی دفاع عن الراغب الاصفهانی: عصره و معتقده و آثاره (عمان، ۲۰۰۸)، ص ۴۹-۵۶ بار دیگر تجدید چاپ شده است.

نگارش رسالهٔ دکتری خود دربارهٔ راغب بار دیگر به نسخه مراجعه کرد که اکنون نزد محمد لطفی خطیب در مجموعهٔ شخصی او در لندن است و تصاویری دیگر از نسخه ارائه کرده و در رسالهٔ خود به تفصیل از مسائلی که بر اساس نسخهٔ حاضر می‌توان برای تعیین دقیقتر زمان حیات راغب از آن استنباط کرد، ارائه کرده و توصیفی از نسخه نیز آورده است.<sup>۱</sup> یافت شدن نسخهٔ اخیر که نسخه‌ای نفیس و کهن از کتاب مفردات غریب القرآن راغب کتابت شده در سال ۴۰۹ است، همانگونه که مورد تأکید جوهرچی نیز قرار گرفته، برای رفع برخی از مشکلات مذکور سودمند است. در صفحه عنوان نسخه، نام کتاب چنین ذکر شده است:

«مفردات غریب القرآن الکریم لابی القاسم الحسین بن محمد بن الفضل المعروف

بالراغب الاصفهانی - ادام الله علاه و اطال الله فی العزو والنعم بقاءه-».

در انجام نسخه نیز تاریخ کتابت نسخه، محرم ۴۰۹ ذکر شده است. دربارهٔ اصالت نسخهٔ اخیر دوست گرامی الکساندر کی، در رسالهٔ دکتری خود بحثی آورده و در صفحهٔ شخصی خود نیز صفحاتی از نسخه را ارائه کرده است. بر صفحه عنوان نسخه در زیر نام عنوان کتاب، یادداشتی دال بر خرید کتاب به تاریخ هفدهم شوال ۴۲۰ در اصفهان آمده است:

«اشتری هذه الكتاب على بن عبيدالله الشيرازی من مدينة اصفهان فی سابع عشر

شوال سنة عشرين وأربع مائة لخزانة الأستاذ الجليل أبي المظفر إبراهيم بن أحمد بن

الليث - أطال الله فی العزو والنعماء بقاءه و ادام علاه».

مطلب اخیر بسیار مهم است و برای سنجیدن اعتبار نسخه اهمیت فراوانی دارد که در ادامه از آن سخن خواهم گفت. در زیر یادداشت اخیر، نیز دو مطلب دیگر آمده، که مطلب اول یادداشتی متاخر از حیث تاریخی است و یادداشت پس از آن مربوط به سماع کتاب نزد جوالیقی و اجازهٔ او در روایت کتاب است. مطلب جوالیقی چنین است:

«قرأ علی هذا الكتاب من اوله الى آخره الشيخ الفاضل الادیب ابوجعفر / محمد بن

ابی بکر بن التقیب الشهرستانی - احسن الله توفيقه - وذلك فی / سنة عشر و

خمس مائة و كتب موهوب بن احمد بن محمد بن الخضر الجوالیقی / حامد الله تعالی

على نعمه و مصلياً على رسوله محمد وآله و تسليماً».

1. Alexander Key, "A Linguistic Frame of Mind: ar-Rāḡib al-İṣfahānī and what it meant to be ambiguous," Harvard University (Cambridge, Massachusetts, May 2012), pp.32-40, 257-259.

اکنون بهتر است به بررسی این یادداشت‌ها و اهمیت آنها برای تعیین اصالت نسخه پردازیم. یادداشت علی بن عبیدالله شیرازی در خصوص خرید نسخه برای کتابخانه استاد ابوالمظفر ابراهیم بن احمد بن لیث مطلب مهمی است. براساس چند نسخه دیگر می‌دانیم که علی بن عبدالله شیرازی برای فرد اخیر کتاب خریداری می‌کرده است. ابوالمظفر خود فردی ادیب و کاتب امیر کرد و هسودان بن مملان روادی (حکومت ۴۱۶-۴۵۱) بوده است.<sup>۱</sup> در رمضان ۴۲۴ علی بن عبدالله شیرازی در تبریز کتابت نسخه‌ای بسیار نفیس از کتاب دیوان ابو عبیده ولید بختری (متوفی ۲۸۴) را برای ابوالمظفر شروع کرده که در اواخر صفر ۴۲۵ از کتابت آن فراغت حاصل کرده که از حیث خط با دست خط آمده بر نسخه مفردات راغب یکی است و اکنون در کتابخانه فاضل احمد پاشا به شماره ۱۲۵۲ موجود است (بنگرید به: رمضان شش، فهرس مخطوطات مکتبه کوپرلو (استانبول، ۱۹۸۶)، ج ۲، ص ۳۶). بعدها نسخه اخیر ظاهرًا پس از درگذشت ابوالمظفر، سراز بغداد درآورده باشد و در اختیار الشیخ الفاضل الادیب ابو جعفر محمد بن ابوبکر بن النقیب الشهرستانی بوده که کتاب را در سال ۵۱۰ نزد موهوب بن احمد جوالیقی (۴۶۶-۵۳۹) نویسنده مشهور العرب من الکلام المعجم علی حروف المعجم خوانده و از وی اجازه روایت کتاب را دریافت داشته است.<sup>۲</sup> دست خط اخیر و اینکه متعلق به جوالیقی است با دست خط مذکور با دست خط‌های دیگر شناخته شده از جوالیقی تطابق دارد (به عنوان مثال بنگرید به: خیرالدین زرکلی، الاعلام (بیروت، دار العلم للملایین، ۲۰۰۲)، ج ۷، ص ۳۳۵). تا اینجا از حیث خط شناسی می‌توان اطلاعات آمده بر این نسخه را اصل دانست و این مطالب را از آن استنباط کرد:

۱. شرح حال نسبتاً مفصل ابوالمظفر ابراهیم بن احمد بن لیث از دی کاتب را ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری (بیروت، ۱۹۹۵/۱۴۱۵)، ج ۶، ص ۲۶۴-۲۶۸ آورده است. او در سال ۴۳۲ به دمشق رفته بود. او اثری تألیف کرده بود که در آن به توصیف آنچه که در راه رسیدن به دمشق دیده، با چه عالمان و ادیبانی ملاقات کرده و توصیفی از جامع دمشق پرداخته بود. او نامه اخیر را برای یکی از کتاب اصفهان نگاشته که بندی از آن را ابن عساکر (ج ۶، ص ۲۶۴) نقل کرده است و رساله اخیر را نشانی از فضل و کمال ابوالمظفر ذکر کرده است. در ادامه ابن عساکر مطلبی در توصیف ابوالمظفر به نقل از ابو عثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی آورده که نشانگر مقام بالای ادبی ابوالمظفر است (ابن عساکر، ج ۶، ص ۲۶۴-۲۶۶).

۲. برای شرح حال جوالیقی بنگرید به: یاقوت، معجم الادباء، ص ۲۷۳۵-۲۷۳۷؛ ابوالبرکات عبدالرحمن ابن الانباری، نزهة الألباء فی طبقات الادباء، تحقیق ابراهیم السامرائی (بغداد: مکتبه الاندلس، ۱۹۷۰)، ص ۲۹۳-۲۹۵.



راغب در سال ۴۰۹ در قید حیات بوده و در همین سال کاتبی کتاب مفردات غریب القرآن او را کتابت کرده است. نسخهٔ اخیر در سال ۴۲۰ توسط علی بن عبیدالله شیرازی خریداری شده است و بعدها این نسخه نزد جوالیقی در ۵۱۰ خوانده شده است. میان دو عبارت یادداشت شیرازی و جوالیقی، یادداشتی از فردی که باید مالک متاخرتر نسخه بوده و نامش با دست خط آمده در حاشیه نسخه یعنی محمد بن احمد الانصاری تطابق دارد، حاوی اطلاع دقیقی از زمان تولد و درگذشت راغب است. نویسنده مطلب اخیر اشاره ای به اینکه تاریخ های اخیر را از کجا اخذ کرده ننموده اما دلیلی روشنی نیز برای تردید در اصالت آنها نداریم. انصاری در خصوص زمان تولد و درگذشت راغب نوشته است:

«ولد مصنف هذا الكتاب في مستهل شهر رجب سنة ثلاث واربعمون (کذا) / و ثلاثمائة في قسبة اصفهان وتوفي تاسع شهر ربيع الآخر سنة اثنتين وعشرين واربعمائة رحمه الله تعالى آمين».

تاریخ اخیر با آنچه که از روابط میان راغب و برخی از معاصرانش دانسته است، تطابق دارد. احسان عباس در مقاله ای با عنوان «تعلیقان» (مجله مجمع اللغة العربية الاردنی، شماره های ۲۳-۲۴ (۱۹۸۴)، ص ۱۹۷-۲۰۳ از روابط میان راغب و معاصرانش براساس آنچه که وی در آثارش آورده سخن گفته است. راغب در محاضرات خود (ج ۱، ص ۱۱۹) از نگارش نامه ای توسط خود به ابوالقاسم بن ابی العلاء سخن گفته است که در آن از شعر عمران بن حطان خرده گرفته و ابیاتی از کسی در مذمت امانت دادن کتاب و اشعاری در معارضه به ابوعلی بن ابی علاء نقل کرده است. ابوالقاسم بن ابی العلاء از حلقهٔ دوستان صاحب بن عباد (متوفی ۳۸۵) است که شرح حال و برخی اشعار او چون مرثیه اش در رثای صاحب بن عباد را ابومنصور عبدالملک ثعالبی در *رتیمة الدهر فی محاسن اهل العصر* تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید (قاهره، ۱۹۵۶)، ج ۳، ص ۲۱۳، ۲۸۴ آورده است. کما اینکه در محاضرات راغب، از نامه ای که ابوالقاسم بن ابی العلاء به او نوشته نیز سخن گفته است (بیروت: دار صادر، ۲۰۰۶)، ج ۱، ص ۲۴۱. همین گونه مطلبی که راغب به واسطه از ابن بابک (متوفی ۴۱۰) نقل کرده نیز نشانگر عصر زمانی اوست (و حدثنی أبوسعید بن مرداس أنه قعد مع جماعة فیهم ابن بابک ...) (محاضرات، ج ۱، ص ۷۰۹). و موارد دیگر که راغب از حلقهٔ ادیبان صاحب بن عباد نقل کرده نشانگر عصر زمانی اوست که احسان عباس و الکساندر کی از موارد مذکور به



تفصیل سخن گفته اند. در هر حال نسخه خطی جدید دلالت بر حیات راغب در ۴۰۹ دارد و هر چند دلیل صریحی برای تاریخ ۴۲۲ آمده در این نسخه به عنوان زمان درگذشت راغب در اختیار نداریم، اما به دلیل اشمال بر جزئیات و تطابق با دانسته های دیگر درباره راغب به نظر تاریخی قابل اطمینان باشد کما اینکه درباره تاریخ درگذشت ابن ندیم نیز تاریخ درگذشت او در حاشیه نسخه ای خطی ۲۰ شعبان ۳۸۰ ذکر شده و زهائیم در مقاله ای که در خصوص تاریخ درگذشت ابن ندیم نوشته، اشاره نموده که چنین اطلاعاتی که عموماً درباره افراد با ذکر جزئیات در نسخه های خطی ذکر می شود، صحیح است.<sup>۱</sup>



### توضیح مربوط به تصاویر:

۱. برگ الف از نسخه مفردات غریب القرآن راغب اصفهانی موجود در کتابخانه شخصی محمد لطفی خطیب (لندن) که مشتمل بر عنوان کتاب، یادداشت خرید کتاب، تذکری در خصوص زمان تولد و درگذشت راغب و اجازه سماع جوالیقی و یادداشت تملکی در حاشیه.

۲. عنوان کتاب و جمله دعایی دال بر حیات راغب

۳. تصویری دیگر از صفحه عنوان نسخه مفردات

۴-۵ عبارت علی بن عبدالله شیرازی در خصوص خرید کتاب در اصفهان به تاریخ شوال ۴۲۰

۶-۸ صفحه عنوان دیوان بختری که علی بن عییدالله شیرازی کتابت کرده و دست خط های مذکور با آنچه که در صفحه عنوان مفردات آمده، تطابق دارد.



1. R. SELLHEIM, "Das Todesdatum des Ibn an-Nadim," Israel Oriental Studies 2 (1972), p. 428-32.

این مقاله با این مشخصات به عربی نیز ترجمه شده است: رودولف زهائیم، «تاریخ وفات ابن الندیم»، تعریب حسام الصغیر، مجلة الجمع اللغة العربیة بدمشق، عدد ۵۰ (۱۹۷۵)، ص ۶۱۳-۶۲۴، ۹۳۳ و شماره ۵۱ (۱۹۷۶)، ص ۲۰۶.

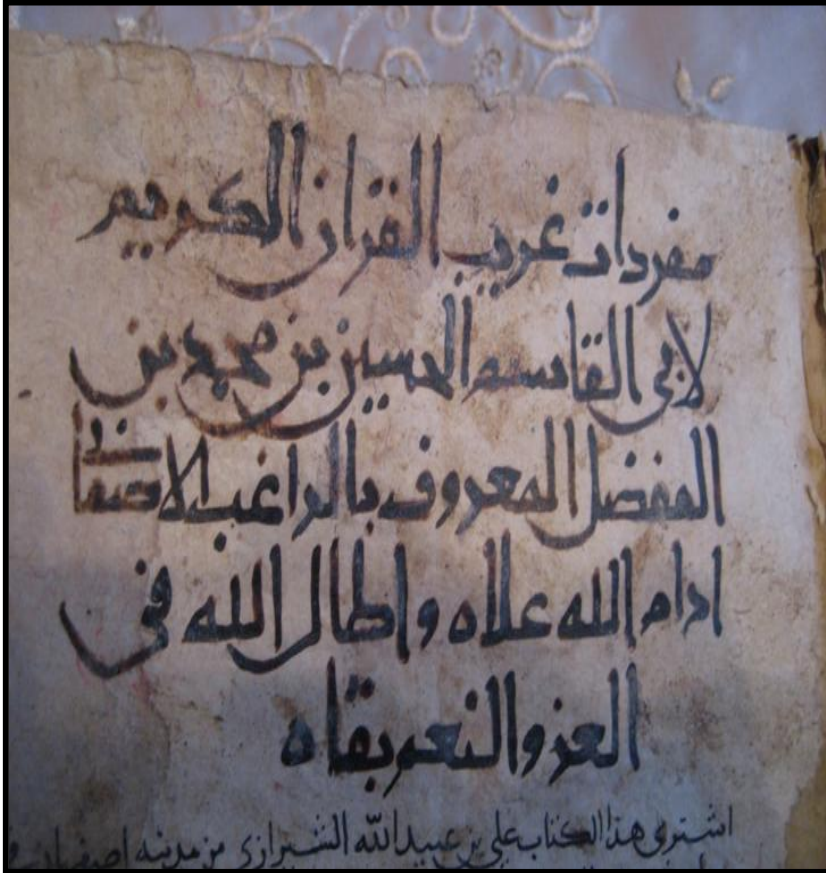
- ۹- تطابق دست خط شیرازی بر دیوان مجتبی با مفردات  
۱۰-۱۱ دست خط جوایقی در اجازة روایت کتاب مفردات  
۱۲- دست خط جوایقی بر ظهر کتاب اسماء خیل العرب  
۱۳- تطابق نگارشی دست خط جوایقی با نسخه مفردات  
۱۴-۱۵ صفحه عنوان تفسیر غریب القرآن سجستانی کتابت ۴۴۹ با اجازة جوایقی  
در روایت کتاب، موجود در کتابخانه چستریتی ۳۰۰۹، برگ الف (برای توصیف  
کوتاه نسخه بنگرید به:

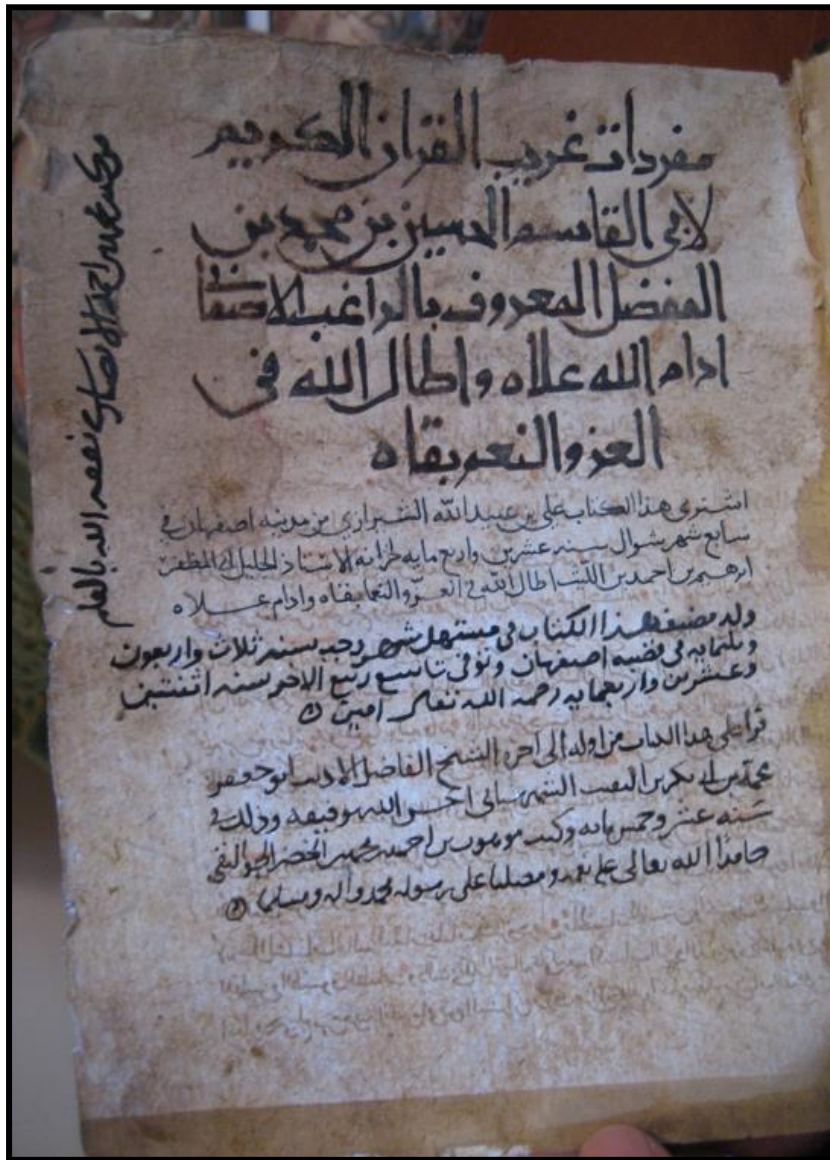
J. Arberry and Ursula Lyons, *The Chester Beatty Library A handlist of the Arabic manuscripts*, 8 vols. (Dublin: E. Walker, 1955). 1:3 (inc. plate).

- ۱۶- تطابق دست خط جوایقی بر سه نسخه متفاوت  
۱۷-۱۸- انجام نسخه مفردات غریب القرآن راغب و تاریخ کتابت محرم ۴۰۹.



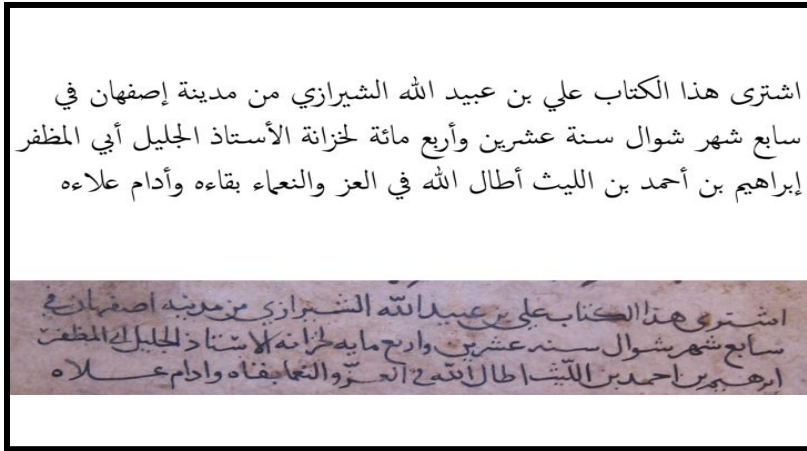






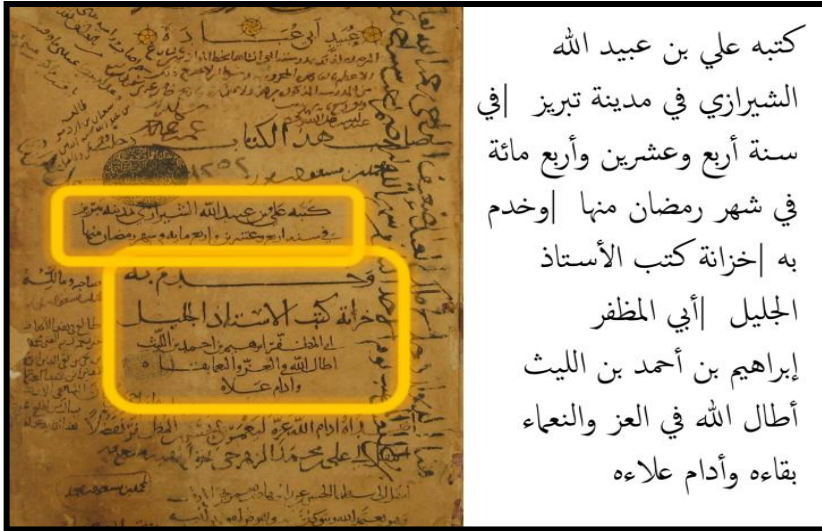


تصوير شماره ٤



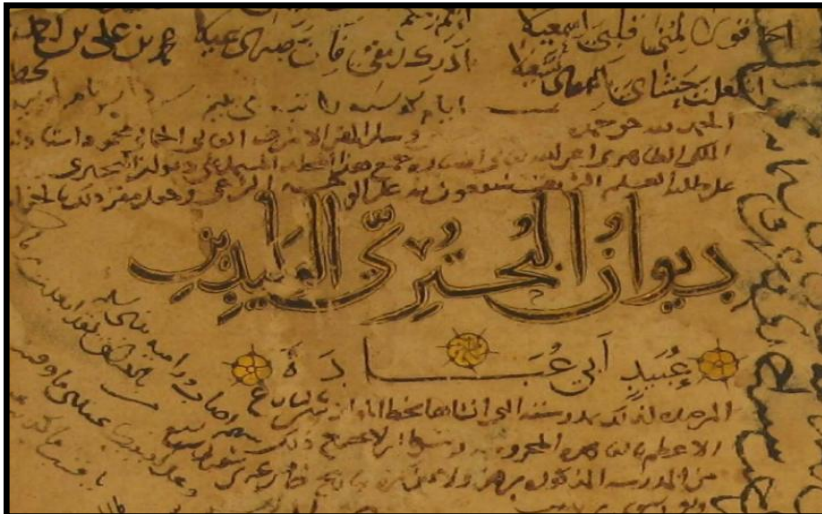
تصوير شماره ٥





كتبه علي بن عبيد الله  
الشيرازي في مدينة تبريز في  
سنة أربع وعشرين وأربع مائة  
في شهر رمضان منها أو خدم  
به إخزانه كتب الأستاذ  
الجليل أبي المظفر  
إبراهيم بن أحمد بن الليث  
أطل الله في العز والنعماء  
بقائه وأدام علاه

تصوير شماره ٧



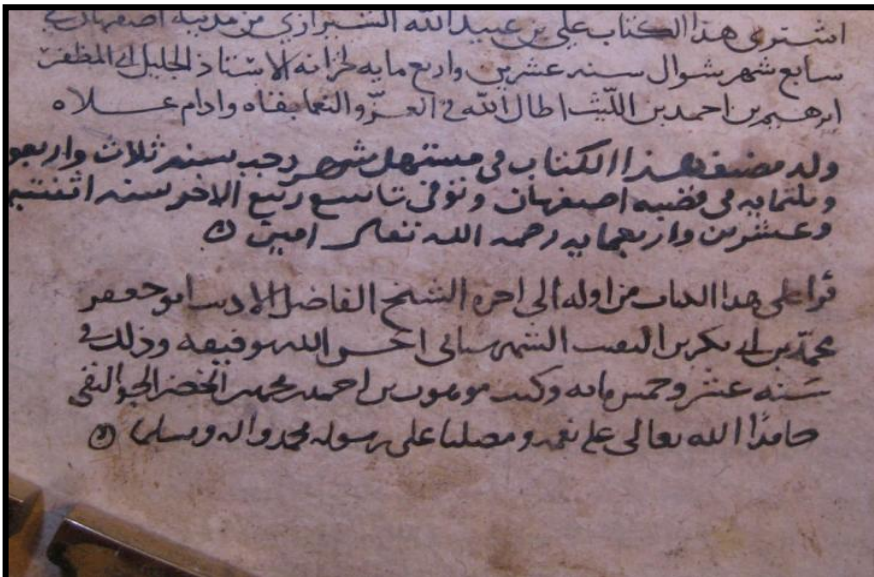
تصوير شماره ٨



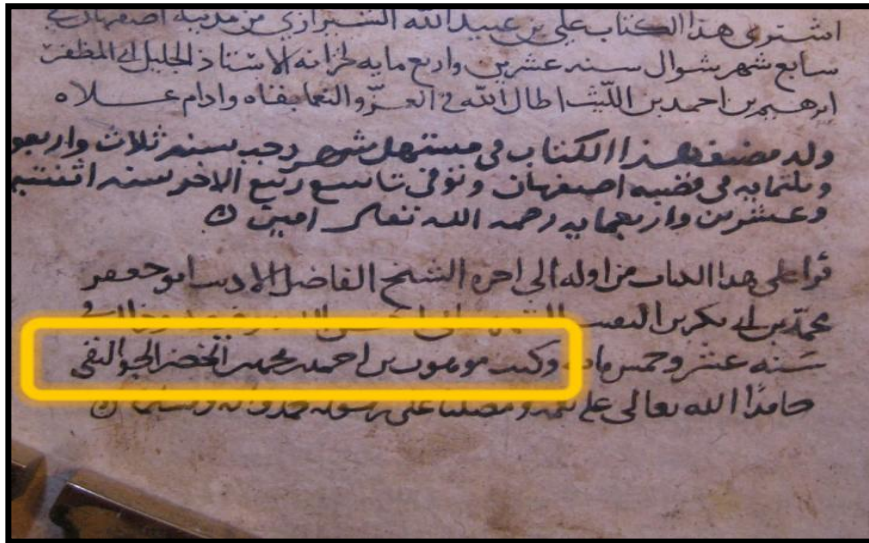




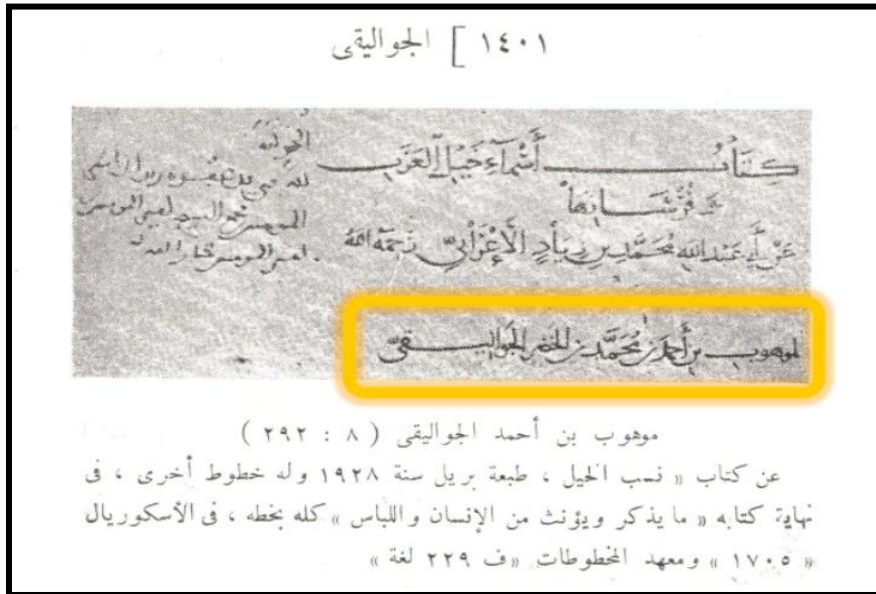
تصویر شماره ۹



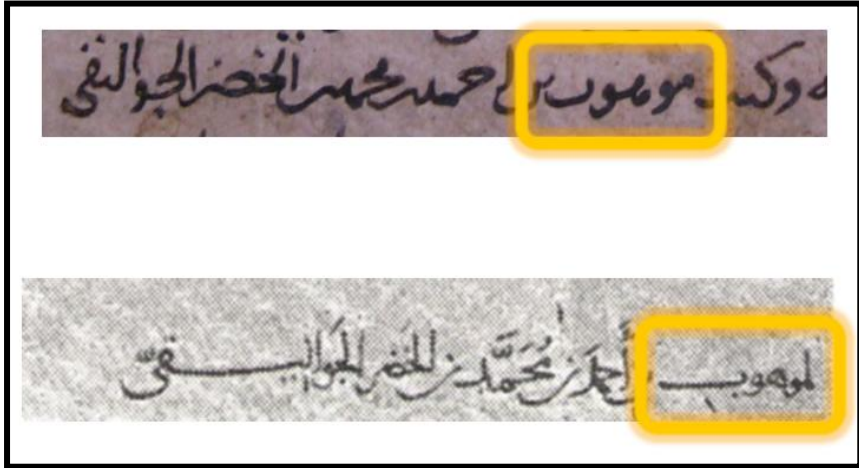
تصویر شماره ۱۰



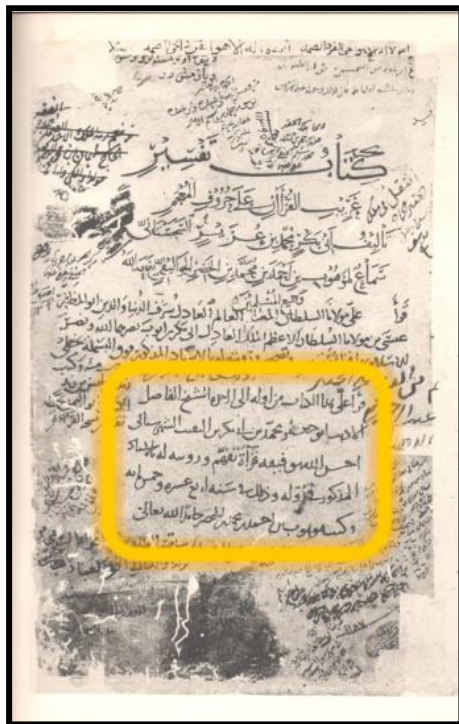
تصوير شماره ١١



تصوير شماره ١٢



تصویر شماره ۱۳



تصویر شماره ۱۴





ان کلامی کہ جو کہ بعض کتب میں مذکور ہے کہ اس کا معنی ہے کہ جو کہ اس کے ساتھ ہے  
ہم کو دیکھو اور انہی کے ساتھ ہے اور انہی کے ساتھ ہے اور انہی کے ساتھ ہے اور انہی کے ساتھ ہے  
سما جبراً و اہل السورہ اور انہی کے ساتھ ہے اور انہی کے ساتھ ہے اور انہی کے ساتھ ہے  
مذہب تہذیب اللہ و عوافتہ

**برکات** محمد اللہ و حسنہ و نعمہ

محمد رسول اللہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ  
محمد رسول اللہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ

رحمۃ اللہ علیہم اجمعین و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ  
و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ و عوافتہ و حسنہ و نعمہ

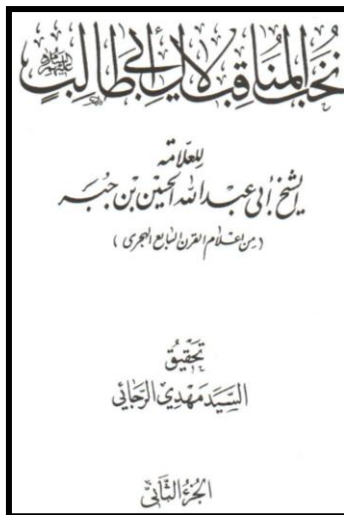
ادخل كل شجر ملتقى واجمع اذ غاب ومنه قتل لغير الراضح من الراضح و ادخل اذ اراد  
منه قتل يفتش اب و ادغال كالجبان في الجبيرة استمنه لان و رقها و قضيا  
شيشه ثم الزام لسطر راخته كانه يتم على نفسه هو و ذلك لما يشه الان

تصویر شماره ۱۸



## نخب المناقب و نویسندہ آن

حسین شہسواری



میراث شباب، شماره ۷۷-۷۶

### مقدمه

در زمان و دوران پرمآجری اسلامی که حق تعالی به رسول خود آیین جدید و راه سعادت بشر را وحی و القاء فرمود، بیان مناقب و فضائل و به دنبال آن ملاک گزینش و تعیین شخصیت های تأثیرگذار و الگو در جامعه مورد نظر دین الهی اسلام مطرح و از سوی رسول

گرامی اسلام ﷺ به امت موحد و جوایای راه نجات و هدایت ملاک های جانشین خود و رهبر جامعه اسلامی و الهی بیان گردید. پس از ارتحال پیامبر خاتم ﷺ معیار و ملاکی که حضرتش از سوی خداوند متعال به پیروان خود ابلاغ فرموده بود، مورد توجه قرار نگرفت و نگرش های جاهلی و تعصب های قومی و عقده ها و کینه ها و دشمنی های شخصی و پیشین در دلها مانده، بروز کرد و ملاک مداری و ارزش محوری و شایسته سالاری در انتخاب جانشین پیامبر خدا و رهبری دینی جامعه را همانند توصیه ها و ملاک هایی که حضرتش از سوی خداوند متعال اعلام کرده بود، کنار گذاشته، بر اساس سلايق قبيله ای و قوم گرایی که ملاک دوران پیش از اسلام و بدور از معنویت و ارزش واقعی بود، به اضافه کینه ورزی و دشمنی های دردل نهفته رسول خدا و اهل بیتش صلوات الله عليهم اجمعین، افرادی را به عنوان خلیفه برگزیده، و بر امت اسلامی تحمیل کردند و به مرور زمان بخشی از جامعه ملاک اصلی و شایسته گرایی را در انتخاب حاکمان و مدیران جامعه به فراموشی سپردند. البته در میان امت اسلامی پیشوایان راستین و بخش اندکی از امت اسلامی جان برکف نهاده و پرچمی را که فرستاده خداوند متعال ﷺ برافراشته بود همچنان به اهتزاز در می آوردند و ملاک ها و معیارهای اساسی را به نسل های بعدی منتقل می کردند.

علاوه بر آن معصوم ﷺ به شایستگی جانشین فرستاده خداوند بودند و اصحاب ویژه و تربیت شده ایشان، برخی از عالمان و اندیشمندان اسلامی عامه نیز به نگرش معیارها و ملاک های پیشوای دینی و حاکم اسلامی اهتمام کردند و کتب فضائل و ارزش ها و مناقب اصحاب را علی رغم محدودیت و ممنوعیت شدید نسبت به نقل آن ملاک ها و فضائل، جمع آوری کردند، البته ایشان گردآوری روایات و بیان ملاک ها را برای رسیدن به اهداف خود چنین انجام می دادند، ولی بسیاری از حقایق و ارزش های خاندان رسالت و شایستگی ایشان برای تصدی زعامت و حاکمیت اسلامی و امامت امت مسلمان نیز در میان گردآوری شده های ایشان یافت می شد.



در قرن های بعدی اندیشمندان مسلمان و پیروان مکتب اهل بیت ﷺ به پیروی از امام معصوم خویش ﷺ ملاک ها و معیارهای جانشین و خلیفه رسول خدا ﷺ را جمع آوری و تبیین می کردند، در این راستا آثار فاخر فراوانی در دانش های مختلف به ویژه کلام و حدیث





گردآوری، تدوین، تألیف و تصنیف گردید.

از جمله آثاری که در این باره نگاشته شده کتاب گرانسنگ و فاخر «مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)» تألیف اندیشمند پرآوازه علامه ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی (درگذشت ۵۸۸ هجری قمری) می باشد، کتاب پیراجی که پیرامون آن ارزش و جایگاهش سخن های فراوانی بیان شده و هنوز هم شایسته معرفی و شناساندن به جامعه اسلامی است.

این اثر فاخر بنا به گزارش های مربوط به آن از کتاب هایی است که علاوه بر محتوا و مطالب بسیار بلند و عمیق، از حجم و کثرت بالای مطالب نیز برخوردار بود، به همین دلیل برخی از قشرهای جامعه (شاید بخش زیادی از ایشان) به دلیل کم همتی و سست ارادگی در به دست آوردن و فهم معارف دینی، رغبتی به مطالعه و بهره مندی از محتوای غنی آن نشان نمی دادند، دلسوزان جامعه برای رفع مانع از بهره گیری اقشار مختلف جامعه دست به تلخیص و گزینش نگاری از آن نمودند تا بهانه ای برای مردم باقی نماند. شیخ ابو عبدالله حسین بن جبیر از این دسته از عالمان دلسوز و اندیشمند است که در این راستا تلاش نموده است. در ادامه نسبت به وی و اثر ماندگارش مطالبی به محضر اهل دانش تقدیم می گردد.

### شیخ ابو عبد الله حسین بن جبیر (حدود ۶۴۸ ق)

شیخ ابو عبدالله حسین بن جبیر از اندیشمندان جهان تشیع می باشد که با بزرگی و ارجمندیش اطلاعات چندانی نسبت به زندگی و آثار و فعالیت های علمی وی در دست نیست، بلکه اطلاعات ما درباره ایشان از ناحیه ی کتابی است که وی از اثر گرانسنگ «مناقب آل ابی طالب»<sup>۱</sup> گزینش کرده، و نیز مطالبی که نوه ایشان در کتاب «نهج الایمان»<sup>۲</sup> در باره وی آورده است.

۱. اثر ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب ابن ابی نصر بن ابی الجیش السروی المازندرانی (۵۸۸ ق).

۲. درباره ایشان می توان به آثار نگاشته شده پیرامون تراجم عالمان و اندیشمندان، از جمله: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۹-۴۰؛ والذریعة ۲۴: ۸۹؛ و طبقات اعلام الشیعة (الأنوار الساطعة فی المائة السابعة)، ص ۴۷ و ۱۰۸؛ و اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۶۵-۴۶۶؛ و موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۱۶۷؛ و فهرس التراث، ج ۱، ص ۶۳۹، و آثار دیگر مراجعه کرد.

شیخ علی بن یوسف نوه دختری و نیز عموزاده<sup>۱</sup> وی در اثر مذکور سه مورد ذکر کرده است که شیخ حسین بن جبیر از نسل صحابی جلیل القدر جابر بن عبدالله انصاری می باشد.<sup>۲</sup> شیخ حسین از شخصیت های برجسته و اندیشمند جهان تشیع بوده که عالمان اسلامی در وصف وی مطالب ارزنده ای آورده اند.<sup>۳</sup>

### نام پدر یا جد

در برخی از کتب نسبت به ضبط نام پدر و یا جد شیخ ابو عبدالله حسین اختلاف نظر وجود دارد. عده ای نام وی را «جبر» و برخی «حبر» و بعضی «خیر» و گروهی نیز «جبیر» گفته اند.

میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء در این باره می گوید: آنچه در بیشتر موارد آمده است «حبر» (با حاء مهمله مکسوره و باء و راء) می باشد، و در بعضی ها «جبر» (با جیم و باء مفتوحه) به طور مکبر ثبت شده است.

بنا به گفته آقا بزرگ طهرانی، صاحب «کشف المحجب والأستار» نام وی را «الحسین بن خیر» و ملا سعید مرندی در «تحفه الإخوان» نام او را حسین بن حسین گفته اند.<sup>۴</sup> ولی آنچه صحیح به نظر می رسد نام ایشان (جبیر) با جیم و صیغه مصغریا مکبر می باشد، بنا بر این موارد دیگر همانند «حبر» (با حاء)، تصحیف و اشتباهی است که در ثبت این واژه صورت گرفته است.

۱. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۹-۴۰.

۲. نهج الايمان، ص ۵۴۰ «وروی عن جده جابر الانصاری...»، «روی جدی فی کتابه المقدم ذکره حدیثا مسندا الی جده جابر الانصاری...» ص ۵۵۷، «روی فی نخبه حدیثا مسندا عن جده جابر الانصاری...» ص ۶۳۶.

۳. در این باره رجوع کنید: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۹-۴۰؛ و اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۶۵-۴۶۶. «الشیخ أبو عبد الله حسین بن جبیر، و یقال حبر المعروف بابن جبیر، فاضل عالم کامل جلیل، یروی عن ابن شهر آشوب بواسطة واحدة»، «الشیخ الجلیل و العالم النبیل شیخ الطائفة و رئیسها الحسین بن جبیر»، «الشیخ الثقة أبو عبد الله الحسین من اجلة علمائنا، وثقه الشیخ حسن بن علی الکرکی فی عمدة المطلب»، اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۶۵-۴۶۶؛ لازم به ذکر است که در ریاض ج ۲ که شرح حال مختصری از شیخ حسین بن جبیر آمده است، بخشی از این مطالب وجود ندارد «فاضل عالم کامل جلیل».

۴. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص: ۸۸-۸۹، و ص: ۱۷۳.

۵. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۹-۴۰؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص ۸۸-۸۹، و ص ۱۷۳.



علاوه بر صاحب ریاض، محققان دیگری چون اندیشمند پژوهشگر میرزا حسین نوری صاحب **مستدرک الوسائل**، و آقا بزرگ طهرانی ضبط نام وی را «جبیر» ذکر کرده اند.

### اساتید

با کمال تأسف دست ستمگر حوادث برگ های زندگی علمی این عالم فرزانه را همانند بسیاری از این قافله، از کتاب روزگار جدا کرده است، از این رو اساتید وی ناشناخته مانده است. تنها کسی که شیخ حسین در مقدمه کتاب «نخب المناقب» به نام وی تصریح کرده است، شیخ علی بن فرج می باشد، در این باره می گوید: «در محضر استاد و اندیشمند بزرگوار فقیه و الامام نجیب الدین أبو الحسین علی بن فرج، حاضر گشته و زانوی شاگردی نزد وی زده و از دانش و معرفت وی بهره برده است».

### آثار ابن جبیر

همانند شرح حال وی مطالب اندکی در باره آثار و فعالیت های علمی وی در اختیار هست، در برخی کتابهای تراجم و آثاری که در موضوع امامت تدوین گشته به ویژه «نهج الایمان» اثر گرانسنگ سبط ایشان دواثر از شیخ حسین بن جبیر نام برده اند:

### ۱) الاعتبار فی بطلان الاختیار

کتابی است در موضوع امامت، و روش و ملاک تعیین امام و جانشین رسول خدا ﷺ، و این که تعیین امام به روش انتخاب و گزینش از سوی امت، باطل می باشد. و در این مسئله امت هیچ نقشی ندارند و این مسئله همانند نبوت از اموری است که خداوند سبحان عهده دار

۱. نخب المناقب، ج ۱، ص ۳۲. علی بن فرج سُوروی (و یا علی بن محمد بن فرج)، کنیه ایشان «أبو الحسین» و لقبش «نجیب الدین» می باشد. در این باره رجوع کنید: أمل الأمل ۲- ۱۹۸ برقم ۵۸۹، ریاض العلماء ۴- ۱۷۵، طبقات أعلام الشيعة ۳- ۱۰۸، و ۲۰۶ (القرن السابع). ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۷۵-۳۷۶؛ خاتمة المستدرک، ج ۲، ص ۴۶۵-۴۶۶ و ص ۳۳۸ و ص ۴۲۱، ج ۳، ص ۳۶۷؛ طبقات اعلام الشيعة (الأنوار الساطعة فی المائة السابعة)، ص ۲۰۶. معجم رجال الحديث ۱۲- ۱۱۲ شماره ۸۳۶۲؛ موسوعة طبقات الفقهاء می نویسد: اگر چه سال درگذشت شیخ علی بن فرج به دقت مشخص نیست، ولی می توان رحلت این دانشمند گرانمایه را حدود سال ۶۲۵ هـ دانست موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۱۶۷. و نیز در باره جایگاه و مقام علمی و نسب وی و عالمائی که نقل حدیث کرده و عالمائی که از وی حدیث و کتب پیشینیان را نقل کرده اند رجوع شود: به مقاله شرح حال ابن جبیر از نویسنده.

آن می باشد.

علاوه بر سبط ایشان در «نهج الایمان» اندیشمندانی در آثار خود این کتاب را به او نسبت داده اند از جمله ایشان: شیخ حسن بن علی کرکی در «عمدة المطلب»،<sup>۱</sup> و همچنین شیخ محمد بن حسن بن حر عاملی به این انتساب اشاره کرده اند.<sup>۲</sup>

## ۲) نخب المناقب<sup>۳</sup>

مشهورترین اثر ابن جبیر که به واسطه آن شهرت پیدا کرده است، کار ارزشمندی است که وی کتاب گرانسنگ «مناقب آل ابی طالب» تالیف ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی در گذشت ۵۸۸ هجری قمری را پس از گرفتن اجازه از سوی استادش، به درخواست سید اجل تاج الدین شمس الشرف ابو الحسن علی بن محمد بن ابی الفضل علوی حسینی، تلخیص و گزینش نموده و با عنوان «نخب المناقب لآل ابی طالب» ارائه نموده است.<sup>۴</sup>

### بررسی نخب المناقب لآل ابی طالب

#### الف) گزینش کننده

شیخ ابو عبدالله حسین بن جبیر (جبر) از عالمان اندیشمند قرن هفتم هجری قمری است. بنا به تصریح شیخ زین الدین علی بن یوسف بن جبیر نوه دختری ایشان، شیخ حسین از نسل جابر بن عبدالله انصاری می باشد.<sup>۵</sup> همچنان که پیشتر گذشت، درباره ی شرح حال ایشان اطلاع چندانی در دست نیست، و به اختصار مطالبی آورده شد.

#### ب) گزارش کتاب

بنا به تصریح ابو عبدالله الله شیخ حسین بن جبیر کتاب «نخب المناقب لآل ابی طالب» را در

۱. اگر چه آقا بزرگ در الذریعه آن را «عمدة المقال» نامیده است. محقق کرکی عمدة المقال را برای شاه طهماسب صفوی نگاشته است.

۲. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۶۶.

۳. در برخی از آثار از این کتاب به (نخبة المناقب لآل ابی طالب) یاد شده است، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۶۶.

۴. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۶۶؛ این اثر در دو مجلد با تلاش محقق ارجمند حجت الاسلام سید مهدی رجایی توسط انتشارات کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی در قم به زیور طبع آراسته گردیده است. با توجه به توضیحی که در نسخه دانشگاه آمده به نظر می رسد این دو مجلد در واقع جلد اول از کتاب مذکور می باشد.

۵. نهج الایمان، ص ۵۴۰، ۵۵۷، ۶۳۶.



دو جلد سامان داده است، و هر جزء شامل ابوابی در موضوعات متعدد و هریک از ابواب را به فصل های گوناگون تقسیم کرده است. وی در مقدمه به مطلب فوق تصریح کرده است.<sup>۱</sup>

### مقدمه

(۱) باب اول مباحث و مطالب مربوط به پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در این باب سی و شش فصل در موضوعات متعدد از بشارت های انبیاء پیشین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نبوت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ولادت، اخلاق و سیره، معجزات و کرامات، نبوت و غزوات و جنگ ها، سرانجام وفات و روایتی در فضیلت زیارت آن حضرت را شامل می شود.<sup>۲</sup>

(۲) باب دوم مباحث مربوط به امامت و ذکر مناقب امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ

در این باب نیز فصول متعدد درباره اثبات امامت و شرائط و اوصاف آن بیان داشته است که بخشی از مطالب در مناقب نیامده است، بطلان اختیار امام از سوی امت، میراث، رد غلوگرایان، رد هفت امامی ها، رد خوارج، پرسش و پاسخ پیرامون مسائل مختلف.<sup>۳</sup>

(۳) باب سوم درباره درجات امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و مقدماتش می باشد که در این باب نیز فصول متعدد و گوناگون مطرح می شود از جمله «سبقت به اسلام، سبقت در نماز، بیعت، علم، هجرت، جهاد، شجاعت، سخاوت و انفاق، زهد و قناعت، تواضع، عدالت و امانت، هیبت و همت، یقین و صبر، اعمال صالح، حزم و ترک مدهائنه، حلم و شفقت، نیابت و ولایت».<sup>۴</sup>

فصول دیگر کتاب پیرامون مباحث و فضائل مخصوص حضرت می باشد که در مناقب موجود چاپ شده به چشم نمی خورد «فاما ما تفرد به علی من الفضائل، فعلی أربعة انواع: قبل مولده، وفي حال حياته، وبعد وفاته، وفي الآخرة، قال صاحب الكتاب...». در این قسمت فصولی به شرح زیر آورده است:

۱. قسمته جزئین، کل جزء یشتمل علی أبواب، و کل باب یشتمل علی فصول، ج ۱، ص ۳۴.

۲. نخب المناقب، ج ۱، ۴۶-۳۴۳.

۳. در فهرست نخب المناقب چاپ شده (باب درجات امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، مقدماتها)، در حالی که در صفحه ذکر شده عنوان و یا مطلبی در این باره نیامده است، بلکه در ادامه مطالب باب دوم می باشد. ج ۱، ۵۹۹.

۴. نخب المناقب، ج ۱، ۳۴۳-۵۵۹؛ لازم به ذکر است که در متن کتاب عنوانی همانند عناوین دیگر مثل «باب فی درجات امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، مقدماتها» نیامده است، از این رو این عنوان را ظاهراً محقق محترم بر اساس مطالب کتاب گزینش کرده است.



الف) «فضائل الامام أمير المؤمنين عليه السلام» (ب) فصل فی الميثاق فی قربه من الله تعالى ومن النبي صلى الله عليه وآله، (ج) فصل فی الاصل الذي منه النبي والوصي عليهما السلام، (د) فصل فی الامتزاج، (هـ) فصل فی القرابة، (و) فصل فی آثار حمله عليه السلام وكيفية ولادته، (ز) فصل فی الطهارة والتربية، (ح) فصل فی المصاهرة مع النبي صلى الله عليه وآله، (ط) فصل فی الاخوة، (ی) فصل فی الجوار، (ک) فصل فی الاولاد، (ل) فصل فی المشاهد (وآثار وبارگاه ها)، (م) فصل فی ظلامة اهل البيت عليهم السلام (ستمهايي كه به ايشان شد)، (ن) فصل فی مصائب اهل البيت عليهم السلام، (ق) فصل فی الاختصاص (ويژگي های امام علی عليه السلام).

۴) باب ديگرى با عنوان ياد آن حضرت نزد خالق و نزد مخلوقين قرار داده است. در اين باب نيز فصول متعددى آمده كه عبارت است از: تحف الله عزوجل له، محبة الله عزوجل اياه عليه السلام، مقاماته مع الانبياء والاصياء عليهم السلام، احواله عليه السلام مع ابليس و جنوده، ذكره عليه السلام فى الكتب، اخباره عليه السلام بالغيب، اخباره عليه السلام بالمنيا و البلايا والاعمار، اجابة دعواته عليه السلام، نواقض العادات منه عليه السلام، معجزاته فى نفسه عليه السلام، انقياد الحيوانات له عليه السلام، طاعات الجمادات له عليه السلام، اموره عليه السلام مع المرضى و الموتى، فى من غير الله حالهم و اهلكهم بغيضه او سبه عليه السلام، قضاياه عليه السلام فى حياة النبي صلى الله عليه وآله، قضاياه عليه السلام فى عهد ابى بكر، قضاياه عليه السلام فى عهد عمر، قضاياه عليه السلام فى عهد عثمان، قضاياه عليه السلام بعد بيعة العامة له عليه السلام.

۵) باب النصوص على امامة امير المؤمنين عليه السلام. در اين باب مطالبى در هفت فصل از آيات و روايات كه بر امامت حضرت على عليه السلام دلالت مى كند، آورده است.

۶) باب تعريف باطنه عليه السلام. در اين باب سى و شش فصل در موضوعات متنوع آورده است.

۷) باب ما يتعلق بالآخرة من مناقبه عليه السلام. در اين باب مطالبى در مناقب حضرت ضمن چهارده فصل آورده است.

۸) باب النكت واللطائف. در ضمن پانزده فصل مطالبى آورده است.

۹) باب فی احواله علیه السلام. در ضمن هفت فصل مطالبی آورده و فصل پایانی را به زیارت آن حضرت اختصاص داده است.

۱۰) باب دهم را به مناقب حضرت فاطمه علیها السلام اختصاص داده، وی در این باب هشت فصل در موضوعات مختلف آورده، و فصل پایانی را به وفات و زیارت آن حضرت اختصاص داده است. عناوین فصول به شرح زیر است: «فضیلتها علی النساء، منزلتها عند الله تعالی، حب النبی ایاها، معجزاتها، سیرتها، تزویجها، حلیتها و تواریحها، وفاتها و زیارتها». و سرانجام با دو بیت مطالب مخصوص به حضرت را به پایان برده است.

نفسی تقرّباًتها\*\*\*\*\*یوم القيامة غانمه

بنیبتها و وصیها\*\*\*\*\*و السیدین و فاطمة<sup>۱</sup>

بدون این که اشاره شود به اتمام کتاب و یا اتمام این فصل، از این مطلب معلوم می گردد که این اثر ناقص می باشد.

### ج) سبب گزینش و انتخاب

شیخ حسین بن جبیر در مقدمه «نخب المناقب»، عامل و سبب اساسی گزینش کتاب را کثرت مطالب و حجیم بودن آن ذکر کرده، و نیز مفصل بودن آن به جهت ذکر سند روایات و نیز کم همتی و اهتمام مردم همعصرش در طلب دانش و کسب معرفت را عامل دیگر دانسته است.

«... و بعد فاعلموا رحمکم الله انی لما نظرت الی الکتاب الذی صنفه الشیخ الفقیه العالم

عزالدین ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی السروی الذی و سمه بـ «مناقب آل ابی طالب» رأیت انه قد جمع فیہ ما لا یوجد فی واحد، لانه قد جمعه من الاماکن المتباعدة، و المظان المتباینة، و اشار الی کتب معروفة و ذکر له من اسانید الکتب و التفاسیر من طرق الخاصة و العامة ما یتاتی ذکره.

و کان الشیخ الفقیه نجیب الدین ابو الحسین علی بن فرج قرأ علی هذا الشیخ المذكور هذا الکتاب المذكور و غیره من الکتب، و أجاز له ان یروی عنه جمیع مصنفاته و قراءاته و سماعته و روایاته و اجازاته، و کتب له بذلك اجازة كاملة، و نظرت فیها و عرفت صحتها و قرأت من بعد علی المشار الیه بالاجازة و الروایة عدة کتب، و سألته الاجازة و الروایة فکتب لی اجازة جامعة

۱. در مناقب آل ابی طالب موجود است و پس از این دو بیت چهار بیت دیگر از دیکر الجن آورده و پس از آن وارد مباحث مربوط به امامت سبطین علیهم السلام شده است، مناقب آل ابی طالب، ج. ۳، ص ۳۶۴.

تشمّل علی جمیع ما قرأه و سمعه و استجازه و رواه عن هذا الشيخ المذكور و غيره من مشايخه. فلما علمت ان لی صلة بروایة الكتاب بحق الاجازة عنه عن مصنفه، تنبّهت و فكرت فی كثرة ما جمع فيه، و انه ربما یؤدی عظم حجه الی العجز عن نقله، بل ربما أدى الی ترك النظر فيه، و التصفح لجمیعه، لا سیما مع سقوط الاهتمام فی طلب العلم من اكثر المكلفین. فرایت ان اختصر الكتاب، و انتزع من المناقب و الفضائل ما ثبت به الحجة، و تقوم به الدلالة، و ان اجمع كل نظیر الی نظیره من الاحادیث و لا اعتمد علی ما قدّم من التالیف، و ربما ادخلت فيه كلاما من غیر الاصل فی بعض المواضع استشهادا و تأكيدا لصحة الحديث.... و قد بذلت الاستطاعة فی تحریر هذا الكتاب و تهذیبه مع ضعف الصناعة، و قلة البضاعة و قسّمته جزأین، كل جزء یشتمل علی ابواب، و كل باب یشتمل علی فصول، و سمیته بـ «نخب المناقب لآل ابی طالب» و ذلك لأتّی انتخبته من الاصل المشار الیه و سألت الله التوفیق له و المعونة علیه، فما المرجع فی ذلك الا هو، علیه توكلت و الیه انیب.»

ابن جبیر پس از نقل ۱۶ صفحه از مقدمه ابن شهر آشوب درباره مصادر روایات و اخبار می گوید: «ثم قال رحمه الله مع كثرة ما اورد فيه: «و قد قصدت فی هذا الكتاب من الاختصار علی متون الاخبار، و عدلت عن الاطالة و الاكثار، و الاحتجاج من الظواهر، و الاستدلال علی فحواها و مقتضاها، و حذفنا اسانیدها لشهرتها، و اشارتی الی رواها و طرقها و الكتب المنتزعة منها لتخرج بذلك عن حدّ المراسیل و تلحق بباب المسندات»<sup>۱</sup> و هذه مما یدل علی غزارة علمه و سعة روايته جمع الله بیننا و بینه فی دار عفوّه، و مستقر رحمته بمحمد النبی و عترته»<sup>۲</sup>.

#### د) افزوده های «نخب المناقب»

بنا به تصریح شیخ حسین بن جبیر در مقدمه نخب المناقب، مطالبی را وی برای تأیید و تأکید آورده است، و نیز بنا به نظر برخی از محققان کتاب مناقب اصلی بیش از مناقب بوده است که اکنون در دسترس می باشد، شاید بتوان به برخی از مطالب موجود در نخب استشهاد کرد، اگر چه بخش اعظم آن مطالب را بنا به تصریح شیخ حسین بن جبیر از افزوده های خود وی باشد.

در نخب المناقب روایات و مطالبی در حجم بیش از ۶۲ صفحه ی ۲۰ سطری بدون پاورقی

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۲-۱۳.

۲. نخب المناقب، ج ۱، ص ۳۱-۴۶.



هست که در مناقب ابن شهر آشوب چاپ شده، نیست، موارد و مطالب مذکور بنا به تصریح محقق محترم «نخب المناقب» در پاورقی با این عبارت «بین اهلالین غیر موجود فی المطبوع» مشخص شده است.

اگر مطالب مذکور را ضمیمه کنیم به بیاناتی که ابن جبیر در مقدمه کتاب نسبت به انگیزه گزینش خود از مقدمه «مناقب ابن شهر آشوب» نقل کرده و به جهت بسیاری مطالب و پر حجم بودن کتاب با مقدماتی که آورده است شروع به انتخاب و گزینش مناقب کرده و به اصطلاح آن را خلاصه نموده و اسمش را «نخب المناقب» گذاشته است، می توان گفت: این کتاب تمام نخب المناقب نیست.

البته لازم به ذکر است که ابن جبیر در مقدمه آورده است که: بعضی از مطالب را از غیر مناقب برای تأیید و تأکید و استشهاد آورده است، اگر چه امکان دارد این موارد از همان قسمت هایی باشد که ایشان اضافه کرده اند ولی با ظاهر تعبیر خود ایشان سازگار نیست که گفته است «وربما ادخلت فيه كلاما...» با تعبیر «ربما» که نشانگر قلت و کمی است با بخش فراوانی که بیش از ۶۲ صفحه می باشد، سازگار نیست.

ایشان در مقدمه کتاب صفحه ۳۲ و ۳۳ آورده است: «فرأيت أن اختصر الكتاب وانتزع من المناقب والفضائل ما ثبت به الحجة وتقوم به الدلالة وان اجمع كل نظير الى نظيره من الاحاديث ولا اعتمد على ما قدم من التأليف وربما ادخلت فيه كلاما من غير الاصل في بعض المواضع استشهادا وتاكيدا للصحة الحديث...»

#### هـ) تذکر نکته ای در باره «مناقب آل ابی طالب» ابن شهر آشوب

در جای جای این اثر ابن جبیر مطالب و روایاتی را آورده است که در مناقب های چاپ شده موجود نیست، و این دلیل بر مطلبی است که برخی از بزرگان به آن تذکر داده اند مبنی بر اینکه: مناقب چاپ شده همان مناقب ابن شهر آشوب اصلی نمی باشد، و این کتاب چاپ شده همانند «نخب المناقب» ابن جبیر، انتخاب و گزینش شده از مناقب ابن شهر آشوب می باشد، و گزینش کننده آن یا خود ابن شهر آشوب بوده و یا کس دیگر این گزینش را انجام داده و به نام ابن شهر آشوب که معروف بوده و خلاصه شده نیز انتخاب شده از کتاب وی بوده، مشهور گردیده است.

شواهدی که بیانگر اصلی نبودن «مناقب آل ابی طالب» تالیف محمد بن علی بن شهر

آشوب، می باشد، و اینکه مناقب موجود و چاپ شده شاید گزینش دیگری از «مناقب آل ابی طالب» اصلی باشد.<sup>۱</sup>

۱) خاتم المحدثین میرزا حسین نوری در خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،<sup>۲</sup> ضمن شرح حال محمد بن علی بن شهر آشوب، پس از بیان جایگاه ویژه و مقام علمی ایشان به تجلیل از اثر ماندگار وی پرداخته و کلمات علما را درباره آن آورده است. و در ادامه از کلمات صاحب «نخب المناقب» که تصریح است بر ناقص بودن کتاب «مناقب آل ابی طالب»، استفاده می کند و می گوید: بر اساس این عبارات که ظاهر بلکه نص در این است که مناقب موجود در این زمان و حتی در زمان علامه مجلسی اصل و کل «مناقب آل ابی طالب» نمی باشد. سپس ایشان شواهد و قرائنی که از کلمات و عبارات علمایی که درباره مناقب و امامت کتاب های گوناگون نوشته اند، آورده است،<sup>۳</sup> که در ادامه به آنها اشاره می گردد:

الف) عالم جلیل القدر علی بن یونس عاملی در کتاب «الصرط المستقیم» عباراتی از ابن جبیر نقل می کند که صریح است در حجیم و زیاد بودن مناقب اصلی، و همین مطلب را به عنوان انگیزه و سبب اصلی برای گزینش و انتخاب کتاب «نخب المناقب» از مناقب ابن شهر آشوب، معرفی کرده است.

در همین راستا عبارتی را نقل می کند که بعضی از علما می گفتند: یک قسمت (جزء) از کتاب ابن شهر آشوب را وزن کردیم، و وزنش ۹ رطل بود.

ب) ابن جبیر در مقدمه و خطبه «نخب المناقب» علت تصمیم خود در گزینش و انتخاب و تلخیص کتاب مناقب می نویسد: «فکرت فی کثرة ما جمع، وأنه ربما یؤدی عظم حجه إلى العجز عن نقله، بل ربما أدى إلى ترك النظر فيه و التصفح لجمیعه، لا سیما مع سقوط الاهتمام فی طلب العلم، فأومی إلى ذکر الرجال و أدخل الروایات بعضها فی بعض. فمن أراد الإسناد و الرجال فعليه بکتاب ابن شهر آشوب المذكور، فإنه وضعها فی ذلك المسطور، و الموجب لتركها

۱. مقصود از اصلی نبودن مناقب آل ابی طالب این است که کتاب چاپ شده با عنوان مناقب آل ابی طالب اثر شیخ محمد بن علی شهر آشوب، کل مناقب نمی باشد بلکه این کتاب نیز انتخاب و گزینش شده از مناقب کامل می باشد.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (الخاتمة)، ج ۳، ص ۵۶-۵۸.

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (الخاتمة)، ج ۳، ص ۵۷.

۴. الصراط المستقیم ۱: ۱۱.



خوف السامة من جملتها، ولأن الطاعن في الخبر يمكنه الطعن في رجاله إلا ما اتفق عليه الفريقان، أو اختص به المخالف من العرفان، أو تلقته الأمة بالقبول»<sup>۱</sup>.

از این عبارت ها به دست می آید که مناقب آل ابی طالب که اکنون در دست هست و مکرر به چاپ رسیده است، مختصری از مناقب اصلی است که توسط ابن شهر آشوب و یا ابن جبیر و یا شخصی دیگر انتخاب و گزینش شده است. مطلب دیگری که این احتمال را تقویت می کند اینکه مناقب موجود بیش از چهل هزار بیت نمی باشد ولی بنا به گفته مؤلفانی که در باره مناقب ائمه علیهم السلام کتاب هایی تألیف کرده اند، حجم آن بیش از این اندازه بوده است.<sup>۲</sup>

اگر چه علامه مجلسی در بحار الانوار و شیخ حرّ عاملی در *وسائل* و *إثبات الهداة* و دیگر آثارشان مناقب ابن شهر آشوب را از مآخذ و مصادر کتبشان قرار داده اند، ولی باید این را حمل بر مسامحه نمود.<sup>۳</sup>

ج) از مطالبی که می تواند شاهد بر مدعای مذکور شود این که مناقب چاپ شده و موجود از بیان احوال و فضائل رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز و به بیان احوال امام حسن عسکری علیه السلام ختم شده است، و شرح حال و مناقب حضرت بقیت الله حجة بن الحسن علیه السلام در آن موجود نیست.

ابتدا به نظر می رسد که ابن شهر آشوب نتوانسته این اثر را به اتمام برساند، ولی شواهد و قرائنی در دست است که ایشان مبحث مربوط به شرح حال حضرت حجت علیه السلام را نیز به پایان رسانده است، زیرا ایشان در «معالم العلماء» ضمن بیان شرح حال شیخ مفید رحمته الله می گوید: امام عصر صاحب الزمان علیه السلام شیخ مفید را ملقب به «مفید» کرده است، و در ادامه می گوید: سبب این لقب دادن را در کتاب «مناقب آل ابی طالب» گفته ام.<sup>۴</sup> ظاهر این عبارت نشان می دهد که ابن شهر آشوب مطلب فوق را ضمن احوال امام عصر علیه السلام نوشته است. بر این اساس می توان گفت این باب و قسمت از کتاب سقط شده و افتاده است. والله العالم.

(۲) شاهد دیگری که برای مدعای مذکور می توان مطرح کرد مطلبی است که علی بن محمد

۱. نخب المناقب، ج ۱، ص ۳۱-۴۶؛ الصراط المستقیم ۱: ۱۱.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (الخاتمة)، ج ۳، ص ۵۷.

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (الخاتمة)، ج ۳، ص ۵۸.

۴. معالم العلماء، ص ۱۱۳، شماره ۷۶۵.

۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (الخاتمة)، ج ۳، ص ۵۶-۵۸.

بیاضی در اثر گرانسنگش «عصره المنجود» در بیان تعداد یاران امام عصر علیه السلام و اماکن و شهرهایی که آنها از آن شهرها برخوردار خواهند خاست آورده است، و تصریح می کند که این مطالب را ابن شهر آشوب در مناقب روایت کرده است، که سه صفحه از کتاب مذکور را فرا گرفته است.

### (و) نسخه های نخب المناقب

از این اثر گرانسنگ نسخه های متعددی در کتابخانه های مختلف قرار دارد، از جمله آنها کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام می باشد که سه نسخه از آن کتاب پر بها را نگهداری می کند، اینک شرح نسخه ها را بر اساس گزارشی که فهرست نگاران محترم آن مرکز علمی ارائه داده اند می آوریم:

نسخه به شماره ۴۸۲۱ در آن کتابخانه فاخر نگهداری می شود، مشخصات آن عبارت است:

نسخ، دهه اول محرم سال ۱۰۸۰، عناوین نوشته نیست، و بعضی از فرازها در نسخه سفید مانده است، جلد دورو، تیماج، روقرمز، پشت قهوه ای، ۳۸۲ برگ، ۱۷ سطر، ۱۶ × ۲۴/۵ سانتیمتر.

نسخ به شماره ۶۷۷۱ در آن کتابخانه نگهداری می شود، مشخصات آن عبارت است از: نسخ، احمد بن محمد بن حسین بن الفقیه علی بن محمد بن حسین بن ابراهیم بن محمد الفقیه الیحمدی، جمعه ۲۹ ذی القعدة سال ۸۳۹ هـ عناوین و نشانها سنگرف، در حاشیه

۱. قال الشيخ علی بن محمد بن علی البیاضی فی اثر القیم «عصره المنجود، ص ۳۲۲-۳۲۵»:  
تذنیب: فیما وصل الینا من أعداد رجاله واماکن أبطاله.

قد أسلفنا ان مجموعهم ثلاثمائة وثلاثة عشر، روی ابن رمیح المروزى: انهم عدد أهل بدر. والظاهر انهم الخواص لتظافر الأحادیث بکثرة جیوشه وسعة أتباعه.

فمن کتاب «المناقب» لابن شهر آشوب روی: انه یخرج من .... (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲).  
قال الرضا علیه السلام: قوله «أین ما تكونوا یأت بکم الله جمیعاً» (بقره/۱۴۸). ان المراد أصحاب المهدی، والله ان لوقام قائماً یجمع الله الیه جمیع شیعتنا من جمیع البلدان. فی خطبة البیان المنسوبة الی علی علیه السلام أسماء هم وتفریق الممالک علیهم....

أشرقت الشمس ولاح الوجود \*\*\* وانكشف الغیم وزال الغبار  
فمن تولی بعدها \*\*\* لم یزل عن غیبة یكثر فیہ العثار

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۱۳، ص ۲۱-۲۲.



تصحیح شده است، روی برگ اول تملک محمد جعفر بن محمد محسن حسینی بتاریخ شوال ۱۲۶۷ هـ و مهر بیضوی «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد جعفر الحسيني»، و تملک جعفر با مهر مربع «جعفر» دیده می شود، کتاب را حسین بن علی بن حسن بن حسین بن حسن... خوانده چنانچه در صفحه آخر نوشته است، حاشیه برگها را موش خوده، جلد تیماج قهوه ای، ۲۷۷ برگ، ۲۱ سطر، ۱۷×۲۶/۵ سانتیمتر<sup>۱</sup>

نسخ به شماره ۱۰۲۶۲ در آن کتابخانه نگهداری می شود، مشخصات آن عبارت است از: نسخ، محمد زمان اردشیر، جمادی الثانیة سال ۱۰۶۹ هـ جلد دورو، تیماج قهوه ای، ۳۴۹ برگ، ۱۶ سطر، ۱۷×۲۴/۵ سانتیمتر<sup>۲</sup>

مشخصات نسخه هایی که در کتابخانه های دیگر نگهداری می شود عبارتند از: دانشگاه تهران، شماره ۶۸۵، نسخ، با عنوانها و نشانه های شنگرف، عبد علی بن ابراهیم بن المنفا، ظهر چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۸۴۳ هـ ۲۵۷ برگ ب، چهار برگ نخستین و صالی شده است. کسی در ربیع الثانی سال ۹۳۹ هـ دارنده نسخه بوده است و روی نوشته او در برگ ۲۵۷ ب خط و مهر دارندگان به نام محمود بن علی نقی بن الحسنی الحسینی الطباطبائی و دیگران که خوانده نشده درگ الف دیده می شود. مناقب پیامبر ﷺ تا برگ ۶۷ ب و از آنجا تا پایان مناقب امیرالمؤمنین علی عليه السلام با مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها در چند صفحه آخر می باشد. عبارتی از علی علیه السلام در کیمیا در برگ ۸۹ ب دیده می شود آنچنانکه در سخنان جابر و نفائس الفنون هم دیده می شود. ۲۵۷ برگ، سمرقندی، جلد تیماج سرخ، ضربی مقوایی، و ته آن مشکی، ۱۷×۲۶ و ۱۳×۲۰، ۲۱ سطر.

فهرست نگار این کتابخانه در توضیح گفته است این نسخه جلد یکم می باشد، در انجام نسخه ابیاتی آمده که در بعضی از نسخه ها موجود نمی باشد: نظم لبعض المؤمنین:

نفسی تقرّباً بها \*\*\*\*\* يوم القيامة غائمة  
بولاتها لوليتها \*\*\*\*\* ربّ السماء السامية  
ونبيها ووصيها \*\*\*\*\* والسيدان وفاطمة  
ولتسعة من نسلهم \*\*\* بهم القيامة قائمة

۱. همان، ج ۱۷، ص ۳۱۷.

۲. همان، ج ۲۶، ص ۲۱۷ - ۲۱۸.



تم کتاب «نخب المناقب لآل ابی طالب» مجملا و مفصلا ضحی یوم الاربعاء یوم الثانی عشر من شهر جمادی الاول من شهور سنة ثلاث و اربعین و ثمانی مائة على يد محمد بن عبد علی بن ابراهیم بن المنفا غفر الله ولوالديه و لجميع المؤمنین و المؤمنات و لصاحبه آمین رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد النبی و آله الطاهیرین آمین برحمتک یا ارحم الراحمین.

یزد، اردکان، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام، شماره ۱۲۱، نسخ، سلیمان بن طیب، جمعه ۱۶ صفر سال ۱۰۱۲ هـ، عنوان ها به سنگرف، درد و برگ آغازین یاد داشتی متفرقه و یادداشتی که شخصی کتاب را به فرزندش محمد یحیی بخشیده با مهر بیضوی پاک شده و تملکی با مهر دائری و تملک «تقی الدین محمد بن ارسطوی طیب گیلانی و قفنامه کتاب از محمد سمیع بیگ خان بن ملک حسین بن محمد بن تقی اردکانی» به سال ۱۱۴۶ هـ با مهر بیضوی «محمد سمیع بیگ خان» و مهر بیضوی بزرگ «محمد سمیع بیگ خان فدوی پادشاه غازی محمد شاه» دیده می شود، جلد تیماج دورو، رومشکی ضربی اندرون قهوه ای، ۳۴۳ برگ، ۲۵ سطر، ۲۲/۵×۱۱ سانتیمتر.

بصحة



۱. فهرست نسخه های خطی اهدایی آقای سید محمد مشکوة به دانشگاه تهران، ج ۳، بخش سوم از مجلد پنجم، ص ۱۵۸۷-۱۵۸۹.
۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام اردکان یزد، ج ۱ (دفتر اول)، ص ۱۱۰-۱۱۱.

مرعشی نجفی قمر ایران

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اسألک الاعمال بما یحکم  
 الطبیعة بالذکر خلوا الارواح بقدر نفوسها فی الارواح فسترا من ربها فی حجابها  
 فی صور و جل عن مثل و نظیر حجاب العتول کما عطفه و انقضت الارواح  
 یتکلیف ذلک الله احسن علی نعمه الحسام و اسکره علی مواهبه المنسفة النظام و اسئل  
 ان لا الاله الا الله و حاکم لا شریک له شهاده من قرین یؤیدنه و اعترف بوحده لا یستعمل  
 ان محله عبده و استوله ارسله بلا سئل من الیوم من اهلها و طلعت من الشریک کما کان  
 فاقح طریقه الحق و اظفر کل من الصدیق کما انزل طهره و ازاله العله و فصلی الاله علیه  
 و اله الطاهر بن صلواته لا یکتشف جانوره و لا یهزم لما تعویبه و یجود فاعلم ان حکم  
 الله اوله الطاهر فی کتاب الیوم صریح الشیخ الفیض العالم شریک الله  
 محمد بن علی بن شهر آشوب الطایف برای الشریک الله علیه مناقب الی طالب  
 زینیه انه قد جمع فیها فی الیوم کتاب واحد لا یندرج فیها من جمعه من اهلها  
 المطبوعه و المطبوعه و اشار الی کتب معروفه و ذکر فیها کتب الیوم و الکتاب  
 من جمل فی الحاضره و العجله ما یاتی ذکره و کان التسمیه القیمه فی الیوم  
 من علی بن محمد رحمه الله قرا علی هذه الشیخ المکره فی الیوم و غیره  
 من الیوم و احادیثه الیوم و مضافه و ذکره فیها و رواياته و احادیثه  
 و کتب الیوم که اجازة کامله و نظرت فیها و عرفت بحقیقتها و ان من بعد علی  
 انتشار الیوم بالاجازة و الروایة عنه کتب و سألته بالاجازة و الروایة و کتب الی  
 اجازة جامع شریک علی بن محمد و سمعته و استتمت و رواه عن هذا الشیخ التذکر  
 و یوم من مشایخ فلما عرفت ان هذا التذکر و رواه الکتاب علی الاجازة عنه عن  
 من نسخه تالیته و کتبت فی کتبه ما جمع فیها و ان راوی عظمی حجه الی العجم  
 عن علی بن ادریس الیوم و الیوم فیها و التسمیه لاسیما مع سقوط

مرعشی نجفی  
 قمر ایران  
 ۱۳۰۲

۱۷۲

آغاز نخب المناقب نسخه شماره ۶۷۷۱

کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی





## کتاب‌شناسی باباطاهر همدانی

سید آرمان حسینی آباریکی\*

### چکیده

باباطاهر همدانی از شاعران و عارفان برجسته‌ی قرن پنجم هجری بوده است. محققان در مقالات و کتاب‌های متعددی پیرامون زوایای زندگی و احوال و آثار او پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. از آن جایی که تاکنون پیرامون کتاب‌شناسی باباطاهر تحقیقی جامع - که تا امروز را شامل شود - صورت نگرفته است، بنابراین پرداختن به این موضوع ضروری می‌نماید. نگارنده با آگاهی از این مسأله در این جستار می‌کوشد مقالات و کتاب‌هایی را که پیرامون احوال و آثار بابا نوشته شده است معرفی نماید.

**کلیدواژه‌ها:** باباطاهر، کتاب‌شناسی، کتاب، مقاله.

### مقدمه

پیرامون کتاب‌شناسی باباطاهر، تاکنون کار جامعی صورت نگرفته است. استاد پرویز اذکائی ابتدا در مجله‌ی هنر و مردم، اشاراتی کلی به برخی از چاپ‌ها و نسخه‌های خطی دوبیتی‌های باباطاهر داشته است (اذکائی، ۱۳۵۴: ۷۳-۷۶)؛ همین نویسنده طی مقاله‌ای، فهرستی کامل‌تر از پژوهش‌های صورت گرفته بر روی آثار بابا، تحت عنوان «کتاب‌شناسی باباطاهر» به دست داده است (اذکائی، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۶۰). استاد ابوالقاسم رادفر نیز در

مقاله‌ی «باباطاهر و خاورشناسان»، از خاورشناسانی که به نوعی درباره‌ی آثار باباطاهر تحقیق کرده‌اند، سخن گفته است (رادفر، ۱۳۷۹: ۱۶۰-۱۷۲).

در این جستار، سعی نگارنده بر آن است در حدّ امکان، فهرست جامعی از آثار پژوهشی محققان بر سروده‌های باباطاهر، اعمّ از مقالات و کتاب‌های چاپی به دست دهد. شایان ذکر است برای تهیه‌ی فهرست مقاله‌ها، علاوه بر «فهرست مقالات فارسی» نوشته‌ی ایرج افشار، از اطلاع‌رسانی «پایگاه مجلات تخصصی نور» ([www.noormags.com](http://www.noormags.com))، «مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی» ([www.sid.ir](http://www.sid.ir))، «پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران» ([www.irandoc.ac.ir](http://www.irandoc.ac.ir))، «بانک اطلاعات نشریات کشور» ([www.magiran.com](http://www.magiran.com)) نیز استفاده شده است. نگارنده برای تهیه‌ی فهرست کتاب‌ها، علاوه بر «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی» از احسان یارشاطر، «کتاب‌شناسی ده ساله‌ی (۱۳۳۳-۱۳۴۲) کتاب‌های ایران» از ایرج افشار، «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی» از خان بابا مشاور و... از پایگاه اطلاع‌رسانی «سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران» ([www.nlai.ir](http://www.nlai.ir)) نیز سود جسته است.

## بسم

### ۱. مقاله‌ها

- آزاد همدانی، علی محمد، «مشاهیر همدان»، ارمغان، سال هفدهم، شماره‌ی ششم، شهریور ۱۳۱۵، ص ۴۳۳-۴۴۰.
- آلن، ادوارد هرون، «ترانه‌های باباطاهر»، ترجمه‌ی پرویز اذکائی، یغما، سال بیست و نهم، شماره‌ی چهارم، تیر ۱۳۵۵، ص ۱۸۳-۱۸۵ و ۲۱۷-۲۲۲.
- چاپ شده تحت عنوان «مویه‌های باباطاهر» دز: باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۳۵-۳۷.
- ابراهیم زاده گرجی، رمضان علی، «باباطاهر، دل داری دل»، کیهان فرهنگی، شماره‌ی ۲۰۲، مرداد ۱۳۸۲، ص ۳۴-۳۷.
- ابراهیمی، علی اوسط، «آثار عربی باباطاهر عریان و نقدی بر آن»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- ادیب طوسی، محمد امین، «فهلویات لُری»، نشریه‌ی دانشکده ادبیات تبریز، سال دهم،



شماره‌ی اوّل، بهار ۱۳۳۷، ص ۱-۱۶.

• و نیز چاپ شده دز: باباطاهرنامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۸۷-۱۰۰.

- اذکائی، پرویز، «تاریخچه‌ی فهلوی»، باباطاهرنامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱-۲۲۳.  
-----  
«تکمله و تعلیق (برگفتار مینورسکی)»، باباطاهرنامه، تهران، توس،

۱۳۷۵، ص ۱۲۵-۱۴۴.

-----  
«حکیم الاهی همدان»، معارف، شماره‌ی اوّل و دوم، فروردین. آبان

۱۳۷۴، ص ۱۲۰-۱۳۸.

-----  
«شخصیت عرفانی باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان،

دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.

-----  
«کتاب [کتاب شناسی باباطاهر]»، هنر و مردم، شماره ۱۵۲، خرداد ۱۳۵۴،

ص ۷۳-۷۶.

-----  
«کتاب شناسی باباطاهر»، باباطاهرنامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص

۱۴۵-۱۶۰.

- اسلامی ندوشن، محمدعلی، «باباطاهر، شاعر مردمی»، اطلاعات، ۱۰ اسفند ۱۳۸۸،

ص ۶.

-----  
«چند نکته درباره‌ی باباطاهر همدانی»، فصلنامه هستی،

شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۱۸-۱۲۸.

-----  
«سبک خاص باباطاهر در شعر فارسی»، مجله پژوهش علوم

انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، سال دوم، شماره‌ی سوم و چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۰،

ص ۳۸-۵۱.

-----  
«متن سخنان دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در همایش

باباطاهر»، فرهنگ همدان، شماره‌ی بیست و یکم و بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۰

-۱۳.

- الهی قمشه‌ای، حسین محیی الدین، «کلمات قصار یا اشارات عارف همدانی باباطاهر»،

صوفی، شماره‌ی بیست و هشتم، تابستان ۱۳۷۴، ص ۲۶-۳۱.

- امامی، نصراله و سید آرمان حسینی آبیاریکی، «نکاتی چند پیرامون قومیت باباطاهر

همدانی»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی ادبیات کردی (۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۹)، دانشگاه کردستان: مرکز پژوهش های کردستان شناسی، بهار ۱۳۸۹، ص ۳۷۴-۳۸۵.

-----  
«نکاتی در مشرب عرفانی باباطاهر همدانی»، پزیزان سخن: مجموعه مقالات پنجمین همایش پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار، ۱۳۸۹، ص ۲۴۹۰-۲۵۱۰.

- اولیایی، مصطفی، «تجلی سیر و سلوک قرآن در دو بیت های باباطاهر»، دو هفته نامه گلستان قرآن، شماره ۱۷۲، نیمه دوم فروردین ۱۳۸۳، ص ۲۴-۲۷.

- بابا صفری، علی اصغر، «جلوه های قرآن و حدیث در سروده های باباطاهر همدانی»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.

- بهار، مهرداد، «شعری چند به گویش همدانی از باباطاهر»، پژوهش نامه ی فرهنگستان زبان ایران، شماره ی سوم، آبان ۱۳۵۷، ص ۵-۲۲.

• و چاپ شده تحت عنوان «گویش باباطاهر» دز: باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳-۱۱۲.

- بیات، محمد حسین، «عرفان عصر باباطاهر»، مجله ی زبان و ادب دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، سال سوم، شماره ی یازدهم، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹-۱۹۸.

- بیانی، شیرین، «باباطاهر عریان از اقطاب فرقه قلندریه»، مجله پژوهش علوم انسانی، دانشگاه بو علی سینا، سال دوم، شماره ی سوم و چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۵۱-۶۴.

- پارسا، سید احمد، «تجلی عرفان اسلامی در دو بیت های باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.

- پورخالقی چترودی، مه دخت، «قوشما و ترانه های بابا»، خلاصه مقالات نخستین گردهمایی پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، تهران: مرکز بین المللی تحقیقات زبان و ادبیات فارسی و ایران شناسی، ۱۳۸۰، ص ۴۹-۵۰.

- جعفری دهقی، محمود، «بررسی واژگان گویشی در دو بیت های باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.



- حجازی، بهجت السادات، «مشرّب عرفانی باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- حسینی آبیاریکی، سید آرمان، «باباطاهر همدانی و کرامات او»، ماهنامه مهاباد، شماره ۱۴۲، دی ماه ۱۳۹۱، ص ۵۳-۵۶.
- «بررسی ویژگی های زبانی و دستوری دوبیتی های باباطاهر همدانی»، فصلنامه پیام بهارستان، دوره ی دوم، سال پنجم، شماره ی بیستم، تابستان ۱۳۹۲، ص ۳۹-۶۱.
- «نگاهی تازه به زبان شعر باباطاهر همدانی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ی هشتاد، آذرماه ۱۳۹۲، ص ۲۴-۳۳.
- حسینی کازرونی، سید احمد، «فهلویات، درآمدی بر دوبیتی سرایی»، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ی بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۴۶-۶۴.
- حکم آبادی، محمود، «نخستینه های ادب و نخستینه سازان استان همدان»، فرهنگ همدان، شماره ی بیست و یکم و بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۴-۶۹.
- حکمت، علی اصغر، «سروده های باباطاهر همدانی»، وحید، دوره ی دهم، شماره هشتم، شهریور ۱۳۵۱، ص ۸۷۸-۸۸۸.
- خالصی شیرازی، عباس، «تعریضی بر باباطاهر عریان»، ماهنامه ی حافظ، شماره ی شصت و نهم، اردیبهشت ۱۳۸۹، ص ۵۰-۵۱.
- خالقی، حشمت الله، «باباطاهر عارف لرستانی»، یافته، سال اول، شماره ی اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۰-۴۵.
- خانلری، پرویز، «دوبیتی های باباطاهر»، مجله ی پیام نو، سال اول، شماره ی هشتم، ۱۳۲۴، ص ۲۶-۳۰ و شماره ی نهم، ص ۳۷-۳۹ و ۶۰.
- و چاپ شده در: هفتاد سخن، جلد سوم، تهران، توس، ۱۳۶۹، ص ۱۹۱-۲۰۵. و نیز در: باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۵۵-۶۹.
- دانش پژوه، محمدتقی، «دفتر سرانجام اهل حق و باباطاهر همدانی»، راهنمای کتاب، سال هجدهم، شماره های دهم - دوازدهم، دی - اسفند ۱۳۵۴، ص ۹۴۱-۹۴۸.
- دانش پژوه، منوچهر، «باباطاهر، عرفانی کننده ی دوبیتی های عاشقانه محلی»، مجله

- پژوهش علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، سال اول، شماره‌ی اول و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۲۹.
- دانشفر همدانی، حسن، «تردید در فهلوی‌های باباطاهر»، کیهان، ۸ خرداد ۱۳۷۶، ص ۱۲.
- دیهیمی، سیاوش، «موسیقی و دوبیتی»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- رئوفی مهر، محمد، «مروری بر گفتار و زندگی باباطاهر شاعر و عارف دامن الوند»، همدان، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۱.
- رادفر، ابوالقاسم، «باباطاهر و خاورشناسان»، مجله پژوهش علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، سال اول، شماره‌ی یکم و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۱۵-۲۲۷.
- رجب‌زاده، شهرام، «باباطاهر و نسبت شاعری»، طلایه، سال اول، شماره‌ی اول، خرداد ۱۳۷۴، ص ۶۰-۶۳.
- «کارهای کوچک در سایه نام‌های بزرگ»، حیات‌نو، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۶.
- رحمدل، غلامرضا، «خدا، انسان و طبیعت در دوبیتی‌های باباطاهر»، دوماهنامه دانشور پزشکی، شماره‌ی سی و نهم، تیر ۱۳۸۱، ص ۴۷-۵۸.
- رشید یاسمی، غلامرضا، «باباطاهر»، مقاله‌ها و رساله‌ها، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷-۲۲۰.
- «باباطاهر عریان»، ارمغان، سال دهم، شماره‌ی اول، فروردین ۱۳۰۸، ص ۶۶-۷۰.
- رشیدی، ناصر و ایوب انصاری، «بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر همدانی (عریان)»، بوستان ادب، سال سوم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۲۳-۱۴۳.
- رضایی همدانی، عمادالدین، «باباطاهر، سالک شوریده دل وادی عرفان»، جوان، ۱۱ آبان ۱۳۷۸، ص ۱۱.
- رفعت جو، حامد، «مصادیق صناعات ادبی در دوبیتی‌های باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.



- سام خانیانی، علی اکبر، «وزن و قافیه ترانه؛ کهن‌ترین محمل احساس ایرانی»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- سجادی، محمود، «شعر فریاد، شعر اعتراض»، صدای عدالت، ۱۱ مهر ۱۳۸۰، ص ۶ / و ۱۲ مهر ۱۳۸۰: ص ۶.
- سرامی، قدمعلی و بهروز خیریه، «قله‌ای در دامن الوند: تأملی در عرفان باباطاهر عریان»، فصلنامه عرفان اسلامی، سال نهم، شماره‌ی سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۳-۴۶.
- سرمدی، عباس، «گفت‌گو با حسن دانشفر همدانی درباره‌ی خیام و باباطاهر»، همشهری، ۲۱ فروردین ۱۳۷۴، ص ۱۰ و ۲۳ فروردین ۱۳۷۴، ص ۱۰.
- سرولاتی، علی، «باباطاهر نامه» آینه پژوهش، شماره‌ی سی و هشتم، خرداد-تیر ۱۳۷۵، ص ۷۴-۷۵.
- شکری، یدالله، «نگاهی به جایگاه باباطاهر در عرفان و ادب ایران»، خلاصه مقالات نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، تهران: مرکز بین‌المللی تحقیقات زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳-۱۴۴.
- شیرینی، قهرمان، «زیبایی‌شناسی و نواندیشی در شعر باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- صادقی، علی اشرف، «فهلویات قدیم»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- صداقت‌کیش، جمشید، «اشعار پورفریدون در نسخه‌های چاپی اشعار باباطاهر»، مجله پژوهش علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، سال اول، شماره‌ی اول و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۳۹-۲۶۱.
- صفایی، ابراهیم، «آرامگاه باباطاهر»، ارمغان، دوره‌ی بیست و هشتم، شماره‌ی اول، فروردین ۱۳۳۸، ص ۱۱-۱۸.
- «آرامگاه باباطاهر و عین القضاة»، ارمغان، دوره‌ی بیست و هشتم، شماره‌ی دهم، دی ۱۳۳۸، ص ۴۳۳-۴۳۸.
- «در آرامگاه باباطاهر»، ارمغان، دوره‌ی بیست و هشتم، شماره‌ی ششم،

شهریور ۱۳۳۸، ص ۲۸۴-۲۸۶.

- ، «شعرهای باباطاهر را غلط می خوانند»، ارمغان، دوره ی سی و یکم، شماره ی هفتم، مهر ۱۳۴۱، ص ۲۹۸-۲۹۹.
- و چاپ شده تحت عنوان «غلط خوانی ترانه ها» دز: باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱-۱۰۲.
- صدفی زاده، علی، «مرغ آتشین، تأملی در شعر باباطاهر»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ی ۷۸، تابستان ۱۳۸۵، ص ۷-۱۳.
- صفی زاده بوره که یی، صدیق، «باباطاهر همدانی»، هوجت، سال بیست و یکم، ۱۳۴۹، ص ۳۴-۳۶.
- طاهری، حمید، «آمیزش و آویزش دل و حزن در شعر باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- طاهری، سید محمود، «گلگشتی در دیوان باباطاهر»، ماهنامه طوبی، شماره ی بیستم، مرداد ۱۳۸۶، ص ۳۰-۴۱.
- عبدلی، علی، «تحقیقی در مورد سروده ی باباطاهر عریان همدانی (به هرملت که هستیم...)»، ادبستان، سال چهارم، شماره ی چهارم، فروردین ۱۳۷۲، ص ۸۴-۸۹.
- فتحی، نصرت الله، «یک کتاب مهم: سروده های باباطاهر همدانی»، وحید، دوره ی دهم، شماره ی پنجم (مسلسل: ۱۰۴)، مرداد ۱۳۵۱، ص ۵۹۲-۵۹۴.
- فضیلت، محمود و سید حشمت الله موسوی، «جستاری در زبان شعر باباطاهر»، کتاب ماه ادبیات، شماره ی چهل و هفتم، اسفند ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۹.
- ققیمی، علی، «الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیة» گوهر، سال اول، شماره ششم، تیر ۱۳۵۲، ص ۵۲۴-۵۳۲.
- قاسمی، رضا، «اندیشه های عرفانی باباطاهر عریان»، صوفی، شماره ی بیست و دوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۲۶-۳۱.
- قره آعاجلو، سعید، «از شاعری عارف تا عارفی شاعر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- قزوینی، محمد، «طاهر همدانی»، باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۳۹-۴۴.





- کرمی پور، محمدرضا، «نقش دوبیتی‌های باباطاهر در تقویت آموزه‌های عرفانی و اخلاقی»، ماهنامه حافظ، شماره سی و پنجم، مهر ۱۳۸۵، ص ۴۶-۴۸.
- لبافی، میترا، «بابای ادبیات»، زن روز، شماره ۱۶۶۴، ۳ مرداد ۱۳۷۷، ص ۳۹-۴۰.
- متولی الموتی، محمدرضا، «تأثیر یک دیدار باباطاهر: مروری بر عصر باباطاهر همدانی»، ایران، ۱۴ تیر ۱۳۸۶، ص ۱۱.
- محمدی، علی و مریم ترکاشوند، «ویژگی‌های زبان شناختی و سبک شناختی در شعر باباطاهر عریان، پژوهش علوم انسانی (زبان و ادب)، سال دهم، شماره ۱ بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۹-۵۶.
- مدرس زاده، عبدالرضا، «تأثیر باباطاهر بر سبک عراقی»، مجله پژوهش علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، سال اول، شماره ۱ اول و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۹۱-۲۰۷.
- و چاپ شده در: فرهنگ همدان، سال ششم، شماره ۱ بیست و یکم و بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۰-۲۵.
- «مرگ اندیشی‌های باباطاهر همدانی»، مجله عرفانیات در ادب فارسی (ادب و عرفان)، شماره ۱ پانزدهم، تابستان ۱۳۹۲، ص ۹۵-۱۰۸.
- مدرسی، فاطمه، «سوته دلی از تبار قلندران عاشق»، فرهنگ همدان، سال ششم، شماره ۱ بیست و یکم و بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۹.
- و نیز همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- مشهور، پروین دخت، «غم و دعا و نفرین در دوبیتی‌های باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.
- مظاهری، علی اکبر، «باباطاهر همه‌ی همدان است. گردشی در یکی از زیباترین محوطه‌های باستانی»، جامجم، ۲۴ آذر ۱۳۸۴، ص ۱۴.
- معدن‌کن، معصومه، «شخصیت باباطاهر»، نامه فرهنگستان، دوره ۱ ششم، شماره ۱ دوم (مسلسل: بیست و دوم)، بهمن ۱۳۸۲، ص ۱۲۵-۱۲۷.
- منصور، فرزاد، «ساخت گفتمانی اشعار باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.

- مولائی، چنگیز، «چند نکته درباره‌ی شیوه‌ی تصحیح دوبیتی‌های باباطاهر»، نامه‌ی فرهنگستان، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی سوم (شماره‌ی مسلسل: نوزدهم)، اردیبهشت ۱۳۸۱، ص ۷۴-۸۳.
- و نیز چاپ شده در: دوفصلنامه سخن عشق، شماره‌ی شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۵-۲۲.
- میرابوالقاسمی، سید محمدتقی، «تأثیر قرآن و حدیث بر دوبیتی‌های باباطاهر همدانی»، فرهنگ همدان، سال ششم، شماره‌ی بیست و یکم و بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۶-۳۹.
- مینورسکی، ویلادیمیر، «شرح حال باباطاهر عارف و شاعر ایرانی»، ترجمه‌ی نصرت الله کاسمی، ارمغان، سال نهم، شماره‌ی دهم، دی ۱۳۰۷، ص ۵۷۲-۵۸۸.
- چاپ شده تحت عنوان «زیست‌نامه‌ی باباطاهر»، ترجمه‌ی پرویز اذکائی، در: باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵-۱۲۳.
- مینوی، محبتی، «از خزاین ترکیه (باباطاهر لر)»، مجله‌ی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره‌ی دوم، تهران، دی ۱۳۳۵، ص ۵۵-۵۸.
- و چاپ شده در: باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۸۱-۸۵.
- میهن دوست، محسن، «فهلوی گوی زروانی»، کتاب ماه و هنر، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۱۲-۱۶.
- نادری مقدم، شهاب، «باباطاهر همدانی»، جام جم، ۱۸ مرداد ۱۳۸۰، ص ۵.
- نجف پور، مجید، «افسانه‌ها و واقعیات زندگی باباطاهر همدانی»، کیهان، ۳ مهر ۱۳۸۰، ص ۹.
- نفیسی، سعید، «پور فریدون»، پیام نو، سال اول، شماره‌ی یازدهم، ۱۳۲۴، ص ۲۳، ۲۲ و ۲۵.
- و نیز چاپ شده در: باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۷۱-۷۵.
- نوین، حسین، «وحدت وجود و باباطاهر»، ماهنامه کیهان فرهنگی، سال بیست و یکم، شماره ۲۱۶، مهر ۱۳۸۳، ص ۲۸-۳۳.
- و چاپ شده در فرهنگ همدان، سال ششم، شماره بیست و یکم و بیست و دوم، بهار و



تابستان ۱۳۷۹، ۴۰-۴۵.

• و نیز ارائه شده با عنوان «باباطاهر عریان؛ ملبس به حریر وحدت وجودی»، دز همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.

- نیک طبع، پروانه، «نگاهی به دوبیتیهای الحاقی دیوان باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.

- واحد دوست، مهوش، «شگردهای زبانی در دوبیتی های باباطاهر»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.  
- واعظی، مرادعلی، «تصویرآفرینی در شعر باباطاهر»، کلک خیال انگیز، دانشگاه بیرجند، شماره اول، پاییز ۱۳۸۷، ص ۷۵-۸۸.

- هاشمی، محمدقاسم، «ادبیات عاشورا»، درس هایی از مکتب اسلام، سال سی و ششم، شماره ی چهارم، تیر ۱۳۷۵، ص ۴۶-۵۲. و شماره ی پنجم، مرداد ۱۳۷۵، ص ۵۴-۵۹.  
- هاشمی نژاد، [؟] «دوبیتی های باباطاهر در لهجه ی کرمانی»، همایش بزرگداشت باباطاهر، همدان، دانشگاه بو علی سینا، شهریورماه ۱۳۷۹، چاپ در خلاصه مقالات.  
- هدنک، کارل، «زبان چارپاره های باباطاهر»، باباطاهر نامه، تهران، توس، ۱۳۷۵، ص ۱۳-۳۳.

- یعقوبی، محمد حسین، «چگونه باباطاهر يك شاعر عریان شد»، ماهنامه گل آقا، سال سیزدهم، شماره ی دهم (پیاپی: ۱۴۸) دی ۱۳۸۲، ص ۴۲-۴۳.  
- یوسفی، مسعود، «گویش دوبیتی های باباطاهر»، ماهنامه کیهان فرهنگی، سال بیست و چهارم، شماره ۲۴۹، تیر ۱۳۸۶، ص ۴۶-۵۰.



## ۲. کتاب‌ها

- اذکائی، پرویز، باباطاهرنامه (هفده گفتار و گزینه اشعار)، تهران: توس، ۱۳۷۵.
- امیرشاهی، آق ملک بن جمال الدین، دیوان شاهی بانصایح حضرت لقمان و رباعیات عمر خیام و باباطاهر، اسلامبول: محمد افندی، ۱۳۲۶ ق.
- اورنگ، مراد، سرودهای باباطاهرهمدانی، تهران: پرچم، ۱۳۵۰.
- باباطاهرهمدانی، اشعار باباطاهرعریان: فارسی - انگلیسی، ترجمه‌ی علاءالدین پازارگادی، تهران: رهنما، ۱۳۸۱.
- 
- باباطاهرعریان عارف و شاعر سوخته دل همدان، ترجمه‌ی ارمنی بارون آرام گارونه، ترجمه‌ی انگلیسی ادوارد هرون آلن، ترجمه‌ی فرانسه کلمان هوار، ترجمه‌ی آلمانی گورگ لئون لسچینسکی؛ با تصحیح، مقابله، لهجه شناسی و گردآوری متون و ترجمه‌ی اسدالله مصطفوی، تهران: بی نا، ۱۳۵۲.
- 
- باباطاهرعریان: فارسی - انگلیسی، ترجمه‌ی ادوارد هرون آلن، تهران: ۱۳۸۵.
- 
- ترانه‌ها، ترجمه‌ی انگلیسی از ادوارد هرون آلن، به کوشش یوسف جمشیدی پور، تهران: فروغی، ۱۳۴۲.
- 
- ترانه‌ها، تهران: رویان، ۱۳۷۸.
- 
- ترانه‌ها، گردآورنده آذربایطیان، همدان: آسوده، ۱۳۸۶.
- 
- ترانه‌های آسمانی = دوبیتی‌های عارف ربانی باباطاهرهمدانی، به خط و مقدمه‌ی احمد خوش‌نویس («عماد»)، [تهران]: [بی نا]، [بی تا].
- 
- ترانه‌های باباطاهر، از روی نسخه‌ی تصحیح شده وحید دستگردی، به اهتمام حسن معرفت، تهران: [بی نا]، [بی تا].
- 
- ترانه‌های باباطاهر از روی نسخه‌ی تصحیح شده وحید دستگردی به انضمام دوبیتی‌های مشکوک، خط جواد شریفی، تهران: بدرقه جاویدان، ۱۳۸۱.
- 
- ترانه‌های باباطاهر: با پژوهشی نودراشعار منسوب به او، مقدمه و تنظیم و شرح لغات شهرام رجب‌زاده، تهران: قدیانی، ۱۳۷۴. چاپ دوم: ۱۳۷۴ / چاپ سوم: ۱۳۷۵ / چاپ چهارم: ۱۳۷۶ / چاپ پنجم: ۱۳۸۰ / چاپ ششم: ۱۳۸۳ / چاپ



هفتم: ۱۳۸۴.

-----، ترانه‌های باباطاهر، گردآورنده محمدباقر باقری، مقدمه و نظارت ح. م. صدیق. تهران: تک درخت، ۱۳۸۶.

-----، ترانه‌های باباطاهر، مصحح سهراب نفری، تهران: چوگان، ۱۳۷۸.  
-----، ترانه‌های شیرین باباطاهر، گردآورنده داود لطف‌الله، تهران: پیدایش، ۱۳۸۴.

-----، چهارصد ترانه از باباطاهر عربیان، تهران: یاسین، ۱۳۷۱.  
-----، دوبیتی‌ها (به انضمام دوبیتی‌های فایز دشتستانی)، با مقدمه‌ی صالح افشار تویسرکانی، خط از عبدالملکی تویسرکانی، تهران: هنرآفرین، ۱۳۸۶.  
-----، دوبیتی‌ها، با مقدمه‌ی منوچهر آدمیت، به خط عباس مستوفی الممالکی، تهران: فرهنگ و هنر، ۱۳۸۷.

-----، دوبیتی‌ها، با مقدمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، خطاط فاطمه عزت پور، تهران: پاکتاب، ۱۳۸۱.

-----، دوبیتی‌ها، به کوشش علی صفائی، تهران: انتشارات میلاد، [بی تا].  
-----، دوبیتی‌ها، [مقدمه حسن شکیبیا]، خط از جعفر قهرمانی، همدان: اسکاف، ۱۳۷۴.

-----، دوبیتی‌ها، خوشنویسی میترا میرزایی، تهران: پر، ۱۳۷۶.  
-----، دوبیتی‌ها (فارسی - انگلیسی)، گزینش، پیش گفتار و ترجمه از فرشید اقبال، خط داود کریمی، تهران: اقبال، ۱۳۸۰.

-----، دوبیتی‌ها، مصحح علیرضا اسدی، خط از مسعود فیض الهی، تهران: جمهوری، ۱۳۸۶.

-----، دوبیتی‌ها، مصحح: وحید دستگردی، مقدمه از جمشید اسماعیلیان، خط از فاطمه عزت پور، تهران: پرتو، ۱۳۷۳.

-----، دوبیتی‌ها، مقدمه رضا ایزدی، خط نستعلیق از اسماعیل نژاد فرد لرستانی، تهران: میلاد، ۱۳۸۵.

-----، دوبیتی‌ها، مقدمه محمدحسین سیدان، خط حجت‌الله اسدی، به

کوشش حمزه زاده، تهران: طلايه، ۱۳۷۴.

-----، دوييتي ها، مقدمه و تحقيق عزيزالله كاسبي، تهران: رشيدى، ۱۳۶۳.

-----، دوييتي ها، مقدمه و خط از عباس شاه قلعه‌اي، تهران: مژگان، ۱۳۸۵.

-----، دوييتي ها: به زبان فارسي و تركي، ترجمه‌ي محسن مهدوي غروي، [بي

جا]: مؤلف، ۱۳۷۳.

-----، دوييتي ها همراه با راهنماي شكسته خواني، به كوشش خسرو زعيمي،

خط از يداالله كابلي خوانساري، تهران: يداالله كابلي خوانساري، ۱۳۷۱.

-----، ديوان (از روي قديمي ترين نسخه‌ي خطي معتبر برادران شاهرودي)،

چاپ سوم، تهران: طلوع، ۱۳۶۴.

-----، ديوان، به اهتمام حسن وحيد دستگري، تهران: ارمغان، ۱۳۰۶ / چاپ

دوم: شرق، ۱۳۳۱ / چاپ سوم: ابن سينا، ۱۳۳۲ / چاپ چهارم: ابن سينا، ۱۳۴۷.

-----، ديوان، به خط ميرزا نعمت الله، تهران: حاجي شيخ احمد شيرازي،

۱۳۳۱ق [۱۲۹۱ش].

-----، ديوان، تصحيح سعيد سلطاني يكتنا، خط از مجيد فدائي منش،

تهران: مجيد فدائي منش، ۱۳۷۱.

-----، ديوان، تهيه و تنظيم: امين مظلومي، به خط رضا صادقي، [تهران]:

نيلوفرانه، ۱۳۸۵.

-----، ديوان، مصحح: علي راستگو، مقدمه: فرهاد اسكندري، خط: علي

سجادي، تهران: ارديبهشت، ۱۳۸۷.

-----، ديوان، گردآورنده محمد اردكاني، مبيئي: [بي نا]، ۱۳۱۵.

-----، ديوان، گردآوري جواد نصرتي، كاشمر: عالم افروز، ۱۳۸۵.

-----، ديوان، مصحح علي راستگو، تهران: حريم ياس، ۱۳۸۰.

-----، ديوان، مقدمه محمد علي ذوالفقاري، با خط حسين خسروي، تهران:

اوسان، ۱۳۷۹.

-----، ديوان، مقدمه و تصحيح: اسماعيل شاهرودي، خط از عباس مستوفي

المالكي، تهران: فخر رازي، ۱۳۶۹.



- ، دیوان شعر، با مقدمه مدرویش، خط از محمدتقی سرمست، [بی جا]:  
جویا، ۱۳۷۴.
- ، دیوان شعر (استنساخ از متن مرحوم وحید دستگردی)، با مقدمه و  
تصحیح زین العابدین آذرخش، به خط حسین خسروی، تهران: اقبال، ۱۳۶۷.
- ، دیوان کامل باباطاهرعریان (با مقابله از روی شش نسخه معتبر)،  
تصحیح محمدعلی (یغما) صادقی، تهران: ققنوس، ۱۳۶۳.
- ، دیوان کامل، به تصحیح محمد علی صادقی یغما، تهران: ققنوس،  
۱۳۶۳.
- ، دیوان کامل، تهران: کتاب فروشی رجبی، [بی تا].
- ، رباعیات (به انضمام نان و حلوا و شیر و شکر)، به اهتمام عبدالغفار  
تهران: [مطبعه‌ی مشهدی محمدتقی]، ۱۳۰۳ ه.ق. / چاپ دوم، تهران، سنگی، به خط جواد  
شریفی.
- ، رباعیات، به اهتمام میرزا احمد کتاب فروش تهرانی، به خط محمد قزوینی،  
تهران: مطبعه عبدالرحیم باسمه چی، ۱۳۳۴ ه.ق.
- ، رباعیات، به کوشش محسن رضانی، ترجمه‌ی انگلیسی از ادوارد هرون  
آلن، ترجمه‌ی فرانسه از کلمان هوار، ترجمه‌ی آلمانی از جرج لئون لچنسکی؛ تصاویر داخل کتاب  
از محمد تجویدی؛ خط و حاشیه از محمد سلحشور، تهران: پدیده، ۱۳۶۵.
- ، گل‌هایی از گلزار ادب ایران [دیوان باباطاهر]، به کوشش محسن  
رضانی، تهران: پدیده، ۱۳۶۳.
- پارسای، کیومرث، همه آنانی را که بزرگ می‌پنداریم [دیوان باباطاهر]، تهران: دبیر، ۱۳۸۰.
- دانشفر، حسن، اسپیده باز، سیری در احوال و اشعار باباطاهر همدانی، تهران:  
اقبال، ۱۳۷۱.
- رئوفی مهر، محمد، بابا چه می‌گوید: شرح و تفسیری از کلمات قصار فیلسوف و شاعر و  
عارف «اکباتان» باباطاهرعریان، همدان: میهن، ۱۳۷۰.
- سپیتمان (اذکائی)، پرویز، ترانه‌های باباطاهر: (منضم به ترجمه‌های انگلیسی آن‌ها)،  
تهران: علم، ۱۳۸۷.

- سلطان علیشاه، سلطان محمد بن حیدر، الايضاح (شرح کلمات قصار باباطاهر)، تهران: میرزاضی خان یاورسراج الحکماء، ۱۳۴۷ق. [۱۳۰۷ش].

----- توضیح (شرح فارسی بر کلمات قصار باباطاهر  
عریان)، [به تصحیح هبة الله جذبی]، تهران: کتابخانه امیرسلیمانی، ۱۳۶۳.  
- شاملو، احمد، ترانه ها: ابوسعید ابوالخیر، حکیم عمر خیام، باباطاهر عریان، تهران: نگاه،  
۱۳۸۴.

- شیرمحمدی، جعفر، ترانه های روستایی (منتخبی از دویتی های باباطاهر و فایز  
دشتستانی)، تهران: هزار آفتاب، ۱۳۸۱.  
عابد، ابراهیم، باباطاهر عریان همراه با ناله های جانسوز: اشعار عاشقانه، تهران: کتاب نادرا  
بی تا].

- عسگری، علی اکبر، باباطاهر، تهران: مدرسه، ۱۳۸۵. / چاپ دوم: ۱۳۸۶.  
- عندلیب شادانی، وجاهت حسین، الدرر الزهر فی شرح رباعیات باباطاهر، لاهور: شیخ  
مبارک علی - مطبع کریمی، ۱۹۲۴ م. [۱۳۰۳.ه.ش].  
- فخرایی، مصطفی، باباطاهر همدانی، تهران: تیرگان، ۱۳۸۴.  
- فیضی، عباس، آلاله های همدانی: گزیده اشعار محلی، همدان: افشان، ۱۳۶۹. / چاپ  
دوم، همدان: ۱۳۷۱.

- مدرس عماد، محسن، آئینه بینایان: در شرح کلمات عربی باباطاهر عریان همدانی، تهران:  
چاپخانه بوذرجمهری، ۱۳۳۷.  
- مشیری، مهشید و مزده جعفرپور سلگی، باباطاهر و خاک دامنگیر غربت، تهران: آگاهان  
دیده، ۱۳۸۰.

- مقصود، جواد، شرح احوال و آثار و دویتی های باباطاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه  
کلمات قصار وی منسوب به عین القضاة همدانی با اصل و ترجمه کتاب الفتوحات الربانیة فی  
مزج الاشارات الهمدانیة به شرح و تفسیر محمد بن ابراهیم، مشهور به خطیب وزیری،  
تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.

- نوذرافهانی، یاربخت، از هرچمن گلی: برگزیده ای از دویتی های باباطاهر عریان،  
فایز دشتستانی، نوذرافهانی، تهران: غلامعلی شعبانی، ۱۳۶۴.





## کتابشناسی آسیب‌شناسی دینی

محمد امین ربانی

### مقدمه

#### ضرورت

احیایگران دین همواره این دغدغه را داشته‌اند که گاه پیرایه‌هایی برپاره‌ای از گزاره‌های دینی و یارفتارهای مسلمانان می‌تند از همین رواهتمام داشته‌اند در پیرایش این پیرایه‌ها بکوشند. احیایگران که چنین دغدغه‌ای داشته‌اند، آثاری نیز از خود بر جای گذاشته‌اند؛ اگر چه وجود چنین دغدغه و آثار بر جای مانده از گذشتگان به غایت اندک است.

چنین دغدغه‌ای در سال‌های اخیر با استقبال گسترده‌تری مواجه شده است و در ادبیات جدید با عنوان «آسیب‌شناسی» از آن یاد می‌شود. این واژه از علم پزشکی به عاریت گرفته شده است. در این علم، اصطلاح پاتولوژی<sup>۱</sup> (= آسیب‌شناسی)، آن‌گاه به کار می‌رود که تشخیص بیماری از سلامتی با مشکل مواجه شود. برای ریشه‌یابی بیماری، آزمایش‌هایی انجام می‌گیرد، تاریخچه بیماری و آسیب‌های احتمالی مشخص شود.

امروزه اصطلاح «آسیب‌شناسی»، فراوان در علوم انسانی و اسلامی به کار می‌رود. منابع فراوانی که در این کتابشناسی گرد آمده، نشان از به کارگیری آن در موضوعات و حوزه‌های مختلف دینی دارد.

هم چنان که یاد شد، پیش از آن که این اصطلاح جدید در موضوع یاد شده رواج یابد، آثاری از کسانی که دغدغه اصلاحی داشته‌اند بر جای مانده است؛ آثاری هم چون «تلبیس ابلیس»، تألیف ابن جوزی؛ «لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان»، تألیف میرزا حسین نوری؛ «علل گرایش به مادیگری»، تألیف مرتضی مطهری و ...

انگیزه تهیه این کتابشناسی، افزون بر اهمیتی که موضوع آن دارد، فراوانی آثاری است که در چند سال اخیر در این زمینه منتشر شده است. آگاهی از آنچه پیشینیان در زمینه موضوع پژوهش به بررسی آن‌ها پرداخته‌اند، پژوهش را از غنای لازم برخوردار می‌کند و از به هرز رفتن فرصت‌ها می‌کاهد. از این رو این کتابشناسی فراهم آمد تا این مباحث را گامی به پیش برد.

این مآخذشناسی منابعی را دربر می‌گیرد که به نوعی به آسیب‌ها و آفت‌ها، بایدها و نبایدها، عوامل و موانع موضوعات دین و رفتارهای مسلمانان پرداخته باشد. این حوزه‌ها گاه کلی و دایره‌ای وسیع را دربر می‌گیرد و گاه مسئله محور است. ملاک اصلی برای ورود منابع در این فهرستواره، نگاه آسیب‌شناسانه داشتن در منابع بوده است؛ اگر چه این واژه در عنوان مآخذ نیامده باشد. در موضوع این مآخذشناسی، تا کون کتابشناسی تدوین نیافته است.



منابع معرفی شده در این کتابشناسی را می‌توان در چهار گروه تقسیم کرد:

یک. کتاب‌های مستقل؛

دو. کتاب‌های مشتمل؛

سه. مقالات؛

چهار. پایان‌نامه‌ها.

در دسته نخست کتاب‌های مستقل مرتبط با موضوع مآخذشناسی معرفی می‌شود. گروه دوم حاوی مآخذی است که مشتمل بر بخشی از اثری است. دسته سوم به معرفی مقاله‌های انتشار یافته در مطبوعات اختصاص دارد. گروه چهارم معرفی پایان‌نامه‌ها را بر عهده دارد.

همه منابع شناسانده شده در این مآخذشناسی به زبان فارسی است و در ایران منتشر شده است. در معرفی منابع، فقط مشخصات کتابشناختی آن‌ها ارائه شده است. البته برخی از آثار که مشتمل بر مجموعه‌ای از مقالات بوده، عناوین مقالات و پدیدآورندگان آن‌ها نیز آمده است. این کتابشناسی معرفی منابعی را بر عهده دارد که تا پایان سال ۱۳۹۲ ش انتشار یافته



است.

مشخصات کتابشناختی هر مأخذ با توجه به نوع مأخذ، به صورت مستقیم از خود مأخذ گزارش شده است؛ به جزء منابع اندکی که دست‌یابی به آن‌ها امکان نداشت. در این صورت مشخصات آن‌ها با واسطه گزارش شده و براساس اطلاعات موجود از آن‌ها بوده است. از همین رو ممکن است منابع اندکی، مشخصات آن‌ها کامل نباشد.

### روش تنظیم

منابع معرفی شده در این مأخذشناسی براساس الفبای نام پدیدآورنده تنظیم یافته است و در مجموع مشخصات ۶۳۹ مأخذ شناسانده شده است. نخست نام پدیدآورنده با قلمی سیاه در یک سطر می‌آید. در سطر بعد، سایر مشخصات کتابشناختی متناسب با نوع مأخذ. کتاب مستقل، کتاب مشتمل، مقاله یا پایان‌نامه. ارائه می‌گردد. منابعی که فاقد نام پدیدآورنده است، عنوان مأخذ جایگزین مکان پدیدآورنده می‌شود و با قلم سیاه در ردیف الفبایی قرار می‌گیرد.

این مأخذشناسی در فرصت زمانی کوتاه فراهم آمده است. به حتم مأخذ دیگری نیز وجود دارد که در این فهرستواره نیامده است. با تمام تلاشی که در ارائه بدون نقص این کتابشناسی به عمل آمده، خالی از کاستی نیست. امید است این مجموعه بتواند علاقه‌مندانی را که در حوزه موضوع این مأخذشناسی به مطالعه یا پژوهش می‌پردازند به کار آید و بستر مناسبی را برای پژوهش‌های آتی در این زمینه فراهم آورد.



آبقر، سحر

۱. تبیین آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از منظر قرآن (عوامل، پیامدها و راهکارها).

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مجید معارف، دانشکده الهیات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۹۰، رحلی.

آخوندی، مریم

۲. اهمیت و جایگاه زیارت در اسلام. استاد راهنما: عذرا مرادی مرجانه، استاد مشاور:

مژگان خواستار، مدرسه علمیه نرجس علیه‌السلام سبزوار حوزه علمیه خراسان.

در بخشی از پایان‌نامه، به آسیب‌شناسی زیارت پرداخته است.

آرام، محمدرضا

۳. «آسیب شناسی تفسیر علمی قرآن». صحیفه مبین، شماره ۳۷ (بهار - تابستان ۱۳۸۵)، ص ۷ - ۱۹.

۴. «چالش های فراوری و ترجمه قرآن در عصر جهانی شدن». فدک سبزواری، سال دوم، شماره ۶ (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۲۷ - ۴۶.

آزاد ارمکی، تقی

۵. «روحانیت؛ آسیب ها و تهدیدها». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۴۲۷ - ۴۴۷.

آزادمنش، فرزانه

۶. جوان از منظر حضرت علی علیه السلام. استاد راهنما: محمد رضا جواهری، مدرسه علمیه حضرت رقیه (س) حوزه علمیه خراسان.

در بخشی از پایان نامه، به آسیب شناسی دین گرایی جوانان پرداخته است.

آسیب شناسی ادبیات دینی

۷. کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۶۳ (۳۰ دی ۱۳۸۱)، ص ۹۱ - ۱۰۰.

آسیب شناسی تبلیغ

۸. مسجد، سال شانزدهم، شماره ۱۲۷ (تیر ۱۳۸۷)، ص ۲۲ - ۲۹.

آسیب شناسی تربیت دینی

۹. روزنامه راه مردم (۲۸ خرداد ۱۳۸۵)، و (۲۹ خرداد ۱۳۸۵).

آسیب شناسی تفسیر علمی قرآن

۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی (۱۹ آبان ۱۳۸۹).

آسیب شناسی جامعه مدنی: جامعه دینی و جامعه مدنی

۱۱. روزنامه همشهری (۶ مهر ۱۳۷۶).

آسیب شناسی جوانان در آینه قرآن و امامان

۱۲. پرتو سخن، شماره ۵۴۸ (۲۱ مهر ۱۳۸۹)، و شماره ۵۴۹ (۲۸ مهر ۱۳۸۹)، و

شماره ۵۵۰ (۵ آبان ۱۳۸۹).



### آسیب شناسی دینی

۱۳. روزنامه کار و کارگر (۲۸ خرداد ۱۳۷۶)، ضمیمه، ص ۹.

### آسیب شناسی سيطرة ادبیات دینی بر رفتار دینی

۱۴. روزنامه سیاست روز (۱۳ شهریور ۱۳۸۴)، ص ۳، و (۱۴ شهریور ۱۳۸۴)،

ص ۳.

### آسیب شناسی کتابهای دینی

۱۵. مسجد، سال هفدهم، شماره ۱۳۰ (مهر ۱۳۸۷)، ص ۶۰-۶۵، و شماره ۱۳۱ (آبان

۱۳۸۷)، ص ۲۴-۲۹.

### آسیب شناسی مداحی

۱۶. روزنامه مغرب (۲۸ آبان ۱۳۹۱).

### آسیب شناسی مناسبات روحانیت و نسل جوان

۱۷. همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه نشست های تخصصی، به

کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،

چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ص ۹۱-۱۱۵.

دبیر علمی: سید محسن میرسندسی، سخنرانان: سید محسن میرسندسی، غلامرضا

صدیق اورعی، سید محمد عیسی نژاد، علی نهاوندی، محمد علی فیض آبادی.

### آسیب شناسی و آسیب پذیری عقاید دینی و مذهبی در نسل جوان

۱۸. روزنامه جمهوری اسلامی (۱۸ آبان ۱۳۷۴).

### آشنا، حسام الدین

۱۹. «نمی توان از دین دفاع کرد مگر با حکومت دیندار کارآمد: آسیب شناسی

تبلیغات دینی در گفت و گو با حسام الدین آشنا». فرهنگ آشتی (۱۴ تیر ۱۳۹۱).

### آقاجانی، علی

۲۰. «آسیب های عزاداری». عاشورا، عزاداری، تحریفات، به کوشش: مجمع مدرسین

و محققین حوزه علمیه قم، قم: صحیفه خرد، چاپ دوم: ۱۳۸۶ ش

/۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م، وزیری، ص ۳۵۳-۳۷۶.

آقایی، محمدرضا

۲۱. «آسیب شناسی جامعه دینی و نقش حکومت در آسیب‌زایی آن از منظر نهج‌البلاغه». معرفت، سال دهم، شماره ۱۲ (پیاپی: ۵۱)، اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۰۶-۱۶.

آکوچکیان، عبدالحمید

۲۲. درآمدی بر آسیب‌شناسی تبلیغات دینی. قم: دبیرخانه اجلاس حوزه و تبلیغ، ۱۳۷۸، رقعی، ۴۰ ص.

آل‌علی، مهناز

۲۳. علل دین‌گریزی جامعه از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه با تأکید بر عوامل فرهنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فاطمه علایی رحمانی، استاد مشاور: پروین بهارزاده، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۹، رحلی.

آل‌محمد، علینقی

۲۴. آسیب‌شناسی جوامع دینی. اهز: مؤلف، ۱۳۸۶، ۵۲ ص.

آل‌هاشم، سیدعلی بن السید عبدالرحمن

۲۵. «وحدت اسلامی و ایمان به خداوند، راهکار رویارویی با چالش‌های فرهنگی و تبلیغی». ترجمه سعید آقاعلیخانی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲-۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش: مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۲۹۱-۳۰۱.

آیت‌اللهی، حمیدرضا

۲۶. «چند درصد از ترجمه‌ها قابل اعتماد است: گفتگو با دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی در باب ملاحظات هرمنوتیک در ترجمه متون فلسفی و دینی». لیدا فخری، روزنامه ایران (۱۱ تیر ۱۳۸۷)، ص ۱۰.

ابراهیمی، ابراهیم

۲۷. آسیب‌شناسی آیین عزاداری: بایسته و نبایسته‌های عزاداری در کلام بزرگان دین. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ۲۱۵ ص.



ابراهیمی، مهدی

۲۸. «عناصر اساسی در تئوری حکومت دینی امام خمینی (علیه السلام)». آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۱۰۱-۱۱۵.

ابن جوزی، ابوالفرج

۲۹. تبلیس ابلیس. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۸، وزیری، ۳۲۱ ص.

ابوزید، نصر حامد

۳۰. نقد گفتمان دینی. ترجمه حسن یوسفی اشکوری و محمد جواهرکلام، تهران: نشر یادآور، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۳۱۰ ص.

ابوالفضلی، حسین

۳۱. هم‌گرایی جهان اسلام، آسیب‌ها و راهبردها. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴، ۱۰۸ ص.

ابوالقاسمی، محمد جواد

۳۲. «آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی». اندیشه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۷. ۸ (پاییز-زمستان ۱۳۸۲)، ص ۱۳۱-۱۶۲.

۳۳. به سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران: آسیب‌ها، چالش‌ها و راهبردها. تهران: عرش پژوه، ۱۳۸۴، ۱۳۹ ص.

ابوالقاسمی، محمد جواد و محسن فرمهبینی فراهانی

۳۴. آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی: پژوهشی در باب آسیب‌های توسعه فرهنگی دینی در دهه گذشته انقلاب اسلامی. تهران: عرش پژوه، ۱۳۸۳، ۲۷۴ ص.

ابهری، مجید

۳۵. «آسیب‌شناسی رفتاری سوگواری». روزنامه ملت ما (۹ آذر ۱۳۹۰).

احمدی، خدابخش

۳۶. «بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده». علوم رفتاری، دوره اول، شماره ۱ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۷-۱۶.

احمدی ده سرخ، زهرا

۳۷. عوامل عدم گرایش جوانان به دین. استاد راهنما: مرجانه عذرا مرادی، مدرسه علمیه پیروان حضرت زهرا علیها السلام حوزه علمیه خراسان.

احمدی، علی اصغر

۳۸. «تحلیل اعتقاد دینی بر اساس ساختار شخصیت و موانع تحقق ایمان». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۳۶۳-۳۷۷.

احمدی، فریبا

۳۹. «آسیب‌شناسی فرهنگ ایتار و شهادت». فرهنگ ایتار و شهادت: مجموعه مقالات، تنظیم: دبیرخانه شورای هماهنگی و نظارت بر امر ترویج فرهنگ ایتار و شهادت، [تهران]: دبیرخانه شورای هماهنگی و نظارت بر امر ترویج فرهنگ ایتار و شهادت، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ص ۴۹-۷۱.

احمدی، فهیمه و منیرالسادات پورطولی

۴۰. «آسیب‌شناسی عبادت از منظر قرآن و حدیث». فدک، سال اول، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۹)، ص ۱۱-۲۷.

احمدی، محسن ← نوروژی، رضا علی

اختری، عباسعلی

۴۱. «آسیب‌شناسی در تعامل روحانیت». همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۲، وزیری، ص ۲۰۵-۲۲۴.

اخوان صراف، زهرا

۴۲. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های قرآنی خاورشناسان». بیّنات، سال چهاردهم،





شماره ۳ (پیاپی: ۵۵)، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۳۸-۱۵۳.

اذکائی، پرویز

۴۳. «تلبیس ابلیس». آینه پژوهش، سال اول، شماره ۳ (پیاپی: ۳) مهر-آبان

۱۳۶۹، ص ۴۲-۴۳.

معرفی کتاب «تلبیس ابلیس»، نوشته ابوالفرج ابن جوزی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو.

ارزانی، حبیب‌رضا

۴۴. «آسیب‌شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان». همایش ملی مناسبات

روحانیت و نسل جوان: مجموعه مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی

باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۲، وزیری،

ص ۳۳۷-۳۴۴.

ارشاد، محمد رضا

۴۵. «دین زندگی، نه دین مرگ: گزارش نشست آسیب‌شناسی تربیت دینی در

مدارس». روزنامه همشهری (۴ آذر ۱۳۸۶)، ص ۲۵.

اسدی، علیرضا ← موسویان، ابوالفضل

اسعدی، علی

۴۶. آسیب‌شناسی تفسیر قرآن در حوزه ظاهرگرایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد

راهنما: ولی‌الله نقی‌پور، دانشکده اصول دین قم، ۱۳۷۹، رحلی.

اسعدی، محمد

۴۷. آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،

چاپ اول، ۱۳۸۹، ج ۲.

۴۸. «آسیب‌شناسی روشی جریان روایت‌گرا در تفسیر». حدیث پژوهی، سال دوم،

شماره ۴ (پاییز-زمستان ۱۳۸۹)، ص ۱۵۹-۱۸۴.

اسفندیاری، محمد

۴۹. «آسیب‌شناسی تبلیغ: سوء تبلیغ و تبلیغ سوء». حوزه و روحانیت: مسائل،

آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول،

۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۹۸.

۵۰. آسیب‌شناسی دینی: پژوهشهایی در حوزه اسلام‌شناسی و جامعه‌شناسی. قم: صحیفه خرد، چاپ اول، ۱۳۸۴، رقعی، ۴۰۰ ص.

عناوین اصلی این مجموعه چنین است: عرفان، عدالت، آزادی؛ ماتریالیسم فکری و ماتریالیسم اخلاقی؛ اختلاف افکار؛ سوء تبلیغ و تبلیغ سوء؛ بزرگی در خطر کردن است؛ بنی آدم اعضای یکدیگرند؛ قدرت و فساد؛ حفظ قدرت یا حفظ ارزشها؛ از عاشورای حسین تا عاشورای شیعه؛ آگاهی چیست؟؛ عمومی کردن علم؛ نسبت اسلام با عقاید دیگر؛ دین و تاریخ ادیان؛ مفسر نوگرای دین؛ اقبال و روحانیت.

۵۱. از عاشورای حسین تا عاشورای شیعه. ویرایش دوم، قم: صحیفه خرد، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، رقعی، ۱۷۴ ص.

۵۲. خمود و جمود: تحقیقی درباره تجر عملی و تجر فکری. قم: صحیفه خرد، چاپ سوم، ویرایش سوم، ۱۳۸۸، رقعی، ۱۷۶ ص.

اسلامی، سید حسن

۵۳. «آسیب‌شناسی تحقیق در حوزه علمیه». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۴۹.

۵۴. «آسیب‌های اخلاقی پژوهش‌های عاشورایی». اخلاق و معنویت در حماسه حسینی: مجموعه مقالات دومین کنگره علمی، جمعی از پژوهشگران، قم: دارالعرفان، چاپ اول، ۱۳۹۱، وزیری، ص ۱۲۵-۱۴۹.

اسماعیلی، رضا

۵۵. «درآمدی بر تاملات نظری درباره آسیب‌شناسی تربیت دینی». آموزه، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۸۰)، ص ۲۷-۳۰.

اسماعیلی، علی ← یزدخواستی، بهجت

اشراقی، لطف‌الله

۵۶. «آسیب‌شناسی معنوی در حج». میقات حج، سال هفدهم، شماره ۶۵ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۲۳-۳۶.



اشرفی، ابوالفضل

۵۷. «بحران هویت اجتماعی و آسیب شناسی انقلاب». آسیب شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۳۳۲-۳۶۰.

اصغری، حفیظ الله

۵۸. غرب زدگی در جهان اسلام با تأکید بر افغانستان: زمینه ها، پیامدها و راهکارها. استاد راهنما: محمد عیسی رحیمی، استاد مشاور: علی اصغر نصرتی، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۴، رحلی، ۱۷۱ ص.

اصغری، محمد جواد

۵۹. «آسیب شناسی انسجام اسلامی در جهان اسلام». کوثر معارف، سال سوم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۶)، ص ۱۳۳-۱۶۶.

اصلاحی، ابراهیم

۶۰. «آسیب شناسی تربیت دینی». روزنامه کارگزاران (۱۹ تیر ۱۳۸۷).

اطاعت، جواد

۶۱. «آسیب شناسی روحانیت؛ عدم تحول ساختاری و کارکردی متناسب با نیازهای زمان». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۴۴۹-۴۷۰.

اعرافی، علیرضا

۶۲. «دین و بحران هویت جوانان». طلوع، سال اول، شماره ۱ (بهار ۱۳۸۱)، ص ۱۲۷-۱۳۸.

۶۳. «وحدت حوزه و دانشگاه: بیم ها و امیدها». دانشگاه اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۸-۱۹ (تابستان- پاییز ۱۳۸۲)، ص ۲۱۵-۲۲۴.

اعظمی، امیر ← سهرابی، بابک

افتخاری، احمد علی

۶۴. آسیب شناسی: رفتارهای دینی، اجتماعی و زناشویی. قم: آوای مطهر، ۱۳۹۱.

رقعی، ۲۸۰ ص.

افتخاری، اصغر

۶۵. «آسیب‌شناسی تطبیقی: جامعه‌شناسی انحراف در انقلاب با توجه به انقلاب اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله». آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۱۷۳ - ۲۰۷.

اقلیدی نژاد، علی

۶۶. «آسیب‌شناسی در مدیریت کلان تبلیغ دینی». معرفت، سال دهم، شماره ۹ (پیاپی: ۴۸)، آذر ۱۳۸۰، ص ۱۱۲-۱۱۸.  
نشر دوم: بشری، شماره ۵۳ (آذر ۱۳۸۶)، ص ۱۰-۱۶.

اکبری، خسرو

۶۷. «تبلیغ و ارتباطات و آسیب‌های تربیت دینی». بشری، شماره ۷۷ (آذر ۱۳۸۸)، ص ۱۸-۲۳.

اکبری زادگان، نوروز

۶۸. «آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین علیه السلام». خورشید شهادت - دفتر سوم «امام حسین علیه السلام و احیای دین»: مجموعه مقالات برگزیده دومین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۵، وزیری، ص ۱۵-۳۷.

فاطمه

۶۹. پاسخگویی به نیازهای انسانی با توجه به مقتضیات زمان از دیدگاه استاد مطهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد مظلوم خراسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۰، رحلی.

در بخشی از پایان‌نامه، به آسیب‌شناسی موضوع رساله پرداخته است.

الویری، محسن

۷۰. «آسیب‌شناسی جهانی شدن دین». اندیشه صادق، شماره ۵ (زمستان ۱۳۸۰)، ص ۲-۵.



۷۱. «دین و جهانی شدن: چالشها و فرصتها». جهانشمولی اسلام و جهانی سازی: مجموعه مقالات، به اهتمام: سیدطه مرقاتی، [تهران]: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۸۸.
- الهی بلند شهری، محمد عاشق
۷۲. عوامل وحدت و آسیب‌های آن. ترجمه عبدالخیر صمدانی فر، قم: آثار نفیس، چاپ اول، ۱۳۸۷، پالتویی، ۷۲ ص.
- امام جمعه زاده، سید جواد
۷۳. «آسیب‌شناسی جامعه و حکومت اسلامی در نهج البلاغه». علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هشتم، شماره ۲۴ (اسفند ۱۳۸۱)، ویژه‌نامه‌ اهیات و حقوق اسلامی، ص ۴۵-۶۰.
- امیر مظاهری، امیر مسعود
۷۴. «آسیب‌شناسی تعاملات ارتباطی سازمان‌های دینی از دیدگاه جامعه‌شناختی: با تاکید بر سازمان مسجد». اسلام و علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۴ (پاییز - زمستان ۱۳۸۹)، ص ۱۶۵-۱۷۸.
- امیری، ثریا
۷۵. مسجد در جامعه اسلامی از دیدگاه آیات و روایات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی مهدیزی، دانشکده اصول دین قم، ۱۳۸۰، رحلی.
- در بخشی از پایان‌نامه، به آسیب‌شناسی مساجد پرداخته است.
- امین زاده، محمد رضا
۷۶. «مشاوره و حل مشکلات دینی دانشجویان». مجموعه مقالات اولین همایش مشاوره از دیدگاه اسلامی، به کوشش علی نقی فقهی، قم: انتشارات معارف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۲۵۳-۲۶۵.
- امین عاملی، سید محسن
۷۷. عزاداریهای نامشروع. ترجمه جلال آل احمد، به کوشش: سیدقاسم یاحسینی، بوشهر: نشر شروه، ۱۳۷۱، رقعی، ۵۳ ص.
- نشر دوم: عاشورا، عزاداری، تحریفات. به کوشش: مجمع مدرسین و محققین حوزه

علمیه قم، قم: صحیفه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش / ۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۷ م، وزیری، ص ۷۵-۸۷.

امینیان، مهدی

۷۸. «آسیب شناسی مراسم دینی با گرایش به عزاداری حسینی در ایران». روزنامه رسالت، شماره ۷۱۴۳ (۹ آذر ۱۳۸۹)، ص ۶، و شماره ۷۱۴۹ (۱۶ آذر ۱۳۸۹)، ص ۶، و شماره ۷۱۵۹ (۳۰ آذر ۱۳۸۹)، ص ۶.

۷۹. «تاکید بر شور حسینی و لزوم آسیب شناسی آن». روزنامه رسالت، شماره ۷۱۶۵ (۷ دی ۱۳۸۹)، ص ۶.

امینی، جبار و رضا مرادی خلیفه‌لو و رحیم محمدی ایلامی

۸۰. «علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاهها در اصلاح آن». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۱ (پیاپی: ۵۰)، بهار ۱۳۹۱، ص ۶۵-۸۶.

انبارلویی، محمد کاظم

۸۱. «آسیب شناسی بیداری اسلامی». روزنامه رسالت، شماره ۷۸۰۷ (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲)، ص ۱.

انسان امروز و آسیب شناسی دین

۸۲. روزنامه انتخاب (۴ آذر ۱۳۷۸).

انصاریان، زهیر

۸۳. «راهکار استاد مطهری در تصحیح نگرش‌های آسیب دیده دینی». روزنامه

رسالت (۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵)، ص ۱۷، و (۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۵)، ص ۱۸.

۸۴. «شناخت مفاهیم آسیب دیده دینی». روزنامه رسالت (۳ اردیبهشت ۱۳۸۶)، ص ۱۸.

اورند، مهدی

۸۵. «توجه به محتوا در آغاز عصری نوین: جستاری درباره آسیب شناسی کتابهای

دینی». کتاب هفته، شماره ۱۸۶ (۳۰ خرداد ۱۳۸۸)، ص ۲۰.

اورنگی، عبدالمجید

۸۶. «بررسی عوامل مؤثر در کم توجهی دانش آموزان دبیرستانهای استان مرکزی



نسبت به مسائل مذهبی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۳۷۹ - ۴۱۴.

ایازی، سیدعلی نقی

۸۷. «آسیب‌شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان». همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه نشست‌های تخصصی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ص ۵۳ - ۵۸.

ایازی، سید محمد علی

۸۸. «حکومت دینی، ویژگی‌ها و آفات آن». امام خمینی و حکومت اسلامی: مبانی کلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ۱۳۷۸، وزیری، ص ۵۵ - ۹۶، و چکیده آن با این مشخصات: «دفاع از حکومت دینی». چکیده مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ۱۳۷۸، وزیری، ص ۲۳ - ۲۵.

۸۹. «کاستی‌ها و بایستگی‌های پژوهش در حوزه قرآن». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۲۵۱ - ۲۷۰.

۹۰. «موانع نظری اندیشه جمهوریت در فرهنگ دینی». مردم‌سالاری دینی: مبانی و دلایل، به کوشش کاظم قاضی‌زاده، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ج ۲، ص ۲۵ - ۶۱.

ایروانی، زهرا

۹۱. آسیب‌شناسی فهم دین از منظر وحی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد مهدی مظاهری، استاد مشاور: محمدباقر سعیدی روشن، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۸۲، رحلی، ۱۹۶ ص.

ایزدینا، عباس

۹۲. « جوان امروز و آسیبهای معرفت شناختی رشد دینی ». روزنامه کیهان (۹ مرداد ۱۳۷۹)، ص ۶، و (۱۱ مرداد ۱۳۷۹)، ص ۶.

بابا اکبری، رضا

۹۳. جهانی شدن و فرصت‌ها و چالش‌های انسجام اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: غلامرضا بهروز لک، استاد مشاور: نجف لک زایی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۸، رحلی، ۱۶۲ ص.

بابایی، رضا

۹۴. «آسیب شناسی مجالس عزاداری». پیام، شماره ۸۶، ویژه محرم الحرام ۱۴۲۹، ص ۱۹-۳۸.

۹۵. «برخی آسیب‌های پیرامونی و درونی ترجمه». پژوهش و حوزه، سال دهم، دوره جدید، شماره ۱ (پیاپی: ۳۷)، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۰۹-۱۴۷.

۹۶. «مقدمه‌ای بر آسیب شناسی نشریات حوزه». پژوهش حوزه، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۷)، ص ۵۰-۷۱.

بابایی، مرتضی

۹۷. آسیب شناسی حکومت دینی از منظر حضرت امام خمینی. استاد راهنما: نجف لک زایی، استاد مشاور: علیرضا بی نیاز، مجتمع آموزش عالی فقه، ۱۳۸۶، رحلی، ص ۱۳۰.

بازرگان، مهدی

۹۸. آفات توحید. [تهران]: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، [بی تا]، رقی، ۸۰ ص.

باقری بیدهندی، ناصر

۹۹. «بایدها و نبایدهای عزاداری». عاشورا، عزاداری، تحریفات، به کوشش: مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، قم: صحیفه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش / ۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۷ م، وزیری، ص ۴۰۷-۴۵۸.

نشر دوم: عاشورانه: عزاداری و بایدها و نبایدهای آن، به کوشش مرکز مطالعات راهبردی خیمه، قم: انتشارات خیمه، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۳، وزیری، ص ۱۵۷-۲۰۸.





باقری، خسرو

۱۰۰. «آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت». انتظار، سال اول، شماره ۱ (پاییز ۱۳۸۰)، ص ۲۲۶-۲۳۹، و شماره ۲ (زمستان ۱۳۸۰)، ص ۲۷۶-۲۹۵.

۱۰۱. «آسیب و سلامت در تربیت دینی». تربیت اسلامی: ویژه‌آسیب‌شناسی تربیت دینی، به کوشش: علیرضا صادق‌زاده قمری و محمد علی حاجی ده‌آبادی، با همکاری: عسگرملکی بیرجندی، تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ص ۱۳-۶۰.

باقری، محمد ← جهرمی، سید مهدی

باقی نصرآبادی، علی

۱۰۲. اندیشه مطهر: مروری بر شخصیت و افکار استاد شهید مرتضی مطهری. قم: منبع، چاپ اول، ۱۳۸۰، رقعی، ۲۰۰ ص.  
در بخشی از کتاب، به آسیب‌شناسی دینی از منظر استاد مطهری پرداخته است.

بخشیان، ابوالقاسم

۱۰۳. «آسیب‌شناسی آموزش و تربیت دینی با رویکرد به استاد و مربی». مریمان، شماره ۳۹ (زمستان ۱۳۹۰)، ص ۸۹-۱۰۰، و قسمت دوم با این مشخصات: «بایسته‌های تربیت دینی با رویکرد به استاد و مربی». شماره ۴۰ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۱۰۹-۱۲۴.

برخورداریون زهرا

۱۰۴. «ارزیابی ابعاد روانشناختی آسیب‌شناسی تربیت دینی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۴۱۵-۴۲۷.

برزگر، ابراهیم

۱۰۵. «مردم‌سالاری دینی در ایران: بیم‌ها و امیدها». دانشگاه اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۰ (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۲۲۵-۲۴۸.

برهانی، حوریه السادات

۱۰۶. «معرفی و نقد کتاب: آسیب شناسی دینی از نظر استاد شهید آیت الله مطهری».  
کتاب ماه علوم اجتماعی، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۲ (اردیبهشت ۱۳۸۷)،  
ص ۳۲-۳۵.

این نوشتار به معرفی و نقد کتاب «آسیب شناسی دینی از منظر استاد شهید آیت الله  
مطهری»، به اهتمام سید مهدی جهرمی و محمد باقری می پردازد.

برهانی، محرم

۱۰۷. «آسیب شناسی پژوهشهای دینی». روزنامه مردم سالاری (۲۹ بهمن ۱۳۸۱)،  
ویژه نامه، ص ۳.

بزرگی، محمد رضا

۱۰۸. «آسیب شناسی انحرافات اجتماعی از منظر اسلام». کتاب ماه علوم اجتماعی،  
سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۷ (مهر ۱۳۸۷)، ص ۱۰۱-۱۰۸.

بستان (نجفی)، حسین ← فیاض، ابراهیم

بستانی، قاسم

۱۰۹. «آسیب شناسی میراث حدیثی و انسجام اسلامی». خلاصه مقالات  
همایش بین المللی نقش آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات در تحکیم انسجام  
اسلامی: تهران - اول و دوم اسفند ۱۳۸۶، تهران: کمیسیون ملی آیسسکو در  
جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، وزیری.

بسیج، احمد رضا

۱۱۰. «آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان». روزنامه کیهان (۲۲ آبان ۱۳۸۰)،  
ص ۶.

بشیری، ابوالقاسم

۱۱۱. «نگاهی روان شناختی به آسیب شناسی دین باوری جوانان». معرفت، سال  
سیزدهم، شماره ۱۲ (پیاپی: ۸۷)، اسفند ۱۳۸۳، ص ۸-۱۵.

بنیانیان، حسن

۱۱۲. «مدلی بر آسیب شناسی انقلاب اسلامی». آسیب شناسی انقلاب اسلامی:



مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام

معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۱۲۸-۱۶۳.

بهراری، محمد رضا

۱۱۳. «آسیب‌شناسی روش شناختی اجتهاد پویا». کتاب نقد، سال دوازدهم، شماره

۵۴ (بهار ۱۳۸۹)، ص ۴۵-۷۰.

بهرامی، علی رضا

۱۱۴. «آسیب‌شناسی چالش‌های آغاز امامت امام کاظم علیه السلام». مجموعه

مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، گردآورنده: انجمن تاریخ پژوهان

حوزه علمیه قم، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، چاپ اول، ۱۳۹۲، وزیری، ج

۲، ص ۵۸-۹۷.

بهرامی، علی رضا ← طباطبایی، سید محمد کاظم

بهبادپور، سیمین دخت

۱۱۵. «آسیب‌شناسی نظام اجرایی کشور در ترویج حجاب». حجاب: مسئولیت‌ها و

اختیارات دولت اسلامی، به کوشش: ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم

و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ج ۲ (مقالات فرهنگی - اجتماعی)، وزیری،

ص ۳۹۳-۴۰۶.

بهشتی، احمد

۱۱۶. «آسیبها و آفتهای تئوریک یا اجتماعی وحدت حوزه و دانشگاه». روزنامه

رسالت (۲۶ آذر ۱۳۸۴)، ص ۱۹.

بهشتیان، اکرم

۱۱۷. آسیب‌شناسی تربیت دینی: موانع و راه‌کارها. قم: ظفر، ۱۳۸۷، ۹۵ ص.

بیدارمنش، محمد

۱۱۸. جهانی شدن و فرهنگ شیعه: فرصت‌ها و تهدیدها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

استاد راهنما: سید محمدتقی آل غفور، استاد مشاور: محمد ستوده آرائی، دانشگاه

باقرالعلوم عج.

پارسانیا، حمید

۱۱۹. «آسیب‌شناسی تفسیر روشنفکری دینی از عاشورا». روزنامه کیهان (۲ خرداد

۱۳۷۵)، ص ۶.

۱۲۰. «آسیب‌شناسی مراسم عاشورا». روزنامه رسالت (۲ خرداد ۱۳۷۵)، ص ۶.

پارسایی، زینب ← گشتاسبی، محمود

پدرام، نگار

۱۲۱. «تعریف، ارائه الگو و آسیب‌شناسی ادبیات دینی». کتاب هفته، شماره ۱۷۲ (۲۲

فروردین ۱۳۸۳)، ص ۱۹.

پرچی، امیر

۱۲۲. آسیب‌شناسی اجتماعی عزاداریهای شیعیان: مطالعه موردی جوانان شهر اصفهان.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد مشاور: کریم خان محمدی، دانشگاه قم، ۱۳۸۹،

رحلی.

پزشکی، محمد

۱۲۳. «چالشهای مفهومی مردم‌سالاری دینی». مردم‌سالاری دینی: دیدگاهها، به

کوشش کاظم قاضی‌زاده، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ج ۱،

ص ۲۶۵-۳۱۴.

پژوهنده، محمد حسین

۱۲۴. «آسیب‌شناسی جامعه‌ی دینی». اندیشه حوزه، سال پانزدهم، شماره ۵-۶

(پیاپی: ۷۹-۸۰)، آذر-اسفند ۱۳۸۸، ص ۴-۳۸.

۱۲۵. «آسیب‌شناسی وحدت اسلامی». اندیشه حوزه، سال سیزدهم، شماره ۵-۶

(پیاپی: ۶۷-۶۸)، آذر-اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۱۳-۱۳۸.

پورارشد، نادر

۱۲۶. «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی از دیدگاه علامه اقبال لاهوری».

مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام:

خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی،

تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۱۳۰-۱.



پورحسن، ناصر

۱۲۷. انسجام اسلامی: ضرورت‌ها، موانع و راهکارها. تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، پالتویی، ۶۰ ص.

پوررستمی، حامد

۱۲۸. «آرمان اتحاد مسلمانان و آسیب‌شناسی آن از منظر نهج البلاغه». کوثر معارف، سال سوم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۶)، ص ۱۶۷-۱۸۶.

پورطولی، منیرالسادات ← احمدی، فهیمه

پورفرد، مسعود

۱۲۹. «آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در زمینه فرهنگ حجاب». حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش: ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ج ۲ (مقالات فرهنگی - اجتماعی)، وزیری، ص ۳۶۱-۳۹۲.

پورنیک بختی، کبری

۱۳۰. «تبیین و آسیب‌شناسی تربیت دینی و رابطه آن با روان‌شناسی رشد». پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، سال اول، پیش شماره اول (پاییز ۱۳۹۱)، ص ۶۷-۹۶.

پوریانی، محمدحسین

۱۳۱. «آسیب‌شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان با رویکرد فرهنگی - اجتماعی و ارائه راهکارهای مناسب». همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری‌فرو، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۲، وزیری، ص ۲۲۵-۲۴۴.

پویا، علیرضا

۱۳۲. «ارزیابی و آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در گسترش فرهنگ نماز». نماز، حکومت، تربیت: مجموعه مقالات برگزیده دهمین اجلاس سراسری نماز، گردآورنده: دبیرخانه دائمی اجلاس نماز، همدان: ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۹۹-۱۱۸.

پیروزمند، علیرضا

۱۳۳. «آسیب‌شناسی فرهنگی حوزه علمیه». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۳۱.

پیشقدم، غلامرضا

۱۳۴. آسیب‌شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی علیه السلام. قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰، وزیری، ۳۱۲ ص.  
پیش همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش  
۱۳۵. [تهران]: دفتر همکاری مشترک سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰، ۱۲۸ ص.

پیمان، حبیب‌الله

۱۳۶. «آسیب‌شناسی روشنفکری مذهبی». روزنامه اعتماد ملی (۲۰ شهریور ۱۳۸۶)، ص ۳۰-۳۳.

تاجیک، محمدرضا

۱۳۷. «روایت شکاف دین و دین در ایران پس‌انقلاب». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۲، ص ۴۵۳-۴۹۳.

تاجیک، نوشین

۱۳۸. بررسی عوامل و علل انحطاط جوامع از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عزیزالله افشار کرمانی، استاد مشاور: عباس همای، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۲، رحلی، ۲۸۹ ص.

تدین صدوقی، علی

۱۳۹. «آسیب‌شناسی تاثیر دینی». روزنامه رسالت، شماره ۷۲۷۹ (۱۰ خرداد ۱۳۹۰)، ص ۵.



تسخیری، محمد علی

۱۴۰. اقلیتهای مسلمانان: مشکلات و راه‌کارها. ترجمه محمد مقدس، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ۱۴۳ ص.

تقوی دهقانی، حسین

۱۴۱. آسیب‌شناسی دینی فینیسیم: در حوزه تابعیت و جنسیت و خانواده. قم: فرهنگ منہاج، ۱۳۸۱، ۳۰۳ ص.

توانا، صدیقه

۱۴۲. «آسیب‌شناسی اجرای فریضة امر به معروف و نهی از منکر در جامعه». روزنامه کیهان، شماره ۲۰۱۲۹ (۶ بهمن ۱۳۹۰)، ص ۵، و شماره ۲۰۱۳۰ (۸ بهمن ۱۳۹۰)، ص ۵.

توانگر، گالیا

۱۴۳. «مداح اخلاق مدارالگوی جوانان هیأتی: آسیب‌شناسی عرصه مداحی در ایام محرم». روزنامه کیهان، شماره ۲۰۶۳۷ (۱۹ آبان ۱۳۹۲)، ص ۵، و شماره ۲۰۶۳۸ (۲۰ آبان ۱۳۹۲)، ص ۵.

توسلی، غلامعباس

۱۴۴. «دین‌ورزی و عقلانیت: آسیب‌شناسی معرفتی حوزه‌های علمیه». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۳۶۳-۳۹۱.

جامع، رقیه ← صنیعی، ماندانا

جاودان، رضا

۱۴۵. «آسیب‌شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی (ع)». روزنامه رسالت، شماره ۷۴۵۳ (۱۸ آبان ۱۳۹۰)، ص ۶.

این نوشتار، معرفی کتاب «آسیب‌شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی (ع)»، تألیف غلامرضا پیشقدم است.

جعفر پیشه‌فرد، مصطفی

۱۴۶. «آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی عاشورا». حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۲۷)، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۳۵-۲۶۷.

جعفریان، رسول

۱۴۷. «آسیب شناسی حکومت دینی از دیدگاه امام علی (ع)». روزنامه قدس (۲۸ دی ۱۳۸۴)، ویژه نامه، ص ۲.

۱۴۸. «آسیب شناسی مدیریت دینی از نگاه امام علی علیه السلام». تنظیم: علی اکبر نوابی، اندیشه حوزه، سال هفتم، شماره ۴ - ۵ (بهمن - اسفند ۱۳۸۰، فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۲۱۹ - ۲۲۷.

جلیلی، سید هدایت

۱۴۹. «نقد و بررسی کتاب: نقدی بر کتاب آسیب شناسی جریان های تفسیری». آینه پژوهش، سال بیست و دوم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۲۷)، فروردین - اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۲۴ - ۲۹.

این نوشتار، نقدی است بر کتاب «آسیب شناسی جریان های تفسیری»، تألیف محمد اسعدی.

جمالی زاده، احمد

۱۵۰. «آسیب شناسی اخلاقی وحدت گرایی در سیره نبوی». مشکوة، شماره ۹۶ - ۹۷ (پاییز - زمستان ۱۳۸۶)، ص ۱۷ - ۳۳.

جمشیدی راد، محمد صادق و روح الله نادعلی

۱۵۱. «آسیب شناسی نقش استاد در اسلامی شدن دانشگاه پیام نور». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۲ (پیاپی: ۵۱)، تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۷۱ - ۲۸۸.

جوادی آملی، عبدالله

۱۵۲. «آسیب شناسی حوزه های علمیه و وظائف طلاب علوم دینی: عالم زمان خود باش!». روزنامه کیهان (۲۵ اسفند ۱۳۸۶)، ص ۱۲.

جوهری، محمد رضا

۱۵۳. «تداوم انقلاب». آسیب شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۲۰۸ - ۲۸۰.





۱۵۴. «گفتگوی تمدن‌ها راهکار جهانی شدن اسلام و مقابله با چالش‌های جهانی سازی». جهانشمولی اسلام و جهانی سازی: مجموعه مقالات، به اهتمام: سیدطه مرقاتی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۳، ص ۳۰۳-۳۳۴.

جوسازی‌های مسموم: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی

۱۵۵. روزنامه رسالت، شماره ۷۰۳۰ (۲۰ تیر ۱۳۸۹)، ص ۶.

جهرمی، سیدمهدی و محمد باقری

۱۵۶. آسیب‌شناسی دینی از منظر علامه استاد شهید آیت‌الله مطهری (قدس الله نفسه الزکیه). تهران: نشر هماهنگ (شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی)، چاپ اول، ۱۳۷۷، وزیری، ۴۶۷ ص.

۱۵۷. «آسیب‌شناسی دینی از منظر استاد شهید آیت‌الله مطهری: بدعت‌ها و خرافات». ره افسانه: گفتارهای دین‌شناختی درباره خرافات، به کوشش: سیدمحمدعلی ایازی و حسن پویا، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۹۰، وزیری، ج ۲، ص ۴۳-۷۷.

چالشی بر اسلامیت علوم حوزوی

۱۵۸. کتاب نقد، سال هشتم، شماره ۳۳ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۲۲۷-۲۴۹.

این نوشتار، گفت‌وگویی است با سیدمحمد مهدی میرباقری، بهمن شریف‌زاده، عبدالعلی رضایی و امیررضا دهقانی‌نیا.

چنی، فاطمه

۱۵۹. پیامبر ﷺ و آسیب‌های اجتماعی. استاد راهنما: اعظم رحمت‌آبادی، استاد مشاور: محمد حسین علیزاده، مدرسه علمیه فاطمة الزهرا (س) حوزه علمیه خراسان.

حاتمیان، احمد

۱۶۰. «همگرایی، آسیب‌زدایی و آگاه‌سازی در حوزه فرهنگ دینی: گفت‌وگو با حجت‌الاسلام احمد حاتمیان». بشری، شماره ۷۷ (آذر ۱۳۸۸)، ص ۶-۱۳.

حاتمی خواجه، نادر

۱۶۱. آسیب‌شناسی مهدویت. دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه،

قم: سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه، چاپ اول، ۱۳۸۵، پالتویی، ۳۴ ص.

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی

۱۶۲. «آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی». تربیت اسلامی: ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی، به کوشش: علیرضا صادق‌زاده قمصری و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، با همکاری: عسگرملکی بیرجندی، تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ص ۱۳۳-۱۴۱.

۱۶۳. «بررسی و نقد اجمالی منابع موجود در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی». تربیت اسلامی: ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی، به کوشش: علیرضا صادق‌زاده قمصری و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، با همکاری: عسگرملکی بیرجندی، تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ص ۳۳۱-۳۵۹. این نوشتار، نقد و بررسی ۲۷ منبع (کتاب و مقاله) در موضوع آسیب‌شناسی دینی را بر عهده دارد.

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی ← صادق‌زاده قمصری، علیرضا

حاجی زاده، سیروس

۱۶۴. «آسیب‌شناسی اجمالی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه». ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال اول، شماره ۲ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۳۰-۴۷.

۱۶۵. «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: چالش‌های گفتمان وحدت در انقلاب اسلامی، دوران استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی». ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۱۴ (زمستان ۱۳۸۶)، ص ۳۳-۷۸.

حاجی صادقی، عبدالله

۱۶۶. «آسیب‌شناسی ارکان انقلاب اسلامی». حصون، سال اول، شماره ۲ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۱۶۳-۲۱۷.

حاجیعلی، فریبا ← قدرتی، فاطمه

حاجی یوسفی، امیرمحمد

۱۶۷. «جهانی شدن و ایران: باید‌ها و نبایدها». جهانشمولی اسلام و جهانی سازی:



مجموعه مقالات، به اهتمام: سیدطه مرقاتی، [تهران]: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۱، ص ۲۸۹-۳۰۷.

حامدی، محمد

۱۶۸. آسیب‌شناسی مفاهیم دینی. تهران: احسان، ۱۳۸۸، ۱۸۰ ص.

حجازی دوست، زهرا

۱۶۹. «فراز و نشیب آسیب‌شناسی دینی: درگفت‌وگو با زهرا حجازی دوست، مدرس

حوزه و کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس». زن روز، شماره ۲۲۳۷.

حداد عادل، غلامعلی

۱۷۰. «استاد شهید مرتضی مطهری و آسیب‌شناسی دین و دینداری». پیام حوزه،

شماره ۵ (بهار ۱۳۷۴)، ص ۵۵-۶۴.

۱۷۱. «تحول جمعیتی جوانان جامعه ایران زمینه‌ای برای آسیب‌شناسی انقلاب

اسلامی». آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب-

شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف،

چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۴۲۵-۴۳۷.

۱۷۲. «مدیریت دینی و چالش‌های اجتماعی». اندیشه حوزه، سال هفتم، شماره ۴-

۵ (بهمن-اسفند ۱۳۸۰، فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۲۲۸-۲۳۷.

حسامی، فاضل

۱۷۳. «آسیب‌شناسی دین در سیره علوی». معرفت، سال دهم، شماره ۸ (پیاپی:

۴۷)، آبان ۱۳۸۰، ص ۴۳-۵۸.

۱۷۴. «فتنه و نقش آن در آسیب‌زایی دینی». روزنامه جوان (۴ آذر ۱۳۸۳)، ویژه-

نامه، ص ۶.

حسنخانی، احمد رضا

۱۷۵. «آسیب‌شناسی همایش‌ها و سمینارهای دینی». بشری، شماره ۸۵ (مرداد

۱۳۸۹)، ص ۶۰-۶۳.

حسن‌زاده حصار، الهام

۱۷۶. آسیب‌شناسی دینی در خانواده. استاد راهنما: محمدرضا جواهری، استاد مشاور:

جعفر محمدی، مدرسه علمیة حضرت رقیه (س) حوزه علمیة خراسان.

حسنوندیان، رضاعلی

۱۷۷. آسیب شناسی دین و دینداری و تربیت دینی در نهج البلاغه. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد حسن آموزگار، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۴، رحلی.

حسنی، ابوالحسن

۱۷۸. سیطره دین بر ساحت دنیا. قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۱۵۱ ص.  
نویسنده پس از بحث در مبانی نظری سکولاریسم، به آسیب شناسی دین مداری پرداخته است.

حسینی بلخایی، سید غلام حسین

۱۷۹. «آسیب شناسی ترویج و تبلیغ اندیشه شیعی در افغانستان». سفیر، پیش شماره ۳، ویژه نامه، ص ۵-۲۶.

حسینی، بی بی ام سلمه

۱۸۰. عوامل و ریشه های دین گریزی از منظر قرآن. استاد راهنما: سکینه بیک خورمیزی، استاد مشاور: هادی رستگار مقدم گوهری، مدرسه علمیة بیت الزهرا (س) حوزه علمیة خراسان.

حسینی جبلی، سیده زهرا

۱۸۱. تربیت دینی نسل جوان: با تاکید بر آسیب شناسی. بهشهر: اشرف البلاد، ۱۳۹۱، ۱۶۳ ص.

حسینی زاده، محمد علی

۱۸۲. «آسیب شناسی اجتماعی روحانیت». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۵۲.

حسینی سیاهکلرودی، سید قوام الدین

۱۸۳. «آسیب شناسی عرفان اسلامی». پیام، شماره ۸۸ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۲۹-۴۷.



حسینی، سید غلام‌رضا

۱۸۴. «آسیب‌شناسی تبلیغ در عرصه مهدویت». حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و استراتژی انتظار در اندیشه امام خمینی علیه السلام، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۹۰، رقعی، ص ۱۸۱-۱۹۹.

حسینی، فضل‌الله

۱۸۵. چالش‌های دین. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱، ۹۶ ص.

حسینی، محمدرسول

۱۸۶. وحدت، عرصه‌ها، موانع و راهکارها از منظر قرآن و حدیث (با نگاهی به افغانستان). استاد راهنما: زمانی، استاد مشاور: سیدرضا مؤدب، مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶، رحلی، ۲۳۴ ص.

حسینی نژاد ماهانی، سید محمدرضا

۱۸۷. آسیب‌شناسی تربیت دینی در مجموعه‌های تربیت محور: مطالعه موردی موسسه نخبگان میثم‌قمار پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: صفری، استاد مشاور: فرج‌اللهی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، ۱۳۹۱، رحلی، ۱۵۹ ص.

حصارکی، نعمت‌الله

۱۸۸. «آسیب‌شناسی باورهای دینی در عصر امام حسین علیه السلام». خورشید شهادت - دفتر سوم «امام حسین علیه السلام و احیای دین»: مجموعه مقالات برگزیده دومین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۵، وزیری، ص ۱۱۹-۱۴۷.

حق‌شناس، مرجان و مریم قاسمی

۱۸۹. «نقد ارزیابی برنامه‌های درسی و مواد آموزشی تعلیمات دینی دوره ابتدایی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۲۲۹-۲۵۶.

### حکم آبادی، زهرا

۱۹۰. تاریخ پیدایش و تطور سوگواری شیعه. استاد راهنما: اعظم رحمت آبادی، استاد مشاور: زهرا گوهری موسی آباد، مدرسه علمیة اسلام شناسی حوزه علمیه خراسان. در بخشی از پایان نامه به آسیب شناسی موضوع رساله پرداخته است.

### حکم آبادی، مسعود

۱۹۱. «دشواری های ساخت آثار دینی». روزنامه جام جم (۱۴ آبان ۱۳۸۷)، ص ۹.

### حکیمی، محمود و مهدی کاموس

۱۹۲. مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان: الگوها و آسیب شناسی دینی کودک و نوجوان. تهران: آرون، ۱۳۸۲، ج ۳.

### حلیمی جلودار، حبیب الله

۱۹۳. «آسیب شناسی مدیریت از منظر امام علی علیه السلام در سیاست ها و تدابیر اجتماعی». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۹ (تابستان ۱۳۸۷)، ص ۵۷-۷۲.

### حمیدزاده، بهرام

۱۹۴. «آسیب شناسی تربیت دینی: درونداد، فرایند و برون داد». مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۶۳-۱۰۲.

### حمیدزاده، محمد صادق

۱۹۵. «آسیب شناسی تربیت دینی با تأکید بر مفهوم دینداری». دین و سیاست، سال پنجم، شماره ۱۶ (تابستان ۱۳۸۷)، ص ۱۴۵-۱۶۶.

### حمیدیان، برات

۱۹۶. «موانع گرایش دانشجویان به نماز». نماز و دانشگاه: مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، گردآورنده: دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، اصفهان: ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ج ۱، ص ۱۴۷-۱۶۰.



همیدی، رضا

۱۹۷. «آسیب‌شناسی اتحاد در قرآن». جستار، سال پنجم، شماره ۱۷ (زمستان ۱۳۸۶)، ص ۲۴-۵۳.

همیدیه، بهزاد

۱۹۸. «دینداری و نشانگان آسیب‌شناختی آن: وضعیت دینداری در عصر حاضر». روزنامه رسالت (۳ آذر ۱۳۸۸)، ص ۶.

الحیدری، السید عقیل

۱۹۹. عوامل تقدم و انحطاط المسلمین. استاد راهنما: محمد جنتی فر، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۳، رحلی، ۲۲۶ ص.

حیدری، محمد جواد

۲۰۰. «آسیب‌شناسی سازمان روحانیت از منظر امام خمینی». چکیده مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ۱۳۷۸، وزیری، ص ۳۳۰-۳۳۲.

خاقتی، سید احمد ← خامنه‌ای، سید علی

خاصی، فاطمه

۲۰۱. آسیب‌شناسی دینداری در جامعه امروز ایران با نگاهی به مبانی قرآنی و حدیثی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی اکبرنژاد، استاد مشاور: سهراب مروتی، دانشگاه ایلام، ۱۳۸۸، رحلی.

۲۰۲. آسیب‌شناسی دین‌داری در جامعه امروز ایران: براساس آیات و روایات. ایلام: جوهر حیات، چاپ اول، ۱۳۹۰، رقعی، ۱۵۶ ص.

خاکبان، سلیمان

۲۰۳. «کارکردهای روحانیت؛ گذشته، حال و آینده». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۲، ص ۳۶۳-۳۹۰.

خاکپور، مسعود

۲۰۴. «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی در نوجوانان و جوانان با تأکید بر قرآن



کریم و...». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۱۵-۳۳.

خامنه‌ای، سید علی

۲۰۵. آسیب‌شناسی مدیران نظام اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. تهیه‌کننده: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، [تهران]: انتشارات دفاع، چاپ اول، ۱۳۸۳، پالتویی، ۲۸۲ ص.

۲۰۶. «بیداری اسلامی: هویت، خطرات، آسیب‌شناسی». کیهان فرهنگی، سال بیست و هشتم، شماره ۲۹۸ (مهر ۱۳۹۰)، ص ۵-۷.

خامنه‌ای، سید علی و سید احمد خاتمی

۲۰۷. آسیب‌شناسی فرهنگ عزاداری: مجموعه بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) و نماینده مجلس خبرگان رهبری، حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی. تهیه‌کننده: معاونت سیاسی نمایندگی ولی ققیه در لشکر ۲۷ مکانیزه محمد رسول الله ﷺ، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ اول، ۱۳۸۵، پالتویی، ۸۴ ص.

خامه‌گر، محمد

۲۰۸. «آسیب‌شناسی روایات تفسیری: با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی». آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۴ (پاییز-زمستان ۱۳۹۰)، ص ۸۱-۱۰۶.

خسروپناه، عبدالحسین

۲۰۹. «آسیب‌شناسی انکار علم دینی». دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۸)، تابستان ۱۳۸۷، ص ۸۷-۱۱۶.

۲۱۰. «آسیب‌شناسی تصوف سنتی». پژوهش‌نامه اخلاق، سال دوم، شماره ۶ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۲۳-۵۶.

۲۱۱. «آسیب‌شناسی جامعه دینی». خردنامه همشهری، شماره ۴۱ (۲۱ بهمن ۱۳۸۳)، ص ۲۱-۲۲.

۲۱۲. آسیب‌شناسی جامعه دینی. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در





- دانشگاه‌ها، پژوهشگاه فرهنگ و معارف، ۱۳۸۴، ۲۵۵ ص.
۲۱۳. «آسیب‌شناسی دین پژوهی سنتی». کتاب نقد، سال نهم، شماره ۴۴ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۱۰۹-۱۳۰.
۲۱۴. «آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر». قبسات، سال هشتم، شماره ۲۸ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۱۳۱-۱۶۰.
۲۱۵. آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر: تحلیل دین‌شناسی شریعتی، بازگان و سروش. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۶۶۹ ص.
۲۱۶. «آسیب‌شناسی روش دین‌شناسی روشنفکری دینی». کتاب نقد، سال دهم، شماره ۴۶ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۳-۵۲.
۲۱۷. «آسیب‌شناسی روشنفکری دینی». روزنامه خراسان (۲۲ آذر ۱۳۸۸)، و قسمت بعدی با این عنوان: «تحلیل پیش‌فرض‌ها و نسبی‌گرایی: دو آسیب مهم روشنفکری دینی». (۲۳ آذر ۱۳۸۸).
۲۱۸. «آسیب‌شناسی فلسفه اسلامی». کتاب نقد، سال هشتم، شماره ۳۳ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۸۵-۱۰۴.
۲۱۹. «امام خمینی (س)، روشها و موانع در تجدید حیات اندیشه دینی». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی (س) و احیاء تفکر دینی (۱۳-۱۱ خرداد ۱۳۷۶)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول، ۱۳۷۷، وزیری، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۶۲.
۲۲۰. «انقلاب اسلامی و آسیب‌شناسی دینی». روزنامه سیاست روز (۱۴ بهمن ۱۳۸۲)، ص ۹، و (۱۵ بهمن ۱۳۸۲)، ص ۹.
۲۲۱. «بینش یا روش؟: ملاحظاتی در باب آسیب‌شناسی فلسفه اسلامی». خردنامه همنه‌ری، شماره ۲۲ (دی ۱۳۸۶)، ص ۷۹-۸۱.
۲۲۲. «جامعه دینی و آسیب‌هایش: تحقق دینداری در گرو چیست؟». روزنامه همنه‌ری، (۲۰ فروردین ۱۳۸۶)، ص ۲۱.
۲۲۳. «دغدغه دیرین دین‌مداری: بحشی در آسیب‌شناسی جامعه دینی».

روزنامه قدس (۳ شهریور ۱۳۸۷).

۲۲۴. «غفلت از مردم: آسیب شناسی روشنفکری دینی، مدلی از نواندیشی دینی».

روزنامه شرق (۱۴ مرداد ۱۳۸۹).

خطیبی، نفیسه

۲۲۵. انتظار و وظایف منتظران. استاد راهنما: محمدرضا جواهری، استاد مشاور: بتول

رستگار مقدم بقراطی، مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام حوزه علمیه خراسان.

در بخشی از پایان نامه به منتظران و وظایف ایشان، آثار انتظار و آسیب شناسی

پرداخته است.

خندان، سید علی اصغر

۲۲۶. آسیب شناسی دینی از دیدگاه استاد مرتضی مطهری. تهران: مرکز آموزش و

پژوهش، ۱۳۸۰، وزیری، ۶۷۷ ص.

خوش سلوک، مهران

۲۲۷. «آسیب شناسی عزاداری سیدالشهداء علیهم السلام». روزنامه کیهان، شماره ۲۰۰۸۳ (۶

آذر ۱۳۹۰)، ص ۶.

خوش منش، ابوالفضل

۲۲۸. «فرهنگ اشتقاقی تطبیقی واژگان قرآن: ضرورت ها و چالش ها». پژوهشنامه

علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۴ (پاییز ۱۳۸۸)، ص ۴۱-۹.

دارابی، بهنام

۲۲۹. «آسیب شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی». فروغ وحدت،

شماره ۲۰ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۱۶-۷.

دالوند، فاطمه

۲۳۰. بررسی عوامل و موانع گسترش فرهنگ دینی در جامعه باتکیه بر قرآن و حدیث.

پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی اکبرنژاد، استاد مشاور: سهراب

مروتی، دانشگاه ایلام، ۱۳۸۹، رحلی.

دامن پاک مقدم، ناهید

۲۳۱. «درآمدی بر آسیب شناسی فهم احادیث باتکیه بر ضرورت معرفت شیعه در



- درايت روايت». حسن، سال اول، شماره ۱ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۷۰-۹۱.  
دانیالی، امیر  
۲۳۲. «آسیب‌شناسی ترجمه و انجمن علمی مترجمان دینی». پژوهش و حوزه، شماره ۹  
(بهار ۱۳۸۱)، ص ۴۸-۵۲.  
درآمدی بر آسیب‌شناسی دینی در آثار استاد شهید مطهری  
۲۳۳. روزنامه جمهوری اسلامی (۱۱ خرداد ۱۳۷۷)، ص ۱۱.  
دزفولی، حسین  
۲۳۴. «آسیب‌شناسی معرفت و معیشت دینی». کتاب نقد، شماره ۴۰ (پاییز ۱۳۸۵)،  
ص ۱۷۹-۱۵۳.  
دژاکام، علی  
۲۳۵. «آسیب‌شناسی دینی از نگاه شهید مطهری». روزنامه کیهان (۱۱ اردیبهشت  
۱۳۷۹)، ص ۶، و (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹)، ص ۶۰.  
۲۳۶. «مطهری، احیاگر و آسیب‌شناسی دینی». روزنامه رسالت (۱۴ دی ۱۳۷۶).  
دسترنج، فاطمه  
۲۳۷. «آسیب‌شناسی اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه». پژوهش‌های نهج البلاغه،  
سال هشتم، شماره ۳۰ (پاییز ۱۳۸۹)، ص ۱۷۰-۱۸۸.  
دلبری، سید علی  
۲۳۸. «آسیب (نقل به معنا) در احادیث، عوامل و پیامدها». علوم قرآن و حدیث،  
سال چهل و دوم، شماره ۸۴ (بهار-تابستان ۱۳۸۹)، ص ۵۹-۹۲.  
دلبری، محمد  
۲۳۹. «آسیب‌شناسی تربیت دینی از دیدگاه شهید بهشتی». زمانه، شماره ۶۲ (آبان  
۱۳۸۶)، ص ۴۵-۵۲.  
۲۴۰. «آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی از نگاه شهید بهشتی». روزنامه اطلاعات (۱)  
آبان ۱۳۸۶، ص ۷.  
دلشاد تهرانی، مصطفی  
۲۴۱. رهنمای دین: آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه. تهران: دریا،

چاپ سوم، ۱۳۸۲، رقعی، ۳۵۱ ص.

دلکش، مهدی

۲۴۲. آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه از دیدگاه مدیران و دبیران دینی شهر قم در سال ۸۳-۸۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: اکبر رهنما، استاد مشاور: محمد حسن میرزاحمدی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، ۱۳۸۵، رحلی، ۱۹۴ ص.

دهقانی‌نیا، امیررضا ← چالشی بر اسلامیت علوم حوزوی

دیاری بیدگلی، محمدتقی

۲۴۳. «آسیب‌شناسی روایات تفسیری». مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۶ (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۴۵-۸۴.

دیانی‌دردشتی، اکرم ← همای، عباس

ذبیح افشاگر، احمد

۲۴۴. «آسیب‌شناسی تفسیر و تفاسیر تربیتی قرآن». قرآن و علم، شماره ۳ (پاییز - زمستان ۱۳۸۷)، ص ۵۱-۶۶.

ذکاوتی قراگزلو، علی‌رضا

۲۴۵. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های دینی». فرهنگ همدان، شماره ۱۵-۱۶ (پاییز - زمستان ۱۳۷۷)، ص ۱۲-۱۷.

نشر دوم: ماجرا در ماجرا: سیر عقل و نقل در پانزده قرن هجری. تهران: انتشارات حقیقت، چاپ اول، ۱۳۸۱، وزیری. ص ۱-۱۳.

نشر سوم: کتاب نقد و نقد کتاب. به اهتمام مؤسسه خانه کتاب، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ص ۴۸۹-۵۰۲.

ذوعلم، علی

۲۴۶. «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)». آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۳۳-۴۷.



۲۴۷. «روحانیت و مدیریت اجرایی: کاستی ها و بایستگی ها». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۲، ص ۲۰۵ - ۲۵۰.
- راعی، مسعود و محمدفلاح سلوکلائی
۲۴۸. «آسیب شناسی رفتار کارگزاران حکومتی از منظر اسلام». حکومت اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۱ (پیاپی: ۵۹)، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۱۱ - ۱۴۰.
- راغبی لیقوانی؛ علی اصغر
۲۴۹. «ویژگی ها و خصایص ارتباطی با دنیای جوان». همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ج ۲، ص ۳۱۷ - ۳۲۵.
- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی: سطحی نگری آفت متون اسلامی است
۲۵۰. بشری، شماره ۴۷ (خرداد ۱۳۸۶)، ص ۱۴ - ۱۵.
- رئیس، عبدالله
۲۵۱. «آسیب شناسی تبلیغات دینی در عصر تکنولوژی». بشری، شماره ۷۳ (مرداد ۱۳۸۸)، ص ۲۰ - ۲۵.
- ربانی خوراسگانی، علی
۲۵۲. «آسیب شناسی اعتماد عمومی به روحانیت از منظر امام خمینی». چکیده مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸، وزیری، ص ۳۳۴ - ۳۳۵.
- ربانی خوراسگانی، علی و وحید قاسمی
۲۵۳. «نگرش مردم شهر اصفهان در مورد آسیب های نظام اجتماعی ایران با تأکید بر تحلیل آسیب دین گریزی در جامعه». جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۱۴۸ - ۱۶۵.
- ربانی، محسن
۲۵۴. آسیب شناسی تربیت دینی. تهران: شرکت ناجی نشر، ۱۳۸۹، ۲۳۸ ص.

ربانی، محمدحسن

۲۵۵. آسیب‌شناسی حدیث. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸،  
وزیری، ۳۶۰ ص.

ربانی، هادی

۲۵۶. «اخلاق روزنامه‌نگاری». شهاب، سال سوم، شماره ۱۰ (زمستان ۱۳۷۶)، ص  
۱۹-۲۲.

۲۵۷. «ارزیابی شیوه استفاده از نوارهای درسی حوزه‌های علمیه». حوزه، سال  
سیزدهم، شماره ۷۵ (مرداد- شهریور ۱۳۷۵)، ص ۲۱۹-۲۳۲.

۲۵۸. «دغدغه‌های ترجمه متون دینی: گزارشی از همایش ترجمه متون دینی». علوم  
حدیث، سال دوازدهم، شماره ۴۵-۴۶ (پاییز- زمستان ۱۳۸۶)، ص ۲۹۹-۳۰۴.  
همایش نیم‌روزه ترجمه متون دینی، کارکردها، آسیب و بایسته‌ها از سوی پژوهشکده  
علوم و معارف حدیث برگزار شده است.

۲۵۹. «عزاداری امام حسین علیه السلام: باید‌ها و نباید‌ها». روزنامه کیهان (پنج-  
شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص ۶.

رجایی، سمیه

۲۶۰. آسیب‌شناسی تفسیر علمی ناظر بر تفسیر الجواهر طنطاوی. پایان‌نامه کارشناسی  
ارشد، استاد راهنما: حسین علوی مهر، استاد مشاور: مهدی رستم‌نژاد، دانشکده علوم  
قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۰، رحلی.

رحمان زاده، علی

۲۶۱. «نگرشی کاربردی به تعظیم عاشورا: بررسی باید‌ها و ضرورت‌های تبلیغات  
عاشورایی و وظایف نهادهای فرهنگی». روزنامه کیهان، شماره ۲۰۱۰۵ (۴ دی ۱۳۹۰)،  
ص ۶.

رحیم پور مهناز

۲۶۲. «آسیب‌شناسی تبلیغ». آئینه تبلیغ: آثار، موانع، راهکارها و آسیب‌ها: مجموعه  
مقالات بانوان (۲)، تهیه و تدوین: کمیته علمی همایش اخلاق و معنویت، قم:  
انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۳۲۷-۳۴۸.



رحیمیان، سعید ← قدرتی، فاطمه

رحیمی بالویی، ابوالقاسم

۲۶۳. «زمان و مکان و آسیب‌شناسی آن در استنباط احکام». کتاب نقد، سال دوازدهم، شماره ۵۴ (بهار ۱۳۸۹)، ص ۴۴-۱۱.

رحیمی، عباس

۲۶۴. «کنکاشی در آسیب‌شناسی دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی: صدور مردمی و دولت‌زدگی مردم». زمانه، شماره ۲۳-۲۴ (فروردین-اردیبهشت ۱۳۹۱)، ص ۱۲۰.

رحیمی، منصور

۲۶۵. «آسیب‌شناسی عزاداری». زائر، سال یازدهم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۱۲)، فروردین ۱۳۸۳، ص ۵۱-۵۰.

رستگار، سیده زیبا

۲۶۶. عوامل جاذبه و دافعه در دین. قم: احمدیه، چاپ اول، ۱۳۸۶، وزیری، ۲۱۶ ص.

رستگار، معصومه

۲۶۷. علل جذب و گریز از دین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی مهریزی، دانشکده اصول‌الدین قم، ۱۳۸۴، رحلی.

رستگار مقدم، هادی

۲۶۸. «خاستگاه آسیب‌شناسی هیئت‌های مذهبی». زائر، سال یازدهم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۱۲)، فروردین ۱۳۸۳، ص ۲۶-۲۷.

رشاد، علی اکبر ← صادقی رشاد، علی اکبر

رشیدی، بهروز

۲۶۹. «عصر اطلاعات و مدیریت اسلامی: چالشها و راهکارها». دانشگاه اسلامی، سال دهم، شماره ۲۹-۳۰ (بهار-تابستان ۱۳۸۵)، ص ۸۷-۱۲۴.

رشیدی، مریم

۲۷۰. هدایت و بررسی موانع هدایت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، استاد راهنما: خلیل الله امینی، استاد مشاور: مجید معارف، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۸۵، رحلی، ۲۲۴ ص.

رضائیان، اسماعیل و ابوالفضل سراجی

۲۷۱. «بررسی عوامل و موانع گرایش دانشجویان به نماز جماعت در دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی اراک سال ۱۳۸۰». نماز و دانشگاه: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین اجلاس سراسری نماز، گردآورنده: دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، اصفهان: ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۸۱، وزیری، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۲۳.

رضایون، مهتاب

۲۷۲. «روحانیت باید‌ها و نباید‌ها، از دیدگاه امام خمینی». چکیده مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، چاپ اول، ۱۳۷۸، وزیری، ص ۳۳۷-۳۳۸.

رضایی اصفهانی، محمدعلی

۲۷۳. «آسیب‌شناسی پژوهش در حوزه‌های علمیه». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۷۴.

۲۷۴. «آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن». پژوهش‌های قرآنی، سال یازدهم، شماره ۴۴ (زمستان ۱۳۸۴)، ص ۷۰-۸۱.

رضایی اصفهانی، محمدعلی ← نوبری، علیرضا

رضایی، عبدالعلی

۲۷۵. تحلیل ماهیت تکنولوژی: آسیب‌شناسی علل بنیادی عقب افتادگی علمی و تکنولوژی جوامع اسلامی. تهران: مجنون، ۱۳۸۳، ۳۵۱ ص.

رضایی، عبدالعلی ← چالشی بر اسلامیت علوم حوزوی

رضایی، قدرت‌الله

۲۷۶. «آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران از منظر نهج البلاغه». پژوهش‌نامه اخلاق، سال سوم، شماره ۷-۸ (بهار-تابستان ۱۳۸۹)، ص ۷۷-۹۲.





رضایی، محسن

۲۷۷. «آسیب‌شناسی فرهنگ دینی در گفت‌وگو با محسن رضایی». روزنامه رسالت (۴ دی ۱۳۸۰).

رضایی مهر، حسن

۲۷۸. «آسیب‌شناسی دینی از نگاه قرآن». روزنامه رسالت (۱۳ مهر ۱۳۸۵)، ص ۵.

رکنی یزدی، محمد مهدی

۲۷۹. «کرامات: امکان وقوع، آسیب‌شناسی». مشکوة، سال بیست و نهم، شماره ۱۰۶ (بهار ۱۳۸۹)، ۸۹-۱۰۴.

رمضانی، رضا

۲۸۰. آسیب‌شناسی دینی در نهضت عاشورا. قم: صحیفه معرفت، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقی، ۱۸۴ ص.

رهداد، احمد

۲۸۱. «آسیب‌شناسی جنبش‌های بیداری اسلامی در خاورمیانه در پرتو تجربیات انقلاب اسلامی». ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال نهم، شماره ۳۲ (تابستان ۱۳۹۱)، ص ۳۱-۷۰.

رهنما، اکبر و فرزانه طباطبایی و حمید علیین

۲۸۲. «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران». دانش‌ور رفتار، شماره ۲۱ (اسفند ۱۳۸۵)، ص ۴۳-۵۴.

رهنمایی، سید احمد

۲۸۳. «تبیین علل و عوامل دین‌گرایی و دین‌گریزی در گفتگوی امام علی (ع) با کمیل». همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع): گفتگوها، به کوشش: محمد علی حاجی ده‌آبادی و همکاران، تهران: نشر تربیت اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۱۳۵-۱۶۰.

رهنمایی، سید احمد ← شامی، عباسعلی

زارع قشلاقی، رحیمه

۲۸۴. آسیب‌شناسی عقاید و ویژگی‌های اخلاقی یهود در قرآن. پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، استاد راهنما: عبدالرسول هادیان شیرازی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵، رحلی.

زارع، مهدی

۲۸۵. تحلیل و بررسی امید و یأس در قرآن. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما:

محمد علی نعمت‌اللهی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶، رحلی.

نویسنده در این تحقیق به تحلیل و بررسی امید و یأس در قرآن می‌پردازد و سعی بر آن دارد که به کلیات و مفاهیم عوامل امید و یأس و نتایج و پیامدها و آسیب‌شناسی آن

دو پردازد.

زکوی، علی اصغر

۲۸۶. «مهدویت و آسیب‌شناسی آن در فرهنگ عامه». مجموعه مقالات کنگره گفتمان

مهدویت، قم: چلچراغ، چاپ اول، ۱۳۹۰، وزیری، ص ۳۱۹-۳۶۱.

زمانی‌پور، بابک

۲۸۷. «سیر آسیب‌های وارده بر مفاهیم اعتقادی دینی - مذهبی در دوره معاصر».

مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام:

خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی،

تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۱، ص ۹۷-۱۱۶.

زهیری، علیرضا

۲۸۸. «آسیب‌شناسی روحانیت در گستره سیاست». حوزه و روحانیت: مسائل،

آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول،

۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۱۹-۴۱.

زینلی، مریم

۲۸۹. بررسی علل فروپاشی و آسیب‌پذیری بنیان خانواده از دیدگاه قرآن و روایات.

پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی قائمی، استاد مشاور: احمد حسنی رنجبر،

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۸۵،

رحلی، ۲۱۳ ص.

ساجدی، ابوالفضل

۲۹۰. «اسلامی سازی علوم انسانی؛ آسیب‌شناسی». معرفت، سال بیستم، شماره ۸



(بیایی: ۱۶۷)، آبان ۱۳۹۰، ص ۶۱-۷۱.

ساجدی، فاطمه‌السادات

۲۹۱. تحلیل نور و ظلمت در قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: رحیمیان،

سعیدی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵، رحلی.

در بخشی از پایان‌نامه به آسیب‌شناسی نورپرداخته است.

ساده‌ئی، علی

۲۹۲. «آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل نو». رشد آموزش

راهنمایی تحصیلی، سال سوم، شماره ۹ (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۱۶-۱۸.

۲۹۳. «آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری عقاید دینی و مذهبی در نسل جوان». روزنامه

جمهوری اسلامی (۱۸ آبان ۱۳۷۴)، ص ۱۵.

ساکي، سارا

۲۹۴. بررسی عوامل و موانع گسترش حاکمیت اخلاق اسلامی در قرآن و حدیث.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سهراب مروتی، استاد مشاور: جمال

فرزندوحی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام، ۱۳۹۰، رحلی.

سبحانی، غلام‌سخی

۲۹۵. ذکر و موانع آن از دیدگاه قرآن و حدیث. استاد راهنما: رحیم آقاعلی، استاد مشاور:

سید عبدالرسول حسینی‌زاده، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه

المصطفی‌العالمیه، ۱۳۸۵، رحلی، ۱۸۸ ص.

سپهریان، سهراب

۲۹۶. آسیب‌شناسی اتحاد ملی و انسجام اسلامی. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی

نیروی انتظامی، معاونت سیاسی، چاپ اول، ۱۳۸۶، پالتویی، ۶۰ ص.

سجادی، سید عبدالقیوم

۲۹۷. «جهانی‌شدن و جهان اسلام: فرصت‌ها و تهدیدها». جهانشمولی اسلام و

جهانی‌سازی: مجموعه مقالات، به اهتمام: سیدطه مرقاتی، تهران: مجمع جهانی تقریب

مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۳، ص ۴۲۱-۴۴۶.

سراج زاده، سید حسین

۲۹۸. چالشهای دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار-

شدن. تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۳، رقعی، ۲۰۶ ص.

سراجی، ابوالفضل ← رضائیان، اسماعیل

سروش، محمد

۲۹۹. «آسیب‌شناسی فرهنگ دینی و راهکار اثربخشی توسعه فرهنگ دینی: گفتگوی

محمد سروش». توسعه (۸ دی ۱۳۸۰).

سعیدی رضوانی، محمود و عذرا کیانی نژاد

۳۰۰. «بررسی عوامل تأثیرات نامطلوب درس بینش اسلامی دوره متوسطه». مجموعه

مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو

قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران:

محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۱۰۳-۱۵۶.

سلطانی، پرچمچهر

۳۰۱. «بررسی نظرات دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در مورد آسیب‌های موجود در

تربیت دینی (سال تحصیلی ۸۱-۸۰)». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت

دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و

هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱،

وزیری، ص ۴۴۷-۴۶۹.

سلطانی، محمدعلی

۳۰۲. «بازترجمه متون حدیثی؛ محاسن و معایب». پژوهش و حوزه، سال دهم، دوره

جدید، شماره ۱ (پیاپی: ۳۷)، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۹۵-۲۱۲.

سلیمانی، جواد

۳۰۳. «آسیب‌شناسی نخبگان تأثیرگذار در حکومت علوی». حکومت اسلامی، سال

پانزدهم، شماره ۳ (پیاپی: ۵۷)، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۲۹-۱۵۶.

سنگری، محمدرضا

۳۰۴. «آسیب‌شناسی روش‌ها در قلمرو تربیت دینی». مجموعه مقالات همایش



آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری استاد اعتلاء و هم‌هنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۱۱۷-۱۳۸.

سه چهاری، محمدحسن

۳۰۵. اسلام سازنده نه اسلام ساخته شده. اصفهان: کتابفروشی ثقفی، ۱۳۵۷، ۱۳۹ ص.

سهرابی، بابک و امیر اعظمی و حمیدرضا یزدانی

۳۰۶. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فرا ترکیب». چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۶ (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۹-۲۴.

سیفی‌نژاد، عبدالرحیم

۳۰۷. آسیب‌شناسی نظری تربیت دینی جوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد عابدی، استاد مشاور: عسکر دیریاز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، ۱۳۸۸، رحلی.

شاملی، عباسعلی

۳۰۸. «فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی؛ رویکرد آسیب‌شناختی: گفتگو با عباسعلی شاملی». مطالعات راهبردی زنان، سال هفتم، شماره ۲۴ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۱۴۵-۱۹۶.

شاملی، عباسعلی و سید احمد رهنمایی و محمود کریمی

۳۰۹. «میزگرد تعلیم و تربیت دینی». معرفت، سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی: ۳۲)، بهمن-اسفند ۱۳۷۸، ص ۹-۱۸.

شاه‌پسند، الهه

۳۱۰. «آسیب‌شناسی زیبایی‌ها در پرتو وحی». مشکوة، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۳ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۷۹-۹۳.

شایسته‌نژاد، علی‌اکبر

۳۱۱. «آسیب‌شناسی نقش الگویی رهبران جامعه در تداوم انقلاب اسلامی ایران». مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷ (زمستان ۱۳۹۰)، ص ۶۷-۹۰.

۳۱۲. «جوان در چشم انداز روحانیت: ویژگی ها، انتظارها، چالش ها». همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۱، وزیری، ص ۳۲۱-۳۴۹.

۳۱۳. «موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۴ (پیاپی: ۴۹)، زمستان ۱۳۹۰، ص ۴۳-۶۱.

شایق، محمدرضا

۳۱۴. «آسیب شناسی ریشه های فرهنگی حجاب در دانشگاه های شهرستان یزد». فدک، سال اول، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۹)، ص ۱۴۵-۱۷۲.

شجاعیان، رضا

۳۱۵. «پرچمدار آسیب شناسی دینی». روزنامه اعتماد (۱۳ بهمن ۱۳۸۴)، ص ۷.

شجاعی، محمدرضا

۳۱۶. «آسیب شناسی ادبیات دینی و دفاع مقدس». روزنامه جوان (۱۷ آبان ۱۳۸۴)، ص ۷.

شحاته، حسن

۳۱۷. «نگاهی به برخی از مهمترین معضلات تربیت دینی و طرح راهکارهایی برای حل آنها». ترجمه مهدی اسدی، بازننگری: محمدعلی حاجی ده آبادی، تربیت اسلامی: ویژه آسیب شناسی تربیت دینی، به کوشش: علیرضا صادق زاده قصری و محمدعلی حاجی ده آبادی، با همکاری: عسگرملکی بیرجندی، تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ص ۲۷۷-۳۰۵.

شرافت، امیرحسین

۳۱۸. «آسیب شناسی پژوهش های دینی: درآیین تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین». کتاب هفته، دوره جدید، شماره ۲۴ (پیاپی: ۶۷۵)، ۲۰ اسفند ۱۳۸۴، ص ۱۹.

شریعتمداری، علی

۳۱۹. «آسیب شناسی تربیت دینی: در گفتگو با دکتر شریعتمداری». روزنامه اسرار



(۳ خرداد ۱۳۸۴)، و (۱۰ خرداد ۱۳۸۴).

شریعتی، علی

۳۲۰. مذهب علیه مذهب: مجموعه آثار شماره ۲۲. تهران: انتشارات سبزه، چاپ اول، ۱۳۶۱، رقعی، ۳۹۱ ص.

عناوین اصلی این مجموعه چنین است: مذهب علیه مذهب؛ پدر! مادر! ما متهمیم؛ آری، اینچنین بود، برادر!.

شریف زاده، بهمن ← چالشی بر اسلامیت علوم حوزوی

شعبانی، حلیمه

۳۲۱. چالش های فرهنگی و اجتماعی دوران خلافت امام علی علیه السلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمود خواجه میرزا، استاد مشاور: سید حسین مجتبی، دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور مشهد، ۱۳۸۹، رحلی، ۱۶۸ ص.

شفیعی زاده گرد کوهی، حسین

۳۲۲. «آسیب شناسی تبلیغات دینی». پیام حوزه، سال ششم، شماره ۳ (پیاپی: ۲۳)، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۰۴-۱۲۰.

شفیق، منیر

۳۲۳. «همبستگی اسلامی، اعتدال و حکمت؛ راهکار گذار از چالش های فراروری جهان اسلام». ترجمه هادی صبا، مجموعه مقالات و سخنرانی های «همایش بین المللی جهان اسلام؛ چالش ها و فرصت ها» (۲- ۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۱۳۳-۱۳۹.

شکراللهی، مرتضی

۳۲۴. آسیب شناسی حکومت دینی: مجموعه از چشم انداز امام علی علیه السلام. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ۱۰۳ ص.

شکوری، فاطمه

۳۲۵. تربیت دینی و آسیب شناسی آن از دیدگاه امام علی علیه السلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عباس گوهری، استاد مشاور: محمدکاظم رضا زاده جودی،

دانشکده الهیات، ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی،  
۱۳۸۴، رحلی، ۱۷۸ ص.

شمشیری، بابک و مرضیه نوذری

۳۲۶. «آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش دبستانی از نظر متخصصان  
علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مریمان پیش دبستانی».  
تربیت اسلامی، سال ششم، شماره ۱۲ (بهار-تابستان ۱۳۹۰)، ص ۵۱-۷۳.

شوروزی، ع

۳۲۷. «آسیبها و آفات مدیریت بعد از عصر نبوی». اندیشه حوزه، سال هفتم، شماره  
۴-۵ (بهمن - اسفند ۱۳۸۰، فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۲۳۸-۲۵۳.

شوقی میناآبادی، ندا

۳۲۸. نقش دین در کاهش آسیب‌های اجتماعی. بوشهر: شروه، ۱۳۸۸، ۵۹ ص.

شهاب، حسین

۳۲۹. «ضرورت توجه به چالش‌های فرهنگی در رویارویی بادشمنان جهان  
اسلام». ترجمه مجتبی فردوسی پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش  
بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲-۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش  
مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول،  
۱۳۸۳، وزیری، ص ۳۱۱-۳۱۳.

شهدادی، احمد

۳۳۰. «فراز کلمه: چند ملاحظه در باب آسیب‌شناسی ترجمه متون دینی».  
خردنامه همشهری، شماره ۲۳ (بهمن ۱۳۸۶)، ص ۲۵.

شهریاری

۳۳۱. «ترجمه؛ ضرورت‌ها و آفت‌ها». درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم  
دینی: دفتر دوم؛ مجموعه گفتگو، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، وزیری،  
ص ۱۵۷-۲۱۶.

ص، ج

۳۳۲. رساله شور و شعور: آسیب‌شناسی هیئت‌های مذهبی. تهران: زمان، چاپ





اول، ۱۳۸۸، پالتویی، ۷۲ ص.

صادق زاده قمصری، علیرضا و محمدعلی حاجی ده‌آبادی

۳۳۳. تربیت اسلامی (کتاب ششم): ویژه آسیب شناسی تربیت دینی: به مناسبت برگزاری همایش آسیب شناسی تربیت دینی. [تهران]: نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰، وزیری، ۳۸۴ ص.

برخی از عناوین مقالات این مجموعه عبارت است از: آسیب و سلامت در تربیت دینی، خسرو باقری؛ آسیب شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی، محمدعلی حاجی ده‌آبادی؛ آسیب شناسی دین‌گرایی جوانان با الهام از کلام و سیره امام علی علیه السلام، حسین مهدی زاده؛ نگاهی به عوامل آسیب شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان، علی همت بناری؛ درآمدی بر اصول پیشگیری از آسیب مندی تربیت دینی، حسین خنیفر؛ نگاهی به برخی از مهمترین معضلات تربیت دینی و طرح راهکارهایی برای حل آن، حسن شحاته؛ موانع تربیت اسلامی، عبدالغنی عبود؛ بررسی و نقد اجمالی منابع موجود در زمینه آسیب شناسی تربیت دینی، محمدعلی حاجی ده‌آبادی.

صادق رشاد، علی اکبر

۳۳۴. «آسیب شناسی دین پژوهی». روزنامه رسالت، شماره ۶۱۸۹ (۱۶ تیر ۱۳۸۶)، ص ۱۹.

نشر دوم: بازتاب اندیشه، شماره ۸۸ (مرداد ۱۳۸۶)، ص ۶۸-۶۹.

۳۳۵. «فقه: چالش‌ها، کاستی‌ها و بایستگی‌های آن». کتاب نقد، سال هشتم، شماره ۳۳ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۳-۱۶.

۳۳۶. «موانع نقد و نوآوری در حوزه دین پژوهی». کتاب نقد، سال هفتم، شماره ۲۶-

۲۷- (بهار-تابستان ۱۳۸۲)، ص ۱۰۷-۱۲۶.

۳۳۷. «موانع نواندیشی دینی». قبسات، سال هشتم، شماره ۳۴ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۵-۱۸.

نشر دوم: بازتاب اندیشه، شماره ۵۹-۶۰ (اسفند ۱۳۸۳ و فروردین ۱۳۸۴)، ص ۲۵-۲۹.

۳۳۸. «موانع نواندیشی دینی در حوزه دین پژوهی». تنظیم: حسین وحدتی، مشکوة، شماره ۸۳ (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۴-۱۲.

نشر دوم: بازتاب اندیشه، شماره ۶۸ (آذر ۱۳۸۴)، ص ۱۸-۲۴.  
 ۳۳۹. «موانع نواندیشی و نظریه پردازی دینی». روزنامه مردم سالاری (۲۱ مهر ۱۳۸۴)، ص ۹.

صادقی، معصومه

۳۴۰. «مبانی نظری آسیب شناسی تربیت دینی». مجموعه مقالات همایش آسیب-شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۱۳۹-۱۶۵.

صحرائی، محمد طیب

۳۴۱. آسیب شناسی حکومت دینی با تأکید و بررسی بحرانهای موجود در حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: درخشه، استاد مشاور: قائم مقامی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱، رحلی.

صحفی، سید محمد علی

۳۴۲. «آسیب شناسی سریال های ماورایی (دینی) تلویزیون در ماه مبارک رمضان». دین و رسانه، سال نهم، دوره جدید، شماره ۲ (پیاپی: ۹۷)، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۱۷-۱۴۲.

صداقت، عبدالاحمد

۳۴۳. بایدها و نبایدهای سیاسی حکومت اسلامی از دیدگاه فقهای امامیه. استاد راهنما: حیات الله یوسفی، استاد مشاور: نجف لک زایی، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۹، رحلی، ۲۰۹ ص.

صداقت، علیرضا

۳۴۴. آسیب های شبهه و راه های مقابله با آن از دیدگاه قرآن و حدیث. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علیرضا قائمی نیا، استاد مشاور: احمد غلامعلی، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۱، رحلی.



صدرا، علیرضا

۳۴۵. «نقش راهبردی روحانیت در چشم‌انداز فراآینده و چالش‌های فرارو». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۲، ص ۵۴۷-۵۶۹.

صدری، محمدجعفر

۳۴۶. «آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و طبقه‌بندی نقدهای ارائه شده». پژوهش و حوزه، سال دهم، دوره جدید، شماره ۱ (پیاپی: ۳۷)، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۴۹-۱۹۴.

صدیق‌اورعی، غلام‌رضا ← آسیب‌شناسی مناسبات روحانیت و نسل جوان صفائی‌پور، منصور

۳۴۷. آسیب‌شناسی تربیت دینی از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران. استاد راهنما: اکبر رهنما، استاد مشاور: گل‌بابا سعیدی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۲، رحلی، ص ۳۸۰.

صفارفر، امیر

۳۴۸. آسیب‌شناسی مهدویت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر رفیعی محمدی، استاد مشاور: سید محمود دشتی، دانشکده اصول دین قم، ۱۳۹۲، رحلی.

صفارهرندی، حسین

۳۴۹. «سیری در مبانی آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی». شما، شماره ۲۲۳ (۱۱ مرداد ۱۳۸۰)، ص ۹.

صفائی، رضا

۳۵۰. آسیب‌شناسی سیاسی جامعه دینی در نهج‌البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد شفیعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۸۷، رحلی، ص ۱۷۱.

۳۵۱. آسیب‌شناسی سیاسی جامعه دینی در نهج‌البلاغه. قم: زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۹۲، رقیعی، ص ۱۶۸.

صفی لو، صابر

۳۵۲. آسیب‌شناسی اخلاق مدیران از دیدگاه آیات قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ولی‌الله نقی پورفر، استاد مشاور: سید محمود دشتی، دانشکده اصول دین قم، ۱۳۸۵، رحلی.

صمدیان فر، مریم

۳۵۳. آسیب‌شناسی آموزش (ترییت) دینی در سنین نوجوانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدحسن آموزگار، استاد مشاور علی قائمی امیری، تهران، ۱۳۸۸، رحلی، ۲۶۰ ص.

صمدی، قنبرعلی

۳۵۴. «پيامدها، آسیب‌ها و رهیافت‌ها». دیدار یار غایب: پژوهشی در جریان‌شناسی ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، قم: موسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰، رقعی، ص ۱۷۱-۲۰۷.

صمیمی، سیدرشید

۳۵۵. «آسیب‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی». کوثر معارف، سال سوم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۶)، ص ۱۸۷-۲۲۴.

۳۵۶. «آسیب‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی». مسجد، سال هفدهم، شماره ۱۳۶ (فروردین ۱۳۸۸)، ص ۸۴-۹۱.

۳۵۷. «اخلاق کارگزاران و آسیب‌شناسی نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام». مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی علیه السلام (خرداد ۸۶)، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ص ۱۷۷-۱۹۹.

صنعتی، سمیه

۳۵۸. سوگواری از منظر مذاهب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: اکبر احمدپور، استاد مشاور: محمدتقی فخلعی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۰، رحلی.

در بخشی از پایان‌نامه به «آسیب‌شناسی عزاداری» پرداخته است.



صنیعی، ماندانا و رقیه جامع

۳۵۹. «چالش‌های رسانه‌های سنتی و دیجیتال در حوزه دین». مطالعات رسانه‌ای، شماره ۸ (بهار ۱۳۸۹)، ص ۱۶۳-۱۸۸.

طالب ابراهیمی، احمد

۳۶۰. «هویت اسلامی و چالش‌های درون و بیرون مرزی جهان اسلام». ترجمه مجتبی فردوسی پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲-۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۳۲۱-۳۲۶.

طالبی، فاطمه

۳۶۱. راه‌های تشویق نوجوانان و جوانان به نماز. استاد مشاور: وجیهه قادری، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (ع) حوزه علمیه خراسان. این تحقیق می‌کوشد تا با آسیب‌شناسی علل بی‌توجهی جوانان و نوجوانان به نماز و شناسایی عوامل، افراد و نهادهای مؤثر و... بپردازد.

طاهرزاده، اصغر

۳۶۲. خطر مادی شدن دین. اصفهان: لب‌المیزان، ۱۳۹۰، ۱۸۳ ص.

طاهری، ابوالقاسم

۳۶۳. «آسیب‌شناسی حکومت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه». بصیرت، شماره ۲۳ - ۲۴ (آبان ۱۳۸۰)، ص ۱۵۷-۱۹۰.

طاهری، غلام‌علی

۳۶۴. زمینه‌های تعالی و انحطاط اخلاقی انسان. استاد راهنما: محمدشریفی‌نیا، استاد مشاور: مجید کافی، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۴، رحلی، ۱۹۷ ص.

طباطبایی، سیدمحمدکاظم و علی‌رضا بهرامی

۳۶۵. «جستاری در آسیب‌شناسی چالش‌های آغاز امامت امام کاظم (ع)». امامت پژوهی، سال دوم، شماره ۸ (زمستان ۱۳۹۱)، ص ۷۳-۱۰۶.

طباطبایی، فرزانه ← رهنما، اکبر

طیب زاده، زهره

۳۶۶. «آسیب‌ها و موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب». حجاب: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش: ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ج ۳ (دیدارها، گفت‌وگوها و سخنرانی‌ها)، وزیری، ص ۲۲۵-۲۳۴.

طلوعی، فرهاد

۳۶۷. «ظرفیت‌های ناشناخته‌ای که هدف دار نشده‌اند: آسیب‌شناسی حضور بانوان در عرصه تألیفات دینی». کتاب هفته، شماره ۲۳۵ (پیاپی: ۸۸۶)، ۲۲ خرداد ۱۳۸۹، ص ۴.

طیب حسینی، سید محمود

۳۶۸. «آسیب‌شناسی روش تفسیر ادبی». مشکوة، سال بیست و نهم، شماره ۱۰۷ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۲۹-۵۱.

ظهیری، مجید

۳۶۹. «آسیب‌شناسی تربیت و معرفت دینی». اندیشه حوزه، سال نهم، شماره ۵ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۳)، ص ۵۹-۷۴.  
نشر دوم: روزنامه سیاست روز (۲۵ تیر ۱۳۸۳)، ص ۶.

عالمی، سیدعلیرضا

۳۷۰. آسیب‌شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های سید حسین نصر. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، چاپ اول، ۱۳۸۹، رقی، ۲۰۸ ص.

۳۷۱. «آسیب‌شناسی سیاسی تمدن اسلامی از منظر سید حسین نصر». نامه تاریخ پژوهان، سال هفتم، شماره ۲۵ (بهار ۱۳۹۰)، ص ۱۱۱-۱۳۵.

۳۷۲. «آسیب‌شناسی فرهنگ و آیین‌های تمدن اسلامی از دیدگاه سید حسین نصر». نامه تاریخ پژوهان، سال پنجم، شماره ۱۸ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۴۳-۷۷.

عباسی زاده، مریم

۳۷۳. «محبت شادی‌آفرین است: آسیب‌شناسی جشن‌های دینی در برنامه (مشکات) با حضور حسن بنیائیان». سروش، شماره ۱۴۹۵.



عباسی، محمد مهدی

۳۷۴. «امام حسین علیه السلام و احیای دین». حکومت اسلامی، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی: ۲۴)، تابستان ۱۳۸۱، ص ۴۱۱-۴۳۷.

بعضی از عناوین این نوشتار عبارت‌اند از: آسیب‌شناسی باورهای دینی، آسیب-شناسی باورهای دینی در عصر امام حسین علیه السلام، آسیب‌شناسی در بعد اجاب‌ی، آسیب‌شناسی در بعد سلبی.

عبد الحمید، محسن

۳۷۵. «لزوم توجه به حقیقت دین مبین اسلام در گذار از چالش‌های پیش رو». ترجمه مجتبی فردوسی پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲- ۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۱۴۱-۱۴۳.

عبدالکریمی، بیژن

۳۷۶. «آسیب‌شناسی پاره‌ای از مبانی نظری تعلیم و تربیت دینی در ایران». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۱۶۷-۲۲۲.

۳۷۷. «چالش‌های روشنفکران دینی: گفت‌وگو با بیژن عبدالکریمی». محمد بنی ابراهیمی، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۳۳۷ (۲۶ فروردین ۱۳۸۶)، ص ۸.

عبدویمانی، محمد

۳۷۸. «مسلمانان و چالش‌های ارزشی و اخلاقی». ترجمه: مجتبی فردوسی پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲- ۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۳۱۵-۳۱۶.

عبدی خوانساری، ملیحه

۳۷۹. بررسی آسیب‌شناسی ارزش‌های اسلامی در سریال‌های سیمای جمهوری

اسلامی ایران: تحلیل محتوای سریال‌های رستگاران، بزنگاه و جراحی در سال‌های ۸۷، ۸۸ و ۸۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سیدرضا نقیب‌السادات، استاد مشاور: علی اصغر کیا، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۰، رحلی.

عبداللهی پور، حسین

۳۸۰. آسیب‌شناسی سیاسی - اجتماعی فرهنگ انتظار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: غلامرضا بهروزلیک، استاد مشاور: سیدمحمدتقی آل‌غفور، دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۳۸۹، رحلی.

عبود، عبدالغنی

۳۸۱. «موانع تربیت اسلامی». ترجمه مهدی اسدی، تربیت اسلامی: ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی، به کوشش: علیرضا صادق‌زاده قصری و محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی، با همکاری: عسگرملکی بیرجندی، تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ص ۳۰۷ - ۳۳۰.

عرب بافرانی، محمدرضا و نعیمه ملاحسنی

۳۸۲. «آسیب‌شناسی سکولار شدن حجاب بانگاهی به مسیرهای محتمل پیش روی جامعه دینی ایران». مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۵ (بهار ۱۳۹۲)، ص ۷۴ - ۹۱.

عروتی موفق، اکبر

۳۸۳. «آسیب‌شناسی دین و دین‌داری از منظر امام حسین علیه‌السلام». معرفت، سال پانزدهم، شماره ۲ (پیاپی: ۱۰۱)، اردیبهشت ۱۳۸۵، ص ۲۲ - ۳۱.

عزاداری اهل بیت (ع): فرصتها و چالشها

۳۸۴. روزنامه کیهان، شماره ۲۰۰۸۳ (۶ آذر ۱۳۹۰)، ص ۶.

عزیزی، غلامعلی

۳۸۵. «نگاهی به آسیب‌های فهم قرآن». معرفت، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی: ۲۶)،

پاییز ۱۳۷۷، ص ۲۷ - ۳۶.





عسگری، راضیه

۳۸۶. «معرفی و نقد کتاب: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی». کتاب ماه علوم اجتماعی، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۱۱ (بهمن ۱۳۸۷)، ص ۶۱-۶۲.  
این نوشتار، نقد و بررسی کتاب «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی»، تألیف محمدرحیم عیوضی است.

عسگری، یاسر

۳۸۷. «تجربه‌ها، آسیب‌شناسی و راهکارها: کار فرهنگی در مساجد». زمانه، دوره جدید، شماره ۲۰ (پیاپی: ۱۰۷)، دی ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۸.

عطایی کوزانی، علی

۳۸۸. رمز و راز پنهانی: آسیب‌شناسی زمینه‌های ظهور. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۹۱، رقعی، ۳۷۰ ص.

علل انحطاط مسلمانان: آسیب‌شناسی دینی از منظر شهید مطهری

۳۸۹. روزنامه رسالت، شماره ۷۳۴۰ (۲۶ مرداد ۱۳۹۰)، ص ۱۷.

علوی، سیدحامد

۳۹۰. «آسیب‌شناسی دین راستین در پرتو مثنوی معنوی». چشم‌انداز ایران، شماره ۳۵ (دی-بهمن ۱۳۸۴)، ص ۸۶-۸۹.

علوی سیستانی، علی

۳۹۱. «آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی در پرتو نهضت مشروطه». ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال ششم، شماره ۲۲ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۶۱-۱۰۰.

علیزاده، حسین

۳۹۲. «آسیب‌شناسی تبلیغ». آفاق مهر، سال دهم، شماره ۵۱ (مرداد-شهریور ۱۳۹۱)، ص ۹۴-۹۶.

۳۹۳. «از علم سکولار تا علم دینی». دانشگاه اسلامی، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۴۳-۲۷۷.

این نوشتار، نقد و بررسی کتاب «از علم سکولار تا علم دینی»، تألیف مهدی گلشنی است.

علی محمدی، رحیمه

۳۹۴. آسیب شناسی دینی از دیدگاه نهج البلاغه. تهران: دستان، ۱۳۸۹، ۲۶۴

ص.

علیین، حمید ← رهنما، اکبر

عیسی نژاد، سید محمد ← آسیب شناسی مناسبات روحانیت و نسل جوان

عیسی نیا، رضا

۳۹۵. «آسیب شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان». همایش ملی مناسبات

روحانیت و نسل جوان: مجموعه مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی

باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۲، وزیری،

ص ۳۲۷-۳۳۶

۳۹۶. «آسیب شناسی روحانیت». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب ها، کارکردها، به

کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص

۷۱-۱۰۱.

عیوضی، لطف علی

۳۹۷. «آسیب پذیری لیبرال دموکراسی در مقابل توتالیترایسم و مقایسه آن با

حکومت دینی». بصائر، سال سوم، شماره ۲۲ (آذر-دی ۱۳۷۵)، ص ۳۶-۴۲.

عیوضی، محمدرحیم

۳۹۸. «آسیب شناسی گفتمان عدالت در دولت دینی». معرفت سیاسی، سال اول،

شماره ۱ (بهار-تابستان ۱۳۸۸)، ص ۱۹۵-۲۲۵.

غروی، محسن

۳۹۹. «آسیب شناسی تربیت دینی: در گفت و گو با حجت الاسلام محسن غروی». معرفت،

سال سیزدهم، شماره ۱۰ (پیاپی: ۸۵)، دی ۱۳۸۳، ص ۹۷-۱۰۳.

غفوری اسفیزی، صدیقه

۴۰۰. روش سید مرتضی در فقه الحدیث با تأکید الامالی للسید المرتضی. پایان نامه

کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدرضا شاهرودی، استاد مشاور: داود سلیمانی،

دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، رحلی.



در بخشی از پایان‌نامه، به سید مرتضی و آسیب‌شناسی تأویلات نادرست پرداخته است.

غلام‌علی پور، علی

۴۰۱. «آسیب‌شناسی نظام دینی». شما، شماره ۲۵۹ (۵ اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۶.

غیاث‌الدین، منیژه ← قبادی، حسینعلی

فاضل، محراب‌علی

۴۰۲. آسیب‌شناسی تاریخی عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران بعد از صفویه. استاد

راهنما: غلامحسین محرمی، استاد مشاور: سید حسین موسوی، مجتمع آموزش عالی فقه

و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۶، رحلی، ۱۹۱ ص.

فاضل میبدی، محمدتقی

۴۰۳. «آفت و اصلاح حوزه‌ها در نگاه مطهری». روزنامه اعتماد، شماره ۱۹۴۰

(۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸)، ضمیمه، ص ۸.

فاطمی، مرتضی

۴۰۴. آسیب‌شناسی عزاداری. قم: موسسه انتشاراتی ائمه علیهم السلام، چاپ اول، ۱۳۸۵،

رقعی، ۲۲۰ ص.

فتح‌اللهی، ابراهیم

۴۰۵. «آسیب‌شناسی آثار علوم قرآن». کتاب ماه دین، سال یازدهم، شماره ۱۳۶

(بهمن ۱۳۸۷)، ص ۵۲-۵۹.

فجری، محمد مهدی

۴۰۶. «آسیب‌شناسی عزاداری». مبلغان، شماره ۱۳۵ (آذر دی ۱۳۸۹)،

ص ۴۶-۶۸.

فرازی، عبدالوهاب

۴۰۷. «روحانیت و کارکردهای مورد انتظار». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها،

کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری،

ج ۲، ص ۳۳۱-۳۶۲.

فراستی، علی اکبر

۴۰۸. «آسیب شناسی روایات ابن ابی الحدید درباره امام حسین علیه السلام در شرح نهج البلاغه». علوم حدیث، سال چهاردهم، شماره ۴ (پیاپی: ۵۴)، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۳۶-۱۵۶.

فراستخواه، مقصود

۴۰۹. «خرافه‌پذیری حسن مذهبی». دین و جامعه: مجموعه مقالات، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷، وزیری، ص ۱۷۷-۱۹۱.

۴۱۰. «زیست‌شناسی و آسیب‌شناسی دینی انسان از دیدگاه روان‌شناسان». دین و جامعه: مجموعه مقالات، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷، وزیری، ص ۱۵۵-۱۷۶.

۴۱۱. هفتاد و سه ملت: تأملی در اختلافات مسلمین و مسئله وحدت». دین و جامعه: مجموعه مقالات، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷، وزیری، ص ۳۶۵-۴۰۷.

فرجاد، علی

۴۱۲. «از فکر دینی تا عمل دینی: درمان مفاهیم آسیب‌دیده دینی». روزنامه رسالت (۵ اردیبهشت ۱۳۸۶)، ص ۱۸.

۴۱۳. «عوامل آسیب‌دیدگی نگرش‌های دینی از منظر استاد شهید مرتضی مطهری». روزنامه رسالت (۱ تیر ۱۳۸۷)، ص ۱۸.

فرزانه، عبدالحمید

۴۱۴. «بایدها و نبایدهای ترویج دین در دانشگاه‌ها از دیدگاه مقام معظم رهبری». دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴ (پیاپی: ۴۰)، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۲۱-۱۳۹.

فرقانی، علیرضا

۴۱۵. «آسیب‌شناسی رسانه در حکومت دینی». روزنامه رسالت، شماره ۷۱۳۳ (۲۴ آبان ۱۳۸۹)، ص ۷.

فرمهبینی فراهانی، محسن

۴۱۶. «پژوهشی در زمینه آسیب‌شناسی نهادهای دینی و فرهنگی در دودهمه اخیر



انقلاب اسلامی». مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۳-۲۴ (آذر-دی ۱۳۸۷)،  
ص ۳۲-۴۳.

فقیه ایمانی، سید محمد رضا

۴۱۷. «آسیب‌شناسی وحدت در نظام اسلامی و راهکارهای حفظ آن از نگاه متون  
دینی». بلاغ مبین، شماره ۳۲-۳۳ (پاییز-زمستان ۱۳۹۱)، ص ۶-۲۲.

فلاح سلوک‌لایی، محمد ← راعی، مسعود

فولادی، محمد

۴۱۸. آسیب‌شناسی دینی. تهران: امید فردا، چاپ اول، ۱۳۸۵، رقعی، ۲۵۴ ص.

فولادی وندا، محمد

۴۱۹. «بررسی جامعه‌شناختی فاصله نسل‌ها در انقلاب اسلامی با تاکید بر نقش  
روحانیت در اصلاح آن». همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه  
مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری فر، قم: پژوهشگاه علوم و  
فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۲، وزیری، ص ۲۸۳-۳۱۵.

فهیمی، محمد سالم

۴۲۰. «بایسته‌های تبلیغ در جامعه تشیع افغانستان». سفیر، پیش شماره ۳،  
ویژنامه، ص ۲۷-۴۹.

فیاض، ابراهیم و حسین بستان (نجفی)

۴۲۱. «آسیب‌شناسی تبلیغ دینی در تلویزیون». اسلام و علوم اجتماعی، سال دوم،  
شماره ۴ (پاییز-زمستان ۱۳۸۹)، ص ۳۹-۵۷.

فیض‌آبادی، محمد علی ← آسیب‌شناسی مناسبات روحانیت و نسل جوان

قائم‌نیا، علی اصغر

۴۲۲. «آسیب‌شناسی اقتصاد اسلامی در حوزه نظر و عمل». زمانه، دوره جدید،  
شماره ۱۷ (پیاپی: ۱۰۴)، آبان ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۱.

قادری، حاتم

۴۲۳. «آسیب‌شناسی جوامع دینی». روزنامه ایران (۸ اردیبهشت ۱۳۷۸)، ص ۹، و  
(۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۸)، ص ۹.

القادری، طاهر

۴۲۴. «جهان اسلام برآورد چالش‌ها و فرصت‌ها». ترجمه فتح‌اله توسلی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲- ۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۶۹- ۷۳.

قاسم‌زاده، سیدعلی

۴۲۵. «آسیب‌شناسی دینی و تربیتی از دیدگاه ملامتیه». رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره نوزدهم، شماره ۲ (پیاپی: ۷۶)، زمستان ۱۳۸۴، ص ۳۴- ۴۰.

قاسمی، مریم ← حق‌شناس، مرجان

قاسمی، وحید ← ربانی خوراسگانی، علی

قاضی‌زاده، کاظم

۴۲۶. «آسیب‌شناسی نظام آموزشی حوزه». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۳۴۵- ۳۶۰.

قبادی، حسینعلی و منیژه غیاث‌الدین

۴۲۷. «تأملی در آسیب‌شناسی نظام و شیوه‌های تربیت دینی متصوفه با استناد به چند مأخذ معتبر صوفیانه: رساله قشیریه، کشف‌المحجوب، مثنوی مولوی و دیوان حافظ». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۲۴۳- ۲۶۲.

قبادی، خسرو

۴۲۸. «آسیب‌شناسی تربیت دینی در ایران پس از انقلاب اسلامی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۲۶۳- ۲۷۹.



قدرتی، فاطمه و سعید رحیمیان و فریبا حاجعلی

۴۲۹. «آسیب‌شناسی تأثیر عرف در ساحت فقهی دین». فقه و مبانی حقوق

اسلامی، سال چهل و پنجم، شماره ۱ (بهار-تابستان ۱۳۹۱)، ص ۸۳-۱۰۱.

قراگزلو، محمد

۴۳۰. «آسیب‌شناسی جامعه مدنی با مروری بر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی ابن

خلدون». جامعه مدنی و اندیشه دینی: مجموعه مقالات، به اهتمام: محمد رضا مجیدی

و علی دژاکام، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ص ۵۸۴-۵۹۴.

القرنی، عوض بن محمد

۴۳۱. آسیب‌شناسی اختلاف در شریعت. ترجمه مرتضی دوروزی، تهران: احسان،

۱۳۸۸، ۶۶ ص.

قریب گرگانی، سمیرا

۴۳۲. «شیوه‌های تبلیغی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و آسیب‌های تبلیغ». آئینه تبلیغ: آثار، موانع،

راهکارها و آسیب‌ها: مجموعه مقالات بانوان (۲)، تهیه و تدوین: کمیته علمی همایش

اخلاق و معنویت، قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۳۸۷،

وزیری، ص ۲۱۲-۲۷۰.

قلمداران، حیدرعلی

۴۳۳. ارمغان آسمان: در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان. قم: چاپخانه

قم، [۱۳۳۹، ۳۳۹ ص.

قمری وفا، مرتضی

۴۳۴. براندازی در سکوت: آسیب‌شناسی دوران گذار به جامعه مردم سالار دینی

۱۳۶۸-۱۳۸۰. تهران: کیهان، ۱۳۸۱، ۴۱۵ ص.

قنبری، بخشعلی

۴۳۵. «آسیب‌شناسی وحدت». روزنامه اطلاعات (۵ مرداد ۱۳۷۷)، ص ۶، و (۶)

مرداد ۱۳۷۷)، ص ۶، و (۷ مرداد ۱۳۷۷)، ص ۶.

قوامی، صمصام‌الدین

۴۳۶. «مدیریت رحمانی در حوزه‌های علمیه و چالش‌های فرارو». حوزه و روحانیت:

مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۴۴.

قوچانی، محمد

۴۳۷. «آسیب‌شناسی جنبش روشنفکری دینی ایران». یقه سفیدها: جامعه‌شناسی نهاد‌های مدنی در ایران امروز، تهران: نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۷۹، رقعی، ص ۱۹۶-۲۰۷

۴۳۸. «درآمدی بر آسیب‌شناسی جنبش روشنفکری دینی ایران». گوناگون، شماره ۴-۵.

قوچانی، وحید

۴۳۹. علل فاصله گرفتن جوانان ایرانی از دین اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: رامپور صدرنوی، دانشگاه فردوسی مشهد.

قه‌ری، عبدالله

۴۴۰. «سینمای دینی: تعاریف و آسیب‌ها». روزنامه تابناک (۲۹ خرداد ۱۳۹۲).

کارگر شورکی، محسن

۴۴۱. جوان از منظر قرآن: ظرفیت‌ها و آسیب‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدفاکر میدی، استاد مشاور: سعید داودی، دانشگاه معارف اسلامی قم، ۱۳۹۰، رحلی.

کاشانی، مجید

۴۴۲. «نقد و ارزشیابی شیوه‌های تربیت دینی و ارائه پیشنهاد کاربردی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۲۵۷-۲۸۶.

کاشفی، محمدرضا

۴۴۳. «مبانی، ویژگی‌ها و آفات گفت‌وگواز منظر قرآن». سنت گفت‌وگو و مناظره با ادیان و مذاهب، تهیه و تنظیم: دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم با همکاری انجمن ادیان و مذاهب، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول،



۱۳۸۴، وزیری، ص ۱۳۷-۱۵۳.

کاشی، غلامرضا

۴۴۴. «روحانیت، تهدیدها و فرصت‌ها». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص ۴۱۳-۴۲۵.

کاملی، علی اصغر

۴۴۵. آسیب‌شناسی نظام سیاسی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. پایان‌نامه دکتر، استاد راهنما: عباسعلی عمید زنجانی، اساتید مشاور: غلامحسین اعرابی و جعفر نکونام، دانشگاه قم، ۱۳۸۰، رحلی.

کاموس، مهدی ← حکیمی، محمود

کریمی، عبدالملک

۴۴۶. علل پیشرفت و انحطاط مسلمانان. استاد راهنما: محمدحسن قدردان قراملکی، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۲، رحلی، ص ۱۸۹.

کریمی، محمود ← شاملی، عباسعلی

کسایبی‌زاده، مهدیه سادات

۴۴۷. «آسیب‌شناسی پژوهش در عرفان اسلامی». کتاب نقد، سال نهم، شماره ۴۴ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۱۴۷-۱۷۴.

الکعبی، منجی

۴۴۸. «جهان اسلام؛ تداوم چالش‌ها و گفتگوی تمدن‌ها». ترجمه مجتبی فردوسی پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲-۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۲۶۱-۲۶۸.

کمالی، اصغر

۴۴۹. آسیب‌شناسی عزاداری امام حسین علیه السلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر رفیعی محمدی، استاد مشاور: سید محمود دشتی، دانشکده اصول دین

- قم، ۱۳۸۶، رحلی.
۴۵۰. آسیب شناسی عزاداری امام حسین علیه السلام. قم: صرفی پور، چاپ اول، ۱۳۹۰، وزیری، ۲۴۰ ص.
- کمانی نجف آبادی، مهدی
۴۵۱. «آسیب شناسی روایات اسباب نزول». حسنا، سال سوم، شماره ۱۲ (بهار ۱۳۹۱)، ص ۱۷۷-۲۰۲.
- کمساری، علی
۴۵۲. آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان. تهران: اشراق دانش، ۱۳۹۱، ۲۱۰ ص.
- کوثری، مسعود
۴۵۳. آسیب شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار. تهران: انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۷۹، رقی، ۲۰۶ ص.
- کهن ترابی، میثم
۴۵۴. آسیب شناسی رفتار کارگزاران با مردم از دیدگاه نهج البلاغه. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد علی موحدی، استاد مشاور: مرویان حسینی، دانشکده علوم حدیث قم، ۱۳۸۹، رحلی.
۴۵۵. «آسیب شناسی عرضه حدیث برقرآن». مشکوة، سال سی و دوم، شماره ۱۲۱ (زمستان ۱۳۹۲)، ص ۲۹-۵۰.
- کیانی نژاد، عذرا ← سعیدی رضوانی، محمود  
گریوانی، مسلم
۴۵۶. آسیب شناسی دیدگاه معنویت های نو ظهور هندی درباره باور به خدا. رساله علمی سطح ۳، استاد راهنما: محمد تقی فعالی، مدرسه علمیه عالی نواب خراسان رضوی، ۱۳۹۰، رحلی، ۱۸۲ ص.
- گزارش از نشست نقد و بررسی کتاب آسیب شناسی حدیث
۴۵۷. کتاب ماه دین، سال چهاردهم، شماره ۱۶۷ (شهریور ۱۳۹۰)، ص ۱۲۶-۱۳۲، و شماره ۱۷۳ (اسفند ۱۳۹۰)، ص ۴-۶.

این نوشتار، نقد و بررسی کتاب «آسیب‌شناسی حدیث»، تألیف محمدحسن ربانی است.

گشتاسبی، محمود و زینب پارسایی

۴۵۸. «رابطه تربیت معلم و نیروی انسانی و آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۲۸۷-۳۰۰.

گلزاری، محمود

۴۵۹. «آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان». پگاه حوزه، شماره ۱۵ (تیر ۱۳۸۰).

۴۶۰. «آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان». روزنامه جوان (۳ تیر ۱۳۸۰)، ص ۴۰.

۴۶۱. «آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان». اندیشه دانشجو، سال دوازدهم، شماره ۸۴ (آذر ۱۳۸۵)، ص ۲۲-۲۷.

۴۶۲. «آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان». روزنامه کیهان (۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۶)، ص ۶.

گلی زواره، غلامرضا

۴۶۳. «جهان اسلام، رویش‌ها و ریزش‌ها». پاسدار اسلام، شماره ۳۲۱ (شهریور ۱۳۸۷)، ص ۲۰-۲۵.

گوهری، عباس

۴۶۴. «دین‌پژوهی متکلمان سنتی؛ آسیب‌ها و چالش‌ها». کتاب نقد، سال نهم، شماره ۴۴ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۳۹-۴۸.

لاریجانی، علی

۴۶۵. «بازنگری چالش‌ها و فرصت‌های جهان اسلام». مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲-۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی‌پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۲۴۱-۲۵۴.

لاریجانی، محمدجواد

۴۶۶. نقد دینداری و مدرنیسم: مجموعه مقالات. تهران: اطلاعات، چاپ دوم با  
اضافات، ۱۳۷۶، رقعی، ۲۰۸ ص.

لطفی، مهرعلی

۴۶۷. «آسیب شناسی انقلاب اسلامی ایران». خط اول، سال اول، شماره ۲  
(تابستان ۱۳۸۶)، ص ۳۳ - ۵۰.

۴۶۸. «آسیب شناسی انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی و اقتصادی». خط اول،  
سال دوم، شماره ۴ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۷۷ - ۹۲.

لطیفی پاکدل، لطفعلی

۴۶۹. انسجام اسلامی: زمینه‌ها، مبانی، موانع و راهکارهای اتحاد اسلامی. تهیه‌کننده:  
مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: دفتر عقل، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی،  
۱۲۶ ص.

لطیفی نیا، فاطمه

۴۷۰. آثار عملکرد خواص بر انحراف تاریخ در نیم قرن نخست اسلام. استاد راهنما:  
صدیقه رضایی، استاد مشاور: جعفر محمدی، مدرسه علمیه حضرت رقیه (س)  
حوزه علمیه خراسان.

نویسنده در پی آسیب شناسی جامعه اسلامی و شناخت عوامل انحراف و دور شدن  
از اهداف و ایده‌های مکتب اسلام است.

لواسانی، سیدسعید

۴۷۱. «جهانی سازی: تهدیدها و فرصت‌ها در عرصه فرهنگ و دین». جهانشمولی  
اسلام و جهانی سازی: مجموعه مقالات، به اهتمام: سیدطه مرقاتی، [تهران]: مجمع  
جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۲، ص ۳۷۷ - ۴۳۲.

ماه‌زاده، جواد

۴۷۲. «نگاهی دوباره به شعر دینی: درآمدی بر آسیب شناسی ادبیات معاصر  
ایران». آزما، شماره ۴۳ (اردیبهشت ۱۳۸۵)، ص ۳۴ - ۳۸.

متقی‌زاده، زینب

۴۷۳. «آسیب‌شناسی فرهنگ مهدوی در عصر جهانی شدن». انتظار موعود، سال  
نهم، شماره ۳۱ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۱۲۵-۱۵۳.

مجاهدی، محمد مهدی

۴۷۴. «نقد روش شناختی آسیب‌شناسی‌های تربیت دینی در آموزش و پرورش». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام:  
خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی،  
تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۲۸۱-۳۱۱.

مجتهد شبستری، محمد

۴۷۵. نقدی بر قرائت رسمی از دین: بحرانها، چالشها، راه‌حلهای. تهران: طرح نو،  
چاپ سوم، ۱۳۸۴، رقعی، ۵۴۲ ص.

مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش

۴۷۶. به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن،  
دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۲.

بیشتر مقالات این مجموعه درباره آسیب‌شناسی تربیت دینی است. عناوین مقالات  
جلد اول عبارت‌اند از: مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی از دیدگاه علامه اقبال  
لاهوری، نادرپور ارشد؛ مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی در نوجوانان و  
جوانان، مسعود خاکپور؛ سیر آسیب‌های وارده بر مفاهیم اعتقادی دینی - مذهبی در  
دوره معاصر، بابک زمانی‌پور؛ آسیب‌شناسی روش‌ها در قلمرو تربیت دینی، محمدرضا  
سنگری؛ مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی، معصومه صادقی؛ آسیب‌شناسی  
پاره‌ای از مبانی نظری تعلیم و تربیت دینی در ایران، بیژن عبدالکریمی؛ تأملی در  
آسیب‌شناسی نظام و شیوه‌های تربیت دینی متصوفه با استناد به چند مأخذ معتبر  
صوفیانه: رساله قشیریه، کشف‌المحجوب، مثنوی مولوی و دیوان حافظ، حسینعلی  
قبادی و منیژه غیاث‌الدین؛ آسیب‌شناسی تربیت دینی در ایران پس از انقلاب  
اسلامی، خسرو قبادی؛ نقد روش شناختی آسیب‌شناسی‌های تربیت دینی در  
آموزش و پرورش، محمد مهدی مجاهدی؛ رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت

دینی در مقطع دبیرستان، مزگان محمدی؛ آسیب‌شناسی تربیت دینی از نگاه امام محمد غزالی، محمد منصور نژاد؛ تحلیل اعتقاد دینی بر اساس ساختار شخصیت و موانع تحقق ایمان، علی اصغر احمدی؛ بررسی عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستان‌های استان مرکزی نسبت به مسائل مذهبی، عبدالمجید اورنگی؛ ارزیابی ابعاد روانشناختی آسیب‌شناسی تربیت دینی، زهرا برخوردارپور؛ بررسی نظرات دانش‌آموزان دبیرستانی در مورد آسیب‌های موجود در تربیت دینی (سال تحصیلی ۸۱ - ۸۰)، پرچهر سلطانی؛ روانشناسی و مذهب و آسیب‌شناسی تربیت مذهبی، عبدالله معتمدی.

عناوین مقالات جلد دوم چنین است: آسیب‌شناسی تربیت دینی: درون‌داد، فرآیند و برون‌داد، بهرام حمیدزاده؛ بررسی عوامل تاثیرات نامطلوب درس بینش اسلامی دوره متوسطه، محمود سعیدی رضوانی و عذرا کیانی نژاد؛ نقد و ارزیابی برنامه‌های درسی و مواد آموزشی تعلیمات دینی دوره ابتدایی، مریم قاسمی و مرجان حق‌شناس؛ نقد و ارزیابی شیوه‌های تربیت دینی و آرایه پیشنهاد کاربردی، مجید کاشانی؛ رابطه تربیت معلم و نیروی انسانی و آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، محمود گشتاسبی و زینب پارسایی؛ نقد و ارزیابی کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی دانش‌آموزان، مینا محبی؛ آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر برنامه‌ریزی درسی، حسن ملکی؛ آسیب‌شناسی برنامه تربیت دینی، جواد یزدانی.

مجیدی، عبدالمجید

۴۷۷. آسیب‌شناسی جنبش اسلامی افغانستان. استاد راهنما: محمد جواد صالحی، استاد مشاور: عبدالمجید ناصری، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۶، رحلی، ۱۹۹ ص.

محبی، مینا

۴۷۸. «نقد و ارزیابی کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی دانش‌آموزان». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۳۰۳ - ۳۲۸.



محدثی، حسن

۴۷۹. «آسیب‌شناسی فرهنگ و سنت عاشورا در آرای مطهری». ایران فردا، شماره ۷۲، ص ۲۶-۲۸.

محسنی ارزگانی، غلام‌رسول

۴۸۰. «آسیب‌شناسی منتظران مهدی موعود (عجله)». برخورد ائمه علیهم السلام با مدعیان مهدویت، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۰، رقعی، ص ۱۵۳-۲۰۵.

محمدی ایلامی، رحیم ← امینی، جبار

محمدی زاده، حسین

۴۸۱. «آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان در اندیشه امیرمؤمنان امام علی (ع)». روزنامه جمهوری اسلامی (۲ خرداد ۱۳۸۱)، ص ۹، و (۴ خرداد ۱۳۸۱)، ص ۹.

محمدی، عبدالله

۴۸۲. «آسیب‌زدایی دین‌پژوهی به روایت نوگرایان». کتاب نقد، سال دهم، شماره ۴۶ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۵۳-۸۴.

محمدی گرگانی، محمد

۴۸۳. «آشتی دین و حقوق بشر: چالش‌های روشنفکری دینی در مواجهه با حقوق بشر». نسیم بیداری، سال چهارم، شماره ۳۳-۳۴ (ویژه‌نامه نوروزی ۱۳۹۲)، ص ۱۳۰-۱۳۲.

۴۸۴. «دین افراطی، دین‌گریزی و نواندیشی دینی». چشم‌انداز ایران، شماره ۳۱ (اردیبهشت - خرداد ۱۳۸۴).

نشر دوم: بازتاب اندیشه، شماره ۶۷ (آبان ۱۳۸۴)، ص ۵۴-۵۹.

محمدی، مجید

۴۸۵. آسیب‌شناسی دینی. تهران: نشر تفکر، ۱۳۷۳، ۲۱۶ ص.

محمدی، محسن

۴۸۶. «بررسی نقاط ضعف و قوت مساجد». فروغ مسجد (۲): مجموعه سخنرانی‌های و مقالات برگزیده دومین همایش هفته جهانی مساجد (مرداد ماه

۱۳۸۳ - جمادی الثانی ۱۴۲۵ - آگوست ۲۰۰۴)، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ص ۲۹۳ - ۳۰۴.

محمدی، مژگان

۴۸۷. «رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت دینی در مقطع دبیرستان». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۳۱۳ - ۳۲۵.

محمودزاده، مریم

۴۸۸. «فعالیت‌های تبلیغی بانوان: موانع، آسیب‌ها، راهکارها». آئینه تبلیغ: آثار، موانع، راهکارها و آسیب‌ها: مجموعه مقالات بانوان (۲)، تهیه و تدوین: کمیته علمی همایش اخلاق و معنویت، قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۳۶۵ - ۳۸۶.

محیطی اردکانی، محمدعلی و علی مصباح

۴۸۹. «بایدها و نبایدهای اسلامی سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح». معرفت فلسفی، سال دهم، شماره ۱ (پاییز ۱۳۹۱)، ص ۱۳۷ - ۱۶۵.

حیی آبادی، محمد شبان

۴۹۰. آسیب‌شناسی تبلیغ در قرآن و حدیث. رساله علمی سطح ۳، استاد راهنما: احمد قدسی، استاد مشاور: ثقفی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، رحلی.

مداحی، مرتضی

۴۹۱. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های گروهی، مورد مطالعه: طلاب علوم دینی». پژوهش، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی: ۶)، پاییز - زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۱۹ - ۱۳۸.

مدرسی، معصومه

۴۹۲. آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه. استاد راهنما: صدیقه رضایی، استاد مشاور: مریم پورحسینی طرقی، مدرسه علمیه نرجس (س) حوزه علمیه خراسان.





مدنی، آزاده

۴۹۳. «آسیب‌شناسی دین پژوهی در حوزه زنان». کتاب نقد، سال نهم، شماره ۴۴ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۱۷۵-۲۱۲.

مرادی، اسدالله

۴۹۴. آسیب‌شناسی تربیت دینی در گفت‌وگو با اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت. تهران: مدرسه، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۴۹۵. آسیب‌شناسی تربیت دینی: گفت‌وگو با استادان حوزه و دانشگاه. تهران: مدرسه، ۱۳۸۶، ۴۰۰ ص.

مرادی خلیفه‌لو، رضا ← امینی، جبار

مردانی، صدیقه و محبتی مصطفایی

۴۹۶. «بررسی عوامل و موانع گرایش دانشجویان به نماز». نماز و دانشگاه: مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز گردآورنده: دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، اصفهان: ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ج ۱، ص ۳۷۳-۳۹۲.

مریم، عصاره

۴۹۷. خردورزی و عقلانیت در نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: یوسف محفوظی موسوی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶، رحلی.

در بخشی از پایان‌نامه به آسیب‌شناسی عقل از منظر نهج البلاغه پرداخته است.

مسجد جامعی، محمد

۴۹۸. «روحانیت شیعه و روحانیت مسیحی: چالش‌ها و فرصت‌ها». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات

بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۴۳.

مسعودی، عبدالهادی

۴۹۹. آسیب‌شناخت حدیث. قم: زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ۳۱۰ ص.

۵۰۰. «دستاوردها و آسیب‌های نقد حدیث». وضع و نقد حدیث، تهران و قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و دانشکده علوم حدیث،

چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ص ۲۸۰-۳۰۱.

مصباح، علی ← محیطی اردکانی، محمدعلی

مصباح یزدی، محمدتقی

۵۰۱. «اصل آسیب برای انقلاب اسلامی». آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه

مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم

رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۱۶۴-۱۷۲.

مصطفایی، مجتبی ← مردانی، صدیقه

مطهری، سیدعلی

۵۰۲. بررسی علل پیشرفت و انحطاط مسلمانان با توجه به آیات قرآن. استاد راهنما:

علی رحمانی سبزواری، استاد مشاور: عبدالعباس حیاتی، مجتمع آموزش عالی فقه و

معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۳، رحلی، ۱۳۹ ص.

مطهری، مرتضی

۵۰۳. علل گرایش به مادیگری. تهران: صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۲، ۱۹۴ ص.

مطهری و آسیب‌شناسی فرهنگی دینی

۵۰۴. روزنامه انتخاب (۱۴ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۷.

مظاهری، محمد مهدی

۵۰۵. «اصول تفسیر و عوامل انحراف در زمینه تفسیر قرآن». صحیفه مبین، شماره ۳۷

(بهار-تابستان ۱۳۸۵)، ص ۲۰-۳۴.

معارف، مجید

۵۰۶. «درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب‌شناسی آن». پژوهش دینی، شماره

۹ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۴۱-۶۲.

معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان

۵۰۷. آسیب‌شناسی تربیت دینی در بین جوانان: با تاکید بر جوانان شهر تهران. تهیه و

تدوین: معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان، تهران: سازمان ملی

جوانان، ۱۳۸۷، ۱۶۰ ص.



معتمدی، عبدالله

۵۰۸. «روانشناسی و مذهب و آسیب‌شناسی تربیت مذهبی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۱، وزیری، ص ۴۹۵-۵۱۸.

معتمدی، وحید

۵۰۹. دیدگاهها در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی. تهران: عابد، ۱۳۸۲، ۱۲۵ ص.

معدل، منصور

۵۱۰. «اسلام و مدرنیته سیاسی: مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی تاریخی فرهنگ و سیاست جوامع اسلامی». خردنامه همشهری، شماره ۲ (اردیبهشت ۱۳۸۵)، ص ۴۸-۵۰.

معصومی، غلامرضا

۵۱۱. «غایب بزرگی به نام پژوهش: میزگرد آسیب‌شناسی نشر کتاب دینی در ایران». روزنامه جام جم (۵ آبان ۱۳۸۴)، ص ۵.

۵۱۲. «فطرت بچه‌ها را به کدام فصل سپردیم؟: ضرورت‌ها و آسیب‌های بازنویسی متون مذهبی برای کودک و نوجوان». روزنامه جام جم (۱۹ آبان ۱۳۸۴)، ص ۶.

معیری نژاد، هادی

۵۱۳. «تجلی روی موج تصویر: نگاهی به آثار تصویری دینی و آسیب‌شناسی آن». روزنامه همشهری (۱۶ دی ۱۳۸۷)، ص ۲۲.

مفتح، هادی

۵۱۴. «آسیب‌شناسی وحدت حوزه و دانشگاه». روزنامه شرق، شماره ۳۶۸ (۲۹ آذر ۱۳۸۳)، ص ۱۸.

نشر دوم: بازتاب اندیشه. شماره ۵۷-۵۸ (دی-بهمن ۱۳۸۳)، ص ۸۴-۸۶.

ملاثی، مهدی

۵۱۵. «آسیب‌شناسی کارگزاران دولت دینی». روزنامه کیهان (۱۲ بهمن ۱۳۸۸)، ص ۶.

۵۱۶. «آسیب شناسی کارگزاران دولت دینی با نگاهی به سخنان مقام معظم رهبری».

معرفت، شماره ۱۴۲ (مهر ۱۳۸۸)، ص ۱۳۱-۱۳۸.

ملاحسنی، نعیمه ← عرب بافرانی، محمدرضا

ملازاده، محمد

۵۱۷. «تیین راهبرد استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های فراهم شده و مقابله با

چالش‌های جهانی سازی». جهانشمولی اسلام و جهانی سازی: مجموعه مقالات، به

اهتمام: سیدطه مرقاتی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول،

۱۳۸۲، وزیری، ج ۳، ص ۳۶۳-۳۹۰.

ملکیان، مصطفی

۵۱۸. «بایسته‌های پژوهشی قرآنی». بینات، سال دوم، شماره ۴ (پیاپی: ۸)،

زمستان ۱۳۷۴، ص ۸۵-۱۰۵.

نشر دوم: راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت. تهران: نشر نگاه

معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ص ۴۹۵-۵۰۴.

۵۱۹. «تأملاتی چند در باب امکان و ضرورت اسلامی شدن دانشگاه». نقد و نظر،

سال پنجم، شماره ۳-۴ (پیاپی: ۱۹-۲۰)، تابستان- پاییز ۱۳۷۸، ص ۲۱۶-۲۳۳.

نشر دوم: راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت. تهران: نشر نگاه

معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱، رقعی، ص ۵۳-۷۹.

۵۲۰. «روشنفکران دینی امروز از روشنفکران سوسیالیست زمان شاه عقب‌ترند:

ملکیان در همایش آسیب‌شناسی روشنفکری دینی». روزنامه همبستگی (۱۷ شهریور

۱۳۸۶)، ص ۶.

۵۲۱. «وضع نقد و پژوهش در ایران: هستها و بایدها». آینه پژوهش، سال هفدهم،

شماره ۴ (پیاپی: ۱۰۰)، مهر- آبان ۱۳۸۵، ص ۷۴-۸۳.

نشر دوم: حدیث آرزومندی: راهی به رهایی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت.

تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۹، رقعی، ص ۶۹-۸۵.

ملکی، حسن

۵۲۲. «آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر برنامه‌ریزی درسی». مجموعه مقالات



همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۳۴۳-۳۵۷.

ممتانی، اسدالله

۵۲۳. مسلک الامام فی سلامة الاسلام. به کوشش صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳، رقعی، ۵۹ ص.

منصورنژاد، محمد

۵۲۴. آسیب‌شناسی تربیت دینی از نگاه امام محمد غزالی. تهران: جوان پویا، ۱۳۸۹، ۴۸ ص.

۵۲۵. «آسیب‌شناسی تربیت دینی از نگاه امام محمد غزالی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، وزیری، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۵۹.

۵۲۶. «آسیب‌شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان». همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان: مجموعه مقالات علمی، به کوشش: محمدرضا ضمیری، علی باقری فرو قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، وزیری، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۸۱.

۵۲۷. تربیت دینی: آسیب‌شناسی، دلالتها و روشها. تهران: جوان پویا، ۱۳۸۹، ۲۶۴ ص.

مؤمنی، عابدین

۵۲۸. «روحانیت و مواجهه با چالش‌های فکری». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری فرو، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۲، ص ۴۹۵-۵۱۹.

موحد ابطیحی، محمدتقی

۵۲۹. «سیطره پوزیتیویسم بر مراکز علمی: آسیب‌شناسی فعالیت‌های صورت گرفته درباره علم دینی». پنجره، شماره ۱۳۵.

موحدیان عطار، علی

۵۳۰. تشویش‌های ایمانی: آسیب‌شناسی ایمان دینی، از دیدگاه قرآن و روایات. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷، ۳۳۰ ص.

موحدی، محسن

۵۳۱. «آسیب‌شناسی اجتماعی فرهنگ انتظار». شبستان، شماره ۳۱.

مؤذن جامی، محمد هادی

۵۳۲. «درآمدی بر آسیب‌شناسی دینی در آثار استاد شهید مطهری». روزنامه جمهوری اسلامی (۱۱ خرداد ۱۳۷۷).

موسویان، ابوالفضل و علیرضا اسدی

۵۳۳. خلاصه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰، ۲۱۲ ص.

موسوی، سعیده

۵۳۴. «برای کودکان کارالف تولید نکردیم: آسیب‌شناسی برنامه‌های دینی کودک و نوجوان». سروش، شماره ۱۵۲۱.

موسوی، سیدرضا

۵۳۵. «عوامل وزمینه‌های ناپوشیدگی زنان در اندیشه اسلامی». فدک سبزواران، سال دوم، شماره ۶ (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۱۷۵-۱۹۶.

موسوی، سید محمد علی

۵۳۶. آسیب‌های درونی عزاداری امام حسین علیه السلام. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، چاپ اول، ۱۳۸۸، رقعی، ۱۰۴ ص.

موسوی لموکی، حسین

۵۳۷. «آسیب‌شناسی آرمان وحدت حوزه و دانشگاه». روزنامه رسالت (۲۹ آذر ۱۳۸۳)، ص ۴.

موسوی نیا، سید نصرالله

۵۳۸. آسیب‌شناسی تبلیغات دینی. بوشهر: زمزمه‌های روشن، ۱۳۹۱، ۱۵۴ ص.



موسی پروانی، سیدعزیز

۵۳۹. «آسیب‌شناسی مباحث فلسفه در حوزه شیعه». کوثر معارف، سال پنجم، شماره ۱۰ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۸۵-۱۱۰.

موظف رستمی، محمدعلی

۵۴۰. «مساجد و مهم‌ترین چالش‌های فراروی آن». فروغ مسجد (۲): مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده دومین همایش هفته جهانی مسجد (مرداد ماه ۱۳۸۳ - جمادی الثانی ۱۴۲۵ - آگوست ۲۰۰۴)، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری، ص ۲۷۱-۲۹۱.

موگهی (شمیم)، عبدالرحیم

۵۴۱. «آسیب‌شناسی مطالعات دینی و تحقیقات علمی». مریبان، شماره ۱۶ (تابستان ۱۳۸۴)، ص ۱۶۳-۱۷۴.

مومنی، محتشم

۵۴۲. «آسیب‌شناسی روزه از منظر روایات اسلامی». روزنامه پیام زمان (۱۳ شهریور ۱۳۸۹).

مهتابی زیناب، طاهر

۵۴۳. «آسیب‌شناسی وقف». وقف میراث جاویدان، سال بیست و یکم، شماره ۸۲ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۵۷-۶۶.

مهدوی راد، محمدعلی

۵۴۴. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های دینی». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۱ (بهار-تابستان ۱۳۸۴)، ص ۱۲-۱۵.

۵۴۵. «درنگی در آسیب‌شناسی پژوهش‌های دینی معاصر». آینه پژوهش، سال هفدهم، شماره ۴ (پیاپی: ۱۰۰)، مهر-آبان ۱۳۸۵، ص ۲-۲۱.

مهدوی زادگان، داود

۵۴۶. «معنا و مفهوم آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی». آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۱۱۶-۱۲۷.

مهدوی، محمدصادق

۵۴۷. «سنجش پایبندی دینی دانشجویان: آسیب‌شناسی فرهنگی جوانان». پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۲۵ (بهار - تابستان ۱۳۷۸)، ص ۶۵ - ۱۰۲، و شماره ۲۶ (پاییز - زمستان ۱۳۷۸)، ص ۶۳ - ۱۰۱.

مهدی‌زاده، حسین

۵۴۸. «آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان با الهام از کلام و سیره امام علی (علیه السلام)». تربیت اسلامی: ویژه‌آسیب‌شناسی تربیت دینی، به کوشش: علیرضا صادق‌زاده قصری و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، با همکاری: عسگرملکی بیرجندی، تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ص ۱۴۳ - ۱۶۹.

۵۴۹. «آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان در اندیشه امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام)». روزنامه جمهوری اسلامی (۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۱۱، و (۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۱۰.

۵۵۰. «آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان در اندیشه امیرمؤمنان (علیه السلام)». اشراق اندیشه، شماره ۱۳ (فروردین ۱۳۸۲)، ص ۴ - ۸، و شماره ۱۴ (اردیبهشت - خرداد ۱۳۸۲)، ص ۴ - ۸.

المهدی، قطبی

۵۵۱. «جهان اسلام و چالش‌های آینده». ترجمه مجتبی فردوسی پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲ - ۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۶۱ - ۶۴.

مهدیه، احمد رضا

۵۵۲. راهکارهای حفظ دین در آیین قرآن و روایات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ابوالقاسم علی دوست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، رحلی.

در بخشی از پایان‌نامه به آسیب‌شناسی حفظ دین پرداخته است.





مهریزی، مهدی

۵۵۳. «آسیب‌شناسی اجتهاد». فرهنگ اندیشه، سال دوم، شماره ۸ (زمستان

۱۳۸۲)، ص ۱۳۷-۱۶۲

۵۵۴. «آسیب‌شناسی اجتهاد». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به

کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات بشرا، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۱، ص

۲۷۱-۲۹۵ و ۲۹۷-۳۲۳

۵۵۵. «آفت‌های عزاداری». فرهنگ اندیشه، سال چهارم، شماره ۱۶ (زمستان

۱۳۸۴).

نشر دوم: ماهیت انسانی قیام امام حسین علیه‌السلام. قم: صحیفه خرد، چاپ اول،

۱۳۹۰، رقعی، ص ۱۳۹-۱۴۵.

میرآقایی، سیدجلال

۵۵۶. جهان اسلام، مشکلات و راهکارها: مجموعه مقالات. تهران: مجمع جهانی تقریب

مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ۶۲۲ ص.

میراحسان، میراحمد

۵۵۷. «فراتر از فردید: مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی تفاسیر امروزی از فردید». خردنامه

همشهری، شماره ۱۹ (مهر ۱۳۸۶)، ص ۴۰-۴۱.

میرباقری، سیدمحمد مهدی ← چالشی بر اسلامیت علوم حوزوی

میرتبار، سیدمحمد

۵۵۸. آسیب‌شناسی جامعه منتظر از منظر روایات. رساله علمی سطح ۳، استاد راهنما:

سید مسعود پورسیدآقایی، استاد مشاور: مهدی تائب، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸،

رحلی، ۱۶۱ ص.

۵۵۹. «آسیب‌شناسی جامعه منتظر». مجموعه مقالات کنگره گفتمان مهدویت، قم:

چلچراغ، چاپ اول، ۱۳۹۰، وزیری، ص ۱۱-۴۴.

۵۶۰. رسانه‌ها و بازتولید جامعه منتظر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ

دوم، ۱۳۹۱، رقعی، ۲۲۲ ص.

عناوین برخی از فصل‌ها عبارتند از: «رسانه و آسیب‌شناسی جامعه منتظر»، «عوامل

پیدایش آسیب در جامعه منتظر»، «راهکارهای مقابله با آسیب در جامعه منتظر»،  
«رسانه و نقد و بررسی مستند آسیب‌ها».

میردامادی، یاسر

۵۶۱. «مصائب روشنفکری دینی». روزنامه اعتماد ملی (سه‌شنبه ۲۰ شهریور

۱۳۸۶)، ویژه‌نامه آسیب‌شناسی روشنفکری دینی، ص ۱۳.

میرزاقاجار (شیخ‌الرئیس)، ابوالحسن

۵۶۲. اتحاد اسلام. به کوشش صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ اول،

۱۳۶۳، رقعی، ۶۳ ص.

میرزایی، علی‌اکبر

۵۶۳. اتحاد ملی و انسجام اسلامی: پیام‌ها، راه‌ها و موانع. قم: صالحان، چاپ اول،

۱۳۸۶، رقعی، ۹۶ ص.

میرسندسی، سیدمحسن ← آسیب‌شناسی مناسبات روحانیت و نسل جوان

میرسید، سیدمحمدرضا

۵۶۴. آسیب‌شناسی دین‌داری از نظر تحریف در حوزه مبانی. پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، استاد راهنما: نجفقلی حبیبی، استاد مشاور: حسین غفاری، دانشکده الهیات و

معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۷۵، رحلی.

میرقائمی، مریم‌السادات

۵۶۵. دلایل انحطاط تمدن‌ها در قرآن. استاد راهنما: مهناز رحیم‌پور، حوزه علمیه عقيله

بنی هاشم علیهم‌السلام تهران، ۱۳۸۵، رحلی.

نادری، مهدی

۵۶۶. «پرهیز از دنیا طلبی: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی». روزنامه رسالت، شماره

۷۰۲۵ (۱۳ تیر ۱۳۸۹)، ص ۶.

نادعلی، روح‌الله ← جمشیدی‌راد، محمدصادق

ناری‌ابیانه، محمدرضا

۵۶۷. «آسیب‌شناسی انقلاب جهانی اسلام در عصر حاضر». روزنامه جوان (۲۹

آبان ۱۳۸۱)، ویژه‌نامه، ص ۲ و ۸.



۵۶۸. «آسیب‌شناسی فرهنگ دینی و قرآنی». روزنامه جوان (۴ آذر ۱۳۸۰)، ص ۴، و (۵ آذر ۱۳۸۰)، ص ۹، و (۲ دی ۱۳۸۰)، ص ۵، و (۱۸ دی ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۲۵ دی ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۲ بهمن ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۹ بهمن ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۱۶ بهمن ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۲۳ بهمن ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۳۰ بهمن ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۷ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۲۱ اسفند ۱۳۸۰)، ص ۷، و (۲۰ فروردین ۱۳۸۱)، ص ۸.

۵۶۹. «آسیب‌شناسی فرهنگ دینی و قرآنی». روزنامه راه مردم (۴ آذر ۱۳۸۰).

ناصریان، علی اصغر

۵۷۰. «خطا در ترجمه به سبب اشتباه در فهم آیات و واژگان قرآنی». سفیر، شماره ۵ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۷-۳۴.

ناصری، عبدالغفور

۵۷۱. موانع وحدت در جهان اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی-اصغر نصرتی، استاد مشاور: غلامرضا بهروزلک، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۴، رحلی، ۲۰۴ ص.

ناصری، محمداکبر

۵۷۲. آسیب‌شناسی روایات تفسیری با عطف توجه به دو تفسیر نورالثقلین والدرالمثور. استاد راهنما: علی نصیری، استاد مشاور: سیدرضا مؤدب، مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷، رحلی، ۳۲۳ ص.

ناصری، محمد

۵۷۳. مردم فریبی: آسیب‌شناسی دینی. قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۸، ۲۶۴ ص.

ناطق، خجسته

۵۷۴. «چگونه فرزندان را با فرایض دینی آشنا کنیم: آسیب‌شناسی دین باوری جوانان». ژانر، سال چهاردهم، شماره ۱۰ (پیاپی: ۱۵۷)، دی ۱۳۸۶، ص ۳۴-۳۵.

نباتی، رضا

۵۷۵. «آسیب‌شناسی آموزش قرآن درسی در مدارس». بشارت، سال سوم، شماره ۱۸ (مرداد-شهریور ۱۳۷۹)، ص ۶۴-۶۷.

۵۷۶. «آسیب شناسی مسابقات قرآنی». بشارت، سال چهارم، شماره ۲۰ (آذر-دی ۱۳۷۹)، ص ۶۱-۶۵.

نجف پور، شهریار

۵۷۷. «چالش های روشنفکری دینی با روشنفکری حوزوی». حوزه و روشنفکری، گروه نویسندگان، تهیه: دانشگاه باقرالعلوم، قم: چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ص ۱۳۴-۱۶۱.

نجفی، زین العابدین

۵۷۸. «اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت علیهم السلام از منظر فقه امامیه». دین و سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷-۱۸ (پاییز-زمستان ۱۳۸۷)، ص ۳-۲۹.

نجفی کرسامی، مهدیه

۵۷۹. آسیب شناسی حکومت از دیدگاه آیت الله نائینی و امام خمینی علیه السلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: نجف لک زایی، استاد مشاور: سید محمد تقی آل غفور، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۸، رحلی، ص ۱۸۴.

ندری ابیانه، فرشته

۵۸۰. «آسیب شناسی تربیتی مسئله حجاب در دانشگاه». حجاب: مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، به کوشش: ابراهیم شفیعی سروستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ج ۲ (مقالات فرهنگی - اجتماعی)، ص ۱۷۵-۱۹۶.

ندوی، ابوالحسن علی

۵۸۱. کدوکاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان. ترجمه عبدالحکیم عثمانی، تهران: نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۸۵، وزیری، ص ۴۰۰.

نژاد صداقت، حورا

۵۸۲. «تکرار آسیب تصویرگری در کتاب های دینی». روزنامه جام جم، شماره ۳۶۲۴ (۱۷ بهمن ۱۳۹۱)، ص ۸.

نساچی زواره، اسماعیل

۵۸۳. «آسیب شناسی دین از دیدگاه امام حسین علیه السلام». پاسدار اسلام، شماره ۳۲۵ (دی ۱۳۸۷)، ص ۴۰-۴۳.



۵۸۴. «آسیب‌شناسی روابط همسران از منظر آموزه‌های دینی». درسهایی از مکتب اسلام، سال چهل و هشتم، شماره ۹ (پیاپی: ۵۷۱)، آذر ۱۳۸۷، ص ۴۸-۵۶.  
۵۸۵. «آسیب‌شناسی فهم آیات قرآن». درسهایی از مکتب اسلام، سال چهل و ششم، شماره ۱۰ (پیاپی: ۵۵۰)، دی ۱۳۸۵، ص ۵۸-۶۵.

نصری، محسن

۵۸۶. «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری». آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۴۸-۱۰۰.

نصیری فرد، عباس

۵۸۷. «توان پویایی آموزه‌های دینی: ضرورت‌ها، نیازها». سفیر، پیش شماره ۱ (پاییز ۱۳۸۴)، ص ۸-۱۱.  
۵۸۸. «نقش و جایگاه حوزه‌های علمیه در آسیب‌شناسی فرهنگی». روزنامه قدس (۱۴ مهر ۱۳۸۲)، ص ۱۲.

نظری، غلام‌حسرت

۵۸۹. مشکلات حکومت امام علی (ع): زمینه‌ها، چالش‌ها و راهکارها. استاد راهنما: محمدرضا هدایت‌پناه، استاد مشاور: حسین حسینیان مقدم، مجتمع آموزش عالی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۴، رحلی، ۱۶۹ ص.

نظیری، محسن

۵۹۰. «آسیب‌شناسی تربیت دینی». نیایش، شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۹)، ص ۵۲-۹۵.

نعمتی قمصری، زهرا

۵۹۱. «آسیب‌های تبلیغ: نشر خرافات، بدعتها و...». آئینه تبلیغ: آثار، موانع، راهکارها و آسیب‌ها: مجموعه مقالات بانوان (۲)، تهیه و تدوین: کمیته علمی همایش اخلاق و معنویت، قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۳۶۰-۳۶۴.

نعیمی، زری

۵۹۲. «خدا، خشونت و عشق: پژوهشی در آسیب‌شناسی ادبیات کودک».

پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۲ (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۱۲-۳۴.

نعیمی، عبدالله

۵۹۳. موانع و آسیب‌های شناخت خدا در قرآن. استاد راهنما: سید احمد فقیهی، استاد

مشاور: اسدالله جمشیدی، مجتمع آموزش عالی فقه، ۱۳۸۳، رحلی، ۱۸۹ ص.

نقوی، سیداعرف

۵۹۴. آسیب‌شناسی جنبشهای اسلامی افغانستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد

راهنما: محمد ستوده، استاد مشاور: غلامرضا بهروزلیک، دانشگاه باقرالعلوم (ع)،

۱۳۸۸، رحلی، ۲۴۷ ص.

نکوئی سامانی، مهدی

۵۹۵. آسیب‌شناسی دین و معرفت دینی. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول،

۱۳۸۹، وزیری، ۳۹۶ ص.

نگاهی به فرضیه‌های آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان و نوجوانان

۵۹۶. روزنامه همبستگی (۱۹ فروردین ۱۳۸۱)، ص ۶.

نوایی، علی اکبر

۵۹۷. «آسیب‌شناسی جدایی دین، توسعه و عدالت اجتماعی». اندیشه حوزه،

سال هفتم، شماره ۲ (مهر-آبان ۱۳۸۰)، ص ۱۹۱-۲۱۳.

نوبری، علیرضا و محمدعلی رضایی اصفهانی

۵۹۸. «آسیب‌شناسی تفسیر علمی با محوریت تفسیر پرتوی از قرآن». مطالعات

تفسیری، سال دوم، شماره ۸ (زمستان ۱۳۹۰)، ص ۶۵-۸۴.

نوذری، مرضیه ← شمشیری، بابک

نورآبادی، علی

۵۹۹. «آسیب‌شناسی جامعه اسلامی در زمان امام حسین (علیه السلام)». دانشگاه اسلامی،

سال ششم، شماره ۴ (پیاپی: ۱۶)، زمستان ۱۳۸۱، ص ۴۱-۶۲.

۶۰۰. آسیب‌شناسی دینی بررسی موردی تخریب و روشنفکری: با تأکید بر دیدگاه‌های



حضرت امام علیه السلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین هوشنگی، استاد مشاور: بیوک علیزاده، دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۱، رحلی.

۶۰۱. «آسیب‌های اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین علیه السلام». خورشید شهادت - دفتر سوم «امام حسین علیه السلام و احیای دین»: مجموعه مقالات برگزیده دومین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۵، وزیری، ص ۲۸۵-۲۹۹.

نوراللهیان، محمد رضا

۶۰۲. «چالش‌های فراروی روحانیت در عرصه تبلیغی بین‌الملل». حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به کوشش علی باقری‌فر، تهران: انتشارات بشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، وزیری، ج ۲، ص ۹۹-۱۲۰.

نوروزی، رضا علی و محسن احمدی

۶۰۳. «درآمدی بر آسیب‌شناسی تربیت دینی». علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه السلام (مصباح)، سال شانزدهم، شماره ۷۱ (مهر-آبان ۱۳۸۶)، ص ۱۶۱-۱۹۰.

نوروزی، محمد

۶۰۴. آسیب‌شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن. تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۹۰، وزیری، ص ۳۱۶.

نوری ایرانی، سیدابراهیم

۶۰۵. گامی در شناخت اسلام: علل پیشرفت و افول اسلام در اسپانیا. تهران: پیام نور، چاپ اول، ۱۳۸۶، رقعی، ص ۱۳۵.

نوری طبرسی، حسین

۶۰۶. لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان. تحقیق و ویرایش: حسین استادولی، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶، رقعی، ص ۲۴۸.

نورین، الهام

۶۰۷. «بررسی عوامل و موانع گرایش جوانان (دانشجویان) به نماز». نماز و دانشگاه:

مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین اجلاس سراسری نماز، گردآورنده: دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، اصفهان: چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ج ۱، ص ۳۹۳-۴۲۲.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف

۶۰۸. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ۴۷۲ ص.

برخی از مقالات این مجموعه دربارهٔ آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی است. عناوین این مقالات عبارت‌اند از: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، علی ذوعلم؛ آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، محسن نصری؛ عناصر اساسی در تئوری حکومت دینی امام خمینی علیه السلام، مهدی ابراهیمی؛ معنا و مفهوم آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، داود مهدی زادگان؛ مدلی بر آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، حسن بنیانیان؛ اصل آسیب برای انقلاب اسلامی، مصباح یزدی؛ آسیب‌شناسی تطبیقی، اصغر افتخاری؛ تداوم انقلاب، محمدرضا جواهری؛ بحران هویت اجتماعی و آسیب‌شناسی انقلاب، ابوالفضل اشرفی؛ تحول جمعیتی جوانان جامعهٔ ایران زمینه‌ای برای آسیب‌شناسی انقلاب، غلامعلی حداد عادل.

نهادندی، علی ← آسیب‌شناسی مناسبات روحانیت و نسل جوان نیک‌پناه، منصور

۶۰۹. «آسیب‌شناسی وحدت و انسجام اسلامی». اسوه، سال دهم، شماره ۱۰ (پیاپی: ۱۲۱)، دی ۱۳۸۶، ص ۲-۵، و شماره ۱۱ (پیاپی: ۱۲۲)، بهمن ۱۳۸۶، ص ۲-۸، و شماره ۱۲ (پیاپی: ۱۲۳)، اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۷-۲۰، و شماره ۱۲۴-۱۲۵ (فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۷)، ص ۱۷-۲۳.

نیکفر، محمدرضا

۶۱۰. «عزیمت از آزادی زن به قصد آسیب‌شناسی روشنفکری دینی». روزنامهٔ اعتماد ملی (۲۰ شهریور ۱۳۸۶)، ویژه‌نامهٔ آسیب‌شناسی روشنفکری دینی، ص ۱۰-۱۱.





وصالی، سعید

۶۱۱. «معرفی و نقد کتاب: آسیب‌شناسی دینی». کتاب ماه علوم اجتماعی، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۲ (اردیبهشت ۱۳۸۷)، ص ۲۰-۲۵.

این نوشتار، به معرفی و نقد کتاب «آسیب‌شناسی دینی: پژوهش‌هایی در حوزه اسلام‌شناسی و جامعه‌شناسی»، تألیف محمد اسفندیاری می‌پردازد.

وفا، جعفر

۶۱۲. «آسیب‌شناسی حکومت‌های شیعی: درس‌هایی برای نظام جمهوری اسلامی». حصون، شماره ۶ (زمستان ۱۳۸۴)، ص ۹۲-۱۱۰.

وکیلی، هادی

۶۱۳. «درباره دین پژوهی: لوازم، مشکلات و مسائل». کتاب نقد، سال دهم، شماره ۴۶ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۱۴۱-۱۶۲.

وهابی، محمدرضا

۶۱۴. آسیب‌شناسی تربیت دینی: پژوهشی در مسائل آسیب‌شناسی و راهبردهای اساسی برای نیل به تربیت دینی در آموزش و پرورش. آذربایجان شرقی: سازمان آموزش و پرورش، ۱۳۸۰.

ویسی، زاهد

۶۱۵. «آسیب‌زایی دین پژوهی به روایت نوگرایان». کتاب نقد، سال دهم، شماره ۴۶ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۵۳-۸۴.

۶۱۶. «نظریه مقاصد الشریعه یا اهداف دین؛ راهی برای گذار از آفات و آسیب‌های دین‌ورزی و دین‌پژوهی». کتاب نقد، سال نهم، شماره ۴۴ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۸۵-۱۰۸.

ویسی، غلامرضا

۶۱۷. «آسیب‌شناسی مدیریت از منظر اسلامی». حصون، شماره ۲۳ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۹)، ص ۶۱-۶۹، و شماره ۲۴ (خرداد - تیر ۱۳۸۹)، ص ۲۵-۳۳.

هادوی تهرانی، مهدی

۶۱۸. «موانع نواندیشی دینی». روزنامه کیهان، شماره ۱۹۴۹۵ (۴ آبان ۱۳۸۸).

ص ۶، و شماره ۱۹۵۰۷ (۱۸ آبان ۱۳۸۸)، ص ۶.

هادی منش، ابوالفضل

۶۲۱. «آسیب شناسی عزاداری عاشورا». پیام، شماره ۹۷ (دی ۱۳۸۸)، ص ۱۶۶-۱۸۰.

۶۲۰. «درگزند باد: آسیب شناسی فرهنگ عزاداری عاشورا». پیام زن، سال نوزدهم،

شماره ۹ (پیاپی: ۲۲۵)، آذر ۱۳۸۹، ص ۳۲-۳۳.

هاشمی جویباری، سیده مرضیه

۶۲۱. «آسیب شناسی تبلیغ». آئینه تبلیغ: آثار، موانع، راهکارها و آسیب ها: مجموعه

مقالات بانوان (۲)، تهیه و تدوین: کمیته علمی همایش اخلاق و معنویت، قم:

انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۳۴۹-۳۵۹.

هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی

۶۲۲. «آسیب شناسی روانی اجتماعی جامعه عصر علی (ع)». اندیشه حوزه، سال

هفتم، شماره ۳-۴ (مهرمن - اسفند ۱۳۸۰، فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۲۵۴-۲۷۵.

۶۲۳. «آسیب شناسی نماز و موانع تأثیر کارکردی آن». نماز حکومت، تربیت: مجموعه

مقالات برگزیده دهمین اجلاس سراسری نماز گردآورنده: دبیرخانه دائمی اجلاس نماز،

همدان: ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۹، وزیری، ص ۳۴۱-۳۵۵.

هاشمی، سیدحسین

۶۲۴. «قرآن و آسیب شناسی ماهوی فرهنگ». پژوهشهای قرآنی، سال چهاردهم،

شماره ۵۵-۵۴ (تابستان - پاییز ۱۳۸۷)، ص ۱۴۲-۱۷۱.

هدایت نیا، فرج الله

۶۲۵. «آسیب شناسی تبلیغ در روایات». شیوه های تبلیغ در احادیث، قم: پاداندیشه،

چاپ دوم، ۱۳۹۰، پالتویی، ص ۱۰۴-۱۲۶.

۶۲۶. «آسیب شناسی تبلیغ در قرآن». شیوه های تبلیغ در قرآن، قم: ذوی القربی، چاپ

دوم، ۱۳۹۰، پالتویی، ص ۱۰۳-۱۱۵.

هژبری، روح الله

۶۲۷. «عوامل تهدیدکننده عفت و پاکدامنی در آموزه های دینی». روزنامه رسالت

(۲۳ مرداد ۱۳۸۵)، ص ۱۵.



همامی، عباس و اکرم دیانی دردشتی

۶۲۸. «آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی حاکمان وزمامداران با تأکید بر سیره حکومت امام علی (ع)». پژوهش دینی، شماره ۱۴ (زمستان ۱۳۸۵)، ص ۹۵-۱۱۷.

همایون (مصباح)، حسین

۶۲۹. «چالشها و آسیبهای مدیریتی نظام (چهره سازواره‌ای دین و چالشها)». نگاه حوزه، شماره ۸۴-۸۵ (مهر ۱۳۸۱)، ص ۱۱۰-۱۱۵.

همت بناری، علی

۶۳۰. «نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان: با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش». تربیت اسلامی: ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی، به کوشش: علیرضا صادق‌زاده قفسری و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، با همکاری: عسگر ملکی بیرجندی، تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم، چاپ اول، ۱۳۸۰، وزیری، ص ۱۷۱-۱۸۶.

همتی، حیدر

۶۳۱. «تئوری‌پردازی در جامعه دینی: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی». روزنامه کیهان (۲۶ بهمن ۱۳۸۵)، ص ۶.

همتی‌فر، مینا

۶۳۲. «آسیب‌شناسی جامعه دینی». دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره ۲۷ (پاییز ۱۳۸۴)، ص ۱۶۰.

این نوشتار، معرفی کتاب «آسیب‌شناسی جامعه دینی»، تألیف عبدالحسین خسروپناه است.

هویدی، فهیمی

۶۳۳. «جهان اسلام؛ بررسی چالش‌های درونی و بیرونی». ترجمه مجتبی فردوسی - پور، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های «همایش بین‌المللی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» (۲-۱ دی ماه ۱۳۸۲)، به کوشش مجتبی فردوسی پور، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۲۸۹-۲۹۰.

یاسینی، مصطفی

۶۳۴. «فساد مالی، آفت توسعه: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی». روزنامه رسالت، شماره ۷۰۴۱ (۳ مرداد ۱۳۸۹)، ص ۶، و شماره ۷۰۴۶ (۱۰ مرداد ۱۳۸۹)، ص ۶، و شماره ۷۰۵۸ (۲۴ مرداد ۱۳۸۹)، ص ۶.

یثربی، سیدیحیی

۶۳۵. ماجرای غم‌انگیز روشنفکری در ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ سوم، ۱۳۸۲، رقعی، ۴۱۶ ص.

یزدانی، جواد

۶۳۶. «آسیب‌شناسی برنامه تربیت دینی». مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، به اهتمام: خسرو قبادی، با همکاری: ستاد اعتلاء و هماهنگی دروس قرآن، دینی و عربی، تهران: محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، وزیری، ص ۴۲۷-۴۶۲.

یزدانی، حمیدرضا ← سهرابی، بابک

یزدخواستی، بهجت و علی اسماعیلی

۶۳۷. «آسیب‌شناسی جنبش مشروطیت: تحلیل تطبیقی مبانی فکری مشروطیت با انقلاب اسلامی». پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۵ (زمستان ۱۳۸۷)، ص ۱۱۹-۱۶۶.

یوسفوند، محسن

۶۳۸. آسیب‌شناسی دینی در قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فاطمه هاشمی، استاد مشاور: محمد رضوی، تهران، ۱۳۸۸، رحلی، ۲۳۹ ص.

یوسفی‌راد، مرتضی

۶۳۹. «آسیب‌شناسی دولت اسلامی در آراء ابوالحسن مسعودی». علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۷ (پاییز ۱۳۸۸)، ص ۱۲۷-۱۴۲.



## نگاهی کوتاه به زندگی و شعر بنایی هروی

سید رضا باقریان موحد

### مقدمه

کمال الدین شیرعلی بن محمد بنایی هروی، شاعر، موسیقیدان و خوش‌نویس بزرگ در سال ۸۵۷ ق. در شهر هرات به دنیا آمد؛ تحصیلات خود را در همین شهر آغاز کرد و به پایان رساند؛ سپس به خوش‌نویسی و آموختن موسیقی همت گماشت. وی در نگارش خط تعلیق، نستعلیق و ثلث مهارت یافت و در موسیقی از سرآمدان روزگار خود شد و در شاعری چنان آوازه‌ای یافت که برخی او را پس از عبدالرحمن جامی، بزرگ‌ترین شاعر سده نهم قمری و حتی اشعر شعرای خراسان در این سده به شمار آوردند.

او فرزند استاد محمد سبز، از معماران و مهندسان مشهور خراسان بزرگ بود. فکری سلجوقی از وی با لقب «قدوة المهندسين» یاد کرده، و افزوده است که وی و پدرش از هرات به بلخ رفته و بارگاهی بر مزار منسوب به امام علی عليه السلام برپا ساخته‌اند.

او هم‌عصر امیرعلیشیرنوایی بود، اما میان آن دو، رابطه‌ای صمیمی برقرار نبود و همین امر سبب آوارگی بنایی از هرات گردید. امیرعلیشیرنوایی نوشته است که بنایی صاحب عجب و تکبر بود و همین صفت سبب شد تا مردم از او دور شوند و او مجبور به ترك هرات گردد. ولی بابر می‌گوید که بنایی از تیر طعن امیردرامان نبود و حتی روی آوردن وی به موسیقی و یادگیری آن در مدتی کوتاه، به سبب طعن و تحقیرهای امیرعلیشیر بوده است؛ هرچند سایر منابع اشاره دارند که مطایبات و سروده‌های نیش‌دار بنایی نسبت به امیردر ایجاد کدورت میان آن دو و ترك هرات توسط بنایی بی‌تأثیر نبوده است.

علیشیرنوایی درباره بنایی گفته است: «مولانا بنایی از اواسط الناس است و مولدش شهر

هرات است و قابل است ... چون بی پیری بود و کاربسر خود کرد، فایده‌ای به او نرسید و از طعن مردم در هری نتوانست بود. به عراق رفت و از آن دیار اخبارش به همین طور آمد. چون جوان است و مقبل و شکستگی غربت دید، امید است که به نفس او هم شکست رسیده باشد».

بنایی از بیم گزند امیرعلیشیر هرات را ترک گفت. وی ابتدا راهی شیراز گردید و به خدمت شیخ شمس الدین محمد لاهیجی، پیشوای صوفیان نوربخشیه درآمد و به جمع مریدان او پیوست و قصیده‌ای در مدح او سرود؛ سپس به آذربایجان رفت و به خدمت سلطان یعقوب آق قویونلو درآمد و به ستایش او و فرخ یسار شروانشاه پرداخت.

اقامت بنایی در هرات چندان به درازا نکشید، زیرا نقار و کدورت عمیق میان او و امیرعلیشیر و زخم زبان‌های بنایی بار دیگر او را از بیم جان، مجبور به ترک هرات ساخت. وی این بار ماوراءالنهر را برگزید و در سمرقند به خدمت سلطان علی میرزا از امیران تیموری درآمد. سمرقند مورد هجوم شیانیان قرار گرفت و سلطان علی میرزا دچار هزیمت شد و سمرقند به تصرف شیانیان درآمد. بنایی بالشکریان محمد خان شیانی شیک خان به خراسان بازگشت و از این پس در دستگاه آنان مورد توجه قرار گرفت و به منصب ملك الشعرايي شیک خان رسید. پس از کشته شدن شیک خان به ماوراءالنهر گریخت و در هجوم نیروهای شاه اسماعیل صفوی به ماوراءالنهر، همراه سایر مردم در سال ۹۱۸ ق. به دست سربازان صفوی کشته شد.



### آثار بنایی

دیوان بنایی شامل دو دفتر است؛ یکی با تخلص «بنایی» که دارای قصیده‌ها، غزل‌ها، مقطع‌ها و رباعی‌ها است. دفتر دیگری با تخلص «حالی» در پایان عمر سراییده است که در آن غزل‌های سعدی و حافظ را پاسخ گفته است. تقی‌الدین این دو دفتر را دیده است و اولی را دارای شش هزار بیت و دومی را حاوی سه هزار بیت گفته است. به جز این بنایی، منظومه‌های باغ ارم یا بهرام و بهروز را به نام سلطان یعقوب آق قویونلو ساخته است و متنوی دیگری هم به نام شیک خان و فتوحات وی پرداخته است که با حساب دو دفتر یاد شده، اشعار او حدود ۹ هزار بیت است.

رساله در موسیقی، که تنها اثر منشور باقی مانده از اوست از معدود آثاری است که به زبان فارسی و در زمینه موسیقی، در یک مقدمه و دو مقاله و یک خاتمه نوشته شده است. مقدمه آن، با خطبه‌ای آغاز می‌شود که در عین اختصار یکی از نمونه‌های ممتاز صنعت براءت استهلال است. در این خطبه، بسیاری از اصطلاحات موسیقی گنجانده شده است. این کتاب بر پایه دست‌نویسی که به وسیله خود بنایی با نستعلیق خوش نوشته شده، به صورت چاپ



تصویری در تهران ۳۶۸ ش به چاپ رسیده است.

### شعر بنایی هروی

بنایی راسخن شناسان پس از او «اشعر شعرای خراسان» دانسته‌اند. او از تواناترین شاعران عصر خود است که مانند استادان پیشین، شاعری را با آموختن مقدمات علوم و فنون گوناگون آغاز کرده بود و نبوغ فکری را با توانایی ذوق و قریحه همراه کرده بود. یکدستی سخن و کوشش در داشتن تعبیرها و تشبیه‌های مبتنی بر اطلاعات گوناگون علمی و ادبی او را مانند گویندگان نامدار سده‌های پنجم و ششم می‌سازد.

غیاث الدین منصور دشتکی (متوفی ۹۴۸) درباره او گفته است: «ملای شاعران و شاعر ملایان» است. تعبیرات و تشبیهاتی که مبتنی بر اطلاعات مختلف علمی و ادبی اوست، نشان می‌دهد که بدون تتبع در دیوان‌های پیشینیان به شاعری نپرداخته و فقط به قریحه و استعداد اکتفا نکرده است.

بنایی در شعر خود ضعف‌ها و مسامحه‌هایی زبانی دارد که به انحطاط زبان فارسی در عصر او بازمی‌گردد. او بیشتر قصیده‌سرایی تواناست که البته غزل‌های خوبی نیز گفته است و برخی از غزل‌هایش که به استقبال از دو استاد سخن شیراز گفته است، خالی از شور و زیبایی نیست. غزل‌های وی از نوع عاشقانه-عارفانه هستند.

اگرچه بنایی هروی به شدت از ذهن و زبان شاعران پیشین به ویژه سعدی و حافظ متأثر است اما ابداعاتی هم از خود دارد که در آن تعابیر خلاقانه و مبتکرانه‌ای وجود دارد. او به سنت شاعران این دوره از صناعات ادبی در حد مقبول و نه به افراط بهره می‌برد. عمده تشبیهات دیوان او از نوع حسی به حسی و عقلی به حسی است. تشبیه حروفی، تناسب کلمات، تضاد، تلمیح، ایهام، حسن تعلیل در شعر او دیده می‌شود. تلمیح به داستان پیامبران و داستان‌های عاشقانه مانند لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد از دیگر ویژگی‌های شعر بنایی هروی است.

سنت دیگری که شاعران عهد تیموری از آن تبعیت می‌کردند، جوابگویی یا استقبال از شعر شاعران متقدم با همان وزن و قافیه است. بنایی نیز همچون بیشتر شاعران هم دوره‌اش اهتمام زیادی به نظیره‌گویی داشت و از شاعران بزرگ مانند سعدی و حافظ تقلید کرد. او در غزلیاتش بیشتر از هر شاعر دیگر از امیر خسرو دهلوی و حسن دهلوی متأثر بود و آن دورا می‌ستود و خود را پیرو این دو شاعر می‌نامید: بنایی در طریق شعر می‌رفت از پی خسرو/ که در طرز غزل همراه شد طرز حسن با او.

اشعار بنایی بیشتر در بحر هزج سروده شده است. گویی بنایی اوزان این بحر عروضی را موسیقایی تر از اوزان بحر دیگر تشخیص داده و اکثر اشعار خود را در این بحر سروده است.

مهمترین مضامین مطرح شده در شعر بنایی واقعه گویی در غزل است. او از پیشگامان مکتب وقوع در شعر دوره تیموری است. واقعه گویی در شعر بنایی بسامد بالایی دارد: هرگز مرا به چاره دل دسترس نبود/ بیچاره تر ز من به جهان هیچ کس نبود...

یکی دیگر از مضامین پر کاربرد در شعر دوره تیموری بیان شدت ضعف و خواری عاشق در برابر معشوق یا به تعبیر دیگر سگ پنداری است که در شعر بنایی به شدت محسوس است. شاعر، خود را در مقام سگ کوی معشوق می بیند یا با سگان کوی او حسادت می کند و آرزوی جایگاه سگ معشوق را دارد. ذکر کوی معشوق و تشبیه خود به سگ از رایج ترین بن مایه های شعر او است و بیش از دیگر موضوعات در اکثر غزلیات او تکرار شده است:

گفتم بسی من از سگ کوی تو کمترم/ گفتا که بیش از این صفت خویشتن مکن...

غزل بنایی غالباً عاشقانه است و شخصیت عاشق فردی خاکسار و ذلیل در برابر معشوق تصویر شده است که به هرگونه خفت و خواری تن می دهد. نکات صوفیانه نیز گاه در غزل او به چشم می خورد.

شعر بنایی شعری ساده و روان و خالی از عیوب فصاحت است. او نیز همچون بیشتر شاعران همعصرش شاعری مقلد و نظیره ساز و استقبال کننده است. حافظ و سعدی و امیر خسرو دهلوی از جمله شاعران مورد استقبال بنایی بوده است. غزل بنایی غزلی عاشقانه است که در آن، واقعه گویی و گرایش به فرهنگ عامیانه و بیان مسائل مربوط به فرهنگ توده مردم با زبانی ساده و شیوا از ویژگی های بارز شعر او است.

مهمترین منابع برای شناخت بنایی هروی دو مقاله با این مشخصات است:

۱. مقاله «بنایی هروی» به قلم علی میرانصاری در جلد دوازدهم دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.

۲. مقاله «معرفی دیوان بنایی هروی و نگاهی به سبک شعراو» به قلم احمد علیزاده و میثم مهرنیا در فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، ۱۳۹۲ ش. شماره ۲۰، ص ۳۰۳.

دیوان بنایی هروی به تصحیح سید عباس رستاخیز بر اساس شش نسخه خطی (نسخه پاریس، نسخه کتابخانه آکادمی علوم ازبکستان، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، نسخه کتابخانه کاخ گلستان و نسخه کتابخانه عارف حکمت شهر مدینه در عربستان) در آستانه نشر است.





## نمونه‌ای از اشعار بنایی هروی

۱) ای ذات تو بنموده رخ از پرده اسما  
اسمای تو از روی عیان عین مسما  
ذات تو که فرد است ز روی احدیت  
ز اعیان متکثر شده در کسوت اسما  
دریای وجود تو و اشباح خیالات  
ظاهر شده چون کثرت امواج ز دریا  
خورشید جمال تو ز ذرات عیان است  
دور است که در دیده خفاش کند جا  
ناظر تو و منظور تویی ورنه ز خورشید  
ذرات به خورشید جمال تو هویدا  
تابان چو شود شعشعه مهر جمالت  
از کعبه تفاوت نکند دیر مسیحا  
خورشید قدم در همه ذرات بنایی  
بینی به یقین گر بودت دیده بینا

بسم

۲) سقاك الله يا ساقی افض راحا و ناوها  
که آن یاقوتی آمد قوت جانها قوت دلها  
به راه میکده کز گریه دردی کشان گل شد  
بین کآخر چه سرمستان فرورفتند در گلها  
به سرحد کمال اند آن مه روشن دلی چون بدر  
که گردد تیزهم چون ماه نو در قطع منزلها  
فلك دورم فکند از راحت شبهای وصل او  
لیال الوصل راحت یا دلیل النحر واصلها  
مشو از ناله شبگیرم ای محمل نشین رنجه  
که فریاد جرس رسم است در دنبال محملها  
در اول قصه غمهای خود بنهفتم از مردم  
ولی این داستان افسانه شد آخر به محفلها

به اشراق خرد کشف دقائق کن که در زندی  
اشارات است قانون در طریق حلّ مشکل‌ها  
فضیلت نیست غیر از زندی و عشق و جنون حالی  
فَعَطَّلَ كُلَّ مَا حَاوَلَتْ فِي الدُّنْيَا وَحَصَلَهَا  
﴿﴾

(۳) زرشكِ همدان داری به رنج ای نازنین ما را  
مشو با هر کسی همدم مرنجان بیش از این ما را  
برای خاطر دشمن زما قطع نظر کردی  
مینداز از نظریکبارگی هم این چنین ما را  
زما چشم عنایت بسته در اغیار می بینی  
نبود ای یار جانی از تو هرگز چشم این ما را  
کنی آزار ما تا دشمنان را شادمان سازی  
برای شادی ایشان مساز اندوهگین ما را  
مقید ساختی آخر به هر تار سر زلفم  
به کفر اقرار فرمودی بر آوردی ز دین ما را  
اسیران را کم بردار گفתי جای آن دارد  
که از شادی نیاید بعد از این پا بر زمین ما را  
بنایی آستین بر دیده خونبار می مالم  
از آن چون غنچه پُر خون است دایم آستین ما را  
﴿﴾

(۴) خواهد دل من کوی تو هر جا برم اورا  
نتوانم از این کوی که باز آورم اورا  
آرام دل من بود آن شوخ که چون دل  
آرام نباشد نفسی در برم اورا  
از سیم سرشک و، ز رخساره چه حاصل  
هرگز چون شد میل به سیم وزرم اورا  
پهلوی به زمین آن سگ کورا نپسندم  
بستر شود ای کاش ز خاکستم اورا  
اشک از پی غمّازی دل می رود از چشم  
بیرون مبرای گریه ز چشم ترم اورا



ساقی همه درد سرم از دستِ خمار است  
عیشی است اگر باز کنی از سرم او را  
وصفش چو نیاید به سخن راست بنایی  
چون وصف کند طبع سخن پرورم او را

بسم

(۵) ساغرم دادی و برابر و فکندی تاب را  
زهر کردی ساقیا بر من شراب ناب را  
غمزه کردی تیغ و، مژگان ناوک و، ابرو کمان  
بهر قتل من مرتب ساختی اسباب را  
دیده‌ام خلوتگه خاص خیال توست از آن  
راه ندهم در حریم دیده‌ای خود خواب را  
گر نه بی تاب است از مهر مه من هر شبی  
چیست افتادن به خاک کوی او مهتاب را  
من که کردم سجده پیش طاق ابروی بتی  
سرچو زاهد کی فرود آرم دگر محراب را  
گر نمی‌گردد به گلشن از وداع گل ملول  
وقت رفتن چیست رو در هم کشیدن آب را  
ای بنایی ناله جانسور تا کی می‌کشی  
بس کن آخر چند می‌سوزی دل احباب را

بسم

(۶) تو می‌روی و زجا می‌رود دلم یازا  
به جانشین و نگه داشت کن دل مارا  
چو ساعد تو دل عاشقان شیدا برد  
مده زدست دل عاشقان شیدا را  
سیاه باد چو خال تو خانه دل من  
گراز خیال تو خالی کنم سویدا را  
اگر نه پیش قدت سرور است میل سجود  
چرا ز سایه در آب افکند مصلاً را  
جمال دلبر ما را چه احتیاج به وصف  
که نیست حاجت مشاطه روی زیبارا

چو سوراستی آموز و آزمایش کن  
در این معامله یاران پای بر جا را  
تو حالیا مده امروز نقد عیش زدست  
که رفت دی و که دانست حالِ فردارا  
بسم

(۷) می و معشوق می خواهیم نه مال و ملک دنیا را  
که از دنیا و مافیها می و معشوق بس ما را  
من از قصر محبت کرده بودم سر بیرون روزی  
که معمار قضا می بست این نه طاق مینارا  
معمائی است بس مشکل گشا اسرار عشق ای دل  
که آسان نیست حلّ مشکل آن هیچ دانا را  
به تحلیل وجود خویش و ترکیب می و ساغر  
توانی کشف کرد ایما و رمز این معمارا  
جمال عشق اگر از روی مستوری کشد برقع  
ندانی از مسلمان فرق کردن گیر و ترسارا  
گراز همت نبودی اهل دل را پایه عالی  
قدم بر تارک خورشید کی بودی مسیحا را  
ز چشم منکران کور دل ساغر نهان اولی  
که تاب دیدن خورشید نبود چشم امارا  
به نقد امروز را در کار فردا کردی ای خواجه  
به فردا گرسی آن به که سازی کار فردارا  
جهان را نیست پیدا پا و سر حالی همان اولی  
که پا بر سر نهی حالی جهان بی سرو پارا  
بسم

(۸) دلا در عشق اگر خواهی که سازی حلّ مشکل ها  
چو مردان همتی در یوزه می کن از درد دل ها  
جمال یار اگر خواهی بیراز خود چو زلف او  
وصال کعبه می جوئی به سر کن قطع منزل ها  
فلك دورم فکند از دولت شب های وصل او  
لیالی الوصل راحت یا دلیل الخیر اوصل ها



مشو از ناله شبگیرای محمل نشین رنج  
که فریاد جرس رسمی است در دنبال محمل ها  
در اول قصه غم های خود بنهفتم از مردم  
ولی این داستان افسانه شد آخر به محفل ها  
فضیلت نیست غیر از زندگی و عشق و جنون حالی  
فِعْطَلْ كُلُّ مَا جَاوَلَتْ فِي الدُّنْيَا وَ حَصَلَهَا

### منابع

- آتشکده آذر، لطفعلی بن آقاخان آذربیکدلی، به کوشش حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۸ ش.
- آثار هرات، خلیل الله خلیلی، تهران، عرفان، ۱۳۸۳ ش.
- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران، فردوس، ۱۳۶۳ ش.
- تاریخ ادبیات فارسی، کارل هرمان اته، ترجمه باحواشی رضازاده شفق، تهران ۱۳۵۱ ش.
- تاریخ حبیب السیر، غیاث الدین بن هماد الدین خواندمیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲ ش.
- تاریخ نظم و نثر فارسی در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، سعید نفیسی، تهران، فروغی، ۱۳۶۳ ش.
- تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی، به کوشش رکن الدین همایونفرخ، تهران، علمی، بی تا.
- تذکره مجالس النفاثس، امیرعلیشیرنویسی، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری، ۱۳۶۳ ش.
- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- رساله در موسیقی، کمال الدین بن محمد بنایی هروی، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸ ش.
- عرفات العاشقین، تقی الدین بلیانی، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۹ ش.
- فرهنگ سخنوران، عبدالرسول خیامپور، تهران ۱۳۶۸ ش.
- فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

